

صحیفه حج

مجموعه سخنان و پیامهای

مقام معظم رهبری

جلد ۱-۲

بسم الله الرحمن الرحیم

صحیفه حج

نویسنده:

مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

صحیفه حج

مشخصات کتاب

سرشناسه : خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹

عنوان و نام پدیدآور : صحیفه حج

مشخصات نشر : تهران: مشعر، - ۱۳۸۲.

شابک : ۲۰۰۰۰ریال:(ج.۱) ؛ ۲۰۰۰۰ریال:(ج.۱)

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : نمایه

مندرجات : ج. ۱. مجموعه سخنان و پیام های رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره)

موضوع : خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹ -- نظریه درباره حج

موضوع : حج

رده بندی کنگره : DSR۱۵۷۴/۵ /ح۳ ص۳ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۲-۲۷۷۱۴

ص: ۱

جلد ۱

اشاره

مقدّمه

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

«مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج بطور صحیح و شایسته مو به مو عمل شود».

حضرت امام خمینی قدس سره

حجّ نمایشی پرشکوه، از اوج رهایی انسان موحّد از همه چیز جز او، و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس، و جلوه بی مانندی از عشق و ایثار، و آگاهی و مسؤولیت، در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حجّ تبلور تمام عیار حقایق و ارزشهای مکتب اسلام است.

مؤمنان گرچه با این عبادت الهی، آشنایی دیرینه دارند، و هر سال با حضور شورانگیز از سراسر عالم، زنگار دل، با زلال زمزم توحید می زدایند، و با حضرت دوست تجدید میثاق می کنند، و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه های حیاتبخش حجّ است، امّا هنوز ابعاد بی شماری از این فریضه مهمّ، ناشناخته و مهجور مانده است.

پیروزی انقلاب اسلامی، در پرتو اندیشه های تابناک امام خمینی- رضوان اللَّه تعالی علیه- حجّ را نیز همچون سایر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشاند، و

سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. امّا هنوز راهی دراز در پیش است، تا فلسفه و ابعاد و آثار و برکات حجّ، شناخته و شناسانده شود، و مؤمن حجّ گزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف کریمه، و مشاعر عظیمه، که محلّ هبوط ملائکه اللَّه، و توقّف انبیا و اولیا بود، گام بگذارد.

در راستای تحقق این هدف بزرگ، بعثه مقام معظّم رهبری با الهام از اندیشه های والا و ماندگار امام راحل، احیاگر حجّ ابراهیمی- قدّس سرّه الشّریف- و بهره گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی حضرت آیهاللَّه خامنه ای- مدّ ظلّه- با تأسیس معاونت آموزش و پژوهش، تلاش می کند فصل جدیدی فرا راه اندیشمندان مسلمان، و علاقمندان به فرهنگ حجّ، و زائران و راهیان حرمین شریفین بگشاید. از این رو در عرصه تحقیق و تألیف و ترجمه، آثار گوناگون پیرامون حقایق و معارف حجّ، آشنایی با اماکن مقدسه، تاریخ و سرگذشت شخصیتهای بزرگ اسلام تبیین عقائد شیعه و پاسخگویی به شبهات وهابیان، بررسی رویدادها و عرضه خاطرات و بویژه آموزش مسائل و آداب حجّ تلاشهایی را آغاز کرده است.

آنچه اینک پیش روی خواننده قرار دارد برگ سبزی است از این دفتر.

بی گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارساییها خواهد کاست، و در این راه معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظّم رهبری، از همکاری همه علاقمندان استقبال کرده، و دست آنان را به گرمی می فشارد.

از مؤسسه حفظ و نشر آثار حضرت امام خمینی قدس سره الشریف که در تهیه و تنظیم این اثر ارزشمند ما را یاری دادند، صمیمانه سپاسگذاری می نماییم.

و من اللَّه التوفیق و علیه التکلان

معاونت آموزش و پژوهش

بعثه مقام معظم رهبری

ص: ١١

پیام

زمان: بهمن ١٣۴٩/ ١٣٩٠

مکان: نجف

موضوع:

هشدار به مسلمین جهان در مورد فلسطین و افشای جنایتهای رژیم شاه

مناسبت: برگزاری مراسم حج

مخاطب: زائران بیت اللَّه الحرام

هشدار به مسلمین جهان در مورد فلسطین و ...

بسمه تعالی

خدمت عموم زائرین بیت اللَّه الحرام

- ایّدهم اللَّه تعالی

بعد از ابلاغ سلام و تحیات وافره اکنون که به واسطه سستی و سهل انگاری ملتهای اسلامی، چنگال خبیث استعمار تا اعماق سرزمینهای بزرگ ملت قرآن فرو رفته و تمام ثروت و مخازن بزرگ ما در قشر ملی بودن به کام آنان فرو می ریزد، فرهنگ مسموم استعمار تا اعماق قصبات و دهات ممالک اسلامی رخنه کرده فرهنگ قرآن را عقب زده و نوباوگان ما را فوج فوج در خدمت بیگانگان و مُسْتَعمِرین درمی آورد، و هر روز با نغمه تازه با اسامی فریبنده جوانان ما را منحرف می کند، بر شما ملت عزیز اسلام که برای ادای مناسک حج در این سرزمین وحی اجتماع کرده اید لازم است از فرصت استفاده کرده به فکر چاره باشید. برای حل مسائل مشکله مسلمین تبادل نظر و تفاهم کنید.

باید توجه داشته باشید که این اجتماع بزرگ که به امر خداوند تعالی در هر سال در این سرزمین مقدس فراهم می شود، شما ملتهای مسلمان را مکلف می سازد که در اهداف مقدسه اسلام، مقاصد عالیه شریعت مطهره و در راه ترقی و تعالی مسلمین و اتحاد و پیوستگی جامعه اسلامی کوشش کنید. در راه استقلال و ریشه کن کردن سرطان استعمار، همفکر و هم پیمان شوید. گرفتاریهای ملل مُسْلِم را از زبان اهالی هر مملکت شنیده و در راه حل مشکلات آنان از هیچ گونه اقدامی فروگذار نکنید. برای فقرا و

مستمندان کشورهای اسلامی فکری کنید. برای آزادی سرزمین اسلامی فلسطین از چنگال صهیونیسم، دشمن سرسخت اسلام و انسانیت، چاره اندیشی کنید. از مساعدت و همکاری با مردان فداکاری که در راه آزادی فلسطین مبارزه می کنند غفلت نورزید.

بر دانشمندانی که در این اجتماع شرکت می کنند، از هر کشوری که هستند، لازم است برای بیداری ملتها بیانیه های مستدلی با تبادل نظر صادر کرده و در محیط وحی بین جامعه مسلمین توزیع نمایند، و نیز در کشورهای خود پس از مراجعت، نشر دهند؛ و در آن بیانیه ها از سران کشورهای اسلامی بخواهند که اهداف اسلام را نصب عین خود قرار داده اختلافات را کنار گذاشته برای خلاصی از چنگال استعمار چاره بیندیشند.

اگر سران کشورهای اسلامی از اختلافات داخلی دست بردارند و با اهداف عالیه اسلام آشنا شوند و به سوی اسلام گرایش پیدا کنند، اینگونه اسیر و ذلیل استعمار نمی شوند. این اختلافات سران کشورهای اسلامی است که مشکله فلسطین را به وجود آورده نمی گذارد حل شود. اگر هفتصد میلیون مُسْلِم، (۱) با این کشورهای عریض و طویل، رشد سیاسی داشتند و با هم متحد و متشکل شده در صف واحد قرار می گرفتند، برای دولتهای بزرگ استعمار ممکن نبود که در ممالک آنها رخنه کنند تا چه رسد به مشتی یهود که از عمال استعمارند.

در این اجتماع بزرگ حج که باید به نفع اسلام و مسلمین بهره برداری شود، با کمال تأسف دیده می شود که بعضی قلمهای مسموم عمال استعمار برای تفرقه صفوف مسلمین سالهاست که برخلاف مقاصد صاحب وحی در مرکز وحی اوراقی را به اسم الخطوط العریضه و امثال آن نشر می دهند (۲) و به مُسْتَعْمِرین کمک می نمایند، و می خواهند با دروغ و افترا یک جمعیت قریب صد و پنجاه میلیون نفری (۳) را از صفوف مسلمین جدا کنند. جای تعجب است که حکومت حجاز چگونه اجازه می دهد این اوراق گمراه کننده در مرکز وحی پخش شود!

۱- جمعیت مسلمانان جهان در زمان صدور پیام.

۲- جزواتی که عمال وهابی سعودی، علیه تشیع منتشر می ساختند.

۳- منظور، شیعیان جهان است.

بر ملتهای اسلامی لازم است که از این گونه کتابها و نشریات تفرقه انگیز و استعماری اجتناب کنند، و این اشخاص مخالف وحدت مسلمین را طرد نمایند. و در این اجتماع مقدس حج، اولًا در مسائل اساسی اسلام، و ثانیاً در مسائل خصوصی کشورهای اسلامی تبادل نظر کرده ببینند که در داخل کشورها با دست استعمار و عمال آن بر برادران مسلمان آنان چه می گذرد. اهالی هر کشوری باید در این اجتماع مقدس گرفتاریهای ملت خود را به مسلمین جهان گزارش دهند.

اینک اینجانب به حکم وظیفه، شمه ای از گرفتاریهای ملت مظلوم ایران را تذکر می دهم تا مسلمین جهان بدانند که به مردم بی پناه این کشور اسلامی چه می گذرد. آثار شوم استعمار در این مملکت از سایر ممالک اسلامی بیشتر به چشم می خورد. اسرائیل که امروز دشمن شناخته شده اسلام و مسلمانهاست و مدتهاست که با ملل مُسْلم در حال جنگ است، به دست دولت خبیث ایران در تمام شئون اقتصادی، نظامی و سیاسی دخالت دارد؛ و باید گفت ایران به صورت پایگاه نظامی اسرائیل و در واقع امریکا درآمده است. اجانب در این کشور به تمام معنی مصونیت دارند ولی علما، دانشمندان، فرهنگیان و سایر طبقات از هیچ ظلمی مصون نیستند. بازرگانان محترم، یکی پس از دیگری، ورشکست شده؛ ظلم و فشار دستگاه حاکمه بشدت هر چه تمامتر گلوی این ملت مظلوم را می فشارد. اختناق، حبس و زجر قرون وسطایی حکومت می کند. با اسم سپاه دانش و سپاه بهداشت و دیگر اسامی فریبنده، مقاصد شوم استعمار، همزمان با اشاعه فحشا- در اعماق قصبات و دهات در جریان است. مبارزه با علم و فرهنگ با شدت هر چه بیشتر ادامه دارد و می خواهند ملت بدبخت را به دستور استعمارگران عقب مانده نگه دارند. با ادعای اسلام و تظاهر به مسلمانی کمر به نابودی اسلام بسته و احکام مقدسه قرآن را یکی پس از دیگری محو و نابود می کنند. علمای اعلام و محصلین علوم اسلامی در تحت فشار عمال استعمار دست و پا می زنند. مدارس علوم دینیه، مساجد و محافل اسلامی را می خواهند قبضه کنند و این برنامه را مقداری عملی کرده اند. با بهانه های بی اساس به دانشگاهها حمله می کنند و جوانان ارجمند را از دانشگاه به زندان و سربازخانه می کشانند. حوادث اخیر دانشگاههای ایران و یورش وحشیانه و بی رحمانه

دستگاه جبار به دانشجویان، سخت ما را متأسف ساخته. این روش غیر انسانی نمونه دیگری از نقشه های استعمارگران برای سرکوبی دانشگاهها و دانشجویان می باشد. من این اعمال چنگیزی و قرون وسطایی را شدیداً تقبیح می کنم؛ و اطمینان دارم که دانشجویان غیور وطنخواه هرگز عقب نشینی نکرده تسلیم نخواهند شد.

این انقلاب ننگین و خونینِ به اصطلاح سفید، که در یک روز با تانک و مسلسل پانزده هزار مسلمان را- آنطور که معروف است- از پای درآورد، روزگار ملت را سیاهتر ساخت. زندگی دهقانان و زارعین اسیر را بیشتر تباه کرد. اکنون در بسیاری از شهرستانها و اکثر روستاها درمانگاه، دکتر و دارو وجود ندارد. از مدرسه، حمام و آب آشامیدنی سالم خبری نیست و- به حَسَب اعتراف بعضی از مطبوعات- در بعضی از دهات، کودکان معصوم را از گرسنگی به چرا می برند ولی دستگاه جبار صدها میلیون تومان از سرمایه این مملکت را صرف جشنهای ننگین می کند؛ جشن تولد این و آن، جشن بیست و پنجمین سال سلطنت، جشن تاجگذاری و از همه مصیبتها بالاتر جشن منحوس ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، که خدا می داند چه مصیبت و سیه روزی برای مردم و چه وسیله اخاذی و غارتگری برای عمال استعمار به بار آورده است. بودجه هنگفت و سرسام آوری که در این امر مبتذل صرف می شود اگر برای سیر کردن شکمهای گرسنه و تأمین زندگی سیه روزها خرج می شد، تا اندازه ای از مصیبتهای ما می کاست لیکن استفاده جویی و خودکامگی نمی گذارد که اینها به فکر ملت باشند. دستگاه جبار، با پول ملت مسلمان، برای شاهانی که در هر عصر ملتها را در زیر چکمه های نظامی خود خرد کرده اند، شاهانی که همیشه با مذاهب حقه دشمنی داشتند، شاهانی که دشمن سرسخت اسلام بوده و نامه مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و آله را پاره کردند، (۱) شاهانی که نمونه آنان در عصر حاضر پیش چشم همه است، جشن می گیرد و چراغانی می کند. دنیا بداند که این جشنها و عیاشیها مربوط به ملت شریف و مسلمان ایران نیست، و دایر کننده و شرکت کننده این جشنها خائن به اسلام و ملت ایران می باشند.

۱- اشاره به جسارت خسرو پرویز، پادشاه ساسانی.

من دست عموم ملت اسلام و آزادیخواهان جهان را در راه قطع ریشه استعمار و استعمارگران، استقلال ممالک اسلامی و گسستن زنجیرهای اسارت می فشارم، و از خداوند متعال دفع شرّ دستگاههای جبار و عمال کثیف استعمار را مسئلت نموده قبولی اعمال و مناسک عموم را خواستار است. والسلام علیکم و رحمهاللّه و برکاته.

روح اللّه الموسوی الخمینی

«اساساً اسلام با اساس شاهنشاهی مخالف است، هرکس سیره رسول خدا را در وضع حکومت ملاحظه کند می فهمد اسلام آمده است این کاخهای ظلم شاهنشاهی را خراب کند، شاهنشاهی از کثیف ترین و ننگین ترین نمونه ارتجاع است». (۱)

۱- این فراز در زمان انتشار و توزیع پیام حذف گردید. آقای سید حمید روحانی سبب آن را چنین اظهار می دارد: خاطره تلخی که در رابطه با این پیام دارم، حذف فرازی والاـ و پر ارج در این پیام از طرف امام بود، هنوز پیام از زیر چاپ بیرون نیامده بود که امام، نگارنده را با فوریت به حضور فرا خواند و فرمود: چون احتمال دارد برای ناشرین اعلامیه در مراسم حج گرفتاری پیش بیاید و از طرف رژیم سلطنتی حجاز دستگیر شوند، مطلبی را که علیه اساس سلطنت و پادشاهی در این اعلامیه آورده ایم، به مصلحت نمی دانم چون ممکن است برای آنهایی که در رابطه با پخش این اعلامیه در حجاز دستگیر می شوند، خطر جانی به همراه داشته باشد و رژیم سعودی آنان را به اتهام قیام بر ضد «نظام مُلکی» گردن بزنند، از این رو، آن چند جمله ای را که اساس سلطنت را نفی می کند حذف کنید.نزدیک به این مضامین). نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۶۹۸.

ص: ۱۶

پیام

زمان: ۲۶ مهر ۱۳۵۷/ ۱۵ ذی القعده ۱۳۹۸

مکان: پاریس، نوفل لوشاتو

موضوع: مصایب و گرفتاریهای ملت مسلمان ایران

مناسبت: فرا رسیدن ایام حج

مخاطب: زائران بیت اللَّه الحرام و مسلمین جهان

مصایب و گرفتاریهای ملت مسلمان ایران

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

اکنون که موسم حج بیت اللَّه الحرام است و مسلمین از اطراف جهان به زیارت خانه خدا آمده اند، لازم است در خلال اعمال شریفه حج به یکی از بزرگترین فلسفه این اجتماع عظیم توجه داشته و به وضع اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلام رسیدگی کرده و از گرفتاریهای برادران ایمانی خود مطلع گشته و در رفع آن حسب وظیفه اسلامی و وجدانی کوشش کنند. اهتمام به امر مسلمین، از فرایض مهمه اسلام است. اینک اینجانب از وضع گرفتاری ملت مسلمان ایران، گزارشی به شما زائران بیت اللَّه الحرام می دهم و از مسلمین همه اقطار (۱) عالم استمداد می کنم.

ایران که اکنون حدود سی میلیون مسلمان دارد، از پنجاه سال قبل تاکنون گرفتار در چنگال خاندان پهلوی، که رسماً نوکر اجانب بوده و هستند، می باشد. در این پنجاه سال سیاه، این ملت بزرگ، در تحت فشار پلیس و اختناق و شکنجه روحی دست و پا می زند، و تمام مخازن زیرزمینی و منافع حیاتی ملت را شاه به اجانب داده است. نفت را امریکا و گاز را شوروی و مراتع و جنگلها را به علاوه بر بخشی از نفت، انگلیس و بعض کشورهای دیگر. مردم را از تمام مظاهر حیاتی محروم نموده و به حال عقب ماندگی نگه داشته. نظام

۱- نواحی.

ارتش و فرهنگ ما و اقتصاد کشور، استعماری و رشد را به همه ابعادش از ملت سلب نموده، اکنون که در سالهای اخیر، ملت بیدار شده و برای احقاق حق خود بپاخاسته و فریاد مظلومانه اش بلند شده است، جواب آنها با مسلسل و تانک و توپ داده می شود.

قتل عامهایی که در این چند ماه اخیر در شهرهای ایران رخ داده، روی تاریخ را سیاه نموده. شاه با تمام قوای جهنمی به پشتیبانی امریکا به جان مردم مظلوم افتاده؛ ایران اکنون به شکل قبرستانی مبدل و اعتصابات عمومی سرتاسر کشور را فرا گرفته، و شاه در این نفسهای آخرش می خواهد از این ملت مستضعف انتقام بگیرد. سایه شوم حکومت نظامی بر سر ملت برقرار و دست کماندوهای مزدور برای قتل بزرگ و کوچک و زن و مرد باز است.

اینجانب در هیچ یک از کشورهای اسلامی اجازه ادامه به فعالیت خود، که رساندن ندای مظلومانه ملت است به عالم ندارم، و چون وظیفه دینی و وجدانی خود را باید ادا کنم، به ناچار به خارج از بلاد مسلمین آمدم، شاید بتوانم جوامع بشری را از آنچه به ملت مظلوم ایران می گذرد آگاه، و تا پیدا کردن فرصت برای ادامه عمل در یکی از بلاد اسلامی، در خارج زیست می کنم.

اکنون ای مسلمین جهان، در امر ایران اهتمام کنید و ناله یک ملت سی میلیونی مستضعف را به جهانیان برسانید. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله منقول است: «مَنْ اصْبَحَ و لَمْ یَهْتَمَّ بِأُمور المُسلمینَ فَلَیْسَ بِمُسلِمٍ». (۱) «اللهُمَّ قد بلَّغتُ». (۲)

والسلام علی من اتبع الهدی.

روح اللّه الموسوی الخمینی

۱- «هر که صبح کند و به امور مسلمانان همت نگمارد مسلمان نیست». حدیث نبوی. نظیر همین حدیث از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده اصول کافی، کتاب الایمان والکفر، باب الاهتمام بامور المسلمین، ج ۲، ص ۱۶۳.
۲- خدایا تکلیف خود را ادا کردم.

سخنرانی

زمان: بامداد جمعه ۳۱ فروردین ۱۳۵۸/ ۲۲ جمادی الاول ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: نقش اسلام در پیروزی مسلمانها- رهنمودهایی به هیأت نمایندگی عربستان

حضار: اعضای هیأت نمایندگی عالیرتبه مذهبی عربستان سعودی به ریاست محمدالسبیلامام جماعت مسجدالحرام)، سفیر آن کشور، و میناچی، ناصروزیر اطلاعات و تبلیغات- وزارت ارشاد- و سرپرست سازمان اوقاف)

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

مسجد، مرکز جنبش و خیزش

اولًا تشکر می کنم از این وَفْد (۱) و از امام محترم (۲) و از ملت حَرَمَیْنِ شریفین، ریاض واز جلالت ملک (۳) که شما را برای تفقد از ما اینجا فرستاده است. مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکتهای اسلامی بوده؛ از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در [زیر] بیرق اسلام بوده است. همیشه در صدر اسلام مسجد مرکز حرکات و مرکز جنبشها بوده است. شما که از اهالی مسجد و از علمای مساجد هستید، باید پیروی از پیغمبر اسلام و اصحاب آن سرور کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامیه و برای قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفین در مقابل مستکبرین قرار بدهید.

نقش اسلام در پیروزی مسلمانها

ما به خواست خدای تعالی با آنکه بی سازوبرگ بودیم و ملت ما در دستش از

۱- هیأت سیاسی.

۲- آقای محمدالسبیل، امام جماعت وقت مسجدالحرام و رئیس هیأت مذهبی اعزامی.

۳- ملک خالد بن عبدالعزیز، پادشاه وقت عربستان سعودی.

تفنگ و آلات جنگی چیزی نبود، به واسطه قدرت ایمان و وحدت کلمه بر قوای طاغوتی غلبه کردیم. و من امیدوارم که همه ملتهای اسلامی بپاخیزند و با وحدت کلمه و با توجه به اسلام و قدرت ایمان، بر اجانب و بر کسانی که می خواهند این ملتها را همیشه در تحت اختیار و سلطه خود داشته باشند غلبه کنند. رمز پیروزی مسلمین در صدر اسلام، وحدت کلمه و قوّت ایمان بود؛ قوّت ایمان بود که یک لشکر ضعیف را بر امپراتوریهای بزرگ عالم غلبه داد، و سی نفر به قیادت (۱) خالدبن ولید (۲) بر شصت هزار نفر لشکر پیشقراول روم غلبه کرد. این قدرت اسلام بود که پیش می برد، و ما مسلمین باید با قدرتِ اسلامْ اسلام را پیش ببریم.

باید با قوای کفر به قدرت اسلامی مبارزه کنیم و دست تبهکاران را از ممالك خودمان دور کنیم. اگر وحدت کلمه اسلامی بود و اگر دولتها و ملتهای اسلام به هم پیوسته بودند، معنا نداشت که قریب یك میلیارد جمعیت مسلمین زیر دست قدرتها باشد. اگر این قدرت- قدرت بزرگ الهی- مُنْضَم (۳) بشود به قدرت ایمان و همه با هم برادرانه در راه اسلام قدم بردارند، هیچ قدرتی بر آنها غلبه نخواهد کرد.

خطر اسرائیل

مع الأسف با اختلافاتی که در مناطق دیده می شد- و خصوصاً در مناطق عربی- این موجب شده است که اسرائیل با جمعیت کمی که دارد در مقابل اعراب با آن جمعیت کثیر و ساز و برگ کثیر ایستادگی کند. اگر جلوی این جرثومه فاسد گرفته نشود، طمع او بر تمام منطقه است و او قناعت نمی کند فقط بر فلسطین و مسجد اقصی؛ او همه جا را می خواهد غلبه کند.

بر مسلمین و بر دولتهای اسلامی است که با هم متحد بشوند و این جرثومه فساد را از بن و بیخ برکنند و [به] کسانی که پشتیبانی آنها را می کنند اجازه ندهند که پشتیبانی کنند.

۱- رهبری، فرماندهی.

۲- صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و فاتح امپراتوری بیزانس در دوران حکومت عمربن خطاب.

۳- ضمیمه.

من از خدای تبارک و تعالی قدرت اسلام و عظمت اسلام و مسلمین را و وحدت کلمه آنها را خواستارم.

اندرز به سعودی ها

حکومت سابق ما برای اینکه همه طور خدمت به اربابهای خودش بکند، در اینجا فجایع کرد، و در خصوص زائرین بیت اللَّه الحرام مضیقه هایی ایجاد کرد؛ و گاه نسبت به مسئولین دولت سعودی چیزهایی گفت که شاید پیش ایرانی ها یک ناراحتیهایی از آنها هم حاصل شد. و ما پس از رفتن او و قطع ید غاصبه او متوجه این هستیم که در سالهای آتیه مملکت سعودی با ایرانی هایی که برای زیارت بیت اللَّه و حرمین شریفین می آیند، چه نحو عمل خواهد کرد. ایرانی ها نظر به این معنا دوخته اند که با برادران خودشان چه نحو عمل خواهد شد. و من امیدوارم که اکنون که دست ظلم از این مملکت کوتاه شده است و تبلیغات سوئی که می کردند از بین رفته است، برادرهای ما با هم برادر باشند و رفتار آنها رفتارهای برادرانه باشد و برای حجاج بیت اللَّه تسهیلات فراهم کنند، و از خدای تبارک و تعالی این توفیق را خواستارم.

سرمشق قرار دادن تاریخ

تاریخ باید سرمشق ما باشد و ما وقتی که تاریخ را نگاه می کنیم، تحولاتی که پیدا شده است در اسلام و در مسلمین، هر جا که قوّت ایمان در کار بوده است و مردم و مسلمین به قوّت ایمان حرکت می کردند، نصر با آنها همراه بوده است. و هر وقت برای رسیدن به آمال دنیایی بوده است، نصر از آنها فرار می کرده است.

تعلیمات انبیا و تعلیم نبی اکرم صلی الله علیه و آله این است که با قدرتهای معنوی، شما می توانید پیش ببرید. آن قوه های معنوی که پشت سر مسلمین بود و ملائکهاللَّه که قدرت معنوی بود موجب شد که مسلمین در کمتر از نیم قرن بر همه معموره (۱) دنیا سلطه پیدا کنند. ما باید از

۱- آبادی، شهر.

تاریخ عبرت بگیریم. آن وقت که یک دولت قوی ما داشتیم- مثل دولت عثمانی- در مقابل شوروی، در مقابل ژاپن می ایستاد و گاه غلبه می کرد. دشمنان ما وقتی سلطه پیدا کردند، این مملکت پهناور را تکه تکه کردند و هر کدام را به دست یکی از عمال خودشان دادند و بین آنها مع الأسف تفرقه انداختند، و این موجب شد که مسلمین و اسلام ضعیف شد و مُسْتَعْمِرین بر ما غلبه کردند. ما باید از این امور عبرت بگیریم، و دولتهای ما از این معانی و از این امر تاریخی عبرت بگیرند و اختلافات خودشان را رفع کنند. اگر اینها با هم مجتمع بشوند یک قدرتی خواهند داشت که هیچ قدرتی با آنها معارضه نمی کند، البته به شرط ایمان کامل. و من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که ایمان ما را و ایمان دولتهای ما را و ایمان ملتهای ما را قوی کند، و با عنایت خودش با ما همراهی کند که ما بر مشکلات خودمان سلطه پیدا کنیم. و از شما و دوستان شما باز هم تشکر می کنم.

والسلام علیکم

ص: ۲۲

پیام

زمان: ۲۹ شهریور ۱۳۵۸/ ۲۸ شوال ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: وظایف سرپرستان کاروانها و زائران بیت اللَّه الحرام

مناسبت: فرا رسیدن ایام حج

مخاطب: انواری، محی الدین- محلاتی، فضل اللَّه

وظایف سرپرستان کاروانها و زائران بیت اللَّه الحرام

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محی الدین انواری و جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ فضل اللَّه محلاتی- دامت افاضاتهما

چون ایام برگزاری یکی از فرایض بزرگ اسلامی با محتوای عظیم انسانی، روحانی، سیاسی و اجتماعی یعنی فریضه حج بیت اللَّه الحرام نزدیک است و لازم است در آستانه برقراری جمهوری اسلامی با انقلاب شکوهمند ملت شریف ایران این فریضه مقدسه از آثار طاغوت پاکسازی و به اسلام راستین برگردد، به این جهت، شما را به عنوان سرپرست حجاج بیت اللَّه الحرام تعیین نموده که با مشورت با مقامات صالحه هیأتی از افراد صالح و متعهد و با ایمان، انتخاب و با همکاری آنان کلیه امور مربوط به حج را تحت نظارت قرار دهید که ان شاءاللَّه تعالی در حکومت جمهوری اسلامی این فریضه مقدسه با محتوای معنوی خود تحقق یابد. و لازم است در این موضوع تذکراتی داده شود:

۱- لازم است به حضرات آقایان علما و روحانیون محترم کاروانها تذکر دهید که قبل از حرکت مجالسی تشکیل دهند و حجاج محترم را با مسائل شرعی و وظایف انسانی آشنا کنند.

۲- عموم برادران و خواهران اسلامی باید توجه داشته باشند که یکی از مهمات

فلسفه حج، ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است و بر دانشمندان و معممین لازم است مسائل اساسی سیاسی و اجتماعی خود را با دیگر برادران در میان گذارند و در رفع آن طرحهایی تهیه کنند تا آنان در برگشت به کشورهای خود آنها را تحت نظر علما و ارباب نظر قرار دهند.

۳- در این سال که ایران در آستانه جمهوری اسلامی است و به واسطه تبلیغات ناروای اجانب ممکن است مسلمین بلاد از عمق نهضت اسلامی ایران مطلع نباشند، لازم است آقایان علما و خطبا و دانشمندان محترم با وسایل ممکن این نهضت مقدس را معرفی نمایند و مقصد مسلمانان ایران را که همان برقراری حکومت اسلامی تحت پرچم اسلام و هدایت قرآن کریم و پیغمبر مکّرم اسلام است، گوشزد نمایند که برادران اسلامی ما بدانند ما بجز اسلام و برقراری حکومت عدل اسلامی فکر نمی کنیم.

۴- لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه، که موجب تفرق صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعات در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویّه اجتناب نمایند و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است جداً اجتناب کنند.

۵- نیابت از حیّ برای نماز طواف صحیح نیست، باید هرکس خودش به هر نحو می تواند نماز بخواند و مجزی است. از گرفتن نایب و مزاحمت [برای] نمازگزاران اجتناب نمایند.

۶- طواف را به نحو متعارف که همه حجاج به جا می آورند، به جا آورند و از کارهایی که اشخاص جاهل می کنند احتراز شود و مطلقاً از کارهایی که موجب وَهْن (۱) مذهب است باید احتراز شود.

۷- در وقوفین، متابعت از حکم قضات برادران اهل سنت لازم و مجزی است اگر چه قطع به خلاف داشته باشید.

۱- سست شدن.

۸- در این سال که به واسطه انقلاب اسلامی به برادران و خواهران ما صدمات و ضررهای بسیار از حکومت طاغوتی رسیده است و بسیاری از معلولین از حوادث انقلاب احتیاج مبرم به کمک دارند، مقتضی است کسانی که می خواهند حج استحبابی به جا آورند، هزینه آن را صرف در احتیاج برادران و خواهران خود کنند، که ثواب آن نزد خداوند تعالی بسیار برحج استحبابی ترجیح دارد. و نیز کسانی که به عنوان سوغات مصارف ناروا می نمایند یا تشریفات و مهمانیهای خارج از رویه در وقت برگشت از حج می نمایند، مقتضی است این نحو هزینه ها را صرف احتیاج برادران و خواهران علیل و مستمند خود نمایند که خداوند تعالی به آنان اجر و برکت عنایت فرماید. از خداوند تعالی عظمت اسلام و سعادت ملت مسلمان را خواستار، و موفقیت همگان را در کوشش برای به ثمر رسیدن نهضت مقدس امید دارم. والسلام علیکم و علی جمیع المؤمنین و رحمهاللّه وبرکاته.

۲۸ شوال المکرم ۹۹

روح اللّه الموسوی الخمینی

ص: ۲۵

پیام

زمان: ۷ مهر ۱۳۵۸/ ۷ ذی القعده ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: شناخت محتوای عبادی، سیاسی و اجتماعی حج و وظایف مسلمانان

مناسبت: فرا رسیدن ایام حج

مخاطب: مسلمین ایران و جهان

شناخت محتوای عبادی، سیاسی و اجتماعی حج و وظایف مسلمانان

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّه جَمیعاً وَلاتَفَرَّقُوا. (۱)

تحیت فراوان و درود بی پایان به جمیع مسلمین جهان در مشارق ارض و مغارب آن. سلام گرم بر حجاج بیت اللَّه الحرام- وفَّقهم اللَّه تعالی. قابل انکار و محتاج به تذکر نیست که اسلام بزرگ، دین توحید و شکننده شرک و کفر و بت پرستیها و خودپرستیهاست.

دین فطرت و رهایی بخش از قید و بندهای طبیعت و وسواس شیاطین جنّ و انس در نهان و ظاهر است و دینِ سیاستِ مُدُن (۲) و راهنمای صراط مستقیمِ لاشرقیه و لاغَربیه است. دینی است که عباداتش توأم با سیاست، و سیاستش عبادت است. اکنون که مسلمین کشورهای مختلف جهان به سوی کعبه آمال و حج بیت اللَّه رو آورده و این فریضه عظیم الهی و کنگره بزرگ اسلامی در ایامی متبرکه و در مکانی متبرکه بر پاگردیده است، مسلمانان مبعوث از قِبَل خداوند تعالی باید علاوه بر محتوای عبادی، از محتوای سیاسی و اجتماعی آن بهره مند شوند، و به صِرْف صورت قناعت نکنند. همه کس می داند که برپا نمودن چنین کنگره عظیمی برای هیچ مقامی و هیچ دولتی امکانپذیر نیست. و این امر

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۰۳: «و همگی دست در ریسمان خدا زنید و پراکنده نشوید».

۲- جمع مدینه، شهرها.

خداونـد متعـال است که این گردهمـایی بزرگ را فراهم آورده، مع الأـسف مسـلمین در طـول تاریـخ نتوانسـتند از این نیروی آسـمانی و کنگره اسـلامی اسـتفاده شایـانی به نفع اسـلام و مسـلمین بنماینـد. جهات سیاسـی زیادی در اجتماعات، جماعات و جُمَعات، و خصوصاً اجتماع گرانبهای حج می باشد؛ که از آن جمله اطلاع بر گرفتاریهای اساسـی و سیاسـی اسـلام و مسـلمین است، که بـا گردهمـایی روحـانیون و روشـنفکران و متعهـدان زائر بیت اللّه الحرام ممکن است طرح، و بـا مشورت از راه حلها مطلع، و در بازگشت به کشورهای اسـلامی در مجتمعهای عمومی گزارش داده، و در رفع آنها کوشا شوند. و از جمله وظایف در این اجتمـاع عظیم، دعوت مردم و جوامع اسـلامی به وحـدت کلمه و رفع اختلافـات بین طبقـات مسـلمین است؛ که خطبا و گوینـدگان و نویسـندگان در این امر حیاتی اقدام نمایند؛ و کوشـش کنند در به وجود آوردن جبهه مستضـعفین؛ که با وحدت جبهه و وحـدت کلمه و شـعار «لاـ اله الا اللّه» از تحت اسارت قـدرتهای شـیطانی اجانب و اسـتعمارگران و اسـتثمارگران بیرون آیند، و با اخوت اسلامی بر مشکلات غلبه پیدا کنند.

خواهران و برادران عزیز! در هر کشوری که هستید از حیثیت اسلامی و ملی خود دفاع کنید؛ و بی پروا در مقابل دشمنان خود، یعنی امریکـا و صـهیونیزم بین المللی و ابرقـدرتهای شـرق و غرب، بـدون هیـچ ملاحظه ای، از ملتها و کشورهای اسـلامی دفاع کنید؛ و مظالم دشمنان اسلام را برملا کنید.

برادران و خواهران مسـلمان من! آگاهیـد که تمام منافع مادی و معنوی همگی ما را ابرقدرتهای شـرق و غرب می برند؛ و ما را در فقر و وابسـتگی سیاسـی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قرار داده اند. به خود آیید و شخصـیت اسـلامی خود را بیابید. زیر بار ظلم نروید.

و هوشیارانه نقشه های شوم جهانخواران بین المللی را- که در رأس آن امریکاست- افشا کنید.

امروز قبله اول مسلمین (۱) به دست اسرائیل، این غده سرطانی خاورمیانه افتاده است.

امروز برادران فلسطینی و لبنانی عزیز ما را با تمام قدرت می کوبد و به خاک و خون

۱- مسجدالاقصی.

می کشد. امروز اسرائیل با تمام وسائل شیطانی تفرقه افکنی می کند. بر هر مسلمانی لازم است که خود را علیه اسرائیل مجهز کند. امروز کشورهای افریقایی مسلمان ما زیر یوغ امریکا و سایر اجانب و سرسپردگان آنان دست و پا می زنند. امروز افریقای مسلمان صدای فریاد مظلومانه خود را هر چه بیشتر بلند می کند. فلسفه حج باید جوابگوی این فریادهای مظلومانه باشد. گردش به دور خانه خدا نشان دهنده این است که به غیر از خدا گِرد دیگری نگردید. و رَجْم (۱) عَقَبات، رجم شیاطین انس و جن است. شما با رجم با خدای خود عهد کنید تا شیاطین انس و ابرقدرتها را از کشورهای اسلامی عزیز برانید.

امروز جهان اسلام به دست امریکا گرفتار است. شما برای مسلمانان قاره های مختلف جهان پیامی از خداوند ببرید؛ پیامی که به غیر از خدا، بردگی و بندگی هیچ کس را نداشته باشید.

ای مسلمانان جهان و ای پیروان مکتب توحید! رمز تمام گرفتاریهای کشورهای اسلامی، اختلاف کلمه و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی است. که خداوند تعالی در یک جمله بیان فرموده: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰه جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا. «اعتصام به حبل اللّٰه» بیان هماهنگی جمیع مسلمین است. همه برای اسلام و به سوی اسلام و برای مصالح مسلمین، و گریز از تفرقه و جدایی و گروه گرایی- که اساس همه بدبختیها و عقب افتادگیهاست. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و وحدت کلمه مسلمانان جهان را خواستارم. والسلام علی ائمهالمسلمین و عباد اللّٰه الصالحین.

روح اللّٰه الموسوی الخمینی

۱- سنگباران.

ص: ۲۸

سخنرانی

زمان: ساعت ۹ صبح ۸ مهر ۱۳۵۸/ ۸ ذی القعده ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: اهمیت حج و رسالت حجاج

حضار: آقایان محلاتینماینـده امام)، ناصـر میناچیوزیر ارشاد ملی و سـرپرست سازمان اوقاف) و مـدیران کاروانهای حج سراسـر کشور

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

مسئولیت عظیم کاروان های حج

من به طور اختصار چنـد کلمه به آقایان روحانیونی که در کاروانها هسـتند و به رؤسای کاروانها عرض می کنم و مطلب راجع به همه حُجّاج بیت اللَّه الحرام هم هست. و او این است که بایـد آقایان متـذکر باشـند که حـج امسال غیر از حـج سالهای سابق است.

سالهای سابق، در این سنَوات اخیره، حجی بود که با کاروانهای طاغوتی و با منتخبین از طرف طاغوت می رفتند؛ و در خدمت طـاغوت بسیاری از آنهـا بودنـد. و اگر چنانچه در آنجا چه از معمَّمین و چه از رؤسای کاروان خطایی سـر می زد، این خطای طاغوت بود؛ به اسلام لطمه ای وارد نمی کرد، بلکه تحکیم اسلام بود. تحکیم احکام اسلام بود.

امسـال همـان طـوری که همه دسـتگاهها متحـول به دسـتگاه اسـلامی بایـد بشود، یکی از چیزهـایی که بسـیار مهم است همین کاروانهای حج است. در این سال چشـمها دوخته شده است که ببینند فرق امسال و سالهای سابق چیست؟ آیا اینها که ادّعا می کننـد که رژیم طاغوت رفته است و جمهوری اسـلامی پیـدا شـده است، آیا اینهایی که الآن نمایندگان دولت هسـتند، منتخبین دولت اسـلامی هسـتند، منتخبین علمای بلاد هسـتند، آیا اینها همان طوری که اسمشان اقتضا می کند، واقعشان هم این طورند؟ اعمالشان هم مطابق با

ادّعاست؟ یا همان ادعاست که جمهوری اسلامی و کاروانهای حج منتخب از جمهوری اسلامی؟

امروز یک امری است که شما باید از عهده یک مسئولیت بزرگی برآیید؛ مسئولیت حیثیت اسلام. اگر در زمان طاغوت یک معمَّم یک کاری انجام می داد، می گفتند که طاغوتی است. امروز نمی گویند طاغوتی است؛ می گویند اسلامی است.

اگر خدای نخواسته شما در این حجی که مشرَّف می شوید و در این مواقفی که در حضور مسلمین، همه مسلمین دارید، اگر وضع شما با وضع سابق و زمان طاغوت فرق نکند، در عالم منعکس می شود که اسم جمهوری اسلامی است، و معنا رژیم طاغوتی.

آبروی اسلام را ممکن است که شما از بین ببرید؛ و آبروی اسلام را ممکن است ان شاءاللَّه حفظ کنید.

سفر حج سفر الی اللَّه است

توجه داشته باشید که سفر حج، سفر کسب نیست؛ سفر تحصیل دنیا نیست. سفر الی اللَّه است. شما دارید به طرف خانه خدا می روید. تمام اموری که دارید انجام می دهید به طور الهیت باید انجام بدهید. سفرتان از اینجا که شروع می شود وَفْد الی اللَّه (۱)

است. سفر به سوی خدای تبارک و تعالی است. باید همان طور که مسافرین الی اللَّه، مثل انبیا علیهم السلام و بزرگان از دین ما، مسافرتشان الی اللَّه در تمام زمان حیاتشان بوده است و یک قدم، تخلُّف نمی کردند از آن چیزی که برنامه وصول الی اللَّه بوده است، شما هم الآن «وفود» الی اللَّه دارید می گویید.

شما در آنجا که می روید، در میقات که می روید، «لَبَّیک» به خدا می گویید؛ یعنی تو دعوت کردی، و ما اجابت. مبادا یک عملی انجام بدهید که خدای تبارک و تعالی بفرماید که خیر، شما را من قبول ندارم برای اینکه شما اسلامی نیستید. مبادا این سفر را سفر تجارت قرار بدهید و امور تجارتی در این سفر مطرح باشد پیشتان، امور معنوی

۱- سفر به سوی خدا.

مطرح باشد. چه آقایان اهل علم، و چه کاروانها و رؤسای کاروانها، و چه سایر حُجّاج.

سفر، سفر الی اللَّه است؛ نه سفر به سوی دنیا. آلوده به دنیا نکنید.

این سفر الهی را شما می روید رَجْم (۱) شیطان می کنید؛ اگر چنانچه خدای نخواسته خودتان از جنود شیطان باشید، رجم خودتان را هم می کنید! شما باید رحمانی بشوید تا رَجْمتان رَجْمِ رحمان و جنود رحمان به شیطان باشد. شما «وقوف» می کنید در این مواقف کریمه؛ وقوف در این مواقف کریمه. مبادا آلوده بشوید به یک معصیتی، به یک خلافی؛ به یک چیزی که علاوه بر اینکه پیش خدا آبرو از دست برود، پیش دنیا آبروی اسلام از دست برود.

امروز آبروی اسلام بسته به وجود شماست که می روید دستجمعی در این مواقف کریمه و سایر مسلمین، شما را مشاهده می کنند. شما باید الگو باشید برای جمهوری اسلامی- چه روحانیون، و چه رؤسای کاروانها، و چه سایر حُجّاج- امسال حج نمونه است؛ حج جمهوری اسلامی است؛ نه حج رژیم طاغوتی. شَرْف زیاد، و مسئولیتْ زیادتر است. مسئولیت همه داریم در مقابل اسلام. امروز نه شما تنها، همه قشرهای ملت، دولت، ملت، همه مسئولند در مقابل خدای تبارک و تعالی و در مقابل اسلام. ما که مدّعی هستیم جمهوری اسلامی، و رژیم طاغوتی رفت و به جای او جمهوری اسلامی آمد، ما باید اثبات کنیم این مطلب را که تغییر کرده است، تحول حاصل شده است، در همه چیز.

لزوم تحوّل اسلامی

اگر بنا باشد که در دولت که می رویم تحول نشده باشد، پیش ملت که می رویم تحول نشده باشد، شما که کاروانها هستید تحول نشده باشد، شما که روحانی کاروان هستید تحول پیدا نکرده باشید، اگر این طور باشد، همان رژیم است و همان مسائل طاغوتی، منتها اسم را ما عوض کردیم. ما می خواهیم ان شاءاللَّه مسمَّی عوض بشود. تغییر [داده] بشود، رژیم طاغوتی به همه محتوا به رژیم انسانی- اسلامی به همه محتوا. بسیار

۱- سنگسار کردن، سنگ پراندن.

باید متوجه باشید. بسیار باید خودتان بسیار پاسبانی از خودتان بکنید. پاسداری از خودتان بکنید.

و این سفر را سفر الی اللَّه حساب بکنید. و بدانید که با این سفر ممکن است که شما یک آبروی بسیار زیاد پیش خدای تبارک و تعالی پیدا کنید؛ و ممکن است خدای نخواسته سقوط پیدا کنید. از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت و عزّت همه شما را می خواهم. و از خدای تبارک و تعالی عظمت اسلام و عزّت اسلام و قدرت اسلام را می خواهم.

والسلام علیکم و رحمهاللَّه و برکاته

ص: ۳۲

سخنرانی

زمان: ظهر ۱۱ آبان ۱۳۵۸/ ۱۱ ذی الحجه ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: بازیابی مجد و عظمت مسلمین با تمسک به اسلام

حضار: دانشجویان عربستان سعودی مقیم ایران

بسم اللّٰه الرحمن الرحیم

ویژگی نهضت ایران

مع الأسف آقایان وقتی آمدند که ظهر است و من وقتی ندارم. لکن چند کلمه عرض می کنم.

این نهضت ایران؛ نهضت مخصوص به خودش نبوده و نیست؛ برای اینکه اسلام مال طایفه خاصی نیست. اسلام برای بشر آمده است؛ نه برای مسلمین و نه برای ایران.

انبیا مبعوث اند بر انسانها، و پیغمبر اسلام مبعوث بود بر انسانها. خطاب به ناس [است:] «یا أیّها الناس». ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم؛ جمهوری جمهوری اسلامی است؛ نهضت برای اسلام نمی تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی. نهضت برای اسلام، همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم اهل عربستان است؛ لکن دعوتش مال عربستان نبوده؛ محصور نبوده به عربستان؛ دعوتش مال همه عالم است.

هدف انبیا، تربیت انسان

انبیا آمدند که انسان بسازند. انسان یک موجودی است در ابتدا مثل سایر حیوانات است. اگر رشد بکند، یک موجود روحانی می شود که بالاتر از ملائکهاللّٰه می شود. و اگر

طرف فساد برود، یک موجودی است که از همه حیوانات پست تر است.

الآن شما در این انسانهایی که در دنیا هستند و ادعای انسانیت می کنند، ادعای طرفداری از بشر می کنند، ادعای حمایت از حیوانات می کنند! شما الآن این اشخاص را که یک همچو ادعاهایی دارند ملاحظه می کنید، گمان ندارم در تمام حیوانات یک حیوان به آن درّندگی پیدا بشود! یک حیوانی که، یک موجودی که تمام این بشر و بشریت را برای نفع خودش می خواهد. میلیونها آدم را می کشد، برای اینکه یک نفعی ببرد! حیوانات چنانچه حیوانخوار هم باشند به اندازه شکمشان [می خورند] وقتی سیر شدند رها می کنند. و وعده دیگر می روند سراغ شکار. اما این انسانی که- انسان که از حیوانات است، و بدترین حیوان است- برای یک منفعت جزئی حاضر است که فوج فوج این انسانها را بکُشند. انسانهای دیگری، آنهایی که سر راه نفع او ایستاده اند، یا لااقل به نفع او عمل نمی کنند، این انسانها پیش آنها اصلًا موجودیتشان مطرح نیست. آنها حاضرند که چند صد هزار، چند صد میلیون، جمعیت را بکشند تا اینکه یک جایی را برای سیاست خودشان تصاحب کنند.

مدعیان دروغین حقوق بشر

جنگهایی که الآن در دنیا هست و بوده است و سابق بوده است شما ملاحظه کنید که چه می کنند اینها با این بشری که ادعا می کنند که ما برای «حقوق بشر» مثلًا طرح داریم، مجلس داریم. همینها وقتی که چهار نفر در ایران به واسطه جنایات پنجاه ساله شان کشته می شوند، در محاکم اینجا محکوم به اعدام می شوند، همینها در آنجا در روزنامه هایشان شروع می کنند به نوحه سرایی کردن و انتقاد از محاکم اینجا! همینهایی که الآن در میدانهای جنگ [مشغول اند به] سرکوبی و کشتن آدمها برای رسیدن به یک چیزی که مثلًا فرض کنید برای او به حسب توهم یک نفعی دارد. اینهایی که الآن مشغول کشتن فوج فوج آدم هستند، [برای] دو سه نفر، چند نفر آدمی که در اینجا پنجاه سال جنایت کرده اند و چند صد نفر آدم یا کشته یا امر به کشتن کرده اند، وقتی که اینها را در محاکم محکوم به اعدام می کنند، فریادشان بلند می شود! در همین حالی که افراد آنها الآن

مشغول آدمکشی هستند، فوج فوج مردم را می کشند، در همین حال برای اینها نوحه خوانی می کنند! و مع الأسف در بین خود جمعیتهای اسلامی، جمعیت شرقی، در مملکت ما، در مملکت شما، موجودهایی هستند که یا باورشان آمده است حرفهای اینها را، که [باید] آدم بگوید اینها بسیار عقب مانده اند از حیث افکار. یا باورشان نیست، لکن برای آنها کار می کنند که باید بگوییم خیانتکارند. در بین ما هست در بین شما هم هست افرادی که همان مسائلی که آنها می خواهند، همان مسائلی که در غرب گفته می شود، آنها در بطن جامعه خودشان طرح می کنند و می گویند، همان طوری که مطبوعات امریکا مطبوعاتی [است] که تحت نظر مستقیم صهیونیسم هستند، همان مطالبی را که آنها می نویسند، نویسنده های ما بعضیشان، و گوینده های ما بعضیشان همان مسائل [را می نویسند.] در ممالک شما هم هست.

زندگی شرافتمندانه مسلمین

ممالک شرق، ممالک اسلامی، تا اسلام را نیابند، نمی توانند زندگی شرافتمندانه بکنند. مسلمین باید اسلام را پیدا کنند. اسلام از دستشان فرار کرده بود. ما الآن اسلام را نمی دانیم چیست. این قدر به مغز ما خوانده است این غرب و این جنایتکارها، که اسلام را ما گُمَش کردیم. تا اسلام را پیدا نکنید نمی توانید اصلاح بشوید. از آن مرکز، که کعبه معظّمه است و مرکز اجتماع مسلمین است در هر سال، گرفته تا آخر بلاد مسلمین، اسلام گُم است پیششان، نمی دانند چیست. و لهذا مسلمین جمع می شوند در مکه معظّمه، در یک محلی که خدای تبارک و تعالی آن محل را قرار داده برای اجتماع مسلمین، اجتماع معنوی مسلمین جمع می شوند و نمی دانند چه می کنند؛ استفاده اسلامی از آن نمی کنند.

یک همچو مرکز سیاسی را متبدلش کردند به یک اموری که اصلًا غفلت از همه مسائل مسلمین [است.] باید اسلام را پیدایش کنند. مسلمین اگر حج را پیدا کنند، اگر آن سیاستی که در حج به کار رفته است از طرف اسلام، همان را پیدا کنند، کافی است برای اینکه استقلال خودشان را پیدا بکنند، ولی مع الأسف ما گم کردیم اسلام را. آن اسلامی که الآن دست ماست که بکُلّی از سیاست جدایش کردند؛ سرش را بریدند. آن چیزی که اصل

مطلب است از آن بریدند و جدا کردند، و مابَقیش را دست ما دادند. همان ما را به این روز نشانده است که ما نمی شناسیم سَرِ اسلام را، ما نمی شناسیم. ما تا پیدا نکنیم اسلام را، تا همه مسلمین پیدا نکنند اسلام را، نمی توانند به مَجْد خودشان برسند. مَجدِ اسلام آن بود که در صدر اسلام بود. آن بود که با یک جمعیت کم دو تا امپراتوری (۱) را از بین برد،

آن مجد اسلام بود، نه برای کشورگشایی؛ برای آدمسازی. این خیال است، اشتباه است که خیال می کنند کشورگشایی می کند اسلام. اسلام کشورگشایی نمی کند. اسلام می خواهد همه کشورها آدم بشوند. اسلام دنبال این می رود که آنهایی که آدم نیستند آدمشان کند. در یک جنگی وقتی که اسیر کرده بودند یک عدّه ای را- به حَسَب تاریخ هست- اینها را بسته بودند داشتند می آوردند. رسول اکرم گفت: ببین! من باید با زنجیر اینها را به بهشت ببرم. (۲) اسلام برای اصلاح جامعه است. اگر شمشیر کشیده، شمشیر را برای این کشیده است که مفسده هایی که نمی گذارند این جامعه ها اصلاح بشود از بین ببرد، تا سایرین اصلاح بشوند.

مسائلی هم که آن آقا خواندند- و مسائل کثیری بود- اینها ان شاءاللّه امیدوارم که اگر ما توفیق پیدا بکنیم، اگر مسلمین توفیق پیدا بکنند، با تدریج درست بشود. حالا ما گرفتاریهای زیادی داریم که محتاجیم به دعای همه مسلمین. خداوند همه شما را تأیید کند.

۱- ایران و روم.

۲- مُسنَد احمد، ج ۵، ص ۲۴۹.

ص: ۳۶

پیام

زمان: ۳ آبان ۱۳۵۸/ ۳ ذی الحجه ۱۳۹۹ (۱)

مکان: قم

موضوع: شکستن بتها و قدرتهای بزرگ شیطانی زمان

مناسبت: روز عرفه

مخاطب: مسلمین جهان و حجاج بیت اللَّه الحرام

شکستن بتها و قدرتهای بزرگ شیطانی زمان

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

لَکُمْ فی رَسُولِ اللَّه اسوَهٌ حَسَنَهٌ (۲)

صلوات و سلام خداوند بر رسول خدا پیامبر عظیم الشأن که یک تنه قیام فرمود در مقابل بت پرستان و مستکبرین، و پرچم توحید را به نفع مستضعفین به اهتزاز درآورد، و از قِلت عُدّه و عدد نهراسید، و با عِده قلیل بدون ساز و برگ جنگی کافی و با نیروی ایمان و قوتِ تصمیم بر سرکشان و ستمکاران تاخت، و ندای توحید را در کمتر از نیم قرن بر بزرگترین معموره (۳) جهان به گوش جهانیان رساند.

و درود جهانیان و رحمت خداوند متعال بر شما ای زائران بزرگوار بیت اللَّه الحرام که از چهار سوی عالم به سوی خانه خدا، مرکز توحید و محل وحی و مقام ابراهیم و محمد، دو ابرمرد بت شکن و پرخاشگر بر مستکبرین شتافتید و خود را به مواقف کریمه ای- که در عصر وحی زمینهایی خشک و کوهسارهایی بی آب و سبزه، لکن محل هبوط (۴) ملائکه اللَّه و هجوم جنوداللَّه و وقوف انبیاءاللَّه و عباداللَّه الصالحین بود- رساندید.

۱- صحیفه نور، تاریخ را ۳۰/ ۸/ ۱۳۵۸ ثبت کرده که تاریخ صحیح در دستنویس امام، ۳ ذی الحجه ۹۹ برابر با۳/ ۸/ ۱۳۵۸) است.

۲- سوره احزاب، آیه ۲۱: «برای شما رسول خدا مقتدای پسندیده ای است».

۳- ممالک آباد.

۴- فرود آمدن.

هان! بشناسید این مشاعر (۱) بزرگ را، و مجهز شوید از مرکز بت شکنی برای شکستن بتهای بزرگ که به صورت قدرتهای شیطانی و چپاولگران آدمخوار در آمده اند، و از این قدرتهای تهی از ایمان نهراسید، و با اتکال به خدای بزرگ در این مواقف عظیمه، پیمان اتحاد و اتفاق در مقابل جنود شرک و شیطنت ببندید، و از تفرق و تنازع بپرهیزید وَلاتَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ ریحُکُمْ (۲)

رنگ و بوی ایمان و اسلام که اساس پیروزی و قدرت است با تنازع و دسته بندیهای موافق با هواهای نفسانیه و مخالف با دستور حق تعالی زدوده می شود، و اجتماع در حق و توحید کلمه و کلمه توحید که سرچشمه عظمت امت اسلامی است، به پیروزی می رسد.

ای مسلمانان جهان! چه شد شما را که در صدر اسلام با عده بسیار کم، قدرتهای عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی- انسانی ایجاد نمودید، اکنون با قریب یک میلیارد جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگی که بالاترین حربه است در مقابل دشمن، اینچنین ضعیف و زبون شدید؟ آیا می دانید که تمام بدبختیهای شما در تفرقه و اختلاف بین سران کشورهای شما و بالنتیجه بین خود شماست؟ از جای برخیزید و قرآن کریم را به دست گرفته و به فرمان خدای تعالی گردن نهید تا مجد خود و عظمت اسلام عزیز را اعاده کنید. بیایید و به یک موعظه خداوند گوش فرا دهید؛ آنجا که می فرماید قُلْ انَّما اعِظُکُمْ بِواحِدَهٍ انْ تَقُومُواللَّه مَثْنی وَ فُرادی (۳)

همه قیام کنید و برای خدا قیام کنید؛ قیام فرادی در مقابل جنود شیطانیِ باطنِ خودتان، و قیام همگانی در مقابل قدرتهای شیطانی.

اگر قیام و نهضت، الهی و برای خدا باشد پیروز است. ای مسلمانان جهان و ای مستضعفان عالم! دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید، و علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملتها پرخاش کنید. ای زائران خانه خدا، در مواقف

۱- جمع مشعر: موضع مناسک حج.
۲- سوره انفال، آیه ۴۶: «و نزاع نکنید که ناتوان شوید و مهابت و قوت شما برود».
۳- سوره سبأ، آیه ۴۶: «بگو که من شما را فقط یک پند دهم که دوتا دوتا یا یک یک برای خداوند قیام کنید».

و مشاعر الهی به هم بپیوندید و از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین و مستضعفان جهان را بخواهید.

ای گویندگان و نویسندگان! در اجتماعات بزرگ؛ عرفات و مَشْعَر و مِنا و مکه معظمه و مدینه منوره، مسائل اجتماعی و سیاسی مناطق خود را به گوش برادران ایمانی برسانید، و از هم طلب نصرت کنید. ای زائران خانه خدا! توطئه های راست و چپ و خصوص امریکای چپاولگر و متجاوز و اسرائیل جنایتکار را به گوش عالمیان برسانید و از آنان استمداد کنید و جنایات این جنایتکاران را بشمارید و به خداوند متعال برای اصلاح حال مسلمین و قطع ایادی جنایتکاران التجا (۱) پیدا کنید. و من به خواست خدای قادر، مژده نصرت و پیروزی به شماها می دهم. «انَّهُ عَلی ذلِکَ لَقادِرٌ» (۲)

والسلام علی رسول اللَّه و علی ائمهالمسلمین و علی عباداللَّه الصالحین و رحمهاللَّه و برکاته.

روح اللَّه الموسوی الخمینی

۱- پناه بردن، پناهنده شدن.

۲- بدرستی که خدا بر آن قادراست.

ص: ۳۹

سخنرانی

زمان: ۱ آذر ۱۳۵۸/ ۲ محرّم ۱۴۰۰

مکان: قم

موضوع: سرنوشت جهان اسلام، بسته به انقلاب ایران

مناسبت: مراجعت از سفر حج

حضار: افسران نیروهای سه گانه ارتش پاکستان

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

شیطان بزرگ در برابر ملتهای مسلمان

چه سعادتی داشتید که مشرف شدید به مکه معظمه مرکز وحی، و به مدینه منوره مرکز رسالت. خداوند از شما برادران به طور شایسته این زیارتها را قبول فرماید، (۱) ما با همه ملتهای مسلم برادر هستیم. و در شادی و غم آنها شریک هستیم. و امید این را داریم که آنها هم با غمها و شادیهای ما شریک باشند. امروز ملت ما مقابل است با قدرت شیطانی بزرگ که در طول سیصد سال این اجانب بر ما ملتها، بر ملتهای مسلمین، بر ملتهای شرق حکومتهای غیرمشروع کرده اند و در طول پنجاه سال هم در حکومت این رضا خان و محمدرضا به این ملت با دست آنها ظلم و خیانت کردند. و جنایات آنها اخیراً بالا گرفت. و این جنایات به پشتیبانی از ابرقدرتها، خصوصاً امریکا بود. به طوری که تحمل دیگر از این ملت ما برداشته شد. و به اتکا به خدای کریم و اسلام، با وحدت کلمه نهضت کردند و نظام شاهنشاهی را که یک نظام پوسیده غیرقانونی بود به هم زدند، و جمهوری اسلامی را در اینجا برقرار کردند. و در این حال که ما مشغول هستیم برای سازندگی، خرابیهایی که در طول این تسلط وحشت انگیز اجانب بر ما و تفاله های آنها که

۱- قبل از سخنرانی امام خمینی یکی از پاکستانیها دعایی خواندند و سپس حضار آمین گفتند.

در این کشورها حکومت می کردنـد، امروز مواجه شدیم با دولت امریکا. و ما امیدواریم که ملتهای برادر ما، ملتهای اسـلامی، که همانطور که ما گرفتار بودیم بر ظلم و تعـدی اجانب، آنها هم گرفتار بودنـد، امروز که ملت ما قیام کرده است آنها هم قیام کنند. و موجب خرسـندی است که پاکستان قیام کرده است. و الآن که من روزنامه را تیترش را دیدم، دیدم که نوشته است که تمام پاکستان بر ضد امریکا قیام کرده است. و دانشگاهها- ظاهراً نوشته بود که- سه روز تعطیل شده است. و این یک مژده ای بر ملت مظلوم ما هست که تنها نیست.

ناتوانی ابرقدرت ها در برابر اتحاد مسلمانها

مسـلمین بایـد با هم یـد واحـده باشـند. «هُمْ یَدٌ واحِدةٌ علی مَن سِواه». اینها باید دست واحد باشـند. مجتمع باشـند. یک باشـند. خودشان را از هم جدا ندانند. مرزها را اسـباب جدایی قلبها ندانند. مرزها جدا، قلبها با هم. مسـلمین دارای قدرت بسیار هستند، و دارای خزاین بسـیار. چنـانچه بـا هم مجتمع بشونـد، چنانچه مسـلمین با هم اتحاد پیـدا کننـد، با حفظ مرزهای خودشان، لکن قلبهایشان با هم متحـد بشود، اینها جمعیت بسـیار کثیری هسـتند؛ یک میلیارد جمعیت. شایـد الآن بیشتر باشـند. و خزاین بسـیار دارنـد. و احتیاج به هیـچ کشوری ندارنـد. و همه کشورها تقریباً به آنها محتاج هسـتند. مع الأسف در اثر تبلیغات سوئی که در طول تاریـخ شـده است، و مردم را از این ابرقـدرتها ترسانـده انـد. تبلیغـات خود آن ابرقـدرتها این بوده است که ملتهـای ما را، ملتهای شـما را از اینها بترسانند. به طوری که ما گمان بکنیم که این ابرقدرتها آسـیب پذیر نیستند، اگر ملتی نفس بکشد، آنها نفسـش را خفه می کننـد. لکن ما دیدیم که اینها تبلیغاتی بود که صـحیح نبود. و قدرتهای بزرگ هم با مقدرات یک مملکت وقتی که خود ملت بـا هم مجتمع شدنـد نمی تواننـد بازی بکننـد. و ما اتکال به خـدا داریم. اتکال به اسـلام داریم. پشتیبانی ما اسلام و خداست. و امید این را داریم که همه ملتهای اسلامی به ما بپیوندند.

سرنوشت جهان اسلام

در این نزاعی که، مبارزه ای که الآن بین کفر و اسلام است، این منازعه بین ما و

امریکا نیست، بین اسلام است و کفر. چنانچه غلبه کنند خدای نخواسته اینها بر نهضت ما- که نخواهند کرد- این غلبه، غلبه بر اسلام است. غلبه بر مسلمین است. باید همه مسلمین بدانند که مقدرات ما الآن تنها نیست که بین وجود و عدم است. مقدرات اسلام، مقدرات همه مسلمین است. همه مسلمین در این مسئله با هم باید شرکت کنند. که اگر این نهضت خدای نخواسته به سستی گراید یا از بین برود، حساب شرق، حساب تمام شرق و خصوصاً مسلمین [را] به تباهی خواهند کشید. من از همه ملتهای اسلامی، از همه مسلمین، از همه ارتشهای اسلامی، از همه قوای انتظامی اسلامی، از همه رؤسای جمهور ممالک اسلامی می خواهم که با این نهضت ما همراه باشند. با این مقابله ای که مابین کفر و اسلام است، نه مابین ایران و امریکا. مابین تمام کفر و تمام اسلام است. مسلمین بپاخیزند.

برخیزند و در این معارضه پیروز شوند. و پیروز خواهند شد. و از این طبلهای میان تهی نترسند. نترسند که امریکا یک قدرت بزرگ است، «یک قدرت شیطانی است و می تواند که با یک روز همه را به هم بزند»! اینها تبلیغات است. امریکا نمی تواند این کار را بکند.

فراخوانی امت اسلام به قیام

در مقابل مسلمین نمی تواند امریکا خودنمایی کند. دنیا توجهش الآن به این مبارزه است. دنیا الآن توجه به این دارد که در این مبارزه چه خواهد شد. و خود مملکت امریکا در آن اختلاف واقع شده است. سیاههای امریکا که در تحت ظلم امریکا بودند الآن آنها هم موافقت با ما دارند. و ممکن است آنها هم قیام بکنند. باید مسلمین در یک همچه موقع حساسی که ما مقابل ایستادیم در مقابل امریکا و در مقابل دسایس شیطانی او، با ما موافقت کنند. با ما همراهی کنند. ما و خود را از هم بدانند. مملکت ایران را با سایر ممالک، با پاکستان، با عراق، با اندونزی، با تمام این ممالک اسلامی یک بدانند. و همه قیام کنند. و همه تظاهر کنند در مقابل این ظلمی که این شخص (۱) به ما دارد می کند.

یک نفر مجرمی (۲) که پنجاه سال خانه های این مملکت را سوزانده است، مردم این

۱- جیمی کارتر رئیس جمهور وقت امریکا.

۲- محمدرضا پهلوی.

مملکت را به حبس انداخته است، قتلهای زیاد، قتل عامهای زیاد کرده است، و سنگفرشهای خیابان ما را، اسفالتهای خیابان ما را رنگین کرده است با خون جوانهای ما، ذخایر ما را برداشته و دزدیده و برده است، اینها برده اند پناه داده اند یک همچه مجرمی را. و مخالف همه قوانین دنیاست که هر مجرمی که در یک جایی جرم کرد باید در محل خودش، در همان جایی که جرم کرده محاکمه بشود. اینها با یک انگیزه های بچگانه این را برده اند نگه داشتند. و حالا هم که ما مطالبه آنها را می کنیم، ما را می ترسانند از کشتیهایشان که آمدند در آبهای نزدیک آبهای خلیج، و از طیاره هاشان و از اینها. ما از چه می ترسیم؟ ما از طیاره های اینها می ترسیم؟ ما از کشتیهای اینها می ترسیم؟

هشدار به امریکا

ما اشخاصی هستیم که در این راه، شهادت را سعادت برای خودمان می دانیم. ملت ما الآن هم از من می خواهند که دعا کنم که شهید بشوند. ملتی که شهادت را می خواهد او را از چه می ترسانند؟ او را از مردن می ترسانند؟ اینها شهادت را شرف خودشان می دانند.

آنها ما را از مردن می ترسانند؟ مردن برای آنها ترس دارد که قائل نیستند به ماورای طبیعت. کسی که خدا را می شناسد، کسی که قیامت را اطلاع دارد ...، کسی که اعتقاد دارد به ماورای طبیعت، این از چه می ترسد؟ امریکا اشتباه می کند. آقای کارتر اشتباه می کند که خیال می کند که می تواند یک همچه کاری بکند. دنیا نمی گذارد که او همچه کاری بکند. خود ملت امریکا نمی گذارد که او این کار را بکند. مگر یک کار آسانی است برای امریکا که بیاید و ملت ما را قتل عام کند. یک کاری نیست که او بتواند این کار را بکند. بر فرض اینکه بتواند، ملت ما با چنگ و دندان آنها را نابود خواهند کرد. و جوانهای ما الآن اعلام کرده اند که اگر اینها یک وقت بخواهند یک همچه کاری بکنند، ما سفارتخانه را با هر کس در آن هست منفجر می کنیم. و اگر یک همچو بشود ما نمی توانیم این جوانهایی که الآن در غرور جوانی هستند و ظلم دیدند، آنها را کنترل کنیم. ما نمی توانیم جلوی یک ملتی را که پنجاه سال ظلم دیده است و پنجاه سال و بیش از سی و چند سال از یک آدمی ظلم دیده است، از یک آدمی قتل عامها دیده است، برادرها را کشته اند، پدرها را

کشته اند، زنها و شوهرهایشان از بین رفته است، یک همچو ملتی را ما نمی توانیم کنترل کنیم، که اگر امریکا بخواهد یک غلطی بکند، مردم بنشینند همینطور نگاه کنند که آقا بیایند و چتربازهایشان بیایند. امتحان کنند، بیایند ببینند چطور می توانند این کار را بکنند؟

تمامشان را از بین خواهیم برد. و خودمان هم کشته می شویم. آنها را هم از بین می بریم.

شکست ایران، شکست شرق

شما برادرها سلام مرا به ارتش خودتان به آقای ضیاءالحق، (۱) برسانید. و از قول من به آنها بگویید که برادرهای شما در مقابله کفر گرفتار هستند. شما قیام کنید. ارتش پاکستان قیام کند در مقابل یک همچو ظلمی که الآن دارد به برادرهایشان می شود. یک همچو قیامی که الآن ما کردیم، در مقابل کفر است. این نسبت به مقدرات شما هم تأثیر دارد. کسی خیال نکند که اگر ایران شکست بخورد، خودش باقی می ماند. اگر ایران شکست بخورد شرق شکست خورده است. اگر ایران شکست بخورد مستضعفین شکست خورده اند. باید همه با هم متصل، متحد، با هم قیام کنیم و این جرثومه فساد را از تاریخ بیرون کنیم. و لااقل از ممالک خودمان اینها را برانیم که دیگر فکر اینکه بیایند در اینجا، مستشارهایشان بیایند در اینجا، مأمورینشان بیایند در اینجا، چپاولگرانشان بیایند در اینجا و ما را چپاول کنند، این فکر را از سر آنها باید ما بیرون کنیم و بیرون می کنیم این فکر را از سرشان.

خداوند ان شاءاللّٰه به شما همه برادرها سلامت بدهد. عزت بدهد. عافیت بدهد. خداوند اسلام را تقویت کند. خداوند لشکر مسلمین را تقویت کند. خداوند رؤسای مسلمین را که علاقه مند به اسلام هستند، خدمت به مسلمین می کنند، آنها را حفظ کند.

۱- محمد ضیاءالحق، رئیس جمهوری پاکستان.

پیام

زمان: ۲۱ شهریور ۱۳۵۹/ ۲ ذی القعده ۱۴۰۰

مکان: تهران، جماران

موضوع: سیاست امریکا و ایادی آن، ایجاد اختلاف بین ملتهای اسلامی

مناسبت: فرا رسیدن ایام حج

مخاطب: مسلمین جهان و زائران بیت اللَّه الحرام

سیاست امریکا و ایادی آن ...

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

سلام بر زائرین بیت اللَّه الحرام. سلام بر زائرینی که در مرکز وحی الهی و محل هبوط (۱) ملائکهاللَّه اجتماع نمودند. سلام بر مؤمنینی که از خانه خود به سوی خانه خدا هجرت نمودند.

و سلام بر همه مسلمین جهان که پیامبر عظیم الشأن و خاتم نبیّین، پیامبر آنان و قرآن کریم کتاب آنان و کعبه معظمه قبله آنان است. سلام بر آنان که از همه اقسام شرك رو برگرداندند و به سوی مرکز توحید رو آوردند، و از قید عبودیت و اطاعت همه بتهای جهان مراکز استکبار و استعمار و قدرتهای شیطانی رها و به قدرت مطلقه الهی و حبل المتین توحید پیوستند. و سلام بر آنان که رمز دعوت حق تعالی را در وُفود (۲) به سوی خانه خدا دریافتند و لبیك گفتند.

اکنون به شما مسلمانان وارسته که در محل وحی برای ادای این فریضه عبادی سیاسی اجتماع نمودید، لازم است تذکراتی داده شود تا بدانید در کشورهای اسلامی چه می گذرد و برای استعمار و استثمار مسلمین و تحت سلطه قراردادن آنان چه

۱- فرود آمدن.

۲- به رسولی رفتن.

نقشه ها در کار و چه دستهای خبیثی آتش افروزان آنند:

۱- در آستانه به هم نزدیک شدن جمیع مسلمانان جهان و تفاهم همه مذاهب اسلامی برای رها شدن کشورهایشان از چنگال پلید ابرقدرتها و احساس خطر برای چپاولگران بین المللی و در آستانه قطع ایادی ستمگران غرب و شرق از ایران با رمز وحدت کلمه و اتکال به خدای بزرگ و اجتماع در زیر پرچم اسلام و توحید، شیطان بزرگ جوجه های خود را فراخوانده است تا با هر حیله متصور، بین مسلمین تفرقه افکند و امت توحیدی و برادران ایمانی را به اختلاف و دشمنی کشاند و راه سلطه گری و چپاول را برای خویش هر چه بیشتر باز کند. شیطان بزرگ که خوف آن دارد که انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورهای اسلامی و غیراسلامی صادر شود و دست پلید او را از کشورهای تحت سلطه قطع کند، در حالی که از حصر اقتصادی و حمله نظامی طَرْفی نبست به حیله دیگری دست زده است تا انقلاب اسلامی ما را در پیشگاه مسلمانان جهان خدشه دار کند و مسلمانان را به جان هم اندازد و خود به ستمگریها و چپاولهایش در کشورهای اسلامی ادامه دهد، و آن اینکه درست در آستانه کوشش بی امان ایران برای وحدت کلمه و تشبث به اسلام بزرگ و توحید بین جمیع مسلمین جهان، به یکی از مهره های خبیث امریکا و از دوستان شاه مخلوع معدوم، دستور می دهند تا از فقها و مفتیان اهل سنت، فتوا بر کفر ایرانیان عزیز بگیرد. و بعضی از این مهره ها گفته اند: «اسلامی که ایرانیان می گویند، غیر از اسلامی است که ما می گوییم». آری اسلام ایران غیر از اسلام آنان است که از مهره های امریکا چون سادات (۱) و بگین (۲) پشتیبانی می کنند و در مقابل فرمان خدای متعال با دشمنان اسلام دست دوستی می دهند و برای تفرقه بین مسلمین، از هیچ افترا و کوششی دریغ نمی کنند.

مسلمانان جهان باید این تفرقه افکنها را بشناسند و توطئه پلید آنان را خنثی کنند.

۲- در آستانه هجوم ابرقدرتها به کشورهای اسلامی، همچون افغانستان و کشتار

۱- محمد انورالسادات، رئیس حاکم بر رژیم مصر.

۲- مناخیم بگین، نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس.

بی رحمانه و وحشیانه مسلمانان افغانی- که نمی خواهند اجنبی در مقدرات آنان دخالت کند و یا امریکا که در هر فسادی دست دارد- و همزمان با هجوم همه جانبه اسرائیل جانی، به مسلمین در فلسطین و لبنان عزیز، و همزمان با طرح جنایتکارانه اسرائیل برای انتقال پایتخت خود به بیت المقدس، و گسترش جنایات و کشتار وحشیانه مسلمانان آواره از وطن خویش، و در وقتی که مسلمانان بیشتر از هر زمان احتیاج به وحدت کلمه دارند، سادات، این نوکر خیانتکار امریکا و دوست و برادر بگین و شاه مخلوع معدوم، و صدام، آن خادم سرسپرده امریکا، دست به تفرقه افکنی مسلمانان زده اند، از هیچ جنایتی در این راه که ارباب جنایتکارشان امر نموده است، فروگذار نمی کنند. امریکا با حمله های پیاپی به ایران و فرستادن جاسوسان برای شکست دادن انقلاب اسلامی ما و توطئه با سادات برای ایجاد اختلاف و تبلیغات سوء و پخش اکاذیب و افترا به متصدیان حکومت اسلامی از طریق عراق، از آن قماش است. مسلمین باید به خیانت این سرسپردگان امریکا به اسلام و مسلمین توجه داشته باشند.

۳- از مسائلی که طراحان برای ایجاد اختلاف بین مسلمین طرح و عمال استعمارگران در تبلیغ آن بپا خاسته اند، قومیت و ملیت است که دولت عراق سالهاست بدان دامن می زند. و در ایران نیز دستجات محدودی دانسته یا ندانسته از آن ترویج و تأیید می کنند. و در سایر نقاط از ترک و کُرد و دیگر طوایف هم همان راه را پیش گرفته اند و مسلمانان را در مقابل هم قرار داده اند و حتی به دشمنی کشیده اند؛ غافل از آنکه حب وطن، حب اهل وطن و حفظ و حدود کشور مسئله ای است که در آن حرفی نیست؛ و ملی گرایی در مقابل ملتهای مسلمان دیگر، مسئله دیگری است که اسلام و قرآن کریم و دستور نبی اکرم صلی الله علیه و آله بر خلاف آن است؛ و آن ملی گرایی که به دشمنی بین مسلمین و شکاف در صفوف مؤمنین منجر می شود بر خلاف اسلام و مصلحت مسلمین و از حیله های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می برند.

۴- از ملی گرایی خطرناکتر و غم انگیزتر، ایجاد خلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است، و القای تبلیغات فتنه انگیز و دشمنی ساز بین برادران اسلامی و ایمانی است.

و بحمداللّٰه تعالی در انقلاب اسلامی ایران هیچ اختلافی بین این دو طایفه وجود ندارد و

همه با دوستی و اخوت در کنار هم زنـدگی می کنند. و اهل سـنت که در ایران جمعیتش بیشـمارند و در اطراف و اکناف (۱) کشور زیست می کننـد و دارای علمـا و مشایـخ بسـیار هسـتند، بـا ما برادر و ما با آنها برادر و برابریم. و آنان با نغمه های نفاق افکنـانه ای کـه بعضـی جنایتکـاران و وابسـتگان بـه صـهیونیسم و امریکـا، سـاز نمـوده انـد مخالفنـد. و برادران اهـل سـنت در کشورهای اسـلامی بداننـد که این عمال وابسـته به قـدرتهای شـیطانی بزرگ، خیرخواه مسـلمین و اسـلام نیسـتند و لازم اسـت مسـلمانان از آنها تبرّی کننـد و به تبلیغات نفاق افکنانه آنان گوش فرا ندهنـد. من دست برادری به تمام مسـلمانان متعهد جهان می دهم و از آنـان می خواهم که به شـیعیان بـا چشم برادری عزیز نگاه کننـد؛ و با این عملشان هماننـد همیشه نقشه های شوم اجانب را خنثی کنند.

۵- از تبلیغات دامنه داری که به ظاهر ضد ایران و در حقیقت بر ضد اسـلام است آن است که: «انقلاب ایران نمی تواند کشور ما را اداره کند»، و یا «دولت ایران در حال سقوط است، چون نه اقتصاد سالم و نه فرهنگ صحیح و نه ارتش منسجم و نه قوای مسلح آماده دارد». و این تبلیغات از همه رسانه های گروهی امریکا و وابستگان به آن پخش می شود و مایه دلخوشی دشمنان ایران و اسـلام است، و در حقیقت این تبلیغات علیه اسـلام است و می خواهند وانمود کنند که اسـلام در این زمان قدرت اداره کشورها را ندارد. اکنون مسلمانان باید با دقت مسائل را بررسی کنند و انقلابات غیر اسلامی را با انقلاب اسلامی ایران مقایسه کننـد. انقلاب اسـلامی ما در عین حال که وارث یک کشور صـد در صـد وابسـته و مخروبه و عقب رانده شده در تمام جهات بـود، و رژیم دست نشانـده پهلـوی در مـدت بیش از پنجـاه سـال این کشور را از هر جهت به سـقوط کشانـده بود، و ذخـایر و دارایی سـرشار آن را به جیب اجانب خصوصاً انگلیس و امریکا ریخته و باقیمانده آن را به نفع خود و وابستگان و سرسپردگان خود برداشت کرده و ما را با مشکلات بسیار رو به رو کرده بود، ما به برکت اسلام و ملت مسلمان در ظرف کمتر از دو سال، تمام آنچه را که مدخلیت در اداره کشور داشت تصویب و اجرا کردیم؛ و با همه مشکلاتی که امریکا و

۱- جمع کنف: اطراف، کنارها.

اقمار او از جهت حصر اقتصادی و دخالت نظامی و تهیه وسیع کودتا فراهم آورده بود، ملت رزمنده ما ارزاق را نزدیک به خودکفایی رسانده اند و سایر مایحتاج کشور نیز تهیه شده است. و بزودی فرهنگ استعمار زمان رژیم سابق را به فرهنگ مستقل اسلامی تبدیل می کنیم. قوای مسلح ما ارتش و سپاه پاسداران و ژاندارمری و شهربانی آماده برای دفاع و نظم و همه در راه اسلام جان بر کف مهیای جهادند. علاوه [بر این]، ارتش میلیونی و بسیج عمومی که با سازماندهی خود ملت مجهز می شوند، آماده فداکاری در راه اسلام و کشور است. و دشمنان ما باید بدانند که هیچ انقلابی در جهان همانند انقلاب اسلامی ما، با ضایعه ای کم و رهاوردی عظیم، همراه نبوده است و این نیست جز به برکت اسلام.

این بدخواهان چه می گویند؟ اسلامی که چندین قرن بر نیمی از معموره دنیا حکومت کرده بود و کمتر از نیم قرن بر حکومتهای کفر و ستم چیره شد، اکنون چطور از اداره کشور عاجز است؟ امروز ملت ما در کمک به اداره کشور و سازماندهی آن مهیا و فعالند.

دشمنان اسلام از قدرت اسلام در هدم اساس ظلم و برپا داشتن اساس اداره کشور بر عدالت غافلند و یا تغافل می کنند. دشمنان اسلام و بلکه بسیاری از دوستان اسلام هم از قدرت اداره و احکام سیاسی و اجتماعی اسلام بی اطلاعند. در حقیقت اسلام در طول تاریخ پس از صدر اسلام مهجور [و] (۱) محجوب بوده است، و اکنون باید با کمک همه مسلمانان و دانشمندان و متفکران و اسلام شناسان معرفی شود تا چهره تابناک آن چون خورشید جهانتاب جلوه کند.

ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، بپا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزاین سرشار آن کوتاه کنید، و مجد اسلام را اعاده کنید، و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید. بر فرهنگ اسلام تکیه زنید و با غرب و غربزدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غربزده و شرقزده بتازید و هویت خویش را دریابید و بدانید که روشنفکران اجیرشده بلایی بر

۱- جدا مانده، دور افتاده.

سرملت و مملکتشان آورده اند که تا متحد نشوید و دقیقاً به اسلام راستین تکیه ننمایید، بر شما آن خواهد گذشت که تا کنون گذشته است. امروز زمانی است که ملتها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آن را از خود باختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز روز حرکت ملتهاست و آنان هادی هدایت کنندگان تاکنوند. بدانید که قدرت معنوی شما بر همه قدرتها چیره خواهد شد و قریب یک میلیارد جمعیت شما با خزاین سرشار و ثروت بی پایان می تواند تمام قدرتها را در هم شکند. نصرت کنید خدا را تا نصرت دهد شما را. ای اقیانوس بزرگ مسلمانان، خروش برآورید و دشمنان انسانیت را در هم شکنید؛ که اگر به خدای بزرگ رو آورید و تعلیمات آسمانی را وجهه خود قرار دهید، خدای تعالی و جنود عظیم او با شماست.

۶- مهمترین و دردآورترین مسئله ای که ملتهای اسلامی و غیر اسلامی کشورهای تحت سلطه با آن مواجه است موضوع امریکاست. دولت امریکا به عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه، از هیچ کوششی فروگذار نمی کند.

امریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. امریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی نماید. امریکا مردم مظلوم جهان را با تبلیغات وسیعش که به وسیله صهیونیسم بین الملل سازماندهی می گردد، استثمار می نماید. امریکا با ایادی مرموز و خیانتکارش، چنان خون مردم بی پناه را می مکد که گویی در جهان هیچ کس جز او و اقمارش حق حیات ندارند.

ایران که خواسته است از هر جهت با این شیطان بزرگ قطع رابطه کند، امروز گرفتار جنگهای تحمیلی است. امریکا عراق را وادار نموده است خون جوانان ما را بریزد. و سایر کشورهای تحت نفوذش را وادار نموده است تا ما را با حصر اقتصادی از پای درآورد؛ مع الأسف اکثر کشورهای آسیایی هم با ما سر ستیز برداشته. ملتهای مسلمان باید بدانند که ایران کشوری است که رسماً با امریکا می جنگد، و شهدای ما، این جوانان و دلاوران ارتش و سپاه از ایران و اسلام عزیز در مقابل امریکا دفاع می کنند. پس ذکر این

مسئله ضروری است که درگیریهای غرب کشور عزیز ما درگیریهایی است از جانب امریکا که گروههای از خدا بی خبر وابسته، هر روز ما را با آن مواجه کرده اند، و این به محتوای انقلاب اسلامی ما مربوط می شود که بر پایه استقلال واقعی بنا گشته است. چه اگر ما با امریکا و یا سایر ابرقدرتها و قدرتها کنار آمده بودیم، گرفتار این مصایب نبودیم؛ ولی مردم ما دیگر به هیچ وجه حاضر نیستند تن به خواری و ذلت دهند و مرگ سرخ را به زندگی ننگین ترجیح می دهند.

ما برای کشته شدن حاضریم و با خدای خویش عهد نموده ایم که دنباله روِی امام خود سیدالشهدا باشیم. ای مسلمانانی که در کنار خانه خدا به دعا نشسته اید، به ایستادگان در مقابل امریکا و سایر ابرقدرتها دعا کنید و بدانید که ما با عراق جنگی نداریم و مردم عراق پشتیبان انقلاب اسلامی ما هستند، ما با امریکا در ستیزیم. و امروز دست امریکا از آستین دولت عراق بیرون آمده است و به امید خدا این ستیز تا استقلال واقعی ادامه دارد که بارها گفته ام ما مرد جنگیم و تسلیم برای مسلمان معنا ندارد. ای کشورهای بی طرف! شما را به شهادت می طلبیم که امریکا قصد نابودی ما را دارد. کمی به خود آیید و ما را در هدفمان کمک کنید. ما به شرق و غرب و به شوروی و امریکا پشت کرده ایم تا خود، کشور خود را اداره کنیم. آیا حق است تا این چنین مورد هجوم شرق و غرب واقع شویم؟

با اوضاع فعلی جهان این یک استثنای تاریخی است که با مرگ و شهادت و شکست ما، مطمئناً هدف ما شکست نمی خورد.

بارها گفته ام که گروگانگیری توسط دانشجویان مسلمان و مبارز و متعهد ما عکس العمل طبیعی صدماتی است که ملت ما از امریکا خورده است. و اینان فعلًا با بازپس دادن اموال شاه معدوم و لغو تمام ادعاهای امریکا علیه ایران و ضمانت به عدم دخالت سیاسی و نظامی امریکا در ایران و آزاد گذاشتن تمامی سرمایه های ما آزاد می گردند؛ که البته این امر را محول به مجلس اسلامی نموده ام تا آنان به هر نحو که صلاح می دانند عمل نمایند. با اینان در ایران به بهترین وجه رفتار شده است؛ ولی تبلیغات امریکا و اقمارش از هیچ دروغ و افترا و تهمتی در این مورد فرو گذار نکردند، در حالی که امریکا و انگلیس به فرزندان عزیز ما بدترین اهانتها و شکنجه های روحی و جسمی را

نمودند و هیچ مقام رسـمی در مجامع بین المللی از این دوسـتان عزیز ما دفاع ننمود، و هیچ کس امریکا و انگلیس را در مقابل این رفتار وحشیانه محکوم نکرد. از خداوند متعال آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی را برای تمام ملتهای دربند آرزومندم. والسلام علی عباداللّٰه الصالحین.

۲۱/ ۶/ ۵۹

روح اللّٰه الموسوی الخمینی

ص: ۵۲

پیام

زمان: ۲۷ مهر ۱۳۵۹/ ۹ ذی الحجه ۱۴۰۰

مکان: تهران، جماران

موضوع: فرمان آماده باش به ملت ایران برای رفع تجاوز دشمن بعثی

مناسبت: عید سعید قربان

مخاطب: نیروهای مسلح و ملت مسلمان ایران- مسلمانان و مستضعفان جهان

فرمان آماده باش به ملت ایران ...

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

مبارک باد عید سعید قربان بر جمیع مسلمانان جهان و بر امت پیامبر عظیم الشأن.

مبارک باد این عید بزرگ اسلامی بر مستضعفین جهان که در مقابل مستکبرین و اولیای طاغوت قیام نمودند. مبارک باد بر ملت عظیم اسلامی ایران که صادقانه و دلاورانه در مقابل اولیای شیطان بپا خاستند. و مبارک باد بر قوای مسلح جمهوری اسلامی و بر دلیران رزمنده غرب و جنوب که با تعهد اسلامی و فداکاری در راه خداوند تعالی به جهاد مقدس و دفاع از کشور اسلامی چون سدی آهنین ایستاده و خون آشامان حزب کثیف بعث عراق و سرسپردگان به دشمنان اسلام و بشریت را از کشور خود رانده و خواهند راند.

آن روز مبارک است برای اسلام و ملتهای اسلامی که دست ستمگران و خون آشامان از کشورهای اسلامی کوتاه شود. و آن روز مبارک است برای ملت شریف ما که جمهوری اسلامی به تمام معنا در کشور اسلامی پیاده شود و احکام مترقی اسلام به جای احکام ضد انسانی برقرار گردد.

اکنون، شما ای ملت بزرگ اسلامی ایران، بر سر دوراهی می باشید؛ راه سعادت و افتخار ابدی در سایه پرافتخار جهاد برای خدا و دفاع از کشور اسلام، و راه ذلت و ننگ

ابدی؛ اگر خدای نخواسته در این جهاد مقدس سستی و سردی از خود نشان دهید. و من امید واثق دارم که ملت ما تن به ننگ نداده و نخواهند داد، و تا سقوط رژیم منحط بعث عراق از پای ننشینند و تا ملت شریف عراق را از اختناق و جنایاتی که بر آنان سایه شوم افکنده نجات ندهند، دست از جهاد مقدس برندارند. و شما ای جوانان برومند خوزستان و منطقه غرب و دیگر جبهه ها، در این میدان شرف پایدار باشید و از وطن اسلامی خود با تمام کوشش و فداکاری دفاع کنید که به خواست خداوند متعال پیروز خواهید شد و جنود ابلیس را با فضاحت تمام به عقب خواهید راند. و شما ای قوای مسلح که در خوزستان و مرزهای جنگزده در مقابل کفار ایستاده اید، بهوش باشید و هماهنگ باشید و به دستورات شورای دفاع عمل کنید، و از اختلاف و تفرقه برحذر باشید که نصرت خدا را ان شاءاللّٰه در آغوش گرفته و سربلند و مفتخر از میدان بیرون آیید. و اینجانب اولًا به ملت ایران هشدار می دهم که خود را مهیا کنند و اسلحه های خود را آماده کنند و به حال آماده باش باشند، که اگر خدای نخواسته محتاج به بسیج عمومی شد و امر به جهاد مقدس عمومی داده شد، فوراً به میدان رفته و از دین خدا و کشور اسلامی دفاع نمایند. و ثانیاً به قوای نظامی اخطار می کنم که با کمال جدیت و بدون فوت وقت، ساز و برگ جنگی را که بحمداللّٰه در حد کافی در اختیار دارید در اختیار رزمندگان، چه قوای مسلح و چه سایر جوانان فداکار گذاشته و کوچکترین مسامحه را جایز ندانید. و از شورای دفاع می خواهم که هر روز اینجانب را از وضع جبهه ها مستحضر کنند و چنانچه احتیاج به نیرو دارند تذکر دهند که جوانان پرشور در سطح کشور آماده جهاد هستند. و باید فرماندهان نظامی داوطلبانی را که [برای جنگ] می آیند بی درنگ مجهز کنند و به جبهه بفرستند و نیروی زمینی را با اقسام سلاحها و آتشبارها و توپها تقویت کنند؛ و بدانند که مسامحه در این امر نزد خداوند و ملت گناهی نابخشودنی است و از عواقب آن بر حذر باشند. و به همه جناحها اطمینان می دهم که پیروزی با اسلام و کشور اسلامی است و شکست خذلان نصیب دشمنان شما است.

من از خداوند تعالی رحمت برای شهدای عزیز در این جنگ تحمیلی خواستارم.

اینان برای اسلام فدا شدند و در نزد خدای تعالی و در جوار رحمت واسعه او به سعادت

ابـدی و افتخـار دائمی رسـیدند، و به بازمانـدگان آنان تبریک و تسـلیت عرض می کنم. شـما مسـلمانان متعهـد دیْن خود را به اسلام بزرگ و خداوند متعال ادا کردید و راه وفاداری و فداکاری را به ما آموختید. خداوند تعالی ما را به شما ملحق کند و از این فیض عظیم محروم نفرمایـد. و اخیراً تأکیـد می کنم که پایـداری در این امر حیـاتی و شـدت عمـل موجب افتخـار جوانـان ماست.

از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و پیروزی مجاهدین در راه خدا را خواستار است. والسلام علی من اتبع الهدی.

روح اللّه الموسوی الخمینی

ص: ۵۵

سخنرانی

زمان: ۲۸ مهر ۱۳۵۹/ ۱۰ ذی الحجه ۱۴۰۰

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: وظیفه دولتهای اسلامی در قبال حمله صدام به کشور اسلامی ایران

مناسبت: عید سعید قربان

حضار: سفرای کشورهای اسلامی

بسم اللّه الرحمن الرحیم

عبادی- سیاسی بودن دین اسلام

ما در روزی مجتمع هستیم در این محل حقیر که انبوه مسلمین از سراسر کشورهای اسلامی در مکه معظمه مجتمع هستند، این اجتماع دینی- سیاسی.

اسلام یک دین عبادی- سیاسی است که در امور سیاسی اش عبادت منضم است و در امور عبادی اش سیاست. این مجتمعاتی که اسلام برای مسلمین به طور سهولت تهیه فرموده است، در سال یک دفعه فریضه فرموده است بر کسانی که استطاعت دارند که مجتمع بشوند در مکه معظمه و در مواقف شریفه. و برای همه مسلمین مستحب است که مستطیع هم که نباشند این عبادت الهی را به جا بیاورند. و نکته مهم این اجتماعات این است که مسلمین با هم در یک محیط دور از تشریفات- یک محیطی که همه آن جهات شخصیتها را ریخته و با یک کفن و با دو ثوبه (۱) مختصر- در این مواقف حاضر شوند و مهم این است که آن چیزهایی که در بلاد مسلمین در طول سال، گذشته است به اطلاع هم برسانند و برای رفع اشکالات مسلمین فکر بکنند. و اجتماع بزرگ میلیونی اسلامی در حجاز برای همین نکته است، در عین حالی که عبادت است. و مع الأسف، ما مسلمانها که

۱- جامه، لباس.

از اسـلام دور افتاده ایم و از حقایق اسـلامی منزوی شده ایم در این فکر ابداً نیستیم که، اولًا کسانی که می توانند بروند، بروند مشـرف شوند در خانه خدا و کسانی که اصـحاب تفکر هسـتند، نویسـنده هستند، روشنفکر هستند و عالِم هستند، در آن محیط مجتمع بشوند و مشـکلات مسلمین را در تمام جهان بررسی کنند و آنچه که می توانند حل کنند. ما الآن از تشرف مکه و حج بیت اللَّه جز اینکه یـک دسـته اشـخاص عـامی مردم، عـامه مردم در آنجـا مجتمع بشونـد، و اشـخاص مؤثری که می تواننـد، از حکومتها، از بزرگان قوم در آنجا می توانند مجتمع بشوند و مسائل اسلام را و مسائل مسلمین را و مسائل سیاسی و اجتماعی را بررسی کنند، مع الأسف، این امر مغفولٌ عنه (۱) است. و در عین حال که باید در آنجا بررسی مشکلات را بکنند بر مشکلات افزوده می شود. مشـکلات مسلمین زیاد است، لکن مشکل بزرگ مسلمین این است که قرآن کریم را کنار گذاشته اند وتحت لوای دیگران درآمده اند. قرآن کریم که می فرماید که وَاعتَصِمُوا بِحَبلِ اللَّه جَمیعاً وَ لاتَفَرَّقُوا، (۲)

ما اگر همین یک آیه را، مسـلمین اگر همین یک آیه را عمل به آن بکنند تمام اشکالات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و همه چیزشان بدون تشبث به غیر رفع می شود.

اسـلام برای مردم در هر نـاحیه یـک امور سیاسـی- عبـادی قرار داده است. این جماعات در تمام کشورهای مسـلمین، و در هر شهر و ده و روسـتا، اینها یک امور اجتماعی- سیاسـی است که اهل یک بلد در مساجد مجتمع بشوند و مشـکلات خودشان را نسبت به آن بلـد حل بکننـد. و نماز جمعه یک عبادت سیاسـی و اجتماعی است که در هر هفته مردم اجتماعات زیاد بکننـد و مسائلشـان را حـل بکننـد در آنجـا. و اجتمـاع کعبه بزرگترین اجتمـاعی است که هیـچ دولتی نمی توانـد خودش این اجتماع را ایجاد کند و خدای تبارک و تعالی همچو کرده است که مسـلمین بدون یک مزاحمتها و زحمتهایی و بدون یک خرجهایی که بر دولتها باشد، مجتمع می شوند در آنجا و مع الأسف، استفاده از آن نمی شود.

۱- آنچه از آن غفلت شده.

۲- بخشی از آیه ۱۰۳، سوره آل عمران: «به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید».

وظیفه دولتهای اسلامی در مقابله با دولت عراق

مـا الآن در یک روزی مجتمع هستیم که دولت صدام، دولت غاصب صدام بدون یک عذر موجهی در بین تمام دول عالَم، بدون اطلاع و بدون سابقه با دریا و هوا و زمین هجوم کرد بر ایران و به خیال خودش می خواست که کشورگیری کند و خلافت مسلمین را یک آدمی که به اسلام اعتقاد ندارد، ریاست مسلمین را به دست بگیرد. و مع الأسف، در عین حالی که در قرآن کریم است که اگر دو طایفه ای از مسلمین با هم اختلاف کردند شما مصالحه بدهید بین آنها را و اگر یکی از آنها باغی باشد و طاغی باشد، با او قتال کنید تا اینکه سر نهد به احکام خدا. کدام یک از کشورهای اسلامی بررسی کردند در اینکه طاغی و باغی کیست و آن کسی که هجوم کرده است کیست تا اینکه همه به امر خدا با او مقاتله کنند؟ بر کدام مملکت اسلامی پوشیده است این معنا که صدام به ما بغی کرده است، و طغیان کرده است و ظلم کرده است و هجوم کرده است؟ چرا ممالک اسلامی به آیه شریفه ای که می فرماید که فَقاتِلُوا الَّتی تَبغی حَتّی تَفِیءَ الی امْرِ اللَّه (۱)

چرا عمل نمی کنند؟ مع الأسف بعض از ممالک اسلامی؛ یعنی، ممالکی که دولتهایشان به اسم اسلام بر آنها حکومت می کنند، در عین حالی که می بینند که او طغیان کرده است و هجوم کرده است بر یک مملکت اسلامی بدون جهت، بدون یک حجت، با او اعلام موافقت می کنند یا بعضی پشتیبانی می کنند. ما باید مشکلات اسلامی را در کدام نقطه عالَم طرح کنیم و حل کنیم؟ مسلمین عالَم باید مشکلاتشان را در چه محفلی حل بکنند؟ در محافل بین المللی که دستاورد دولتهای بزرگ است؟ در آن محافلی که به اسم اسلام هست لکن اثری از اسلام در آن نیست؟ باید مملکت ایران شکوای خودش را به چه مقامی عرضه کند؟ ملتی که مورد هجوم واقع شده است بدون جهت، بدون عذر، باید با کی طرح کند این مطلب را؟ با کدام یک از دولتها این مسئله را طرح کند؟ بر همه دولتهای اسلامی به نص قرآن واجب است که مقاتله کنند با دولت عراق تا برگردد به ذکر خدا و به امر خدا.

۱- بخشی از آیه ۹، سوره حجرات: «پس مقاتله کنید با آن طایفه ای که ظلم کرده است تا آن بازگردد به امرخداوند».

بله صدام گمان می کرد که با یک مملکت آشفته که منزوی شده است و همه دولتها پشت به او کرده اند یا او را در فشار اقتصادی گذاشته اند طرف شده است و ما نه قوای نظامی داریم و نه انتظامی داریم و نه ساز و برگ جهاد و جنگ. او همچو گمان کرد و گمان می کرد تا چند ساعت تهران را هم فتح خواهد کرد. او غافل از خدا بود. او فکر نکرده بود که ما یک ملتی داریم که منسجم با هم است و همه ایمان دارند و ایمان است که آنها را بر مسائل و بر مشکلات غلبه می دهد. آنها تفکر نکردند، تأمل نکردند که شاه خائن سابق که دارای همه قوا بود و همه قدرتها با او بودند و پشتیبانی می کردند، همین ملت غیور ایران با قدرت ایمانی او را به جهنم فرستادند. او تصور این را نکرد که ملت ایران همه قدرتهایی که پشتیبان محمدرضای مخلوع بودند کنار زد و دست همه را از منابع خودش و سلطه همه را قطع کرد. او از این معانی غفلت کرد از باب اینکه اعصابش ضعیف است. من از اوّلی که این شخص روی کار آمد گفتم به اشخاص که آدم خطرناکی است؛ برای اینکه این در حال جنون است، اعصاب این آدم کار نمی کند و حالا ثابت شد این معنا.

منزوی نبودن ایران در بین ملتها

مع الأسف گمان می کنند بعضی که ما منزوی شده ایم به واسطه مخالفت با امریکا، خیر، امریکا منزوی شد. میزان ملتهاست؛ شما سرنیزه را از روی ملتها بردارید و مردم را آزاد بگذارید ببینید کی منزوی است. الآن هم که سرنیزه ها هست در داخل عراق، ملت عراق با ما هستند و عن قریب، ان شاءاللّٰه، انفجاری در عراق پیدا خواهد شد، نظیر انفجاری که در ایران بود. ما منزوی نیستیم، آنهایی که ظالم هستند و به ما ظلم کرده اند منزوی هستند؛ برای اینکه میزان ملتها هستند. ما قبل از این انقلاب منزوی بودیم؛ برای اینکه، ملتها با ما توجهی نداشتند. بعد از انقلاب، هم ملت ما منسجم شد و یک شد، یدٌ واحِدةٌ عَلی مَنْ سِواهُم (۱)

شد و هم همه ملتهای ضعیف حتی ملتهای غیر اسلامی که

۱- بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۶۸، ح ۳. کنزالعمال، ج ۱، ص ۹۹، ح ۴۴۰. «مسلمین دست واحدند بر علیه بیگانگان».

جزء مستضعفین شدند با ما هستند. چطور ما منزوی هستیم؟ بله دولتهایی که هستند، دولتهایی که ملتهایشان هم با آنها موافق نیستند، آنها با ما مخالفند و ما باکی نداریم از این معنا. این انزوا را با آغوش باز استقبال می کنیم؛ برای اینکه ما تا منزوی نشویم و تا دستمان از پیش ابرقدرتها و قدرتهای دیگر کوتاه نشود، خودمان نمی توانیم کار خودمان را انجام بدهیم و سر پای خودمان بایستیم. ما باید منزوی بشویم تا مستقل بشویم. باید منزوی بشویم تا آزاد بشویم. انزوا برای ما هیچ طرح نیست و ما از انزوای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ابداً باک نداریم؛ برای اینکه میزان ملتها هستند و ملتها با ما هستند. شما اگر رادیوها را ملاحظه کنید در سطح جهان، تمام جهان با ما اظهار موافقت کردند و با ما خواسته اند که در جبهه جنگ حاضر بشوند و ما را از این غائله به اصطلاح خودشان نجات بدهند و ما احتیاج به این نداریم. ما همچو سیلی خواهیم زد به صدام و حزب بعث عراق که دیگر بلند نشود از جای خودش. ما باید این اشتباه را رفع کنیم، هم از دولت غاصب عراق و هم از سایر دولتهای اسلامی که گمان می کنند اگر هجومی به ایران بشود ایران صدمه به آن وارد می شود. ایران یک موجود الهی است که هیچ چیز او را صدمه نخواهد زد. ایران واحد است و با دست واحد، ۳۵ میلیون جمعیت با صدای واحد در مقابل قدرتها ایستاده است و هیچ قدرتی نمی تواند یک ملت را منزوی کند. و هیچ ملتی نمی تواند بر یک ملتی که بپاخاسته است حکومت کند. شما ملاحظه کنید افغانستان را.

افغانستان در عین حال که احزاب چپی دارد که قدرتمندند و حکومتش هم با ملت مخالف است و ملت هم با حکومت و آن قوای ابرقدرت هم وارد در آنجا شده است، آنچنان صدمه سیاسی به شوروی وارد شد در این کار که پیش همه ممالک مفتضح شد.

آنچنان سیلی زدند چریکهای قدرتمند افغانستان به روی شوروی که باید سرش را بلند نکند. و ایران از افغانستان قویتر است. برای اینکه ایران دسته جات مختلف ندارد. اگر چهار تا فرض کنید که ساواکی یا کمونیست در اینجا هست، اینها چیزی نیستند و در قبال ملت ما ناچیزند. اما ملت ما با دولت، قوای انتظامی همه با هم هستند. و بحمداللّه، هم قوای انتظامی ما الآن قوی است و هم سازوبرگ ما قوی است و این سازوبرگی است که دشمن ما برای ما تهیه کرد. این سازوبرگ بسیار زیادی است که امریکا برای ما تهیه کرد،

او تهیه کرد که در مقابل شوروی بایستد و به دست ما افتاد و ما در مقابل خودش و هر دولت دیگری ایستادگی داریم. قدرت ما را اینها نمی دانند؛ آن قدرت معنوی که در ایران هست، آن قدرت اسلامی که در ایران هست باز ادراک نکرده اند.

توجه مسلمانان به قدرت اسلام در قبال قدرتها

مسلمین باید توجه به قدرت اسلام داشته باشند. این قدرت اسلام بود که با دست خالی یک ملتی را بر یک دولت غاصب بزرگ و ابرقدرتهای بزرگ عالَم غلبه داد، این قدرت اسلام بود. چرا مسلمین از این قدرت غافلند؟ چرا دولتهای اسلامی از این قدرت اسلام غافل هستند؟ چرا باید در طول سالهای متمادی دولتهای عربی سیلی بخورند از صهیونیسم؟ چرا باید در تحت سلطه قدرتهای خارجی باشند؟ چرا خودشان با هم مجتمع نمی شوند؟ چرا به آیات شریفه قرآن عمل نمی کنند؟ چرا با هم مجتمع نیستند؟

چرا به احادیث نبی اکرم اعتنا نمی کنند که فرموده است: مسلمین یدٌ واحِدةٌ علی مَن سِوَاهُم؟ مع الأسف بین خودشان اختلافات است. مشکل مسلمین همین است که اختلاف انداخته اند بینشان. و بعد از جنگ عمومی این نقشه کشیده شد و قدرت اسلام را دیدند و نقشه کشیده شد و دولتهای اسلامی را از هم جدا کردند و مسلمین را با هم مخالف کردند و دولتهای اسلامی با هم دشمن شدند. این مشکلی است که حل باید بشود. این مشکلی است که در روز عید و در روز عرفه در پناه خانه خدا باید حل بشود. این مشکلی است که سران قوم مجتمع بشوند در مکه معظمه، امر خدای تبارک و تعالی را اطاعت کنند و با هم در آنجا اجتماع کنند و با هم مشکلات خودشان را در میان بگذارند و غلبه کنند بر مشکلات خودشان. اگر یک همچو امری واقع بشود احدی از قدرتها نمی تواند با شما مقابله کند. شما مسلمین همه چیز دارید. شما مسلمین قدرت اسلام دارید که بالاترین چیزهاست، بالاترین سلاحهاست. و شما مسلمین صحراها و دریاهای وسیع و کشورهای بسیار وسیع دارید و غنی هستید. در عین حالی که شما از حیث همه چیز غنی هستید مع ذلک، بیشتر مستمندان شما به حال فقر دارند زندگی می کنند؛ این برای این است که شما به اسلام عمل نمی کنید. شما اموال مسلمین را، آن چیزهایی که باید به نفع مسلمین

باشد به غیر مسلمین می دهید آن هم به یک ثمن بخس. (۱) همان ثمن هم در زمان شاه مخلوع، همان ثمن بخس هم دوباره برمی گشت به جیب خود امریکا و بعد هم سلاحها را درست می کردند برای خودشان که مقابله کنند با شوروی و بحمداللّه این سلاحها را خدا خواست که به دست ما بیفتد.

دفاع در مقابل متجاوزان به کشور

و امروز در مقابل همه کشورهایی که بخواهند به ما تعدی کنند قیام خواهیم کرد. و ملت ما با قدرت اسلامی با قوای نظامی و انتظامی، با مجاهدین اسلام و با همه قدرتهای مسلح و غیرمسلح با هم هستند و کسی نمی تواند به این مملکت تعدی کند. و ما نمی دانیم که چرا مسلمین- یعنی، ممالک اسلامی، والّا خود مسلمین با ما هستند- چرا ممالك اسلامی پا میان نمی گذارند و این آدم را به پای میز محاکمه نمی کشانند. از چه می ترسند؟

صدام باید محاکمه بشود همان طوری که کارتر باید محاکمه بشود. او برای نفع خودش عمل می کرد و این ملعون برای نفع امریکا عمل می کند. او برای اینکه چند کیلومتر زمین خشک، برای این لشکرکشی نمی کند و این همه جمعیت اسلام را چه از آن طرف و چه از این طرف به قتال وادارد و به کشتن بدهد و آنهمه میلیاردها دینار عراقی و تومان ایرانی را به این دو تا کشور ضرر بزنند و آن سلاحهایی که باید ما در مقابل دشمن و در مقابل صهیونیسم و امپریالیسم باید به کار بیندازیم به روی هم بکشیم. و این یک جنایتی است که صدام کرده. ما مدافع هستیم از منافع خودمان، ما مدافع از اسلام هستیم. ما می شناسیم این آدم را. من در عراق هم می شناختم این آدم را، که این آدم چنانچه- خدای نخواسته- دستش باز بشود از عَفلق (۲) بدتر است و عفلق، اسلام را مخالف همه چیز خودش می داند.

ما مدافع اسلام هستیم و مدافع اسلام با جان و مال و عزیزان خودش دفاع می کند و هرگز نخواهد نشست. ما چه پیروز بشویم در عالَم ماده و چه غلبه بکنیم، غلبه با ماست.

پیغمبر اسلام هم در بعضی از جنگها شکست خورد، لکن غلبه با او بود. اولیای اسلام هم

۱- بهای اندک، قیمت ناچیز.

۲- میشل عفلق، پایه گذار حزب بعث در عراق و سوریه.

در بعضی از جنگها دشمنان غلبه بر آنها کردند، لکن غلبه با آنها بود. غلبه با حق است.

باطل زَهُوق است؛ انَّ الباطِلَ کانَ زَهُوقاً. (۱)

ما در این روز به همه مسلمین دعا می کنیم و دست تضرع پیش خدای تبارک وتعالی بلند می کنیم که مسلمین بیداربشوند، حکومتهای اسلامی بیدار بشوند. حکومتهای اسلامی توجه کنند به اینکه مشکلاتشان را رفع کنند، این وابستگی خودشان را به ابرقدرتها بردارند از میان، مستقل بشوند، خودشان باشند، خودشان اداره کنند ممالک خودشان را. ما اینکه می گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرتها فاصله گرفتند و دادند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملتها و در همه دولتها بشود، آرزوی ما این است. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملتها بیدار بشوند و همه دولتها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می رود و خودشان به نحو فقر زندگی می کنند نجات بدهد.

خدای تبارک و تعالی این عید را بر همه مسلمین مبارک کند. و این عید و این روز مبارک است بر ملت ایران که در جنگ است و مبارک است بر آنهایی که شهید شدند و مبارک است بر آنهایی که شهید دادند. خدای تبارک و تعالی به ما هم این فرصت را بدهد که در راه او شهید بشویم.

والسلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته

۱- سوره اسراءبنی اسرائیل)، آیه ۸۱: «باطل، خود لایق نابودی است».

سخنرانی

زمان: صبح ۱۶ آبان ۱۳۵۹/ ۲۸ ذی الحجه ۱۴۰۰

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: سکوت مسلمین در قبال تجاوزات رژیم بعث عراق علیه ایران

حضار: مسلمانان پاکستان

سکوت مسلمین در قبال تجاوزات رژیم بعث عراق علیه ایران

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

کعبه خانه مردم و محل اجتماع و زیارت مسلمانان

با تشکر از حضور آقایان در اینجا و امیدواری به اینکه خداوند زیارت آقایان را و سایر حجاج محترم را قبول کند، عرض می کنم که شما موفق شدید به زیارت خانه ای که خداوند برای ناس قرار داده است و اول بیتی است که خداوند برای همه مردم قرار داده است و فرموده است که انَّ اوَّلَ بَیتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذی بِبَکَّه. (۱)

این دلیل بر این است که، یکی از ادله این است که خدای تبارک و تعالی همه عالم را دعوت فرموده است به اسلام و این خانه را برای تمام عالم از زمان بعثت تا آخر برای همه قرار داده است.

این خانه ناس است. شخصی یا اشخاصی یا گروهی یا طوایف خاصی اینطور نیست که اولی باشند به خانه خدا از دیگر ناس. همه مردم، آنهایی که در سراسر دنیا هستند، در مشارق ارض و مغارب ارض، مکلف هستند که مسلم بشوند و در این خانه که قرار داده شده است از برای ناس، مجتمع بشوند و زیارت کنند آن بیت مقدس را. عقلا و علمای اسلام از صدر اسلام تاکنون کوشش کردند برای اینکه مسلمین همه با هم مجتمع باشند و همه ید واحد باشند بر غیر مسلمین. در هر جا که مسلمی پیدا بشود باید با سایر مسلمین

۱- سوره آل عمران، آیه ۹۶: «انَّ اوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذی بِبَکَّهَ مُبارَکاً وَ هُدَیً لِلعالَمینَ» اول خانه ای که برای مردم بنا شده، همان خانه مکه است که در آن برکت و هدایت جهانیان است.

تفاهم کننـد و این یک مطلبی است که خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم سـفارش کرده است. (۱) و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سفارش فرموده است (۲) و ائمه مسـلمین سـفارش فرموده اند و علمای بیدار اسلام دنبال این امر را گرفته و کوشش کرده اند به اینکه مسلمین را در تحت لوای اسلام به وحدت و یگانگی دعوت کنند.

مبعوث شدن پیامبر اسلام بر تمام بشر

مع الأسف، بعض از عناصر منحرف، از عناصری که به اسلام اعتقاد هم ندارند، با ادعای خالی از حقیقت اسلام کوشش دارند به اینکه اسلام را در عربیت خالص کنند.

گزارشـی کـه در یکی- دو روز پیش از خبرگزاریهـا رسـید بـه مـا، این بـود که صـدام حسـین در مجلس غیرقـانونی خودشـان صحبتهـای متفرقه ای کرده است و اراجیفی بـافته است. از آن جمله اینکه «فارس مسـلم نیست؛ به دلیل اینکه قرآن عربی است. پیغمبر عرب بوده است و اسـلام مـال عرب است»؛ به منطق این آدم منحرف که از اسـلام بی اطلاع است، و از آن جمله اعرابی است که خدای تبارک و تعالی، فرموده است: اشَدُّ کُفراً وَ نِفاقاً وَ اجدَرُ الّا یَعلَمُوا حُدُودَ ما انزَلَ اللَّه (۳)

این، سـزاوارترند اینطور اشـخاص از اینکه حـدود خـدا را و احکام خدا را نشناسـند. به منطق این آدمی که اعتقاد به اسـلام هم ندارد، شـما آقایان که به مکه مشـرف شدید مسلم نبودید و تمام مسلمین دنیا که در شرق و غرب زمین هستند مسلمان نیستند؛ فارس مسـلمان نیست، ترک مسلمان نیست، بلوچ مسلمان نیست، پاکستانی مسلمان نیست، مسلمانان هندوستان مسلمان نیستند، اندونزی ها مسلمان نیستند.

مسـلمانی فقط منحصـر به عرب است! نظیر عفلق، نظیر صـدام و نظیر حزب بعث عراق! این منطق یک آدمی است که از اسـلام بی اطلاع است، از قرآن بی اطلاع است. ضـرورت مسـلمین است که پیغمبر اسـلام آخر نبیین است و مبعوث شده است بر تمام بشر در مشارق

۱- اشاره است به آیه ۱۰۳، سوره آل عمران.

۲- صحیح ترمذی، ج ۳، ص ۳۱۶.

۳- سـوره تـوبه، بخشـی از آیه ۹۷: «اعرابیـادیه نشـین) در کفر و نفـاق از دیگران سـخت تر و بـه جهـل و نـادانی احکـام خـدا سزاوارترند».

ارض و مغارب ارض. قرآن کریم حکایت می کند که اسلام مال تمام طوایف هست. هر کس به او رسید باید ایمان بیاورد. و روایات از رسول اکرم این است که اسلام برای همه هست. و این آدم اگر تا حالا هم فرض کنید- به فرض غلط- که مسلم است، برای این کلمه از اسلام بیرون رفته است؛ برای اینکه خلاف ضرورت مسلمین و خلاف قرآن کریم و خلاف رسول اکرم گفته است.

ایجاد اختلاف بین مسلمانان با طرح قومیت

ما سالهای طولانی است که دنبال این هستیم که مسلمین را با هم همقدم و همکلام و مجتمع کنیم؛ برای اینکه تمام گرفتاریهایی که مسلمین دارند و به دست قدرتهای اجنبی؛ آنهایی که می خواهند از بلاد مسلمین بهره گیری کنند، آنهایی که می خواهند ذخایر مسلمین را ببرند، آنهایی که می خواهند دولتهای اسلامی را در زیر یوغ سلطنت خودشان قرار بدهند، اینها کوشش کرده اند خودشان و عمالشان به اینکه تفرقه بین مسلمین ایجاد کنند. این کلام خبیث همان کلامی است که آنها می خواهند که عرب را یک طرف قرار بدهند و همه مسلمین را در طرف دیگر؛ فقط عرب مسْلم است، پاکستانی مسْلم نیست، ایرانی مسلم نیست، عرب، عرب مسلم واقعی است! اینها همه باید- به حسب قولی که او باز در یک کلامش گفته است- اینها باید آقایی عرب را بپذیرند. این برخلاف اسلام است، برخلاف دستورات قرآن است. قرآن کریم میزان را تقوا قرار داده است و فرموده است: انَّ اکرَمَکُم عِندَ اللَّه اتقیکُم (۱)

و صدام میزان را عربیت قرار داده است؛ عربیت، چه عربیتی باشد که مثل عفلق و امثال صدام باشد و چه سایرین، این برخلاف موازین اسلام و برخلاف ضرورت مسلمین است. این همان معنایی است که ابرقدرتها می خواهند که قشرها را از هم جدا کنند، عرب را از غیرعرب جدا کنند، عرب را در یک طرف قرار بدهند و عجم را در یک طرف دیگر. در بین خود عرب هم می خواهند که طوایف مختلف را از هم جدا کنند و در بین عجم هم که سایر مسلمین هستند می خواهند

۱- سوره حجرات، آیه ۱۳: «بزرگوارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست».

که اینها را از هم جـدا کننـد؛ اینها مأمور این هسـتند، محمـدرضا مأمور این معنا بود که اینها را از هم جدا کند. کسانی که این معنـا را می گوینـد و این معنـا را تعقیب می کننـد، اینهـا همان مأمورینی هسـتند که مقاصـد پلیـد اجنبیها را که مسـلمین را می خواهند از هم مفترق کنند اجرا می کنند.

ادعاهای واهی صدام در توجیه تجاوز به ایران

مسلمین باید یدِ واحده بر ماسِوایشان باشند. وَلا تَنازَعُوا فَتَفشَلُوا وَتَذهَبَ رِیحُکُم (۱)

قرآن شـریف دسـتور داده است که اگر یک طایفه ای از مسـلمین بر طایفه دیگر بغی کردنـد و تعـدی کردند، بر همه مسـلمین واجب است که بر ضد او قیام کنند؛ فضـلًا، از اینکه غیرمسـلم بَغی کند بر مسلم. (۲) اگر یـک طایفه ای از کفار هجوم بیاورند به مملکت اسـلامی، تکلیف همه مسـلمین است که به او هجوم بیاورند و او را از صـفحه روزگار نابود کنند. چه شده است که مسـلمین در این امری که همه می داننـد، تمام کسانی که اطلاع دارند از منطقه، می دانند که دولت جابر صدام و بعث ناگهان بـدون هیـچ مقـدمه حمله کرده است به ایران از طرف دریـا و از طرف هـوا، از طرف زمین و بـدون اینکه دولت متـوجه بشـود بعضـی از بلاد ایران را غصب کرده است و بعضـی از سرزمینها. آن روزی که مطلع شد ایران، جلویش را گرفت و بحمداللَّه به قدری صدمه بر او وارد کرده است و بر جنود او وارد کرده است که برگرداندن به اصل اول محتاج به سالهای طولانی است. و این هجوم ناجوانمردانه، کشور عراق را به تباهی کشانده و می کشاند و سرمایه هایی که باید صرف

۱- سوره انفال، آیه ۴۶: «و هرگز راه اختلاف و تنازع نپوییـد که در اثر تفرقه ترسو و ضـعیف شده، قدرت وعظمت شـما نابود خواهد شد».

۲- اشاره است به آیه ۹ سوره حجرات: «وَ انْ طائِفَتانِ مِنَ المُؤمِنینَ اقْتَتَلُوا فَاصـلِحُوا بَینَهُما فَان بَغَتْ احدیهُماعَلَی الاخْری فَقاتِلُوا الَّتی تَبغی حَتّی تَفی ءَ الی امرِ اللَّه فَان فـاءَتْ فَاصـلِحُوا بَینَهُما بِالعَـدلِ وَاقْسِـطُوا انَّ اللَّه یُحِبُّ المُقسِـطینَ» و اگر دو طایفه از اهل ایمان به قتال و دشـمنی برخیزنـد، شـما مؤمنان در میان آنها صـلح برقرار کنیـد و اگر یک قوم بر دیگری ظلم کرد با آن طایفه ظالم قتال کنیـد تا به فرمان خـدا بازآیـدو ترک سـتم کنـد). پس هرگاه به حکم حق برگشت با حفظ عـدالت میان آنها صـلح دهید و همیشه عدالت کنید که خدا بسیار اهل عدل و داد را دوست می دارد.

بشود در راه ترویج اسلام، اینها را صرف کرده اند در راه جنگ. ما بادی (۱) به جنگ نبودیم و نیستیم، لکن اگر کسی تعدی بکند دهان او را خُرد می کنیم. ابتدا از آنها بوده است و لهذا، در مملکت ما این واقعه واقع شده است. اگر ما بادی بودیم، خوب بود اول ما رفته باشیم یکی از دهات آنجا را گرفته باشیم و آنها آمده باشند و ما را عقب زده باشند.

ادعای اینکه ما مدتهاست- صدام در این نطق خبیثش گفته است که- «ما مدتها با دولت ایران صحبتها کردیم، رفت و آمد کردیم و خواستیم تفاهم کنیم و دولت ایران قبول نکرده است و ما ملزم شدیم که به دولت ایران [حمله نماییم] و آنها- دولت ایران- پاسگاههای ما را در مرز خراب کردند و چقدر از پاسگاههای ما را خراب کرده اند» و از قبیل این اراجیف. دولت ایران قبل از حمله عراق حتی یک وجب در ملک آنها، در مملکت آنها نرفته است و بنا هم نیست که برود و یک پاسگاه از آنها خراب نکرده است، لکن بعد از آنکه آنها حمله کردند و مردم ایران را، مردم عادی ایران را با توپهای دورزن و با موشکهای زمین به زمین خانه ها را خراب کرده اند، زن و بچه های مردم را کشتند و همه شرارتها را کردند، البته دفاع بر هر مسلمی، بر هر انسانی دفاع واجب است. و ما به حسَب امر خدا دفاع کردیم از خودمان و دفاع از اسلام، نه دفاع از کشور خودمان فقط.

اظهار تأسف از سکوت مسلمانان در جنایات صدام

صدام کسی است که تابع «عفلق» ها هست و آنها حزبشان اسلام را منافی می دانند با وضعیت خودشان؛ دشمن اسلام هستند آنها. اینکه می گوید حسین بن علی علیه السلام چه، این همان آدمی است که زوار حسین بن علی را دسته جمعی اعدام کرده است و به حبس کشانده است.

این همان آدمی است که مرقد مطهر حضرت امیر را به امر او به گلوله بستند که گلوله هایی که خراب کرده بود یک جایی از، سوراخ کرده بود، یک جایی از دیوار را به من نشان دادند. اینها همانها هستند که علمای بزرگ اسلام را چه از طایفه سنی و چه از

۱- بادی: آغازگر، شروع کننده.

طایفه شیعه گرفتار کردنـد و حبس کردنـد و شـهید کردنـد. اینها از اسـلام بویی نبردند و حالا دعوی اسـلامیت می کند و می گویـد من مسـلم هسـتم! ایشان از همان اعرابی است که خـدای تبارک و تعالی فرموده است اینها از اسـلام و حدود اسـلام بی اطلاع هسـتند. چه شـده است که مسـلمین توجه ندارنـد به این معنا؟ چرا این مسائلی که در ایران واقع شده است و این مسائلی که به مملکت مـا وارد شـده است و آنطور بچه هـا و کوچکهـا و زنها و مردها را اینها قتل عام کرده انـد، برخلاف موازین بین المللی و برخلاف موازین جنگ به جاهای مسـکونی حمله کردند، چرا مسلمین در این مطلب هیچ توجهی ندارند؟ چرا ساکت هسـتند؟ خـدای تبـارک و تعـالی امرفرموده است که بایـد جنگ کننـد با این. حالا جنگ نمی کننـد لااقل تبلیغ کننـد، ساکت نباشـند. چرا رادیوهای بلاد مسـلمین ساکتنـد در این موضوع؟ چرا مسـلمین ساکتند و توجه ندارند که اگر جمهوری اسـلام در ایران- خـدای نخواسـته- شـکست بخورد اسـلام شـکست خورده است؟ چرا توجه ندارند که ابرقدرتها از اسـلام می ترسـند و مخالفتشان با ایران به واسـطه این است که می ترسـند اسـلام در سایر بلاد رشـد کند و همین معنایی که در ایران شده است در جاهای دیگر بشود؟

مسـلمین را چه شـده است که در این مسائـل که مربوط به اسـلام است و مربوط به حیـثیت مسـلمین است سـاکت نشسـته انـد، تماشاچی شـده انـد؟ ما احتیاج به کمکهای جنـدی و کمکهای ارتشـی نداریم و ما خودمان حساب اینها را پاک خواهیم کرد، لکن تأسف دارد که مسلمین بی توجه هستند به این مسائل اسلامی، بی توجه هستند به قرآن کریم.

عمل نمی کننـد به صـریح قرآن کریم که فرموده است که «اگر یک طایفه ای ولو مسـلم باشد اگر حمله کرد بر طایفه دیگر از مسـلمین، بر مسـلمین لازم است که از آن طـایفه مظلوم دفاع کننـد. (۱) «چرا خبرگزاریهـای خودشـان را نمی فرسـتند و ببینند مسـائلی که در ایران واقع شـده است، مصـائبی که در ایران واقع شـده است؟ و چرا اگر خبرگزاریهایی باشـد و اطلاع بدهـد به آنها، در رادیوهای آنها منعکس نمی شود؟ این سـکوت مرگبار چیست که در مسـلمین است؟ شـما گمان می کنیـد که مطرح عراق و ایران است و صدام است و مملکت ایران؟

۱- اشاره به آیه ۹ سوره حجرات.

قضیه این نیست، مطرح اسلام است، نه مطرح یک کشور. مطرح تمام کشورهای اسلامی است، مطرح مستضعفین جهانند.

احساس خطر قدرتها از اتحاد مسلمانان

آن چیزی که آنها می خواهند این است که مسلمین متفرق باشند و آنها حکومت کنند به این مسلمین، آنها تمام جوانهای ما را به تباهی بکشند، دانشگاههای ما را دانشگاههای استعماری قرار بدهند، اقتصاد ما را وابسته کنند، ارتش ما را وابسته کنند.

آنها به ایران فقط نظر ندارند، آنها به همه بلاد مسلمین، به همه بلادی که تحت سلطه اسلام باید باشد آنها نظر دارند، لکن می بینند که اگر یک میلیارد مسلم با هم مجتمع بشود و آن معنایی که در ۳۵ میلیون جمعیت ایران تحقق پیدا کرد و ضربه زد به آنها، آنچنان ضربه ای که تا آخر سرخودشان را نمی توانند بلند بکنند، اگر، یک میلیارد جمعیت مسلمین اینطور بشوند چه خواهد شد! آنها برای جلوگیری از این معناست که این جنگها را بپا می کنند. چرا باید دولتهای اسلامی اینطور از هم منفصل باشند و جدا باشند؟ چرا باید دولتهای اسلامی توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی اسلام نداشته باشند؟ چرا باید ممالک اسلامی توجه نداشته باشند که نقطه نظر آنها اسلام است نه ایران، ملتها همه توجه دارند، چرا دولتها توجه ندارند؟ تا کی باید ما و دولتهای ما تحت سلطه اجانب باشیم؟ تا کی باید مستشاران امریکا و شوروی به ما حکومت کنند؟ تا کی باید یک گروهبان شوروی، یک گروهبان انگلیسی، یک گروهبان امریکایی بیاید و به ارتش ما حکومت کند؟ ما آنها را بیرون کردیم، شما هم بیرون کنید، سایر ممالک اسلامی هم بیرون کنند. ما آنهایی که تشتت ایجاد می کنند در ایران به جای خودشان نشانده ایم و می نشانیم. سایر ممالک اسلامی هم مکلفند به اینکه آنهایی که برخلاف اسلام، برخلاف دستور قرآن، برخلاف دستورات نبی اسلام ایجاد تشتت می کنند، آنها را بگیرند و بیرون کنند و از بین ببرند. چرا نشسته ایم ما؟ چرا مسلمین نشسته اند؟ چرا نهضت نمی کنند؟ چرا قیام نمی کنند مسلمین بر ضد مستکبرین؟ چرا مستضعفین جهان قیام نمی کنند بر ضد مستکبرین؟

سیاههای امریکا ما را تأیید کردند، لکن دولتهای اسلامی اکثراً تأیید نکردند. ملتها در هر

جا بودند ما را تأیید کردند. مسلمین ملتهایشان در هر جا بود ما را تأیید کردند و این دولت غاصب بعث را، بعث عراق را محکوم کردند، لکن دولتها این کار را نکردند. چه شده است دولتها را؟ چرا باید تا آخر اینها تحت فشار ظلم ابرقدرتها تسلیم بشوند؟ چرا باید افغانستان را آنطور کنند و مسلمین نشسته باشند؟ چرا باید ایران را اینطور کنند و مسلمین ساکت باشند؟ نشسته اند که یکی یکی اینها را از بین ببرند، نوبت بعدی بشود؟

اعلام خطر برای اسلام و مسلمین

این خطری است برای مسلمین. من اعلام خطر می کنم برای مسلمین و برای اسلام با این وضعی که دولتها دارند. آنها کنار نشسته اند و شماها را به هم می ریزند. دولتها را با هم به جنگ وامی دارند و استفاده را خودشان می کنند. چرا مطالعه نمی کنید در امر اسلام و در امر سرنوشتهای مسلمین؟ تا کی ما باید زیر سلطه اجانب باشیم و تا کی ممالک ما باید در تحت تاخت و تاز آنها باشد؟ چرا از خواب بیدار نمی شوند مسلمانها؟ مشکل مهم، دولتهای اسلامی هستند. باید دولتها بیدار بشوند. اگر دولتها بیدار بشوند مشکلات مسلمین رفع می شود، با هم تفاهم می کنند، لکن دستهایی در کار است که نمی گذارد؛ مأمورینی آنها دارند که نمی گذارند این کار بشود. من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که همه مسلمین را بیدار کند و همه را در تحت لوای اسلام قرار بدهد. و همه را با هم مجتمع کند و مسائل اسلامی را درست مطالعه کنند و مسائل اسلامی را بین خودشان حل کنند.

والسلام علیکم و رحمه اللّه

حکم

زمان: ۱۸ خرداد ۱۳۶۰/ ۵ شعبان ۱۴۰۱

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب نمایندگان در امور حج

مخاطب: ایروانی، سید عبدالمجید- هاشمی گلپایگانی، سید علی- توسلی، محمدرضا- جلالی، حیدرعلی- طاهری خرم آبادی، سید حسن

انتصاب نمایندگان در امور حج

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

حضرات آقایان حجج اسلام: آقای حاج سید عبدالمجید ایروانی، و آقای حاج سید علی هاشمی گلپایگانی، و آقای حاج شیخ محمدرضا توسلی، و آقای حاج شیخ حیدرعلی جلالی، و آقای حاج سیدحسن طاهری خرم آبادی- دامت افاضاتهم

از آنجا که حج و انجام این فریضه بزرگ الهی از مسائل مهم اسلامی و اجتماعات بزرگ سیاسی- مذهبی جامعه مسلمانان می باشد و باید در انجام هر چه با شکوهتر و بهره برداری هر چه بیشتر از این اجتماع عظیم دینی سعی کافی مبذول شود، بدین وسیله حضرات آقایان محترم را برای رسیدگی به کار حجاج و زائران بیت اللَّه الحرام در این سال تعیین و منصوب می نمایم، تا با همفکری و مشورت یکدیگر در رفع نیازمندیهای آنان بکوشند و از راهنماییهای لازم در موسم حج دریغ ننمایند؛ و آنان را به حساسیت زمان و موقعیت خطیر کنونی متوجه سازند؛ و این حقیقت را به همگان گوشزد کنند که دشمنان اسلام با تمام قوا سعی در ایجاد تفرقه و اختلاف میان جوامع اسلامی دارند و به هر نام و هر وسیله که شده می کوشند تا با درگیری میان مسلمانان زمینه را برای تسلط کامل و مجدد خود بر همه کشورهای اسلامی و چپاول و غارتگری خود مساعد سازند.

و به همین جهت، لازم است از هرگونه عمل تفرقه انگیز خودداری کنند، که این

یـک وظیفه شـرعی و الهی است. ضـمناً متصـدیان ادارات گونـاگونی که به هر مناسـبت کارشـان با حـج ارتباط پیـدا می کند موظفنـد برای هماهنگی در کارهای خود با صـلاحدید و تصویب آقایان محترم کارها را انجام دهنـد. از خـدای تعالی موفقیت همگان را مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمهاللّه و برکاته.

به تاریخ پنجم شعبان المعظم ۱۴۰۱

روح اللّه الموسوی الخمینی

ص: ۷۳

پیام

زمان: ۱۵ شهریور ۱۳۶۰/ ۷ ذی القعده ۱۴۰۱

مکان: تهران، جماران

موضوع: تبیین فلسفه و اسرار حج

مناسبت: فرا رسیدن ایام حج

مخاطب: مسلمین جهان و زائرین بیت اللّه الحرام

تبیین فلسفه و اسرار حج

بسم اللّه الرحمن الرحیم

جَعَلَ اللّه الْکَعْبَهَ الْبَیتَ الْحَرامَ قِیاماً لِلنَّاسِ (۱)

- قرآن کریم.

درود بر حجاج بیت اللّه الحرام. سلام بر عموم مسلمانان جهان و سلام بر مسلمانان متعهدی که از جهان اسلام به سوی حق شتافته و در جوار خانه خدا وفود (۲) نموده اند.

فریضه حج در بین فرایض الهی از ویژگیهای خاصی برخورداراست و شاید جنبه های سیاسی و اجتماعی آن بر جنبه های دیگرش غلبه داشته باشد، با آنکه جنبه عبادی اش نیز ویژگی خاصی دارد.

مسلمانان متعهد که در این مجمع عمومی و سازمان الهی با لغو امتیازات متحدالشکل و بدون توجه به رنگ و زبان و کشور و منطقه، هر سال یک بار در مواقف شریفه مجتمع می شوند و با ساده ترین و بی آلایش ترین جهات مادی با توجه به معنویت و وفود علی اللّه گردهم می آیند و به وظایف و آداب اسلامی عمل می کنند، باید از جهات سیاسی و اجتماعی آن غافل نباشند. علمای اعلام و خطبای معظم، مسلمانان را به جهات

۱- بخشی از آیه ۹۷ سوره مائده: «خداوند خانه کعبه را خانه احرام قرار دادو حرمت آن را واجب کرد) برای نگهبانی و ایستادگی مردم».

۲- جمع وافد: هیأت نمایندگی و اعزامی.

سیاسی و وظایف بسیار خطیرشان آگاه سازند. وظایف خطیری که اگر مسلمانان جهان به گوشه ای از آن توجه کرده و عمل کنند، عزتی که خداوند برای مؤمنین قرار داده است باز یابند و به مفاخر اسلامی- الهی که حق مسلمین است برسند و در پناه اسلام عزیز و زیر بیرق توحید و پرچم لااله الاالله از استقلال و آزادی حقیقی برخوردار شوند و دست مستکبران و عمال آنان را از کشورهای اسلامی قطع کنند و مجد و عظمت اسلامی را بازگردانند.

خداوند تعالی در آیه شریفه ای که در صدر ذکر شد، سرّ و انگیزه حج و غایت قرارداد کعبه و بیت الحرام را، نهضت و قیام مسلمانان برای مصالح ناس و توده های مستضعف جهان ذکر می فرماید. باید در این اجتماع عظیم الهی که هیچ قدرتی جز قدرت لایزال خداوند نمی تواند آن را فراهم کند، مسلمانان به بررسی مشکلات عمومی مسلمین پرداخته و درراه رفع آنها با مشورت همگانی کوشش کنند. یکی از بزرگترین و اساسیترین مشکلات، عدم اتحاد بین مسلمین است که بعضی از به اصطلاح سران کشورهای اسلامی منشأ آن می باشند که مع الأسف برای رفع آن تاکنون اقدام چشمگیری نشده است، بلکه جنایتکاران سودجو که از اختلاف ملتها و دولتها به سود خودشان بهره برداری می کنند، با دست عمال از خدا بیخبر خود به اختلافات دامن می زنند، و هرگاه که شالوده وحدت بین مسلمانان ریخته می شود، با تمام نیرو به مخالفت برمی خیزند و بذر خلاف می افشانند.

امروز تمام دولتها و بسیاری از ملتهای مسلمان می دانند که ملت ایران پس از صدها سال گرفتاری به دست شاهان ستم پیشه و ستمکاران حرفه ای که اسلام عزیز را وسیله غارتگری و چپاول برای خود و قدرتهای بزرگ و اخیراً امریکای جنایتکار قرار داده بودند و قرآن کریم و اسلام بزرگ را در معرض خطر می دیدند، بپاخاستند و با انقلاب کبیر خود، دولت اسلام را جایگزین رژیم غیراسلامی و غیرقانونی شاهنشاهی نمودند و دست ابرقدرتها و خصوصاً امریکای جهانخوار را از سلطه بر اموال و انفس خود قطع نمودند، و امید آن است که دیگر برادران مسلمان گرفتار در چنگال خونخواران و ستمکاران، از این انقلاب اسلامی بهره برداری کنند و دولتهای اسلامی با

پشتیبانی ملتهای خود به انقلاب بزرگ ایران بپیوندند.

امروز دست جنایتکار امریکا و دیگر قدرتهای چپاولگر از آستین بعضی عمال سر سپرده و از خدا بیخبرشان بیرون آمده و از داخل و خارج با اسلحه و قلمهای بدتر و جنایت بارتر از سلاحهای گرم به این ملت مظلوم حمله ور شده و در صدد شکست انقلاب اسلامی و شکست اسلام عزیز بر آمده اند و از هیچ تهمت و افترا به ملتی که جز به احکام اسلام و قرآن کریم فکر نمی کنند، خودداری نمی کنند، و با بهانه های بسیار موهوم، به سرکوبی این انقلاب اسلامی بپا خاسته اند. آنان که از اسلحه گرم برخوردارند همچون صدام، با اسلحه و آنان که سلاح گرم ندارند، با قلمهای زهرآگین- که از سلاح گرم جنایت بارتر است- ملت مظلوم ما را زیر ضربات خود قرار داده اند.

طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می برند و عمال از خدا بیخبر آنان از آن جمله وعاظ السلاطین (۱) که از سلاطین جور، سیاهروی ترند، ریخته شده و هر روز بر آن دامن می زنند و گریبان چاک می کنند و در هر مقطع به امید آنکه اساس وحدت بین مسلمین را از پایه ویران نمایند، طرحی برای ایجاد اختلاف عرضه می دارند. و اخیراً در بوقهای تبلیغاتی تهمت مفتضحانه رابطه ایران با اسرائیل و خریداری اسلحه را پیش کشیده اند به امید آنکه اعراب را از ایران جدا کنند و بین مسلمانان دشمنی ایجاد نموده راه را برای ابرقدرتها باز و سلطه آنان را هر چه بیشتر افزایش دهند، لیکن چه شخص مطلعی است که نداند ایران دشمن سرسخت اسرائیل بوده و هست، و نداند که یکی از موارد اختلاف ما با شاه مخلوع، روابط دوستانه او با اسرائیل بود. و چه کسی است که نداند ما بیشتر از بیست سال است که در خطابه ها و اعلامیه ها اسرائیل را همردیف امریکا در ستمگری و دنباله او در تجاوز و غارتگری محکوم کردیم. و کیست که نداند در طول انقلاب اسلامی و در شور تظاهرات میلیونی، ملت مسلمان ایران، اسرائیل را در ردیف امریکا دشمن خود خواند و نفت را بر روی آنان بست و خشم و نفرت خود را نثار هر دو کرد. تعجب که این نغمه

۱- واعظان و آخوندهای درباری.

مشئوم (۱) از گلوی امریکا مادر نامشروع اسرائیل و صدام برادر کوچک بگین سرداده شد و بوقهای تبلیغاتی آنان، خصوصاً امریکا به طور وسیعی در پخش آن کوشیدند، چه! که آن ضربه که این دو از اسلام واقعی خورده اند، دیگران نخورده اند، و آن نگرانی که آنان از وحدت برادران مسلمان عرب با ایران دارند، دیگران ندارند. امریکا نگران منافع خود در منطقه است و صدام نگران سقوط و ننگ ابدی برای خویش است. باید مسلمانان و خصوصاً برادران عرب ما بدانند که مسئله، اسرائیل و ایران نیست، مسئله اصلی برای جهانخواران شرق و غرب، اسلام است که می تواند مسلمانان جهان را تحت پرچم پرافتخار توحید مجتمع و دست جنایتکاران را از کشورهای اسلامی و از سلطه برمستضعفان جهان کوتاه و مکتب ارزشمند و مترقی الهی را بر جهان عرضه نماید. جهان عرب باید بداند امروز ضربه ای که صدام و سادات به آنها زده اند چنان وحشتناک است که تنها با اتحادشان می توانند جبران نمایند. امروز سادات با دستگیری وسیع برادران مسلمانمان در مصر خدمت خود را به اسرائیل به اتمام رسانده است. اتحاد او با امریکا و اسرائیل آبروی ملت عرب را ریخته است. اتحاد با اسرائیلی که این روزها علاوه بر جنایاتش در منطقه، دست به جنایت بزرگ دیگری زده است و آن حفاری در مسجد اقصی قبله اول مسلمین است که با سست شدن پایه های این مسجد خدای ناکرده قبله اول مسلمین خراب خواهد شد و اسرائیل به آرزوی پست خود خواهد رسید.

هان ای مسلمانان جهان، و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، بپاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است. جهان باید بداند که ایران راه خود را پیدا کرده است و تا قطع منافع امریکای جهانخوار، این دشمن کینه توز مستضعفین جهان، با آن مبارزه ای آشتی ناپذیر دارد، و حوادث ایران نه تنها ما را برای لحظه ای عقب نخواهد نشاند، که ملت ما را در نابودی منافع آن مصمم تر خواهد کرد. ما مبارزه سخت و بی امان خود را علیه امریکا شروع

۱- نامبارک و شوم.

کرده ایم و امیدواریم فرزندانمان با آزادی از زیر یوغ ستمکاران، پرچم توحید را در جهان بیفرازند ما یقین داریم اگر دقیقاً به وظیفه مان که مبارزه با امریکای جنایتکار است ادامه دهیم، فرزندانمان شهد پیروزی را خواهند چشید.

آیا برای مسلمانان جهان ننگ نیست که با اینهمه سرمایه های انسانی و مادی و معنوی، با داشتن چنین مکتب مترقی و پشتوانه الهی تن به سلطه قدرتمندان مستکبر و دزدان دریایی و زمینی قرن بدهند؟ آیا وقت آن نرسیده است که هواهای نفسانیه را کنار گذاشته و با یکدیگر دست مودت و اخوت داده و دشمنان بشریت را از صحنه خارج و به حیات ننگین ستمبارشان خاتمه دهند؟ آیا وقت آن نرسیده است که ملت مبارز و غیور فلسطین، بازیهای سیاسی مدعیان مبارزه با اسرائیل را شدیداً محکوم نموده و با سلاح گرم، سینه اسرائیل دشمن سرسخت اسلام و مسلمین را بشکافند؟ آیا مسلمانان چه جوابی در مقابل خداوند عظیم که آنان را دعوت به اعتصام بحبل اللَّه (۱) نموده و از تفرقه و نزاع نهی فرموده است دارند؟ آیا تکلیف خود نمی دانند که از ملت و دولت ایران که با جهاد مقدس پرچم کفر را سرنگون و پرچم پرعظمت اسلام را برافراشته است پشتیبانی کنند؟

آیا وعاظ السلاطین سرکوبی انقلاب اسلامی ایران را از مخالفت با امریکا و اسرائیل لازمتر می شمارند؟ ما از برادران اسلامی خود در مشارق و مغارب ارض می خواهیم که با جمهوری اسلامی ایران هم صدا و هم جهت شده و با یاری خداوند متعال شرّ جنایتکاران را دفع و بساط چپاولگری را از کشورهای اسلامی و بلاد مستضعفین برچینند و به ندای خداوند متعال در این امر حیاتی پاسخ مثبت دهند. و از حجاج بیت اللَّه الحرام تقاضا داریم که برای پیروزی اسلام در مواقف شریفه دعا کنند و پیام ملت ایران و ندای یاللمسلمین این ملت مظلوم را به کشورهای خود برسانند. و از خداوند متعال عاجزانه می خواهیم که توفیق وحدت کلمه و آشنایی به وظایف اسلامی را به همگان عنایت فرماید. والسلام علی عباداللَّه الصالحین و رحمهاللَّه و برکاته.

روح اللَّه الموسوی الخمینی

۱- اشاره است به آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «واعتصموا بحبل اللَّه جمیعاً و لاتفرقوا» همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید.

پیام

زمان: ۱۷ مهر ۱۳۶۰/ ۱۰ ذی الحجه ۱۴۰۱

مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم بسیج مسلمین جهان برای اعلای کلمه اسلام

مناسبت: عید سعید قربان

مخاطب: ملت ایران، مسلمانان جهان

لزوم بسیج مسلمین جهان برای اعلای کلمه اسلام

بسم اللّه الرحمن الرحیم

حلول عید سعید قربان را که از اعیاد بزرگ اسلام و میعادگاه پیامبران عظیم الشأن، از حضرت ابراهیم تا حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنیانگذاران توحید و عدالت و رهبران صراط مستقیم عبودیت است به ملت ایران و مسلمانان جهان تبریک عرض می کنم، و از خداوند متعال می خواهم که مسلمانان جهان را برای بپاداشتن سنت انبیای عظام بیدار فرماید و در راه حصول هدف انبیا که فرزندان و عزیزان خود را فدای آن می نمودند بسیج نماید تا با همت همگان پرچم توحید در فضای سراسر جهان به اهتزاز درآید، و دست قدرتهای چپاولگر از بلاد مسلمین و مستضعفین کوتاه گردد.

در این سال، این عید برای مسلمانان از آن جهت مبارکتر است که در آستانه آن فرعون مصر (۱) رهسپار کوی فرعونیان گردید، و برای ایران به علاوه از آن جهت که قوای شیطانی صدام رو به زوال و شیاطین پیوسته امریکا رو به اضمحلال است.

۱- اشاره به هلاکت انور ساداترئیس جمهور مصر) توسط خالد اسلامبولی و همرزمان مسلمان مصری او.

اینجانب به همه مسلمانان و ملت عزیز ایران از پیروزی های پی در پی تبریک [عرض می کنم] و سعادت و سلامت همگان را خواستارم. و امید است با انتصاب آقای رئیس جمهور (۱) و همت همه ارگانها مشکلات ایران رفع گردد.

والسلام علی عباد اللّه الصالحین

روح اللّه الموسوی الخمینی

۱- در روز صدور پیام فوق، ۱۷/ ۷/ ۱۳۶۰، مراسم تنفیذ حکم سومین رئیس جمهور اسلامی ایران، آقای سید علی خامنه ای که پس از شهادت آقای محمد علی رجایی، در انتخابات ۱۰ مهر ۱۳۶۰ از سوی مردم ایران انتخاب شده بود، در حضور امام خمینی برگزار گردید.

ص: ۸۰

پیام

زمان: ۱۸ مهر ۱۳۶۰/ ۱۱ ذی الحجه ۱۴۰۱

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ نامه- انتقاد از عملکرد مأموران دولت سعودی

مخاطب: خالد بن عبد العزیزپادشاه عربستان سعودی)

پاسخ نامه- انتقاد از عملکرد مأموران دولت سعودی

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

حضرت ملک خالد بن عبد العزیز، پادشاه عربستان سعودی

مرقوم شما واصل گردید. آنچه که سفارت جمهوری اسلامی گفته است صحیح است. اینجانب تمام گرفتاریها و بدبختی های مسلمین و دولت های کشورهای اسلامی را در اختلاف و نفاق بین آنان می دانم. چرا باید دولت های اسلامی با داشتن قریب یک میلیارد جمعیت و در دست داشتن ذخیره های زیر زمینی، خصوصاً موجهای نفت که رگ حیات ابر قدرتهاست، و برخورداری از تعلیمات حیات بخش قرآن کریم و دستورات عبادی سیاسی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که مسلمانان را به اعتصام به «حبل اللَّه» دعوت و از تفرقه و اختلاف تحذیر می فرماید، (۱) وبا داشتن مَلاذ (۲) و ملجأیی چون حرمین شریفین، که در عهد رسول اللَّه صلی الله علیه و آله مرکز عبادت و سیاست اسلامی بوده و پس از رحلت آن بزرگوار مدتها نیز چنین بوده است و طرح فتوحات و سیاسات از آن دو مرکز بزرگ سیاسی عبادی ریخته می شده است، اکنون به واسطه کج فهمیها و غرض ورزیها و تبلیغات وسیع ابرقدرتها کار را به آنجا بکشانند که دخالت در امور سیاسی و اجتماعی، که مورد احتیاج

۱- اشاره است به آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّه جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا» همگی به ریسمان خداچنگ بزنید و از تفرقه و پراکندگی بپرهیزید.

۲- پناهگاه، محل امن.

مبرم و از اهمّ امور مسلمین است، در حرمین شریفین جرم شناخته شود و پلیس سعودی در داخل مسجدالحرام و در جایی که به حکم خدا و به نصّ قرآن مجید برای همه کس حتی منحرفین محل امن است با چکمه و سلاح به مسلمانان حمله کرده و آنان را مضروب و دستگیر نمایند و به زندان بفرستند. جرم این مسلمانان شعار بر ضد امریکا و اسرائیل، این دشمنان خدا و رسول بوده است.

من نمی دانم مسائل و جریاناتی که در کشور شما و حرمین شریفین می گذرد به طور صحیح به شما گزارش می دهند، یا همچون شعارهای ایرانیان، که در همه جا شعار آنان مشهور است، برای شما تحریف شده و برخلاف واقع گزارش داده اند. و نمی دانم ائمه جماعات حرمین شریفین از اسلام چه برداشت کرده اند و از حج بیت اللّٰه الحرام، که سرتاسر آن مشحون به سیاست، و سرّ جعل آن قیام انسانها به قسط (۱) و رفع ستمگریها و چپاولگریهاست، که سیاست کلی انبیای عظام و خصوص حضرت رسول خاتم صلی الله علیه و آله است چه فهمیده اند که زائرین حرمین شریفین را به اسم اسلام از دخالت در سیاست و حتی از شعار علیه اسرائیل و امریکا منع و مسلمانان را، به دلخواه امریکا و اسرائیل و سایر دشمنان اسلام و بر خلاف سیره پیامبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و مسلمانان صدر اسلام، از دخالت در سیاست منع می کنند و عمداً یا از روی جهالت و غفلت مقدمات سلطه اجانب را بر ممالک اسلامی حتی حرمین شریفین، مهبط (۲) وحی و مهبط ملائکه اللّٰه فراهم می نمایند.

اگر دولت حجاز از این فریضه عبادی- سیاسی، که هر سال در مواقف کریمه حرمین شریفین با حضور میلیونی مسلمانان تشکیل می شود، استفاده سیاسی اسلامی می نمود، احتیاج به امریکا و هواپیماهای آواکس (۳) آن، و سایر ابرقدرتها نداشت و مشکلات

۱- برگرفته از آیه ۹۷ سوره مائده: «جَعَلَ اللَّه الکَعْبَهَ البَیْتَ الحَرامَ قِیاماً لِلنّاسِ».

۲- محل فرود.

۳- هواپیماهای مجهّز به سیستمهای راداری پیشرفته برای شناسایی تحرکات زمینی و هوایی. امریکا درجریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، پس از چندین سال هیاهوی تبلیغاتی، زمانی چند فروند از این هواپیماها را به دولت سعودی با قیمتهای گزاف فروخت که قبلًا تضمین کافی از آن دولت گرفته بود مبنی بر اینکه استفاده از آنها با نظارت امریکا خواهد بود و هیچ گاه این هواپیماها علیه اسرائیل مورد بهره برداری قرار نخواهد گرفت.

مسلمانان حل می شد. می دانیم که امریکا این هواپیماها را از آن جهت در اختیار عربستان قرار داده است تا به نفع خود و اسرائیل از آنها استفاده نماید. چنانکه دیدیم که آواکسهای امریکایی برای تفرقه بین ایران و سایر مسلمانان عرب گزارشی سرتاسر دروغ داد مبنی بر بمباران مراکز نفتی کویت توسط ایران. مع الأسف این سهل انگاری در عموم دولتهای کشورهای اسلامی شیوع دارد، تا آنجا که مسلمانان و خصوص دولتمردان آنان را دست خیانتکار و جنایتکار ابرقدرتها از دخالت در سیاست و اهتمام به امر مسلمین برکنار زده است؛ و تا جایی که در مرکز سیاست اسلام، مسلمین به حکم وعّاظ السلاطین با دخالت در سیاست، بلکه با شعار علیه دشمنان خونخوار قرآن کریم و اسلام عزیز، مجرم شناخته می شوند و به حبس و شکنجه کشیده می گردند.

آیا شما از این فجایع که در حرمین شریفین، در مأمن الهی و در جوار قبر رسول اللَّه- صلوات اللَّه علیه- به بار می آید مطلع هستید؟ یا مسائل به صورتی غلط و انحرافی برای شما ترسیم می گردد، چنانکه از گزارش شعار ایرانیان معلوم می شود. ما در ایران بپاخاستیم که به امید خداوند قادر متعال مسلمانان جهان را در زیر پرچم توحید و متعهد به احکام مترقی اسلام جمع، و دست ابرقدرتها را از ممالک اسلامی کوتاه، و مجد مسلمین صدر اسلام را بازگردانیم، و سلطه ظالمانه کفار را از بلاد مسلمانان به هم پیچیده و آزادی و استقلال را به مسلمین بازگردانیم. و امید آن است که دولتهای اسلامی و خصوص دولت عربستان سعودی، که در مرکز سیاست اسلامی واقع است، با ما هم صدا و همفکر شوند؛ و هر یک در کشورهای خود شیرینی حمایت بی دریغ ملتها را بچشند، و همچون دولت مردمی ایران از این نعمت بزرگ الهی بهره مند شوند؛ و به حکم قرآن مجید با ملتها و دولتهای اسلامی به رحمت و اخوت، و با کفار و غارتگران بین المللی به شدت و قدرت عمل کنند. (۱) اخیراً به این نکته تأکید می کنم که از مکتوب شما ظاهر می شود که گزارشهای دروغ

۱- اشاره است به آیه ۲۹ سوره فتح: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّه وَ الذّینَ مَعَهُ اشِدَّاءُ عَلَی الکُفَّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ» محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قوی دل و سخت و بایکدیگر بسیار مشفق و مهربانند.

و انحرافی به شما داده می شود (۱). چنانکه نوشته اید شعارهای زائرین ایرانی موجب نارضایتی و تنفر زائرین بیت اللَّه شده است. بهتر بود شما اشخاص امینی را مأمور گزارشها نمایید تا معلوم شود شعار ضد اسرائیل و امریکا موجب تنفر و نارضایتی زائرین نشده، بلکه برخورد مأمورین دولت سعودی و ضرب و هتک و به حبس کشیدن مهمانان خدای متعال، به جرم شعار علیه اسرائیل و امریکا، موجب تنفر و نارضایتی مسلمانان جهان و خصوص زائران بیت اللَّه الحرام و حرم معظّم رسول اللَّه صلی الله علیه و آله شده است.

از خداوند متعال خواستارم که مسلمانان را از خواب غفلت بیدار، و عظمت اسلام را روز افزون فرماید؛ و مسلمانان و خصوص دولتمردان را به آنچه صلاح اسلام و مسلمین است هدایت فرماید. والسلام علیکم و علی جمیع المسلمین.

روح اللَّه الموسوی الخمینی

۱- متن پیام پادشاه عربستان به امام خمینی، در روزنامه های ۱۹ مهر ۱۳۶۰ منتشر گردید. ر. ك: روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۶۸۲، سال سوم.

حکم

زمان: ۱۴ مرداد ۱۳۶۱/ ۱۵ شوال ۱۴۰۲

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب نماینده در امور حج و سرپرست حجاج بیت اللَّه الحرام

مخاطب: خوئینی ها، سید محمد

انتصاب نماینده در امور حج و سرپرست حجاج بیت اللَّه الحرام

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای سید محمد خوئینی ها- دامت افاضاته

با فرا رسیدن ایام حج، این فریضه بزرگ عبادی سیاسی و اجتماعی، که در بین عبادات بزرگ از ویژگیهای خاص برخوردار است و خداوند تبارک و تعالی مسلمانان جهان را با شرایط خاص دعوت نموده است تا در ضمن به جا آوردن این فریضه بزرگ از اموری که در بلاد مسلمین از جهات اجتماعی و سیاسی می گذرد مطلع شده و اگر گرفتاریهایی دارند با یکدیگر در میان گذاشته و حتی الامکان در رفع آن کوشا باشند، و مع الأسف بسیاری از مسلمانان به واسطه کج رویها و یا کج فهمیهای بعضی عناصر و یا دسیسه های بعض از دست اندرکاران سودجو بعد سیاسی این عبادت شریف را به طاق نسیان سپرده اند، جنابعالی را به سمت نماینده خویش و سرپرست حجاج محترم ایران منصوب نمودم، که با بینش خاص سیاسی که دارید به امور حجاج از ابعاد مختلفه رسیدگی نموده و برای احیای این سنت بزرگ الهی در خطابه ها و مراسم دینی مسلمین را به وحدت کلمه و اتحاد مسیر دعوت نموده، و آنان را از آنچه در لبنان عزیز و ایران مجاهد و افغانستان مظلوم از ستمکاران و جهانخواران می گذرد مطلع نمایید، و حجاج محترم بلاد را به وظایف بزرگ خود در مقابله با چپاولگران بین المللی و تجاوزکاران

آشنا نمایید. البته علمای محترمی که در این سفر هستند، چه آنان که با تقاضای اینجانب مشرف شده اند و چه دیگران، جنابعالی را تأیید می فرمایند. و حجاج محترم موظفند که به راهنماییهای شما گوش فرا دهند و از خطوطی که برای آنان ترسیم می نمایید اطاعت نموده و تجاوز ننمایند، تا ان شاءاللّٰه تعالی این فریضه عظیم با محتوا و ابعاد متعددش به جا آورده شود.

بدیهی است که متصدیان امور که به هر مناسبت کارشان با این فریضه و با حجاج محترم مرتبط است برای هماهنگ نمودن کارها موظفند با شما همکاری و از ارشاداتتان استفاده نمایند. امید است حجاج محترم کشورهای اسلامی در وحدت کلمه کوشا، و از اخوت ایمانی، که خداوند تعالی بین مسلمین امر فرموده است، غفلت ننمایند؛ و از تفرقه افکنی، که کار شیطان و شیاطین انسی است، احتراز نمایند. والسلام علی عباداللّٰه الصالحین.

روح اللّٰه الموسوی الخمینی

سخنرانی

زمان: صبح ۳۱ مرداد ۱۳۶۱/ ۲ ذی القعده ۱۴۰۲

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: اهمیت قضاوت- بیان وظیفه حجاج و وظیفه روحانیون کاروانها- جنایات امریکا و صدام در منطقه

حضار: موسوی خوئینی ها، سید محمدنماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی)، روحانیون کاروانهای حج سراسر کشور، پرسنل دادستانی و دادسرا و دادگاههای انقلاب ودادستانی ارتش

اهمیت قضاوت- بیان وظیفه حجاج و ...

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

لزوم پاسخگویی روحانیت به توقع مردم

امروز سروکار ما با آقایان روحانیین است بیشتر و کسانی که آنها هم صبغه (۱) روحانی، ان شاء اللَّه دارند. و در محضر روحانیون مشکل است که انسان بتواند همه حرفهارا عرض کند. مسائل بسیار زیاد است، مربوط به آقایان روحانیون- به طور عموم- و مسائلی مربوط به روحانیونی که با کاروانهای حج مشرف می شوند- که مخصوص آنهاست- و مسائلی که مربوط به قضات و دادستانهای کشور است و مسائل دیگری که معلوم نیست که ما مجال کنیم دیگر عرض کنیم، مگر مختصری.

آنکه مربوط به قشر روحانیون است، خود آقایان بهتر می دانند که روحانیون در هر جا که هستند، آن روحانی که در رأس روحانیت- مثلًا- واقع است مثل مراجع، تا آن روحانی که در یک روستا، در یک ده، مشغول خدمت به اسلام است. امروز توقع ملت، بلکه توقع مستضعفان و ملتهای جهان از شما آقایان روحانیون، در هر جا هستید، بسیار زیاد است. و امروزِ شما غیر از دیروزی است که در سلطه نظام فاسد پهلوی و در تحت

۱- رنگ.

ستم ستمکاران جهان بودید. آن روز اگر چنانچه سکوتی، قصوری بود، می پذیرفتند که آقایان نمی توانند الآن مسائلشان را آن طور که هست، مسائل اسلام را آن طور که هست، قدرت ندارند که عمل کنند و به مردم برسانند، ولی امروز این مسئله حل شده است و بحمداللَّه، همه آقایان در هر جا که هستند، با آزادی می توانند مسائل را طرح کنند و با آزادی می توانند مردم را ارشاد کنند.

اگر امروز راجع به هر قضیه ای که برای ملت، قضایای عمومی که برای ملت پیش می آید، و- خدای نخواسته- روحانیونی که ارتباط با آن مسائل دارند قصوری بکنند یا اشتباهی بکنند، این اشتباه و قصور، دیگر در محضر خدای تبارک و تعالی و در پیشگاه مردم پذیرفته نیست. دیگر ما نمی توانیم بگوییم که ما چه بکنیم، سازمان امنیت است و ما کاری ازمان نمی آید. ما الآن، شما آقایان الآن در مسائلی که پیش می آید، آزادید که مطالبی که مربوط به اسلام است، مطالبی که انحراف واقع می شود در هر جا، آن مسائل را ارشاد کنید، مردم را ارشاد کنید، کارمندان دولت را ارشاد کنید و مسائل را با خود آنها در پیش بگذارید و انحرافات را رفع کنید. گرفتاریهای سابق، همه شما، اکثر شما یک مقدارش را مشاهده کرده است و بعضی شما که سنتان بالاست، از اول تا حالا، تا زمان انقراض این رژیم فاسد، دیده اید که چه کارهایی بوده است و شما با چه اشخاصی مواجه بودید و چه اشخاصی حکومت بر ملت می کردند و حکومت بر این مستضعفین می کردند. ما به شکرانه این معنا که از آن گرفتاریهای بسیار عجیب و غریب، که در طول تاریخ نظیرش مثل این پنجاه سال اخیر واقع نشد، به شکرانه نجات از او، امروز باید به [محضر] خدای تبارک و تعالی، که ما را از این گرفتاری بزرگ نجات داده است، شکر کنیم و شکر، این است که ما الآن خدمت کنیم. شکر لفظی باید بکنیم، اما شکر حقیقی آن است که ما در ازای رهایی از این رژیم فاسد، که همه چیز ما را به باد فنا داد و می خواست بدهد، اینکه ما امروز کاری بکنیم که خدای تبارک وتعالی از ما راضی باشد.

اهمیت قضا و ضرورت ورود افراد واجد شرایط

امر مهم، مسئله قضاوت است. از اموری که شاید در کم امری اسلام آن قدر به آن

توجه داشته است، مسئله قضاوت است و مسئله دادسراها و دادگاهها که سروکارشان با همه چیز مردم است. باید این معنا را من عرض کنم که قضاوت از اموری است که واجب است به طور کفایی و واجب کفایی؛ قبل از اینکه پیدا بشود به مقدار کفایت، بر آحاد واجب است؛ یعنی، اگر یک قضاوتی زمین بماند یا یک جایی منحرفین وارد قضاوت بشوند، بر تمام کسانی که می توانند یا اجتهاداً یا تقلیداً قضاوت کنند، بر همه اینها واجب است که در قضاوت وارد بشوند و رفع احتیاج را بکنند. ما امروز وقتی که احتمال این معنا را بدهیم یا اینکه با آقایانی که متصدی امور قضایی و دادگاه هستند صحبت می کنیم، از این معنا [حرف می زنند] که ما کم داریم قاضی، آن مقداری که لازم داریم کم است و اگر چنانچه در حبسها از این منحرفین یا محتمل الانحراف ها باشند و نتوانسته اند آنها را رسیدگی کنند، برای کمبود قاضی است. این یک امری است که برای نجات- فرض کنید- یک عده ای که محتمل است که اینها بی گناه باشند یا گناهشان اندک باشد، واجب است بر همه اشخاصی که از آنها قضاوت می آید، در این امر داوطلب بشوند تا به امر قضا وادار بشوند و این نقیصه را از بین ببرند. مدرسین محترم حوزه علمیه قم، که بحمداللَّه، بسیار فعال هستند، باید این مسئله را در حوزه علمیه قم مطرح کنند که امروز اشخاصی که صلاحیت دارند، ولو تقلیداً برای قضاوت، این اشخاص اسم نویسی کنند و بیایند در این مواردی که، زندانهایی که اشخاص هستند تا اینکه حل این قصه بشود که مثلًا، اشخاصی باید زود کارشان تمام بشود و ما نداریم افراد. این یک امر واجبی است؛ یعنی، بر همه واجب است تا آن وقتی که آن مقداری که احتیاج است بر آورده بشود.

گاهی وقتها انسان به واسطه احتیاط، خلاف احتیاط می کند. احتیاط می کند فلان آقا که امر قضا مشکل است و نمی شود رفت و نمی شود کرد و این طور چیزها، با اینکه واجب کفایی، واجب عینی است اول به همه. وقتی یک عده ای عمل کردند و کفایت حاصل شد، آن وقت از دیگران ساقط می شود، والّا همه معاقب هستیم اگر چنانچه قضا به زمین بماند، و احتیاط بر این است که وارد بشوند؛ یعنی، امری است واجب، معلوم الوجوب؛ این احتیاط می کنند، این عذر نمی تواند باشد. یا اشخاصی مثلًا می خواهند ادامه بدهند تحصیلاتشان را و باید هم ادامه بدهند، اما در یک وقتی که یک واجبی به

عهـده آنها هست، نمی تواننـد به این امر مسـتحب بسـیار ارزنـده مشـغول باشـند؛ بایـد بروند این کار را به اندازه کفایت انجام بدهنـد که مبادا- خـدای نخواسـته- یک نفر آدم بی گناه [باشـد که] به کارش رسـیدگی نتوانسـتند بکنند. باید بیایند آقایان و وارد بشونـد و رسـیدگی بکننـد. و این امر را من امروز به عهـده مدرسـین قم و علمـای مشـهد و اصـفهان و جاهای دیگری که حوزه هـای علمیه هست، این عهـده آنها می گـذارم که آنها خودشان به فکر این باشـند که افراد را بخواهنـد و افراد را تشویق کننـد، به هر ترتیبی که می توانند، و تحذیر کنند از اینکه یک امر واجب شـرعی است، نمی شود یک امر واجب شـرعی زمین مانده [باشد] و من مشـغول نماز شب بشوم. وقتی آن واجب شـرعی است، اگر مزاحم با هر مستحبی بشود، آن واجب شرعی را باید من عمل کنم. این یک مسـئله است که لازم است که تذکر داده بشود، و آقایان مدرسین هم و علمای اعلام بلادهم تذکر بدهند و این نقیصه را کم کنند تا اینکه این مشکل حل بشود.

لزوم قاطعیت قضات در اجرای احکام اسلامی

مسـئله دیگر، قضیه باز راجع به قضاوت است که باید خیلی توجه بکنند آقایان قضات، آقایان دادستانها، کسانی که متکفل این امر مهم اسـلامی هسـتند که مسئولیت این زیاد است و لازم هم هست که شما مسئولیت را به عهده بگیرید. باید وارد شد، لکن در یـک امر بزرگی اسـت، تـوجه بکننــد کـه جـان و مـال و نـاموس یـک ملـت در دسـت ایـن قضـات اسـت و در دسـت این دادگاههاست و مسـئول این مسائل هسـتند و بایـد تا آن مقداری که می توانند، تا آن مقداری که قدرت دارند، توجه بکنند به مصالـح عمومی اسـلام؛ نه آن که گناهکار است از او بگذرند، و نه آن که- خدای نخواسـته- گناهکار نیست یک وقتی مبتلا بشود. قاضـی باید یک آدم قاطعی باشد که در دو طرف قضـیه قاطعیت داشـته باشد. اگر یک کسی به حسب حکم شرع، باید این را کشت، ترحم نکننـد؛ جایز نیست. اگر بایـد- فرض بفرماییـد که- حبس و تعزیر بشود، تعزیر بکننـد. و اگر یک کسـی- خـدای نخواسـته- یک آدمی است که گناهکار نبوده است، بـدون وقفه او را تبرئه کننـد و بـدون وقفه او را آزاد کنند. قاضـی باید این طور باشد، فکرش اینطور [باشد] نه رؤوف و مهربان باشد که

جنایتکارها را هم به او رأفت کند، آن هم این جنایتکارهایی که یک نمونه اش را من و شما در چند شب پیش دیدیم و پشت انسان را لرزاند و بسیار نمونه دارد که ما ندیدیم؛ اینهایی که بعدها معلوم می شود- تا آخر هم که معلوم نمی شود، در بارگاه خدا معلوم می شود- بعدها معلوم می شود، ما کمی اش را دیدیم. یک نمونه اش این بود که چند شب پیش از این دیدید که انسان نمی تواند بفهمد که یک آدم که از اول به فطرت الهی متولد شده است تا این حد جنایتش می رسد. تصور این معنا برای انسان مشکل است. من گمان ندارم که هیچ حیوانی نسبت به حیوان دیگر این طور بکند.

خوب، یک همچو مسائل هست، آن وقت اگر چنانچه یک آقای قاضی رأفتش بگیرد که امثال اینها را با آنها ملایمت بکند؛ یعنی، نمی گویم که زاید بر آن مقداری که قضای الهی ا جازه می دهد، أبداً- حتی یک سیلی نباید بزنند- اما آنی که به حسب حکم شرع، حکمش قتل است، مسامحه نکنند. از آن طرف هم طوری باشد که اگر چنانچه یک نفر آدم بی گناه است، حتی مانع بشود از اینکه یک حرف تند به او بزنند. آنها هم که گناهکارند حق نیست به اینکه با آنها معامله غیر انسانی بکنند. آنها [که] مستحق قتل اند، باید قتل بشوند، مستحق اعدام اند، اعدام باید بکنند؛ اما زاید بر آن بخواهند کارهایی بکنند، این را بدانند که مسئول هستند.

و همین طور متصدیان حبسها و زندانها باید این معنا را توجه داشته باشند، چه اشخاصی که در رأس هستند و چه اشخاصی که مشغول اجرای عمل هستند، باید این معنا را توجه بکنند که حدود الهی معنایش این نیست که یک کسی که مستحق قتل است ما فحشش بدهیم؛ جایز نیست این، یا به او سیلی بزنیم؛ حق نیست؛ یعنی، قصاص دارد این. یک نفر آدم جانی که دارند می برند بکشندش، اگر شما یک سیلی بزنید، او حق دارد به شما سیلی را عوض بزند و خلاف شرع کردید. گمان نکنید که حالا که این آدم توی حبس آمده است، ما باید با او رفتار بد کنیم. ان شاءاللّه، نمی کنید و نباید بکنید.

و همین طور قضات محترم شرع، باید موازین را با دقت، با کمال دقت، موازین را عمل بکنند و- خدای نخواسته- یک وقت بر خلاف موازین اسلامی واقع نشود. مایی که

مدعی هستیم که جمهوریمان جمهوری اسلامی است، احکام اسلام باید در این جمهوری اجرا بشود. یکی از امور مهم، قضیه زندانهاست. یکی از امور مهم، قضیه دادگاههاست، دادسراهاست، دادگستریهاست. اگر بنا باشد که حالا- هم- خدای نخواسته- مثل زمان رژیم سابق، در دادگستریها کارهای خلاف شرع بشود، خوب، ما باید فاتحه این جمهوری را بخوانیم. و این مکرر سفارش شده است که اگر قوانین ندارید، باید بخشنامه کنید که تمام قضات بر وفق شرع عمل کنند، به قوانین سابق اعتنا نکنند.

ضرورت تحول دادگستری و اعمال قوانین شرع

و من حالا هم اعلام می کنم به تمام سر تا سر قضات کشور، کسانی که متصدی قضا هستند، کسانی که در دادگستری هستند، تمام قوانینی که در زمان طاغوت بوده است و بر خلاف شرع بوده است، تمام باید دور ریخته بشود و مسئولیتش به گردن من؛ تمام را دور بریزید و به جای او، قوانین شرع را عمل بکنید.

شورای قضایی اگر نکرده اند این کار را- خدای نخواسته- حالا بخشنامه کنند به همه سر تا سر کشور، به دادستانها و به دادگاهها و به دادگستریها و به همه اینها امر کنند به اینکه تمام احکامی که به حسب قانونی که، قانون فاسدی که گذرانده اند، تمام اینها فاسد است و مگر حالا گاهی پیدا بشود که مطابق شرع باشد، خوب، آنها را عمل باید بکنند. آن چیزهایی که بر خلاف شرع است هیچ کس حق ندارد عمل بکند و هر که عمل بکند، علاوه بر اینکه پیش خدای تبارك و تعالی روسیاه است و عذر اینکه ما به قانون عمل می کنیم، غلط است. کدام قانون؟ قانون مخالف با اسلام؟ قانون مخالف با شرع؟

نباید به آن عمل بشود. شما اگر با قانون سابق هم باید عمل بکنید، خوب، یکی از ماده های متمم قانون اساسی سابق این بود که هیچ قانونی بر خلاف شرع، قانون نیست.

منتها پیشتر به آن عمل نشد، سابقاً به آن عمل نکردند. بناء علیه، آن چیزهایی که به اسم «قانون» آورده اند و بر خلاف شرع است، به حسب قانون اساسی زمان سابق هم قانون نیست.

شما می توانید آن وقت اگر از شما سؤال کردند [که] چرا کردید، بگویید قانون اساسی سابق هم این را گفته است. قانون حالا هم که این طوری است، و مجرم است کسی که این عمل را بکند. به هیچ کس نباید اعتنا بکنید. هر کس گفت که این کار خلاف شرع را باید مطابق قانون عمل کنید، توی دهنش بزنید- به هیچ کس اعتنا نکنید. نمی گویم حالا پاشید سیلی به او بزنید، لکن جلویش بایستید. بگویید که این خلاف شرع است، من نمی کنم و نباید هم بکنم. و ان شاءاللّه، آقایان هم کرده اند این کار را. و اگر چنانچه اعتنا نشده، ثانیاً متخلفین را دعوت کنند و محاکمه کنند.

دادگستری سابق باید متحول بشود به یک دادگستری اسلامی. مجرد اینکه قانون سابق بوده ما باید به آن عمل بکنیم، به حسب قانون سابق هم نباید به آن عمل کرد؛ برای اینکه قانون اساسی سابق اساس است. قانون اساسی سابق، متممش می گوید که هر قانونی بر خلاف شرع است، قانون نیست اصلًا. بنابراین، اینکه می گویید: قانون این طور می گوید، غلط می کند، قانون نیست این. این یک قراردادی بوده است که زمان طاغوت، طاغوتی بوده، بناء علیه، آقایان نباید اعتنا کنند به این امور و باید بخشنامه بکنند. شورای نگهبان، شورای قضایی بخشنامه بکنند و همه جا بگویند به اینکه این قوانین سابق که مخالف شرع بوده نباید عمل بشود و اگر کسی عمل بکند، مجرم است و باید محاکمه بشود، به جزای خودش برسد. این هم راجع به این جهت. و البته مسائل زیادی راجع به مسائل دادگاه و قضا هست، لکن دیگر مجال این نیست.

لزوم کم توقعی حجاج در کاروانها

و راجع به حج و آقایانی که در حج، در کاروانها هستند. حقیقت حج این است که شما بروید درد مردم را ببینید؛ ببینید فقرا چه جوری هستند، شما هم بشوید آن طور.

ببینید مستمندان جهان چطورند، شما هم [به] آن رنگ درآیید. اگر مردم توقع داشته باشند که حالا که ما حج می رویم باید برای ما همچو رفاه حاصل بشود که در منازلمان هم نیست، این حج نمی تواند باشد. آن حجی که خدای تبارک و تعالی بر اشخاص واجب فرموده است این است که بروید آنجا زندگانی مردم را ببینید. آن وقت که ما رفتیم،

زنـدگانی آن وقت حجازیها را یک مقـداری دیـدیم- که حالا حجاج نمی تواننـد ببیننـد- آن وقت که ما با اتومبیل بین مکه و مـدینه می رفتیم، هر جا اتومبیل می ایسـتاد، هر جا در این بیابانهای لم یَزْرَع (۱) طولانی، هر جا اتومبیل می ایسـتاد، از زیر این بته ها و اینها می آمدنـد بیرون بچه هایی که هیچ لباس نداشـتند، زنهایی که لباسـشان فقط ساتر بود، مردهایی که وضـعشان را انسان نمی توانـد بیان بکند، می آمدند و از مردم گدایی می کردند. باید اینها را انسان ببیند و بعد توقع بکند به اینکه نخیر، ما بایـد حالا که حـج می رویم و با کاروان می رویم و- نمی دانم- چی می رویم، حالا باید در آنجا همه چیز برای ما مهیا باشد. خیر، یک قدری باید توجه به این مسائل بکنند. آقایان روحانیون، مردم را توجه بدهند به این مسائل که توقعات آنها در سـطح بالا نباشد. شـما را با طیاره می برند، آن وقتها که می رفتند، با الاغ می رفتند؛ چند وقت می رفتند در بعضـی جاها، چهارده ماه طول می کشـید؛ چهارده ماه طول می کشـید رفت و برگشت حـج. حالا شـما دو ساعت، سه ساعت سوار می شوید به طیاره با راحتی می روید آنجا. آن وقت که می رفتید، خانه ای تو کار نبود که شما بروید.

شما خودتان بایـد برویـد تهیه بکنید و خودتان بروید زحمت بکشـید. آن هم آن خانه هایی که بودند و آن وضع و آن کثافتی که در آن وقت بود. حالا خانه برایتان تهیه کرده اند.

خوب، شـما حاجی هستید، شـما مسلمانی هستید که می خواهید به داد مسلمین برسید، به داد مستضعفین جهان برسید. این قدر بالا نبرید توقعات خودتان را که خدای تبارک وتعالی یک وقت- خدای نخواسته- امر بفرماید که این جور نشود- و نمی شود آن وقت- آن وقت گرفتاری زیاد می شود.

بایـد شـما آقایان روحانیون، مردم را تـذکر بدهیـد به اینکه اگر یک کمبودی هست، آقایان که رفتنـد کارها را کردنـد، خوب زحمت کشـیدند و دارند هم الآن می کشـند، ولیکن بیشتر از آن قدرتشان که نمی توانند زحمت بکشند. به اندازه وسعشان، به انـدازه قـدرتشان، زحمت کشـیدند و کار انجام دادنـد، خانه تهیه کردنـد با آن سـختیهایی که در آنجا هست، لکن نمی توانند بیشتر از این بکنند. اگر یک وقت دیدید یک چیزی کسری دارید، نه

۱- غیر قابل کِشت و زراعت.

اینکه آقایان نخواسته اند، آقایان نتوانسته اند. وقتی نتوانسته اند چه بکنند؟ بگویند که آقایان حج نیایید؛ برای اینکه ما نمی توانیم برای شما یک جای بزرگی درست کنیم و- نمی دانم- یک تفریحگاهی داشته باشیم و چه؟ یا نه، بیایید و یک قدری هم توجه کنید به زحمتهایی که فقرا می کشند.

وظیفه مهم روحانیون آموزش احکام حج

در هر صورت، این وظیفه علمایی است که در کاروانها هستند؛ یعنی، یکی از وظایفشان. یکی از وظایف مهم هم قضیه آشنا کردن مردم است به مسائل حج. بسیار آدم می بیند که حج می روند. زحمت می کشند، لکن مسئله حج را نمی دانند، آنجا گرفتار می شوند. بعد که آمدند، بعد از چند سال، سؤال می کنند که ما این جور کردیم، آیا حجمان درست است یا نه؟ ما این طور نکردیم، آیا درست است یا درست نیست؟ آیا ما مُحرِم باز هستیم یا نه؟ باید آقایان مردم را [در] جلسه قرار بدهند؛ جلسه درس قرار بدهند، درس بدهند مردم را، آداب حج را، واجبات حج را، محرّمات حج را؛ اینها را بگویند. آدابش هم نشد، نشد، اما محرّمات و واجبات را به مردم تعلیم کنند و هر روز [جلسه] داشته باشند. مردم هم موظف اند که بروند پیش آقایان در این درسها اگر دارند، بروند آقایان گوش کنند و مسائل حج را یاد بگیرند که بعدها گرفتار نشوند که وقتی که آمدند، [نگویند:] «من طوافم چه جوری بود، آیا درست است یا نه؟» وقتی مسئله را یاد گرفتید، دیگر درست می شود، دیگر عیبی پیدا نمی کند. این هم یکی از وظایفی است که همه دارند و روحانیون باید این وظیفه را در آنجا انجام بدهند. و مردم هم باید دنبال این امر باشند که مسئله حج را یاد بگیرند، نه اینکه ما فقط حج برویم و هر چه شد، شد دیگر.

نه، این غیر از سایر جاهاست. خوب، انسان زیارت می رود، اگر زیارتش هم چیزی نشد، دیگر اشکالی برایش پیدا نمی شود. اما اینجا اشکال پیدا می شود، بعد مُحرِم می ماند، بعد باید دوباره حج برود. پس این مسائل مشکل پیش می آید که باید برای خاطر خودتان هم [که شده،] این مسائل را تعقیب کنید که یاد بگیرید و در اشتباه و خطا نیفتید که بعدها اسباب زحمتتان بشود. این هم یکی از مسائل است.

لزوم وجود نظم در امور سیاسی حج

از مسائل دیگری که باز آقایان روحانیون که در کاروانها هستند به مردم بگویند، [این] که باید این امر، اموری که در آنجا واقع می شود، امور سیاسی که در حج واقع می شود، روی نظام باشد. اینکه هر کس خودش بخواهد یک کاری بکند، این هرج و مرج همیشه غلط بوده. هر امری باید یک نظمی داشته باشد. می خواهند اجتماع کنند برای فلان امر، خوب، یک کسی که متکفل امور حج است باید برنامه بدهد، روی آن برنامه عمل بکنند. هر کسی بخواهد، در هر گروهی بخواهد خودش علی حده روی مذاق خودش- که اختلاف هم خیلی هست بین مذاقها- بخواهد چی بشود، هم گرفتاری آنجاها پیدا می شود و بدتر از آن، این است که گاهی وقتها اسباب وهن می شود برای جمهوری اسلامی. نباید کاری بکنند که برای جمهوری اسلامی یک بدنامی پیدا بشود.

خوب، مبلغینی که الآن در همه جای دنیا تقریباً هستند، بر ضد ما همه تبلیغات را، در ضد جمهوری اسلامی همه تبلیغات را دارند می کنند، دیگر ما خودمان یک کاری نکنیم که یک مطلبی دست آنها بیفتد و هر چی می خواهند به آن باد بکنند و هر چی می خواهند زیادش بکنند. این هم یکی از مسائل لازم است که به هر کسی در کاروانی که هست، بگویند که روی میزانی و روی برنامه باید کارها انجام بگیرد، نه [اینکه] هرج و مرج باشد؛ هر که هر طوری دلش می خواهد عمل بکند. این هم یک مسئله ای است که باید آقایان به آن خیلی توجه بکنند و اشخاصی هم که حج می روند توجه بکنند که- خدای نخواسته- حجشان مخلوط به معصیت، یک وقتی نشود؛ همه اش اسلام باشد و همه اش عبادت باشد؛ راهپیماییها عبادت باشد، نه معصیت؛ شعارها عبادی باشد، نه معصیتی، جوری باشد که برای خدا باشد. هر که هر کاری دلش می خواهد [بکند] به هر که می خواهد بد بگوید، نه، این طوری نیست. باید این مسائل روی یک برنامه صحیحی که از قبل ریخته می شود، این مسائل هم باید توجه به آن بشود.

غیر انسانی بودن حق «وتو»

و از اموری که برای همه ما لازم است، این است که ما یک توجهی به مسائل دنیا

بکنیم، ببینیم وضعش چه جوری است. من فکر می کردم که در این عصر ما، همه الفاظ محتوای خودشان را از دست داده اند. ما در یک عصری واقع شده ایم که الفاظ از آن معنا که دارند، فرار کرده اند؛ یک معانی دیگری دنبالش آمده. معنای «عدالت» را وقتی انسان نگاه می کند در دنیا، الآن یک جور دیگر است؛ معنای «خلقی بودن» را آدم ملاحظه می کند، می بیند یک وضع دیگری دارد؛ سازمانهای امنیت دنیا را انسان وقتی ملاحظه می کند، می بیند که سازمان نا امنی است، نه سازمان امن، اما اسمش سازمان امن است، جمعیتهای طرفدار بشر را انسان [نگاه] می کند، می بیند که همین جمعیت طرفدار بشر، طرفدار ظالم اند، طرفدار بشر نیستند، طرفدار ظلمه هستند. این کارهایی که، این چیزهایی که در دنیا الآن از این قدرتهای بزرگ واقع می شود، هیچ کس نیست که از آنها بپرسد که چرا؟ گاهی یک جایی، یک چیزی یک کسی می گوید، اما مسئله ای است که وقتی بنا باشد که سازمانهای بزرگ دنیا اختیارش دست چهار پنج نفر باشد، این را نمی شود گفت که این امنیت بشر، سازمان طرفدار بشر- نمی دانم- سازمان کذا. این اختیارش دست چهار پنج نفر است، این هم مطلب خودش را از دست داده؛ که باید برای همه مردم باشد. چهار پنج نفر همه چیزها را دارند؛ هر کاری همه بکنند یک نفر بگوید «نه»، تمام می شود. حق «وتو» یک امری است که هیچ آدمی نمی تواند بپذیرد و این مجالس- مثلًا- عمومی دنیا، که برای این امور است، این را پذیرفته اند. اینکه هیچ آدمی، هیچ انسان نا بالغی هم نمی تواند بپذیرد که ما می خواهیم همه دنیا بر عدالت باشند، لکن اختیار دست این دو نفر، این چند نفر باشد! هر جا را اینها می چاپند اگر چنانچه مثلًا سازمان بین المللی کذا بخواهد جلویش را بگیرد، فوراً «وتو» می کنند، می گوید نه. غلط می کنید این حرف را می زنید! آن یکی می ریزد افغانستان، اگر یک وقت بگویند «چرا»، می گوید غلط کردی. آن یکی می ریزد به- مثلًا- بیروت و امثال ذلک، اگر چنانچه بخواهند در آنجا حرفی بزنند، می گویند غلط کردی.

الآن اسرائیل در مقابل همه کشورهای اسلامی ایستاده، می گوید غلط نکنید. این تاسف ندارد؟ انسان نیستند اینهایی که در رأس امور هستند که اسرائیل در مقابلشان ایستاده، می گوید فضولی موقوف! آمد و بیروت را گرفت و آن همه جنایات وارد کرد و

سازمان آزادیبخش را به هم زد اوضاعش را و همه را متفرق کرد، و بعد هم بدانید که شماهایی که ساکت بودید و در این جنایات مقابله نکردید، همین نشستید و یک کلمه ای گفتید، آن هم کلمه ای که گاهی موافق با آنها بوده، نوبت شما هم می رسد. اسرائیل به خدمت شما هم می آید.

امریکا در رأس تمام جنایتکاران

تأسف دارد که اسلام آن وضع را دارد و کسانی که ادعای اسلام را می کنند این وضع را دارند. اسلام نسبت به متخلفین، نسبت به متجاوزین آن طور سختگیری می کند و اینهایی که می گویند ما تابع اسلام هستیم، تشویق هم می کنند. امریکا که در رأس تمام جنایتکارهاست و همین جنایت این چند وقت بیروت با دست مخفی امریکا و ظاهر این صهیونیست مجرم واقع شد، امریکا اساس کارش بود. خود آنها هم اقرار کردند به این امر که قضیه، قضیه طرح امریکایی است. اگر امریکا نبود، به اسرائیل می گفت: غلط نکن، برو کنار، می رفت. این امریکا، این کتکی است که مسلمانها از امریکا می خورند، آن وقت آقایان ادعای اسلام می کنند، ادعای طرفداری از مسلمین می کنند، همه چیزشان را تقدیم امریکا می کنند، عذر هم از آنها می خواهند. این تأسف ندارد برای ملتها، برای اسلام، برای همه؟! این ملتها توجه ندارند به اینکه اینها دارند چه می کنند؟! آنها با بیروت و با زن و بچه و فقیر و بیچاره مردم چه کردند و همه کارها را انجام دادند و به هم زدند همه اوضاع را و همه نشستند و تماشا کردند و یک عده هم طرفداری کردند و اگر هم یک کلمه ای گفتند، یک کلمه ای بود، گذشتند و رفتند و همه جنایتها واقع شد.

شما خیال می کنید اسرائیل قانع به این امور است؟ اسرائیل بنایش بر این است که همه این مسلمین را از بین ببرد، امریکا هم بنایش بر این است که اسلام نباشد در کار. اینها برای اینکه جمهوری اسلامی، اسم «اسلام» را دارد و می خواهد به اسلام عمل می کند، همه با آن مخالفت کردند؛ مخالفت کردند از حیث تبلیغات، می گویند که ماها امریکایی هستیم! می گویند که ما اسرائیلی هستیم! مایی که بیست سال بیشتر است، بیست سال حتماً بیشتر است فریاد زده ایم که گرفتاری مردم از دست امریکاست و از اسرائیل، ما اسرائیلی

هستیم، اما آنهایی که نشستند آنجا و اسرائیل دارد می رود ممالک خودشان را از بین می برد، آنها نخیر، همه مخالف اسرائیل هستند! اگر مخالفید، چه کردید؟ چه عملی انجام دادید؟

تهی شدن عناوین ارزشی از محتوا

اینها مصیبتهایی است که ما در یک عصری واقع شده ایم که همه چیز به هم ریخته است. آن که می گوید من مسلمانم یک معنای دیگری است از اسلام برداشت می کند.

آنی که می گوید «اسلام راستین»، یک مسئله دیگری می خواهد بگوید غیر اسلام. آن که اسلام شناس است یک چیز دیگر را می شناسد غیر اسلام. آن که طرفدار حقوق بشر است یک مسئله دیگر را می گوید غیر حقوق بشر. اصلًا الفاظ بکلی از محتوای خودش خالی شده. شما- این را من عرض کردم- شما خودتان بروید دنبالش، ببینید کجا یک لفظی از قبیل این الفاظی که متعارف بوده، عدالت، عدالت اجتماعی- نمی دانم- طرفداری از حقوق بشر، سازمان امنیت کذا- نمی دانم- سازمان کذا، شما دنبال بروید، تعقیب کنید، ببینید کدام یک از اینها محتوای خودش را دارد. کدام یک از اینها، آن معنایی که هست، آن معنا اراده از او می شود. «اسلام» وقتی گفته می شود، این اسلامی که ما می گوییم، اصل نیست؛ آن که اسلام راستین می گوید، بر خلاف همه مقررات اسلام، این جنایت را دارد می کند. آن که تروریست است، می گوید که ما قوای مسلّحه هستیم، ما قیام مسلحانه کردیم. قیام مسلّحانه این است که ما در تلویزیون دیدیم؟! قیام مسلّحانه این است که بچه هایی را بکشند و آتش بزنند؟! این قیام مسلّحانه است؟! این الفاظ عوض شده. معلوم می شود قیام مسلّحانه عبارت از این است و تروریسم عبارت از یک چیز دیگر است! همه چیز این طور است. حالا من اصل مطلبش را القا کردم، شما دنبالش بکنید. اگر پیدا کردید در دنیا یک لفظی را که مطابق معنایش الآن معنا می شود و عمل می شود، به من هم اطلاع بدهید تا من هم استفاده کنم! ولی مطمئن باشید که در قوطی هیچ عطاری این چیزهایی که اینها می گویند نیست و هر چه اینها می گویند و هر چه اینها می کنند، بر خلاف آن مسائلی است که می گویند. حرفش را می زنند، عملشان، کارشان برخلاف

اوست. آن که می گویـد اسـلام، می گویـد اسـلام، اسـلام راستین بایـد باشد، این اسـلامی که اینها می گویند، اسـلام راستین نیست، آن وقت یـک همچـون جنـایتی را می کننـد به اسم اسـلام راسـتین! آن که دم از حقوق بشـر می زنـد، پایمـال می کند ممالکی را که بیچاره هستند؛ ممالکی که زیر پای اینها دارد پامال می شود و اسمش را می گذارند کذا.

آن که می گوید ما برای صلح قیام کردیم و می خواهیم صلح در دنیا باشد، همه جنگها را اینها راه می اندازند. خوب، همین جنگی که ما الآن مبتلا به آن هستیم و کشور عراق هم مبتلا به آن هست، همین را آنها راه انداختند، لکن آقایان این جنگها را راه انـداخته انـد که صلح در دنیا پیـدا بشود! همه جا جنگ راه می اندازند که صلح پیدا بشود! شـما اگر ملاحظه کنید، اینکه عرض کردم که الفاظ معنای خودش را از دست داده، یکی اش هم قضیه نطقی است که چند روز پیش از این، مصاحبه ای که صـدام کرده است در حضور عـده زیادی از فرماندهان و اشخاصـی که درجه دارند و افسـرند. این صـحبتها را باید ببینید، نمی شود نقـل کرد. که او چه می گویـد. اینهـا را اولًا، جمع کرده است که نشانه پیروزی بدهـد به صاحب منصـبهایش؛ برای اینکه پیروز شدنـد، در ایران پیروز شدنـد، در عراق هم پیروز هسـتند؛ نشان پیروزی می دهد. نشان پیروزی هم محتوای خودش را از دسـت داده اصـلًا کلمـه «پیروزی» مفـاد خـودش را از دسـت داده اسـت. مرد که (۱) عقبش زدنـد، تـوی دهنش زدنـد، بیرونش کردند، می گوید: ما پیروز شدیم! محتوا از دست رفته.

در نطقش، آن قـدر از اسـلام تعریف می کنـد، می گوید شـماها در طول تاریخ- حالا من الفاظش را خیلی یادم نیست، این را باید هر کس برود ببیند- به این درجه دارها و این افسـرهایی که جمع شدند آنجا، می گوید شما در طول تاریخ، نه حالا، برای نسلهای آینـده و طول تاریـخ ثابت کردیـد که علاقه منـد به اسـلام هستیـد، علاقه منـد به مردم هستیـد، با مردم خوش رفتاری کردیـد! این اگر الفـاظ از دست نرفته باشـد، محتـوایش از دست نرفته باشـد، خوب این هم می شود یـک آدمی راه برود توی جمعیت و این حرفها را بزند!

من این قدرت بیان صدام و جرأتش را وقتی شنیدم که اینطوری جرأت دارد که

۱- صدام حسین و ارتش او.

صاف، آن چیزی که بر خلاف است، در حضور جمع، صاف می گوید و در آن هم تبلیغ می کند، من یاد یک قصه ای افتادم که یک کسی از یک نفر شاعر پرسید که شاعرتر از همه عرب کی است؟ گفت: بیا تا من نشانت بدهم. می گویند: برد او را در منزل خودش، دید که یک پیر مردی نشسته و از پستان بُز دارد می مکد و خیلی کثیف است، خیلی چطور است. گفت: اینکه می بینی، این از پستان این بز می مکد، این پدر من است و این هم برای این از خود پستان مستقیماً می مکد که اگر بدوشد، یک خُرده ای از این شیرها می ماند به کاسه و این قدر این آدم بخیل است، اشعر، اشعر شعرای عرب، آن کسی است که نمی دانم چندین سال است، سی سال است به این پدر افتخار کرده، توی عرب با این پدر افتخار! ... من باید بگویم اخطب خطبای عرب، صدام است که به این شکستها، پیروزی می گوید؛ افتخار می کند.

ناتوانی صدام در انجام جنایات بیشتر

از حرفهایی که تازگی زده است، این است که اگر ایران بخواهد شهرهای ما را چه بکند و فلان، ما جزیره خارک (۱) را چه خواهیم کرد. معلوم می شود تا حالا می توانسته بکند و نکرده! خوب، همه مردم، همه دنیا تو را می شناسند که تو هر کاری که بتوانی، می کنی. اگر یک جنایتی نکنی، از باب این است که نمی توانی بکنی. تو اگر می توانستی که جزیره خارک و مراکز اسلامی ما را بمباران کنی، می کردی. این قدر که حالا می کنی، بیشتر از این از دستت نمی آید. آن کنار نشسته اید با توپهای دور برد می زنید، آبادان را هر روز می زنید، هر روز دزفول را می زنید، نمی دانم کجا، این جاها را، هر جا [را] دستتان می رسد. شما نمی توانید انجام بدهید، نه اینکه اگر ما انجام بدهیم، شما انجام می دهید.

ثابت کردند اینها که ما، آن چیزهای، نورافکنهای هوایی را فرستادیم برای بصره، ارتش ما فرستاد برای بصره، خوب اینها می توانستند توپ هم بفرستند، می توانستند گلوله توپ هم، موشک هم می توانستند بفرستند. اینکه نفرستادند، برای اینکه آن تربیت این ارتش

۱- جزیره ای در خلیج فارس، و یکی از پایانه های مهمّ نفتی ایران.

و این سپاه، غیر تربیت آن چیزی است که سپاه آنها و ارتش آنها دارد. آنها تربیتشان تربیت کفر است و نا نجیبی است، اینها تربیتشان تربیت اسلامی است که نمی خواهند این کارها بشود. تو می گویی: من می کنم، نمی توانی بکنی؛ اگر می توانستی تا حالا- کرده بودی، اگر می توانستی همه جزایر، همه جاهایی که ما داشتیم به باد فنا بدهی، همه را تا حالا- داده بودی؛ نتوانستی. تا حالا هر چه توانستی، کردی و همه اش هم خیانت بوده و همه اش هم جسارت بوده و همه اش هم خرابی بوده، آن هم خرابی منازل مردم مستضعف و مردم فقیر و مستمند.

و مع الأسف، همه گروههای دنیا، که دستشان قلم است، که توی خانه شان نشسته اند، می نویسند؛ می نویسند که ایران نتوانست چه بکند، صدام چه کرد، چه کرد. هی از این مسائل می نویسند. ولی واقع مطلب را که اینها عوض نمی کند. واقع مطلب این است که اگر ایران دستش بسته نبود و اسلام دست ایران را نبسته بود، حالا دیگر شهر بصره که هیچ، شهر بغداد هم برایش چیزی باقی نمانده بود. اما چه کنیم که دست ما بسته است و دست شما باز. شما افسارتان دست شیطان است و او به هر جا که می گوید، عمل می کنید و ما افتخار به احکام اسلام می کنیم. دست ما را بسته است به اینکه نه، نباید هیچ تعدی بکنید، باید موافق اسلام عمل بکنید.

من امیدوارم که ان شاءاللَّه، همه ما، همه بشر هدایت بشوند و این وضعی که الآن در بشر هست ان شاءاللَّه، متحول بشود به یک وضع صحیحی و ان شاءاللَّه خداوند این دولتهای اسلامی را بیدار بکند و آنها را به اسلام متوجه بکند و امیدوارم که ملت ما را پیروز بکند و ارتش و سپاهیان ما را در جبهه ها پیروز بکند و همه ما را در وفق احکام اسلام و در همه امورمان به طور اسلامی [به] ما توفیق بدهد که عمل بکنیم.

والسلام علیکم و رحمهاللَّه

ص: ۱۰۲

پیام

زمان: ۲۹ شهریور ۱۳۶۱/ ۲ ذی الحجه ۱۴۰۲

مکان: تهران، جماران

موضوع: بیان مصایب مسلمین و فاجعه توسعه سیاستهای سازشکارانه سران عرب با رژیم صهیونیستی

مناسبت: عید سعید قربان

مخاطب: مسلمانان جهان و زائران بیت اللَّه الحرام

بیان مصایب مسلمین و فاجعه توسعه سیاستهای سازشکارانه ...

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

«وإلی اللَّه المشتکی» (۱) در آستانه عید سعید قربان که باید به عموم مسلمانان جهان و بخصوص حجاج بیت اللَّه الحرام، رهسپاران به سوی قربانگاه بزرگ ابوالانبیا حضرت ابراهیم خلیل اللَّه- صلوات اللَّه علیه و علیهم- تبریک عرض کنم، مع الأسف در این سال مصیبتهایی بر مسلمین وارد شد که به جای تبریک، تعزیت باید گفت. تعزیت نه فقط برای تجاوز شیطان بزرگ امریکای جنایتکار بر حریم مسلمین؛ و نه فقط برای هجوم حکام تروریست و جنایت پیشه اسرائیل بر کشور عزیز اسلامی لبنان، و نه برای جنایات صدام عفلقی این نوکر بی اراده امریکا و اسرائیل بر مسلمانان عرب و غیرعرب جنوب و غرب کشورمان ایران؛ و نه برای جست وخیز و شادمانی سران کشورهای مصر، اردن، سودان، مغرب و غیر آنان برای پیروزی دشمنان اسلام و بشریت بر مظلومان لبنان و بیروت و به خاک و خون کشیدن هزاران جوان و پیر و طفل، زن و مرد بیگناه. گرچه همه اینها مصیبت است و تعزیت دارد، لکن مصیبت بزرگ و فاجعه عظیمی که همه مصیبتها و فاجعه ها پیش آن ناچیز است، آن است که مشتی تروریست صهیونیست بی حیثیت، به بدترین

۱- «و شکایت را نزد خدا می بریم».

وجه بر مسلمانان تاخت و تاز کنند. مسلمانانی که دارای آنهمه امکانات معنوی و مادی هستند که با یک تشر می توانند امریکا را از منطقه عقب برانند تا چه رسد به اسرائیل. ما نه فقط برای آوارگی یک عده مظلوم که از سرزمینهای خود رانده شدند و پناهگاهی ندارند در سوگ و عزا هستیم، که مصیبت بزرگ آن است که این جنایتها به دست اسرائیل در مرئی و منظر دولتهای مدعی اسلام انجام می شود. فاجعه بزرگ آن است که این دولتهای مدعی اسلام برای ناز شست امریکا و اسرائیل فعالیت می کنند که مو به مو «طرح کمپ دیوید» یا شبیه آن را اجرا کنند و به دنبال این جنایت عظیم، صریحاً اسرائیل را به رسمیت یا به آقایی بشناسند. فاجعه برای مسلمانان آن است که بعضی از دولتهای به اصطلاح مسلمان، با دیدن این فجایع بزرگ مانع می شوند تا مظلومان از دست ستمگران حتی ناله کنند.

مصیبت عظیم آن است که امریکا که قریب نیم قرن بر مسلمانان جهان بخصوص منطقه، هر چه خواسته است ستم کرده و مخازن آنان را غارت نموده است، دولتها نه تنها از ترس امریکا نمی توانند اظهار مظلومیت مظلومان را حتی در کشورهای خودشان بشنوند، بلکه چنانچه دیدیم با ملت غارتزده ایران که با نهضت اسلامی خود می خواهد فریاد مظلومانه سر دهد و به ملتهای مظلوم جهان داد خود را برساند، چه ها کرده و در مخالفت با ایران حتی از امریکا و اسرائیل گوی سبقت را ربودند، و برای تقرب به ستمکاران، با تمام قوای تبلیغاتی و تسلیحاتی به متجاوز به ایران کمک نمودند. به جای آنکه به ملت و دولت برادر خود دست اخوت و وحدت دهند، به امریکا و اسرائیل دست عبودیت و ذلت دادند و به توطئه علیه ملت ایران برخاستند. ما اکنون از بسیاری از دولتهای به اصطلاح اسلامی مأیوس هستیم و امیدی به هدایت آنان نداریم؛ مگر آنکه خداوند متعال نظر عنایتی فرماید و تحولی در آنان به وجود آورد تا مسائل را آنگونه که شایسته است، بررسی نمایند، و خود و کشور خود را از چنگال گرگان جهانخوار نجات دهند. اینک لازم است تذکراتی به زائران بیت اللَّه الحرام و آنان که در قربانگاه حضرت خلیل الرحمن- سلام اللَّه علیه- حاضر می شوند، داده شود:

۱- لازم است حجاج، مسائل حج را از واجبات و محرّمات نزد علمای اعلام به

خوبی یاد گیرند تا خدای نخواسته تخلفاتی حاصل نشود که موجب هدر رفتن زحمات آنان گردد، یا موجب مُخِلّ نشدن آنان شود و برای خودشان اشکالاتی پیش آید. ۲- لازم است زائران محترم ایرانی توجه کنند که از کشوری انقلابی و اسلامی و متعهد به احکام اسلام راهی حج شده اند و چشمان دوستان و دشمنان بر آنها دوخته شده است. دوستان، برای آنکه ببینند زائران محترم به تعهد اسلامی خود باقی هستند، و در رفتار و گفتار و برخورد با مسلمانان جهان آبروی انقلاب اسلامی شکوهمند خود را حفظ می نمایند، و در زحمتها و مشقتها و کمبودها که لازمه قهریِ این سفر مقدس است، بردباری و شکیبایی دارند، و خداوند متعال را در امور حاضر و ناظر می دانند، و با سرافرازی به کشور خود باز می گردند و کشور و انقلاب خود را در بین مسلمانان جهان سرافراز می کنند، و انقلاب اسلامی کشور عزیز خود را به مسلمانان جهان و کشورهای اسلامی صادر می نمایند، یا خدای نخواسته برخلاف اخلاق و کردار اسلامی از بعض آنان در مرئی و منظر برادران اسلامی، عمل و یا گفتاری ولو کوچک صادر می شود که موجب هتک اسلام و جمهوری اسلامی که از گناهان بزرگ نابخشودنی است، و دشمنان، برای آنکه در گفتار و کردار و اخلاق آنان خدشه کنند، و خدای نخواسته اگر امری گرچه بسیار ناچیز از آنان صادر شود، بهانه به دست آورند و با بوقهای تبلیغاتی خود مطالب کوچک را بزرگ و بزرگتر جلوه دهند، و بیش از پیش، چهره اسلام و انقلاب را در نظر اجانب و جهانیان واژگون و مسلمانان ایران را در نظر مسلمانان جهان مردمی بی بندوبار معرفی کنند، و اسلام را مکتبی به دور از ارزشهای والای انسانی، و ملت شریف ایران را ملتی منحط و دور از تمدن و تعالی، به خورد جهانیان دهند. باید بدانند مسئولیت حجاج محترم در پیشگاه مقدس خداوند متعال و در مقابل ملت شریف و مجاهد، در راه اسلام و تعالیم انسانی آن، بسیار خطیر و بزرگ است. هرگز گمان نکنند امسال که همه می دانیم چنگال ابرقدرتها و وابستگان به آنان، به کشورهای اسلامی و مظلومان جهان بیش از پیش فرو رفته، و خون جوانان مظلوم مسلمین بیشتر از هر وقت از چنگال آنان می چکد، مشابه سالهای دیگر است.

اکنون قدرتهای بزرگ جهان از اسلام و برنامه های غرب و شرق زدایی آن به

وحشت افتاده اند، و شیطان بزرگ، جوجه شیطانها را فرا خوانده و به تمام توطئه ها برای خاموش کردن نور خدا دست یازیده است. ۳- لازم است زائرین محترم بیت اللّه الحرام از هر ملت و مذهبی که هستند به فرامین قرآن کریم گردن نهند. و در مقابل سیل شیطانی بنیانکَن اسلام زدایی شرق و غرب و وابستگان بی اراده آنان، دست اخوت اسلامی به هم دهند. و به آیات شریف الهی که آنان را به اعتصام به حبل اللّه فرا خوانده و از تفرقه و اختلاف تحذیر و نهی فرموده است، توجه کنند. از این فریضه عبادی- سیاسی اسلام، در آن امکنه شریفه که بحق برای مصالح موحدین و مسلمین جهان بنا شده است، بیشترین استفاده معنوی و سیاسی را نموده و به سرّ قربانگاه ابراهیمی- اسماعیلی توجه کنند، که برای خدای تبارک و تعالی و هدف مقدس اسلام تا سرحد فدای عزیزترین ثمره وجود خود باید ایستاد و از هدف الهی دفاع نمود. باید شیطان بزرگ و میانه و کوچک، اولی، وسطی و عَقبه را از حریم مقدس اسلام و کعبه و حرم راند. و باید دست شیاطین را از کعبه و حرم کشورهای اسلامی که حریم آن است قطع کرد. و باید دعوت خداوند متعال را لبیک گفت. باید حجاج محترم کشور انقلاب اسلامی ایران فریاد مجاهدین شجاع و فداکار ملت شریف مجاهد را بر مسلمانان جهان در آن مجمع عمومی مسلمین برسانند، و آنان را موظف نمایند که حامل پیام ملت ایران به تمام ملتهای مظلوم جهان باشند و فریاد «یا للمسلمین» این ملت انقلابی را به گوش همه جهانیان برسانند و به آنان بفهمانند که ملت ایران از تمام مسلمین نه برای مصالح شخصی و منطقه ای که برای اسلام استغاثه می کند و امروز اسلام گرفتار توطئه های جنایتکاران جهانخوار است و اگر مسلمین با پیوند اسلامی، سدی آهنین در تقابل آنها ایجاد نکنند این سیل بنیان کَن الحاد و کفر همه را خواهد برد.

۴- مسلمانان باید بدانند که پس از انقلاب اسلامی و توجه به قدرت خارق العاده اسلام، توطئه ها و نقشه های امریکا از ایجاد تفرقه بین برادران اهل سنت و تشیع و هجوم به ایران که مرکز ثقل نهضت اسلامی است تا نقشه عمیق و گسترده هجوم به لبنان و آن جنایات عظیم، همه و همه برای اسلام زدایی و تضعیف این قدرت الهی است. باید بدانند نقشه امریکا که به دست خبیث اسرائیل در جریان است، به بیروت و لبنان خلاصه

نمی شود؛ که اسلام در همه جا، در کشورهای اسلامی، خصوصاً منطقه خلیج فارس و حجاز مرکز وحی الهی، هدف است. هدف اول آن است که حکام منطقه گوش و چشم بسته در فرمان امریکا و از آن دردناکتر اسرائیل باشند، و ننگ هر تحقیر و نوکری را بپذیرند. در چنین جو و فاجعه عظیمی، ملتهای اسلامی نباید بی تفاوت باشند و از هیچ کوشش در راه حفظ اسلام و کشورهای اسلامی نباید دریغ کنند. چه دردناک و مصیبت بار است که در جوار مسلمانان و دولتهای به اصطلاح اسلامی، اسرائیل غاصب اینچنین جسورانه و فاتحانه به مردم مظلوم لبنان، به خواهران و برادران عزیز بیروتی تجاوز کند، و به جای آنکه دولتهای کشورهای اسلامی به دفاع که یک فریضه الهی و انسانی است برخیزند، اینچنین نرمش نشان دهند؛ بلکه برای مقصد شوم امریکا و اسرائیل به فعالیت برخیزند، و به جای اسرائیل ستم پیشه، ایران اسلامی و اسلام را در ایران هدف و تمام هدف قرار دهند.

آیا اگر امروز توانستند عذرهایی برای سکوت بلکه کمک به مقاصد شوم این جنایتکار و اربابش بتراشند، تاریخ را هم می توانند به انحراف کشند؟ آیا ملتهای آزاد را هم می توانند فریب دهند؟ و آیا خداوند منتقم را هم با عذرهای غیر موجه خود می توانند قانع کنند؟ و آیا اینطور که اینان اسلام بزرگ را به ملعبه و بازی گرفته اند، گناه بزرگشان بخشودنی است؟ و آیا از عهده جواب برای خونهای زنان و مردان و کودکان بیگناه بیروت بر می آیند؟

۵- چون لازم است در این سفر مبارک بر جریانات و طرحهای اسلامی- سیاسی، هماهنگیهای کامل بین تمام کاروانها و گروهها باشد و از هرج و مرج و امور مخالف با اخلاق اسلامی به طور کامل اجتناب شود، ضروری است حجاج محترم و کاروانهای حج از پیشنهادهای متصدی محترم امور حج و حجاج، جناب حجت الاسلام آقای موسوی خوئینی ها پیروی نمایند؛ که اگر خدای نخواسته هر کاروان و هر گروهی مستقلًا و بدون توجه به هماهنگی اقدام به امری کنند، ممکن است فاجعه ای پیش آورد و انحرافاتی تحقق یابد که چهره اسلامی جمهوری اسلامی و انقلابی دگرگون جلوه داده شود؛ و این گناه عظیمی است که پیش خالق و خلق مسئولیتی بس بزرگ دارد.

اینجانب امیدوارم که حجاج عزیز- ایّدهم اللّه تعالی- از خود و دوستان خود مراقبت نمایند که این عبادت با عظمت الهی، آلوده به گناه و خطایا نشود. در میقاتهای الهی و مقامات مقدس، در جوار خانه پر برکت خداوند تعالی، آداب حضور محضر مقدس خداوند عظیم، مراعات و قلوب حجاج عزیز از تمام وابستگیهای به غیر حق، آزاد و از آنچه غیر دوست هست، تهی و با انوار تجلیات الهی منور گردد، تا اعمال و مناسک این سیر الی اللّه با محتوای حج ابراهیمی و پس از آن، حج محمدی، آراسته گردد. و با سبکباری از افعال طبیعت، همگان سالم از وزرهای منی و منیت، با کوله باری از معرفت حق و عشق محبوب، به اوطان خود بازگردند، و به جای سوغاتهای مادی فانی، دستاوردهای باقی ابدی برای دوستان به سوغات آورند. با مشتی پر از ارزشهای انسانی- اسلامی که پیغمبران بزرگ از ابراهیم خلیل اللّه تا محمد حبیب اللّه- صلی اللّه علیهم و آلهم اجمعین- به انگیزه آن مبعوث شدند، به دوستان عاشق شهادت بپیوندند. این ارزشها و انگیزه هاست که انسان را از اسارت نفس اماره به سوء و وابستگی به غرب و شرق، نجات و به شجره مبارکه زیتونه لاشرقیه و لاغربیه می رساند. و اگر مسلمانان جهان به انگیزه انبیا علیهم السلام که عصاره آن در آخرین کتاب انسان ساز، قرآن کریم، این کتاب هدایت- که از مبدأ نور اللّه نُورُ السَّمواتِ وَالْارْضِ (۱)

به مشکات قلب نورانی خاتم الرسل صلی الله علیه و آله تابش نمود تا قلوب انسانها را از حجابهای ظلمت و نور برهاند و عالم را نور علی نور کند- پی برند و به اقیانوس نور متصل شوند، هرگز در اسارت شیطان و شیطان زادگان در نمی آیند؛ و برای چند روز مسند توّهمی و ریاستهای تخیلی، داغ ننگ و ذلت را بر جبین خویش نمی پذیرند؛ و برای تقرب به شیطان بزرگ و طرح اسارت بار «کمپ دیوید» و اشباه آن، به جست وخیز بر نمی خاستند. هان ای قطره های جدا از اقیانوس قرآن و اسلام، به خود آیید و به این اقیانوس الهی متصل شوید، و به این نور مطلق استناره کنید تا چشم طمع جهانخواران از شما ببُرد، و دست تطاول و تجاوز آنان قطع شود، و به زندگانی شرافتمندانه و ارزشهای انسانی برسید. از این زندگی ننگین که مشتی اسرائیلی دوره گرد،

۱- بخشی از آیه ۳۵ سوره نور: «خداوند، نور آسمانها و زمین است».

بر شما حکومت کنند و مسلمانان مظلوم را در حضور شما پایمال نمایند، رهایی یابید.

بارالها، به ما خفتگان توفیق بیداری عنایت فرما و حکام کشورهای اسلامی را به خودآر که با معیارهای اسلامی بر مسلمانان حکومت کنند و بتهای نحس و طاغوت را در هم شکنند.

۶- بر روحانیون محترم و نویسندگان و گویندگان متعهد لازم است که در فرصتهای مناسب و در محضر مسلمانان، به جبران تبلیغات مسمومی که از وسائل ارتباط جمعی وابسته به امریکا و اسرائیل، به شایعه افکنی و دروغ پردازی بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران اشتغال دارند، از اسلام و انقلاب اسلامی ایران دفاع نمایند، و چهره واقعی آن را به جهانیان معرفی نمایند. و دستاوردهای اسلامی را که با جهاد بی امان ملت متعهد ایران، با همه گرفتاریها و کارشکنیهای دشمنان اسلام در داخل و خارج، نصیب کشورشان شده است، یادآور شده و ملتها را آماده کنند. و از تهمتهایی که از ناحیه بوقهای تبلیغاتی به این ملت زده شده است پرده بردارند و نقشه ها و توطئه های امریکا و وابستگان به آن را افشا کنند. از هجوم ارتش صدام عفلقی به امر امریکا و پشتیبانی کشورهای وابسته به آن، جهانیان را با خبر کنند. مسلمانان را از آنچه به دست بعضی حکام امریکایی بر اسلام و مسلمین می گذرد که بدترین آنها شناسایی رسمی اسرائیل و بعد از آن، تاخت و تاز وحشیانه به کشور اسلامی لبنان و شهید و معلول کردن دهها هزار مردم بیگناه و بی پناه است، آگاهی دهند. شاید ملتها با اعتقاد به خدای متعال از این فاجعه بزرگ تاریخ که روی مسلمانان را در جهان و در پیش نسلهای آینده، خدای نخواسته سیاه می نماید، جلوگیری کنند و اسلام عزیز و مسلمین را از این ننگ بزرگ رهایی بخشند و خود را از این تحقیر و ذلت ناهنجار که یاد آن هر مسلمان غیرتمند را می لرزاند آزاد کنند.

۷- اخیراً به دولتهای منطقه که برای فجایع مخالف با اسلام و تعلیمات قرآن، گردهمایی می نمایند، اخطار می کنم که اقدام و قیام بر ضد اسلام و ملتهای اسلامی نکنند.

در صورتی که چنین کنند، دولت و ملت ایران که بزرگترین قدرت منطقه است، به اذن اللّه تعالی بر شما نخواهد بخشود و هر پیامدی که برای شما پیش آید، خود، مسئول آن

هستید. از شـما که رگ حیات و شـریان بزرگ اقتصاد و صـنایع جهان در دسـتتان است، هیچ عذری در پیشـگاه معظم خالق و مخلوق پذیرفته نخواهد شد. امید است ان شاءاللَّه تعالی اسـلام عزیز با پشتیبانی ملل اسـلامی در جهان خصوصاً منطقه، به آمال خود برسد و مسلمانان جهان بر مستکبران پیروز شوند. والسلام علی عباداللَّه الصالحین.

روح اللَّه الموسوی الخمینی

ص: ۱۱۰

سخنرانی

زمان: صبح ۲۵ مرداد ۱۳۶۲/ ۷ ذی القعده ۱) ۱۴۰۳)

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: فلسفه حج و ابعاد سیاسی آن

حضـار: موسوی خوئینی هانماینـده امـام و سـرپرست حجـاج ایرانی)- خاتمیوزیر ارشاد اسـلامی)- روحانیون کاروانهای حـج- مسئولان وزارت

ارشاد و سازمان حج و زیارت

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

بعد سیاسی، مهمترین فلسفه حج

من باید تشـکر کنم از آقایان که تشریف آورده اند و در این مجلس با هم به گفتگو بنشینیم و مسائلی را که باید گفت تا یک حـدودی خـدمت شان عرض کنیم، و من امیـدوارم که ان شاءاللَّه آقایان موفق بشوند با سـلامت و پیروزی این سـفر مبارک را طی کنند و به محالّ خودشان مراجعت بفرمایند.

شما در سالی به حج مشرف می شوید که اوضاع دنیا و اوضاع منطقه به وضـعی است که مشاهده می کنید. اوضاع دنیا گرفتار قـدرت هـای بزرگ و مستضـعفان جهان مبتلای به این قـدرت های شـیطانی و اوضاع منطقه نیز به واسـطه دخالت قـدرت های بزرگ به این وضـعی است که مشاهـده می کنیـد. و در آسـتانه سالی به حـج مشـرف می شوید که در اثر شـکست مفتضـحانه صـدام، منـاطق مسـکونی کشور مـا مورد تجـاوز واقع می شود و بـا موشـک ها کوبیـده می شود، و اخیراً که انـدیمشک را هم ملاحظه کردیـد که بـا آن چه کردنـد، و من به ملت ایران و اهالی محترم مبارز انـدیمشک تسلیت عرض می کنم و امیـدوارم خـدای تبـارک و تعـالی شـهدای آنها را با شـهدای صـدر اسـلام محشور بفرمایـد و به بازمانـدگان آنها سـلامت و صبر عنایت بفرماید. شما در سالی دارید در این سفر مبارک

می روید که قدرت های بزرگ در منطقه مشغول به فساد هستند و تاخت و تاز. از آن طرف شوروی در افغانستان و هرجا که بتواند دست درازی می کند و ملت مظلوم افغانستان را آن طور سرکوب می کند، و بحمداللّٰه ملت افغانستان هم مقابله مردانه ای در مقابل آن قدرت بزرگ کرده اند، و از آن طرف امریکا که در رأس جنایتکاران است در همه کشورهای مظلوم و خصوصاً در کشورهای اسلامی آن طور دخالت و تجاوز می کند، و از آن طرف دنیا دست دراز کرده است و ملت هایی که باید مستقل باشند، در تحت ظلم خودش قرار داده است و مع الأسف این دولت ها هم ظلم پذیر شده اند.

فلسفه حج؛ یکی از فلسفه های بزرگ حج قضیه بُعد سیاسی اوست، که دست های جنایتکار از همه اطراف برای کوبیدن این بُعد در کار هستند؛ و تبلیغات دامنه دار آنها مع الأسف در مسلمین هم تأثیر کرده است که مسلمین سفر حج را بسیاریشان یک عبادت خشک خالی بدون توجه به مصالح مسلمین می دانند. حج از آن روزی که تولد پیدا کرده است، اهمیت بُعد سیاسی اش کمتر از بعد عبادی اش نیست، بُعد سیاسی علاوه بر سیاستش، خودش عبادت است.

بررسی اوضاع مسلمین و مشکلات آنان در حج

مشکلات مردم در حج، باید تمام بلادی که وارد می شوند و مردم مستطیعش یا روحانیون محترمش وارد می شوند، باید بررسی از اوضاع مسلمین در هر سال بشود که مسلمین در چه حال هستند، بین خودشان با حکومت ها چه وضعی است، بین حکومت ها با قدرتهای شیطانی دیگر چه وضعی است، بین خود ملت ها با خود ملت ها چه وضعی است، بین روحانیونی که در بلاد متفرقه مسلمین هستند با وضع حج چه وضعی دارند.

اینها اموری است که باید رسیدگی به آن بشود و حج برای همین امور است. حج برای این است که مشکلات یک سال مسلمین را بررسی کنند و در صدد رفع مشکلات برآیند.

آن طور که آخوندهای درباری منطقه و غیرمنطقه می گویند که حج باید از جهات سیاسی خارج باشد، اینها رسول اللّٰه را محکوم می کنند، اینها خلفای اسلام را محکوم می کنند، ائمه هدی را محکوم می کنند. اینها نمی دانند که این سفر حج و این حج برای

این مسائل بوده است، برای قیام ناس بوده است، برای این بوده است که مسلمین مشکلات مسلمین را درک کنند و در رفعش کوشش کنند، برای این بوده است که بین مسلمین اخوت و مودت پیدا بشود.

انزوای اسلام با تبلیغ جدایی دین از سیاست

و مع الأسف به قدری تبلیغات دامنه دار دشمنان اسلام در همه مسائل اسلامی زیاد و دامنه دار بوده است که به خود مسلمین هم باورانده اند که نباید دخالت در سیاست بکنند، به خود روحانیون هم. بسیاری از روحانیون هم باورشان آمده است که روحانی نباید دخالت در سیاست بکند. روحانی باید مسئله بگوید، آن هم مسائل غیرسیاسی. مسائل سیاسی اسلام چندین برابر مسائل عبادی اش است، برای اینکه آن مسائل سیاسی هم عبادت است مع الاضافه. کتب اسلام، کتب فقهی اسلام مشحون از مسائل سیاسی است، مشحون از مسائل اجتماعی است. و آن وقت یک دسته نادان گمان می کنند که اسلام مثل سایر ادیان منحرفه- که آن هم در اول اینطور نبوده است، بعد با دست همین استعمارگران به اینجا رسیده است- وضع این است که باید روحانی فقط بنشیند و دو رکعت نماز بخواند و برود منزلش و همان جا چرت بزند تا دوباره وقت نماز دیگر بیاید. اینها همه تبلیغاتی بوده است که در طول مدت از آنوقتی که اسلام تولد پیدا کرد و قدرت پیدا کرد به دست خلفای امَوی و عبّاسی و بعد هم به دست حکومت های مرتجع و بعد هم به دست قدرت های بزرگ این مسائل شده است که اسلام را منزوی کنند و منزوی کردند.

آن اسلامی که به درد جامعه نرسد، و آن اسلامی که به درد حکومت جامعه نرسد، آن اسلام منزوی است. اسلام منزوی در مساجد بود. با اسم اسلام، اسلام را منزوی کردند در چهار دیوار مساجد، مساجد بی تحرک. مسجدالحرام و مساجد در زمان رسول اکرم مرکز جنگ ها و مرکز سیاست ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده. اینطور نبوده است که در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد؛ مسائل سیاسی اش بیشتربوده. هروقت می خواستند به جنگ بفرستند اشخاص راوبسیج کنند مردم را برای جنگ ها، از مسجد شروع می کردند این امور را. مع الأسف در دنبال تبلیغات از صدر

اسلام یعنی، بعد از یک مدتی تا زمان ما مساجد یک مساجدی شده بود که اسلام در آنجا محکوم می شد. محکوم کردن اسلام به این نیست که یک کسی بگوید من اسلام را محکوم می کنم، محکوم کردن اسلام بر این است که آن چیزی که اسلام می خواهد در مسجد زیرپا گذاشته بشود. اسلام می خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح خودشان، برای مصالح مسلمین در آنجا فعالیت بکنند و حج از مسائلی است که جنبه سیاسی اش بسیار بیشتر است از جنبه های عبادی اش. و شما آقایان که ان شاءاللّٰه با سلامت مشرف می شوید باید توجه به این معنا داشته باشید که این فکر استعماری که در مغز بسیاری از حتی روحانیین ممالک اسلامی گنجانیده شده است این را ازاله کنید. در صحبت هایتان، در اجتماعاتتان بگویید به آنها که اسلام وضعش این نیست که تاکنون ماها داشته ایم، فقط بیایند در حج و چند دور بگردند دور خانه مبارک و بعد هم وقوف و چه و چه و هیچ کار نداشته باشند که مستکبرین بر مردم دنیا و بر مسلمین چه می کنند، بی تفاوت باشند.

محکوم کنند این اشخاصی که می خواهند راجع به مصالح مسلمین صحبت بکنند. آن ضرری که از این آخوندهای درباری، اسلام می خورد، بدتر از آن ضرری است که از امریکا می خورد، برای اینکه، اینها با یک ظاهر اسلامی اسلام را منزوی می کنند و آنها با این ظاهر نمی توانند بکنند، آنها وادار می کنند اینها را. مسلمین باید در حج وقتی که می روند یک حج زنده، یک حج کوبنده، یک حجی که محکوم کنند این شوروی جنایتکار و آن امریکای جنایتکار را؛ یک همچو حجی، حجی است که مقبول است. اگر ما حج برویم و مصالح مسلمین را در نظر نگیریم بلکه برخلاف مصالح مسلمین هی روی جنایت ها پرده بپوشیم، نگذاریم مسلمین صحبت بکنند از جنایت هایی که بر مسلمین می گذرد و جنایت هایی که از حکومت ها و از قدرت های بزرگ بر مسلمین می گذرد، ما یک صحبت بکنیم، این حج نیست، این یک صورت بی معناست.

بیدار نمودن و متحد کردن مسلمین در حج

آن حجی که خدای تبارک و تعالی می خواهد و آن حجی که اسلام از ما خواسته است، آن است که وقتی می روید حج، این مسلمین بلاد را بیدار کنید، متحد کنید با هم،

بفهمانید به آنها که چرا باید بیش از یک میلیارد مسلمین تحت فشار دوتا قدرت چندصدمیلیونی باشند. تمام گرفتاری ها برای این است که مسلمین را از آن راهی که اسلام دارد منحرف کرده اند، و حتی اگر یک مجالسی هم داشته باشند لابد شنیده اید که آن مجلسی را که روحانیون داشتند و در یک جایی بود، محکوم نکردند. حاضر نشدند که افغانستان را که شوروی [اشغال] کرده، اینها لفظاً بگویند این کار درستی نیست.

این قدر هم همین کسانی که، مسیحیانی که، روحانیونی مسیحی که بودند حاضر نشدند این قدر بگویند که افغانستان چه، ترسیده بودند از این. وقتی بنا باشد که روحانیون شان اینطور، ما از آن وقت تا حالا خیال می کردیم که روحانیون مسیح امریکایی هستند، حالا معلوم شد هم امریکایی هستند هم شوروی هستند، و روحانیون مسلمین هم بسیاریشان کمتر از آنها نیستند. آنهایی که محکوم می کنند مسلمین را که نسبت به صهیونیست یک صدایی بکنند، نسبت به امریکا یک کلمه ای بگویند، آنها کمتر از آن روحانیون مسیحی که می گویند باید هیچ حرف نزد، و آن روحانیونی که طرفدار امریکا هستند کمتر از آنها نیستند، اینها هم طرفدار امریکا هستند. مسلمین باید بیدار بشوند، این یک میلیارد مسلم باید بیدار بشوند و کلک این دوتا قدرت بزرگ و دیگر قدرت ها را که در این مناطق مشغول فساد هستند، کلک اینها را بکنند.

سلطه پذیری مسلمین بواسطه عدم توجه به مسائل و احکام اسلام

ننگ نیست بر کشورهای اسلامی بر حکومتهای کشورهای اسلامی که اسرائیل بیاید و فلسطینی ها را آن طور کند؟ در لبنان آن جنایت ها را بکند و یک میلیارد جمعیت مسلمین بنشینند تماشاچی باشند؟ از چی می ترسند اینها؟ چرا باید این قدر بی عرضه باشند؟ شریان حیات شرق و غرب در دست اینهاست، نفت شریان حیات اینهاست. اگر ده روز نفت را به روی آنها ببندند خاضع می شوند آنها. در عین حالی که این شریان در دست حکومت های باصطلاح اسلامی است، در عین حال تقدیم می کنند و التماس هم می کنند. این مصیبت نیست؟ برای مسلمین این مصیبت نیست که همه چیزمان را بدهیم به خارجی ها و در طبق اخلاص بگذاریم و با منت کشیدن از آنها که بپذیرند؟ وقتی بنا شد

که مسلمین به آن مسائل الهی توجه نکنند، به آن مسائل قرآنی توجه نکنند، و احکام اسلام را درست به آن توجه نکنند و دعوت اسلام به وحدت را زیر پا بگذارند، ناچار باید اینطور بشوند که همه چیزشان را بدهند و التماس هم بکنند به آنها که قبول کنید شما.

نباید مادیگر بیداربشویم؟ نبایداینهاعبرت بگیرند ازایران؟ امروزهمه کشورهای بزرگ عالم از شوروی گرفته است که دارد دائماً به عراق کمک می کند، و از امریکا گرفته است که آن هم همین طور، واز فرانسه که مرکز فسادهمه دنیا شده است، کشوری که ادعا می کرد که اینجا مهد آزادی و کذاست حالا این تروریست ها را در آنجا جا داده است و به صدام کمک می کند و به این کمک افتخار می کند. مسلمین باید توی دهن اینها بزنند و اگر مجتمع بشوند خواهند زد. و ایران همان طور که همه دنیا دیده است- ولو زیر پا گذاشته اند مطالب را- همه عالم الآن مطلعند که شوروی و امریکا و سایر قدرت ها از ایران سیلی خوردند به برکت اسلام، و نخواهد دیگر این ملت اسلامی گذاشت که راه آنها به این مملکت باز بشود. آنهایی که به آرزوی این نشسته اند که امریکا دوباره بیاید یا شوروی بیاید، آنها خیال باطل به خودشان راه داده اند، به این آرزو نباشند و لااقل تا وقتی که اینها زنده هستند، تا آن وقت امریکا و شوروی نمی تواند به این مملکت وارد بشود.

خسته نشدن ملت ایران در جنگ با متجاوزان

این جوان های ما که الآن در سرتاسر کشور به جنگ می روند و در جبهه ها آن طور حماسه ها می آفرینند، تا این جوان ها هستند و ان شاءاللّٰه هستند نمی تواند کسی به این مملکت صدمه وارد کند. آنهایی که تو خانه نشسته اند و می گویند که مردم خسته شده اند از جنگ، و خسته شده اند از چه و چه، آنها خودشان خسته هستند، از اول هم خسته بوده اند. مردم کی اند؟ این اندیمشک است که مورد تجاوز واقع بشود، دنباله اش جنگ جنگ تا پیروزی می گوید. آن هم جاهای دیگری که از دزفول گرفته تا هر جا که ملاحظه کنید به مجرد اینکه یک فسادی در آنجا واقع می شود و صدام یک جنایتی می کند دنبالش همه مردم می ایستند و فریاد می زنند مرگ بر کی و مرگ بر کی و جنگ جنگ تا پیروزی. اینها مردم نیستند؟ این مردمی که در مساجد و در نمازجمعه ها و سرتاسر کشور

مجتمع انـد و فریادشان بلند است از اینکه جنگ باید کرد، و خودشان هم داوطلب الآن دارند به طرف جبهه ها می روند، اینها مردم ایران نیستند؟ اینها از کره مریخ آمده اند؟

مردم ایران عبارت از یک دسته ای هستند که نشسته اند و نه یکی شان رفته اند به جبهه، نه یکی شان کمک کرده اند به جبهه با اینکه بعضـی شان هم دارای کذا و کذا هستند! فقط مردم ایران اینها هستند که در عین حالی که دارد این کشور به طرف فنا خدای نخواسته می رود- اگر چنانچه سست بیایند جوان های ما- شما چند نفر هستید مردم ایران که می گویید از جنگ خسته شـده ایم؟ شـما چه وقت جنگ کرده ایـد که خسـته بشویـد؟ شـما کدام یکی تان رفته است به جبهه تا یک خسـتگی احساس بکنـد؟ کدامتان حاضـر شده است که امریکا و شوروی را محکوم کند؟ شـما مثل سایر آنهای دیگری می مانید که نشسـته اید آنجا و هی اشکالتراشـی می کنید به این ملت. ملت اینها هسـتند، ملت این مردم کوچه و بازار هسـتند، این مردم دهات و- نمی دانم- قصـبات و شهرسـتان ها، اینها هستند که دارند به جنگ کمک می کنند و به جبهه ها، پشت جبهه ها کمک می کنند، و بانوانشان و بچه هاشان و بزرگ هایشان و همه شان مشـغول خدمت هسـتند. اینها که خسـته نشده اند. از چی خسـته بشوند؟ از اسـلام روبرگرداننـد؟ امروز اگر مـا از این جنـگ و از این دفـاع مقـدس، ما جنگ نـداریم با کسـی، ما دفاع داریم می کنیم از کشور خودمـان. مـا بـاز کشورمـان تحت سـلطه صـدام هست یک مقـداری از آن. مایی که داریم دفاع از اسـلام می کنیم اگر خسـته بشویم معنایش این است که ما از قرآن کریم دیگر خسته شده ایم، از اسلام خسته شده ایم. کدام یک از این افرادی که در این کشور هسـتند الا یک دسـته اقلیت فاسد، خسـته هستند از این امور؟ این جوان های ما می دانند که اگر خدای نخواسته، صـدام غلبه پیـدا کنـد به این کشور چه خواهـد کرد و با همه چیز مردم چه خواهد کرد. این جوان های غیوری که یک همچو احساسـی دارند می نشـینند تو خانه شان و می گویند که خسـته شده ایم از جنگ؟! از چی خسـته شده اند؟ از دفاع از نوامیس شان خسـته شده اند؟! از دفاع از کشورشان خسـته شده اند؟! ازدفاع از اسـلام خسته شده اند؟! ازچه خسته شده اند؟ یک دسته هم نشسـته اند هر کار صحیحی هم بشود آنها می گویند خراب است. هر خدمتی هم که دولت می کند آنها می گویند خراب است. آنها از اول دلشان می خواهد که وضع، این

وضع نباشد، برگردد به آن زمان های رفاه نمی دانم چی که جوان ها تو قهوه خانه بروند و توی کاباره ها بروند و چه بکنند و پیرها هم مجالسی داشته باشند به عیش و نوش. اینها دلشان می خواهد این بشود و این خواب را نخواهید ترجمه اش را دید. این خواب تعبیر برای شما نخواهد شد.

تحول درونی ملت ایران و جانفشانی برای اسلام

این ملت یک ملت زنده است، یک ملتی است که دنیا الآن رویش حساب می کند.

این ایرانی بود که همسایه هایش هم قبولش نداشتند. این ایرانی بود که فقط با لفظ، با لفظ آقای آریامهر یک تبلیغاتی برایش می شد و الّا کجا چیز داشت، همه اش وابستگی، همه اش خرابی. سرتاسر کشور ما که ملاحظه بکنید الّا شهرستان ها آن هم تهران عمدتاً که مورد توجه بود و می خواستند آن هم چون اشراف و اعیان در اینجا هستند، آنها خوش بگذرانند، این دهات و قصبات و آن جاهای دور افتاده یک نظر به آن نشد. این بدبخت ها باید با الاغ از این ور آن ور بروند مریض هایشان را ببرند بین راه هم بمیرند.

دولت الآن مشغول است برای راه درست کردن و مشغول است برای بیمارستان درست کردن و برای مدرسه درست کردن که چندین هزار مدرسه درست شده است، چندین هزار کیلومتر راه درست شده است. همه اینها را آقایان نشسته اند توی خانه شان می گویند هیچی نشده است. چی چی می خواهید بشود؟ آنچه که شده در زمان رضاخان شده است و در زمان محمدرضا شده است که خیابان ها را آن طور مرکز فساد قرارداده بودند؟ شما آنها را صحیح می دانید! آن چیزی که در این چند سال شده است، از همه جهات، آن تحولی که در جوانهای ما پیدا شده است که از کاباره ها کشیده شده اند به میدان جنگ با کفار، از مراکز فساد کشیده شدند به مراکز صلاح و دعا و نیایش، بانوان ما که آن طور با آنها ظلم شده بود امروز در سرتاسر کشور مشغول تعلیم و تعلم هستند و مشغول جهاد هستند فی سبیل اللّه. چی می خواهید بشود؟ آقایان چرا چشم هایتان را هم گذاشته اید و گوش هایتان را به بوق های امریکا و اروپا باز کرده اید؟ چشم هایتان را باز کنید ببینید چه خبر شده است در ایران. دیگران باید بگویند؟ گاهی هم می گویند البته. شماها که باید

تبلیغ کنید از این اسلام، تبلیغ کنید از این دیانت، تبلیغ کنید از این کشور، دفاع کنید از این کشور با قلم تان، با صحبت تان، با چی، هی اشکال، اشکال، اشکال، برای چی؟ شما چی کم دارید که اشکال می کنید؟ این مردم، این مستضعفین، این بیچاره ها، این جنوب شهری های همه کشور ما اینطور دارند جانفشانی برای اسلام می کنند و هیچ هم اظهار خستگی نکرده اند. الآن هم وقتی که می بینید فوج فوج حرکت می کنند به جبهه ها برای جنگ و برای دفاع از اسلام، اینها ملت نیستند؟ این جوان ها که دارند می روند جزء این ملت نیستند؟ ملت اینجا، ملتی باشد که از امریکا باید بیاید؟ بیدار بشوید یک قدری، توجه کنید یک قدری به مسائل.

اقتدار و عزت مسلمین، در تبعیت ننمودن از قدرتها

و شما آقایان که دارید مشرف می شوید به این بیت معظم الهی، علاوه بر اینکه باید خیلی جدیت کنید به اینکه این مردمی که بسیاریشان مسائل حج را خوب نمی دانند، مسائل حج را برای اینها بگویید قبل از اینکه هر کاری را می خواهند بکنند، در هرجا هستید مردم را بخواهید آنجا و مسائل حج را برایشان با قاعده گوشزد کنید، بگویید، همین طور واجباتش را، محرماتش را، اینطور چیزها. علاوه بر این، آن مسائلی که باید، با مسلمین در میان بگذارید، معاشرت کنید با آنها، البته با یک نظامی و به آنها حالی کنید که آقا چرا نشسته اید که امریکا از آن ور دنیا دستش را دراز کند و شما را بخواهد اداره کند.

بخواهد خلیج فارس را، خلیج فارس به توچه کار دارد؟ تو چکاره هستی که از آن ور می خواهی خلیج فارس را تأمین کنی؟ ما خودمان باید بکنیم، به شما چه ربطی دارد؟

مسلمان ها خودشان باید بکنند، خلیجی ها باید بکنند این را. ما میل داریم که با همه کشورهای اسلامی برادر باشیم، با همه حکومت ها در عین حالی که اعوجاج دارند برگردند و با ما دست اخوت بدهند. ما صلاح همه را می خواهیم، ما می خواهیم که آنها عزیز باشند، ما می خواهیم آنها نوکر امریکا نباشند، امریکا از آن ور دنیا آقایی نکند به شما، شوروی هم از آن ور. شما با هم باشید. شما همین حکومت هایتان با هم باشد، ملت هایتان دنبالتان هستند. شما با ملت ها خوش رفتاری کنید، ملت ها دنبال شما هستند،

اگر خوش رفتاری کردید و جهات اسلامی را مراعات کردید، این ملت ها همراه شما هستند، آن وقت آسیب ناپذیر هستید. الآن حکومت ایران آسیب ندارد برای اینکه، برای مردم دارد خدمت می کند و مردم هم دنبال او هستند؛ مردم حافظ هستند. اگر یک گرفتاری در زمان رضاخان پیش می آید، در زمان محمدرضاخان پیش می آید برای آنها، مردم خوشحال می شدند که این گرفتاری برایشان پیش آمده. امروز اگر یک گرفتاری برای کشور ما پیدا بشود، برای حکومت ما پیدا بشود، مردمند که حل می کنند این را، و دولت هم خدمتگزار است و باید خدمتگزارباشد. مجلس هم خدمتگزار است و باید خدمتگزار باشد. همه ما باید خدمتگزار باشیم به این مردم. همه باید تشکر کنیم از اینهایی که این جنگ را دارند اداره می کنند با این فشارها، در عین حالی که همه بر خلاف هستند و همه می خواهند که ما منزوی باشیم. بحمداللَّه ایران در همه دنیا مطرح است و مسلمین همراه او هستند. و من امیدوارم که این سفر مبارک شما را موفق کند به اینکه این مسلمین جهان را، این روحانیون کشورها را، این روحانیون درباری را که در آنجا لابد می آیند، توجه بدهید به اینکه آقا چرا باید شما عزت خودتان را در نوکری امریکا بدانید؟ در نوکری صهیونیست ها بدانید؟ شما آقایی خودتان را از اسلام کسب کنید، آقایی خودتان را از بیت اللَّه کسب بکنید. دور بیرق اسلام جمع بشوید، دور حول خانه خدا جمع بشوید و با هم بیعت کنید که اجتماعاتان، همه تان بر خلاف مصالح اسلام نباشد و بر وفاق مصالح باشد، و دست قدرت های بزرگ را ان شاءاللَّه کوتاه کنید، و این کنگره بزرگ اسلامی ان شاءاللَّه به نتیجه مطلوبی که اسلام دارد برسد و شماها با سلامت و سعادت مشرف بشوید. و دعا کنید به اسلام و مسلمین، و دعا کنید که مسلمین و سران اسلام بیدار بشوند و توجه بکنند به مصالح اسلامی. و دعا کنید به این ملتی که همه چیزش را در طبق اخلاص برای اسلام گذاشته و دارد فعالیت می کند، و دعا کنید که خداوند این کوردل هایی که گاهی پیدا می شود در ایران یا در جاهای دیگر، اینها را خدا هدایت کند که به دامن اسلام برگردند و متوجه به مصالح اسلامی باشند و ننشینند هی کارشکنی بکنند، همراهی کنند با این ملت. (۱) والسلام علیکم و رحمه اللَّه

۱- در صحیفه نور، ذیل تاریخ ۲۶/ ۵/ ۶۲ درج شده است.

ص: ۱۲۰

پیام

زمان: ۱۲ شهریور ۱۳۶۲/ ۲۵ ذی القعده ۱۴۰۳

مکان: تهران، جماران

موضوع: حجّ ابراهیمی؛ تذکرات و توصیه ها به زائران خانه خدا

مخاطب: مسلمانان ایران و جهان، خصوصاً زائران بیت اللَّه

حجّ ابراهیمی ...

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

فرا رسیدن عید بزرگ اسلامی قربان را به همه مسلمین تبریک عرض می کنم.

عیـدی که انسانهای آگاه را به یاد قربانگاه ابراهیمی می انـدازد؛ قربانگاهی که درس فداکاری و جهاد را در راه خدای بزرگ به فرزندان آدم و اصفیا و اولیای خدا می دهد.

عمق جنبه های توحیدی و سیاسـی این عمل را جز انبیای عظام و اولیای کرام- علیهم الصلوه و السلام- و خاصّه عباداللَّه کس دیگری نمی توانـد ادراک کنـد. این پدرِ توحید و بت شکنِ جهان به ما و همه انسانها آموخت که قربانی در راه خدا، پیش از آنکه جنبه توحیدی و عبادی داشته باشد، جنبه های سیاسی و ارزشهای اجتماعی دارد. به ما و همه آموخت که عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خـدا بدهیـد و عیـد بگیریـد. خود و عزیزان خود را فدا کنید، و دین خدا را و عدل الهی را برپا نمایید. به همه ما، ذریّه آدم، فهمانـد که «مکّه» و «منی» قربانگاه عاشقان است. و اینجا محل نشر توحیـد و نفی شـرک؛ که دلبستگی به جان و عزیزان نیز شـرک است. به فرزنـدان آدم درس آموزنده جهاد در راه حق را داد که از این مکان عظیم نیز فداکاری و از خودگذشتن را به جهانیان ابلاغ کنید. به جهانیان بگویید در راه حق و اقامه عدل الهی و کوتاه کردن دست مشرکان زمان باید سر از پا نشناخت، و از هر چیزی حتی مثل اسماعیل ذبیح اللَّه، گذشت. که حق جاودانه شود. این بت شکن و

فرزنـد عزیزش، بت شـکن دیگر، سـید انبیا، محمد مصـطفی صـلی الله علیه و آله به بشـریت آموختند که بتها هرچه هست باید شکسـته شود؛ و کعبه، که امّ القُری است، و آنچه از آن بسـط پیـدا کرده تـا آخرین نقطه زمین، تـا آخرین روز جهـان، بایـد از لوث بتهـا تطهیر شود: بت هرچه باشـد، چه هیاکل، چه خورشـید، چه ماه، و چه حیوان، و انسان. و چه بتی بـدتر و خطرناکتر از طاغوتهای در طول تاریخ از زمان آدم صفی اللّه، تا ابراهیم خلیل اللّه، تا محمد حبیب اللّه- صلی اللّه علیهم و آلهم اجمعین- تا آخر الزمان که بت شـکن آخر از کعبه نـدای توحید سر دهد. مگر ابرقدرتهای زمان ما بتهای بزرگی نیسـتند که جهانیان را به اطاعت و کرنش و پرسـتش خود می خواننـد، و با زور و زر و تزویر خود را به آنان تحمیل می نمایند؟ کعبه معظّمه یکتا مرکز شکسـتن این بتهاست. ابراهیم خلیل، در اول زمان، و حبیب خدا و فرزند عزیزش مهدی موعود- روحی فداه- در آخر زمان، از کعبه ندای توحید سردادند و می دهند.

خداوند تعالی به ابراهیم فرمود: وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا وَ عَلَی کُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ. (۱)

و فرمود: وطَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطَّائِفِینَ وَ الْقَائِمِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ (۲)

و این تطهیر از همه ارجاس (۳) است، که بالاترین آنها شـرک است که در صدر آیه کریمه است. ودر سوره توبه می خوانیم: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّه وَ رَسُوْلِهِ إِلَی النّاسِ یَومَ الحَجِّ الأَکبَرِ أَنَّ اللَّه بَرِیٌٔ مِنَ المُشرِکینَ وَ رَسُولُهُ. (۴)

و مهدی منتظر، در لسان ادیان و به اتفاق مسـلمین، از کعبه ندا سـر می دهد و بشریت را به توحید می خواند. همه فریادها را از کعبه و مکّه سر می دهند؛ و ما باید از آنها تبعیت کنیم و ندای توحید کلمه و کلمه توحید را از آن مکان مقدس سردهیم؛ و با فریادها و دعوتها و تظلمها و افشاگریها و اجتماعات زنده و

۱- «ومردم را به حج فراخوان تا پیاده یاسوار برشتران تکیده از راههای دور نزد تو آیند». سوره حج، آیه ۲۷.

۲- «و پاکیزه بـدار خانه مرا برای طواف کننـدگان و به نماز ایسـتادگان و رکوع کنندگان و سـجده کنندگان». سوره حج، آیه ۲۶.

۳- جمع رجس: پلیدی، گناه، وسوسه شیطان.

۴- «و اعلانی است از خدا و رسولش به مردم در روز «حج اکبر»، که خدا و رسولش از مشرکان بیزارند». سوره توبه، آیه ۳.

کوبنده در مجمع مسلمین در مکّه مکرّمه بتها را بشکنیم؛ و شیاطین را، که در رأس آنها شیطان بزرگ است، در عَقَبات «رَمی» کنیم و طرد نماییم؛ تا حج خلیل اللّه و حبیب اللّه و ولی اللّه، مهدی عزیز، را به جا آورده باشیم؛ و الّا در حق ما گفته می شود: مَا أَكْثَرَ الضَجِيجَ وَ أَقَلَّ الحَجِيجَ. (۱)

امید است حجاج محترم بیت اللّه الحرام، از هر فرقه هستند و اهل هر مذهب می باشند، در مواقف و مشاعر محترمه، دست جمعی برای پیروزی اسلام بر کفر جهانی دعا کنند؛ و برای بیداری مسلمانان و حکومتهای آنان فریاد کنند و دعای بلیغ نمایند.

شاید به برکت دعا در محیط وحی و محل کسرِ اصنامِ (۲) جاهلیت، خداوند تبارک و تعالی بر مسلمین تفضل کند و مجد و عظمت صدر اسلام را به آنان برگرداند و دست اجانب و جهانخواران را از بلاد آنان کوتاه فرماید و ابر رحمت و غفران خود را بر سر عموم مسلمین بباراند. إِنَّه عَفُوّاً غَفُوراً.

اینک تذکر بعض مطالب برای زائران بیت اللّه الحرام و عموم مسلمین لازم است، گرچه کراراً عرض شده است:

۱- از امور مهمه ای که لازم است حجاج محترم و علمای کاروانها وقت شریفشان را صرف آن کنند یاد دادن و یاد گرفتن مسائل حج است؛ که کوتاهی از آن ممکن است موجب زحمتهای فراوان شود، از قبیل بطلان حج یا باقی ماندن به احرام. علمای اعلام کاروانها از زوّار کاروان خویش دعوت نمایند و برای آنان مجلس درس مناسک قرار دهند. و حجاج واجب است برای یادگرفتن لحظه ای را کوتاهی نکنند و با تمام توان مسائل را یاد بگیرند، و با علم به مسائل مناسک را عمل کنند.

۲- همه می دانیم و باید بدانیم که آنچه از قرنها پیش تاکنون بر سر مسلمین آمده، خصوصاً در یکی دو قرن اخیر که دست دولتهای اجنبی به کشورهای اسلامی باز شده و سایه شوم آنان بلاد مسلمین را به تاریکی و ظلمات کشانده است و ذخایر خداداد آنان را

۱- «ناله کنندگان چه بسیارند ولی حاجیانواقعی) کم!». بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۸۱.

۲- شکستن بتها.

به باد فنا داده و به طور مداوم می دهد، غفلت مسلمانان از مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام است، که به دست استعمارگران و استثمارچیان و عمّال غربزده و شرقزده آنان به توده های مسلمانان محروم تحمیل شده است؛ که حتی غالب علمای اسلام گمان می کردند و می کنند که اسلام از سیاست منزه است و یک شخص مسلمان نباید در سیاست دخالت کند. چپاولگران حیله گر کوشش کردند به دست عمال به اصطلاح روشنفکرِ خود اسلام را همچون مسیحیت منحرف به انزوا کشانند و علما را در چهارچوب مسائل عبادی محبوس کنند؛ و ائمه جماعات را در مساجد و محافل عقد و ازدواج منزوی، و مقدسین از توده را سرگرم ذکر و دعا، و جوانان عزیز را سرگرم عیش و نوش، از صحنه امور سیاسی و اجتماعی و اهتمام به امور مسلمین و گرفتاری بلاد اسلامی خارج نمایند. و در این امر توفیق بسزایی پیدا کردند. و از این جهالت و غفلت ما سوء استفاده نمودند، و بلاد مسلمین را یا مستعمره خویش نمودند و یا به استثمار کشیدند؛ و بسیاری از سلاطین و حکام مسلمین را استخدام نموده، و با دست آنان ملتها را به استضعاف و استثمار کشاندند؛ و وابستگی و فقر و فاقه و پیامدهای آنها گریبانگیر توده های دربند گردید. و اکنون نیز مسلمین به غفلت خود و عمال استعمار به تبلیغات خود و ابرقدرتها به سلطه و چپاول خود ادامه می دهند؛ و آخوندهای مزدور و درباری به عقب نگه داشتن مسلمانان و جهالت و غفلت آنان دامن می زنند. و إِنّا للّه وَ إِنّا الَیهِ رَاجِعُونَ.

۳- از جمله مسائلی که به مسلمانان و مستضعفان جهان اجازه هیچ گونه فعالیت برای خروج از قید و بند استعمارگران را نمی دهد و آنان را به حال رکود و عقب افتادگی نگاه می دارد، تبلیغات همه جانبه ای است که غربزدگان و شرقزدگان، یا به امر ابرقدرتها، یا با کوتاه نظری خود، در سراسر کشورهای اسلامی و استضعافی به راه انداخته اند و می اندازند. و آن است که علم و تمدن و پیشرفت مختص به دو جناح امپریالیزم و کمونیسم است؛ و آنان، خصوصاً غربیها و اخیراً امریکاییها، نژاد برتر هستند، و دیگران نژادپست و ناقص هستند؛ و ترقی آنان در اثر والا نژادی آنان است؛ و عقب افتادگی اینان در اثر نقص نژادی است! و به تعبیر دیگر، آنان انسانهای تکامل یافته هستند؛ و اینان در

حال تکامل، که پس از میلیون ها سال به تکامل نسبی می رسند. پس، کوشش برای پیشرفت بیفایده است. و آزادگان یا باید وابسته به سرمایه داری غرب باشند، و یا کمونیسم شرق. و به بیان دیگر، ما از خود هیچ نداریم، و باید همه چیز را از ابرقدرتهای غرب یا شرق بگیریم: علم را، تمدن را، قانون را، و پیشرفت را! و شما امروزِ سیاه ما را می بینید که در اثر این تفکر که بر ما تحمیل کرده اند هرچیز، اگرچه ممتاز باشد و از خودی باشد، به همین جرم مشتری اش کم است؛ و همین را اگر اسم غربی به آن بگذارند، مشتری زیاد پیدا می کند. پارچه ایران حتماً باید در حاشیه اش حروف خارجی و لاتین داشته باشد تا مشتری پیدا کند! و مرضهایی که در خود کشور به نحو شایسته معالجه می شود باید به خارج سفر کرد تا معالجه شود. و این باور در حالی است که بعض دانشمندان و نویسندگان غیر مسلمان با شواهد زنده ثابت نموده اند که تمدن و علم از اسلام به اروپا رفته و مسلمانان در این امور پیشقدم بوده اند. باید گفت که دانشگاههای ما به دست یک مشت غربزده خود باخته، یا مزدور، اداره می شد. و دانشمندان متعهد در اقلیت بودند، و قدرت را از آنان سلب کرده بودند. و آن دسته اکثریتِ غربزده جوانان را عاشق غرب می کردند و فوج فوج به خارج می فرستادند. و در خارج دست استعمار کار خود را می کرد، و جوانان را در حدی که مطلوب استعمارگران بود نگه می داشتند؛ و با افکار غربی و غیراسلامی و غیر ملی به کشور بازمیگرداندند. و این فاجعه قرن اخیر برای ممالک اسلامی و اشتباه آنها بود. و حدیث مفصل را از این مجمل باید خواند.

۴- و از جمله چیزهایی که مانع دفاع مسلمین از کشورهایشان است، تبلیغات دامنه دار برای هر چه بزرگتر جلوه دادن قدرتهای خارجی است. در سابق از انگلیس، به دست به اصطلاح روشنفکران و تحصیلکردگان غربزده، یک غول ساخته شده بود و به دولت های بی اطلاع و ملتهای دربند تحمیل کرده بودند که اگر به یک فراش سفارتخانه انگلیس یک حرف درشت زده شود، ایران به باد فنا می رود! و پرچم سفارت بر سر خانه هر مجرمی که افراشته می شد از مجازات مصون می گشت. و اشاره سفیر انگلیس به دولت یا صدر اعظم، کافی بود برای اجرای اوامر و اطاعت بی چون و چرای او. و امروز از این دو قدرت، خصوصاً امریکا، در بلاد مسلمین همان غول را بسیار بزرگتر و

شاخدارتر ساخته اند؛ و گمان می کنند اگر به یکی از این دو قطب گفته شود بالای چشمت ابروست، کشور از بین می رود! و با خیالهای خام و مقایسه عصر حاضر با عصرهای گذشته و دامن زدن وابستگان غربزده به این نحو شایعه ها، مسلمین را از دفاع بحق خود مأیوس نمودند. و جرم این خود باختگان ملی نما کمتر از مجرم اصلی نیست.

۵- امروز چاره چیست و برای شکستن این بتها چه تکلیفی متوجه مسلمانان جهان و مستضعفان می باشد؟ یک چاره که اساس چاره هاست و ریشه این گرفتاریها را قطع می کند و فساد را از بن می سوزاند، وحدت مسلمانان، بلکه تمامی مستضعفان و دربند کشیده شدگان جهان، است. و این وحدت، که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن پافشاری کرده اند، با دعوت و تبلیغ دامنه دار باید به وجود آید. و مرکز این دعوت و تبلیغ مکّه معظّمه در زمان اجتماع مسلمین برای فریضه حج است، که ابراهیم خلیل اللَّه و محمد حبیب اللَّه شروع، و در آخر الزمان حضرت بقیهاللَّه- أرواحنا لمقدمه الفدا- تعقیب می کند. به ابراهیم خلیل اللَّه خطاب می شود که مردم را به حج بخوان تا برای «شهود منافع» خود از همه اقطار بیایند. این منافع جامعه است: منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی بیایند و ببینند تو که بر آنان پیغمبری عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خدا تقدیم کردی، و همه ذریه آدم باید به تو تأسی کنند. ببینند که بتها را شکستی و آنچه جز خداوند بود به دور افکندی، شمس باشد یا قمر، هیاکل، حیوانات یا انسانها؛ و گفتی و از روی حقیقت گفتی: وَجَّهتُ وَجهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالارْضَ حَنیفاً مُسلِماً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِکینَ (۱)

و همه باید به پدر توحید و پدر پیامبران عظیم الشأن تأسی کنند. و در سوره توبه که امر شد در مجمع عمومی در مکّه خوانده شود، می خوانیم: و اذان من اللَّه و رسوله الی النّاس یوم الحجّ الاکبر ان اللَّه بری ء من المشرکین و رسوله. (۲) فریاد برائت از مشرکان در مراسم حج. و این یک فریاد سیاسی- عبادی است که رسول اللَّه صلی الله علیه و آله، به آن امر فرمود.

۱- همانا روی خود را یکتاپرست و تسلیم به سوی کسی متوجه ساخته ام که آسمانها و زمین را آفرید. ومن از مشرکین نیستم. بخشی از آیه ۷۹ سوره انعام

۲- در روز حج بزرگ از جانب خدا و پیامبرش به مردم اعلام می شود که خدا و پیامبرش از مشرکان بیزارند. سوره توبه آیه ۳

حال بایـد به آن آخونـد مزدور که فریاد مرگ بر امریکا و اسرائیل و شوروی را خلاف اسلام می داند گفت تأسی به رسول خدا و متابعت از امر خداوند تعالی خلاف مراسم حج است؟ آیا تو و امثال تو آخوند امریکایی فعل رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و امر خداونـد را تخطئه می کنید، و تأسی به آن بزرگوار و اطاعت فرمان حق تعالی را بر خلاف می دانید و مراسم حج را از برائت از کفار تنزیه می کنید، و اوامر خدا و رسول را برای منافع دنیایی خود به طاق نسیان می سپارید، و برائت و نفرین را نسبت به دشمنان اسلام و محاربان با مسلمانان و ستمگران بر مسلمین کفر می دانید؟ ما امیدواریم که دولت سعودی به وسوسه این آخوندهای از خدا بی خبر گوش فرا ندهد؛ و مسلمین را، همانطور که وعده نموده است، در مراسم حج و برائت از کفار و مشرکان آزاد گذارد، و در این عمل الهی با آنان، خصوصاً زائران ایرانی و فلسطینی و لبنانی و افغانی که مورد تجاوز کفار قرار گرفته اند، هماهنگ شود؛ تا دشمن مشترک همه مظلومان را با ندای واحد به عالمیان معرفی کنند.

و من موکداً از زوّار ایرانی و دیگر زائران بیت اللَّه الحرام می خواهم که نظم و آرامش را مراعات کنند؛ و به دستورات نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای خوئینی ها عمل کننـد؛ و همه مسلمانان را برادر خود بداننـد، و بـا آنان به طوری که شایسته یک مسلمان متعهد است عمل نماینـد. امیـد است دولت سعودی نیز با حجاج ایرانی، که از ستمکاران غـدّار که به کشورهـای اسلامی تجاوز و دخالت های بیجا می کننـد تظلم می نماینـد، به نحوی شایسته هماهنگی نموده، و با همکاری و همگامی و وحدت کلمه کفار متجاوز به حریم اسلامی را محکوم کننـد؛ تا حج امسال ان شاءاللَّه تعالی به طوری که مرضی خداوند و رسول اللَّه صلی الله علیه و آله است انجام گیرد.

۶- از جمله چیزهایی که برای قیام مسلمانان و مستضعفان جهان علیه چپاولگران جهانی و مستکبران جهانخوار لازم به تذکر است. آن است که نوعاً قدرتهای ستمگر از راه ارعاب و تهدید یا به وسیله بوقهای تبلیغاتی خودشان و یا به وسیله عمال مزدور بومی خائنشان مقاصد شوم خود را اجرا می کنند. در صورتی که اگر ملتها با هشیاری و وحدت در مقابلشان بایستند، موفق به اجرای آن نخواهنـد شـد. شواهد بر این مدعا زیاد است. و زنده ترین شاهد در کشورهای منطقه ایران و افغانستان است. ایران، چنانچه می دانیم و

می دانیـد، دست بسته تسلیم امریکـا بود؛ و شاه مخلوع خائن این کشور را در تمامی ابعاد وابسته به امریکا کرده بود، و ایران یکی از پایگاههـای نظـامی امریکـا بـود. ارتش در دسـت مسـتشاران آن، و فرهنـگ در دست جیره خـواران، و شـاه و دولت و مجلس از نوکران و سرسپردگان بودنـد. اقتصاد در وابسـتگی از آنها بـدتر. و شاه مخلوع در منطقه نیرومندترین ژاندارم بود. و پشتیبان او امریکا و دیگر کشورهای وابسته به آن بودند. و از حیث تجهیزات نظامی بسیار غنی بود. با اینهمه، ملت معظّم ایران، که فاقـد قدرت نظامی و تجهیزات رزمی و حربی بود، با دست خالی و ایمانی قوی فرا گرفته از اسـلام و عزمی راسخ و اتکا به خـدای تعـالی و اعتمـاد به نفس در مـدتی کوتـاه به طور معجزه آسـا بتهای تخیلی ساخته و پرداخته غربزدگان را فرو ریخت و طومار سـتمگریهای دو هزار و پانصـد ساله را در هم پیچیـد و بر اسـطوره های تاریـخ سازان و بت تراشان خط ابطال کشـید. و افغانسـتان هجوم نـاجوانمردانه شوروی، آن قـدرت اسـطوره ای و ارتش قدرتمنـد حکومت غاصب و حزب خائن، را با قـدرت ایمـان و اتکـال به خـدای بزرگ و اعتمـاد به خویش درهم کوبیـد؛ به طوری که بایـد گفت شوروی با پریشانی و پشـیمانی از هجـوم ظالمـانه خود بسر می برد؛ و در حیرت است که چگونه از افغانسـتان بـدون آبروریزی جـا خـالی کنـد. و همچنین ملت قدرتمنـد و علمـای متعهـد بودنـد که فرانسه و انگلسـتان غاصب را از الجزایر و عراق بیرون کردنـد. اینها و امثال اینها برای فرو ریختن رعب هـای ساختگی به دست اسـتعمار و اسـتثمارگران کافی است که مسـلمانان و دولت های کشورهای اسـلامی را از خواب گران بیـدار کنـد، و این طلسـمهای ساختگی را و سـحرهای شـیطانی را ابطال نمایـد، و مسـلمانان و دولتهای آنان را، با داشـتن یـک میلیـارد جمعیت و در دست داشـتن شـریان حیـات غرب و شـرق و دارا بودن کشورهای وسیع و غنی، از سـحر و وحشتزدگی خارج کنـد. و از ایران که با جمعیت ناچیز سـی و چند میلیونی دست همه قدرتها را از کشور خود قطع و تمام قید و بنـدهای اسـتعماری را گسـیخت و مسـتشاران و مفتخواران را از میهن عزیز راند عبرت بگیرند. و به بوق های اسـتعماری، که یکصدا از اول پیروزی انقلاب تاکنون با شایعه پردازیها و نشـر اکاذیب ایران را یک کشور در حال سـقوط و ورشکسته معرفی کرده و می کنند، گوش فرا ندهند. و از یک قدرت اسلامی، که هدفش سرافرازی مسلمین و

کوتاه کردن دست ستمگران از ذخایر خداداد آنان است و پیوسته می خواهد بین برادران اسلامی صلح و صفا و اخوت ایمانی برقرار باشد، قدردانی کنند. و بدانند که کشورهای قدرتمند فرصت طلب، که غایت آمالشان دست یافتن به کشورهای اسلامی و مستضعف است، آنان را در مواقع گرفتاری تنها می گذارند، و کلمه «وفا» در قاموس آنان راهی ندارد.

۷- اگر ان شاءاللّٰه آن وحدت بین مسلمین و دولتهای کشورهای اسلامی که خداوند تعالی و رسول عظیم الشأنش خواسته اند و امر به آن و اهتمام در آن فرموده اند حاصل شود، دولتهای کشورهای اسلامی با پشتیبانی ملتها می توانند یک ارتش مشترک دفاعیِ بیش از صد میلیونیِ تعلیم دیده ذخیره و یک ارتش ده ها میلیونی زیر پرچم داشته باشند، که بزرگترین قدرت را در جهان به دست آورند. و اکنون که این حاصل نیست، دولتهای اسلامی منطقه و حواشی آن می توانند یک ارتش ذخیره ده ها میلیونی و یک ارتش بیش از ده میلیونیِ تحت پرچم برای دفاع از کشورهای اسلامی داشته باشند، که این نیز فوق قدرتهاست. و امید است دولتهای منطقه، با قطع نظر از زبان و نژاد و مذهب، فقط تحت پرچم اسلام در این امر فکر کنند و طرح آن را بریزند؛ و از ننگ خضوع در برابر ابرقدرتها نجات یابند، و شیرینی استقلال و آزادی را بچشند. و برای به دست آوردن چنین قدرتی لازم است هر یک از دولت ها با تفاهم با ملت خود برای دفاع از کشورشان یک چنین طرح حیاتبخشی را در دست مطالعه قرار دهند؛ و از کشور اسلامی ایران در این امر که مدافع کشورهای خود و برادران اسلامی خویش است الهام بگیرند.

امروز ایران، با همه گرفتاریها و کارشکنیها و حصر و سدها، در صدد است تمام جوانان خود را تعلیم نظامی دهد. و تاکنون، به طوری که گزارش می دهند، قریب یک میلیون رزمنده ذخیره تعلیم دیده دارد، که به محض آنکه لازم شود، با یک هشدار برای دفاع از میهن اسلامی خود مجهز و مسلح می شوند. دولت های اسلامی و منطقه نیز اگر مثل دولت ایران با ملت رفتار کنند و خود در کنار ملت باشند و مردم احساس خدمتگزاری آنان را نمایند، این امر در کشورهای آنان نیز حاصل می شود؛ و مقدمه است برای آنچه اسلام بزرگ به آن امر کرده و طرح داده است. و باید متأسف بود که

اسلام در همه ابعادش ناشناخته است، و زیر پرده های استعماری در طول تاریخ می باشد.

از خدای بزرگ می خواهیم که این پرده های سیاه را برچیند و چشم مسلمانان را به جمال جمیل اسلام روشن فرماید، تا دنیا بداند اسلام برای جهان چه آورده است. و آنچه غایت تعلیمات اسلامی است همزیستی مسالمت آمیز در سطح جهان است که امید است با تعجیل در ظهور مهدی آخر الزمان، ارواحنا فداه، حاصل شود؛ و رسیدن انسانها به کمال و سعادت اخروی است، که خداوند نصیب همگان فرماید.

۸- مسلمانان، و خصوصاً مظلومان منطقه، بدانند که اسرائیل با تغییر و تبدیل مهره ها، که شاید برای اغفال رزمندگان فلسطینی و لبنانی باشد، هیچ گاه از مقصد شوم خود، که حکومت بر کشورهای مسلمین از نیل تا فرات است، منصرف نخواهد شد. و امریکا، که چنگ و دندان در منطقه نشان می دهد، از مهره ای چون اسرائیل، که مجری جنایت های آن در منطقه است، به طور کامل پشتیبانی می کند. و بازی های سیاسی اینان را نباید از نظر دور داشت. و کسانی که از اسرائیل حمایت می کنند باید بدانند که افعی گزنده را در حمایت خود قوی می کنند، که در صورت فرصت خدای نخواسته حرث و نسل منطقه را به هلاکت می کشاند. و باید به این افعی خزنده خطرناک مهلت ندهند. چنانچه صدام جنایتکار اگر فرصت پیدا کند، خطرش برای منطقه از اسرائیل کمتر نیست. و لازم است برای آرامش منطقه اکنون، که به یاری خداوند متعال قوای مسلح ایران ما أیّدهم اللّٰه تعالی، این جرثومه فساد را تا لبه پرتگاه هلاکت رسانده اند و از سردار قادسیه یک موجود مفلوک ساخته اند، دولتهای منطقه از کمک به او دست بردارند، که صلاح دین و دنیای آنان است. و در صورتی که مهلت پیدا کند، بر هیچ یک از دولتهای خلیج فارس و دیگران رحم نخواهد کرد. شما دیدید اکنون که با شکست مفتضحانه روبرو است در یک سخنرانی گفت: «اعراب باید رهبری عراق را بپذیرند»! و شک نکنید که اگر قدرت پیدا کند، به مسئله رهبری اکتفا نخواهد کرد. و بوقهای تبلیغاتی دولتهایی که از ایران سیلی خورده اند، برای مصالح خودشان و دربند کشیدن هرچه بیشتر ملتها، شماها را از ایران می ترسانند. ولی دولتها بدانند که ایران، به پیروی از تعالیم اسلامی، با تمامی آنها در صورتی که به موازین اسلامی گردن نهند با برادری و برابری رفتار می نماید. ولی هرگز به

خود اجازه نمی دهد با کسی که نسبت به ما آن همه خسارات و جنایات وارد کرده است مسالمت کند. و ملت عزیز عراق در انتظار پیروزی ایران است تا از نیشهای این عقرب جرّاره نجات پیدا کند. و امید است که با یاری خداوند این انتظار به طول نیانجامد: أَلَیسَ الصُّبحُ بِقَریبٍ. (۱)

۹- حجاج محترم ایران و زائران حرمین شریفین بدانند که آنها از کشوری که برای اهداف اسلامی و بیرون راندن ستمگران از کشور عزیز خویش [قیام کرده است] به سوی خانه خدا و حرم شریف رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و قبور معظّم و فرزندان پیامبر- علیهم صلوات اللَّه- می روند، تحت مراقبت برادران اسلامی سراسر جهان هستند؛ و خبرگزاریها و دروغپردازان بوقهای تبلیغاتی و دشمنان اسلام در کمین نشسته و مراقب اعمال و اقوال آنان هستند، و در صددند که از کاهی کوهی بسازند و سرتاسر جهان را از شایعه های خود پر نمایند. در این صورت جزیی انحراف و خطا و لغزش آنان علاوه بر آنکه در پیشگاه خداوند بزرگ و رسول عظیم الشأنش می باشد، در حضور سایر زائران حرمین شریفین است، که به واسطه پیامد آن گناهی بزرگ و خطایی عظیم است؛ زیرا علاوه بر آنکه بعض اعمال و گفتارْ خلاف حرمت حرمین شریفین است، موجب وهن جمهوری اسلامی است؛ که خدای نخواسته این جمهوری اسلامی، که برای حکومت اللَّه و برقراری احکام مقدس آسمانی قرآن و سنت تشکیل شده، به واسطه بعض اعمال و رفتار آنان به گونه ای دیگر معرفی شود؛ و عیب جویانی که مراقب خرده گیری و بهانه هستند بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی به شایعه پراکنی و مشوّه نمودن چهره نورانی اسلام و جمهوری اسلامی بپردازند؛ و گناه آن در نامه اعمال آنان که برای عبادت و فریضه حج رفته اند نوشته شود. لازم است مراقب باشند که اعمال بی رویّه و گفتار باطل تحقق پیدا نکند. و هرکس مراقب دوستان و نزدیکان خود باشد؛ و در برنامه های انسانی- اسلامی صحیح، که از طرف نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای خوئینی ها، ترتیب داده می شود تبعیت کنند؛ و از آنها تخطی نکنند که موجب هرج و مرج و ناراحتی زائرین

۱- «آیا صبحپیروزی) نزدیک نیست؟». سوره هود، آیه ۸۱.

فراهم شود.

و پلیس کشور سعودی و متصدیان امور حج و زیارت و دولت سعودی باید توجه کنند که زائران ایرانی، که از یک کشور انقلابی تحت ستم غرب و شرق و غارتزده که با تأیید خداوند متعال و قیام و نهضت همگانی خود را از چنگال ابرقدرتها نجات داد و با همت والای مرد و زن و کوچک و بزرگ استقلال و آزادی را به دست آورد و رژیم ستمشاهی امریکایی را به رژیم اسلامی مردمی تبدیل کرد و مستشاران و جاسوسان امریکایی و شوروی را یا از کشور راند و یا به بند کشید، به زیارت بیت اللَّه الحرام و مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه مسلمین علیهم السلام مشرف می شوند. میهمانان خدا و رسول اند. و اعانت و جسارت به آنها اهانت و جسارت به میزبانان بزرگ آنان است. خصوصاً که این میهمانان آمده اند تا همراه با مناسک حج به ندای ابراهیم خلیل اللَّه و محمد رسول اللَّه صلی الله علیه و آله لبیک گویند، که لبیک به آنان نیز لبیک به خدای تعالی است. با اینانی که از کلّ فجّ عمیق (۱) هجرت به سوی خدا و رسول بزرگ او کرده اند با مهر و صفا و محبت و وفا و اخوت اسلامی رفتار کنید، و میهمانان خدا و رسول را آزار ندهید. اینان برای مناسک حج و برائت از مشرکان و کافران، که خدا و رسول او از آنان برائت جسته است، آمده اند. این میهمانان متعهد را گرامی دارید؛ و از قدرت یک رژیم مقتدر اسلامی برای سرکوب دشمن اسلام و مسلمین، اسرائیل غاصب، و قطع ید ارباب او، امریکا، رأس دشمنان اسلام و کشورهای اسلامی، بهره برداری کنید؛ و مکّه مکرّمه را با هماهنگی زائران سراسر جهان به کانون فریاد علیه ستمگران تبدیل کنید؛ که این یکی از اسرار حج است. و خداوند، غنی از لبیکها و عبادات بشر است.

بارالها، ما را از پیروی شیطان و نفس امّاره حفظ فرما. ما را از حب جاه و مقام و دنیا و نفس خویش بازدار. دولتهای کشورهای اسلامی را از وحشتزدگی در مقابل دو قدرت چپ و راست نجات مرحمت فرما، و آنان را به وظایف اسلامی- انسانی آشنا نما. و ملتها و دولتهای کشورهای اسلامی را برای حصول وحدت و اخوت راهنمایی فرما. و حجاج

۱- سوره حج، آیه ۲۷. ر. ک: پاورقی ۱ همین پیام.

ایرانی را، که در راه هـدف بزرگ تو تحمل رنـج و زحمت و اهانت و حبس و زجر می نماینـد، از رحمت و جلوه خاص خود بهره مند فرما. و دست قدرتهای چپاولگر را از بلاد مسـلمین کوتاه فرما. و ما را به آنچه رضای تو است هدایت نما. و لشکریان اسـلام را در دفاع از سرزمین خود و مظلومان منطقه نصرت عنایت فرما. و اسرائیل غاصب متجاوز و امریکا و شوروی ستمگر را مخذول فرما. و اسلام و مسلمین را تقویت فرما و از شرّ اجانب حفظ کن.

«انَّکَ وَلِیُّ النَّصْیِرِ وَ النِعْمَهِ وَ السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّه صَلَّی اللَّه عَلَیْهِ وَ الِهِ وَ عَلی اوْلیاءِ الْمَعْصُومین سِیَّما بَقیَّهُ اللَّه فِی الأَرَضینَ- ارْواحُنا فِداهُ»

روح اللَّه الموسوی الخمینی

پیام

زمان: ۴ شهریور ۱۳۶۳/ ۲۸ ذی القعده ۱۴۰۴ (۱)

مکان: تهران، جماران

موضوع: فلسفه حج و رسالت حجاج در کنگره عظیم عبادی- سیاسی حج

مناسبت: در آستانه عید سعید قربان

مخاطب: مسلمین ایران و جهان؛ حجاج بیت اللَّه الحرام

فلسفه حج و رسالت حجاج در کنگره عظیم عبادی- سیاسی حج

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

مبارک باد عید سعید بزرگ قربان بر مسلمانان جهان و بر ملت بزرگ مجاهد ایران که با انقلاب کبیر خود دست جهانخواران را از تجاوز به میهن اسلامی شان قطع کردند؛ و به خواست خداوند متعال و حمایت حضرت بقیه اللَّه- ارواحنا لمقدمه الفداء- خود را از سلطه ستمگران شرق و غرب آزاد، و برای به ثمر رسیدن انقلاب بزرگ خویش با فداکاریهای فوق طاقت به نهضت و جانبازی خود ادامه می دهند، تا ان شاءاللَّه مقصد اعلی، که اجرای احکام نورانی اسلام است، در کشور پیاده شود.

عید سعید و مبارک در حقیقت آن روزی است که با بیداری مسلمین و تعهد علمای اسلام تمام مسلمانان جهان از تحت سلطه ستمکاران و جهانخواران بیرون آینـد. و این مقصد بزرگ زمانی میسر است که ابعاد مختلفه احکام اسلام را بتوانند به ملتهای زیر ستم ارائه دهند. و ملتها را با اسلام ناشناخته آشنا کنند، و فرصتها را برای این امر بزرگ سرنوشت ساز مغتنم شمرده و از دست ندهند. و چه فرصتی بالاتر و والاتر از کنگره عظیم حج که خداوند متعال برای مسلمانان فراهم آورده است. و مع الأسف ابعاد مختلف این

۱- در صحیفه نوردوره ۲۲ جلدی)، ج ۱۹، ص ۴۱ ذیل تاریخ ۷/ ۶/ ۶۳ درج گردیده که به استناد تاریخ مندرج در دستخط امام خمینی، تاریخ ۴ شهریور ۶۳ صحیح است.

فریضه عظیم سرنوشت ساز به واسطه انحرافهای حکومتهای جور در کشورهای اسلامی و آخوندهای فرومایه درباری و کج فهمیهای بعضی از معممین و مقدس نماها در تمام کشورهای اسلامی در پرده ابهام باقی مانده است. کج فهمانی که حتی با تشکیل حکومت اسلامی مخالف، و آن را از حکومت طاغوت بدتر می دانند! کج فکرانی که فریضه بزرگ حج را محدود به یک ظاهر بی محتوا کرده، و ذکر گرفتاریهای مسلمانان و کشورهای اسلامی را بر خلاف شرع و تا سرحد کفر می شمارند. وابستگان به حکومتهای جابر انحرافی که فریاد مظلومانی را که از گوشه و کنار جهان در این مرکزِ فریاد جمع گردیده اند. زندقه و برخلاف اسلام وانمود می کنند. بازیگرانی که برای عقب نگه داشتن مسلمانان و باز کردن راه برای غارتگران و سلطه جویان، اسلام را در کنج مساجد و معابد محصور نموده اند و اهتمام به امر مسلمین را بر خلاف اسلام و وظایف مسلمانان و علمای اسلام معرفی می کنند. و مع الأسف دامنه تبلیغات گمراه کننده به قدری بوده و هست که دخالت در هر امر اجتماعی و سیاسی را در جامعه مسلمین برخلاف وظایف روحانیون و علمای دین می دانند؛ و دخالت در سیاست را گناهی نابخشودنی می خوانند؛ و فریضه نماز جمعه را به یک صورت خشک مقصور کرده و تجاوز از این حد را ضد اسلام می دانند. و باید گفت اسلام غریب و ناشناخته است، و ملتهای اسلامی منزوی و ناآشنا به حقایق اسلامند.

اکنون بر علمای اسلام و نویسندگان و دانشمندان و هنرمندان و فیلسوفان و محققان و عارفان و روشنفکرانی که از این مسائل رنج می برند و به حال اسلام و مسلمین تأسف می خورند، در هر منطقه و دارای هر مذهب و مسلکی که هستند، لازم است برای جلوگیری از این خطر عظیم که اسلام و مسلمین گرفتار آن هستند دامن همت به کمر زنند، و با هر وسیله ممکن در مساجد و محافل و مجالس عمومی مسلمانان را هشدار دهند و از آنان غفلت زدایی نمایند، و آنان را برای یک نهضت عمومی اسلامی مهیا کنند. و باید بدانند که این امری است ممکن و شدنی، ولی محتاج به کوشش و فداکاری می باشد. ملت ایران- أعزّهم اللّه- راه عذرها را مسدود نموده، و اثبات نمود که در مقابل قدرتهای بزرگ می توان ایستاد و حق انسانی خود را باز پس گرفت. و با اتکال به قدرت

لایزال حق تعالی، که وعده نصرت به شرط آنکه حق را یاری دهیم عنایت فرموده است، هراس به خود راه ندهند که انْ تَنْصرواالله یَنْصُرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ أَقْدَامَکُمْ. (۱)

و برای تحقق اهداف اسلامی، که در مقدمه آن کوتاه کردن دست قدرتمندان منحرف و مخالف اسلام از کشورهای اسلامی و رفع موانع داخلی و خارجی می باشد، همت گمارند؛ و با احزاب و حکومتها و گروهها و اشخاصی که با نهضتهای اسلامی، که بحمدالله تعالی در آستانه رشد و شکل گیری است، مخالفند مقابله نموده، و مبارزه با آنان را در سرتاسر جهان سرلوحه برنامه های خود قرار دهند؛ و مطمئن باشند که با وعده صریح خداوند تعالی، توفیق پیشرفت حاصل شود و مظلومان از دست ستمگران نجات یابند.

اکنون که در آستانه فریضه مبارکه حج هستیم، لازم است توجهی به ابعاد عرفانی و روحانی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی آن داشته باشیم. باشد که این امر راهگشایی برای قدمهای مؤثر دیگر باشد. در این موضوعات بسیاری از دوستان متعهد مطالبی گفته اند. اینجانب نیز اشاره ای گذرا تنها به بعض ابعاد آن می کنم؛ شاید تذکری از آن حاصل شود. از آنجا که در این مناسک عجیب، از اول «احرام» و «تلبیه» تا آخر مناسک، اشاراتی عرفانی و روحانی است که تفصیل آنها در این مقال میسر نیست، اکتفا به بعض اشارات تلبیه ها می کنم.

لبیکهای مکرر از کسانی حقیقت دارد که ندای حق را به گوش جان شنیده و به دعوت الله تعالی به اسم جامع (۲) جواب می دهند. مسئله، مسئله حضور در محضر است و مشاهده جمال محبوب. گویی گوینده از خود در این محضر بیخود شده و جواب دعوت را تکرار می کند. و دنباله آن سلب شریک به معنای مطلق (۳) آن می نماید، که اهل الله می دانند، نه شریک در الوهیت فقط. گرچه سلب شریک در آن نیز شامل همه مراتب، تا

۱- بخشی از آیه ۷ سوره محمد صلی الله علیه و آله: «اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد و پایداری خواهدبخشید».

۲- اسم جامع الهی، «الله» است که در تلبیهلبیک گفتن حاجیان) مکرر بر زبان جاری می شود.

۳- همان گونه که توحید بر سه قسم است: توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی. در قبال هر یک ازآنها شرک قرار دارد یعنی: شرک ذاتی، شرک صفاتی و شرک افعالی. و منظور از شرک به معنای مطلق آن، هر سه قسم شرک است.

فنـای عـالم در نظر اهـل معرفت است؛ و حـاوی جمیع فقرات «احتیاطی» و «اسـتحبابی» است، مثل «الحَمـدُ لَکَ و النَعمَه لک» و «حمـد» را اختصاص می دهـد به ذات مقـدس، همچنین نعمت را؛ و نفی شـریک می کنـد. و این نزد اهل معرفت غایت توحید است. و به این معناست که هر حمدی و هر نعمتی که در جهان هستی تحقق یابد حمد خدا و نعمت خداست بدون شـریک. و در هر موقف و مشـعری و وقوف و حرکتی و سـکون و عملی، این مطلب و مقصد اعلی جاری است. و خلاف آن، «شـرک» به معنای اعم است، که همه ما کوردلان به آن مبتلا هستیم. بگذارم و بگذرم.

و از همه ابعـاد آن مهجورتر و مورد غفلت تر، بُعـد سیاسـی این مناسـک عظیم است که دست خیانتکـاران برای مهجوریت آن بیشتر در کار بوده و هست و خواهد بود. و مسـلمانان امروز و در این عصر- که عصر جنگل است- بیشتر از هر زمان موظف به اظهـار آن و رفع ابهـام از آن هسـتند؛ زیرا بـازیگران بین المللی با اغفال مسـلمین و عقب نگه داشـتن آنان از یک سو، و عمال سودجوی آنان از سوی دیگر، و غفلتزدگان نادان از طرفی، و آخوندهای درباری یا کج فهم از سوی دیگر، و متنسـکان جاهل (۱) از یک طرف، دانسـته یا ندانسـته پشت در پشت هم ایسـتاده و در محو این بُعـد سـرنوشت ساز و نجات دهنده مظلومان در فعالیت هسـتند. و لازم است متعهدان و بیداران و دلسوزان برای غربت اسـلام و مهجوریت این بعد در احکام اسلام، بویژه حج که این بعد در آن ظاهرتر و مؤثرتر است، با قلم و بیان و گفتار و نوشـتار به کوشـش برخیزند؛ خصوصاً در ایام مراسم حج، که پس از این مراسم عظیم انسانها می تواننـد در شـهر و دیار خود با توجه به این بُعد عظیم مسـلمانان و مظلومان جهان را بیدار، و برای خروج مظلومان جهان از تحت فشارهای روز افزون سـتمگران مدعی حمایت از صلح به حرکت وادارند. و پرواضح است که اگر در این کنگره عظیم جهانی، که همه اقشار ملتهای مظلوم اسـلامی از هر مذهب و ملت و دارای هر زبان و مسلک و هر رنگ و قشـر، ولی با زیّ واحد و لباس مشابه، دور از هر آلایش و آرایش، اجتماع نموده اند مسائل اساسـی اسلام و مسلمین و مظلومان جهان از هر فرقه

۱- زاهدان و عابدان نادان.

حل نشود و حکومتهای مستکبر و زورگو سرجایشان ننشینند، از اجتماعات کوچک منطقه ای و محلی کاری برنخواهد آمد و راه حل فراگیری به دست نخواهیم آورد.

بیت اللَّه الحرام، اول بیتی است که برای «ناس» بنا شده. (۱) بیت همگانی است. هیچ شخصیتی و هیچ رژیمی و هیچ طایفه ای حق تقدم در آن را ندارد. اهل بادیه و صحرانشینان و خانه به دوشان با عاکفان کعبه و شهرنشینان و دولتمردان در آن یکسانند. (۲) این بیت معظم برای ناس بنا شده، و برای قیام ناس و نهضت همگانی، و برای منافع مردمی. و چه نفعی بالاتر و والاتر از آنکه دست جباران جهان و ستمگران عالم از سلطه بر کشورهای مظلوم کوتاه شود، و مخازن عظیم کشورها برای مردم خود آن کشورها باشد. بیتی که برای قیام تأسیس شده است، آن هم قیام ناس و للناس، پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع نمود، و منافع ناس را در همین مواقف شریف تأمین نمود، و رمی شیاطین بزرگ و کوچک را در همین مواقف انجام داد. مجرد کلید داری بیت و سقایت حُجاج و عمارت مسجدالحرام کافی نیست و مربوط به مقصد نیست. (۳) ساده بودن بیت و مسجد، همچون زمان ابراهیم و صدر اسلام و به هم پیوستن مسلمین در آن مکان بی آلایش و وافدین (۴) بی پیرایش هزاران مرتبه بالاتر است از تزئین کعبه و بناهای مرتفع عظیم و غافل شدن از مقصد اصلی که قیام ناس و شهود منافع ناس است. أَجَعَلْتُم سِقَايَةَ الحَاجِّ وَعِمَارَةَ المَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّه وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّه لا يَسْتَوُونَ عِنْدَاللَّه وَ اللَّه لا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّالمينَ. (۵)

گویی آیه شریفه در عصر ما نازل شده و گویای حال ماست. در عصر حاضر سرگرمی به سقایت و معیشت حجاج و به عمارت و تزئین مسجد الحرام، و غفلت از ایمان به خدا و روز جزا و کناره گیری از جهاد فی سبیل اللَّه

۱- اشاره به آیه ۹۶ سوره آل عمران.

۲- اشاره به آیه ۲۵ سوره حج.

۳- آب دهی و آب رسانی.

۴- فرستادگان.

۵- سوره توبه، آیه ۱۹: «آیا آب دادن به حاجیان و عمران و آبادانی مسجد الحرام را قرار دادید مانند آن کسی که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است! یکسان نیستند نزد خدا، و خدا گروه ستمکاران را هدایت نکند».

را ظلم، و کسانی که چنین کنند را ظالم محسوب داشته است. ایمان به خدای تعالی و روز جزا انسانها را به جهاد فی سبیل اللَّه و قیام برای حق و عدل سوق می دهد. و خداوند قومی را که چنین نباشند هدایت نمی فرماید، که اینان ظالمانند.

خدای تعالی و رسول عظیم الشأن صلی الله علیه و آله در روز حج بزرگ ندا دادند و فریاد سر دادند که خدا و رسول بری هستند از مشرکان: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّه وَ رَسُولِهِ الَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الأَکْبَرِأَنَّ اللَّه بَرِی ءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَ رَسُولُه (۱)

در آن روز خط امریکا و آخوندهای درباریِ تأمین کننده منافع شیطان بزرگ نبودند که فتوا دهند- العیاذ باللَّه- خدا و رسول برخلاف مناسک حج دستور داده و عمل می کنند، و باید حج از این مسائل به دور باشد.

روزی که ولی اللَّه الأعظم، امام عصر- عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف- ظاهر شوند و در کعبه ندای عدالت سردهند و بر خلاف ظالمان و کافران فریاد کشند، همین آخوندها هستند که او را تکفیر کنند و از ستمگران پشتیبانی نمایند. خداوند ان شاءاللَّه تعالی اسلام و مسلمین را از شرّ ستم پیشگان نگهداری فرماید.

اینک تذکراتی هر چند تکراری را به عرض برادران و خواهران می رسانم؛ امید است ان شاءاللَّه تعالی به دیده عنایت توجه نمایند.

۱- مراتب معنوی حج، که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود، و حجاج محترم و روحانیون معظم کاروانها تمام همّ خود را صرف در تعلیم و تعلم مناسک حج کنند. و بر مسئله دانان است که از همراهان خود مواظبت کنند، که خدای نخواسته تخلف از دستورات نشود. و بُعد سیاسی و اجتماعی آن حاصل نمی گردد، مگر آنکه بُعد معنوی و الهی آن جامعه عمل پوشد، و لبیکهای شما جواب دعوت حق تعالی باشد و خود را مُحْرم برای وصول به آستانه محضر حق تعالی نمایید، و لبیک گویان برای حق نفی شریک به همه مراتب کنید و از «خود»، که منشأ بزرگ شرک است، به سوی او- جلّ و علا- هجرت نمایید. و امید است

۱- بخشی از آیه ۳ سوره توبه: «در روز حج بزرگ از جانب خدا و پیامبرش به مردم اعلام می شود که خدا وپیامبرش از مشرکان بیزارند».

برای جویندگان، آن موتی که دنبال هجرت است حاصل آید؛ و اجری را که «علی اللّٰه» است دریافت نمایند. و اگر جهات معنوی به فراموشی سپرده شود، گمان نکنید که بتوان از چنگال شیطان نفس رهایی یابید. و تا در بند خویشتن خویش و هواهای نفسانی خود باشید، نمی توانید جهاد فی سبیل اللّٰه و دفاع از حریم اللّٰه نمایید. شما عزیزان قدری به خود آیید و سلحشوران جمهوری اسلامی را که پیروزیهای خداپسندانه ای برای اسلام و کشور اسلامی کسب کرده اند، و اکنون جمعی از شهدای زنده آنان با شما در مناسک حج شریک هستند، بنگرید؛ و از تحول عظیمی که موجب اینهمه فداکاری در آنان شده است عبرت بگیرید. و مسلمانان بدانند تا یک درجه از این تحولات در آنان حاصل نشود، شیطان نفس اماره و شیاطین خارج نخواهند گذاشت که به فکر امت اسلامی و مظلومان جهان باشند. از خداوند تعالی توفیق همگان را خواهانم.

۲- شما از کشور پیروزمندی که سالها تحت فشار ستمشاهی دست وپا زده و با عنایت خداوند تعالی و دعای خیر بقیه اللّٰه- أرواحنا فداه- قید و بندها را با تحمل مصیبات جانکاه گسیخته و هزاران شهید و جانباز در راه مقصد تقدیم اسلام نموده است عازم حج شده اید. شما حامل پیام ملتی هستید که با انقلاب خود کشوری را که می رفت با شرقزدگی و از آن بیشتر غربزدگی در الحاد و فساد و فحشا غرق شود نجات داده، و حکومت اسلامی را به جای حکومت طاغوتی جایگزین نموده اند. همان مردمی که تصمیم دارند با صدور پیام انقلاب اسلامی شان نه تنها کشورهای اسلامی، که مستضعفان جهان را به اسلام عزیز و حکومت عدل اسلامی آشنا سازند. شما نمایندگان مردمی هستید که انقلاب اسلامی شان، با عمر کوتاه خود و گرفتاریهای طاقت فرسای حاصل از رویارویی با دو ابرقدرت و مقابله دو بلوک شرق و غرب با آن و خرابکاریهای تروریستهای وابسته به دو جناح ستمگر، تنها و تنها به برکت اسلام و نورانیت آن و مقاومت مردم توانسته است کشورهای اسلامی را در شرق و غرب ارض و مظلومان جهان را در سراسر گیتی تکان داده و به اسلام جلب نماید؛ و توانسته است ندای اسلام را هر چند ضعیف به گوش جهانیان رسانده و نظر آنان را به خود جلب کند. شما حجاج محترم بیت اللّٰه الحرام حامل پیام این ملت و نمایندگان این کشور هستید. در این صورت موقعیت شما بسیار حساس و

وظیفه شما سنگین است. یا ان شاءاللّٰه، چنانچه انتظار می رود، با رفتار شایسته و اخلاق اسلامی و انقلابی خود نظر همگان را جلب کرده و چهره انقلاب اسلامی را آن گونه که هست به نمایش ملتهای جهان می گذارید و توجه آنان را با برخوردهای برادرانه و محبت آمیز به انقلاب بزرگ ایران جلب می نمایید و عملًا تبلیغات فاسد مغرضانه بوقهای تبلیغاتی را خنثی می نمایید، که در این صورت حج شما مقبول و اجر شما مضاعف خواهد بود. و یا خدای نخواسته بعضی از بیخبران برخلاف آنچه ذکر شد عمل می نمایند- که امید است ننمایند- که در این صورت در محضر خدا و خانه او و قبله مسلمانان مرتکب گناهی عظیم شده و از صف حجاج بیت اللّٰه الحرام و زائران قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین در بقیع خارج می شوند، و با کوله باری از گناه به منازل خود بر می گردند.

۳- بسیار محتمل است که عده ای از منحرفان و دشمنان انقلاب و اسلام برای بدنام کردن حجاج محترم و مشوّه نمودن چهره انقلاب، بلکه اسلام، در این سفر شرکت کنند و به صفوف حجاج محترم به پیوندند و دست به کارهای ناشایسته و مخالف دستورات اسلام زنند، و گاه باعث شوند که بعض متدینین هم گول خورده و از آنها، به توهّم آنکه تکلیف انقلابی است، تبعیت کنند و به دست مخالفان انقلاب، که با دقت در صدد یافتن نقاط ضعف و خرده گیری از حجاج ایرانی می باشند، بهانه دهند؛ مخالفانی که همراه کاروانان و راهپیمایان و اجتماعات در مواقف شریفه می باشند مطالب را صد چندان کرده و به رسانه های گروهی مخالف مخابره نموده، و موجب تضعیف انقلاب می شوند. در این صورت، بر تمام حجاج محترم، خصوصاً رؤسای کاروانها و روحانیون محترم و اشخاص هوشیار، لازم است تا با دقت بسیار مواظب حرکات و سکنات و رفتار حجاج باشند؛ و به مجرد رؤیت یک امر انحرافی طرف را نهی کنند. و اگر دیدند اصرار دارد و در صدد فساد است، به نحوی که به ملایمت و موعظه حسنه نزدیکتر است از آن جلوگیری نمایند؛ و به دیگران هشدار دهند که او را از صفوف خود خارج کنند. و متوجه باشند که گاهی مفسدان می خواهند جار و جنجال و تشنج ایجاد کنند. باید از این گونه امور احتراز نمایند.

۴- مسلمانان حاضر در مواقف کریمه، از هر ملت و مذهب که هستند، باید به خوبی بدانند که دشمن اصلی اسلام و قرآن کریم و پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله ابر قدرتها، خصوصاً امریکا و ولیده فاسدش اسرائیل است که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته و برای چپاول مخازن عظیم زیرزمینی و روی زمینی این کشورها از هیچ جنایت و توطئه ای دست بردار نیستند. و رمز موفقیت آنان در این توطئه شیطانی تفرقه انداختن بین مسلمانان، به هر شکل که بتوانند، می باشد. در مراسم حج ممکن است اشخاصی، از قبیل ملّاهای وابسته به خود، را وادار کنند که اختلاف بین شیعه و سنی ایجاد کنند؛ و آنقدر به این پدیده شیطانی دامن زنند که بعض ساده دلان باور کنند و موجب تفرقه و فساد شوند.

برادران و خواهران هر دو فرقه باید هوشیار باشند. و بدانند که این کوردلان جیره خوار با اسم اسلام و قرآن مجید و سنت پیامبر می خواهند اسلام و قرآن و سنت را از بین مسلمین برچینند؛ یا لااقل به انحراف کشانند. برادران و خواهران باید بدانند که امریکا و اسرائیل با اساس اسلام دشمنند؛ چرا که اسلام و کتاب و سنت را خار راه خود و مانع از چپاولگری شان می دانند؛ چرا که ایران با پیروی از همین کتاب و سنت بود که در مقابل آنان بپاخاست و انقلاب نمود و پیروز شد. امروز توطئه بر ضد ایران و حکومت آن و حزب اللّه در حقیقت توطئه برای محو اسلام و کتاب و سنت است. و ایران بهانه ای بیش نیست. اینان با ایران زمان شاه که حکومتش جان نثار آنان بود و ایران را در همه چیز وابسته به آنان کرده و نقشه اسلام زدایی را دنبال می کرد بسیار موافق بودند. و با ایران امروز که دستشان را از منابع و مخازن کشورمان قطع کرده و مستشاران و وابستگان به آنان را از کشور رانده است مخالفند. از طرف دیگر، دشمن حقیقی آنها هم اسلام است. مگر آنکه اسلامی ساخته و پرداخته بعضی حکومتها و آخوندهای بدتر از آنان باشد که با آن موافقند. و آن اسلام نیز حامی آنان و مدافع منافع آنان است. و از آن دیدگاه است که فریاد مظلومانه حجاج ایرانی را در مرکز وحی و مهبط أَذانٌ مِنَ اللَّه وَ رَسُولِهِ الَي النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الأَكْبَرِ أَنَّ اللَّه بَرِی ءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ در گلو خفه می کنند و به کفر آنان فتوا می دهند. پس، در این مقطع زمانی تکلیف الهی حجاج است که اگر مطلبی از گویندگان شنیدند که بوی ایجاد اختلاف بین صفوف مسلمانان را می دهد، انکار کنند؛ و

برائت از کفار و سردمداران آنان را از وظایف خود در مواقف کریمه بدانند؛ تا حج آنها حج ابراهیمی ابوالأنبیا صلوات اللّه علیه- باشد و حج محمدی صلی الله علیه و آله. والّا ما أکْثَرَ الضَّجِیجَ وَ أَقَلَّ الحجِیجَ (۱)

درباره آنها صادق است.

۵- به حجاج محترم ایرانی، که حامل پیام اسلام و قرآن کریمند و حامل پیام انقلاب اسلامی می باشند، سفارش کرده و می کنم که در آن مواقف شریفه- چه در مکه معظمه و چه در مدینه منوره- مدارا با مسلمین و مسالمت را حتی با مأمورین آنجا از دست ندهید؛ و در آن مراکز، که محل امن است، به مقابله برنخیزید و با همه با اخلاق انسانی اسلامی برخورد کنید؛ و با نصیحت برادرانه و موعظه حسنه، همه مسلمانان را از اعمال خشونت بازدارید، و به دستور خداوند تعالی با جاهلان مدارا نمایید؛ و با دقت متوجه حرکات و سکنات خود و دوستانتان باشید. و اگر مخالفان شما بر خلاف دستورات قرآن کریم با شما رفتار کردند، مقابله به مثل نکنید، تا در پیشگاه خداوند تعالی آبرومند و مطیع باشید.

و باید بدانید که انسان در اجتماعات بزرگ، نظیر راهپیماییها، تحت تأثیر واقع می شود و چه بسا که از خود بیخود شود و از یک شعار و فریاد بی توجه تبعیت کند؛ و چه بسیار که در اجتماعات حج و راهپیماییها، که باید با آرامش و مسالمت انجام گیرد، یک و یا چند نفر منحرف جنجال انگیز شعاری دهند که با موازین اسلامی وفق ندهد، ولی با ظاهر شورانگیزشان در نفوس اثر گذارند و انحراف را تحمیل نمایند. لازم است حجاج محترم ایرانی با دقت با این مسائل توجه داشته باشند. و کسانی که کارگردانان راهپیماییهای مسالمت آمیز هستند، تمام شعارها را با دقت تنظیم کنند. و قبل از شروع راهپیمایی، عده ای که متوجه جهات مختلف هستند و از مسائل سیاسی و اجتماعی آگاهی دارند، با مشورت از نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای موسوی خوئینی ها، شعارهایی را تهیه نموده و مردم را توجیه نمایند؛ و اعلام شود که همه موظف به تبعیت از شعارهای تنظیم شده هستند، و به دیگر شعارها جواب ندهند. و باید نظم و آرامش را حفظ نمایند.

۱- «چه بسیارند ناله و فریاد کنندگان، و چه اندکند حج گزاران».

۶- ملت و دولت ایران، در حالی که از بسیاری از دولتهای منطقه مخالفتهای بیجا دیده است، هرگز نمی خواهد از اخوت اسلامی چشم پوشی نموده و به اعمال قدرت دست زند. حکومتهای منطقه در عوض آنکه همه دست در دست هم منطقه را از دست قدرتهای بزرگ، که به آنها به چشم وابسته می نگرند، نجات دهند، و نیز به جای آنکه در مقابل کسانی که ثروتهای سرشار آنان، خصوصاً نفت، را به رایگان می برند بایستند، و به جای آنکه منطقه را از لوث وجود اسرائیل پاک کنند، همه کوشش خود را در معارضه با دولت و ملت ایران خلاصه کرده اند! اینان با دشمن و متجاوز به ایران، که اگر فرصت پیدا کند به همه منطقه تجاوز می نماید، همدست شده و بر ضد ایران، که جرمی جز پیاده کردن احکام اسلام ندارد، همکاریهای همه جانبه می کنند. اینان باید بدانند که دولت ایران با قدرت عظیمی که از عنایات خداوند تعالی و پشتیبانی ملت چهل و چند میلیونی سرچشمه می گیرد قدرت مقابله به مثل را دارد. و این به وضوح ثابت شده است که امریکا و دیگر قدرتمندان در موارد گرفتاری دولتهای وابسته، تنها به اظهار پشتیبانی لفظی و احیاناً به فروش سلاحهای ابتدایی با قیمتهای بالا اکتفا نموده، و هرگز مشکلی از آنان را نمی گشایند. نمی توانند بگشایند، چرا که تصادم قدرتها در جهان بیش از این اجازه دخالت آشکارای آنان را نمی دهد. با تمام این اوصاف، ما همیشه دست برادری خود را برای از بین بردن نفوذ ابرقدرتها به سوی کشورهای اسلامی دراز کرده ایم. شما حکومتهای منطقه دیدید که صدام را امریکا و هم قطاران آن به چه بلیه ای دچار کردند.

در حالی که ایران در انقلاب و آشفتگی به سر می برد، او را به نوید «سرداری قادسیه» (۱) وادار کردند تا از زمین و دریا و هوا به کشور ما هجوم آورد. و خیانت بعضی از دست اندرکاران آن وقت نیز فرصتی بیشتر به او داد. مع ذلک، با همه آشوبها و گرفتاریهایی که نیروهای سلحشور دریایی، هوایی و زمینی با آن دست به گریبان بودند، در کنار سپاه و بسیج و نیروهای مردمی، دشمن را که مناطق وسیعی از کشور را غافلگیرانه مورد تجاوز

۱- صدام حسین خود را در جنگ تحمیلی علیه ایران، سردار قادسیه خواند. «قادسیه» نام مکانی است درنزدیکی شهر نهاوند که معروفترین نبرد میان اسلام با لشکریان یزدگرد سوم، پادشاه ساسانی در آنجا رخ داد و به همان نام مشهور شد که سرانجام نبرد به پیروزی اعراب تمام شد.

قرار داده بود در همان محلها میخکوب نمودند؛ و پس از مدتی نه چندان زیاد با همه پشتیبانیهایی که از اطراف به او می شد آنها را از کشور خود راندند. و وضعیت امروز این دشمن خدا را نیز می بینید و می دانید که دیگر دولتهای منطقه در مقایسه با صدام چندان مهم نیستند. صدام امروز در این لجنزار مخوف برای یافتن راه نجات دست و پا می زند، و فریادش به جایی نمی رسد. ایران اگر او را یک انسان متعادل می دانست، امید نجاتی برای او بود. ولی با روحیه جنون آمیزی که از او آشکار است، ملت ما اجازه نمی دهد که جنایات نابخشنودنی او را نادیده بگیرند و او را برای ادامه خیانت به حال خود گذارند.

پس، او را در حال اضطراب جانکاه و موت و حیات تا موقع مقتضی نگاه می دارند.

و اینجانب به شما دولتهای منطقه هشدار می دهم که با مشورت با عقلا و تفکر در آینده خود، بدون توجه به وعده های امریکا و دوستانش، که می خواهند شما را گرفتار کنند و با تخیلات نابجا همچون صدام عفلقی شما را به دام می اندازند تا خود را در منطقه هر چه بیشتر حاضر کنند و سرنوشت منطقه را به دست گیرند، خود را از این مهلکه کنار گیرید. و مطمئن باشید که دولتی چون دولت ایران، که متعهد به اسلام است و از فرامین الهی تخطی نمی کند، اگر دست برادری او را فشار دهید هرگز ضرر نمی بینید. و چه بهتر که دولتهای منطقه تمام نیروی خود را برای محو اسرائیل از جغرافیا تجهیز کنند.

اسرائیل، مفسدی که فلسطینیان مظلوم را بدین روز انداخته و به لبنان قهرمان آنهمه ظلم کرده و به کشورهای منطقه تعدی و تجاوز نموده است. چه چیز بهتر از اینکه دولتهای منطقه دست در دست هم نهند و منطقه را از شرّ اسرائیل و امریکای طرفدارش نجات دهند. و من کراراً تذکر داده ام که اسرائیل از نیل تا فرات را از خود می داند، و شما را غاصب سرزمینهای خویش می شمرد، گرچه اکنون جرأت اظهار صریح آن را ندارد.

چنانچه صدام، برادر اسرائیل، نیز برای سلطه بر منطقه تلاش می کند. و بر فرض باطل با به قدرت رسیدن، آرامش را از همه سلب می نماید.

اینجانب نصیحت برادرانه به شما نمودم؛ اکنون خود دانید. و به دولتهای نظیر حکومت مصر هشدار می دهم که مبادا گول توطئه امریکا را بخورد، و به بهانه مین گذاری در دریای سرخ و کانال سوئز، که سر و صدای آن را به قدری بلند کرده اند که انسان

مطمئن می شود که چیزی جز توطئه ابر قـدرتها نیست، دست به اعمال ماجراجویانه ای بزنـد. و همان طور که همه می دانند، تا کنون اصل قضـیه در پرده ابهام است. از طرف دیگر، آسـیب دیدن چند کشتی و جنجال دولتهای اسـتعمارگری چون امریکا و انگلسـتان و فرانسه خود نشـان، دهنـده نقشه حضور بیشتر آنان در آن منطقه است. که هر چه این هیاهوها دامنه دارتر می شود، انسـان به پـوچ بـودن دعوی مطمئنـتر می گردد. و در هر صورت، اگر مصـر بـا دولت و ملـتی مثـل ایران که برای بسـتن دسـت ستمکاران انقلاب نموده است بخواهد مقابله کند، باید بداند که ملتهای مسـلمان و انقلابی جهان او را محکوم نموده و ساکت نخواهند نشـست. صلاح حال امثال مصر آن است سرنوشت خود را به دست امریکا و دوستانش ندهد و خود را بی جهت وارد معرکه نکند.

و از خداونـد تعـالی پیروزی اسـلام و خـذلان کفر، و بیـداری مسـلمانان و تعهـدشان را در پیشبرد مقاصـد اسـلامی خواسـتارم.
والسلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته.

۴ شهریور ۶۳/ ۲۸ ذی القعده ۱۴۰۴

روح اللّه الموسوی الخمینی

سخنرانی

زمان: صبح ۱۵ شهریور ۱۳۶۳/ ۱۰ ذی الحجه ۱۴۰۴

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: ظاهر و باطن اعمال در منظر اهل دنیا و اهل معرفت

مناسبت: عید سعید قربان

حضار: مسئولین جمهوری اسلامی، مقامات لشکری و کشوری (۱) و اقشار مختلف مردم

ظاهر و باطن اعمال در منظر اهل دنیا و اهل معرفت

بسم اللّه الرحمن الرحیم

تفاوت اعمال انبیا با مردم

من هم متقابلًا به همه آقایان، به همه امت مسلمان دنیا و مستضعفین، این عید سعید را تبریک عرض می کنم.

۱- خامنه ای، سیدعلیرئیس جمهور)- هاشمی رفسنجانی، اکبررئیس مجلس شورای اسلامی)- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریمرئیس دیوانعالی کشور)- موسوی، میرحسیننخست وزیر)- مهدوی کنی- فلسفی، محمدتقی- اعضای شورایعالی قضایی- هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی- اعضای هیأت دولت- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم سفرا و کارداران کشورهای اسلامی مقیم ایران- رئیس ستاد مشترك ارتش- فرماندهان نیروی زمینی، هوایی، دریایی- اعضای جامعه روحانیت مبارز- مسئولان شهربانی و ژاندارمری- شورایعالی سپاه پاسداران و بسیج مستضعفان- شورای کمیته های انقلاب اسلامی- رؤسای سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری- وعاظ تهران- اعضای ستاد انقلاب فرهنگی- اعضای مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق- اعضای جهاد دانشگاهی- مسئولان نهاد ریاست جمهوری- صدا و سیما- ستاد تبلیغات جنگ و خبرگزاری جمهوری اسلامی- جهاد سازندگی- بنیاد شهید- بنیاد پانزده خرداد- بنیاد مستضعفان- دادستانی ارتش- عقیدتی سیاسی نیروهای نظامی و انتظامی- دادگاه انتظامی قضات- شورای سرپرستی زندانها- شورای ائمه جمعه قم- دفتر تبلیغات قم- دبیرخانه ائمه جمعه- ستاد برگزاری نماز جمعه تهران- شورای تبلیغات اسلامی- حزب جمهوری اسلامی- استاندار و فرماندار و شهردار تهران- مسئولان بنیاد مسکن- کمیته امداد امام- دفتر مشاورت امام و شورایعالی دفاع- سازمان اوقاف- کمیته امور صنفی- مرکز اسناد انقلاب- هواپیمایی جمهوری اسلامی- اتاق بازرگانی- دانشگاه آزاد- تربیت مدرس- جامعهالامام الصادق علیه السلام- مسئولان جراید- خبرنگاران داخلی و خارجی.

و امیدوارم خدای تبارک و تعالی به برکت این عید و سایر اعیاد شریفه، ما را و همه ملتهای مسلمان را هدایت کند که به راه مستقیم اسلام سیر کنیم. و به مقاصد اسلامی فکر کنیم و بتوانیم بین مسلمین یک آشتی، یک وحدتی ایجاد کنیم. حضرت ابراهیم که این عید منتسب به او هست و بنیانگذار ایثار است، صورت عمل، یک معناست و معنا و محتوای عمل، یک باب دیگر. اینجا صورت عمل هم یک مشکلی است برای حلّش و یک امری است که فوق طاقت نوع بشر است. اما آن چیزی که ابراهیم را ابراهیم می کند، مسئله این صورت نیست، مسئله آن سیری است که فرموده است و منتهی به این مسائل شده است.

ابراهیم که به حسب روایات شریفه ما، در آن وقتی که طرف آتش داشت می رفت، ملائکه آسمان به او گفتند که حاجت دارید؟ گفت به شماها نه. آن یک باب دیگری از معارف را داشته است. و ما صورت عمل را می بینیم و از آن هم اعجاب می کنیم و اعجاب آور هم هست. لکن آنهایی که اهل معارف الهی هستند، باطن این صورت را ملاحظه می کنند. اصل اعمال انبیا مطلقاً به حسب صورت، با اعمال ما به حسب نوع موافق است. آنها نماز می خوانند ما هم نماز می خوانیم، آنها روزه می گیرند ما هم روزه می گیریم، آنها حج می روند ما هم حج می رویم، آنها قربانی می کنند ما هم قربانی می کنیم، وقوف می کنند ما هم وقوف می کنیم، این صورت را همه با هم مشترکیم.

لکن- تفاوت- آن چیزی که اعمال ما را با آنها متفاوت می کند و اعمال انبیا را بعضیها با بعضی دیگر متفاوت می کند، آن مغز عمل است. آن چیزی است که آنها از آن مبدأ الهام می گیرند و این اعمال را با الهام از آنجا عمل می کنند.

مسئله وحی و گرفتن وحی که در انبیا هست- و آنها هم متفاوت هست- یکی از امور مهمی است که انسان تصورش را نمی تواند بکند که مسئله چی هست و از چی بوده است. واسطه، جبرئیل است، جبرئیل چه جور واسطه بوده است؟ آیا پیغمبر نازل کرده است جبرئیل را و به ولایت او نازل شده است؟ با جبرئیل نازل شده است و آن وحی را رسانده است؟ مسائلی که در آن صحبت است.

معنای عید از نظر پیامبران

مسئله قربانی فرزند یک باب است که به حسب البته دید نوع بشر، مسئله مهمی است، لکن آن چیزی که مبدأ این عمل می شود، آن چیزی که مقابله مابین پدر و پسر را در آن جا متحقق می کند، این یک مسائل قلبی و روحی و معنوی است، فوق این مسائلی که ماها می فهمیم. ما همین می گوییم که ایثار کرد، قربانی کرد و واقعاً این طور بوده است، مهم هم هست. لکن آیا درنظر ابراهیم هم ایثار بوده است؟ ابراهیم هم در نظرش این بوده است که حالا ـ یک چیزی، تحفه ای می برد پیش خدا؟ اسماعیل هم علیها السلام در نظرش بوده که یک جانفشانی دارد می کند برای خدا؟ یا مسئله این نیست. این مسئله ای است که تا نفسانیت انسان هست، خودیت انسان هست، ایثار اسمش هست. من ایثار می کنم در راه خدا فرزندم را، من ایثار می کنم در راه خدا جان خودم را. این، برای مامهم است و زیاد مهم است، برای ابراهیم نیست مسئله این، ایثار نیست. ابراهیم خودی نمی بیند تا ایثاری کرده باشد، اسماعیل خودی نمی بیند تا ایثار کرده باشد. ایثار این است که من هستم و تو هستی و عمل من و برای تو و ایثار. این، در نظر بزرگان اهل معرفت و اولیای خدا شرک است، در عین حالی که در نظر ما کمال بزرگی است، ایثار بزرگی است.

عید برای ما یک معنا دارد، برای ابراهیم و برای پیغمبرها یک معنای دیگری دارد، ما هم عید می کنیم، آنها هم عید می گیرند، لکن آنهایی که عید می گیرند عید لقاست، آنها عود می کنند به آن جایی که از آنجا ظاهر شدند و عید می گیرند برای این امر، البته بعد از ارجاع به- باز از آن معنای سیرالهی- بعد از ارجاع اسمش عید می شود. و بعدهای معنوی اش بسیار زیاد است و دست ما از آن کوتاه است و بعدهای سیاسی و اجتماعیش هم زیاد است و زیاد بوده است و امیدواریم که زیاد بشود.

جهاد اکبر

امیدواریم که مسلمانها به خود بیایند و از همین عباداتی که خدای تبارک و تعالی برای آنها مقرّر فرموده است، از همینها، هم سیر معنوی بکنند و هم برداشتهای سیاسی و هم عمل.

این طور نباشد که نماز را ما همان جهت تقرب الی اللّٰه آن را ملاحظه کنیم. البته آن بالاترین چیز است، لکن بعد از اینکه انسان نمازگزار شد ایثارگر خواهد شد، بعد از آن که ایثارگر شد، برای اسلام خدمت خواهد کرد. و حج که در او جهات اجتماعی و سیاسی بیشتر ظاهر است، این بحمداللّٰه امسال تاکنونش خوب برگزار شده است و امیدواریم که از این به بعدش هم خوب برگزار بشود و بعدها هم افزوده بشود مسلمین را بیدار بکنند این حجاجی که دربیت اللّٰه الحرام هستند. گرچه مع الأسف بعضی از آخوندهای بسیار نافهم یا بسیار موذی در همین مقطع از زمان شروع کردند به چیزهایی نوشتن و رساله هایی پخش کردند و نسبت به شیعه و نسبت به ائمه شیعه و نسبت به طریقه شیعه جسارت کردند و این در یک همچو مقطعی که عقلای طرفین، عقلای مذاهب با هم جمع شدند و علمای مذاهب با هم جمع شدند و می خواهند فکر بکنند برای مصالح اسلام، در یک همچو مقطع یک همچو رساله هایی منتشر می شود، کأنّه خطر برای امریکا دیدند و واویلا بلند کردند.

آن آخوند احمقی که در یک همچو مقطع از زمان به بعض مقدسات شیعه جسارت می کند، درصدد این است که در مقابل او هم یک کسی پیدا بشود، آن هم یک چیزی بگوید و موجب بشود که بین مسلمین در یک همچو مقطع از زمانی که دارد وحدت ایجاد می کند، اختلاف ایجاد بشود. واقعاً اسلام چه کند با این طرز فکرها، با این طرز عملها؟ اسلام چه کند با این آخوندهایی که خودشان را به صورت یک روحانی درآوردند و در بین مردم پخش هستند؟ این گرفتاری است که در یک همچو موقعی که مسلمین دارند فکر می کنند، او به عنوان اینکه من دیدم که بعض از جوانها متمایل به این اجتماع شدند، متمایل به این ایران شدند، تکلیف دیدم به اینکه بگویم اینها مشرک اند، اینها مجوس اند اینها چطورند و به بعض مقدسات جسارت کردند. این، جز اینکه خدمت به استعمار است، خدمت به قدرتهای بزرگ است و کارشکنی برای اسلام و مسلمین است؟ ما باید فکر کنیم برای این مسائل. مسلمانها باید فکر کنند برای این مسائل و این اشخاصی که این طور در صدد شکستن وحدت مسلمین اند.

و بالجمله من امیدوارم که ایران با این راهی که به پیش گرفته است فقط ملاحظه آن

جهات صوری را نکنـد و ملاحظه جهات معنوی را هم بکنـد. تمام مسائل برای معنویّات است. پیغمبرها هم که آمدند و احکام را منتشر کردند برای این است که تزکیه، بکنند:

مردم را يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابْ. (۱)

همه برای این آمدنـد که مردم را با مبـدأ وحی آشـنا کنند، سـير إلى اللَّه بدهند، صـراط مسـتقيم، هدايت را به صـراط مسـتقيم بکنند. و ما ایرانیها و مسـلمانها علاوه بر اینکه جهاد در راه اسـلام می کنیم، باید از جهاداکبر هم غافل نباشیم، از جهاد به نفس هم غافل نباشـیم که مبـدأ همه امور است. و باید این اعیاد را همان طوری که عید می دانیم برای مسـلمین، و ذخر و شـرف می دانیم برای پیغمبر اکرم باید ما خودمان مهیا بشویم که برای پیغمبر اکرم، ذخر (۲) و شرف باشیم.

طوری عمل بکنیم در مکه، در مدینه، در همه جا و با همه مسـلمین در هر جا، طوری رفتار بکنیم که این اسـباب شرافت اسلام بشود. اسـباب این بشود که مردم بفهمنـد که اسـلام چه جور تربیت می خواهد بکند، از تربیت اسـلامی مردم ملتفت بشوند که اسلام آمده است برای چی. قرآن شریف آمده است برای چی.

توجه به خدا هدف اساسی انبیا

تمـام مسـائلی که هست مـا می خـواهیم دست ظالمهـا را کوتـاه کنیم ان شـاءاللَّه و می خواهیم که قـدرتها را سـرکوب کنیم و پایشان را از این بلاد مسـلمین کوتاه کنیم ان شاءاللَّه. همه اینها مقدّمه این است که یک آرامشی در این بلاد پیدا بشود و دنبال این آرامش یک سیر روحی پیدا بشود، یک هدایت به سوی خدا پیدا بشود. آن چیزی که اساس است سیرالی اللَّه است، توجه به خداست، همه عبادات برای اوست. همه زحمات انبیا از آدم تا خاتم برای این معنا هست که سـیرالی اللَّه باشد. شکسـتن بت نفس که بالاترین بتهاست دنبال او شکستن بتهای دیگر.

بحمـداللَّه امسال در مکه با این تظاهرات عظیم و با این شـعارهای کوبنده یک مقداری از صولت بتها شکسـته شد و ان شاءاللَّه بعدها هم خواهد شد.

۱- سوره جمعه، آیه ۲.

۲- ذخیره؛ اندوخته.

و امیـدواریم که هر سال بر این مسائل اضافه بشود و مسـلمانها متصل بشونـد به هم و همراه هم فریاد بکشـند در جایی که جای فریـاد است. و از خـدای تبـارک و تعالی می خواهم که همه ما را بیـدار کنـد و همه مسـلمین را بیـدار کنـد، و توجه آنها را به مصالـح اسـلام و به مصالـح مسـلمین بیشتر بکنـد. و امیـدوارم که دولتهـای منطقه هم به خود بیاینـد و از تبلیغات سوئی که این آخونـدها می کننـد، خودشان را کنار بکشـند، و از تبلیغات سوئی که امریکا و عمال او می کننـد خودشان را کنار بکشـند و با یک وحدت کلمه بروند تا اینکه اسـلام را از دست این خونخوارها نجات بدهند، و بلاد مسـلمین را از دست این اشخاصی که می خواهند ببلعند همه بلاد مسلمین را، نجات بدهند.

خـدای تبارک و تعـالی به همه مـا و به همه شـما توفیق عنـایت کنـد که این اعیـاد را با آشـنایی به اسـلام و احکام اسـلام عید بگیریم.

والسلام علیکم و رحمه اللّٰه

سخنرانی

زمان: صبح ۲۵ تیر ۱۳۶۴/ ۲۷ شوال ۱۴۰۵

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: اهمیت ساده زیستی روحانیت و دست اندرکاران

مناسبت: سومین اجلاس سالانه مجلس خبرگان

حضار: مشکینی، علیرئیس) و اعضای مجلس خبرگان

بسم اللّه الرحمن الرحیم

اهمیت ساده زیستی روحانیت و مسئولان

من قبلًا از حسن نظر آقای مشکینی تشکر می کنم و امیدوارم خداوند موافق حسن نظر ایشان با من رفتار کند و همه ما را توفیق بدهد که در خدمت اسلام باشیم. و همچنین تشکر می کنم از آقایانی که من را مفتخر به زیارت خودشان کردند و امیدوارم این مسئولیتی را که به آنها محول شده است، به احسن وجه به پایان برسانند و آن طوری که موجب رضای خداست عمل کنند.

از اهم مسائلی که باید تذکر بدهم، مسئله ای است که به همه روحانیت و دست اندرکاران کشور مربوط می شود، و همیشه نگران آن هستم که مبادا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منّت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران بشوند، زیرا آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را بپا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواسته، مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده اند، عمارت درست کرده اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست، و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است

از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان.

البته من این نکته را عرض کنم، یک دسته ای که در معرض خطر هستند باید خودشان را حفظ کنند، ولی همین ها هم باید مواظب باشند که زاید بر میزان نباشد. شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیایید وجهه تان پیش مردم بزرگ می شود، آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، اینکه زندگی شما ساده باشد، همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین و ائمه ما زندگی شان ساده و عادی بود بلکه پایین تر از عادی. آنها هم که جمهوری اسلامی را بپا کردند، مردم عادی هستند، و کسانی که بالابالاها نشسته اند، هیچ دخالتی در این مسائل نداشته و ندارند. این مردم بازار و کشاورز و کارگران کارخانه ها و طبقات ضعیف- به حسب دنیا و قوی به حسب آخرت- هستند که این توقع را دارند که اگر خدای نخواسته، نفوس این مردم از ما منحرف بشود، ضرر آن برای ما تنها نیست، بلکه برای اسلام است. و ما باید حفظ کنیم آنهایی را که اسلام و جمهوری اسلامی را نگه داشته اند و بعد از این هم نگه خواهند داشت، و حفظ آن به این است که زندگی ما ساده و عادی باشد. آنهایی هم که می خواهند خودشان را حفظ کنند، باید بدانند که گاهی با یک اتومبیل پیکان بهتر می توانند محفوظ باشند تا وسیله دیگر. و ائمه جمعه و جماعاتی که اگر عادی بیرون بیایند ممکن است از بین بروند، باید به آن مقداری حفظ کنند که زیاد نباشد. و این طور نباشد که امام جمعه ای وقتی در خیابان می آید، خیابان را خلوت کنند و هیاهو به راه بیندازند، این طور چیزها حیثیتشان را در جامعه ساقط می کند. بزرگی شما آقایان به دنیا نیست، بزرگی شما به آخرت است، و اینکه پیش خدا آبرومند باشید. و این یک مسئله مهمی است که دخالت در حفظ جمهوری اسلامی دارد و ما باید خیلی مواظب باشیم، و اهل علم و دولت و دست اندرکاران بیشتر باید مواظب باشند، چرا که همه دنبال این هستند که نقطه ضعفی، خصوصاً از اهل علم پیدا کنند و در همه جا مطرح سازند. و ما باید به گونه ای زندگی کنیم که اگر چنانچه آن را از ما گرفتند، حسرت نخوریم، نه اینکه مثل رئیس جمهور امریکا که اگر این مقام را از او بگیرند شاید از حسرت دق کند!

استمرار سیاست اسلامی حج

جهت دیگری هم که بایـد عرض کنم این است که الآن ایام حـج است و حـج از امور کشور ما و همه جاست، و ما باید به آن توجه خاصـی بکنیم. من آقـای موسوی خوئینی هـا را می شـناسم، و ایشـان خیلی فعـال بودنـد و خوب عمـل کردنـد، اما چون وجودشان در دادسـتانی لازم بود و از این جهت، امسال نمی تواننـد به حـج برونـد، هرچه فکر کردم دیـدم که آقای کروبی به جـای ایشـان منـاسب است. و آقـای کروبی کسـی است که سالهـای طولاـنی در رژیم سـابق کتـک خورده است، و در این راه صـدمه زیادی دیده اند و فرد مقاوم و صالحی است. از این جهت، ایشان را موقتاً امسال می فرستیم تا ببینیم سال های دیگر چه باید بکنیم.

اما مسـئله ای که عرض کردم، دنبال این هسـتند که نقطه ای پیدا کنند و بگویند این است که، حال که آقای موسوی کنار رفته انـد تبلیغ می کننـد «وضع ایران تغییر و سیاسـتش فرق کرده است». آنها نمی دانند سـیاست حج، سـیاستی نیست که ما درسـت کرده باشـیم، حج سیاست اسلامی است. ما از اول بنایمان بر این بوده است، به حج آن طوری که بوده است عمل کنیم. همان طور که پیغمبر اکرم بت ها را در کعبه شکست، ما هم بت ها را بشکنیم، و این بت ها که در زمان ما هستند، از آن زمان بالاتر و بدترنـد. ما بایـد همان طور که سابق عمل کرده ایم، به حـج برویم و همان طور که سابق تظاهرات و راهپیمایی کردند، عمل کنیم؛ و با تغییر آقای موسوی، سـیاست ما تغییر نکرده است. حج به همان وضعی که همیشه و در این دو- سه سال برگزار شد، برگزار می گردد، و دولت هـا هم بایـد آن را تحمـل کننـد. و ما نمی توانیم از آن وظیفه ای که اسـلام برایمان قرار داده اسـت عدول کنیم و قرآن هم همین دستور را داده است و سیاست ما در حج همان سیاست است که بوده و هر وقت هم به حج برویم همان طور عمل می کنیم، مگر جلوی ما را بگیرند و نگذارند به حج برویم که آن مسئله دیگری است.

و من امیدوارم این فریضه را همان طور که تا به حال بجا آورده اند، امسال بهتر و با جمعیت بیشتر به انجام برسانند.

اعتنا ننمودن ملتهای مسلمان به تهدیدات قدرتها

و افرادی هم که به حج می رونـد بیشتر متوجه اعمال و با یکـدیگر متحـد باشـند، و امیدوارم کشورهای مسـلمان دیگر هم این احساس را کرده باشند. و بیش از یک میلیارد جمعیت مسلمان نباید دنبال این باشند که امریکا چه می گوید و شوروی چه می گویـد، و روی پـای خود بایسـتند و به دیگران اعتنـا نکننـد، همان طور که این کشور چهل میلیونی که نسـبت به سایر کشورها خیلی کوچـک است، روی پـای خـود ایسـتاده و می گویـد: «نه شـرقی و نه غربی» و الآـن هم احـترام این کشـور از احـترام آن کشورهایی که مورد حمایت آنها هسـتند بیشتر است، و توجه نفوس مسـلمانان به این جا زیادتر گردیـده. بنابراین، ملتها خوف نداشـته باشـند که امریکا چه می کنـد، اینها طبل توخالی هسـتند، فریاد می زننـد و عمل نمی کننـد. شـما ببینید امریکا راجع به تروریست هـا که همه و مـا بـا آن مخـالفیم، چه گفت و چه کرد؛ مرتب دنبال این بودنـد آنها را به یکی از کشورهای مخالف خود بچسبانند که نتوانستند. و تشرهای اینها توخالی است، و هیچ خبری نمی شود و ملت ها نباید بترسند و باید راه خودشان را طی کننـد، و اسـلام و خـدا پشتیبـان آنان است و کسـی که خـدا پشتیبان اوست، نبایـد از چیزی خوف داشـته باشـد. امیـدوارم خداوند ما را موفق فرماید که تابع دستورات او باشیم.

والسلام علیکم و رحمهاللَّه

ص: ۱۵۶

حکم

زمان: ۲۸ تیر ۱۳۶۴/ ۳۰ شوال ۱۴۰۵

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب سرپرست حجاج بیت اللّه الحرام

مخاطب: کروبی، مهدی

انتصاب سرپرست حجاج بیت اللّه الحرام

بسم اللّه الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام، آقای حاج شیخ مهدی کروبی- دامت افاضاته

نظر به اینکه جناب حجت الاسلام آقای موسوی خوئینی ها، منصوب به دادستانی کل کشور شدند و از تصدی امر حجاج در این سال معذور می باشند، جنابعالی را به سمت نمایندگی خود و سرپرست حجاج محترم ایران منصوب می نمایم، تا با توجه به اینکه فریضه حج یکی از بزرگترین فریضه های عبادی- سیاسی اسلام و کنگره عظیم حج در مواقف معظمه از بزرگترین کنگره های جهان اسلام است، حجاج محترم جهان را دور هم گردآورده، و در مصالح اسلام و مشکلات مسلمین تبادل آرا نموده، و در حل مشکلات و راه رسیدن به آرمان مقدس اسلام تصمیمات لازم را اتخاذ نمایید؛ و راههای اتحاد بین همه طوایف و مذاهب اسلامی را بررسی کنید؛ و در امور سیاسی مشترک بین همه طوایف مشکلاتی را که برای همه مسلمین جهان به دست دشمنان سرسخت اسلام پیش آمده است، که اهمّ آن اختلاف انگیزی بین صفوف مسلمانان است، را چاره اندیشی بنمایید.

همان طور که همه می دانیم، در سده های اخیر آتش افروز این معرکه خطرناک قدرتهای جهانخوار شرق و غرب می باشند، که از وحدت بیش از یک میلیارد مسلمان

وحشت دارنـد، و با تمام قوا، مسـتقیماً یا به دست عمال منحرف خود، به این اختلافات دامن می زنند، تا بر مقدرات مسـلمانان جهـان مسـلط و بر آنهـا حکومت نموده و ذخـایر بی پایان آنان را چپاول نماینـد. ان شاءاللّٰه در مقابله با تبلیغات دروغین رسانه های گروهی، و از آن بـدتر آخوندهای درباری که با قلم و بیان علیه جمهوری اسـلامی بپا خاسـته اند، پیروز شوید. در ضـمن جنابعـالی مکلف می باشـید تـا به تمـامی درخواسـتهای اینجـانب در متن حکم جنـاب آقـای موسوی خوئینی ها، مثل تظاهرات بزرگ مکه و مدینه، عمل نمایید.

امیدوارم با قاطعیتی که از جنابعالی سراغ دارم این امور به بهترین وجه انجام گردد.

از تمامی حجاج محترم و روحانیون عزیز می خواهم تا با جنابعالی همکاری لازم را بنمایند، واز هر حیث به دستورات جنابعالی عمل نمایند. والسلام علیکم و رحمه اللّٰه و برکاته.

۲۸ تیر ماه ۱۳۶۴

روح اللّٰه الموسوی الخمینی

ص: ۱۵۸

پیام

زمان: ۲۵ مرداد ۱۳۶۴/ ۲۸ ذی القعده ۱۴۰۵

مکان: تهران، جماران

موضوع: پیام اخلاقی، سیاسی و عبادی به حجاج

مخاطب: زائران بیت اللَّه، مسلمین ایران و جهان

پیام اخلاقی، سیاسی و عبادی به حجاج

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

با سپاس فراوان از الطاف عالیه حضرت باری تعالی و ادعیه حضرت بقیهاللَّه- ارواحنا لمقدمه الفداء- در حالی ملت عظیم الشأن ایران به سر می برند و زائران بیت اللَّه الحرام به میعادگاه الهی می روند تا دعوت خداوند را، که با ندای حضرت ابراهیم، ابوالانبیا، و حضرت محمد مصطفی، خاتم الرسل- صلی اللَّه علیهما و علی آلهما- به آنان ابلاغ شده، اجابت نموده، لبیک گویان و پایکوبان به حضور دوست در آن مکان مقدس مشرّف شوند، گرچه همه جا محضر و حضور است. چه خورشید تابان اسلامِ بزرگ در شرق و غرب عالم نورافشانی می نماید، و ندای ابراهیمی و محمدی در گوشه و کنار گیتی طنین افکنده و جان و دل مسلمانان جهان را روح بخشیده، و فریاد وحدت بین طوایف مسلمین از هر فرقه و مستضعفان و مظلومان از هر ملت در سراسر جهان زلزله افکنده، و کاخ آمال ستمگران و جهانخواران در شرف انهدام و فرو ریختن است. گویی دولت مستضعفین نزدیک، و وعده حق تعالی قریب الوقوع است.

زائران بیت اللَّه و عاشقان لقاءاللَّه در سالی از خانه های «خود» و «خودی» به سوی خداوند و رسول گرامی او هجرت می کنند که کعبه معظمه برای پذیرایی مسلمانان عاشق حق و عدالت و فریادهای کوبنده آنان بر سر ابرظالمان دهر و ابرچپاولگران جهان

آغوش باز نموده و انتظار پذیرایی آنان را می کشد. و بیت اللّه الحرام و کعبه معظمه زائران عزیزی را در آغوش می کشد که حج را از انزوای سیاسی و انحراف اساسی به سوی حج ابراهیمی- محمدی سوق داده و حیات آن را تجدید می نمایند، و بتهای شرق و غرب را در هم می شکنند، و معنای قیام ناس و حقیقت برائت از مشرکان را عرضه می دارند. و دل میقات در هوای زائرانی می تپد که از کشور «لاشرقیه و لا غربیه «آمده اند تا با تلبیه (۱) و «لبیک، لبیک» دعوت خداوند را به سوی صراط مستقیم انسانیت اجابت کنند؛ و با پشت پا زدن بر مکتبهای شرقی و غربی و انحرافات ملیگرایی فرقه زدایی نموده، با همه ملتها، بدون در نظر گرفتن رنگ و ملیت و محیط و منطقه، برادر و برابر، غمخوار یکدیگر باشند و تحکیم وحدت کنند، و با یدِ واحده بر دشمنان بشریت و زورگویان جهانخوار بتازند. و جمرات انتظار فداکارانی را می کشد که از کشوری آمده اند که ملت شجاع آن شیاطین بزرگ و کوچک و متوسط را بیباکانه از کشور خود رانده اند و دست ناپاکشان را از ذخایر میهن خود قطع نموده؛ و در این مکان مقدس نیز با سنگریزه ها و شعارهای کوبنده گروه شیاطین را از «ام القری» (۲)

و «ما حَولَها» (۳)

، که جهان است، رمی و طرد کنند. و عرفات و مشعر و منا میهماندار کسانی هستند که ملت مسلمانشان با عرفان و شعور سیاسی قیام نموده اند تا آرمانها و امانی (۴) اسلام را در کشور خود و سایر کشورهای مظلوم تحت ستم تحقق بخشند؛ و سیاست بازان قلابی را، که با فریب و دغل بر مظلومان جهان تاخته و هستی همه را غارت نموده اند، رسوا کنند. و دیدیم و دیدیم که یک ملت کوچک در یک محیط محدود و جمعیت معدود با عزمی بزرگ و اراده ای قوی و مشتی آهنین، با اعتماد به خدای قادر متعال، چه سان رژیم طاغوتی را، با آنهمه ساز و برگ جنگی و آنهمه پشتیبانی قدرتهای بزرگ، از صحنه روزگار محو کرد و چه سان دست ابرقدرتها را از کشور خود کوتاه کرد. و می بینیم که با آن رسانه های گروهی وابسته به

۱- اجابت کردن، لبیک گفتن در جواب کسی و لبیک گفتن در حج.

۲- ام القرامادر سرزمینها): مکه معظمه.

۳- آنچه پیرامون آن است.

۴- آرزوها.

قـدرتهای شـیطانی، که بسـیاری از اوقـات خود را در شب و روز صـرف دروغ پردازی و تبلیغـات بی اسـاس و فتنه انگیزی می کننـد، چگونه برخورد نمود: برخوردی که این رسـانه هـا برای خود و اربابانشان رسوایی هـدیه آورده انـد؛ و همه تهمتهایشان موجب تقویت جمهوری اسـلامی گردید، و توجه هرچه بیشتر مظلومان و مستضعفان جهان را به جمهوری اسلامی جلب نمود. و می بینیم که تهمتهای تروریستی و تروریست پروری، که به خیال سردمداران کاخ سفید و ایادی آنان و دستگاههای تبلیغاتی وابسـته به ابرجنایتکاران برای تضعیف جمهوری اسلامی به طور چشمگیر و فزاینده ای در کار است، به خواست خداوند متعال نتیجه معکوس داده و موجب تضـعیف روحیه دشـمنان اسـلام و جمهوری اسـلامی و تقویت روحیه ملت ما، بویژه رزمندگان و سایر ملتهای مظلوم و مستضعف، گردیده است. ومَکَرُوا و مَکَرَاللَّه و اللَّه خَیرُ المَاکِرِینَ. (۱)

و از جمله، دفاع حق تعالی و معکوس کردن مکر کاخ سفید این است که تروریست پروری سردمداران کاخ سیاه امریکا بر سرِ زبانها، حتی روشنفکران امریکا، افتاده است. کاخ سیاه با اخراج رژیم عراق از لیست تروریستها به صورتی واضح ثابت کرد که تروریست پرور و طرفدار آن است. کاخ سفید میزان تروریست و ضد آن را مخالفت با جنایاتش در سراسر جهان، و موافقت با آن می داند. رژیم عراق تا مخالف بود، در لیست تروریست پرورها بود. و آن روز که سـر اطاعت به آسـتان کاخ سیاه نهاد، از لیست خارج شد! هر چند توطئه های تروریستی آن در منطقه، خصوصاً خلیج فارس، برملا شده باشد.

بحمـداللَّه والمنه، امروز ایران و سـایر ملتهای مسـلمان راه خود را یافته، و انبوه زائران بیت اللَّه الحرام از ایران و سایر کشورهای اسـلامی برای احیای مراسم عبادی- سیاسـی حج در حول مسجدالحرام، مرکز ثقل اسلام و مهبط (۲) ملائکه اللَّه و محل نزول وحی، گرد آمده اند تا به وظیفه الهی و قرآنی خود، که همانا اعلام و فریاد برائت از مشـرکان است، که رسول ختمی صلی الله علیه و آله به وسیله مولانا علی بن ابیطالب- سلام اللَّه علیه- در حج اکبر اجرا فرمود،

۱- بخشی از آیه ۵۴ سوره آل عمران: «مکر کردند و خدا مکر کرد، خدا بهترین مکرکنندگان است».

۲- محل فرود.

عمل خواهند کرد. و اگر ان شاءاللّٰه عموم زائران، از هر طایفه و مذهب که از سراسر جهان در آن مکان شریف مجتمع شده اند، ندای خداوند را اجابت کنند و با فریاد واحد ستمگران و ظالمان را محکوم نمایند، کاخهای ستم فروخواهد ریخت. اگر نمایندگان یک میلیارد مسلمان با اسم و رسم از متجاوزان به حقوق مظلومان و بلاد مسلمین برائت جویند و خواستار قطع ید ظالمین شوند، هیچ قدرتی تاب مقاومت با آنان را نخواهد داشت. اگر ملتهای اسلامی و دولتهای کشورهای اسلامی، با اینهمه امکانات انسانی و ذخایر مورد احتیاج حیاتی قدرتمندان، از روی قدرت با آنان برخورد کنند، و از جاروجنجال و هیاهوهای کاخ نشینان نترسند و تحت تأثیر تبلیغات دروغین رسانه های طرفدار و جیره خوار ابرجنایتکاران واقع نشوند، و با اتکال به قدرت لایزال ایزدی و به شکر نعمتهایی که به آنها داده است بر سر آنها فریاد کشند و آنان را تهدید به بستن مرزهای خود به روی آنان و قطع کمکهای خود از نفت و غیر آن نمایند، شکی نیست که آنها در مقابل این قدرت، که ما قدر آن را نمی دانیم، تسلیم خواهند شد.

هان! ای مسلمانان قدرتمند، به خود آیید و خود را بشناسید و به عالم بشناسانید؛ و اختلافات فرقه ای و منطقه ای را، که به دست قدرتهای جهانخوار و عمال فاسد آنها برای غارت شما و پایمال کردن شرف انسانی و اسلامی شما بار آمده، به حکم خدای تعالی و قرآن مجید به دور افکنید؛ و تفرقه افکنان، از قبیل آخوندهای جیره خوار و ملیگرایان بیخبر از اسلام و مصالح مسلمین را از خود برانید، که ضرر اینان بر اسلام از ضرر جهانخواران کمتر نیست. اینان اسلام را وارونه نشان می دهند، و راه را برای غارتگران باز می کنند. خداوند تعالی اسلام و ممالک مسلمین را از شرّ جهانخواران و پیوستگان و وابستگان به آنان نجات دهد.

اینک تذکراتی، هرچند گفته شده، داده می شود؛ امید است نافع واقع شود.

۱- به خواهران و برادران محترم کشورهای اسلامی قبل از هر چیز این نکته را باید عرض کنم که صورت حج، این عبادت بزرگ را که برای انجام آن مشرف می شوید به صورتی شایسته و موافق دستور الهی انجام دهید و مسائل آن را نزد علمای اعلام با دقت فرا گیرید. مبادا خدای ناخواسته پس از انجام حج و گذشت وقت معلوم شود که خللی در

آنها وارد شـده و موجب بطلان حج گردیده و زحمتهای شـما هدر رفته است. حضـرات آقایان علمای محترم کوشـش فرمایند که زائران محترم را به وظـایف خود آشـنا نماینـد، تـا صورت حـج مطابق شـرع مطهر انجام گیرد. و از مهمات در همه عبادات اخلاص در عمل است. که اگر خدای نخواسـته کسی عملی را برای خود نمایی و عرضه به دیگران انجام دهد و خوبی عملش را به رخ دیگری بکشـد، عمـل او باطل است. و حجاج محترم مواظب باشـند که رضای غیر خداونـد را در اعمال خود شـرکت ندهنـد. و جهـات معنوی حـج بسـیار است. و مهم آن است که حاج بدانـد که کجا می رود و دعوت کی را اجابت می کنـد و میهمـان کیست، و آداب این میهمانی چیست؛ و بدانـد هر خودخواهی و خودبینی با خـداخواهی مخالف است و با هجرت الی اللَّه مبـاین و موجب نقص معنویت حـج است. و اگر همین یک جهت عرفانی و معنوی برای انسان دست دهـد و لبیک براستی مقرون به نـدای حق تعـالی تحقق حقیقی یابـد، انسان در همه میـدانهای سیاسـی و اجتماعی و فرهنگی و حتی نظامی پیروز می شود. و برای چنین انسانی شـکست مفهومی نـدارد. خداوند تعالی شـمه ای از این سـیر معنوی و هجرت الهی را نصـیب همه ما فرمایید.

۲- شـما زائران عزیز از کشـوری به سـوی حـق می رویـد که در سـایه الطـاف خداونـد و برکت دعـای ولی اللَّه اعظم- روحی لمقدمه الفداء- سـختیها و دشواریها و ستمکشـیها را پشت سر گذاشته و بحمداللَّه تعالی در تمام میدانها پیروز شده اید. و هنوز اول کار است. شـما امروز از جهت فرهنگی بر فرهنگهای پوسـیده شـرق و غرب و فرهنگ منحط عصر شاهنشاهی، که جوانان عزیز ما را فوج فوج به فساد می کشـید و دانشـگاههای ما را در خـدمت غرب و احیاناً شـرق به پیش می برد، پشت پا زده ایـد. شما امروز فرهنگهایی را که ملت ما را یک ملت وابسـته مصـرفی و خـدمتگزار قدرتها بار آورده بود و فحشا و فساد و اعتیاد را گسترشـی روز افزون داده بود و از انسانیت و اخلاق می رفت کناره گیری کند در زیر پای خود خرد کرده، و شرافت انسانی و تقوا و شـهامت و شـجاعت و صبر و سـلحشوری و مروت و تعاون در برّ و تقوا و توجه به مصالح ملت و کشور را جایگزین آن نموده اید.

و شما امروز سرافراز برای پیشرفت فرهنگ الهی به پیش می روید؛ و از جهت

اجتماعی با صفوف فشرده خود، وحدت بین قشرهای مختلف را تحکیم نموده، و همه را به یک سو و یک جهت سوق داده، و تفرقه اندازان و گروهگرایان و خدمتگزاران چشم و گوش بسته به شرق و غرب را مطرود کرده و به انزوا کشیده اید؛ و اقشار مختلف را قشر واحد کرده و همه را در خدمت کشور و ملت و دین جاوید حق در آورده اید؛ و از جهت سیاسی ایران امروز را زبانزد همه کشورهای دوست و دشمن کرده اید. دوستان چشم خود را به نهضت اسلامی، که تجدید حیات اسلام را نموده، دوخته اند؛ برای وحدت اسلامی در زیر پرچم توحید، که ندای آن از این گوشه دنیا بلند و به سراسر جهان طنین افکنده است، به کوشش و جهاد برخاسته اند. و دشمنان از خوف این بارقه الهی، که می رود دست جنایت آنان را از بلاد و عباد خداوند کوتاه کند، به دست و پا افتاده اند. ولی قدرت اسلامْ آرام را از آنان گرفته، و از یکپارچگی ملتهای اسلامی و به دنبال آن مستضعفان جهان لرزه به اندامشان افتاده است. و دولتهای کوچک و بزرگ و شرق و غرب در هوای رابطه با ایران و جمهوری اسلامی در تلاشند. و همه این امور از عنایات خاص خداوند متعال و برکات اسلام بزرگ است. وَلَا حولَ و لا قُوّةَ إلّا بِاللَّه العَلی العظیم. و از نظر نظامی، با تأییدات خداوند قادر، امروز رژیم عراق مفلوک و شکست خورده و در شرف انهدام است؛ و آنهمه ساز و برگ جنگی شرق و غرب و تأییدات جهانخواران نتوانسته است این مزدور را نجات دهد؛ و ضربات کوبنده سپاهیان اسلام مجال تفکر را از آنان گرفته. و امید است، با عنایات الهی، بزودی این خار با خواری از سر راه مسلمانان و خصوصاً ملت شریف عراق برداشته شود؛ و ملت مسلمان عراق سرنوشت خود را به دست گرفته، و با سایر مسلمین با برادری و برابری به سر برند.

منظور اینجانب از این تذکرات به حجاج محترم آن است که توجه آنان را به وظایف خطیری که در این سفر بسیار مهم از طرف شرع مطهر و ملت شهیدداده ایران برعهده آنان گذاشته شده است جلب نمایم. شما امروز در این سفر در بوته امتحان قرار دارید، چون نمونه و الگویی از ملت ایران هستید. و باید بدانید که چشمان کنجکاو صدها هزار زائر، که از اطراف جهان حول مرکز وحی گرد آمده اند، با دقت حرکات و اعمال شما را تحت نظر دارند. دوستان شما، که زائرین بیت اللَّه هستند، با کمال اشتیاق

می خواهنـد ببیننـد این تحول عظیمی که در ملت ایران در ابعـاد مختلف، بویژه بُعـد اخلاـقی و معنوی، تحقق پیـدا کرده است، چگونه است و تا چه مقـدار است. و مخالفان شـما که برای وقایع نگاری و خبرچینی و نفاق افکنی خود را به آن مکان مقدس رسانده اند درصدد پیدا کردن نقاط ضعف هستند که از کاهی کوهی بسازند و غلغله ای در رسانه های گروهی و مطبوعات و مجالس سخنرانی به راه اندازند، و نه تنها جمهوری اسلامی، که اسلام را محکوم کنند. شما زائران محترم با آنچه گفته شد، بر سر دو راه هستیـد: راه سـعادت، که حفـظ آبروی جمهوری اسـلامی و اسـلام عزیز و ملت بزرگوار و رزمنـدگان عظیم الشأن و شهـدای پیوسـته به لقـاء اللّه هست؛ که در مراعات موازین اسـلامی و اخلاقی و مواظبت از اعمال و افعال و گفتار خود در همه مواقع و در تمام مشاعر حـج می باشـد؛ و نیز مراعات آداب اسـلامی- اخلاقی با همه بنـدگان خداست. و راه شـقاوت و مردود بودن از ساحت قـدس الهی، با عـدم مراعات آنچه ذکر شـد و آنچه با حیثیت جمهوری اسـلامی منافات دارد. از خداوند تعالی توفیق همه را در حفظ شئون اسلام و جمهوری اسلامی خواستارم.

۳- از جمله مطالبی که بایـد سـفارش کرد، هر چنـد سـفارش شده است، آن است که درراهپیماییها در عین حال که باید فریاد برائت از مشـرکان و سـتمکاران به طور کوبنده وبا شـرکت همگانی باشد- که صدای مظلومیت مسلمانان و ملتهای تحت سلطه ابرجنایتکاران را به گوش جهانیان برسانـد و خفتگان را بیدار و ساکنان در مقابل جباران را هشدار و ناهیان از معروف و آمران به منکر را که برخلاف فرمان خداونـد و دسـتور قرآن مجید و سـنت رسول اللّه صـلی الله علیه و آله به طرفداری از مشـرکان و خونخواران بین المللی جانفشانی و یقه درانی می کننـد، بویژه آخونـدهای درباریِ جیره خوار که با قلم و بیان خود نور خـدا و شعله ای که در جهان برای رهانـدن مظلومان از تحت سـتم سـتمگران افروخته شـده می خواهنـد خاموش نماینـد، به جای خود بنشاننـد- لاـزم است نظم و ترتیب و آداب اسـلامی را به طور شایسـته و دقیق مراعـات نماینـد؛ و از شـعارهای خودسـاخته، که ممکن است با القای منحرفان برای ایجاد اغتشاش و صدمه زدن به آبروی زائران شـرکت کننده از تمامی کشورهای اسـلامی و خصوصاً جمهوری اسلامی باشد، جداً خودداری کنند؛ و

از شعارهایی که متصدیان امور راهپیمایی با دستور مستقیم نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای کروبی- ایّده اللّه تعالی- مقرر می دارد پیروی نموده، و از آنها تجاوز نکنند؛ و از کسانی که احیاناً بر خلاف دستور می خواهند شعاری بدهند پیروی نکنند؛ و آنان را نصیحت کنند؛ و اگر اصرار ورزیدند، از خود برانند. و تنها راهپیماییهایی را که مقرر شده است انجام دهند، و راهپیمایی دیگری خودسرانه نکنند. و بدانند که اگر از تخلفات آنان و تجاوز از حدود تعیین شده لطمه ای به آبروی حجاج تمامی کشورها و یا جمهوری اسلامی بخورد، پیش خداوند تعالی مسئول هستند و مورد مؤاخذه خواهند شد. و باید بدانند که یکی از فلسفه های مهم اجتماع عظیم از سراسر جهان در این مقام مقدس و مهبط وحی، به هم پیوستن مسلمانان جهان و تحکیم وحدت بین پیروان پیامبر اسلام و پیروان قرآن کریم در مقابل طاغوتهای جهان است. و اگر خدای نخواسته از اعمال بعض زائران در این وحدت خللی واقع شود و تفرقه ای ایجاد گردد، موجب سخط (۱) رسول اللّه صلی الله علیه و آله و عذاب خداوند قادر خواهد شد. زائران محترم، که در جوار خانه خدا و محل رحمت او هستند، با همه بندگان خدا با رفق و مروت و اخوت اسلامی رفتار نمایند؛ و همه را، بدون در نظر گرفتن رنگ و زبان و منطقه و محیط، از خود بدانند؛ و همه با هم ید واحده و ملت واحد قرآنی باشند، تا بر دشمنان اسلام و انسانیت چیره شوند.

خداوند به همه توفیق سلامت در رفتار و گفتار بدهد.

۴- به حجاج محترم و زائران بیت اللّه الحرام، از هر کشور و هر طایفه و تابع هر مذهب هستند، متواضعانه عرض می کنم شما همه ملت اسلام و تابع پیامبر و پیرو دستورات قرآن مجید هستید؛ و همه، دشمنان غدار مشترک دارید، که با ایجاد اختلاف به واسطه عمال بدبخت خود و رسانه های گروهی و تبلیغات تفرقه افکن در طول تاریخ، بویژه در سده های اخیر و بالأخص در عصر حاضر، همه دولتها و ملتهای اسلامی را در اسارت کشیده اند، و ذخایر غنی بلاد شما و دسترنج مظلومان کشورهای شما را به غارت برده و می برند؛ و درصدد هستند که حکومتها را گوش و چشم بسته و دربست به خدمت

۱- قهر و ناخشنودی.

خود گمارند، و ملتها را به دست آنان مصرفی بار بیاورند و از رشد انسانی و ابتکار صنعتی کشورهای مظلوم با حیله ها و توطئه های شیطانی جلوگیری کنند، و وابستگی هرچه بیشتر و اتکا به غرب و شرق را روزافزون کنند، و مجال تفکر برای استقلال و ابتکار را به هیچ کس ندهند، و نفسهایی که برای بیداری ملتها آماده اند در سینه ها خفه کنند. و وضع نکبتباری که در کشورهای اسلامی و سایر کشورهای مظلوم مشاهده می کنید زاییده همین توطئه های دشمنان مشترک مسلمانان و مظلومان است. پس، اکنون که در مرکز اسلام حیاتبخش به امر خدا و ندای رسولش گرد آمده اید و از هر ملت و مذهب در این مکان عظیم اجتماع کرده اید، برای این درد مهلک و سرطان کشنده چاره اندیشی کنید. و باید بدانید که چاره اساسی در سایه وحدت همه مسلمین و اجتماع همگانی در قطع ید ابرقدرتها از کشورهای اسلامی است، و عملی کردن شعائر مواقف کریمه و مشاهد مشرفه در کشورهای خویش است. و قدم اول زدودن یأس از دلهاست که عمال خبیث آنان با کوشش غرب و شرق در جانهای مسلمین جایگزین کردند، و به آنها باورانده اند که بدون وابستگی به یک ابرقدرت نمی شود به زندگانی خود ادامه داد. و ملت و دولت ایران در این انقلاب عظیم ثابت نموده اند که این اعتقادی پوچ و بی اساس است. و با آنکه قدرتهای بزرگ به هر حیله و توطئه ای دست زدند تا آتش شعله ورِ سوزنده ای که در این کشور برای خاکستر کردن آمال شرق و غرب فروزنده شده به خاموشی کشند، موفق نشدند. و امروز ایران اسلامی، به برکت ایمان قوی و تعهد به اسلام و تحول عظیمی که در اقشار مختلفه حاصل شده است، دست شرق و غرب و انگلهای منحرف را از کشور خود کوتاه، و به هیچ قدرتی اجازه نمی دهد کوچکترین دخالتی در کشور اسلامی ایران نماید. و این خود حجت قاطعی است برای مسلمانان و مظلومان جهان که با خواست ملتها کسی نمی تواند دست تجاوز دراز کند و با آن مخالفت نماید. و ملتی که بین ذلت و شهادت، دومی را انتخاب نموده است شکست پذیر نیست. و ملتهای مظلوم جهان چاره ای جز این ندارند. و دولتهای ملتهای اسلامی نیز اگر با توده های محروم همگام و همراه شوند، از این پیوستگی و وابستگی ذلت بار- که هزار بار مرگ بهتر از آن است- نجات پیدا می کنند و با عزت و ارزشهای انسانی هم آغوش می شوند. از خداوند

تعالی مسئلت می نمایم که همه ما را به تکالیف الهیه و وظایف انسانیه آشنا فرماید. و باید تذکر دهم به دولتهای وابسته مرتجع که با این کنفرانسهای بی محتوا و اعلامیه های تو خالی و حمایتهای بی اساس، رژیم کافر و جنایتکار عراق را نمی توانند نجات دهند؛ و ممکن است خود به منجلابی که حزب بعث عفلقی در آن غرق شده است غرق شوند.

پس، صلاح دین و دنیای آنان این است که دست از این رفت و آمدها بردارند؛ و بیش از این، این مفلوک را به رسوایی و خذلان نکشند، و خود را به مهلکه دنیا و عذاب آخرت دچار نکنند.

۵- در خاتمه باید به یک امر حیاتی، که راهگشا برای رفع همه گرفتاریهای مسلمین و مستضعفین جهان است، اشاره کنم. و آن این است که کسانی که اندک تفکری در اوضاع کشورهای اسلامی بنمایند به وضوح خواهند دانست که آنچه دو ابرقدرت جهان و قدرتهای تابع این قدرتها با هم اتفاق دارند- و هیچ گاه از این اتفاق دست بردار نیستند- عقب نگه داشتن کشورهای جهان سوم، خصوصاً کشورهای پهناور و غنی اسلامی، در ابعاد فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نظامی است، و تحمیل جهات استعماری در تمامی امور مذکوره بر جهان سوم می باشد. و برای این مقصد، که در نظر آنان بسیار دارای اهمیت است، زحمتها متحمل شدند و وقتها و پولهای بسیاری صرف نموده اند و می نمایند. در سابق، سردمداران این توطئه ها بریتانیا و فرانسه بودند؛ و پس از آن، امریکا و شوروی. اینان برای مقاصد شوم خود کودتاها به راه انداختند و رژیمهایی را برچیده، و رژیمهای وابسته به خود را به روی کار آوردند. و بعید به نظر می رسد که این دو ابرقدرت درصدد براندازی رقیب باشند، چه که از آن مأیوسند. اختلاف بر سر تقسیم طعمه ها و کشورهای جهان سوم است و برای به دست آوردن سلطه استعماری نو. بهترین راه را در حمله به فرهنگهای ملتها دانسته و دانشگاهها را به خدمت گرفتند. و با به دست آوردن این مراکز، از رهاوردهای آنها مجلسهای فرمایشی ساخته و حکومتهای دلخواه به دست آوردند، و نظامها را سر تا قدم غربی یا شرقی کردند. و آنان که در این کشمکشها از همه بیشتر صدمه دیدند و رنج کشیدند کشورهای اسلامی بوده و هستند. چرا که اسلام دارای فرهنگ غنی انسان ساز است که ملتها را، بی گرایش به راست و چپ و بدون در

نظر گرفتن رنگ و زبان و منطقه، به پیش می برد و انسانها را در بعد اعتقادی و اخلاقی و عملی هدایت می کند، و از گهواره تا گور به تحصیل و جستجوی دانش سوق می دهد.

اسلام در بعد سیاسی، کشورها را در همه زمینه ها، بدون تشبث به دروغ و خدعه و توطئه های فریبنده، به اداره و تمشیت حکومت سالم هدایت می کند؛ و روابط را با کشورهای دیگری که به زیست مسالمت آمیز و خارج از ظلم و ستمکاری متعهد هستند محکم و برادرانه می کند. اقتصاد را به صورتی سالم و بدون وابستگی، به نفع همگان، در رفاه همه مردم، با اهمیت به مستمندان و ضعیفان، بارور می کند؛ و برای رشد بیشتر کشاورزی و صنعت و تجارت کوشش می نماید. و در بعد نظامی، به همه کسانی که صلاحیت دفاع از کشور را دارند برای مواقع اضطراری تعلیم نظامی می دهد؛ و در این مواقع بسیج عمومی اختیاری و احیاناً اجباری می کند؛ و در حال عادی برای دفاع از مرزها و تنظیم شهرها و ایمنی جاده ها و حفظ نظم و انتظام، نیروی مؤمن ورزیده تربیت می کند.

با آنچه گفته شد- که در این زمینه ها گفتنی بسیاری است- با توطئه های ابرقدرتها، نه تنها نگذاشتند فرهنگ اصیل اسلام رشد کند و پا بگیرد، که از طرف دانشگاههای غیرمهذب و فرنگ رفته های غیر متعهد و ملیگراهای متعصب شدیداً مورد هجوم قرار دادند. و از هجوم هم اینان بود که کشورهای اسلامی زخمهای اساسی برداشتند. و اگر امروز قشرهای مختلف ملتها، از علمای دینی تا گویندگان و نویسندگان و روشن بینان متعهد، قیام همه جانبه نکنند و با بیدار کردن توده های عظیم انسانی- اسلامی به دادِ کشورها و ملتهای تحت ستم نرسند، کشورهایشان بی شک به نابودی و وابستگی همه جانبی بیشتر و بیشتر خواهد کشید، و غارتگران ملحد شرقی و بدتر از آنان ملحد غربی ریشه حیات آنان را می مکند و شرافت و ارزشهای انسانی آنان را به باد فنا می سپارند.

اکنون بازارهای کشورهای اسلامی مراکز رقابت کالاهای غرب و شرق شده است، و سیل کالاهای تزئینی مبتذل و اسباب بازیها و اجناس مصرفی به سوی آنها سرازیر است. و همه ملتها را آنچنان مصرفی بار آورده اند که گمان می کنند بدون این اجناس

امریکایی و اروپایی و ژاپنی و دیگر کشورها زندگی نمی توان کرد. و مع الأسف مکه معظمه و جده و مشاهد مشرفه حجاز، مرکز وحی و مهبط جبرائیل و ملائکه اللَّه، که باید به حکم اسلام بتهای جنایتکار را در آنجا شکست و فریاد بر سر آنها زد و از آنها برائت جست، مملو از کالاهای بیگانگان و بازار برای دشمنان اسلام و پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله شده.

کثیری از حجاج بیت اللَّه الحرام که برای فریضه حج می روند و باید در آن مکان مقدس از توطئه بیگانگان به فریاد «یاللمسلمین» برخیزند، غافلانه در بازارها به جستجوی کالاهای امریکایی، اروپایی و ژاپنی پرسه می زنند، و دل صاحب شریعت را با این عمل، که با حیثیت حج و حجاج بازی می کند، به درد می آورند.

ای حجاج محترم خانه خدا به خود آیید! و ای مسلمانان در همه بلاد و اقطار عالم بپاخیزید! و ای علمای اعلام جهان اسلام به داد اسلام و بلاد مسلمین و مسلمانان برسید! و در هر گوشه و کنار، همچون ملت ایران و دولت آن و علما و بزرگان این سامان، دست رد به سینه ستمکاران غرب و شرق زنید، و عمال و کارشناسان دروغین و مستشاران نفتخوار آنان را از بلاد خود بیرون بریزید؛ و همچون سلحشوران ایران، شهادت را برذلت و شرف اسلام و انسانی را بر رفاه و عیش چند روزه توأم با خواری و شرمساری ترجیح داده، و در میدان نبرد سیاسی و نظامی بر آنان چیره شوید؛ و از هیاهوی تبلیغاتی آنان باک نداشته باشید که خداوند تعالی با شماست: إن تَنصُروا اللَّه یَنصُرْکمُ و یُثبِت أَقدامَکُم. (۱)

بارالها، بنده ناچیز تو از کشوری مظلوم با جمعیتی ناچیز از حیث عدد و همه چیز، و زنده به عنایات تو، ناله مظلومانه خود را، به مقدار ظرفیت ناچیز خود، به ملتهای مسلمان و مظلومان جهان رساندم، و فریاد «یاللمسلمین! به داد اسلام برسید» را ابلاغ نمودم. و تا الطاف و عنایات تو نباشد، هیچ گره ای باز نشود و هیچ دردی دوا نشود. تو خود با رحمت واسعه خود به مسلمین نظر فرما، و همه ما و آنان را از قید خود و خودیت و عبودیت بتها، خصوصاً بت نفس، نجات ده؛ و شرّ ستمکاران را از سر مظلومان جهان بویژه مسلمانان

۱- بخشی از آیه ۷ سوره محمد صلی الله علیه و آله: «اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد و گامهایتان را استوار خواهد نمود».

برکن؛ و مسلمانان را به خود آور؛ و دولتهای کشورهای اسلامی را جرأت و شجاعت عنایت فرما، که با داشتن آن مقدار عده و عُده و در دست داشتن شریان حیاتی غرب و شرق، تن به ذلت و اسارت اجانب ندهند، و با ملتهای خود هم صدا شوند. به امید پیروزی رزمندگان و مبارزان اسلام در سراسر گیتی بر کفر جهانی.

والسلام علی عباداللّه الصالحین.

روح اللّه الموسوی الخمینی

ص: ۱۷۱

سخنرانی

زمان: صبح ۵ شهریور ۱۳۶۴/ ۱۰ ذی الحجه ۱۴۰۵

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: مقایسه بین جمهوری اسلامی و رژیم پهلوی

مناسبت: عید سعید قربان

حضار: هاشمی رفسنجانی، اکبررئیس مجلس شورای اسلامی)- اعضای جامعه مدرسین و اساتید حوزه علمیه قم اساتید دانشگاههای سراسر کشور- مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی- اعضای شورایعالی انقلاب فرهنگی- روحانیون تهران- اعضای دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و سازمان تبلیغات اسلامی تهران- سفرای کشورهای اسلامی

مقایسه بین جمهوری اسلامی و رژیم پهلوی

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

تبلیغات رژیم سابق در ایجاد اختلاف بین اقشار

این عید سعیدی که دارای ابعاد مختلفه است؛ بُعد عرفانی، بُعد سیاسی، بُعد ایثار و ابعاد دیگر است، به همه مسلمین جهان و مستضعفان و آقایانی که در اینجا تشریف دارند، تبریک عرض می کنم. ما امروز یک مقایسه ای بکنیم بین سابق و حالا در بعضی جهات. این مقایسه از خود مجلس باید شروع بشود. این، از برکات این جمهوری است که در یک مجلس، مجتمع هستند کسانی که در دوره های سابق در یک همچو مجالسی امکان اجتماعشان نبود. همه هم توجه دارید به اینکه در سابق بین علمای اسلام، حوزه علمیه قم و علمای تهران با دانشگاهها هیچ وقت اجتماع اینطور نداشتند که در یک محیط با یک دل، با یک ایده، و همین طور سفرای ممالک دوست و اساتید دانشگاهها و ارکان دولتی، در یک اجتماعی هیچ وقت نبودند که باهم بنشینند و ببینند که ما محتاج به چه هستیم و باید چه بکنیم. دامن زده بودند به اختلاف در داخل کشور ما. تبلیغات به طوری بود که وحشت می کرد یک اهل علمی در محیط دانشگاه برود و حرفهایش را بزنند، و همین طور دانشگاهی در محیط علم بیاید و در محیط مدارس علمی بیاید و

مسائلش را بگوید، و همین طور اساتید دانشگاه، دولتیها، مجلسیها، هیچ یک از اینها باهم نمی نشستند که ببینند که کشور خودشان لااقل چه احتیاجاتی دارد و باید چه بکنند برای رفع آن احتیاجات. این، برای این بود که به طوری تبلیغات دامنه دار بود که سوءظن در همه ایجاد کرده بود، از هم وحشت می کردند، به هم سوءظن داشتند، باید بگوییم دشمنی داشتند باهم، ایجاد کرده بودند این را. از سفرای خارجی یکیشان در محضر علما، در جایی که علما جمع بودند، حاضر نمی شدند، حاضر نبودند که حاضر بشوند.

برای اینکه، اینها را اینطور معرفی کرده بودند که یک جمعیتی هستند که ارتجاعی و نمی دانم به عقب برگشته و عقب مانده و کهنه فکر کن! و از این مسائلی که دیدید که در دوره سابق، خصوصاً در این عهد اخیر القا شده بود معلوم می شود که کارشناسهای خارجی، کارشناسهای اروپا و امریکا توجه به این معنا داشتند که این قشرها اگر باهم باشند خطرناک اند؛ یعنی خطرناک برای آنها، و راست هم می گفتند. روی همین زمینه، خود آنها به دست اشخاصی که در داخل داشتند، به دست کارکنان خودشان، به دست اشخاصی که در محیط آنها تربیت شده بودند، به دست اینها کاری کرده بودند که کَاَنَّهُ امکان نداشت یک همچه اجتماعی.

اتحاد و همبستگی و عمل به تکالیف

امروز ما همه در تحت یک سقف کوچک جمع شدیم، و همه ما یک فکر داریم.

فکر جلوگیری از آن چیزهایی که سابق بود؛ فکر اینکه نبادا دوباره دانشگاههای ما به دست آن اشخاص بیفتد، فکر اینکه نبادا روحانیین ما گرفتار آن مسائل بشوند، و فکر اینکه نبادا کشور ما باز برگردد به یک حالی که همه دیدید چه خبر بود، چه مصیبتهایی در این کشور واقع می شد. ما امروز اینجا هستیم که ببینیم که چه بکنیم که یک وقت خدای نخواسته، مسئله برگردد، چه کنیم جلویش را بگیریم.

آن چیزی که می تواند جلوگیری کند، یک قدری تفکر در عید قربان و مسائل قربانگاهی حضرت ابراهیم است، ایثاری که او کرد و از خودگذشتگی ای که او کرد، تدبُّر در او و تدبُّر در مسائلی که در حج هست، مسائل حج و همه مسائل اسلام، به طوری بین

ابعاد مختلفه جمع کرده است؛ بین عرفان و تعبد، بین سیاست و عبادت، بین مسائل اجتماعی و سایر مسائل. این اساس را درست کردند برای اینکه ما از آن اساس چیزی بفهمیم. آنها که در آنجا هستند، تکالیفی دارند و ان شاءاللّه امیدوارم که به آن تکالیف عمل کنند و کردند. ما هم و آنها هم بعد از اینکه برگشتند، تکالیفی داریم که این تکالیف هم دنبال همان مطالعه عید قربان است و قربانگاهها. آنها باید سوغات بیاورند آن ایثار را، آن وحدت را، و ما هم باید این معنا را در بین ملت خودمان پخش کنیم. آقایان روحانیون در سرتاسر کشور و آقایان دانشگاهیها در سرتاسر کشور، اینها موظف اند، وظیفه دارند.

مقایسه بین حال و گذشته در تحول درونی ملت

ما بحمداللّه تاکنون بسیار قدمهای مؤثری برداشتیم، وقتی شما مقایسه یک قدری بکنید مابین دوره های سابق و حالا، می توانیم خوب بفهمیم که فرقها چیست. مثلًا شما بسیاریتان یا اکثرتان یادتان است که در قضیه رأی گیری برای انقلاب سفید به اصطلاح، با چه هیاهویی، با چه فشاری، با چه دغل بازیهایی بیش از این نتوانستند ادعا کنند که شش میلیون بودند، با اینکه مطمئن باشید نبودند! آن همه فشار و آن دولت جائر و آن همه تبلیغاتی که آنها داشتند، نتوانست عده ای را جمع کند که اینها ادعا کنند ده میلیون اند، نتوانستند دروغش را هم بگویند، مبالغه اش هم بکنند. شما در یک کشوری که تحت فشار است از همه اطراف، تحریمهای انتخاباتی از اطراف بر سرشان می بارد، تبلیغات همه جانبه بر سرشان می بارد، این مقدار اجتماعی که اینها کرده اند- که بیش از چهارده میلیون بود- اگر مقایسه بشود با هر کشور دیگری در عالم، معلوم می شود که فرق مابین اینجا و آنجا چیست و چه تحولی در ایران واقع شده است. این تحول یک تحول عجیب است که در یک رژیمی که همه قدرتها در دستش بود و همه فشارها در دستش بود، و مضایقه از هیچ فشاری هم نداشت، در ادعای کاذب خودش نتوانست ادعا کند که ما هشت میلیون داشتیم، شش میلیون! مبالغه اش و دروغش و همه بساط که روی هم ریخته شد، گفت شش میلیون! و آن وقت هم راجع به شش میلیون هیاهو می کردند که ای! شش میلیون رأی دادند، با اینکه دروغ می گفتند. شما بدون اینکه یک فشاری باشد که بیایید

حتماً شما رأی بدهید، وارد بشوید رأی بدهید و بدون تبلیغات قبلی، امسال اصلًا تبلیغاتی در کار نبود. این جمعیت که این طور اجتماع کرد که نظیرش به حسب مقایسه در دنیا نیست، این دلیل بر یک تحول بزرگی است که در کشور ما واقع شده. از اینجا بروید در جبهه ها.

وقتی که متفقین وارد شدند به کشور ما، با آن همه بساطی که اینها ادعایش را می کردند، به ادعای خودشان گفتند سه ساعت ما توانستیم مقابله کنیم، بعد هم وقتی که پرسیده بود ازشان آن مردکه نامرد، (۱) که چطور شد سه ساعت؟ گفتند ما این را مبالغه می کنیم، آنها از آن ور آمدند، ما از این ور رفتیم! با حالا مقایسه کنید که جوانهای ما، اقشار ملت ما ایستاده اند، و در مقابل همه قدرتها، همه هم دارند توطئه می کنند. همه دستشان را به هم دادند که رژیم سابق را نگه دارند، جوانهای ما به همش زدند. همه هم دست به هم دادند که در این جنگ پیروزی ایجاد کنند، هر روز هم دروغش را می گویند، لکن جوانهای ما ایستاده اند و جلو می روند. در طایفه نسوان شما ملاحظه کنید آن وقت چه خبر بود، حالا چه خبر است. زنهای ما حالا مکتبی شده اند. سرتاسر کشور ما جوری هستند که همان طور که آن جوانها در جبهه دارند خدمت می کنند، اینها پشت جبهه شان محکم است و دارند خدمت می کنند، علاوه بر اینکه مجالس درس دارند، مجالس قرائت دارند، مجالس تدریس دارند، حتی تدریس خارج، من شنیدم بعضی از زنها در جایی می گویند. خوب! این چه تحولی است؟ پیشتر چه بود؟ مسئله زن چه بود در ایران؟ انسان حیا می کند که بگوید. آن اسمش آزادی بود! این اسمش اختناق است! آن آزادی بود که هر چه دلشان می خواهد انجام بدهند، به هر نحوه ای باشد؛ و این اختناق است، برای اینکه زنها خودشان آزادند که خدمت کنند، آزادند که پشت جبهه باشند، آزادند که درس بخوانند، آزادند که چه بکنند، این اسمش اختناق است! آنها اختناق را می گویند؛ یعنی نمی گذارید که زنها به طوری عمل کنند که ملت را فلج کنند. یک قشر جوان، ملت را به واسطه آن بی بند و باری که داشتند، فلج می کردند؛ یعنی از کار

۱- رضاخان پهلوی.

می انداختند. هیچ کس دنبال این نبود که یک فعالیت چشمگیری بکند، یک فعالیت اجتماعی بکند. همه دنبال این بودند که صبح که پا می شدند که کجا بروند تفریح بکنند، کجا بروند فرض کنید چه بکنند. بازارتان را نگاه کنید! خیابانهاتان را نگاه کنید! حالا وقتی که می خواهند تکذیب کنند از ایران، می گویند که در آنجا محل تفریح پیدا نمی شود- آن تفریحی که آنها می خواهند، و الّا محل تفریح هست-، یا زنها حالا دیگر چادر سرشان است. آن وقت به طوری تبلیغ شده بود که زن جرئت نمی کرد که به این صورتی که باید درآید، درآید، مخفی درمی آمدند. آنهایی که می خواستند حفظ کنند خودشان را، یا از خانه در نمی آمدند، یا شبی، یک وقتی مخفیانه از این ور به جای دیگر می رفتند، و هکذا همه جهاتی که ما ملاحظه می کنیم.

آمیخته بودن عرفان اسلام با عبادات آن

این حج این چند سال- که امسال هم بحمداللّه بهتر بوده است- این باید در دنیا انعکاس پیدا بکند که حج این است. آن که ابراهیم خلیل اللّه و رسول خدا می خواستند این معنا بوده است. آنی که سوره برائت را می فرستد در آن جمع می خواند، برای همین بوده است که به ما بفهمانند که آنجا باید سوره برائت خواند. در عینی که آن وقت که زمان رسول خدا بوده است، این طور گرفتاری که الآن مسلمین دارند، این طور گرفتاری نداشتند، یک جور دیگری بود. در عین حال قرآن شریف و حدیث به ما تعلیم می کند که در حج باید این کارها را کرد. آمیخته است حج و همه عبادات اسلامی، آمیخته به همه ابعاد مختلفه است. و از معجزات انبیا و خصوصاً اسلام این است که عرفانش آمیخته است با عباداتش. اگر انسان، یک نفر آدم که اهل آن مسائل است همین نماز را- آن بُعد عرفانی نماز را- در اذکار و در کارهای دیگرش دنبالش برود، می بیند که چه دریای خروشانی است، معراج است، معراج مؤمن است؛ یعنی، تا آن مافوق عالم طبیعت و مافوق عالم وجود، انسان را می کشاند. گاهی در یک کلمه اش این طور است. یک جمله گاهی آن قدر بُعد معنوی دارد و بُعد عرفانی دارد که اگر تحقق پیدا کند برای یک انسان سالک، از همه حجابها می گذرد. و کانّه سوره حمد که در قرآن هست و اولین سوره است

و برای نماز قرار دادند و نماز بدون حمد، گفتند نماز نیست، همین سوره حمد تمام معارف درش هست. منتها آن کسی که نکته سنج باشد، باید درش تأمل کند، خوب، ما اهلش نیستیم. ما می گوییم که «الحمدللّه»؛ یعنی شایسته است. الحمدللّه ربِّ العالمین؛ (۱) یعنی شایسته است خدا که همه حمدها برای او باشد. اما قرآن این را نمی گوید، قرآن می گوید که اصلًا حمدی واقع نمی شود در جایی، الّا برای خدا. آن هم که بت پرست است حمد است، آن هم برای خداست، خودش نمی داند. اشکال، ندانستن و جهالت ماهاست. آن که می گوید که ایّاک نستعین؛ (۲) نه معنایش این است که ما همه استعانت از تو ان شاءاللّه می خواهیم و اینها، نخیر، بالفعل این طوری است که به غیر خدا، استعانت اصلًا نیست، اصلًا قدرت دیگری نیست. چه قدرت دیگری ما داریم غیر قدرت خدا؟ آن که تو داری غیر از قدرت خداست؟ نه این است که ما ان شاءاللّه عبادت می کنیم برای خدا، ان شاءاللّه استعانت می کنیم از خدا. اصلًا واقعیت این طوری است، واقعیت این است که عبادت به غیر خدا، مدح، اصلًا در دنیا به غیر خدا واقع نمی شود، هیچ مدحی. اینهایی که مدح می کنند از مثلًا شیاطین و سلاطین و امثال اینها، اینها نمی فهمند که اینها مدح خداست، اینها غفلت از این دارند، لکن مدح به کمال است، مدح برای نقصان نیست، مدح برای کمال است. و آنهایی که، هر کس از هر کس استعانت بکند، استعانت از خداست. این سوره، این را می گوید. و اگر برای اهلش- آنهایی که اهل مسائل هستند- همین یک سوره قرآن تحقق پیدا بکند، تمام مشکلات حل می شود؛ برای اینکه وقتی انسان دید که همه چیز از اوست، دیگر از هیچ قدرتی نمی ترسد. ما که از قدرتها می ترسیم برای این است که خیال می کنیم قدرت این است. وقتی انسان قدرت را قدرت او دانست، وقتی انسان همه چیز را از او دانست، این دیگر نمی تواند که از دیگری بترسد.

همه خوفهای ما از باب این است که نفهمیدیم که قدرت، یک قدرت است و آن قدرت هم برای نفع همه است. آن قدرت هم برای نفع همه افراد و جامعه و تمام بشر آن قدرت به کار گرفته شده، برای نفع اوست. ما اگر همین معنا را ادراک کنیم که هر چی هست از

۱- سوره فاتحه الکتاب، آیه ۲

۲- بخشی از آیه ۵ سوره فاتحه الکتاب: «تنها از تو مدد می جوییم».

اوست و هر چی هست برای نفع ماست و برای تربیت ماست، اگر همین معنا را واقعاً انسان ادراک کند و مشاهده کند و ذوب کند، این مسائل حل می شود.

لزوم آشنایی مردم با معارف الهی

ما باید مردم را با توحید آشنا کنیم، علمای اعلام باید مردم را با توحید آشنا کنند، بامعارف الهی آشنا کنند. «الغیرك مِنَ الظُهُور ما لَیسَ لَک» (۱)

؛ دعای عرفه حضرت سیدالشهدا- سلام اللّه علیه- «متی غِبْت حتی تحتاج الی» (۲)

چه. قرآن هم همین است، هر کدام یک زبانی دارد. قرآن نازل شده تا اینجا رسیده است و ادعیه ائمه ما علیهم السلام به حسب تعبیر بعض مشایخ، (۳) «قرآن صاعد» است و هر چه مسائل بخواهید، در ادعیه هست. زبان ادعیه با زبان عادی ای که احکام می خواهند بگویند دوتاست. زبان ادعیه با زبان فلسفه هم دوتاست، با زبان عرفان علمی هم دوتاست، یک زبان دیگری است مافوق اینها، منتها زبان فهم می خواهد، باید کسانی که آن زبان را می فهمند توجه کنند.

قرآن یک نعمتی است که همه ازش استفاده می کنند، اما استفاده ای که پیغمبر اکرم می کرده است از قرآن، غیر استفاده ای است که دیگران می کردند. انّما یعرف القرآن من خُوطِبَ به، (۴) دیگران نمی دانند، ماها یک ذره ای، یک چیزی، یک خیالاتی پیش خودمان داریم، آن که قرآن برش نازل شده می داند چیست، چه جور نازل شده، کیفیت نزول چیست، چه مقصد در این نزول است و محتوا چیست و غایت این کار چیست، او می داند. آنهایی هم که به تعلیم او تربیت شده اند، آنها هم برای خاطر تربیت او می دانند.

هنر انبیا این بوده است که مسائل را، مسائل دقیق عرفانی را با یک لفظی می گفتند که هر کسی یک جوری ازش، خودش می فهمیده، ولی واقعش مال آنهایی است که بالاتر از این افقشان است، و این هنر در قرآن از همه جا بالاتر است و در ادعیه هم هست.

۱- آیا برای غیر تو از ظهور و آشکاری چیزی هست که برای تو نباشد؟».

۲- «کی غایب شده ای تا نیاز به ظهور و آشکاری داشته باشی».

۳- مراد آقای میرزا محمدعلی شاه آبادی است.

۴- «کسی معرفت به قرآن دارد که مورد خطاب آن است». بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۲۳۷- ۲۳۸، ح ۶.

حفظ جهات معنوی در حوزه و دانشگاه

ما، روحانیون، دانشگاهیها اگر واقعاً علاقه دارند به اینکه این کشور محفوظ بماند، خصوصاً دانشگاهیها، اساتید دانشگاه، اگر واقعاً علاقه مندند که این کشور دوباره برنگردد به اوضاع سابق، باید مواظب باشند، دانشگاهیها، اساتید مواظب خودشان باشند در تربیت و مواظب بچه ها و جوانها باشند در کارهایی که می کنند. باید نگه دارند دانشگاه را به یک صورتی که، به یک واقعیتی که آن واقعیت همین تحولی است که در ایران پیدا شده است. دانشگاه باید متحول باشد و البته شده است، لکن بیشتر مواظبت می خواهد. علمای بلاد هم هر جا هستند و خصوصاً در حوزه های علمیه باید همه جهاتی که اهل علم را، آنهایی که تازه آمدند و مشغول درس خواندن هستند، آنها را به خدای تبارک و تعالی نزدیک می کند و علاقه مند می کند، همه آن جهات را باید حوزه ها داشته باشند. حوزه ها باید درس اخلاق داشته باشند، نه یکی، نه دوتا، ده تا، بیست تا، درس اخلاق داشته باشند. اگر بخواهید که آینده کشور شما یک آینده نورانی باشد، تربیت کنید اینهایی که وارد در حوزه ها هستند، یا در آنجایی که درس می گویید وارد می شوند، تربیتشان کنید به یک تربیتی که از این عالم هجرت کنند، توجه به ماورای اینجا بکنند، روحانی باشند؛ یعنی روح باشند، یعنی توجه به ماورای طبیعت داشته باشند. از اول قدمها که برداشته می شود، برای آن طرف برداشته بشود، وقتی این طور شد، اینجا هم درست می شود. آن کسی که جهات معنوی خودش را تقویت کرد، آن کس در جهات طبیعی هم قوی می شود. مَثَل، مَثَلِ انبیاست و اولیا، با همه آن معنویات، با همه آن معارف الهیه، کشورداری هم می کردند، حکومت هم تأسیس می کردند، حدود را هم جاری می کردند، کسانی هم که مضر به جامعه بودند از دم شمشیر می گذراندند، در عین حالی که در آن پایه از معارف بودند.

کشوری سالم در پرتو تربیت صحیح

اگر مردم را تربیت کنید به یک تربیتی سالم، و دعوت کنید به اینکه با خدا آشنا بشوند، با معارف الهی آشنا بشوند، با قرآن آشنا بشوند، اگر این طور شد، کشور شما سالم

می ماند و به سایر جاها هم سرایت می کند؛ قهری است این. الآن هم ملاحظه می کنید که این مقداری که الآن در دنیا سر و صدا بلند است، منتها یک دسته سر و صدا می کنند برای بازی دادن مردم و اظهار اسلام می کنند، اظهار اینکه باید قوانین اسلامی بشود بکنند، یک دسته هم واقعاً مسلمان و دنبال اینکه اسلام باید باشد، این برای همین موجی است که از اینجا بلند شده است و شما ملت اسلام این موج را راه انداختید.

و امیدوار باشید به اینکه خدا با شماست. و شما مادامی که قدر بدانید از نعمت الهی، نعمتهایی که خدا به شما داده است؛ این نعمت وحدتی که به شما داده است، این نعمت انقلابی که به شما داده است، این جوانهایی که به شما داده است، انقلابی که در جبهه ها، الآن هم مشغول به خدمت هستند، این اساتیدی که به شما داده است، همه اینها قدردانی می خواهد. ما باید همه را قدر بدانیم و از همه تشکر کنیم. و من از ملت ایران در همه مواردی که دارند عمل می کنند و در صحنه هستند، تشکر می کنم و به همه دعا می کنم.

خداوند همه ملتهای اسلامی را حفظ کند. و به وظایف خودشان آشنا کند، و ما را هم به وظایف خودمان آشنا کند که در این چند روزی که داریم آن طرف می رویم، لااقل توجه به آنجا باشد، اخلاد الی الارض (۱)

نباشد.

والسلام علیکم و رحمهاللّه

۱- اشاره است به آیه ۱۷۶ سوره اعراف.

ص: ۱۸۰

حکم

زمان: ۷ مهر ۱۳۶۴/ ۱۳ محرّم ۱۴۰۶

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب سرپرست حجاج

مخاطب: کروبی، مهدی

انتصاب سرپرست حجاج

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام حاج شیخ مهدی کروبی- دامت افاضاته

با تشکر از حجاج عزیزی که در تمامی صحنه ها حاضر بودند و با تشکر از عملکرد خوب و زحمات شما و سایر برادران دست اندرکار امر حج در داخل و خارج، جنابعالی را به عنوان نماینده خویش و سرپرست حجاج در سالهای آینده منصوب می نمایم، تا به تمام برنامه هایی که در احکام سالهای گذشته ذکر گردیده بود عمل نمایید. بدیهی است که تمام مسئولین با شما همکاریهای لازم را خواهند داشت. ان شاءاللَّه موفق و مؤید باشید.

والسلام.

۷/ ۷/ ۶۴

روح اللَّه الموسوی الخمینی

ص: ۱۸۱

پیام

زمان: ۱۶ مرداد ۱۳۶۵/ ۱ ذی الحجه ۱۴۰۶

مکان: تهران، جماران

موضوع: مهجوریت حج ابراهیمی- برائت از مشرکان در کنگره عظیم حج

مخاطب: ملت مسلمان ایران و جهان و زائران بیت اللَّه الحرام

مهجوریت حج ابراهیمی ...

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

وَ اذانٌ مِنَ اللَّه وَ رَسُولِهِ الَی النّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الأَکبَرِ انَّ اللَّه بَری ءٌ مِنَ الْمُشْرِکینَ وَرَسُولُهُ. (۱) صدق اللَّه العلی العظیم

ستایش و نیایش مخصوص ذات مقدسی است که با عنایات خاص خود و فروفرستادن وحی بر انبیای عظام، از آدم صفی اللَّه تا محمد حبیب اللَّه- علیهم صلوات اللَّه و سلم- راه و روش چگونه زیستن و برای چه آفریده شدن و مقصد آفرینش را بر جامعه بشری آموخت. و درود بی پایان بر پیامبران اولوالعزم چون ابراهیم بت شکن و موسای طاغوت برانداز و عیسای مسیح که اگر فرصت یافته بود همانند آنان بود، و محمد شکننده تمامی بتها و برائت جوینده از تمامی مشرکان و ستمکاران. و سلام جاویدان بر ائمه مسلمین، این راهگشایان پیکارگری علیه ستمکاران مسلمان نما و جباران غاصب حقوق اللَّه و حقوق الناس و کج فهمان داغ بر پیشانی. و سلام بر آن ابراهیم خلیل اللَّه که یک تنه بر بتها و بت پرستها یورش برد و از تنهایی و آتش نهراسید، و آن موسای کلیم اللَّه که با عصای چوپانی بر فرعونیان خروش کشید و از بی کسی باک نداشت. و سلام و درود

۱- بخشی از آیه ۳ سوره توبه: «اعلانی است از خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزار است».

بر محمـد حبیب اللَّه که به تنهایی قیام کرد و تا آخرین ساعات زنـدگانی با کفار ظلم پیشه به جنگ برخاست و از کمی عِده و عُده نناليد. و سـلام بر مسـلمانان صدر اسلام که با اندک تدارکات جنگی به سلاطین جور روم و ایران تاختند و از کمی یاران به خود ترس راه ندادند. و درود بی پایان بر علی بن ابیطالب که با دژخیمان به صورت مسـلمان و مقدس نماهای بدتر از کفار جنگید و از هیچ قدرتی نهراسید. و سلام بر حسین بن علی که با یاران معدود خویش برای برچیدن بساط ظلم غاصبان خلافت بپا خاست و از ناچیز بودن عِـده و عُـده به خود خیال سازش با سـتمگر را راه نداد و کربلا را قتلگاه خود و فرزندان و اصـحاب معدودش قرار داد و فریاد «هیهات منّاالذِّلَّهُ (۱)

» اش را به گوش حق طلبـان رسانـد که در نظر دنیاگرایان و ملت پرسـتان، آنچه از این اولیای معظم الهی صادر شـده برخلاف عقل و شـرع است. قیام بدون تجهیزات کافی را عقل آنان نمی پسندد و شرع آنان اجازه نمی دهد. و نیز به عقیده آنان حرکت از کشـوری به کشـوری دیگر که دارای حکومت و تشـکیلاتی می باشـد، مخـالف بـا عقـل و ملیت بوده و بالاـخره مخـالف با موازین شـرعی و الهی است و همچنین صـلح بـا نمرودیـان و فرعونیـان و ملحـدان و سـتمگران و سـازش بـا ظالمـان به صورت مسـلمان و با زهدفروشان داغ بر پیشانی، طریق صواب و عقل و شـرع بوده و هست. و با این انگیزه، تسـلیم و سازش با امریکای جهانخوار و وابستگان به او لزوم عقلی و شرعی دارد و تخلف از آن مخالف شرع و عقل است. و دفاع از ملت مظلوم عراق که زیر چکمه دژخیمان به جان آمده اند و فوج فوج علمای عظام و ابرار بی پناه آنان به شـهادت می رسند و زنان وکودکان آنان زیر لگـدهای سـتمگران می سوزنـد و می میرند و فریاد «یا لَلمسـلمین» می کشـند، بر خلاف عقل و شـرع می باشد! این انگیزه ملیگرایی و خلود در ارض (۲) است که مصالح مسـلمانان را فراموش کرده و دفاع از مصالح مسـلمین را در حصار ملت خاص قرار داده و قلم سـرخ بر قرآن کریم و احـادیث رسـول اللَّه صـلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السـلام و سیره مسـتمره انبیای عظام و اولیای معظم علیه السلام در طول تاریخ کشیده است.

۱- «ما را هرگز ذلت و خواری مباد»؛ شعار معروف امام حسین علیه السلام که در جواب درخواست برای بیعت بایزید فرمود.

۲- اندیشه باطل جاودانه در زمین زیستن.

ملت غیور متعهد ایران در آن روزهای سخت مصیبت بار که دشمن جنایتکار از زمین و هوا و دریا غافلگیرانه به کشورشان حمله کرد و قسمت عظیمی از آن را متصرف شد و جنایتکاران داخل و قدرتهای بزرگ خارج و عمالشان در سطح کشور به خرابکاری و قتل و غارت دست زدند، با ارتش از هم پاشیده و قوای مسلح ناچیز آرایش ندیده فقط با اتکال به خدای متعال و نیروی ایمان دشمن را با شکست و زبونی از کشور عزیز خود بیرون راند و هیچگاه ضعف و سستی و زبونی به خود راه نداد و از شهادت استقبال نمود و به سازش و صلح با افعی زخم خورده تن در نداد و جز معدودی ضعیف القلب یا خیانتکار و دنیاطلب و راحتخواه که به اسلام و مصالح مسلمین اعتنایی نداشتند و ندارند، با ضعف و دلهره از صلح و صفا دم می زدند و می زنند و تعمد داشته و یا نمی دانستند که صلح با این جنایتکاران در هر موقع باعث بر باد دادن حیثیت اسلام و کشور اسلامی بوده و نیز موجب گرفتاری همیشگی میهن عزیزمان در چنگال ابرقدرتهاست.

اکنون که با عنایات خداوند تعالی و توجه بقیهاللّه- روحی فداه- نظام جمهوری اسلامی ما از هر جهت در موضع قدرت قرار گرفته است و ارتش نیرومند و سپاه عظیمِ مؤمنِ سلحشور و قوای مسلح قدرتمند و ملت حاضر در صحنه دارد و پشت دشمن را در ابعاد مختلف شکسته است، برایمان سازش و صلح تحمیلی بدتر از جنگ چه معنی دارد؟

چه کسی است که نمی داند صلح طلبی دشمن برای مجهز شدن بیشتر و غافلگیری ای است، که جمهوری اسلامی باید برای احتراز از آن در طول بیش از هزار کیلومتر قوای مجهز آماده داشته باشد؟ و کیست که نداند صلح با این حزب به رسمیت و شرعیت شناختن حکومت بعث است که با قتل و جنایت بر یک کشور اسلامی حکومت می کند؟

و کیست که نداند این امر از بزرگترین گناهان است و از واضحترین خیانتها به مسلمین است؟ ملت عزیز ما با تعهدی که به اسلام دارند، جنگ را تا سر حد شهادت و لقاءاللّه که از بزرگترین آمال اولیای خدا و ارباب معرفت است ادامه می دهند، گرچه آن را بیخبران نابودی انگارند و مادیگرایان لقاءاللّه را نابودی لقب می دهند.

اکنون که حجاج بیت اللّه الحرام از خانه تن و دنیا مهاجرت الی اللّه و رسوله، که خانه

دل است، می کننـد و همه چیز جز محبوب حقیقی در ورای آنان است بلکه چیزی جز او نیست که درون و برون داشـته باشد، بایـد بداننـد که «حج ابراهیمی محمدی» صـلی الله علیه و آله سالهاست غریب و مهجور است، هم از جهات معنوی و عرفانی و هم از جهات سیاسی و اجتماعی.

و حجاج عزیز تمامی کشورهای اسلامی باید بیت خدا را در همه ابعادش از این غربت درآورند، اسرار عرفانی و معنوی اش به عهـده عرفای غیر محجوب. و ما اینک با بعد سیاسـی و اجتماعی آن سـر و کار داریم که باید گفت فرسـنگها از آن دوریم. ما مأمور به جبران مافات هستیم. این کنگره سـراپا سیاست که به دعوت ابراهیم و محمد- صلی اللّٰه علیهما و آلهما- بر پا می شود و از هر گوشه دنیا و از هر فَجٍّ (۱) عمیق در آن اجتمـاع می کننـد، برای منافع «ناس» است و قیام به قسط است (۲) و در ادامه بت شکنیهای ابراهیم و محمد است و طاغوت شکنیها و فرعون زدودنهای موسی است. و کدام بت به پایه شیطان بزرگ و بتها و طاغوتهای جهانخوار می رسـد که همه مستضـعفان جهان را به سـجده خود و سـتایش خویش فرا خوانند و همه بندگان آزاد خدای تعالی را بنده فرمانبردار خویش دانند؟

در فریضه حـج که لبیـک به حـق است و هجرت به سـوی حق تعـالی به برکت ابراهیم و محمـد است، مقـام «نه» بر همه بتهـا و طاغوتهاست و شـیطانها و شـیطان زاده هاست. و کدام بت از شیطان بزرگ امریکای جهانخوار و شوروی ملحد متجاوز بزرگتر و کدام طاغوت و طاغوتچه از طاغوتهای زمان ما بالاترند؟

در لبیک لبیک، «نه» بر همه بتها گویید و فریاد «لا» بر همه طاغوتها و طاغوتچه ها کشـید و در طواف حرم خدا که نشانه عشـق به حق است، دل را از دیگران تهی کنیـد و جـان را از خوف غیر حق پـاک سازیـد و به موازات عشق به حق از بتهای بزرگ و کوچک و طاغوتها و وابسـتگانشان برائت جویید که خدای تعالی و دوسـتان او از آنان برائت جسـتند و همه آزادگان جهان از آنان بری هستند.

و در لمس «حَجَرالاسود» بیعت با خدا بندید، که با دشمنان او و رسولانش و

۱- در لغت به معنای راه گشاده میان دو کوه، و در متن کنایه از دورترین نقاط.

۲- اشاره به آیه ۲۵ سوره حدید.

صالحان و آزادگان دشـمن باشـید و به اطاعت و بندگی آنان، هر که باشد و هر جا باشد، سر ننهید و خوف و زبونی را از دل بزدایید که دشـمنان خدا و در رأس آنان شـیطان بزرگ زبونند، هر چند در ابزار آدمکشی و سرکوبی و جنایتشان برتری داشته باشند.

و در سـعی بین صـفا و مروه، با صدق و صفا سعی دریافتن محبوب کنید که با یافتن او همه یافتهای دنیاوی گسسته شود و همه شکها و تردیدها فرو ریزد و همه خوف و رجاهای حیوانی زایل شود و همه دلبسـتگیهای مادی گسسته شود و آزادگیها شکفته گردد و قید و بند شیطان و طاغوت که بندگان خدا را به اسارت و اطاعت کشند، در هم ریزد.

و با حال شـعور و عرفان به مشعرالحرام و عرفات روید و در هر موقف به اطمینان قلب بر وعده های حق و حکومت مستضعفان بیفزایید و با سـکوت و سکون تفکر در آیات حق کنید و به فکر نجات محرومان و مستضعفان از چنگال استکبار جهانی باشید و راههای نجات را از حق، در آن مواقف کریمه طلب کنید.

پس به منا روید و آرزوهای حقانی را در آنجا دریابید که آن قربانی نمودن محبوبترین چیز خویش در راه محبوب مطلق است. و بدانیـد تـا از این محبوبها که بالاترینش حب نفس است و حب دنیا تابع آن است، نگذریـد به محبوب مطلق نرسـید و در این حال است که شـیطان را رجم کنید و شـیطان از شما بگریزد. و رجم (۱) شـیطان را در موارد مختلف با دستورهای الهی تکرار کنید که شـیطان و شـیطان زادگان همه گریزان شوند. و شـرط همه مناسک و مواقف برای رسـیدن به آرزوهای فطری و آمال انسانی، اجتماع همه مسـلمانان در این مراحل و مواقف و وحدت کلمه تمامی طوایف مسلمین است بدون اعتنا به زبان و رنگ و قبیله و طایفه و مرز و بوم و عصبیتهای جاهلی، و هماهنگ خروشـیدن بر دشـمن مشترک است که دشمن اسلام عزیز است و در این عصـر از آن سـیلی خورده است و آن را مانع غارتگریهای خود می داند و با تفرقه افکنی و نفاق پراکنی می خواهد این مانع ملموس را از سر راه خود بردارد. و عمال مزدور آنان که

۱- سنگباران؛ رمی جمرات ثلاثهسنگ افکندن به ستونهای سه گانه) یکی از اعمال حاجیان در «منا» است.

در رأس آنها آخوندهای حسود دنیاگرای درباری اند و در هر جا و هر وقت خصوصاً در ایام حج و مراسم الهی آن، مأمور اجرای این مقاصد شوم می باشند. مسلمانان در مواقف و مراسم این عبادت که یکی از مقاصد بزرگ آن، اجتماع مسلمین از تمام بقاع زمین برای منافع مستضعفان جهان است، و کدام نفع بالاتر از کوتاه کردن دست جهانخواران از ممالک اسلامی است، لازم است با هوشیاری مراقب اعمال ضد اسلامی و قرآنی این عمال خبیث و آخوندهای نفاق افکن باشند و آنان را که با نصیحت به اسلام و منافع مسلمین وقعی نخواهند گذاشت، از خود برانند که اینان از طاغوتیان شیطانتر و پستترند.

اینک اینجانب به تذکراتی که لازم می دانم، حسب معمول می پردازم و از خداوند توفیق همگان را برای خدمت به اسلام می خواهم:

۱- به زائران بیت اللّه الحرام- ایّدهم اللّه تعالی- عرض می کنم که اعمال و مناسک را به طور دقیق از روحانیون محترم که در کاروانها هستند فراگیرید و به هیچ عملی بدون راهنمایی آنان دست نزنید، چه بسا باشد که خدای نخواسته با سهل انگاری، عملتان باطل شود و جبران را تا آخر نتوانید بکنید و یا به احرام باقی بمانید و در برگشت موجبات زحمت خود و نزدیکان خویش شوید و این یک تکلیف شرعی است که از آن غفلت نباید کرد. و به روحانیون محترم عرض می کنم که علاوه بر آنکه مسائل را به طور وضوح که همه کس بفهمد در جلسات متعدد به گروه خود یاد دهید، در وقت اعمال آنان نیز مواظب آنها باشید و آنها را هدایت فرمایید.

۲- به زائران محترم تذکر می دهم که در این مواقف معظمه و در طول سفر به مکه مکرمه و مدینه منوره، از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تِبیان کُلِّ شَی ءٍ (۱)

است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است، غفلت

۱- اشارت است به آیه ۸۹ سوره نحل.

نفرمایند. این کتاب آسمانی- الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع مَنْ خُوطِبَ بِهِ (۱)

از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی صلی الله علیه و آله بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان با بررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم (۲) از «ادَّبَنی رَبّی» (۳)

دریافت فرموده، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مؤدب به آداب اللّٰه تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هُدیً لِلْمُتَقین (۴)

هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت اللّٰه به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم

۱- اشارت است به حدیث شریف: «انَّما یعرف القرآنَ مَن خوطِبَ بِه» همانا کسی قرآن را عارف است که مورد خطاب آن قرار گرفته است؛ یعنی ذات مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله.

۲- وجود با برکت نبی خاتم صلی الله علیه و آله که قلب عالم امکان است.

۳- «پروردگارم مرا تربیت کرد».

۴- بخشی از آیه ۲ سوره بقره.

شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و رؤسای جمهور و اهل دنیاست. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشأن آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شرّ جاهلان مُتنسِّک و عالمان متهتک (۱) که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته و می تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جِد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به باد رفته خود در راه اشتباه و جهالت تأسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را مَحطّ نظر (۲) و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تأسف بر ایام جوانی بخورید همچون نویسنده.

۳- باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، (۳) تا قیام ساعت نازل گردیده است، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست. و گمان نشود قصد ابراهیم و موسی و محمد- علیهم و علی آلهم السلام- مخصوص به زمان خاصی است. فریاد برائت از مشرکان مخصوص به زمان خاص نیست، این دستور است و جاوید، در صورتی که مشرکان حجاز منقرض شده اند. و «قیام ناس» (۴) مختص به زمانی نیست و دستور هر زمان و مکان

۱- جاهلان زاهدنما و عالمان پرده درو بی تقوا).

۲- مورد توجه؛ منظورنظر.

۳- اقلیم؛ ناحیه.

۴- اشارت است به آیه ۹۷ سوره مائده: «جعل اللّٰه الکعبه البیت الحرام قیاماً لِلناس».

است و در هر سال در این مجمع عمومی بشری از جمله عبادات مهم است الی الابد. و همین است نکته سفارش اکید ائمه مسلمین علیهم السلام بر اقامه عزای سید مظلومان تا آخر ابد و فریاد مظلومیت آل بیت رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله ظالمیت بنی امیه- علیهم لعنهاللّٰه- با آنکه بنی امیه منقرض شده اند، فریاد مظلوم بر سر ظالم است. و این پرخاش و فریاد باید زنده بماند و برکاتش امروز در ایران در جنگ با یزیدیان واضح و ملموس است. و لازم است حجاج بیت اللّٰه الحرام در این مجمع عمومی و سیل خروشان انسانی فریاد برائت از ظالمان و ستمکاران را هر چه رساتر برآورند و دست برادری را هر چه بیشتر بفشارند و مصالح عالیه اسلام و مسلمین مظلوم را فدای فرقه گرایی و ملیگرایی نکنند و برادران مسْلم خود را هر چه بیشتر متوجه به توحید کلمه و ترک عصبیتهای جاهلی که جز به نفع جهانخواران و وابستگان آنان تمام نمی شود بنمایند، که این خود نصرت خداوند تعالی است و وعده حق تعالی به امید واثق شامل حالشان می شود. و اگر خدای نخواسته از عمال جهانخواران که در رأس آنان آخوندهای جیره خوار تفرقه افکن واقعند پیروی کنند، به معصیت بزرگی دست زده اند و مشمول غضب قادر جبار خواهند شد و در قید و بند ابرقدرتها باقی خواهند ماند و باید به خداوند از آن پناه برد.

۴- از زائران محترم کشور ایران تقاضا دارم که توجه کنند از چه کشوری می روند و به سوی کی رو آورده اند. از کشوری می روند که برای اسلام عزیز و اجرای احکام نورانی آن به جای احکام طاغوت بپاخاسته و زن و مرد و پیر و جوان هر چه داشته اند فدا کردند. جوانان عزیز متعهدی که هر یک از آنها ارزشهای الهی ای دارند که ما از درک آن عاجزیم، شهید شده اند و معلول گردیده اند و به اسارت درآمده اند و ملتی که مشتاقانه در راه خدا از جان و جوان و مال و منال خود گذشته اند و داغ عزیزان خود را به جان خریده اند. و به سوی کشوری می روند که خانه خداوند تعالی و کعبه آمال انبیای عظام و اولیای کرام و مَحطّ (۱) وحی و مَهبط (۲) جبرئیل امین و ملائکهاللّٰه است. به سوی خدا

۱- محل نزول.

۲- محل فرود و هبوط.

می روند تا هر حرکت و سکونشان الهی باشد و به سوی قربانگاه اسماعیل عزیز می روند که دستور گذشتن از هر چیز را در راه او به ما داد، و به سوی مدینه محمد صلی الله علیه و آله می روند تا محمدی شوند و چگونه زیستن و چگونه مجاهدت کردن و چگونه رفتن به سوی معشوق را بیاموزند. رفته اند به سوی قبر رسول عظیم الشأن و قبور اولیای عظیم المنزله ای که لحظه ای به دنیا و زخارف آن توجه نکرده اند و بجز به خدا و اوامر او نیندیشیده اند و به جز رضای او قدم بر نداشته اند، پس آگاه باشید که از کجا به کجا می روید. پس تکلیف شما جداً زیاد است و حرکات و اعمال شما علاوه بر آنکه در محضر حق تعالی و حضور اوست و در مراقبت اولیاءاللَّه و ملائکهاللَّه است، در پیش چشمان هزاران زائری است که از کشورهای اسلامی و از سراسر جهان به آنجا آمده اند و چه بسا تحت تأثیر تبلیغات دامنه دار رسانه های گروهی دشمنان اسلام و ایران قرار گرفته اند که از هر صبح تا شام بسیاری از وقت خود را صرف دروغ پردازی درباره اسلام و ملت ایران و دست اندرکاران خدمتگزار این کشور مظلوم کرده و می کنند و مردم بپاخاسته این مرز و بوم را به غیر از آنچه هستند معرفی می کنند، که شاید به واسطه این تبلیغات بسیاری از مردم مسلمان جهان یا باور نموده یا در ابهام به سر برند.

و نیز از ملت عزیزمان، معلولین و شهیدان زنده و بازماندگان و وابستگان به آنان که در کاروانها کم نیستند، مراقب اعمال شما هستند و اینک شمایید و این بار سنگین امانت الهی و تکلیف اسلامی و وجدان و فطرت خود، یا ان شاءاللَّه تعالی به پاس خون شهیدان و به پاس آبروی اسلام و ملت مظلوم عزیزتان با سرافرازی منادی حق و مبلّغ عملی و قولی اسلام و جمهوری اسلامی می شوید و علاوه بر ثواب عظیم زیارت بیت اللَّه و قبور اولیای خدا بویژه رسول اکرم صلی الله علیه و آله مورد عنایات حق تعالی و دعای بقیهاللَّه- ارواحنا لمقدمه الفداء- و غریق رحمت باری تعالی و خیر و ثواب در دنیا و آخرت خواهید شد و یا خدای نخواسته منادی شیطان و مروّج تبلیغات دشمنان اسلام و موجب هتک حرمت اسلام و جمهوری اسلامی و شهیدان شاهد و رنجدیدگان امت خود می شوید و دست رد الهی بر سینه شما نامحرمان می زنند.

اکنون شما عزیزان بر سر دوراهی سعادت ابدی و تحصیل رضای حق و خاصان او

و شقاوت و محرومیت ابدی هستید و امیدوارم به برکت مَواقیت (۱) و مواقف متبرّکه (۲) و دعای ملت محروم که بدرقه راه شماست، از طبقه اول باشید و اسلام وشهدا و جانبازان و ملت و میهن خود را سرافراز کنید و دست رد به سینه دشمنان اسلام و مسلمانان زنید و دشمنان را مخذول (۳) و دل شکسته و دوستان را شاد نمایید. وشما گرچه می دانید بایدچه بکنید و از چه پرهیز نمایید لکن اینجانب نیز برای ادای تکلیف و اتمام حجت به مهمات آنها اشاره می کنم:

الف- اخلاق کریمه انسانی- اسلامی را با همه زوّار از هر طبقه و هر طایفه و هررنگ و هر زبان و هر کشور باشند، با دقت مراعات نمایید و در برخوردها و رفت وآمدها در جمیع اوقات و احوال و پیشامدها صبور و بردبار باشید و کریمانه با همه رفتار نمایید و در مقابل درشتیها، نرمی و سلم و در مقابل بدرفتاریها، خوبی و محبت کنید و برای رضای خداوند تعالی تحمل هر پیشامد بدی از هر کس باشد، با روی گشاده و سعه صدر نمایید که آن مواقف کریمه و بقاع شریفه محل نزاع و جدال نیست. و آنچنان کنید که معلوم شود شما از کشور امام صادق علیه السلام آمده اید و این خودیک خدمت شایان به اسلام و جمهوری اسلامی و هم میهنان عزیز است. و بدانید که پس از رجوع از سفر، لذت این امر را به طور شایسته خواهید برد، علاوه بر تحصیل رضای حق و پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله و حضرت بقیهاللَّه- روحی لمقدمه الفداء- که شاهد و حاضر است.

ب- در راهپیماییها لازم است در وقت و کیفیت، شعار و امثال آنها از متصدیان امور پیروی کنید و نظم و آداب اسلامی را به طور شایسته مراعات نمایید و به هیچ کس اجازه ندهید که سرِخود و بدون دستور شعار دهد، که ممکن است عمال دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی که برای تفرقه افکندن و بدنام نمودن شما آمده باشند در بین شما نفوذ کنند و با تحریکات و شعارهای غلط مخالف اخلاق اسلامی، به آبروی شماو ملت شما و اسلام و مذهب لطمه وارد کنند و در هر صورت لازم است همه گوش به دستورات و

۱- جمع میقات؛ محلهای پنجگانه ای که حاجیان از آنجا احرام بسته و قصد زیارت خانه خدا کنند.

۲- وقوف حاجیان در عرفات و مشعر و منا با شرایط و اعمالی خاص بخشی از مناسک حج است.

۳- خوار و سرافکنده.

شعارهای نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای کروبی و دیگر متصدیان امور فرا دهید و از غیر آنها جداً پرهیز نمایید.

ج- کالاهایی که در حجاز به حجاج محترم عرضه می شود، آنچه مربوط به امریکای مخالف با آرمانهای اسلامی و اساساً مخالف با اسلام است، خریداری آنهاکمک به دشمنان اسلام است و ترویج باطل است و از آنها باید احتراز شود. انصاف نیست که جوانان عزیز ما در جبهه ها جان دهند و جانبازی کنند وشما با خرید این کالاها به جنایتکاران جنگی کمک کنید و به اسلام و جمهوری اسلامی و ملت مظلوم خود با این اعمال دهن کجی نمایید. شما برای خودتان یا دوستانتان می توانید چیزهای مناسب از خود ایران تهیه نمایید که به دشمنان ایران و اسلام کمک نشود. اینجانب وظیفه خود را ادا نمودم و شمایید که در زیارت خدا و رسول، به دشمنان آنان کمک ننمایید و موجب سرافکندگی ملت و میهن خود نشوید. اینها تذکراتی است که به واسطه اهمیت آن در سالهای قبل داده شد و تکرار آن وظیفه اینجانب است.

۵- خوب است که سران کشورهای اسلامی در مسائل روزِ کشورهای اسلامی تحت ستم و ملتهای مظلوم تحت چکمه های اجانب و غارتگرهای شیطانهای بزرگ و سایر شیاطین دیگر که ذخایر غنی آنان را چپاول می نمایند و ملتها در فقر و فاقه می سوزند، تفکر نموده و به خود آیند و خوف و وحشتی را که ابرقدرتها با تبلیغات خود بر آنها تحمیل کرده اند تامصالح کشور خود و سایر مسلمانان و مظلومان را نادیده گرفته و تن به مذلت مرگبار دهند، با ارزیابی صحیح سنجش نموده و با وجدان به قضاوت بنشینند و بیش از این برای خویش و کشورهای خود ننگ به بار نیاورند و در حال ملت و دولت ایران مطالعه کنند که خود را از زیر بار قلدریهای هر دو قطب خارج کرده و پرتو پیروزی آن و اسلام عزیز در سراسر جهان نورافشانی می کند و در راه شرف اسلام و عزت میهن اسلامی خویش بپاخاسته و در این راه که همان راه انبیای عظام- علیهم وآلهم السلام- است، ازهمه چیزمادی خود گذشته و فریاد «هَیهاتَ مِنّا الذله» را به گوش جهانیان رسانده است.

و اگر دولتهای منطقه به جای هماهنگ شدن با ملت ایران، کمک به حزب عفلقی عراق که اسلامزدایی جزء مرام آن است نمی کردند، در همان ماههای اول کوبیده شده بود و

ملت عزیزاسلامی عراق از شرّ اوراحت شده بودند وکشورایران وعراق و سایر کشورهای منطقه با برادری زیست می نمودند. و اکنون نیز که بازیگران حرفه ای با ترفندهای مختلف می خواهند سلطه غارتگرانه سالهای طولانی را حفظ و از وحدت مسلمین و از اسلام بزرگ که سیلی خورده اند وسخت آشفته هستند، عمال معلوم الحال خود را به راه انداخته اند تا نگذارند اسلام به پیروزی برسد؛ همچون حسن مراکشی (۱) که با ملاقات و دست دوستی دادن به «پِرِز» (۲) به اسلام و ملتهای مسلمان بویژه ملت عرب و فلسطین خیانت فاحش نابخشودنی نموده و بر ملت و دولتهای اسلامی و عربی است که با برخورد قاطع دست این خیانتکار را قطع کنند؛ و چون حسین اردنی، (۳) این دلال دوره گرد خیانتکار که تا دولتهای منطقه را به دام شیطان بزرگ نیندازد از پای نخواهد نشست؛ و چون «حسنی مبارک» (۴) نسخه دوم انورسادات و دیگر خائنین به اسلام را از خود برانند که ایناانند که شما را بازیچه خود قرار داده اند تا متعمداً یا بدون عمد سد راه شرف و عزت اسلام شوند.

ما ازدولتهای منطقه می خواهیم که دست ازحمایت دشمنان اسلام و بشریت بردارند و بیش از این با مصالح اسلامی که مصالح خودشان و میهنشان و مظلومان جهان است معارضه نکنند و با همسویی وهمکاری جمهوری اسلامی، دست رد به سینه فتنه گران و جهانخواران زنند و باید بدانند این حزب مرده (۵) زنده نخواهد شد «وَالْعاقِبَةُ لِلمُتَّقین».

اینجانب به حسب وظیفه اسلامی آنچه صلاح مسلمانان و حکومتهای کشورهای منطقه است، گوشزد کردم و از خداوند متعال خواهانم آنان را به راه راست هدایت فرماید و از کجرویها باز دارد. والسلام علی عباد اللّٰه الصالحین.

یکم ذی حجهالحرام ۱۴۰۶

روح اللّٰه الموسوی الخمینی

۱- ملک حسن، شاه مراکشمغرب).

۲- شیمون پرز، نخست وزیر رژیم صهیونیستی.

۳- ملک حسین، شاه اردن.

۴- رئیس حاکم بر رژیم مصر.

۵- حزب بعث حاکم بر عراق.

ص: ۱۹۴

پیام

زمان: ۶ مرداد ۱۳۶۶/ ۱ ذی الحجه ۱۴۰۷

مکان: تهران، جماران

موضوع: برائت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و مشکلات جهان اسلام

مخاطب: مسلمین ایران و جهان و زائران بیت اللّه الحرام

مناسبت: برگزاری مناسک عظیم حج

برائت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و ...

بسم اللّه الرحمن الرحيم

وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهاجِراً الَى اللّه وَ رَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوتُ فَقَدْ وَقَعَ اجرُهُ عَلَى اللّه (۱) الحَمْدُللّه عَلى آلائِهِ و الصَّلوةُ وَ السَّلامُ عَلى انبيائِهِ سيّما خاتَمِهِم وَ افْضَلِهِم وَعَلى اوْلِيائه وَ خاصَّهِ عِبادِهِ سيّما خاتَمِهِم وَ قائِمِهِمْ ارْواحُ العالَمينَ لِمَقْدَمِهِ الفِداء.

قلمها و زبانها و گفتارها و نوشتارها عاجز است از شکر نعمتهای بی پایانی که نصیب عالمیان شده و می شود. خالقی که با جلوه سراسر نورانی خود، عوالم غیب و شهادت و سرّ و عَلَن را به نعمت وجود آراسته و به برکت برگزیدگانش به ما رسانده که؛ اللّه نُورُ السَّموات وَالارضِ (۲)

و با ظهور جمیلش پرده از جمالش برافکنده که؛ هُوَ الْاوَّلُ وَالاخِرُ وَالظّاهِرُ وَالْباطِنُ (۳)

و به کتب مقدس آسمانی اش که از حضرت غیب بر انبیائش از صفی اللّه تا خلیل اللّه و از خلیل اللّه تا حبیب اللّه- صلوات اللّه و سلامه علیهم و سلم- نازل فرموده، راه وصول به کمالات و فنای در کمال مطلق را تعلیم فرموده و سلوک الی اللّه را گوشزد

۱- بخشی از آیه ۱۰۰ سوره نساء: «و هرکس از خانه خویش خارج شود و در حال هجرت به سوی خدا و پیامبر او، مرگش فرا رسد، هرآینه پاداشش بر خداست».

۲- بخشی از آیه ۳۵ سوره نور: «خداوند نور آسمانها و زمین است».

۳- سوره حدید، آیه ۳.

کرده چون کریمه وَ مَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ مُهاجِرَاً اِلَی اللّه و طریق برخورد با مؤمنین و دوستان خود و ملحدین و مستکبرین و دشمنان خویش را آموخته: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّه وَ الَّذینَ مَعَهُ اشِدَّآءُ عَلَی الْکُفّار رُحَماءُ بَیْنَهُمْ. (۱)

و هزاران شکر که ما را از امت خاتم النبیین محمد مصطفی صلی الله علیه و آله قرار داد، افضل و اشرف موجودات و از پیروان قرآن مجید، اعظم و اشرف کتب مقدسه و صورت کتبیه حضرت غیب مستجمع جمیع کمالات به صورت وحدت جمیعه و ضمانت حفظ و صیانت آن را از دستبرد شیاطین انس و جن فرموده؛ انّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِکْرَ وَ انّا لَهُ لَحافِظُونَ (۲)

قرآنی که نه یک حرف بر آن افزوده شده و نه یک حرف کاسته. کتاب کریمی که ما را از برخورد انبیای معظم الهی با مستکبرین جهان و جهانخواران طول تاریخ آگاه نموده و از طریقه حضرت خاتم الرسل صلی الله علیه و آله با مشرکان و زورگویان و کفار و در رأس آنان منافقان، مطلع کرده و این برخورد، جاویدان و برای هر عصری و هر مصری (۳) است.

در این کتاب جاوید می بینیم که فرموده: قُلْ انْ کانَ اباؤُکُم وَ ابناؤُکُمْ وَ اخوانُکُمْ وَ ازْواجُکُم وَ عَشیرَتُکُم وَ امْوالٌ اقْتَرَفْتُمُوها وَ تِجارَةٌ تَخْشَوْنَ کَسادَها وَ مَساکِنُ تَرْضَوْنَها احَبَّ الَیکُم مِنَ اللّه وَ رَسُولِهِ وَ جِهادٍ فی سَبیلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتّی یَأْتِیَ اللّه بِامْرِهِ وَ اللّه لا یَهْدِی الْقَومَ الفاسِقینَ؛ (۴)

خطاب به مصلحت اندیشان و سازشکاران و متأسفان برای شهادت جوانان و از دست رفتن مالها و جانها و خسارتهای دیگر وارد شده و جالب آنکه بعد از حبّ خدای تعالی و رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بین تمام احکام الهی، جهاد فی سبیل اللّه را ذکر فرموده و تنبه داده که جهاد فی سبیل اللّه در رأس تمام احکام است که آن حافظ اصول

۱- بخشی از آیه ۲۹ سوره فتح: «محمد فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار سختگیر، وبا یکدیگر بسیار مهربانند».

۲- سوره حجر، آیه ۹: «البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم محققاً آن را محفوظ خواهیم داشت».

۳- شهر، ناحیه.

۴- سوره توبه، آیه ۲۴: «بگو اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشان خود را و اموالی که جمع آورده اید و کالا و مال التجاره که از کسادی آن بیمناکید، و مسکنهایی که بدان دل خوش کرده اید، بیش از خدا و رسول او و جهاد در راه او دوست می دارید، پس منتظر باشید تا امر نافذو قضای حتمی) خدا جاری گردد؛ و خداوند بدکاران را هدایت نخواهد کرد».

است و تـذکر داده که در صورت قعود از جهـاد، منتظر عواقب آن باشـید، از ذلت و اسـارت و بر بادرفتن ارزشـهای اسـلامی و انسانی و نیز از همان چیزها که خوف آن را داشتیـد از قتل عام صـغیر و کبیر و اسارت ازواج و عشـیره. و بدیهی است که همه اینهـا پیامـد ترک جهاد، خصوصاً جهاد دفاعی است که ما اکنون گرفتار آن هستیم و اشاره به این امر است آیه کریمه فَلْیَحْـذَرِ الَّذینَ یُخالِفوُنَ عَنْ امْرِهِ انْ تُصیبَهُم فِتْنَهٌ اوْ یُصیبَهُمْ عَذابٌ الیمٌ. (۱)

و کدام فتنه و بلیه بالاتر از آنچه دشـمنان اسلام، خصوصاً در این زمان برای برچیدن اساس اسلام و برپا کردن حکومتهایی مثل ستمشاهی و برگرداندن مسـتشاران غارتگر و بربادرفتن حرث و نسل ملت و بر سر کشور و ملت ایران، آن آید که بر سر کشور عراق و ملت مظلوم آن در این چند سال آمد.

و حمـد و شـکر بی پایـان بر ذات مقـدس ربوبیت که بـا تربیتهـای معنوی خود ملت ایران را از غرقـاب فسـاد سـتمشاهی نجات بخشـیده و راه و رسم زیسـتن مسـتقل در پنـاه بیرق شـکوهمند اسـلام را به آنـان آموخت و امروز در جهان کشوری نیست جز ایران که از دخالت ابرقـدرتها پیراسـته باشد و سـرنوشت خویش را خود بر اساس اسـلام عزیز تعیین کند و دست به سـینه اغیار زنـد و خداونـد بر مـا منت نهـاد که در سـایه این ملت زنـدگی می کنیم. و شـکر بی پایـان بر عنایات حق- جل و علا- که در آسـتان عزیمت حجاج محترم ایرانی به سوی معبد عشق و مرقد معشوق و هجرت به سوی خدای تعالی و رسول معظمش صـلی الله علیه و آله نـدای اسـلام بر اقصـا بلاد جهان طنین افکنـده و بیرق معنوی اسـلام در اقطار عالم به اهتزاز درآمـده و چشـمهای جهانیان به سوی کشور ولی اللَّه اعظم- ارواحنا لمقـدمه الفـداء- دوخته شده و به رغم بدخواهان و منحرفان که کوس رسوایی شان بر سـر بازارها زده شده و برخلاف خوابهای خرگوشـی آنان که وعده سـقوط جمهوری اسلامی را در سه ماه یا یک سال به خود و اربابان خود می دادند، امروز پس از سالها، کشور عزیز اسلامی ایران از همیشه پایدارتر و ملت عظیم آن سرافرازتر و قوای مسلحه آن پرقدرت تر و جوانان و سالمندان آن مصمم تر و حوزه های مقدس علمیه آن در سایه

۱- بخشی از آیه ۶۳ سوره نور: «کسانی که امر خدا را مخالفت می کنند باید بترسـند از اینکه فتنه و یا عذابی دردناک آنان را در برگیرد».

مراجع معظم و علمای اعلام- کثَّراللّه امثالهم- پرشورتر و پیوند حوزه ها و دانشگاهها استوارتر و قوای سه گانه آن فعالتر و جهات سیاسی و فرهنگی و نظامی آن رو به رشدتر. و دشمنان آن، که در حقیقت دشمنان اسلام و استقلال کشور هستند ضعیفتر و زبونتر و کاخهای مستکبران لرزانتر و رسوایی کاخ سیاه بر ملاتر و پریشان گویی و دلهره کاخ نشینان افزونتر و سردرگمی رسانه های گروهی جهان- که انعکاس سردرگمی کاخ نشینان زورگو است- واضحتر گردیده و لازم است در این جوّی که پیش آمده است، مسلمین و مستضعفان جهان آگاهانه از آن استفاده کرده و جمیع فِرَق مسلمین و مستضعفان دست در دست هم داده و خودشان را از قید اسارت ابرقدرت ها خارج نمایند. اینک تذکراتی را عرض می کنم:

۱- اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است، باید در ایام حج به صورت تظاهرات و راهپیمایی با صلابت و شکوه هرچه بیشتر و بهتر برگزار شود و حجاج محترم ایرانی و غیرایرانی با هماهنگی کامل با مسئولین حج و نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای کروبی در کلیه مراسم شرکت نمایند و فریاد کوبنده برائت ازمشرکان وملحدان استکبار جهانی و در رأس آنان امریکای جنایتکار را در کنار خانه توحید طنین اندازند و از ابراز بغض و کینه خود نسبت به دشمنان خدا و خلق غافل نشوند. مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود و کدام خانه ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و ناس که در آن به هر چه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یا دون صفتی و نامردمی است عملًا و قولًا پشت شود و در تجدید میثاق اَلَسْتُ بِرَبِّکُم (۱)

بت آلهه ها و اربابان مُتِفَرِّقُونَ (۲)

شکسته شود و خاطره مهمترین و بزرگترین حرکت سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله در وَاذانٌ مِنَ اللَّه وَرَسُوُلِهِ الَی

۱- بخشی از آیه ۱۷۲ سوره اعراف، که خداونددر عالم ذَر) از فرزندان آدم سؤال کرد: «آیا من پروردگارشما نیستم؟».

۲- اشاره به آیه ۳۹ سوره یوسف.

النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الاکبَرِ (۱)

زنـده بمانـد و تکرار شود، چرا که سـنت پیامبر صـلی الله علیه و آله و اعلان برائت کهنه شـدنی نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصـر نشود، که باید مسـلمانان فضای سراسـر عالم را از محبت و عشق نسـبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشـمنان خـدا لبریز کنند و به وسوسه خناسان وشـبهات تردید آفرینان ومتحجرین ومنحرفین گوش فرا ندهند و لحظه ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان شمولی اسلام، غفلت نکنند که مسلماً جهانخواران و دشمنان ملتها، بعد از این آرام و قرار نخواهنـد داشت و به حیله هـا و تزویرهـا و چهره های گوناگون متمسک می شونـد و روحانی نماها و آخونـدهای درباری و اجیرشدگان سلاطین و ملیگراها و منافقین به فلسفه ها و تفسیرها و برداشتهای غلط و منحرف روی می آورند و برای خلع سـلاحهای مسلمانان و ضربه زدن به صلابت و ابهت و اقتدار امت محمد صلی الله علیه و آله به هر کاری دست می زنند و چه بسـا جاهلان مُتنسّک (۲) بگوینـد که قـداست خـانه حق و کعبه معظمه را به شـعار و تظـاهرات و راهپیمایی و اعلان برائت نباید شکست و حج جای عبادت و ذکر است نه میدان صف آرایی و رزم و نیز چه بسا عالمان مُتهتّک (۳) القا کنند که مبارزه و برائت و جنـگ و سـتیز، کـار دنیـاداران و دنیـا طلبـان بـوده است و ورود در مسائـل سیاسـی، آن هم در ایـام حـج دون شـأن روحانیون و علما می باشد. که خود این القائات نیز از سـیاست مخفی و تحریکات جهانخواران به شـمار می رود که مسـلمانان بایـد با همه امکانات و وسایل لازم به مقابله جدی و دفاع از ارزشـهای الهی و منافع مسـلمین برخیزند و صـفوف مبارزه و دفاع مقدس خویش را محکم و مستحکم نمایند و به این بیخبران و دلمردگان و پیروان شیاطین بیش از این مجال حمله رابه صفوف عقیده و عزت مسـلمانان ندهند و از همه جا وهمه سرزمینها و خصوصاً از کعبه حق به جنود خدا متصل شوند و زائران عزیز، از بهترین و مقدسترین سرزمینهای عشق و شعور و جهاد به کعبه بالاتری رهسپار شوند و

۱- بخشی از آیه ۳ سوره توبه: «اعلانی است از خدا و رسولش به مردم در روز حج اکبر».

۲- جاهلان زاهد.

۳- عالمان پرده دررسوا و بیحیا).

همچون سید و سالار شهیدان حضرت ابی عبداللّٰه الحسین علیه السلام از احرام حج به احرام حرب و از طواف کعبه و حرم به طواف صاحب بیت و از تَوضّوء زمزم به غسل شهادت و خون رو آورند و به امتی شکست ناپذیر و بنیانی مرصوص مبدل گردند که نه ابرقدرت شرق یارای مقابله آنان را داشته باشد نه غرب که مسلماً روح و پیام حج چیز دیگری غیر از این نخواهد بود که مسلمانان، هم دستورالعمل جهاد با نفس را بگیرند و هم برنامه مبارزه با کفر و شرک را.

به هر حال اعلان برائت در حج، تجدید میثاق مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت پرستها است و به شعار هم خلاصه نمی شود که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدای تعالی در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان است و از اصول اولیه توحید به شمار می رود و اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه خدا از دشمنان خدا اظهار برائت نکنند، پس در کجا می توانند اظهار نمایند؟ و اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم وحرمت انبیا نیست، پس مأمن و پناهگاه آنان در کجاست؟

خلاصه، اعلان برائت مرحله اول مبارزه و ادامه آن مراحل دیگر وظیفه ما است و در هر عصر و زمانی جلوه ها و شیوه ها و برنامه های متناسب خود را می طلبد و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداخته اند و تمامی مظاهر ملی و فرهنگی و دینی و سیاسی ملتها را بازیچه هوسها و شهوتها نموده اند چه باید کرد. آیا باید در خانه ها نشست و با تحلیلهای غلط و اهانت به مقام ومنزلت انسانها و القای روحیه ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملًا شیطان و شیطان زادگان را تحمل کرد و جامعه را از وصول به خلوص که غایت کمال و نهایت آمال است، منع کرد و تصور نمود که مبارزه انبیا با بت و بت پرستها منحصر به سنگ و چوبهای بیجان بوده است و نعوذباللّٰه پیامبرانی همچون ابراهیم در شکستن بتها پیشقدم و اما در مصاف با ستمگران، صحنه مبارزه را ترک کرده اند؟ و حال آنکه تمام بت شکنیها و مبارزات و جنگهای حضرت ابراهیم با نمرودیان و ماه و خورشید و ستاره پرستان مقدمه

یک هجرت بزرگ و همه آن هجرتها و تحمل سختیها و سکونت در وادی غیر ذی زرع و ساختن بیت وفدیه اسماعیل، مقدمه بعثت و رسالتی است که در آن، ختم پیام آوران، سخن اولین و آخرین بانیان و مؤسسان کعبه را تکرار می کند و رسالت ابدی خود را با کلام ابدی انَّنی بَری ءٌ مِمَّا تُشْرِکُون (۱)

ابلاغ می نماید که اگر غیر از این تحلیل و تفسیری ارائه دهیم، اصلًا در زمان معاصر، بت و بت پرستی وجود ندارد و راستی کدام انسان عاقلی است که بت پرستی جدید ومدرن را در شکلها و افسونها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه ای که بتخانه هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون وناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده اند، خبر نداشته باشد.

امروز فریاد برائت ما از مشرکان و کافران، فریادِ از ستم ستمگران و فریاد امتی است که جانشان از تجاوزات شرق و غرب و در رأس آنان امریکا و اذناب آن به لب رسیده است وخانه و وطن و سرمایه اش به غارت رفته است. فریاد برائت ما، فریاد ملت مظلوم و ستم- دیده- کشیده افغانستان است و من متأسفم که شوروی به تذکر و هشدار من در مورد افغانستان عمل ننمود و به این کشور اسلامی حمله کرد. بارها گفته ام و اکنون نیز تذکر می دهم که ملت افغانستان را به حال خود رها کنید، مردم افغانستان سرنوشت خودشان را تعیین نموده واستقلال واقعی خود را تضمین می کنند و به ولایت کرملین یا قیمومت امریکا احتیاجی ندارند و مسلم بعد از خروج نظامیان بیگانه از کشورشان، به سلطه دیگری گردن نمی نهند و پای امریکا را اگر قصد دخالت و تجاوز در کشورشان کرده باشد، می شکنند.

و نیز فریاد برائت ما فریاد مردم مسلمان افریقا است، فریاد برادران و خواهران دینی ما که به جرم سیاه بودن، تازیانه ستمِ سیه روزان بی فرهنگِ نژادپرست را می خورند. فریاد برائت ما، فریاد برائت مردم لبنان و فلسطین و همه ملتها و کشورهای دیگری است که ابرقدرتهای شرق و غرب، خصوصاً امریکا و اسرائیل به آنان چشم طمع دوخته اند و سرمایه آنان را به غارت برده اند ونوکران و سرسپردگان خود را به آنان تحمیل نموده اند و

۱- بخشی از آیه ۱۹ سوره انعام: «و من از آنچه شما شرک می ورزید، بیزارم».

از فواصل هزاران کیلومتر راه به سرزمینهای آنان چنگ انداخته و مرزهای آبی و خاکی کشورشان را اشغال کرده اند.

فریاد برائت ما، فریاد برائت همه مردمانی است که دیگر تحمل تفرعن امریکا و حضور سلطه طلبانه آن را از دست داده اند و نمی خواهند صدای خشم و نفرتشان برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بماند و اراده کرده اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمیرند و فریادگر نسلها باشند.

فریاد برائت ما، فریاد دفاع از مکتب و حیثیات و نوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروتها و سرمایه ها، فریاد دردمندانه ملتهایی است که خنجر کفر و نفاق قلب آنان را دریده است.

فریاد برائت ما، فریاد فقر و تهیدستی گرسنگان و محرومان و پابرهنه هایی است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه روزی آنان را، زراندوزان و دزدان بین المللی به یغما برده اند و حریصانه از خون دل ملتهای فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمتکشان، به اسم سرمایه داری و سوسیالیزم و کمونیزم مکیده و شریان حیات اقتصاد جهان را به خود پیوند داده اند و مردم جهان را از رسیدن به کمترین حقوق حقه خود محروم نموده اند.

فریاد برائت ما، فریاد امتی است که همه کفر و استکبار به مرگ او در کمین نشسته اند و همه تیرها و کمانها و نیزه ها به طرف قرآن و عترت عظیم نشانه رفته اند و هیهات که امت محمد صلی الله علیه و آله و سیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان به مرگ ذلت بار و به اسارت غرب و شرق تن در دهند و هیهات که خمینی، در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد صلی الله علیه و آله و پیروان ابراهیم حنیف ساکت و آرام بماند و یا نظاره گر صحنه های ذلت و حقارت مسلمانان باشد. من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم.

قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه وتنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرهنه های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت

را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می نمایند سلب خواهد کرد. آری، شعار «نه شرقی و نه غربی» ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعیِ عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجاتبخش بشریت می پذیرند و ذره ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی ومردم مسلمان جهان نباید وابسته به غرب و اروپا و امریکا و نه وابسته به شرق، شوروی، که ان شاءاللّٰه تعالی به خدا و رسول خدا و امام زمان وابسته است و به طور قطع و یقین، پشت کردن به این سیاست بین المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام است ونهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است که این سیاست، ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است. چرا که شرط ورود به صراط نعمت، حق برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود. مسلمانان بعد از شرکت در راهپیماییهای برائت و اعلان همبستگی با ملت دلاور ایران، باید به فکر رمی استعمار از کشورها و سرزمینهای اسلامی خود باشند و برای بیرون راندن جنود ابلیس و برچیدن پایگاههای نظامی شرق و غرب از کشورهای خود تلاش نمایند و نگذارند دنیاخواران از امکانات آنان، در جهت منافع خود و ضربه زدن به کشورهای اسلامی استفاده کنند که این بزرگترین ننگ و عار کشور و سران ممالک اسلامی است که بیگانگان به مراکز سرّی و نظامی مسلمانان راه پیدا کنند. مسلمانان از هیاهو وطبلهای توخالی و تبلیغاتِ ظالمانه نهراسند که کاخها و قدرتهای نظامی و سیاسی استکبار جهان، همانند لانه عنکبوت سست و در حال فرو ریختنند. مسلمانان جهان باید به فکر تربیت و کنترل و اصلاح سران خود فروخته بعض کشورها باشند و آنان را با نصیحت یا تهدید از این خواب گرانی که هم خودشان و هم منافع ملتهای اسلامی را به باد فنا می دهد، بیدار نمایند و به این سرسپردگان و نوکران هشدار بدهند و خودشان هم با بصیرت کامل از خطر منافقین و دلالان استکبار جهانی غافل نشوند و دست روی دست نگذارند و نظاره گر صحنه

شکست اسلام و غارت سرمایه ها و منابع و نوامیس مسلمین نباشند.

ملتهای مسلمان باید به فکر نجات فلسطین باشند و مراتب انزجار و تنفر خویش را از سازشکاری و مصالحه رهبران ننگین و خودفروخته ای که به نام فلسطین، آرمان مردم سرزمینهای غصب شده و مسلمانان این خطه را به تباهی کشیده اند به دنیا اعلام و نگذارند این خائنان بر سر میز مذاکره ها و رفت وآمدها، حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین [را] خدشه دار کنند، که این انقلابی نماهای کم شخصیت و خودفروخته به اسم آزادی قدس به امریکا و اسرائیل متوسل شده اند. عجبا که هر روز از فاجعه خونبار غصب فلسطین بیشتر می گذرد، سکوت و سازش سران کشورهای اسلامی و طرح مماشات با اسرائیل غاصب بیشتر وحتی از تبلیغ و شعار رهایی بیت المقدس هم خبری به گوش نمی رسد و اگر دولت و مردم کشوری همانند ایران که خود نیز در حالت دفع تجاوز و جنگ و محاصره است، به پشتیبانی از مردم فلسطین برخاسته و فریاد می زند، او را محکوم می کنند و حتی از اینکه یک روز هم به نام قدس برگزار شود، وحشت نموده اند.

نکند که اینان تصور کرده اند که گذشت زمان، سیرت و صورت جنایتهای اسرائیل و صهیونیزم را دیگرگون ساخته است و گرگهای خون آشام صهیونیزم، از فکر تجاوز و غصب سرزمینهای از نیل تا فرات دست برداشته اند. مسئولین محترم کشور ایران و مردم ما و ملتهای اسلامی از مبارزه با این شجره خبیثه و ریشه کن کردن آن، دست نخواهند کشید و به یاری خداوند تعالی از قطرات پراکنده پیروان اسلام و توان معنوی امت محمد صلی الله علیه و آله و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته های مقاومت حزب اللّه در سراسر جهان اسرائیل را از گذشته جنایت بار خود پشیمان و سرزمینهای غصب شده مسلمانان را از چنگال آنان خارج کرد. من همان گونه که بارها و در سالهای گذشته قبل و بعد از انقلاب هشدار داده ام، مجدداً خطر فراگیری غده چرکین و سرطانی صهیونیزم را در کالبد کشورهای اسلامی گوشزد می کنم و حمایت بیدریغ خود و ملت و دولت و مسئولین ایران را از تمامی مبارزات اسلامی ملتها و جوانان غیور و مسلمان در راه آزادی قدس، اعلام می نمایم و از جوانان عزیز لبنان که موجب سرافرازی امت اسلام در خواری و ذلت جهانخواران گردیده اند، تشکر می کنم و برای موفقیت همه عزیزانی

که در داخل سرزمینهای اشغالی و یا در کنار این کشور غصب شده، با تکیه به سلاح ایمان و جهاد به اسرائیل و منافع آن ضربه می زنند دعا می کنم و اطمینان می دهم که ملت ایران، شما را تنها نخواهد گذاشت. به خدای تعالی توکل کنید و از قدرت معنوی مسلمانان بهره جویید و با سلاح تقوا و جهاد و صبر و مقاومت بر دشمنان حمله برید که انْ تَنصُرُوا اللَّه یَنْصُرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ اقدامَکُمْ. (۱)

۲- از آنجا که جنگ در رأس امور و برنامه های کشور ماست، جهانخواران در آستانه پیروزی قاطع ملت ایران بر نظام پوسیده و رو به زوال عفلقیان، تلاش گسترده ای را در جهت مشوه ساختن افکار عمومی جهانیان به کار گرفته اند تا بعد از آنهمه تجاوزات و جنایات صدامیان و سکوت مجامع بین المللی، ما را جنگ طلب معرفی نمایند. و چه بسا با این حربه جدید، افراد ناآگاهی را تحت تأثیر قرار داده باشند. لازم است برای روشن شدن افکار عمومی ملتهای دربند و خصوصاً زائران محترم نکاتی را یادآور شوم.

دنیا از آغاز جنگ تاکنون و در تمام مراحل دفاعی ما، هیچ گاه با زبان عدالت و بیطرفی با ما سخن نگفته است. آن روزی که صدام و حزب بعث از روی غرور و بیخردی به منظور ساقط نمودن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران به کشور عزیزمان ایران حمله نمود و قراردادهای بین المللی را پاره کرد و شخصاً تجاوزات هوایی و دریایی و زمینی ارتش را رهبری می نمود و نه تنها خانه های یک شهر و روستا، که مراکز دهها شهر و صدها روستا را با خاک یکسان می کرد و کودکان معصوم ملت ما را در آغوش مادرانشان به شهادت می رساند و تجاوزات و وحشیگریها را تا آنجا ادامه داد که قلم از نوشتن و زبان از بیان آنان شرم می کند و نیز در آن روزی که صدام اولین جرقه و شعله های آتش جنگ را در خرمن امنیت همه کشورهای اسلامی و خلیج فارس برافروخت، هیچ کس ازاین مدعیان صلح، جلوی آتش افروزی او را نگرفته و از امکانات و اهرمهای فشار و قراردادهای خود در جهت کنترل و مهار او بهره نجست و به دفاع از ملت مظلوم و ستمدیده ایران و عراق برنخاست و به صدام، این آغاز کننده جنگ، نگفت که به کدام

۱- بخشی از آیه ۷ سوره محمد صلی الله علیه و آله: «اگر خداوند را یاری کنید، شما را یاری کرده و گامهایتان را استوار خواهد ساخت».

گناه و به چه جرمی ملت ایران باید کشته شوند! و به کدام گناه میلیونها زن و مرد و پیر و جوان آواره شوند و یا خانه و کاشانه شان ویران گردد! و به کدام جرم و گناه حاصل زحمات دهها ساله تلاش و سرمایه گذاری یک ملت در صنایع و کارخانجات و مزارع و کشتزارها سوخته و بر باد برود! آیا جرم ما، ایرانی بودن ما است، جرم ما فارسی بودن ما است، جرم ما اختلافات و تنازعات گذشته مرزی ما است؟ خیر، چنین نیست. امروز همه می دانند جرم واقعی ما از دید جهانخواران و متجاوزان، دفاع از اسلام و رسمیت دادن به حکومت جمهوری اسلامی به جای نظام طاغوت ستمشاهی است، جرم و گناه ما احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و عمل به دستورات قرآن کریم و اعلان وحدت مسلمانان اعم از شیعه و سنی، برای مقابله با توطئه کفر جهانی و پشتیبانی از ملت محروم فلسطین و افغانستان و لبنان و بستن سفارت اسرائیل در ایران و اعلام جنگ با این غده سرطانی و صهیونیسم جهانی و مبارزه با نژادپرستی و دفاع از مردم محروم افریقا و لغو قراردادهای بردگی رژیم کثیف پهلوی با امریکای جهانخوار بوده است. و نزد جهانخواران و نوکران بی اراده آنان چه گناهی بالاتر از اینکه کسی از اسلام وحاکمیت آن سخن بگوید و مسلمانان را به عزت و استقلال و ایستادگی در مقابل ستم متجاوزان دعوت کند.

ما به این نکته نه فقط در جنگ تحمیلی، که از روز نخست شروع مبارزه و از ۱۵ خرداد تا بیست و دوم بهمن رسیده ایم و به خوبی دریافته ایم که برای هدف بزرگ و آرمانی اسلامی، الهی باید بهای سنگینی پرداخت نماییم و شهدای گرانقدری را تقدیم کنیم و جهانخواران ما را راحت و آرام نخواهند گذاشت و با استفاده از ایادی داخلی و خارجی شان به ما شبیخون زده و خون عزیزان ما را بر بستر کوچه ها و خیابانها و مرزهایمان جاری می کنند و همین گونه شد وقتی که فریاد اسلامخواهی مردم کشور ما در ۱۵ خرداد به گوش امریکا رسید و وقتی که برای اولین بار غرور امریکا و اقتدار و ابرقدرتیِ او در اعتراض به مصونیت کارگزرانش در ایران شکسته شد و امریکا متوجه اقتدار و رهبری علما و روحانیت اسلام و عزم جزم و اراده پولادین ملت ایران برای کسب آزادی و استقلال و رسیدن به نظام عدل اسلامی گردید، به نوکر بی اراده و وطن فروش و فرومایه خود، محمدرضاخان دستور داد که صدای اسلامخواهی ملت ما

را خاموش کند و از او پیمان گرفت تا همه افرادی که در برابر امریکا قدعلم کرده اند را نابود کند و همه دیدیم که این خائنان و سرسپردگان در این مأموریت شوم لحظه ای درنگ ننمودند و به نام مأموریت و آزادی و رسیدن به دروازه تمدن بزرگ، از کشته های این ملت پشته ها ساختند و در و دیوار کشور ما را از فیضیه گرفته تا دانشگاه و از دانشگاه تا کوچه و بازار و خیابان و از خیابان تا مسجد و محراب به خون عزیزان و جوانان تکبیر گوی پیرو خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله را رنگین کردند و در شرایطی که جلادان رژیم ستمشاهی پرو بال و برگ و شاخه شجره طیبه آزادی را می شکستند، همه جهانخواران در یک اقدام هماهنگ تبلیغاتی و بین المللی شاه را متمدن و مترقی، و آزادی طلبان و مسلمانان را مرتجع و خواسته های اسلامی آنان را ارتجاع سیاه معرفی کردند و در ادامه همان سیاست سرکوب بود که در کربلای خونرنگ ایران جنایات یزیدیان را دهها بار در عاشوراها و تاسوعاها تکرار نمودند و مملکت ما را به جزیره آرام و ثبات امریکا و به قبرستان و خرابه این ملت مبدل ساختند که من در روز ورود به کشور عزیز ایران در بهشت زهرا گفتم که شاه مملکت ما را ویران و قبرستانهای آن را آباد نمود و الآن نیز همان سخن را تکرار می کنم که شاه کشور ما را ویران و قبرستانها را آباد کرد ولی شاه که بود و به دستور چه کسی عمل می کرد؟ که اگر او به تنهایی و به فکر فاسد و تبهکار خود عمل می کرد چه بسا قضایا بعد از رفتن او خاتمه می یافت. ولی چه کسی است که نداند شاه نوکر و مأمور امریکا و تمامی شهیدان و عزیزان ما، خونبها و قربانیانی بودند که به خاطر آزادی از آنان گرفته شد و کار او مأموریتی بوده است که برای اربابان خود به انجام رسانید و تا توانست انتقام امریکا را از اسلام و مسلمین گرفت ولی کارگزار اصلی ماجرا یعنی خود امریکا در پشت صحنه باقی مانده بود، امریکایی که از اسلام راستین می ترسید و از قیام منتهی به حکومت عدل واهمه داشت.

امریکا به تصور اینکه ملیگراها و منافقین و دیگر وابستگان چپ و راست او بزودی پاشنه سیاست انقلاب و حاکمیت نظام و اداره کشور را به نفع او به حرکت درمی آورند چند روزی سیاست خوف و رجا را در پیش گرفت و به طرح و اجرای کودتا و اعمال سیاست فشار و ترویج چهره های وابسته خود و نیز به ترور شخصیت انقلاب و انقلابیون

واقعی کشور پرداخت که خداوند مجدداً بر ما منت نهاد و در صحنه حماسی تسخیر لانه جاسوسان، مردم ایران برائت مجدد خویش را از امریکا و اذناب آن اعلام نمودند، که دوباره امریکا همان تیغی که به دست محمدرضا سپرده بود در کف صدام این زنگیِ مست نهاد. صدام چه کرد؟ آیا صدام همان کاری را که شاه قبل از انقلاب انجام داده بود انجام نداد؟ شاه قبرستانهای ما را از سروهای بلند آزادی پرنساخت؟ آیا صدام که از قدرت برتر و مانور بیشتری برخوردار بود غیر از این کرد؟ آیا شاه کشورمان را به امریکا نفروخته بود؟ آیا صدام برای فروختن ایران به امریکا به صورت دیگری عمل نکرد؟

گفتم که خرابیهای شاه را اگر مهلتمان دهند با تلاش همه دست اندرکاران و ملت شریف در بیست سال هم نمی توانیم آباد کنیم. آیا خرابیهای صدام را می شود در کمتر از بیست سال آباد نمود؟ مردم شریف ایران و مسلمانان و آزادیخواهان تمامی جهان باید بدانند که اگر بخواهند بدون گرایش به چپ و راست و مستقل از هر قدرت و ابرقدرتی روی پای خویش بایستند، باید بهای بسیار گران استقلال و آزادی را بپردازند.

تجربه انقلاب اسلامی در ایران، با خونبهای هزاران شهید و مجروح و خراب شدن منزلها و به آتش کشیده شدن خرمنهای کشاورزان و کشته شدن تعداد بسیاری در بمبگذاریها و اسیر شدن فرزندان انقلاب و اسلام به دست دژخیمان بعث عراق و هزاران گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی به دست آمده است. ملت ایران تجربه پیروزی بر کفر جهانی را در خراب شدن منازل خود بر سر کودکان در خواب به دست آورده و با فداکاریها و مجاهدات، انقلاب و کشور خود را بیمه نموده است. و ما به تمام جهان تجربه هایمان را صادر می کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچکترین چشمداشتی، به مبارزان راه حق انتقال می دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه ها، جز شکوفه های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملتهای دربند نیست. روشنفکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پر فراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه داری و کمونیسم را بپیمایند و تمام آزادیخواهان باید با روشن بینی و روشنگری، راه سیلی زدن بر گونه ابرقدرتها و قدرتها، خصوصاً امریکا را بر مردم سیلی خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند. من با اطمینان

می گویم: اسلام ابرقدرتها را به خاک مذلت می نشاند، اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.

ملت شریف ایران توجه داشته باشید که کاری که شما مردان و زنان انجام داده اید آنقدر گرانبها و پرقیمت است که اگر صدها بار ایران با خاک یکسان شود و دوباره با فکر و تلاش فرزندان عزیز شما ساخته گردد، نه تنها ضرری نکرده اید، که سود زیستن در کنار اولیاءاللّه را برده اید و در جهان ابدی شده اید و دنیا بر شما رشک خواهد برد، خوشا به حالتان!

من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابلِ دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می رسیم و همان گونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمانها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم، و همان گونه که در جنگ نیز مظلومانه تر از انقلاب جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیمانده راه پر نشیب و فراز رابا اتکای به خدا، تنها خواهیم پیمود و به وظیفه خویش عمل خواهیم کرد، یا دست یکدیگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می فشاریم و یا همه به حیات ابدی و شهادت روی می آوریم و از مرگِ شرافتمندانه استقبال می کنیم ولی در هر حال پیروزی و موفقیت با ما است و دعا را هم فراموش نمی کنیم.

خداوندا! بر ما منت بنه و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فرو ریختن کاخهای ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان گردان. و همه ملتها را از ثمرات و برکات وراثت و امامت مستضعفان و پابرهنگان برخوردار فرما.

حال با این مقدمه ها قضاوت در جنگ با خود مسلمانان است که تعقل و اندیشه کنند که ما در مسیر چه هدف و آرمانی مورد تهاجم قرار گرفته ایم و شهیدان گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم کرده ایم و صدام پلید چه نیاتی از تهاجم خود در سر

پرورانده است؛ دنیا نیز به چه انگیزه ای به حمایت ضمنی و علنی از او برخاسته است و تا امروز هم متجاوزین در تنگنای تسلیحات و امکانات نظامی و اقتصادی و سیاسی نبوده اند و دنیا هر روز به بهانه ای آنان را به بهترین و مدرنترین سلاحها مسلح نموده است ولی از دادن امکاناتی که حق مسلّم ملت ما است و حتی پول آنها را گرفته اند خودداری نموده است، ولی با تمام این احوال ما افتخار می کنیم که در این نبرد طولانی و نابرابر فقط با تکیه برسلاح ایمان و توکل بر خدای بزرگ و دعای بقیهاللَّه- عجل اللَّه تعالی فرجه- و اعتماد به نفس و همت دلاور مردان و شیرزنان صحنه کارزار به پیروزی رسیده ایم و خدا را سپاس می گزاریم که منت هیچ قدرت و کشوری و ابرقدرتی در جنگ، بر گردن ما نیست و مردم کارآزموده و متوکل ما با استعانت از ذات مقدس کبریا یکه و تنها و مظلومانه برمشکلات بسیاری از طرح و عملیات و بسیج و آموزش نیروها تا نیاز تسلیحاتی کشورمان فائق آمده است. و علاوه بر موفقیتهای اعجاز گونه ای که در صحنه های دفاع از کشور اسلامی و بیرون راندن متجاوزین از هزاران کیلومتر، به تحولات شگرف صنعتی از قبیل راه اندازی کارخانجات و دیگرگونی در خطوط تولید و ساختن و اختراع دهها وسایل پیشرفته و مدرن نظامی، آن هم بدون حضور هیچ مستشاری و بدون هیچ گونه کمک خارجی، دست یافته ایم، و هم اکنون که به مرز پیروزی مطلق رسیده ایم و قدمهای آخرمان را برمی داریم، صدای ناآشنای صلح طلبی آن هم از کام ستمگران و جنگ افروزان به گوش می رسد و در جهان غوغا به راه انداخته و عزا و ماتم صلح طلبی برپا نموده است و مدافع آزادی و امنیت انسانها شده و برای خون جوانان و سرمایه های مادی و معنوی در کشور ایران و عراق مرثیه سرایی می کند. راستی چه شده است استکبار جهانی و در رأس آن امریکا اینقدر طرفدار ملتها شده است و جنگ افروزان و آتش بیاران معرکه ها و جلادان قرن به شرف انسانیت و همزیستی مسالمت آمیز اعتقاد پیدا کرده اند و از عطش سیراب ناشدنی و خصلت خونخواری خود که طبیعت فرهنگ سرمایه داری و کمونیسم است، منصرف شده اند و شمشیرها و خنجرها و قداره های فرو رفته در قلب و جگر ملتها را به غلاف کشیده اند! آیا این حقیقت است یا فریب و آیا این همان جلوه های دیگر شبیخونها و بی انصافیهایی نیست که روزی سکوت را مصلحت

خویش می دید و امروز صلح طلبی را؟ آیا براستی از این طریق جهانخواران نمی خواهند از ضربه آخر ما جلوگیری کنند و برای حفظ منافع خویش سیاست جنگ و صلح جهانی را به تصمیمات و فکرهای پوسیده و شیطانی خود گره بزنند و عملًا جان و مال و مملکت و امنیت ملل عالم را به قبضه قدرت خود درآورند که به طور قطع و یقین، علت و فلسفه سماجت و اصرار جهانخواران در تحمیل صلح بر ملت ایران، نشأت گرفته از همین تفکر است. و از همه اینها که بگذریم این مسئله که چه کسی خواهان صلح واقعی است و چه کسی جنگ طلب است خود اولِ بحث ما است.

آیا واقعاً صدام از گذشته ها و کرده ها و تجاوزات و ظلمها و ستمهای خود پشیمان شده است و اظهار ندامت می کند و از خیانتی که به ملتها و کشورهای اسلامی و در جهت تضعیف بنیه دفاعی ملل اسلامی نموده است عذر تقصیر می خواهد؟ آیا صلح طلبی صدام از روی دلسوزی و تنبه و آگاهی او است و اصلًا با اینهمه جنایت و غارتگریها، برای صدام وجدان و شعور و عاطفه ای می توان تصور کرد، یا اینکه این افعی زخم خورده به خاطر استیصال و درماندگی خود به طناب صلح طلبی چسبیده است؟ و عجبا که بعض مدعیان عقل و سیاست و دوراندیشی چگونه طرح می دهند و با تحریفِ آیاتِ کتاب خدا و استناد به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله مسیر عزت و کرامت مسلمین را دیگرگون و مردم ما را از شرافت جهاد برحذر می دارند، که خداوند را سپاس می گزاریم که به ملت ایران آگاهی و رشد مرحمت فرموده است که نه تنها تحت تأثیر این القائات نرفته و نمی رود، بلکه این موضعگیریهای ناشیانه و بچگانه را دلیل کمبود و ضعف مبانی فکری و عقیدتی صاحبان این تحلیلها دانسته و به آن لبخند تمسخر می زند. کدام انسان عاقلی است که با وجود همه شرایط مناسب و مقدمات لازم و فداکردن هزاران قربانی بزرگ، از نبرد با دشمن رو به احتضار [از] مکتب و جامعه و کشور خود چشم پوشی نموده و به او مهلتِ توان دوباره دهد تا در موقع مناسب به کشور ما حمله کند؟ آیا ریاست چند روزه دنیا ارزش اینهمه خفت و زبونی را دارد؟ دنیا در شروع تجاوز به ما پیشنهاد می نمود که برای جلوگیری از تهاجم بیشتر به کشورتان، حاکمیت و خواسته های صدام را بپذیرید و به زورگویی صدامیان گردن نهید و امروز هم در راستای همان سیاستها و در زیر بمباران

مناطق مسکونی و حمله شیمیایی و حمله به نفت کشها و هواپیمای غیرنظامی و قطارهای مسافربری به زبان دیگری ما را به پذیرش حکومت زور و تجاوز صدامیان دعوت می کند. و این را دیگر همه آگاهان جهان درک کرده اند که نه تنها صدام از خلق و خوی سبعیت و درندگی ذره ای عدول ننموده است که متأسفانه با حمایت جهانخواران و یا سکوت سازمانها و مراکز بین المللی به گرگ زخم برداشته ای بدل شده است و می رود تا شعله های آتش و جنگ را در کشورهای منطقه و خصوصاً خلیج فارس بر افروزد.

و من با وجود چنین شرایطی به همه سران کشورهای خلیج فارس و همه ابرقدرتهای شرق و غرب و خصوصاً امریکا و شوروی هشدار می دهم و آنان را از دخالت و ماجراجویی و تصمیمات عجولانه بر حذر می دارم و به ملت امریکا از اینکه عنان عقل و اراده خویش را در مهمترین مسائل سیاسی و بین المللی و نظامی به دست افرادی چون ریگان بسپارد نصیحت می کنم. چرا که ریگان در کارها و خصوصاً در مسائل سیاسی و تصمیم گیریها ناتوان شده است و به کمک عقلا و اندیشمندان نیازمند شده است که مردم امریکا را به ورطه سقوط نکشاند. من به سران کشورهای خلیج فارس سفارش می کنم که به خاطر یک عنصر ورشکسته سیاسی، نظامی، اقتصادی بیش از این خود و مردم کشورتان را تحقیر نکنید و با توسل به دامن امریکا ضعف و ناتوانی خود را برملا نسازید و از گرگها و درنده ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد نطلبید ابر قدرتها آن لحظه ای که منافعشان اقتضا کند شما و قدیمیترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و مفهومی ندارد.

آنان منافع خود را ملاک قرار داده اند و به صراحت و در همه جا از آن سخن می گویند.

چه خوب است که بعض سرانِ سرسپرده کشورهای اسلامی به اربابان و خدایان زر و زور و تزویر خود، این نکته را جدی گوشزد کنند که اینقدر از منافع خود در خلیج فارس سخن نگویید، برای اینکه همین مسئله موجب حساسیت شدید مردم منطقه است که امریکا و فرانسه و انگلیس چه منافعی در آبهای خلیج فارس دارند تا پای دخالت نظامی و جنگ هم می خواهند آن را حفظ کنند؟ البته سیاست ما در مورد خلیج فارس از اول تاکنون صریح و روشن بوده است. جمهوری اسلامی ایران به امنیت در خلیج فارس

اهمیت زیادی می دهد و به همین دلیل و علی رغم فراهم بودن همه نوع امکانات دریایی و هوایی و زمینی در بستن تنگه هرمز و صدمه وارد کردن به کشتیها و نفت کشها و منافع و مراکز صدور نفت و پالایشگاهها و بنادر منطقه تا به حال از سیاست صبر و انتظار و جلوگیری از گسترش جنگ پیروی نموده است و فقط در حد نشان دادن مقدار کمی از قدرت و حضور و توانایی خود و مقابله به مثل وارد عمل گردیده است. و دنیا به این حقیقت رسیده است که ناامنی در خلیج فارس فقط به ضرر ایران تمام نمی شود، بلکه قویترین قدرتها و ابرقدرتها هم اگر مثل امریکا تمامی امکانات هوایی و دریایی و جاسوسی- خبری خود و هم پیمانان خود در منطقه را بسیج کنند، که حتی یک کشتی را بدون خطر اسکورت و حفاظت نمایند، از این خطر و ضرر مصون نخواهند ماند و در این گرداب ناامنی غرق می شوند و علی رغم آنهمه مقدمات و تمهیدات و جار و جنجالهایی که درجهانْ امریکا برپا نموده است و دهها خبرنگار و فیلمبردار را به منطقه گسیل داشته اند تا خبر موفقیت نقشه های شوم امریکا را مخابره کنند، خداوند زمینه رسوایی و زبونی امریکا را به دست غیب خود فراهم می آورد و اقتدار معنوی پرچم لااله الا اللّه را بر پرچم کفر به نمایش می گذارد و دل بندگان خالص خویش را شادمان می سازد و چه بهتر که امریکا و ریگان از مسیر سیاست مین گذاری شده خلیج فارس که کوس رسوایی آنان را در جهان به صدا درآورده است مجدداً عبور نکند و بر مرکب غرور و جهلی که تا به حال دهها بار صاحب خود را بر زمین کوبانیده است، سوار نشود و لااقل شبح قدرت و قدرت نمایی خود را پیش نوکران خود مثل کویت حفظ کند و بیش از این آنان را از شکست و خفت خود شرمسار و سرافکنده نسازد و مطمئن باشند که ادامه جولان در خلیج فارس منطقه را به کانون خطر و بحران ناخواسته علیه خود آنان سوق می دهد. و دنیا اگر خودش را آماده بحران نفت و به هم خوردن همه معادلات اقتصادی و تجاری و صنعتی کرده است، ما هم آماده ایم و کمربندها را محکم بسته ایم و همه چیز برای عملیات آماده است. و حتماً امریکا باید به این نکته برسد که دخالت نظامی در خلیج فارس صرفاً یک آزمایش نیست که یک دام بزرگ و یک بازی خطرناک است و ما و همه مسلمانان منطقه خلیج فارس، حضور نظامی ابرقدرتها را نقشه و مقدمه تهاجم و حمله به ممالک

اسلامی و کشور جمهوری اسلامی ایران و در ادامه حمایت از صدام تلقی می کنیم.

مسلمانان جهان با همراهی نظام جمهوری اسلامی ایران عزم خود را جزم کنند تا دندانهای امریکا را در دهانش خرد کنند و نظاره گر شکوفایی گل آزادی و توحید و امامت جهان نبی اکرم باشند.

البته لازم است این نکته را برای چندمین بار به سران کشورهای اسلامی حاشیه خلیج فارس بازگو کنم که القای شبهه و بزرگ جلوه دادن خطر اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برای کشورهای منطقه همان ترفند قدیم و جدید جهانخواران بوده و است، که از این طریق از پیدایش جوّ تفاهم و همکاری مسالمت آمیز جلوگیری نمایند و احساس نیاز کشورها را به شرق و غرب تشدید کنند. جمهوری اسلامی ایران مایل است بر اساس حفظ وحدت و حمایت از منافع کشورها و ملتهای اسلامی آنان را در مشکلات یاری نماید و در بروز حوادث تحمیلی سیاسی- نظامی از ناحیه استکبار جهانی با قدرت و نفوذ خود آنها را رفع و در جهت کنترل و نفی سلطه سیاسی شرق و غرب برنامه ای قوی و دقیق ارائه دهد، ولی ما مطمئنیم که با وجود صدام و حزب عفلقی عراق این مسئله به کندی پیش می رود، چرا که به همان میزانی که ابرقدرتها از ائتلاف و وحدت ملتهای اسلامی واهمه دارند، صدام نیز از همکاری ایران با کشورهای اسلامی در هراس است. به هر حال اصرار ما در نبرد، تا رفتن صدام و حزب کثیف عراق و رسیدن به شرایط بر حق و عادلانه دیگرمان یک تکلیف شرعی و واجب الهی است که از آن هرگز تخطی نمی کنیم که ان شاءاللّٰه با تحقق آن، در کنار کشورهای اسلامی، سیاستی محکم و بنیادین برای همه کشورها و ملتهای اسلامی پایه ریزی شده است و در پرتو آن منافع مردم از آفت و خطر مهاجمین و متجاسرین محفوظ خواهد ماند و همه کسانی که به فکر تجاوز به حریم کشورهای اسلامی شده اند از سرنوشت صدامیان عبرت می گیرند و خودشان را به غضب و خشم ملتها گرفتار نخواهند ساخت.

امروز بدون شک سرنوشت همه امتها وکشورهای اسلامی به سرنوشت ما در جنگ گره خورده است. و جمهوری اسلامی ایران در مرحله ای است که پیروزی آن به حساب پیروزی همه مسلمانان وخدای نخواسته شکست آن، به ناکامی و شکست

وتحقیر همه مؤمنان می انجامد و رها کردن یک ملت و یک کشور و یک مکتب بزرگ در نیمه راه پیروزی، خیانت به آرمان بشریت و رسول خداست، لذا تب جنگ در کشور ما جز به سقوط صدام فرو نخواهد نشست و ان شاءاللّٰه تا رسیدن به این هدف فاصله چندانی نمانده است. و خدا را سپاس می گزاریم که ملت و دولت و مسئولین و ارتش و سپاه و بسیج و نیروهای مردمی و همه اقشار دلاور کشورمان در آمادگی کامل به سر می برند و همه اهل جنگ و هنرآفرینان مدرسه عشق و شهادتند و به خوبی از پس توطئه های استکبار و ایادی جاسوس و منافق آنان برآمده اند و می روند که به یاری خداوند بزرگ آخرین معابر پیروزی را باز کنند و علاوه بر حضور برتر خود در خلیج فارس و جزایر و سواحل و مناطق غرب و جنوب، هم اکنون نیز به سازماندهی و بسیج و تشکل مردم ستمدیده عراق پرداخته اند که این از مهمترین خواسته ها و هدفهای ما بوده است، چرا که از اول جنگ به صراحت اعلام کرده ایم که ایران حتی به یک وجب از خاک عراق چشم ندوخته است و مردم عراق در تصمیم گیریها و انتخاب حکومت خود آزادند و چه بهتر آنکه قبل از سقوط حاکمیتِ مطلق بعث عراق، به دست رزمندگان دلاور اسلام در جبهه های نبرد، حکومت دلخواه و موردنظر خود را انتخاب کنند که بحمداللّٰه طلیعه این حرکت بزرگ آشکار شده است وهمه ابرقدرتها وحامیان رژیم رو به زوال بعث مطمئن باشند که بین المللی کردن درگیریها در جنگ وایجاد جوّ فشار و جریانات ساختگی سیاسی و تبلیغاتی و دیپلماسی علیه جمهوری اسلامی ایران در جهان و دخالتهای نظامی و غیرنظامی در خلیج فارس و بزرگ نمایی مشکلات و اختلاف تراشی و ارائه تحلیلهای کور و بی ثمر، ما را از هدف سرنگونی صدام و حزب بعث عراق و تنبیه متجاوز باز نخواهد داشت و به لطف خدا تمامی فشارها و محاصرههای جهانی را برای نیل به این هدف بزرگ تحمل می کنیم و از جنگ کردن در راه خدا خسته نمی شویم. و این ملت بزرگ ایران است که با قامتی استوار بر بام بلند شهادت و ایثار ایستاده است و هر روز نشاط و تحرک و فریاد او برای ادامه راه بیشتر می شود. البته ممکن است غربزده ها و بزدلان و همانهایی که نه در روزهای آغازین در میدان دفاع بوده اند و نه تا به امروز به حمایت از حماسه آفرینان و وطن بانان خدمتی کرده اند و نه در آینده

لیاقت حضور در جنود و سربازان خدا را خواهند یافت، برای خوش خدمتی به اربابان و دلگرم نمودن آنان از خستگی و بن بست در جنگ تحمیلی، داد سخن دهند و به خیال خام خود افکار را از جنگ منحرف نمایند و احیاناً آنهاکه در خارج از مرزها نشسته اند باورشان بیاید که مردم و مسئولین و ارتش و سپاه و بسیج از جنگ و ادامه آن خسته شده اند و یا در میان آنان بر سر جنگ اختلاف افتاده است. و حال آنکه به لطف خدا در حاکمیت جمهوری اسلامیِ ما اختلافی بر سر مواضع اصولی، سیاسی و اعتقادی وجود ندارد و همه مصممند تا توحید ناب را در بین الملل اسلامی پیاده نموده و سر خصم را به سنگ بکوبانند، تا در آینده ای نه چندان دور به پیروزی اسلام در جهان برسند.

الحمدللّه این کشور رسول خدا صلی الله علیه و آله امروز میلیونها جوان داوطلبِ جنگ و شهادت در خود پرورانده است و دل و دیدگان ملت ما را جز رضایت حق چیزی پر نخواهد کرد و به همین جهت از بذل مال و جان و فرزندان خویش در راه خدا لذت می برند و ملاک ارزش و برتری در نزد آنان تقوا و سبقت در جهاد گردیده است و از تفرعنها و خودنماییهای جاهلیت قدیم و جدید متنفرند و من خودم را خادم یک چنین ملتی می دانم و به این خدمت افتخار می کنم و همه این برکات معنوی را از توجه پیامبر رحمه للعالمین و خاتم المرسلین صلی الله علیه و آله می دانم و مردم و جوانان کشورهای اسلامی را به کشف و شناخت وایجاد روابط گرم و برادرانه با این عصاره های فضیلت و تقوا دعوت نموده و در این فرصت به همه مسئولان کشورمان تذکر می دهم که در تقدم ملاکها، هیچ ارزش و ملاکی مهمتر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی و الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده ازامکانات و تصدی مسولیتها و اداره کشور و بالاخره جایگزین همه سنتها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود، چه در زمان جنگ و چه در حالت صلح، چه امروز و چه فردا، که خدا این امتیاز را به آنان عنایت فرموده است و صِرف امتیاز لفظی و عرفی کفایت نمی کند، که باید هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن عمل و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود و مصلحت زجر کشیده ها و جبهه رفته ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح دادهها و در یک کلام، مصلحت پابرهنه ها و گودنشینها و مستضعفین، بر مصلحت قاعدین درمنازل و مناسک و متمکنین و مرفهین

گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد و نسل به نسل و سینه به سینه شرافت و اعتبار پیشتازان این نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند و باید سعی شود تا از راه رسیده ها و دین به دنیا فروشان، چهره کفرزدایی و فقرستیزی روشن انقلاب ما را خدشه دار نکنند و لکه ننگ دفاع از مرفهین بیخبر از خدا را بر دامن مسئولین نچسبانند و آنهایی که در خانه های مجلل، راحت و بی درد آرمیده اند و فارغ از همه رنجها و مصیبتهای جانفرسای ستون محکم انقلاب و پابرهنه های محروم، تنها ناظر حوادث بوده اند و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته اند، نباید به مسئولیتهای کلیدی تکیه کنند، که اگر به آن جا راه پیدا کنند چه بسا انقلاب را یکشبه بفروشند، و حاصل همه زحمات ملت ایران را بر باد دهند، چرا که اینها هرگز عمق راه طی شده را ندیده اند و فرق و سینه شکافته نظام و ملت را به دست از خدا بیخبران مشاهده نکرده اند و از همه زجرها و غربتهای مبارزان و التهاب و بیقراری مجاهدان که برای مرگ و نابودی ظلم بیگانگان دل به دریای بلا زده اند، غافل و بیخبرند.

۳- روحانیون و مدیران و مسئولین محترم کاروانها و حج با توجه به مسئولیت خطیری که در اداره و توجیه زائران محترم پذیرفته اند و با در نظر گرفتن شرایط استثنایی کشور جمهوری اسلامی ایران باید تمام همت وتلاش خود را در برگزاری صحیح و منظم حج به کار گیرند و با سعه صدر و به دور از هر گونه توقع و منتی زائران محترم بیت اللّٰه را در آموزش و تعلیم مناسک و مسائل حج همراهی نمایند و متناسب با حضور قشرهای مختلف اعم از بیسواد و باسواد برای آنان برنامه ریزی کنند و از نقش سازنده خود و تأثیر بزرگی که حج برای همیشه در سرنوشت انسان می گذارد غافل نشوند، چرا که در آن فضاو شرایط معنوی همه دلها برای تحول و پذیرفتن حق آماده است، لذا از اعمال نظرهای شخصی در امور حج و خصوصاً در مسائل و مناسک جداً خودداری شود و مسائل حج را با علم و یقین و در موارد ضرورت با مراجعه به اشخاص مطلع و یا منابع فقهی آن بیان فرمایند، چرا که در اعمال و مناسک حج مسائل جدید و مورد ابتلا فراوان است و خدای ناکرده بیان ناقص و غلط مسائل، موجب بطلان عمل و گرفتاری حجاج محترم و عسر و حرج می گردد.

روحانیون عزیز در عین حالی که مسائل را به طور واضح و دقیق بیان می کنند ولی از مشکل تراشی و حالتهای وسواس گونه که زائران [را] در شک و تردید و احتیاطهای بیمورد قرار می دهد خودداری کنند، چرا که وسواس در برنامه و مراسم وعبادتها و ادعیه موجب کسالت و بی توجهی در واجبات می شود. و یکی از فرصتهای بسیار مناسب و مغتنم برای روحانیون، ارتباط با صاحبنظران و اندیشمندان و علمای کشورهای اسلامی است. هر چند که استکبار جهانی، یا سران بعض کشورهای اسلامی بشدت از این نوع ملاقاتها و رابطه ها بیمناک و از آن جلوگیری و مراقبت می نمایند، ولی برنامه ریزی سالم و استفاده کردن از این موقعیت مناسب برای تبادل افکار و اندیشه ها و پیداکردن راه حل برای معضلات جوامع اسلامی از خواسته های جمهوری اسلامی ایران بوده است و در این فرصت مغتنم، روحانیون معظم و مسئولین تبلیغات حج برای انتقال تجارب انقلاب و ارائه خط مشی های سیاسی در پرتو احکام قرآن و نقش عظیم روحانیت اسلام در رهبری مردم و جامعه، نقش کارسازی باید ایفا بنمایند.

متأسفانه نه تنها مردم کشورها، بلکه روحانیون ممالک اسلامی اکثراً از کارآیی و نقش سازنده و تعیین کننده خود در مسائل روز و سیاستهای بین المللی بیخبر هستند و متأثر از القائات و برداشتهای مادی، تصور می کنند که در عصر تمدن و تکنیک و صنعت و تحولات علمی وپیشرفتهای مادی، نفوذ روحانیت کم شده است و نعوذباللّٰه اسلام از اداره کشورها عاجز مانده است، که بحمداللّٰه پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری روحانیت، خلاف این تصورات را ثابت نمود و علی رغم همه کارشکنیها و سنگ اندازیها و توطئه های شرق و غرب و حسادت و کینه توزی ایادی آنان، توانمندی و اقتدار روحانیت اسلام آشکار گردید. که من از تمامی علما و متفکرین و دانشمندان اسلامی سراسر جهان دعوت می کنم که در فرصتهای مناسب به کشور عزیز اسلامی ایران سفر کنند و در وضع گذشته این مملکت که نظام شاهنشاهی آن را به مملکتی غربزده و تهی از ارزشهای اسلامی مبدل ساخته بود و ایران می رفت تا پایگاهی برای اسلام زدایی و محو آثار رسالت گردد و از تاریخ تا فرهنگ و همه مظاهر اسلام نابود شود، فکر نمایند و همچنین به بررسی وضعیت کنونی بپردازند که اساس قوانین ومقررات این کشور را

وحی و اسلام معیّن نموده است و تمامی مظاهر کفر و شرک و معاصی علنی حتی المقدور بر چیده شده و علی رغم همه نغمه های شوم التقاطیها و چپها و راستها و ملیگراها که در روزهای اول پیروزی انقلاب و برای قبضه نمودن قدرت و تفکر ملت ایران از حلقوم آنان برمی خاست، خداوند بر ما منت نهاد که توطئه آنان کشف و در تمامی کشور ما قوانین و برنامه های اسلامی در حال پیاده شدن است و از میدانهای نبرد و کارزار گرفته تا مراکز تحقیقات علمی، دانشگاهها و حوزهها و از مجالس قانونگذاری و تدوین همه مقررات کشوری و لشکری تا قوه مجریه که دست اندرکاران حل و فصل بزرگترین مسائل اداری و اجرایی یک کشور بزرگ و در حال جنگ و محاصره وبا جمعیتی متجاوز از پنجاه میلیون نفر است و از قوه قضاییه که مسئولیت اجرای حدود و احکام الهی و در حقیقت بار سنگین تأمین امنیت جان و نوامیس و اموال و شخصیت یک جامعه انقلابی را به عهده دارد تا فرماندهی قوای نظامی وانتظامی که مسئولیت امنیت مرزهاو داخل کشور و خنثی نمودن صدها توطئه رنگارنگ به عهده آنان است و باید جلوی تخریب و جنایات منافقین و ضدانقلاب واشاعه فحشا و منکرات و دزدیها و قتلها و موادمخدر را بگیرند، که همه اینها با رهبری روحانیت متعهد و به برکت احکام نورانی اسلام و کتاب آسمانی پیامبر اکرم حضرت محمد بن عبداللَّه صلی الله علیه و آله و پیروی از ائمه هدی علیهم السلام اداره می شود و خدا را سپاس می نهیم که با تکیه بر آیات وحی و کتاب خدا توانسته ایم کشورمان را از وابستگیها نجات دهیم. البته تا پیاده کردن تمامی احکام و مقررات اسلامی وعمل کامل در همه سطوح جامعه راه زیادی در پیش داریم ولی به یاری خداوند همچنان به تلاش و کوشش خود ادامه می دهیم و در عمل به همه غربزدگان و شرقزدگان و خودباختگانی که از مطرح کردن شعار اسلام و اعتماد به قرآن کریم واهمه داشته اند، نشان می دهیم که چگونه می توان جامعه را از سرچشمه های معرفت کتاب خدا و هدایت اسلام عزیز سیراب نمود، که بحمداللَّه همه اینها از برکات و ورود علما در مسائل سیاسی و استنباط احکام در مسائل مستحدثه بوده است، که روحانیت کشور ایران فقط به خطابه و وعظ و ذکر مسائل روزمره اکتفا ننموده است و با دخالت در مهمترین مسائل سیاسی کشور خود و جهان توانسته است قدرت مدیریت روحانیت اسلام را به

نمایش بگذارد و اتمام حجتی برای همه قائلین به سکوت و سازشکاران بی تعهد و علم فروشان بی عمل باشد وتعجب است که چگونه بسیاری ازعلما و روحانیون کشورها و بلاد اسلامی از نقش عظیم و رسالت الهی و تاریخی خود در این عصری که بشریت تشنه معنویت و احکام نورانی اسلام است غافلند و عطش ملتها را درک نمی کنند و از التهاب و گرایش جوامع بشری به ارزشهای وحی بیخبرند و قدرت و نفوذ معنوی خود را دست کم گرفته اند، که در همین شرایط پر زرق و برق حاکمیت علوم وتمدن مادی بر نسل معاصر، علما و خطبا و ائمه جمعه بلاد و روشنفکران اسلامی با وحدت و انسجام و احساس مسئولیت و عمل به وظیفه سنگین هدایت و رهبری مردم، می توانند دنیا را در قبضه نفوذ و حاکمیت قرآن در آورند و جلوی اینهمه فساد و استثمار و حقارت مسلمین را بگیرند و از لانه کردن شیاطین کوچک و بزرگ خصوصاً امریکا در ممالک اسلامی جلوگیری کنند و به جای نوشتن و گفتن لاطائلات و کلمات تفرقه انگیز و مدح و ثنای سلاطین جور و بدبین کردن مستضعفان به مسائل اسلام و ایجاد نفاق در صفوف مسلمین به تحقیق و نشر احکام نورانی اسلام همت بگمارند و با استفاده از این دریای بیکران ملتهای اسلامی، هم عزت خود را و هم اعتبار امت محمدی صلی الله علیه و آله را پایدار نمایند.

آیا برای علمای کشورهای اسلامی ننگ آور نیست که با داشتن قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام احکام و مقررات کفر در ممالک اسلامی تحت نفوذ آنان پیاده شود و تصمیمات دیکته شده صاحبان زر و زور و تزویر و مخالفان واقعی اسلام اجرا گردد و سیاستگذاران کرملین یا واشنگتن دستورالعمل برای ممالک اسلامی صادر کنند؟ علمای بلاد و کشورهای اسلامی باید راجع به حل مشکلات و معضلات مسلمین و خروج آنان از سیطره قدرت حکومتهای جور با یکدیگر به بحث و مشورت و تبادل نظر بپردازند و برای حفظ منافع مسلمین سینه ها را سپر کنند و جلوی تهاجم فرهنگهای مبتذل شرق و غرب را که به نابودی نسل و حرث ملتها منتهی شده است را بگیرند، و به مردم کشورهای خود آثار سوء و نتایج خود باختگی در مقابل زرق و برق غرب و شرق را بازگو کنند و به مردم و به دولتها خطر استعمار نو و شیطنت ابرقدرتها که جنگ و مسلمان کشی در جهان به راه انداخته اند،

گوشزد کنند.

من مجدداً تأکید می کنم که دنیا امروز تشنه حقایق و احکام نورانی اسلام است و حجت الهی بر همه علما و روحانیون تمام گردیده است، چرا که وقتی جوانان کشورهای اسلامی برای دفاع از مقدسات دینی خود تا سر حد شهادت پیش رفته اند و برای بیرون کردن متجاوزان، خود را به دریای حوادث و بلا زده اند و زندانها و شکنجه ها را به جان خریده اند و همچون مسلمانان شجاع و مبارز و عزیزان حزب اللّٰه لبنان و سایر کشورها مقاومت کرده اند و به جهاد علیه متجاوزان برخاسته اند، چه حجتی بالاتر از این و چه بهانه ای برای سکوت و مماشات و در خانه نشستن و تقیه کردنهای بیمورد مانده است؟

علما و روحانیت متعهد اسلام اگر دیر عمل کنند، کار از کار می گذرد. البته ما درد تنهایی بعض از علما و متعهدینی که در شهرها و کشورهایشان در محاصره سرنیزه ها و فشار تحلیلها و حکمهای نامشروع علمای سوء و درباری گرفتار آمده اند [را] احساس می کنیم ولی به همه این عزیزان که در فشار جباران می باشند، موعظه خدا رایادآور می شویم که انْ تَقُومُوا للّٰه مَثْنی وَ فُرادی ثُمَّ تَتَّفَکَّروا؛ (۱)

برای خدا قیام کنید و از تنهایی و غربت نهراسید، مساجد بهترین سنگرها و جمعه و جماعات مناسبترین میدان تشکل و بیان مصالح مسلمین می باشند. امروز دولتها و سرسپردگان ابرقدرتها اگر چه به جنگ جدی با مسلمانان برخاسته اند وهمچون دولت هند مسلمانان بیگناه و بی پناه و آزاده را قتل عام می کنند ولی هرگز جرأت و قدرت تعطیل مساجد و معابد مسلمین را برای همیشه ندارند ونور عشق و معرفت میلیونها مسلمان را نمی توانند خاموش کنند. در عین حال اگر آنان مساجد و محافل مذهبی و سیاسی علمای اسلام را به تعطیلی بکشانند و حتی علمای اسلام را در ملأ عام به دار کشند، خود دلیل مظلومیت اسلام و موجب توجه بیشتر مسلمانان به روحانیت و پیروی از آنان می شود. مگر نه این است که خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر ستم ستمکاران و ظلم جنایت پیشگان ساکت و آرام نمانند؟ مگرنه این است که علما حجت پیامبران ومعصومین بر زمین هستند؟ پس باید علما و

۱- بخشی از آیه ۴۶ سوره سبأ: «بگو شما را به یک موعظه سفارش می کنم) اینکه برای خدا قیام کنید دو نفردو نفر یا به تنهایی، سپس فکر و اندیشه کنید».

روشنفکران و محققان به داد اسلام برسند و اسلام را از غربتی که دامنگیرش شده است نجات دهند و بیش ازاین ذلت و حقارت را تحمل نکنند و بت سیادت تحمیلی جهانخواران را بشکنند و با بصیرت و سیاست چهره منور و پراقتدار خود را آشکار سازند و در این راستا، دو چهره ها و روحانی نمایان و دین به دنیافروشان و قیل و قال کنندگان را از خود و از کسوت خود برانند و اجازه ندهند که علمای سوء و تملق گویان ظلمه و ستمگران، خود را به جای پیشوایان و رهبران معنوی امتهای اسلامی بر مردم تحمیل کنند و از منزلت و موقعیت معنوی علمای اسلام سوء استفاده کنند. روحانیون متعهد اسلام باید از خطر عظیمی که از ناحیه علمای مزور و سوء و آخوندهای درباری متوجه جوامع اسلامی شده است سخن بگویند، چرا که این بیخبران هستند که حکومت جابران و ظلم سران وابسته را توجیه و مظلومین را از استیفای حقوق حقه خود منع و در مواقع لزوم به تفسیق و کفر مبارزان وآزادیخواهان در راه خدا حکم می دهند، که خداوند همه ملتهای اسلامی را از شرور و ظلمت این نا اهلان و دین فروشان نجات دهد.

و یکی از مسائل بسیار مهمی که به عهده علما و فقها و روحانیت است، مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاستهای اقتصاد سرمایه داری و اشتراکی در جامعه است، هرچند که این بلیه دامنگیر همه ملتهای جهان گردیده است و عملًا بردگی جدیدی بر همه ملتها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زر و زور پیوند خورده اند و حق تصمیم گیری در مسائل اقتصاد جهان از آنان سلب شده است و علی رغم منابع سرشار طبیعت و سرزمینهای حاصلخیز جهان و آبها و دریاها و جنگلها و ذخایر، به فقر ودرماندگی گرفتار آمده اند و کمونیستها و زراندوزان و سرمایه داران با ایجاد روابط گرم با جهانخواران، حق حیات وابتکار عمل را از عامه مردم سلب کرده اند و با ایجاد مراکز انحصاری وچند ملیتی، عملًا نبض اقتصاد جهان را در دست گرفته وهمه راههای صدور و استخراج و توزیع و عرضه وتقاضا و حتی نرخ گذاری و بانکداری را به خود منتهی نموده اند وبا القای تفکرات و تحقیقات خود ساخته، به توده های محروم باورانده اند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده و الّا راهی برای ادامه حیات پابرهنه ها، جز تن دادن به فقر باقی نمانده است و این

مقتضـای خلقت و جـامعه انسـانی است که اکـثریت قریب به اتفـاق گرسـنگان در حسـرت یـک لقمه نـان بسوزنـد و بمیرنـد و گروهی اندک هم از پرخوری و اسـراف وتعیشـها جانشان به لب آید. به هر حال این مصـیبتی است که جهانخواران بر بشریت تحمیل کرده انـد و کشورهای اسـلامی به واسـطه ضـعف مـدیریتها و وابسـتگی، به وضـعیت أسـفبار گرفتار شده اند که این به عهـده علمـای اسـلام و محققین و کارشـناسان اسـلامی است که برای جایگزین کردن سیسـتم ناصـحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسـلام، طرحها و برنامه های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرهنه ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به درآورنـد. البته پیاده کردن مقاصد اسـلام در جهان و خصوصاً برنامه های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سـرمایه داری غرب و اشتراکی شـرق، بدون حاکمیت همه جانبه اسـلام میسر نیست و ریشه کن شدن آثار سوء و مخرب آن، چه بسا بعـد از اسـتقرار نظام عـدل و حکومت اسـلامی همچون جمهوری اسـلامی ایران نیازمنـد به زمان باشـد، ولی ارائه طرحهـا و اصولًا تبیین جهت گیری اقتصـاد اسـلام در راسـتای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسـلام با زرانـدوزان، بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شـمار می رود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسـلام هیـچ امتیاز و برتری ای از این جهت بر فقرا ندارنـد و ابداً اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت، مسلّم راه شـکوفایی و پرورش اسـتعدادهای خفته و سـرکوب شـده پابرهنگان را فراهم می کند. و تذکر این مطلب که ثروتمنـدان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نبایـد در حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسـلامی نفوذ کنند ومال و ثروت خود را به بهـانه فخرفروشـی و مباهـات قرار بدهنـد و به فقرا و مسـتمندان و زحمتکشـان، افکـار و خواسـته هـای خود را تحمیل کنند، این خود بزرگترین عامل تعاون و دخالت دادن مردم در امور و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزشـهای متعالی و فرار از تملق گوییهـا می گردد و حتی بعض ثروتمنـدان را از اینکه تصور کننـد که مـال و امکاناتشـان دلیـل اعتبـار آنـان در پیشگاه خداست متنبه می کند.

خلاصه کلام اینکه بیان این واقعیت که در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزونتر از

آنِ کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت و همه مدیران وکارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرهنه ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکنین و مرفهین، و در کنار مستمندان و پابرهنه ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده و عملاً به شبهات و القائات خاتمه می دهد، که بحمداللّه در جمهوری اسلامی ایران، اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است.

و همچنین مسئولین محترم کشور ایران علی رغم محاصرات شدید اقتصادی وکمبود درآمدها، تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده اند و همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ما است که روزی فقر و تهیدستی از جامعه ما رخت بربندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان ازاعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذاللّه که این با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزه است، تا ابد هم باید منزه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ما است که به حمایت از پابرهنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است. از آنجا که محرومیت زدایی، عقیده و راه و رسم زندگی ما است، جهانخواران در این مورد هم ما را آرام نگذاشته اند و برای ناتوان ساختن دولت ودست اندرکاران کشور ما حلقه های محاصره را تنگتر کرده اند و بغض و کینه و ترس و وحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی- اقتصادی ظاهر ساخته اند و بدون شک جهانخواران به همان میزان که از شهادت طلبی و سایر ارزشهای ایثارگرانه ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد اسلام به طرف حمایت از پابرهنگان در هراسند و مسلّم هر قدر کشور ما به طرف فقرزدایی و دفاع از محرومان حرکت کند، امید جهانخواران از ما منقطع و گرایش ملتهای جهان به اسلام زیادتر می شود و روحانیت عزیز باید به این اصل توجه عمیق داشته باشند و افتخار

تاریخی و بیش از هزار ساله پناهگاهیِ محرومان را برای خود حفظ کنند و به سایر مسئولین و مردم توصیه نمایند که ما نباید گرایش و توجه بی شائبه محرومین را به انقلاب و حمایت بیدریغ آنان را از اسلام فراموش کنیم و بدون جواب بگذاریم.

البته پرواضح است که همه اقشار کشور ما در انقلاب سهیم و شریکند و همه برای خدا و انجام وظیفه الهی خود وارد صحنه ها شده اند و مقصد خدا است و هرگز آمال بلند و الهی خود را به مسائل مادی آلوده نمی کنند و با کمبودها ازمیدان به در نمی روند، چرا که کسی که برای خدا جان ومال فدا می کند، به خاطر شکم و دنیا از پا در نمی آید، ولی وظیفه ما و همه دست اندرکاران است که به این مردم خدمت کنیم و در غم و شادی ومشکلات آنان شریک باشیم که گمان نمی کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد. راستی وقتی که پابرهنه ها و گودنشینان و طبقات کم درآمد جامعه ما امتحان و تقید خود را به احکام اسلامی تا سر حد قربانی نمودن چندین عزیز و جوان و بذل همه هستی خود داده اند و در همه صحنه ها بوده اند- و ان شاءاللّٰه خواهند بود- و سر و جان را در راه خدا می دهند، چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت افتخار نکنیم! ما مجدداً می گوییم که یک موی سر این کوخ نشینان و شهیددادگان به همه کاخ و کاخ نشینان جهان شرف و برتری دارد.

و آخرین نکته ای که در اینجا ضمن تشکر از علما و روحانیون و دولت خدمتگزار حامی محرومان باید از باب تذکر عرض کنم و بر آن تأکید نمایم، مسئله ساده زیستی و زهدگرایی علما و روحانیت متعهد اسلام است که من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است واداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زیّ روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و برحذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست که بحمداللّٰه روحانیت متعهد اسلام امتحان زهدگرایی خود را داده است، ولی چه بسا دشمنان قسم خورده اسلام و روحانیت بعد از

این برای خدشه دار کردن چهره این مشعلداران هدایت و نور، دست به کار شوند و با کمترین سوژه ای به اعتبار آنان لطمه وارد آورند که ان شاءاللّه موفق نمی شوند.

و اما زائران محترم ایرانی که انصافاً شخصیت و شعور و رشد سیاسی و اجتماعی خود را در مراسم حج سالهای گذشته به نمایش گذارده اند و باعث حفظ آبرو و اعتبار جمهوری اسلامی ایران شده اند، امسال نیز علاوه بر دقت و توجه به اعمال و واجبات حج و استفاده از این نعمت بزرگ تشرف به مکه مکرمه و مدینه منوره و زیارت خانه خدا و مرقد پاک نبی اکرم صلی الله علیه و آله و بقیع و تشرف به جوار تربت مطهر حضرت زهرا علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام در راهپیمایی کوبنده برائت با هماهنگی و انسجام کامل در صفوف و شعارها و برنامه ها شرکت نمایند و از برکاتِ این اجتماع مقدس عبادی- سیاسی که نشان دهنده اقتدار مسلمین و کشور عزیز و اسلامی ایران است بهره مند شوند و با برخوردهای اخلاقی و سالم و سازنده در تمام مراسم حج و خصوصاً در مسیر راهپیمایی با مردم سایر کشورها و یا مأمورین کشور عربستان سعودی، آنان را به ضرورت حضور در این اجتماعات دعوت کنند و از هرگونه اعمال سلیقه های شخصی و کارهای خودسرانه ای که خدای ناکرده موجب هتک احترام این اجتماع عظیم شود خودداری کنند و از درگیری و اهانت و جدال احتراز نمایند، هرچند که زائران محترم با آگاهی کامل نقشه ها و توطئه ها را خنثی می کنند ولی چه بسا افرادی به منظور برهم زدن شکوه و جلوه اجتماعات حج و مخدوش کردن چهره انقلاب به کارهای بدون حساب و خودسرانه دست زنند. البته بعید به نظر می رسد که دولت یا مأمورین عربستان که میزبان زائران خانه خدا و حرم پیغمبر اکرمند، از این نمایش قدرت اسلام و مسلمین در برابر کفر و ابتکار عملی- سیاسی ملت ما که به خاطر سربلندی جهان اسلام و مسلمین می باشد جلوگیری کنند. در هر حال زائران ایرانی به نقش و رسالت خود در تمامی مراحل حج توجه کنند که تمامی اعمال و رفتار آنان با دقت مورد توجه و نظر دوستان و دشمنان انقلاب ما است، و دشمنان انقلاب درصدد دست یافتن به سوژه ای ولو مختصر جهت تخریب قداست و اعتبار الهی مردم کشور ما می باشند و دوستان و طرفداران انقلاب مشتاق آشنایی با روش و سیره وخصوصیات این ملتی که آوازه نام و نشانش- به یاری خداوند- در سراسر عالم طنین

افکنده است، گردیده اند. و حج بهترین میعادگاه معارفه ملتهای اسلامی است که مسلمانان با برادران و خواهران دینی واسلامی خود از سراسر جهان آشنا می شوند و در آن خانه ای که متعلق به تمام جوامع اسلامی و پیروان ابراهیم حنیف است، گِردهم می آیند و با کنار گذاردن تشخصها و رنگها و ملیتها و نژادها به سرزمین و خانه اولینِ خود رجعت می کنند و با مراعات اخلاق کریمه اسلامی واجتناب از مجادلات و تجملات، صفای اخوت اسلامی و دورنمای تشکل امت محمدی صلی الله علیه و آله را در سراسر جهان به نمایش می گذارند.

زائران محترم کشور ایران، ارزش دستاوردهای معنوی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در برخورد با سایر مسلمانان بهتر درک می کنند و باتوجه و اطلاع از گرفتاریها و مشکلاتی که به اشکال مختلف بر ملتهای اسلامی تحمیل شده است، به ابعاد عظمت انقلاب و عنایات خاصه حق تعالی و توجه امام زمان- ارواحنا فداه- به این ملت بیشتر پی می برند و قدر برکات این انقلاب را بیشتر از گذشته می دانند و از کار و تلاش مسئولین محترم و دولت خدمتگزار که شب و روز خود را وقف خدمت نموده اند، مطلع می گردند و از تحولی که در جوانان و اقشار دیگر ملت به وجود آمده است و آنان را به بهشت صلابت و عفت و حیا و شرافت و آزادی وجهاد رهنمون شده اند، خدا را سپاس می گزارند.

خداوندا! این نعمتهای بزرگ را از ما و ملت ما نگیر. خداوندا! ما را به ارزش برکات خود بیشتر آشنا فرما. خداوندا! بربندگی ما و خلوص ما و اظهار عجز و ذلت ما در برابر خودت بیفزا. خداوندا! به ما توکل و صبر و مقاومت و رضا و توفیق جلب عنایت خود کرامت فرما و در مسیر خدمت به بندگانت ما را تا مرز قربانی خود وفرزندان و هستی مان همراهی و مدد بنما.

زائران محترم مبادا که از احساس رشد و عظمت انقلاب خود در برابر مسلمانان دیگر کشورها به غرور و عُجب گرفتار شوند و خدای نخواسته به اعمال و رفتار مسلمانان به دیده اهانت و تحقیر بنگرند و از همدلی و انس با دوستان خدا در مکه مکرمه محروم شوند و از شکر این نعم بزرگ الهی، که تواضع در برابر مسلمانان و مستضعفان و برادران

دینی است، غافل بمانند. در کنار خانه خدا و مرقد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیعتها و پیوندهای دوستی وارتباط آینده را با مسلمانان محکم کنند وحدیث انقلاب و لطف خدا را به آنان بازگو نمایند. و از جانب من و همه ملت ایران به همه مسلمانان اطمینان بدهید که جمهوری اسلامی ایران پشتیبان شما و حامی مبارزات و برنامه های اسلامی شما است و در هر سنگری علیه متجاوزان در کنار شما ایستاده است و از حقوق گذشته و امروز و آینده شما ان شاءاللّه دفاع خواهد کرد و به آنان بگویید که اقتدار و اعتبار جمهوری اسلامی ایران متعلق به همه ملتهای اسلامی است و دفاع از ملت قهرمان و دلاور ایران در حقیقت دفاع از همه ملتهای تحت ستم است و ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می دهیم وبه یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح و کل و امامت مطلق حق امام زمان- ارواحنا فداه- هموار می کنیم.

و از نکاتی که حجاج محترم باید به آن توجه کنند، اینکه مکه معظمه و مشاهد مشرفه آینه حوادث بزرگ نهضت انبیا و اسلام و رسالت پیامبراکرم است، جای، جای این سرزمین محل نزول و اجلال انبیای بزرگ و جبرئیل امین و یادآور رنجها و مصیبتهای چندین ساله ای است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در راه اسلام و بشریت متحمل شده اند و حضور در این مشاهد مشرفه و امکنه مقدسه و در نظر گرفتن شرایط سخت و طاقتفرسای بعثت پیامبر، ما را به مسئولیت و حفظ دستاوردهای این نهضت ورسالت الهی بیشتر آشنا می کند، که واقعاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام در چه غربتهایی برای دینِ حق و امحای باطل، استقامت و ایستادگی نموده اند و ازتهمتها و اهانتهاو زخم زبانهای «ابولهب» و «ابوجهل» ها و «ابوسفیان» ها نهراسیدند و در عین حال شدیدترین محاصره های اقتصادی در شعب ابیطالب، به راه خود ادامه داده اند و تسلیم نشدند و سپس با تحمل هجرتها و مرارتها در مسیر دعوت حق و ابلاغ پیام خدا و حضور در جنگهای پیاپی و نابرابر و مبارزه با هزاران توطئه وکارشکنیها به هدایت و رشد همت گماشته اند که دل صخره ها و سنگها و بیابانها و کوهها و کوچه ها و بازارهای مکه و مدینه پر است از هنگامه پیام

رسالت آنان که اگر آنها به زبان و سخن می آمدند و از راز و رمز تحقق فَاسْتَقِمْ کَما امِرْتَ (۱)

پرده برمی داشتند، زائران بیت اللّه الحرام در می یافتند رسول خدا برای هدایت ما و بهشتی شدن مسلمانان چه کشیده اند و مسئولیت پیروان او چقدر سنگین است. و ملت شهید داده ایران اگر چه در طول دوران مبارزه و جنگ و حوادثِ دیگر انقلاب مظلومیتها و سختیها و درد و رنجهای فراوان دیده است و جوانان و عزیزان گرانقدری را تقدیم راه خدا کرده است ولی یقیناً وسعت مظلومیتها و سختیهایی که بر پیشوایان ما رفته است، به مراتب بالاتر از مسائل ما است. حجاج محترم سلام خالصانه ملت عزیز و مسئولین پر تلاش و خانواده های معظم شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین را به پیشگاه مقدس پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و اهل بیت هدی علیهم السلام ابلاغ کنید و ملتمسانه و عاجزانه از آنان تفقد و رحمت بیشتر برای این پیروان صادق خود خواسته و پیروزی ملت ما را در جنگ بر کفر جهانی از خدا بخواهند و از این فرصت مناسب در دعا کردن به همه مسلمانان و رفع گرفتاریها استفاده کنند.

خداوندا! اگر هیچ کس نداند تو خود می دانی که ما برای برپایی پرچم دینِ تو قیام کرده ایم و برای برپایی عدل و داد در پیروی از رسول تو در مقابل شرق و غرب ایستاده ایم و در پیمودن این راه لحظه ای درنگ نمی کنیم. خداوندا! تو می دانی که فرزندان این سرزمین در کنار پدران ومادران خود برای عزت دین تو به شهادت می رسند و با لبی خندان و دلی پر از شوق و امید به جوار رحمت بی انتهای تو بال و پر می کشند.

خداوندا! تومی دانی که امت رسول تو در ا ین مملکت مواجه با همه توطئه ها است و ایادی شیطان در داخل و خارج او را آرام نمی گذارند و تلاشها هر روز برای در تنگنا و مضیقه قرار دادن این ملت در امور اقتصاد فزونتر می شود.

خداوندا! تو می دانی مردم ما مشکلات را به جان و دل خریده اند و از هیچ چیزی غیر تو ترس و بیم ندارند و تمام زجرها و دردها را تحمل می کنند، همه پیروزیها را از آن تو و به عنایت تو می دانند، پس ما را به عنایت دوباره خود همراهی نما و دلهای ملت ما را

۱- بخشی از آیه ۱۱۲ سوره هود: «همانگونه که امر شده ای استقامت کن».

به نصر وپیروزی خود امیدوارتر ساز و رزمندگان جبهه ما را به مدد غیبی و جنود مخفی خود غالب وپیروز گردان و توان و صبر و استقامت ما را در تحمل سختیها و مشکلات افزون نما و نعمت رضایت در شکست وپیروزی را به ما ارزانی فرما و دل مردم ما را که برای دین تو شهید و مفقود و مجروح و اسیر داده اند و سختی هجران عزیزان را به عشق لقا و رضای تو تحمل کرده اند، شادمان فرما و همه ما را در مسیر بندگی خود عاشق و دردآشنا فرما و شهیدان ما را از کوثر زلال ولایت خود و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام سیراب نما و انقلاب اسلامی ما را به انقلاب مصلح کل متصل فرما. «انک ولیّ النعم».

۱ ذی الحجه الحرام ۴۰۷

روح اللّٰه الموسوی الخمینی

پیام

زمان: ۱۲ مرداد ۱۳۶۶/ ۷ ذی الحجه ۱۴۰۷

مکان: تهران، جماران

موضوع: جنایتها و خیانتهای آل سعود

مناسبت: فاجعه خونین مکهکشتار زائران ایرانی توسط مأموران آل سعود)

مخاطب: کروبی، مهدینماینده امام خمینی و سرپرست حجاج ایرانی)

جنایتها و خیانتهای آل سعود

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

والَّذینَ هاجَرُوا فی سَبیلِ اللَّه ثُمَّ قُتِلُوا اوْ ماتُوا لَیَرْزُقَنَّهُم اللَّه رِزْقاً حَسَناً وَ إنَّ اللَّه لَهُوَ خَیْرُالرَّازِقینَ (۱)

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی- دامت افاضاته

پیام استقامت و مظلومیت شما و زائران عزیزتر از جانمان را از کنار کعبه مظلوم و حرم خون آلود خدا شنیدم. سلام خالصانه اینجانب و همه ملت ایران را به همه عزیزانی که در کنار خانه خود و حرم امن خدا مورد تهاجم و گستاخی اجیر شدگان شیطان بزرگ، یعنی آمریکای جنایتکار قرار گرفته اند، ابلاغ کنید. این حادثه بزرگ نه تنها احساسات و عواطف ملت ایران را که یقیناً دل همه آزادگان جهان و ملتهای اسلامی را جریحه دار و متألم ساخته است ولی برای ملت بزرگ و قهرمانی همچون مردم عزیز کشورمان که تجربه چندین ساله انقلاب را دیده اند و نقاب از چهره ها و نیرنگهای ایادی امریکا چون شاه و صدام را در حمله به عزاداران حسینی و آتش زدن قرآنها و مساجد برداشته اند، این

۱- سوره حج، آیه ۵۸: «و آنانکه در راه رضای خدا از وطن هجرت گزیدند و در این راه کشته شدند، یا مرگشان فرارسید، البته خدا رزق و روزی نیکوییدر بهشت ابد) نصیبشان گرداند، که همانا خدا بهترین روزی دهندگان است».

حـوادث غیرمـترقبه و شـگفت آور نیست که دوبـاره دست کـثیف امریکـا و اسـرائیل از آسـتین ریاکـاران و سـردمداران کشور عربسـتان و خائنین به حرمین شریفین (۱) به درآیـد و قلب بهترین مسـلمانان و عزیزان و میهمانان خـدا را نشانه رود و مـدعیان سقایت (۲) حاجّ و عمارت مسجدالحرام، خیابانها و کوچه های مکه را از خون مسلمانان سیراب کنند.

مـا در عین حـال که شدیـداً متـأثر و عزادار از این قتل عام بی سابقه امت محمـد صـلی الله علیه و آله و پیروان ابراهیم حنیف و عاملین به قرآن کریم گردیده ایم ولی خداوند بزرگ را سپاس می گزاریم که دشـمنان ما و مخالفین سیاست اسلامی ما را از کم عقلاـن و بیخردان قرار داده است، چرا که خودشان هم درک نمی کننـد که حرکتهای کورشان سـبب قوّت و تبلیغ انقلاب مـا و معرف مظلومیت ملت ما گردیـده است و در هر مرحله ای سـبب ارتقای مکتب و کشورمان را فراهم کرده انـد که اگر از صـدها وسـیله تبلیغاتی اسـتفاده می کردیم و اگر هزاران مبلّغ و روحانی را به اقطار عالم می فرسـتادیم تا مرز واقعی بین اسـلام راسـتین و اسـلام امریکـایی و فرق بین حکومت عـدل و حکومت سـرسپردگان مـدعی حمـایت از اسـلام را مشـخص کنیم، به صورتی چنین زیبا نمی توانستیم، و اگر می خواستیم پرده از چهره کریه دست نشاندگان آمریکا برداریم و ثابت کنیم که فرقی بین محمـدرضاخان و صـدام امریکـایی و سـران حکومت مرتجع عربسـتان در اسـلام زدایی و مخالفتشـان با قرآن نیست و همه نوکر امریکـا هسـتند و مـأمور خراب کردن مسـجد و محراب و مسـئول خـاموش نمودن شـعله فریاد حق طلبانه ملتها، باز به این زیبـایی میسر نمی گردیـد، و همچنین اگر می خواستیم به جهـان اسـلام ثـابت کنیم که کلیـدداران کنونی کعبه لیاقت میزبانی سربازان و میهمانان خدا را ندارند و جز تأمین امریکا و اسـرائیل و تقدیم منافع کشورشان به آنان کاری از دستشان برنمی آید، بـدین خوبی نمی توانستیم بیان کنیم و اگر می خواستیم به دنیا ثابت کنیم که حکومت آل سـعود، این وهابیهای پست بیخبر از خـدا بسان خنجرنـد که همیشه از پشت در قلب مسـلمانان فرو رفته اند، به این اندازه که کارگزاران ناشـی و بی اراده حاکمیت سعودی در این قساوت و بی رحمی عمل کرده اند، موفق نمی شدیم و حقا که

۱- در مقابل ادعای زمامداران آل سعود که خود را «خادم الحرمین الشریفین» می نامند.

۲- آبرسانی، رساندن آب به حاجیان.

این وارثان ابی سفیان و ابی لهب و این رهروان راه یزید روی آنان و اسلاف خویش را سفید کرده اند.

جمهوری اسلامی ایران الحمدللّه در میان زائران خانه حق از ملیتها و نژادها و کشورها و حتی در خود عربستان طرفداران بسیار زیاد و دوستان صادق و وفاداری پیدا نموده است که برای گواه و شهادت حقانیت ما و معرفی ابعاد قتل عام خونبار مسلمانان به دست خادم الحرمین و انتقال حقایق تلخ روز حادثه به مردم جهان ما را یاری دهند. و چه بهتر که بلافاصله و در حالی که اجساد عزیزان ما بر زمین افتاده اند، صدام و حسین اردنی (۱) و حسن مراکشی (۲) به حمایت از جنایت آل سعود اعلام همبستگی نمایند، گویی عربستان سنگر بزرگی را فتح کرده است و در کشتن صدها زن و مرد بی دفاع مسلمان و به رگبار مسلسل بستن آنان و عبور از روی اجساد مطهر آنان به پیروزی نظامی بزرگی نایل آمده است که به یکدیگر تبریک می گویند و حال آنکه جهان در این ماتم نشسته و دل پیامبر خاتم شکسته است. و چه کسی است که نداند توسل به زور و سرنیزه و لشکر کشی در برابر زائران خانه حق و تهیه آن همه مقدمات و توسل به بهانه های پوچ برای درگیری با زنان و مردان و جانبازان و مادران و همسران شهیدان چیزی جز استیصال و خشم و ضعف امریکا و عجز و ناامیدی سرسپردگان آنان نخواهد بود. یقیناً امریکا و عربستان از شرایط خلع سلاح مسلمانان در حرم خدا و احترام مؤمنین به احکام قرآن و پرهیز از جدال در کنار خانه خدا سوءاستفاده کرده اند و با وسایل از پیش فراهم شده و نقشه های دقیق روبه صفتانه به صفوف شیرمردان و شیرزنان ما حمله نموده اند و آنان را غافلگیر کرده اند. حکومت سعودی مطمئن باشد که امریکا لکه ننگی بر دامنش نهاده است که تا قیام قیامت هم باآب زمزم و کوثر پاک نمی شود و خونی که از دل اقیانوس بزرگ ملت ما بر سرزمین حجاز جاری شده است، زمزم هدایتی برای تشنگان سیاست ناب اسلام گردیده است که ملتها و نسلهای آینده از آن سیراب و ستمکاران در آن غرق و هلاک می شوند و ما همه این جنایتها را به حساب امریکا گذاشته ایم و به یاری خدا و در موقع

۱- ملک حسین، پادشاه اردن.

۲- ملک حسن، پادشاه مغربمراکش).

مناسب به حساب آنان خواهیم رسید و انتقام فرزندان ابراهیم را از «نمرود» ها و «شیاطین» و «قارون» ها خواهیم گرفت. و مجدداً تأکید می کنم که اینها بهای گران حاکمیت نه شرقی و نه غربی و استقلال و آزادی و اسلام خواهی ماست.

و اینک از فرصت استفاده کرده به یکی از آیات کتاب کریم اشاره می کنم آن جا که فرموده است: اجَعلْتُمْ سِقایَةَ الحاجِّ وَ عِمارَةَ المَسْجِدِ الحَرامِ كَمَنْ امَنَ بِاللّه وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَ جاهَدَ فی سَبیلِ اللّه لايَسْتَوُونَ عِنْدَاللّه وَاللّه لايَهْدِی القَوْمَ الظّالِمینَ. (۱)

گویی آیه کریمه در همین عصر نازل شده و گویی برای آل سعود و امثال آل سعود در طول تاریخ و برای ملت مجاهد و بزرگ ایران و حجاج بیت اللّه الحرام در عصر حاضر و امثال آنان در همه اعصار آمده است. و خداوند تعالی می فرماید: شما کوردلان آب رسانی به حجاج و تعمیر مسجدالحرام را با ارزش آنانی که ایمان به خدا و به روز جزا آورده و در راه خدا مجاهده می کنند، مساوی قرار داده اید، حاشا که اینان با شما مساوی نیستند و خداوند ستمگران را هدایت نمی کند. آیا سعودیها و امثال آنان در طول تاریخ ارزش خود را برای تهیه آب در مواقف حج و زرق و برق تعمیرات مسجدالحرام را با ارزشهای مسلمانانی که به خداوند و روز جزا ایمان دارند و با نثار خون خود و جوانان مجاهد خود در راه خدا و برای دفع دشمنان خدا از حریم اسلام و حرم خداوند تعالی بپا خاسته اند مقایسه نکرده اند؟ و سعودیهای عصر حاضر، پا را فراتر از آن نگذاشته و بر مسلمانان افتخار نمی کنند؟ و با مجاهدان راه خدا آن نمی کنند که روی امریکای جهانخوار و ارباب خود را سفید کرده است؟ و جالب توجه اینکه خداوند در این آیه ایمان به خدا و روز جزا را ذکر فرموده و از میان تمام ارزشهای اسلامی و انسانی مجاهده در راه خدا را با دشمنان خدا و بشریت انتخاب کرده است و در این انتخاب به همه مسلمانان تعلیم فرموده است که ارزش جهاد فوق همه ارزشهاست. و آیا خداوند با ذکر وَاللّه لايَهْدِی القَوْمَ الظّالِمینَ نمی خواهد بفرماید خداوند سعودیهای عصر را و تمام اعصار تاریخ را

۱- سوره توبه، آیه ۱۹: «آیا آب دادن به حاجیان و تعمیر کردن مسجدالحرام را با مقام آن کس که به خدا وروز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کردند یکسان شمردید؟ هرگز، آن نزد خدا با این یکسان نخواهد بود، که خدا ستمکاران را هرگز هدایت نخواهد کرد».

ستمگرانی بیش نمی داند که قابل هدایت نیستند و خداوند آنان را هدایت نمی فرماید؟

آیا ستمکاری بر حق و خلق و بر رسول خدا و امت بزرگوار حضرت رسول خاتم، بالاتر از آنچه آل سعود با کعبه و حرم امن الهی و با زائران مجاهد آن که همه چیز و همه کس خود را در راه دوست و آرمان اسلام تقدیم کردند، می توان تصور کرد؟ آیا جرم این مجاهدان که به فرمان خداوند تعالی ندای برائت از مشرکین را انجام داده اند، جز برائت از خدایان آل سعود و سعودیهای عصر حاضر و شاه حسین و شاه حسن و مبارک نامبارک (۱) و صدام عفلقی است؟ آیا سکوت در مقابل این ستمگریها که در طول تاریخ سابقه نداشته است، چیزی جز رضای به این جرم و شرکت در ظلم و ستم ظالمین و ستمگران است؟ و در هر صورت آل سعود برای تصدی امور کعبه و حج لیاقت نداشته و علما و مسلمانان و روشنفکران باید چاره ای بیندیشند. زائران شریف ایرانی امسال پیام انقلاب و برائت خود را با خونشان به جهان و به امت اسلام ابلاغ نمودند و با تقدیم شهدای بزرگ به پیشگاه مقدس حق از سازندگان و بانیان سیاست نه شرقی و نه غربیِ کعبه خداوند گشتند و ملت بزرگ ایران نیز با تجلیل گسترده خود از شهدا و شرکت میلیونی خود در راهپیمایی و اعلان برائت از کفر خصوصاً آل سعود به وظیفه انقلابی و الهی خود عمل نموده اند که در اینجا لازم است از حضور گسترده آنان و همه اقشار و خواهران و برادران تشکر کنم. اکنون نوبت زائران دیگر کشورها و خصوصاً علما و روشنفکران و گویندگان است که پیام مظلومیت ما را به جهان ابلاغ کنند. ان شاءاللّه زائران محترم ایرانی با مقاومت و صبر بقیه اعمال خود را به اتمام برسانند و با گامهای محکم و دلی آرام و قلبی سرشار از رضایت و لبی خندان، شادی پیروزی خون بر شمشیر و شهادت در کنار خانه خدا را جشن بگیرند و افرادی که به مدینه منوره مشرف می شوند، سلام شهیدان به خون خفته کعبه و مجروحین خانه امن را به رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام ابلاغ کنند و این موفقیت بزرگ را به محضرشان تبریک بگویند و به راه خود با صلابت و

۱- حسنی مبارک، رئیس رژیم حاکم بر مصر. او به همراه صدام حسین، ملک حسین وملک حسن، پس ازواقعه خونبار مکه و شهادت صدها زائر ایرانی به دست عوامل و دژخیمان آل سعود، پیامهای تبریکی برای ملک فهد، پادشاه عربستان سعودی فرستادند!

اطمینان ادامه دهند و مشکلاتی که امریکا و عربستان بر آنان تحمیل نموده اند به حساب خدا و دفاع از پیامبر بگذارند و از اینکه خداوند هدیه ها و قربانیان هاجروار و اسماعیل گونه این ملت بزرگ را در کنار خانه خود پذیرفته است سپاسگزار و شاکر باشند که ان شاءاللّه خداوند شهدای بزرگ ما را با شهدای صدر اسلام محشور و به بازماندگان آنان صبر و اجر و به مصدومین و مجروحین شفا عنایت فرماید و شرّ متجاوزان را به خودشان بازگرداند و آنان را به عقوبت خود کیفر دهد.

از خداوند مسئلت می کنم که از این زمان که همه کفر و همه شرک دست به دست هم داده اند و تصمیم و عزم خود را برای شکست امت اسلام جزم کرده اند و همه ضربه ها را بر علیه ما به کار گرفته اند، خود ما را در حصار محکم خود و در لوای مرحمت و لطف خود حفاظت فرماید. والسلام علیکم و رحمهاللّه و برکاته.

۷ ذی الحجه سال ۱۴۰۷ هجری قمری

روح اللّه الموسوی الخمینی

سخنرانی

زمان: صبح ۱ شهریور ۱۳۶۶/ ۲۷ ذی الحجه ۱۴۰۷

مکان: تهران، جماران

موضوع: فاجعه اسفبار کشتار حجاج در مکه

مناسبت: در آستانه هفته دولت

حضار: خامنه ای، سید علیرئیس جمهور)- موسوی، میرحسیننخست وزیر) و اعضای هیأت دولت

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

ما هیچ هستیم و همه چیز خداست

ما خدای تبارک و تعالی را شکر می کنیم که با این همه مشکلاتی که برای جمهوری اسلامی پیش آوردند و پیش خواهند آورد، جز ذات مقدس او پناهی نداریم. هر چه هست از اوست و هرچه خواهد شد هم از اوست و ما جز یک خدمتگزاری که باز هم توفیقش از اوست، چیزی نیستیم. باید همه ما توجه داشته باشیم به اینکه ما خودمان چیزی نیستیم، هرچه هست اوست. اگر عنایات او نبود ما هیچ بودیم؛ چنانچه از ازل هم هیچ بودیم و بعدها هم از حیث حیثیت خودمان هیچیم. منتها ما هیچها اشتباه داریم؛ خیال می کنیم ما هم یک چیزی هستیم و این یک حجابی است بین ما که امیدوارم خدای تبارک وتعالی این حجاب را بردارد و ما بفهمیم کی هستیم؛ «اللهُمَّ ارِنِی الأشْیاءَ کَما هی». (۱) ارِنِی الأشْیاءَ کَما هُو»، یعنی به حسب احتمال قوی اینکه آن که هستند که صرف

تعلق به او هستند، او رانشان بدهد که اگر او را نشان بدهد، معرفت خدا حاصل می شود. و اگر آن چیزی که ما همه در حجاب هستیم، آن حجاب برداشته بشود، معلوم

۱- خدایا! اشیاء را آنچنانکه هستند به من نشان بده».

می شود که غیر از او کسی نیست و چیزی نیست و همه اشکالات در حجابی است که ما داریم، گمان می کنیم چیزی هستیم. و من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به همه ما توفیق معرفت عنایت کند و توفیق خدمت به خلق اللّٰه.

مشکلات دولت اسلامی

البته من از مشکلات دولت، از مشکلات کارمندان دولت، از مشکلات همه قشرهایی که در بین دولت کار می کنند آگاهم؛ چنانچه شماها بهتر آگاهید. و من می دانم که این دولت و این اقشاری که مربوط به دولت هستند، در عین حالی که محرومترین قشرها هستند، با اخلاصترین قشرها هستند، و در عین حالی که با یک زندگی درویشانه می گذرانند، بحمداللّٰه، قدرت معنوی دارند و هر چه زندگی زیادتر بشود، قدرت روحی کمتر می شود.

این مسلّم است هر قدمی که دنیا برای آدم بر می دارد، انسان عقب می گیرد. آنهایی که در کاخهای بسیار مجلل زندگی می کنند، نگرانیشان بیشتر از آنی است که درویش اند و در محله ها زندگی می کنند. پس ما از این جهت هم شکرگزار هستیم که ما را در لباس درویشها درآورده است- نه درویش به معنای اصطلاحی، درویش واقعی- و ما خدمت به خدا و خدمت به خلق خدا را وظیفه خودمان می دانیم و مشکلات را هم ان شاءاللّٰه، پشت سر می گذاریم و همان طوری که تاکنون ایستادگی کرده ایم، همه ایستادگی کردند در مقابل همه مشکلات، از این به بعد هم بین همه مشکلات ایستادگی خواهند کرد. و من دعا می کنم که خداوند به شما توفیق بدهد.

و اشخاصی که خارج ایستاده اند و اشکال می کنند، از باب اینکه خودشان در گود نیستند، اشکال کردن یک چیز آسانی است. اما حل اشکال مشکل است. خوب، البته اشخاصی خارج نشسته اند، می گویند: چرا چه شد؟ چرا نشد؟ چرا باید بشود؟ چرا فلان کار باید بشود؟ باید بکنند. لکن وارد نیستند ببینند که مشکلات چی است. در یک همچو زمانی که دولت و ایران مبتلای به همه گرفتاریهایی که می بینید هستند و همه دولتها، همه جهان به استثنای ملتهایشان در صدد محو جمهوری اسلامی هستند؛ یعنی، در صدد محو

اسلام هستند، در عین حال، خدای تبارک و تعالی تأیید کرده است و ما استقامت کردیم، مقاومت کردیم، بعدها هم خواهیم کرد، ان شاءاللّٰه.

حمله رژیم سعودی به حجاج ایرانی در مکّه

و آن چیزی که من امروز خیال دارم عرض کنم قضیه اسفباری است که در مکه اتفاق افتاد. ما از اول قیام- ان شاءاللّٰه- برای خدا و برای نجات ملت، شهدا خیلی داشتیم.

چه قبل از اینکه انقلاب واقع بشود- در زمان ستمشاهی- شهدای بزرگ داشتیم و چه بعدش که می بینید شهدای بسیار ارزشمند داشتیم، لکن مسئله حجاز مسئله دیگری است، غیر مسائل است. ما آن وقت هرچه بوده، این [بوده] که کتک می خوردیم یا گاهی می زدیم، گاهی می خوردیم، بعد هم همین طور، ما شهدا خیلی دادیم و در همه جا شهید دادیم. در زمان رضا شاه، آن همه رنج [دیدیم!] هر کس یادش است، می داند چه خبر بود. در زمان محمدرضا هم، که همه یادتان است، چه بساطی داشتیم! چه داشتند و چه شهدایی در آن وقت دادیم و چه شهدایی در بین این وقتها [دادیم!] لکن همه قضیه شهادت بود، قضیه بزرگ بود، لکن قضیه، قضیه مسئله حجاز نبود. مسئله قدس مسئله بزرگی است. روز قدس هم دیدید که چه [شد.] اما روز قدس مسئله ای است و روز جمعه خونین مکه مسئله دیگری است. روز قدس ما برای اینکه نجات بدهیم قدس را از دست غاصب [اعلام کردیم،] لکن آنها این طور نبود که قدس را توهین بهش بکنند، از بین ببرند. آنها هم مدعی بودند که ما قدس را می خواهیم و چه می کنیم. البته نباید قدس دست آنها باشد، ... روز قدس [اعلام شد] برای خاطر اینکه اسلام آن طور صدمه دیده، برای خاطر اینکه قدس، که باید دست صاحبانش باشد، غاصب آمده غصب کرده.

در این انفجارها که حاصل شد، دراین ترورها که شد، بسیار عزیزان بزرگی را ما از دست دادیم که هر خاکِ پای آنها بر این کاخ نشینان ارزشش بیشتر بود- اگر آنها ارزشی داشتند که ندارند- لکن همه این بود که ما کتک می خوردیم و می زدیم. در جنگ با صدام هم که تحمیل به ما کردند، ما خیلی [عزیز] از دست دادیم، شهید از دست دادیم، خیلی ضرر بردیم. لکن ما ضرر بردیم، مسئله [مثل] مسئله حجاز نیست.

مسئله حجاز مسئله ای است که ما باز خواب هستیم، دنیا هم باز خواب است که چه شد. مسئله حجاز، مسئله بزرگترین مقامات قدس اسلامی و دنیایی [است که] شکسته شد.

کعبه احترامش پیش ما تنها نیست، پیش مسلمین تنها نیست؛ کعبه را همه ملل محترم می شمرند؛ همه مللی که به دین [اعتقاد] دارند. کعبه، کعبه ای است که از زمان اول خلقت بوده است و همه انبیا در او خدمتگزار بوده اند. شکستن کعبه مسئله ای نیست که بشود ازش همین طوری گذشت. اگر ما از مسئله قدس بگذریم، اگر ما از صدام بگذریم، اگر ما از همه کسانی که به ما بدی کردند بگذریم، نمی توانیم [از] مسئله حجاز بگذریم. مسئله حجاز یک باب دیگری است، غیر [مسائل] دیگر.

و لازم است زنده نگه داشتن این روز؛ روزی که این خیانت شد به اسلام. و الآن ماه محرم نزدیک می شود. ماه محرم برای ما خیلی عزا هست؛ لکن سیدالشهدا علیه السلام هم فدا شد؛ برای اینکه در مکه نماند که نبادا به ساحت قدس مکه جسارت بشود؛ همه فدای مکه هستند. مکه جایی است که همه انبیا خدمتگزار او بوده اند و حالا گرفتار شده مکه به دست یک دسته اشخاص ملحد که اصلًا نمی فهمند باید چه بکنند؛ و نمی فهمیدند و نمی دانند چه تحمیلی برشان شد. و یک ننگی است الآن برای همه مسلمین دنیا که مکه، محل قدس الهی، محلی که مقدسترین مقامات الهی است، این طور شکسته بشود و مسلمانها نشسته باشند تماشا کنند. مسلمانها خودشان تکلیف خودشان را می دانند. مسئله را باید زنده نگه داشت. در ماه محرم، تمام کسانی که منبر می روند، واعظ هستند، نوحه خوان هستند، تمام دسته جات باید در رأس امورشان این مسئله قرار داده شود.

سیدالشهدا برای این بود شهادتش؛ برای این بود که اقامه بشود عدل الهی. اقامه بشود خانه خدا، محفوظ باشد خانه خدا. و در یک زمان ما که همه نشسته ایم و تماشا می کنیم، ما تماشاچی چی هستیم؟ چه باید بکنیم؟

البته این معنا را من تذکر بدهم که معنای اینکه ما باید با این مسئله برخورد داشته باشیم این نیست که کسانی که الآن در اینجا از سعودی ها هستند یا از سایر، از کویت، از جاهای دیگر، اینها را ما کاری داشته باشیم؛ اینها در پناه ما هستند، باید محفوظ باشند. و این جوانهای ما البته حسن نیت دارند، لکن من بهشان عرض می کنم که در بین شما

ممکن است اشخاصی باشند که حسن نیت نداشته باشند، بخواهند مملکت ایران را، بخواهند دولت ایران را آلوده کنند. شما متوجه باشید که اینها چیزی نیستند که ما به اینها کار داشته باشیم. مسئله بالاتر از این مسائل است و باید ما با همه قوایی که داریم، مسلمین با همه قوایی که دارند و دنیا، آنهایی که به خدا اعتقاد دارند با همه قوایی که دارند، باید با این مسئله محاربه کنند، به هر طوری که خودشان صلاح می دانند. این ننگ را نباید ما به گور ببریم که ما بودیم، دیدیم در حضور ما بزرگترین جنایت واقع شد و حالا هم آنها طلبکار هستند از ما.

کشتار حجاج، توطئه ای از پیش طراحی شده

این توطئه بی اشکال، یک توطئه سابقی بود؛ هیچ اشکالی در این نیست که یک سابقه ای داشت این توطئه؛ بنا داشتند بر اینکه این امر واقع بشود؛ تحمیل کرده بودند بر آل سعود احمق که یک همچو کار احمقانه ای بکنند و خودش را در تمام دنیا منحط کند.

با اینکه منحط بود و منحط خواهد بود و ما واقعاً متحیریم که باید چه بکنیم؟ خدای تبارک و تعالی خانه خودش را حفظ می کند: «انّ للّه بِیْتاً یَحْمِیه» (۱)

و سیلی را خواهد خورد از مسلمین، از مؤمنین، از حجازیها. خود حجازیها که دراین امر وارد نبودند، الّا دسته جاتی که مربوط به این حزب باطل و این دولت باطل است. این توطئه از سابق بود؛ هیچ سابقه نداشت که در سالهای سابق، قبل از اینکه حجاج برونـد، ملک سعود برای من پیام بفرستد و از من تشکر کند که شما گفتید که اینجا آرامش باشد و با ما چه بکنند و اینها، بنابراین نبود. امسال این اتفاق افتاد، برای چی؟ برای چی ایشان برای من پیام فرستاد؟

برای اینکه بعد بگوید که من حسن نیت دارم، چه دارم، فلان، یا یک نمایشی بود. بهترین دلیل بر اینکه این مسئله، مسئله توطئه بود همان کیفیت عملشان بود. خودشان اقرار کردند به این معنا. می گویند که ایرانیها می خواستند بیایند کعبه را آتش بزنند و قم را کعبه قرار بدهند- یک همچو حرف ابلهانه. خوب، معلوم می شود از اول، بنا داشتند این کار را

۱- خداوند را خانه ای است که از آن حمایت می کند».

بکنند، به بهانه اینکه ایرانیها آمدند کعبه را خراب کنند، ما هم مهیا شدیم پدرشان را در آوریم. قضیه کشته شدن نیست، قضیه هتک احترام است. مسئله حجاز ابعاد مختلف دارد، منتها بُعد بزرگترش همین است که احترام یک محل مقدسی از بین رفت و مسلمین ساکت نخواهند نشست. بعدها خواهد فهمید فهد، و امثال فهد. خواهد فهمید که چه چیزی تحمیلش کرده اند و چه قضیه ای واقع شده و مسلمین خودشان می دانند تکلیف خودشان را؛ حجازیها هم می دانند این را. اگر این کشتار که در حرم واقع شده بود، اگر در طائف واقع می شد، خوب، باز قابل تحمل بود برای اینکه طائف بود، کشتار بود فقط. ما کشته خیلی داریم، ما در جنگها کشته داریم، قبلش هم داشتیم، بعدها هم داریم. اگر در طائف واقع شده بود، این یک مسئله ای بود؛ می گفتیم کشتند یک عده ای را. اما در حرم واقع شده؛ حرمی که خدا از اول امنش قرار داده و الآن حرم مغصوب است در دست اینها. از اول هم این طور بود؛ برای اینکه اینها چه کاره اند که آمده اند خادم الحَرَمَیْن- خائن الحَرَمَیْن- شده اند؛ کی اینها را خادم الحرمین قرار داده؟ با چه وجهی اینها اسم مملکت اسلامی را تغییر داده اند از آنی که بود؛ «حجاز» را «مملکت سعودی» قرار دادند؟ مملکت سعودی به چه مناسبت؟ اینها مسائلی است که همه اش بغرنج است و ما نمی دانیم که از این عار چطور خارج بشویم. من واقعاً در مسائل خیلی تحمل داشتم؛ در مسائل جنگ، در همه اینها تحمل داشتم. اما این بی تحمل کرده من را. مسئله غیر از این مسائل است. آنچه ما امیدواریم این است که خدای تبارک و تعالی با قدرت خودش حل کند مسائل را. و امیدواریم خداوند به همه ما توفیق بدهد که دراین باره بی تفاوت نباشیم.

دراین ماه محرم بی تفاوت نباشند؛ مسلمین در دنیا بی تفاوت نباشند.

خداوند ان شاءاللَّه، همه شما را توفیق بدهد. و امیدوارم که خدمتگزار باشید به این بندگان خدا که مظلوم هستند و مظلوم بودند. وحفظ کنید این شیوه خدمتگزاری به اینها را. و بحمداللَّه، شما خودتان از آن طبقه هستید؛ از طبقه بالا نیستید؛ یعنی، از طبقه پایین، شما از طبقه ممتاز هستید. آنهایی که آن وقتها متکفل حکومت بودند از طبقه ای بودند که ناچیز بودند و خداوند شما را موفق کند که همیشه خدمتگزار باشید.

والسلام علیکم و رحمه اللَّه

حکم

زمان: ۱۸ شهریور ۱۳۶۶/ ۱۵ محرّم ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب مجدد سرپرست حجاج بیت اللَّه الحرام

مخاطب: کروبی، مهدی

انتصاب مجدد سرپرست حجاج بیت اللَّه الحرام

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی - دامت افاضاته

پس از تشکر از مقاومت اسلامی و وصف ناپذیر حجاج مظلوم و محترم بیت اللَّه الحرام در مقابل هجوم آل سعود، این روسیاهان تاریخ و عمال چشم و گوش بسته امریکای جهانخوار، و نیز تشکر از مقاومت متعهدانه و شجاعانه جنابعالی، که با وجود گرفتاری در چنگال خون آشام آل سعود با پیامها و مصاحبه های آتشین پرده از روی چهره کریه این جنایتکاران تاریخ برداشته و کوس رسوایی فراموش ناشدنی امریکای جنایتکار و عمال خبیث آن را در عالَم به صدا درآوردید، جنابعالی را، که بحمداللَّه در صف اول مجاهدان اسلام بوده و هستید، چون سالهای گذشته به نمایندگی از طرف خود به سرپرستی حجاج بیت اللَّه الحرام منصوب می نمایم. جنایت تاریخی شکستن احترام حرم امن الهی، که دل مسلمانان متعهد جهان را آتش زد، (۱) چیزی نیست که تا ابد بشود آن

۱- اشاره به فاجعه قتل عام جمعی از زائران انقلابی ایران و لبنان و پاکستان و ... که به جرم شعار علیه آمریکاو اسرائیل و سر دادن فریاد برائت، در روز ششم ذی الحجه سال ۱۳۶۶ ه. ش. به دست مأمورین رژیم آل سعود مظلومانه به شهادت رسیدند و دولتهای مدعی «حقوق بشر» به خاطر دشمنی شان با جمهوری اسلامی از کنار این فاجعه بزرگ انسانی بی تفاوت گذشتند و بلکه به تأیید و ارسال پیام تبریک برای ملک فهد پرداختند.

را فراموش کرد و یا ساکت بود.

در اینجا لازم می دانم که از زحمات تمامی دست اندرکاران و مسئولین حج و از جناب حجت الاسلام، آقای امام جمارانی- دامت افاضاته- که با تعهد و مقاومت خود موجب سرافرازی جمهوری اسلامی ایران گردیده اند و باعث شادی روح شهدا شده اند، تشکر کرده و توفیق هرچه بیشتر همه را در خدمت به اسلام و احکام نورانی آن از خداوند خواستارم. و برای شهدای گرانقدر مکه خونینمان، که با اهدای خون خود پرچم سرخ توحید، رسالت و امامت، را در آسمان و زمین به اهتزاز درآوردند، طلب رحمت و مغفرت نموده؛ و برای بازماندگان آنان، که افتخار بزرگی نصیبشان شده است، صبر و اجر مسئلت می نماید. والسلام علیکم و رحمهاللّه.

۱۸ شهریور ۶۶

روح اللّه الموسوی الخمینی

پیام

زمان: ۳۱ شهریور ۱۳۶۶/ ۲۸ محرّم ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تجلیل از رزمندگان اسلام و شهدا

مناسبت: سالگرد آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایرانهفته دفاع مقدس)

مخاطب: ملت ایران

تجلیل از رزمندگان اسلام و شهدا

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

وَمَنْ یُقاتِل فی سَبیلِ اللَّه فَیُقْتَلْ اوْ یَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤتیهِ اجْراً عَظیماً (۱)

این اجر عظیم که به قلم با عظمت عظیم مطلق وعده داده شده است، چگونه آن را با فکر ناچیز بشر می توان تحلیل کرد. گویی این اجر عظیم همان حب خداوند تعالی است که در سوره مبارکه صف آمده است: انَّ اللَّه یُحِبُّ الَّذینَ یُقاتِلُونَ فی سَبیلِهِ صَفّاً کَانَّهُمْ بُنْیانٌ مَرْصُوصٌ. (۲)

محبوبیت نزد بارگاه احدی را کدام فیلسوف توانا یا عارف علمی بزرگ دانا می تواند درک کند تا از آن سخن گوید و یا به سخن قلم درآورد؟ آیا این حب نافله است که در نتیجه تقرب به آن بنده خاکی پا بر سر ملك و ملکوت اعلا نهد و حق- جل و علا- با جاذبه غیبی خویش سمع و بصر و قلب او شود و آنچه بشنود یا ببیند یا ذوق عرفانی کند با سمع و بصر و قلب حق- جل و علا- باشد و نبیند جز به بصر حق و نشنود جز به سمع حق و نداند جز به علم حق و حجابها مرتفع شود و جهان را آنچه که هست

۱- بخشی ازآیه ۷۴ سوره نساء: «مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را بر آخرت برگزیدند جهاد کنند، و هر کس در جهاد به راه خدا کشته شد یا فاتح گردید، زود باشد که او را در بهشت ابدی اجری عظیم دهیم».

۲- سوره صف آیه ۴: «خدا آن مؤمنان را که در صف جهاد کافران مانند سد آهنین همدست و پایدارند، بسیار دوست می دارد».

مشاهده کند که اللَّهُمَّ أَرِنِی الْأَ شْیاءَ کَما هِیَ، (۱)

یا قرب فریضه است که در آن شخص و شخصیت محو شود و صعق (۲) رخ دهد و خود و خودی از میان برود و کثرت به تمام معنی رخت بربندد و نه چشمی باشد و نه گوشی و نه باطنی و نه ظاهری؛ هُوَ الاوَّلُ وَ الآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَ الْباطِنُ. (۳)

دیگرسبیل اللهی در کار نیست و اسم و رسمی به جا نمی ماند، اینان از خانه خارج شدند و موت آنان را ادراک نموده و قدمها و قلمها شکسته شده است.

بارالها! این وصف مجاهدان فی سبیل اللَّه و اجر عظیم آنان است که در صحنه های کارزار با دشمنان تو و دشمنان رسول معظم تو و دشمنان قرآن کریم تو به شهادت رسیده اند یا در این راه پیروز گردیده اند و تو خود شاهدی که در این سال ما جانبازان و مهاجران و مجاهدانی داشتیم که به سوی تو و به سوی خانه امن تو که از صدر خلقت تاکنون مأمن هر موجودی بوده است هجرت کردند و در پیش چشمان حیرتزده مسلمانان کشورهای جهان به دست پلید امریکا که از آستین آل سعود به در آمده است، به خاک و خون کشیده شدند و در آستانه عاشورای ولی اللَّه اعظم- سلام اللَّه علیه- عاشورایی دیگر با ابعاد مختلف در جوار تو و خانه امن تو در جمعه خونین پدید آوردند که ای کاش نبودم تا آن را ببینم و یا بشنوم، نه برای شهادت عزیزانی مجاهد و مهاجر، که شهادت امری است که آرزوی عزیزان ما است و شهدی است آشنا برای زنان و مردان و کودکان ما که در یورشهای مغولانه صدام عفلقی شدیدتر و فجیعتر آن را چشیده اند و دیده ایم، بلکه برای مصیبتی است که نه تنها برای پیغمبر اسلام- صلوات اللَّه علیه- که برای تمامی انبیا و مرسلین از آدم تا خاتم پیش آمد و به فرمان کاخ سیاه (۴) به دست ناپاک آل سعود، این شقیترین جانیان عصر، بالاترین مقام قدس الهی شکسته شد. اگر در عاشورای حسینی ولی خدا با یارانش در راه تو جنگیدند و شهید شدند، در عاشورای جمعه خونین مکه با تو و رسول

۱- خدایا، [حقیقت] اشیاء را آنچنان که هست بر من بنما».

۲- به معنای بیهوشی از شدت ترس یا از شنیدن صدای خوف انگیز است. امّا در اصطلاح عُرفا «صعق» فانی شدن در حق است هنگامی که تجلی ذاتی حق، محترق شود و بر بندگان خاص او وارد شود.

۳- بخشی از آیه ۳ سوره حدید: «اول و آخر و پیدا و نهان وجود، همه اوست».

۴- اشاره طنزآمیز به کاخ سفید واشنگتن، مقر رئیس جمهور امریکا.

تو و زائران مـا، این رسولاـن مکتب رسول تو که به خـاطر دین تو هیـچ گونه وسـیله ای حتی برای دفـاع از خود نداشـتند چنان کردند که تنها از دست امریکا، شـیطان بزرگ و اذنابش میسـر بود. امریکا و دست نشاندگانش در این کشـتار سـبعانه انتقام از اسلام عزیز و مهبط وحی و محل امن خدا باز گرفتند. اسلامی که در آینده ای نه چندان دور مکتب تمامی کشورهای زیر یوغ شرق و غرب می گردد.

خداونـدا! امروز تمامی قـدرتها و ابر قـدرتها مصـمم شده اند تا ریشه اسـلام ناب رسول گرامی مان صـلی الله علیه و آله را قطع کننـد. بار الها! امروز صـدامیان با کینه ای که از دین تو دارنـد، دست در دست تمامی شـیاطین جهان داده اند تا صدای اسـلام محمدی را خاموش سازند.

از تو می خواهم تـا مـا را در راهت صـبورتر و شـکیبایی خانواده های عزیز و بزرگوار شـهدا، جانبازان، مفقودین و اسـرامان را بیشتر گردانی. پروردگارا! شـهدای ما را با سیدالشهدا علیه السلام محشور فرما و جانبازان عزیز و مقتدر انقلاب اسلامی خودت را شـفا عنایت فرما. اسـرا و مفقودین ما را هر چه زودتر به اوطانشان بازگردان. خداوندا! به تمام ملتهای اسـلامی خصوصاً ملت شجـاع و حماسه ساز ایران تحمل بیشتر فشارهای نظامی اسـتکبار از زمین و دریا و هوا وفشارهای اقتصادی و سیاسـی روزافزون کانونهای فساد را عنایت فرما.

خداوندا! باطن دلهای معتقدان به دین رسول اکرم صلی الله علیه و آله را تنها از رضایت خود لبریز گردان.

«انک مجیب الدعوات». (۱) روح اللّه الموسوی الخمینی

۱- برگرفته شده از آیه ۱۸۶ سوره بقره: «همانا تو برآورنده دعاهایی».

ص: ۲۴۷

پیام

زمان: ۲۹ تیر ۱۳۶۷/ ۵ ذی الحجه ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸

مخاطب: ملت ایران

سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸

بسم اللّه الرحمن الرحیم

لَقَد صَدَقَ اللّه رَسولَهُ الرُّءْیا بِالحَقِّ لَتَدْ خُلُنَّ المَسجِدَالحَرامَ ان شآءَاللّه آمِنِینَ. (۱)

علی رغم گذشت یک سال از کشتار فجیع و بی رحمانه حجاج بی دفاع و زائران مؤمن و موحِّد به وسیله نوکران امریکا و سفاکان آل سعود، هنوز شهر خدا و خلق خدا در بهت و حیرتند. آل سعود با کشتن میهمانان خدا و به خاک و خون کشیدن بهترین بندگان حق نه تنها حرم را، که جهان اسلام را آلوده به خون شهیدان نمود و مسلمانان و آزادگان را عزادار ساخت.

مسلمانان جهان در سال گذشته و برای اولین بار عید قربان را با شهادت فرزندان ابراهیم علیه السلام که دهها بار از مصاف با جهانخواران و اذناب آنان برگشته بودند، در مسلخ عشق و در منای رضایت حق جشن گرفتند. و بار دیگر امریکا و آل سعود، بر خلاف راه و رسم آزادگی، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهید، از جانبازان بی پناه ما کشته ها گرفتند؛ و در آخرین لحظات نیز با ناجوانمردی و قساوت بر پیکر نیمه جان سالخوردگان و بر دهان تشنه و خشکیده مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند. انتقام از

۱- سوره فتح، آیه ۲۷: «هر آینه خداوند حقیقت خواب رسولش را آشکار ساخت که حتما شمامؤمنین) به خواست خدا، با دل ایمن وارد مسجدالحرام خواهید شد».

چه کسانی و از چه گناهی؟ انتقام از کسانی که از خانه خویش به سوی خانه خدا و خانه مردم هجرت نموده بودند! انتقام از کسانی که سالها کوله بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده بودند. انتقام از کسانی که همچون ابراهیم علیه السلام از بت شکنی برمی گشتند؛ شاه را شکسته بودند؛ شوروی و امریکا را شکسته بودند؛ کفر و نفاق را خرد کرده بودند. همانها که پس از طی آن همه راهها با فریاد: وأَذِّن فِی النَّاس بِالحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا (۱)

پا برهنه و سر برهنه آمده بودند تا ابراهیم را خوشحال کنند، به میهمانی خدا

آمده بودند تا با آب زمزم گرد و غبار سفر را از چهره بزدایند، و عطش خویش را در زلال مناسک حج برطرف نمایند و با توانی بیشتر مسئولیت پذیر گردند و در سیر و صیرورت ابدی خود نه تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دلبستگی به دنیا را از تن به در آورند. همانها که برای نجات محرومان و بندگان خدا راحتی راحت طلبان را بر خود حرام، و مُحرِم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کردند تا نه تنها بنده زرخرید امریکا و شوروی نباشند، که زیر بار هیچ کس جز خدا نروند. آمده بودند که دوباره به محمد صلی الله علیه و آله بگویند که از مبارزه خسته نشده اند و به خوبی می دانند که ابی سفیان و ابی لهب و ابی جهل برای انتقام در کمین نشسته اند؛ و با خود می گویند مگر هنوز لات و هُبَل در کعبه اند. آری، خطرناکتر از آن بتها، اما در چهره و فریبی نو. آنها می دانند که امروز حَرَم، حَرَم است اما نه برای ناس، که برای امریکا! و کسی که به امریکا لبیک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد. انتقام از زائرانی که همه ذرات وجود و همه حرکات و سکنات انقلابشان مناسک ابراهیم را زنده کرده است؛ و حقیقتاً می رود تا فضای کشور و زندگی خویش را با آوای دلنشین «لَبَّیکَ، اللَّهُم لَبَّیکَ» معطر سازد.

آری، در منطق استکبار جهانی هر که بخواهد برائت از کفر و شرک را پیاده کند متهم به شرک خواهد شد، و «مفتی» ها (۲) و مفتی زادگان این نوادگان «بَلعَم باعورا» ها، (۳)

۱- بخشی از آیه ۲۷ سوره حج: «و مردم را به مناسک حج نداده تا پیاده و سواره از دور ترین نقاط به سوی تو گرد آیند.

۲- فتوا دهندگان.

۳- از علمای بنی اسرائیل که در حق حضرت موسی بدی کرد و به مخالفت او برخاست.

به قتـل و کفر او حکم خواهنـد داد. بالاـخره در تاریـخ اسـلام می بـایست آن شمشـیر کفر و نفاقی که در لباس دروغین احرام یزیـدیان و جیره خواران بنی امیه- علیهم لعنهاللَّه- برای نابودی و قتل بهترین فرزنـدان راستین پیامبر اسـلام، یعنی حضـرت ابی عبـداللَّه الحسین علیه السـلام و یاوران با وفای او، پنهان شـده بود مجـدداً از لباس همان میراث خواران بنی سـفیان به درآید و گلوی پـاک و مطهر یـاوران حسـین علیه السـلام را در آن هوای گرم، در کربلاـی حجـاز و در قتلگاه حَرَم، پاره کنـد؛ و همان اتهاماتی را که یزیدیان به فرزندان راستین اسـلام زدند و آنان را «خارجی» و «ملحد» و «مشرک» و «مَهدورالدم» معرفی کردند، درست همان را به رهروان راه آنان وارد آورند؛ که ان شاءاللَّه ما اندوه دلمان را در وقت مناسب با انتقام از امریکا و آل سعود برطرف خواهیم ساخت و داغ و حسـرت حلاوت این جنایت بزرگ را بر دلشان خواهیم نهاد، و با برپایی جشن پیروزی حق بر جنود کفر و نفاق و آزادی کعبه از دست نااهلان و نامحرمان به مسجدالحرام وارد خواهیم شد.

اما زائران کشورها که یقیناً با کنترل و ارعاب دولتها و حکومتهایشان به مکه سفر کرده اند، جای دوستان و برادران و حامیان و همسـنگران واقعی خود را در میان خود خالی خواهند یافت. آل سعود برای پرده پوشـی جنایات هولناک سال گذشـته خود و همچنین توجیه صدٌّعن سبیل اللَّه (۱)

و منع حجاج ایرانی از ورود به حـج، زائران را زیر بمباران شدیـد تبلیغات خود قرار خواهد داد؛ و آخوندهای درباری و «مفتی» هـای خودفروخته- لعنهـاللَّه علیهم- در کشورهـای اسـلامی خصوصـاً حجـاز توسـط رسـانه هـا و مطبوعات دست به نمایشـها و سخنرانیهـا زده و عرصـه را بر تفکر و تحقیـق زائران دربـاره فهـم و درک فلسـفه واقعی حـج و نیز پی بردن به مـاجرای از پیش طراحی شـده شـیطان بزرگ در قتل میهمانان خدا تنگ خواهند نمود. و مسلّم در چنین شـرایطی رسالت زائران بسـیار سـنگین است. بزرگترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری

۱- بخشی از آیه ۲۱۷ سوره بقره: «باز داشتن مردم از راه خدا».

از احکـام الهی را درک نکرده انـد؛ و حـج با آنهمه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بیحاصل و بی ثمر باقی مانده است.

یکی از وظایف بزرگ مسـلمانان پی بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند.

چیزی که تا به حال از ناحیه ناآگاهان و یا تحلیلگران مغرض و یا جیره خواران به عنوان فلسـفه حج ترسیم شده است این است که حـج یک عبادت دسـته جمعی و یک سـفر زیارتی- سـیاحتی است. به حـج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد وبا چه کیفیت در مقابل جهان سـرمایه داری و کمونیسم ایسـتاد! به حـج چه که حقوق مسـلمانان و محرومان را از ظالمین باید سـتاند! به حج چه که باید برای فشارهای روحی و جسـمی مسـلمانان چاره اندیشـی نمود! به حج چه که مسـلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قـدرت سوم جهان خودنمایی کننـد! به حـج چه که مسـلمانان را علیه حکومتهای وابسـته بشورانـد. بلکه حـج همان سـفر تفریحی برای دیـدار از قبله و مـدینه است و بس! و حال آنکه حـج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است. و حج تنها حرکات و اعمال و لفظها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک، انسان به خدا نمی رسد. حج کـانون معارف الهی است که از آن محتوای سـیاست اسـلام را در تمامی زوایای زنـدگی بایـد جسـتجو نمود. حـج پیام آور و ایجـاد و بنـای جـامعه ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. حـج تجلی و تکرار همه صـحنه های عشق آفرین زنـدگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست. و مناسک حـج مناسک زندگی است. و از آنجا که جامعه امت اسـلامی، از هر نژاد و ملیتی، بایـد ابراهیمی شود تا به خیل امت محمـد صـلی الله علیه و آله پیوند خورد و یکی گردد و یدِ واحده شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است.

حج عرصه نمایش و آیینه سـنجش اسـتعدادها و توان مادی و معنوی مسـلمانان است. حج بِسان قرآن است که همه از آن بهره مند می شوند، ولی اندیشـمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکـام و سیاسـتهای اجتماعی آن نترسـند، از صـدف این دریا گوهرهای هـدایت و رشـد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد

سیراب خواهند گشت. ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است. و به همان اندازه ای که آن کتابِ زندگی و کمال و جمال در حجابهای خود ساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرارِ آفرینش در دل خروارها خاک کج فکریهای ما دفن و پنهان گردیده است و زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه زندگی ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است، حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است، سرنوشتی که میلیونها مسلمان هر سال به مکه می روند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل و هاجر می گذارند، ولی هیچ کس نیست که از خود بپرسد ابراهیم و محمد علیهم السلام که بودند و چه کردند؛ هدفشان چه بود؛ از ما چه خواسته اند؟ گویی به تنها چیزی که فکر نمی شود به همین است. مسلّم حجِ بی روح و بی تحرک و قیام، حج بی برائت، حج بی وحدت، و حجی که از آن هدم کفر و شرک بر نیاید، حج نیست.

خلاصه، همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه های زندگی شان کوشش کنند؛ و محققان متعهد اسلام با ارائه تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه حج همه بافته ها و تافته های خرافاتی علمای درباری را به دریا بریزند.

اما آنچه زائران عزیز باید بدانند اینکه امریکا و آل سعود حادثه مکه را یک مبارزه فرقه ای و نزاع قدرت میان شیعه و سنی ترسیم نموده؛ و ایران و رهبران آن را به عنوان کسانی که هوس رسیدن به یک امپراتوری بزرگ را در سر می پرورانند معرفی می کنند تا بسیاری از کسانی که از مسیر حوادث سیاسی جهان اسلام و نقشه های شوم جهانخواران بیخبرند تصور کنند که فریاد برائت ما از مشرکین و مبارزه ما برای کسب آزادی ملتها در مسیر کسب قدرت سیاسی مان و گسترش قلمرو جغرافیای حکومت اسلامی است. البته برای ما و همه اندیشمندان و محققانی که از نیات پلید تشکیلات آل سعود باخبرند جای تعجب نیست که به ایران و حکومتی که از بدو پیروزی تا به حال فریاد وحدت مسلمین را سر داده است و در همه حوادث جهانِ اسلام خود را شریک غم و شادی مسلمانان می داند تهمت افتراق و جدایی مسلمانان را بزنند؛ و یا بالاتر از آن، زائرانی را که به عشق زیارت مرقد پیامبر و حرم امن الهی به حجاز رفته اند به لشکرکشی و تشکل برای تصرف کعبه و آتش زدن حرم خدا و تخریب مدینه پیامبر متهم نمایند! و دلیل و مدرک این کار را

حضور پاسداران و نظامیان و مسئولین کشورمان در مراسم حج ذکر کنند! آری، در منطق آل سعود نظامی و پاسدار کشور اسلامی باید با حج بیگانه باشد؛ و اینگونه سفرها برای مسئولین کشوری و لشکری تعجب آور و توطئه انگیز می شود. از نظر استکبار، مسئولین کشورهای اسلامی باید به فرنگ بروند، آنها را به حج چه کار! دست نشاندگان امریکا آتش زدن پرچم امریکا را به حساب آتش زدن حرم، و شعار مرگ بر شوروی و امریکا و اسرائیل را به حساب دشمنی با خدا و قرآن و پیامبر گذاشته اند؛ و نیز مسئولین و نظامیان ما را با لباس احرام به عنوان رهبران توطئه معرفی کرده اند!

واقعیت این است که دوَل استکباری شرق و غرب و خصوصاً امریکا و شوروی، عملًا جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرتها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملتها را امری ضروری و کاملًا توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین المللی می دانند. اما در بخش قرنطینه سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالَم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد؛ همه قوانین و مقررات و فرمولها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظامهای دست نشاندگان و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود.

و متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها جرم و گناهی نابخشودنی می دانند. و منافع جهانخواران ایجاب می کند که هیچ کس حق گفتن کلمه ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند ندارد. و از آنجا که مسلمانان جهان به علت فشار و حبس و اعدام، قدرت بیان مصیبتهایی را که حاکمان کشورشان بر آنها تحمیل کرده اند را ندارند، باید بتوانند در حرم امن الهی مصایب و دردهایشان را با کمال آزادی بیان کنند تا سایر مسلمانان برای رهایی آنان چاره ای بیندیشند. لذا ما بر این مطلب پافشاری و اصرار می کنیم که مسلمانان، حداقل در خانه خدا و حرم امن الهی، خود را از تمامی قید و بندهای ظالمان آزاد ببینند و در یک مانور بزرگ از چیزی که از آن متنفرند اعلام برائت کنند و از هر وسیله ای برای رهایی خود

استفاده نمایند.

حکومت آل سعود مسئولیت کنترل زائران خانه خدا را به عهده گرفته است. و اینجاست که با اطمینان می گوییم که حادثه مکه جدای از سیاست اصولی جهانخواران در قلع و قمع مسلمانان آزاده نیست. ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادیِ انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم. و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت. و ان شاءاللّه روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرتها و نوکران و جیره خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند.

کشتار زائران خانه خدا توطئه ای برای حفظ سیاستهای استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است. و کارنامه سیاه و ننگین حاکمان بی درد کشورهای اسلامی حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکر نیمه جان اسلام و مسلمین دارد.

پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره های تزئیناتی ندارد. پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده است که متأسفانه با سیاستهای غلط حاکمان دست نشانده به خاک مذلت نشسته اند. مگر مسلمانان جهان فاجعه قتل عام صدها عالم و هزاران زن و مرد فرقه های مسلمین را در طول حیات ننگین آل سعود و نیز جنایت قتل عام زائران خانه خدا را فراموش می کنند؟ مگر مسلمانان نمی بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانونهای فتنه و جاسوسی مبدل شده اند، که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام ملّاهای کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بیشعور حوزه های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه داران بر مظلومین و پابرهنه ها، و در یک کلمه «اسلام امریکایی» را ترویج می کنند؛ و از طرف دیگر، سر بر آستان سرور خویش، امریکای جهانخوار، می گذارند.

مسلمانان نمی دانند این درد را به کجا ببرند که آل سعود و «خادم الحرمین» به اسرائیل اطمینان می دهد که ما اسلحه خودمان را علیه شما به کار نمی بریم! و برای اثبات حرف خود با ایران قطع رابطه می کنند. واقعاً چقدر باید رابطه سران کشورهای اسلامی با

صهیونیستها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر اینها یک جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند، حاضر به یک چنین معامله کثیف سیاسی و خودفروشی و وطن فروشی نمی شدند.

آیا این حرکات برای جهان اسلام شرم آور نیست؟ و تماشاچی شدن گناه و جرم نمی باشد؟ آیا از مسلمانان کسی نیست تا بپاخیزد و اینهمه ننگ و عار را تحمل نکند؟

راستی ما باید بنشینیم تا سران کشورهای اسلامی احساسات یک میلیارد مسلمان را نادیده بگیرند و صحه بر آنهمه فجایع صهیونیستها بگذارند، و دوباره مصر و امثال آن را به صحنه بیاورند؟ حال، مسلمانان باور می کنند که زائران ایرانی برای اشغال خانه خدا و حرم پیامبر قیام کرده اند و می خواستند کعبه را دزدیده به قم ببرند! اگر مسلمانان جهان باور کرده اند که سران آنها دشمنان واقعی امریکا و شوروی و اسرائیل هستند، تبلیغات آنان هم در مورد ما را باور می کنند.

البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می کنیم. ما درصدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیزم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظامهایی را که بر این سه پایه استوار گردیده اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول اللّه صلی الله علیه و آله را در جهان استکبار ترویج نماییم. و دیر یا زود ملتهای دربند شاهد آن خواهند بود. ما با تمام وجود از گسترش باجخواهی و مصونیت کارگزاران امریکایی، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می کنیم. ان شاءاللّه ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج، این منبر بزرگی که بر بلندای بام انسانیت باید صدای مظلومان را به همه عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین اندازد، صدای سازش با امریکا و شوروی و کفر و شرک نواخته شود. و از خدا می خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه مسلمین، که از کلیساهای

جهان نیز ناقوس مرگ امریکا و شوروی را به صدا درآوریم.

مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی از این برزخ بی انتهایی که انقلاب اسلامی ما برای همه جهانخواران آفریده است احساس غرور و آزادی کنند؛ و آوای آزادی و آزادگی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخمهای خود مرهم گذارند؛ که دوران بن بست و نا امیدی و تنفس در منطقه کفر به سر آمده است، و گلستان ملتها رخ نموده است. و امیدوارم همه مسلمانان شکوفه های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گلهای محبت و عشق و چشمه سارِ زلال جوشش اراده خویش را نظاره کنند. همه باید از مرداب و باتلاق و سکوت و سکونی که کارگزاران سیاست امریکا و شوروی بر آن تخم مرگ و اسارت پاشیده اند به درآییم و به سوی دریایی که زمزم از آن جوشیده است روانه شویم؛ و پرده کعبه و حرم خدا را که به دست نامحرمان نجس امریکا و امریکازاده ها آلوده شده است با اشک چشم خویش شستشو دهیم.

مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آنجا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید؛ و از وجود جوانان پرشور و شهادت طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید؛ بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید؛ که عزت و حیات در سایه مبارزه است. و اولین گام در مبارزه اراده است. و پس از آن، تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرک جهانی، خصوصاً امریکا را بر خود حرام کنید. ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است. دروازه های مدینهالرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته محبتمان با پیامبر هرگز پاره و سست نمی شود. به سوی کعبه نماز می گزاریم و به سوی کعبه می میریم. و خدا را سپاس می گزاریم که در میثاقمان باخدای کعبه پایدار مانده ایم و پایه های برائت از مشرکین را با خون هزاران هزار شهید از عزیزانمان بنیان نهاده ایم. و منتظر هم نمانده ایم که حاکمان بی شخصیت بعض کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم. ما غیر از خدا کسی را نداریم. و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم بر نمی داریم.

جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان آزاده جهان که علی رغم اختناق سیاسی حاکم بر آنها با ترتیب کنفرانسها و مصاحبه ها و سخنرانیها پرده از اسرار جنایتبار امریکا و آل سعود برداشتند و مظلومیت ما را به دنیا نشان دادند تشکر می نماید. مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدّم می شود؛ و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه ای را به وجود می آورند. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهانخواران حل نکنند و لااقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر امریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است، و باید چنگ و دندان ابرقدرتها و خصوصاً امریکا را شکست، و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت. یا پیروزی. که در مکتب ما هر دوی آنها پیروزی است. که ان شاءاللّه خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاستهای حاکم و ظالم جهانخواران، و نیز جسارت ایجاد داربستهایی بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید؛ و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.

بعضی افراد تا قبل از حادثه تلخ و شیرین حج در سال گذشته، فلسفه اصرار جمهوری اسلامی ایران را بر راهپیمایی برائت از مشرکین به خوبی درک نکرده بودند و از خود و دیگران سؤال می کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم چه ضرورتی به راهپیمایی و فریاد مبارزه است؛ و اگر هم فریاد برائت از مشرکین هم سر داده شود، چه ضرری متوجه استکبار می شود. و چه بسا افراد ساده دلی تصور می کردند که دنیای به اصطلاح متمدن جهانخواران نه تنها تاب تحمل اینگونه مسائل سیاسی را خواهد داشت، که به مخالفان خود حتی بیش از این هم اجازه حیات و تظاهرات و راهپیمایی خواهند داد. و دلیل این مدعا اجازه راهپیماییهایی است که در کشورهای به اصطلاح آزاد غرب داده می شود. ولی این مسئله باید روشن باشد که آنگونه راهپیماییها هیچ گونه ضرری برای ابرقدرتها و قدرتها ندارد. راهپیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد. راهپیماییهای برائت در مکه و مدینه است که به نابودی

سرسپردگان شوروی و امریکا ختم می شود. و درست به همین جهت است که با کشتار دسته جمعی زنان و مردان آزاده از آن جلوگیری می شود، و در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده دلان می فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و امریکا نهاد.

ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه مکه منشأ تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه مناسبی برای ریشه کن شدن نظامهای فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی نماها خواهد بود. و با اینکه بیشتر از یک سال از حماسه برائت از مشرکان نگذشته است، عطر خونهای پاک شهدای عزیز ما در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصا نقاط عالم مشاهده می کنیم. حماسه مردم فلسطین یک پدیده تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می کند که این حماسه را چه کسانی سروده اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده اند که بی محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیستها مقاومت می کنند؟ آیا تنها آوای وطنگرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست بازان خود فروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می ریزد؟ اگر اینچنین بود، اینها که سالهاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده اند! شکی نیست که این آوای «اللّه اکبر» است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند. و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و «مرگ بر امریکا، شوروی و اسرائیل» گفت؛ و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد او نیز با نثار خون و به رسم شهادت آرمید. آری، فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت. و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فروریخت، و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد؛ و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره کوکب درّیه فلسطین از شجره مبارکه «لا شَرقیه ولا غربیه» ما برافروخت. و امروز به همان گونه که فعالیتهای وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، برای خاموش کردن شعله های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد. و این تنها یک نمونه

از پیشرفت انقلاب است. و حال آنکه معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما اینها را سرمایه های بالقوه انقلاب خود تلقی می کنیم و هم آنهایی که با مرکّب خون طومار حمایت از ما را امضا می کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لبیک می گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت.

امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابرهنه ها و مرفهین بی درد شروع شده است. و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده اند می بوسم؛ و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه های آزادی و کمال نثار می کنم. و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می کنم: خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده است؛ و قلبها و چشمان پرفروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است و شراره کینه انقلابی تان جهانخواران چپ و راست را به وحشت انداخته است. البته همه می دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب سختیها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم درآمد و خصوصاً اقشار کارمند و اداری، در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند؛ ولی آن چیزی که همه مردم ما فراتر از آن را فکر می کنند مسئله حفظ اسلام و اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در اینجا مجال ذکر همه آنها نیست.

آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد امریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوهای نفتی و کشتیها و قایقها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازیهای سیاسی مجامع بین المللی مقاومت نکرده است؟ آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و حملات ددمنشانه عراق به شهرها و موشک باران مناطق مسکونی و بمبارانهای مکرر شیمیایی عراق در ایران و

حلبچه، مقاومت نکرده است؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرالها و زراندوزی و احتکار سرمایه داران و حیله مقدس مآبان مقاومت نکرده است؟ آیا همه این حوادث و جریانات برای ضربه زدن به اصول انقلاب نبوده است؟ که اگر نبود حضور مردم، هر یک از این توطئه ها می توانست به اصول نظام ضربه بزنـد. که خدا را سپاس می گزاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار به رسالت خود عمل کند و صحنه ها را ترک نگوید.

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزشهای اسلامی هستند، به خوبی دریافته اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست؛ و آنها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه انـد. و آنهایی هم که تصور می کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می کنند آب در هاون می کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جویی دو مقوله ای است که هرگز با هم جمع نمی شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلابها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسئولین نظام ایرانِ انقلابی باید بدانند که عده ای از خدا بیخبر برای از بین بردن انقلاب هر کس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بپیماید فوراً او را «کمونیست» و «التقاطی» می خوانند. از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در نظر داشت، و تمام همّ و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید. امریکا و استکبار در تمامی زمینه ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند، در حوزه ها و دانشگاهها مقدس نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده ام. اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می کنند. اینها با قیافه ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی دین معرفی می کنند. باید از شرّ اینها به خدا پناه بریم. و همچنین کسانی دیگر که بدون

استثنا به هر چه روحانی و عالِم است حمله می کنند و اسلام آنها را اسلام امریکایی معرفی می نمایند راهی بس خطرناک را می پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می شود. ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد.

امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخهای سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپها و موشکهای دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری می کند. جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی شناسد. و ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم. ان شاءاللّٰه ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختیهای جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می کند. و چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت بزرگ ایران مثل یک صاعقه بر سر امریکا فرود آمده است. چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت ایران سقوط ارکان و کنگره های نظام ستمشاهی را نظاره کرده است و شیشه حیات امریکا را در این کشور شکسته است. و چه شیرینی بالاتر از اینکه مردم عزیزمان ریشه های نفاق و ملیگرایی و التقاط را خشکانیده اند. و ان شاءاللّٰه شیرینی تمام ناشدنی آن را در جهان آخرت خواهند چشید. نه تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته اند، بلکه آنهایی که در پشت جبهه با نگاه محبت بار و با دعای خیر خود جبهه را تقویت نموده اند از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده اند. خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین علیه السلام!

اذناب امریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسئله ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است. نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی اینها خیالات باطل ملیگراهاست. ما هدفمان بالاتر از آن است. ملیگراها تصور نمودند ما

هـدفمان پیاده کردن اهـداف بین المللـ اسـلامی در جهان فقر و گرسـنگی است. ما می گوییم تا شـرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سـر شـهر و مملکت با کسـی دعوا نـداریم. ما تصـمیم داریم پرچم «لا اله الّا اللّه» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. پس ای فرزندان ارتشـی و سـپاهی و بسیجی ام، و ای نیروهای مردمی، هرگز از دست دادن موضـعی را با تأثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی بیان نکنیـد که اینها در برابر هـدف شـما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت.

پـدران و مـادران و همسـران و خویشاونـدان شـهدا، اسـرا، مفقودین، و معلولین مـا توجه داشـته باشـند که هیـچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده اند کم نشده است.

فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند. پیروزی و شکست برای آنها فرقی ندارد.

امروز روز هـدایت نسـلهای آینـده اسـت. کمربنـدهاتان را ببندیـد کـه هیـچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خـدا اینگونه خواسته است. و دیروز خدا آنگونه خواسته بود. و فردا ان شاءاللّه روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضـعیم. و ما تابع امر خداییم؛ و به همین دلیل طالب شهادتیم. و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیرخدا نمی رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و بـا درایت و دقت انجام دهیم. همه می داننـد که مـا شـروع کننـده جنـگ نبوده ایم. ما برای حفظ موجودیت اسـلام در جهـان تنهـا از خود دفـاع کرده ایم. و این ملت مظلوم ایران است که همواره مورد حمله جهـانخواران بوده است؛ و اسـتکبار از همه کمینگاههـای سیاسـی و نظـامی و فرهنگی و اقتصـادی خود به مـا حمله کرده است. انقلاـب اسـلامی مـا تـاکنون کمینگاه شیطان و دام صـیادان را به ملتها نشان داده است. جهانخواران و سـرمایه داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم.

و حـال آنکـه این وظیفه اولیه مـا و انقلاـب اسـلامی مـاست که در سراسـر جهـان صـلا زنیم که ای خـواب رفتگـان! ای غفلت زدگان! بیـدار شویـد و به اطراف خود نگاه کنیـد که در کنار لانه های گرگ منزل گرفته ایـد. برخیزیـد که اینجا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم

سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست! امریکا و شوروی در کمین نشسته اند، و تا نابودی کاملتان از شما دست بر نخواهند داشت. راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود، کسی جرأت اینهمه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول اللّه صلی الله علیه و آله داشت؟

امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است که در برابر بزرگترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی امریکا و اروپا در خلیج فارس صف آرایی نمود. و اینجانب به نظامهای امریکایی و اروپایی اخطار می کنم که تا دیر نشده و در باتلاق مرگ فرونرفته اید، از خلیج فارس بیرون روید. و همیشه اینگونه نیست که هواپیماهای مسافربری ما توسط ناوهای جنگی شما سرنگون شود؛ که ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آبهای خلیج فارس بفرستند.

به دولتها و حکومتهای منطقه، خصوصاً به عربستان و کویت می گویم که همه شما در ماجراجوییها و جنایاتی که امریکا می آفریند شریک جرم خواهید بود. و ما تا به حال از اینکه همه منطقه در کام آتش و خون و بی ثباتی کامل غوطه ور نشود، دست به عملی نزده ایم. ولی حرکات جنون آمیز ریگان مطمئناً حوادث غیرمنتظره و عواقب خطرناکی را بر همه تحمیل می کند. شما اطمینان داشته باشید که در این برگ جدید بازنده اید. خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر امریکا اینقدر ذلیل و ناتوان نکنید. اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید.

بحمداللّه از برکت انقلاب اسلامی ایران دریچه های نور و امید به روی همه مسلمانان جهان باز شده است؛ و می رود تا رعد و برق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را بر سر همه مستکبران فرو ریزد.

نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کیْ و تا کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویتها و ارزشهای معنوی و الهی مان نمی شناسند. به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم و

چه نخواهیم صهیونیستها و امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبیِ مان را لکه دار نمایند. بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاست نفرت و کینه توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می دهند؛ و با دلسوزیهای بیمورد و اعتراضهای کودکانه می گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنیها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادی شان افتاده است! که چه خوب است [به] این سؤال پاسخ داده شود که ملتهای جهان سوم و مسلمانان، و خصوصاً ملت ایران، در چه زمانی نزد غربیها و شرقیها احترام و اعتبار داشته اند که امروز بی اعتبار شده اند!

آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام را با دستهای خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند ما ضعیف؛ آنها ولیّ و قیّم باشند ما جیره خوار و حافظ منافع آنها؛ نه یک ایران با هویت ایرانی- اسلامی؛ بلکه ایرانی که شناسنامه اش را امریکا و شوروی صادر کند؛ ایرانی که ارابه سیاست امریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه مصیبت و عزای امریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت الحمایگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می کند. کنترل و حذف سلاحهای مخرّب از جهان اگر با حقیقت و صداقت همراه بود خواسته همه ملتهاست، ولی این نیز یک فریب قدیمی است. و این همان چیزی است که اخیراً از گفته های سران امریکا و شوروی و نوشته های سیاسیون آنها آشکار گردیده است که مراودات اخیر سران شرق و غرب به خاطر مهار بیشتر جهان سوم و در حقیقت جلوگیری از نفوذ پابرهنه ها و محرومین در جهانِ مالکیتهای بی حد و مرز سرمایه داران است. ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی- انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود؛ و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته شود. مطمئن باشید قدرتهای شرق و غرب همان مظاهر بی محتوای دنیای مادی اند که در برابر خلود و جاودانگی دنیای ارزشهای معنوی قابل ذکر نمی باشند.

من به صراحت اعلام می کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می کند. و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روشهای مبارزه علیه نظامهای کفر و شرک آشنا می سازد.

و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلًا خودداری می کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم. و خدا می داند که اگر نبود انگیزه ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود. اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم. و مسلّم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود.

من در اینجا از همه فرزندان عزیزم در جبهه های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده اند، تشکر و قدردانی می کنم. و همه ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می کنم. در آینده ممکن است

افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره خونها و شهادتها و ایثارها چه شد. اینها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بیخبرند و نمی دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه ای وارد نمی سازد. و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلّم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملتها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند! خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند!

خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می کنم.

و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آنهایی که از کنار این معرکه بزرگِ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند!

آری، دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت. و فردا امتحان دیگری است که پیش می آید. و همه ما نیز روز محاسبه بزرگتری را در پیش رو داریم. آنهایی که در این چند سالِ مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده اند مطمئن باشند که از معامله با

خـدا طفره رفته انـد، و خسارت و زیان و ضـرر بزرگی کرده انـد که حسـرت آن را در روز واپسـین و در محاسـبه حق خواهند کشـید. که من مجـدداً به همه مردم و مسـئولین عرض می کنم که حساب اینگونه افراد را از حساب مجاهـدان در راه خدا جدا سازند؛ و نگذارند این مدعیان بی هنر امروز و قاعدین کوته نظر دیروز به صحنه ها برگردند.

من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می کنم که نگذارید انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان بیفتد. نگذاریـد پیشکسوتانِ شـهادت و خون در پیـچ و خم زنـدگی روزمره خود به فراموشـی سپرده شوند. اکیداً به ملت عزیز ایران سفارش می کنم که هوشیار و مراقب باشید، قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست. با اعلام این تصـمیم، حربه تبلیغات جهانخواران علیه ما کنـد شـده است؛ ولی دورنمای حوادث را نمی توان به طور قطع و جـدی پیش بینی نمود. و هنوز دشـمن از شـرارتها دست برنداشـته است؛ و چه بسا با بهانه جوییها به همان شیوه های تجاوزگرانه خود ادامه دهد. ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشـمن آماده و مهیا باشیم. و ملت ما هم نباید فعلًا مسئله را تمام شده بداند. البته ما رسـماً اعلام می کنیم که هـدف ما تاکتیک جدیـد در ادامه جنگ نیست. چه بسا دشـمنان بخواهنـد با همین بهانه ها حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کید و مکر دشـمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضـعیت باشد. مردم ما، که در طول سالهای جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده انـد، بایـد خطر تهاجم جهانخواران در شـیوه ها و شـکلهای مختلف را جدیتر بدانند. و فعلًا چون گذشـته تمامی نظامیان، اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه ها برای دفاع در برابر شیطنت استکبار و عراق به مأموریتهای خود ادامه دهند. در صورتی کـه ایـن مرحله از حـادثه انقلاب را بـا همـان شـکل خـاص و مقررات مربـوط به خـود پشت سـر گـذاردیم برای بعـد از آن و سازنـدگی کشور و سـیاست کل نظام و انقلاب تـذکراتی دارم که در وقت مناسب خواهم گفت. ولی در مقطع کنونی به طور جدّ از همه گویندگان و دست اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه ها و مطبوعات می خواهم که خود را از معرکه ها و معرکه آفرینیها دور کنند؛ و مواظب باشند که ناخودآگاه آلت دست افکار و اندیشه های تند

نگردند؛ و با سعه صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند.

در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند. هر چند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست. چه بسا آنهایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح طلبی به ظاهر دم می زدند، امروز نیز با همان هدف سخنان فریبنده دیگری را مطرح نمایند؛ و جیره خواران استکبار، همانها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند. و ملیگراهای بی فرهنگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که ان شاءاللّه ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه فتنه ها را خواهد داد.

من باز می گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم. و نکته ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته اند. و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است.

مردم عزیز و شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می دانم. و شما می دانید که من به شما عشق می ورزم؛ و شما را می شناسم؛ شما هم مرا می شناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی ام بود. شما می دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود؛ و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم؛ و اگر آبرویی داشته ام با خدا معامله کرده ام. عزیزانم، شما می دانید که تلاش کرده ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدّم ندارم. خداوندا، تو می دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم.

خداوندا، تو می دانی که استکبار و امریکای جهانخوار گلهای باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوندا، در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه تکیه گاه ما تویی، و ما تنهای تنهاییم

و غیر از تو کسی را نمی شناسیم و غیر از تو نخواسته ایم که کسی را بشناسیم. ما را یاری کن، که تو بهترین یاری کنندگانی. خداوندا، تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیهاللّه- ارواحنا لتراب مقدمه الفداء- و رسیدن به خودت جبران فرما.

فرزندان انقلابی ام، ای کسانی که لحظه ای حاضر نیستید که از غرور مقدستان دست بردارید، شما بدانید که لحظه لحظه عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می گذرد.

می دانم که به شما سخت می گذرد؛ ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی گذرد؟ می دانم که شهادت شیرینتر از عسل در پیش شماست؛ مگر برای این خادمتان اینگونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است. بغض و کینه انقلابی تان را در سینه ها نگه دارید؛ با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید؛ و بدانید که پیروزی از آن شماست. و تأکید می کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می باشند. آنها را از این تصمیمی که گرفته اند شماتت نکنید، که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است. که ان شاءاللّه خداوند همه ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید.

من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه ها و ذخیره های عظیم الهی و به این گلهای معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید؛ و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید.

و من به همه مسئولین و دست اندرکاران سفارش می کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید؛ و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوریها همراهی کنید؛ و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبادا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرتها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجیها بت بتراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه ورسم

استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته ایم آنهمه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفتها داشته باشیم. ان شاءاللَّه در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می سازیم. مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیتها و حقیقتهاست. و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است.

و نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه ام به جوانان عرض می کنم این است که در مسیر ارزشها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید؛ و هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید. روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسلها همت گماشته اند و همیشه پیشتاز و سپر بلای مردم بوده اند؛ بر بالای دار رفته اند و محرومیتها چشیده اند؛ زندانها رفته اند و اسارتها و تبعیدها دیده اند؛ و بالاتر از همه، آماج طعنها و تهمتها بوده اند؛ و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یأس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده اند؛ و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، در کنار مردمند؛ و در هر حادثه غمبار و مصیبت آفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده اند.

در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی علیهم السلام و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آنقدر آماج حملات و کینه ها گردند. و این به خاطر صداقت و امانتداری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است.

مسئولیت پذیری در کشوری که با محاصره ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاریهای بیشتر آماده کنند؛ و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند. و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می شناسد، و فلسفه عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس در یک کلمه خلاصه می کند. علما و روحانیون

متعهد اسلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی کنند. البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته ها و صحبتها هر وقت نام «روحانیت» را به میان آورده ام و از آنان قدردانی نموده ام، مقصودم علمای پاک و متعهد و مبارز است؛ که در هر قشری ناپاک و غیرمتعهد وجود دارد. و روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاک دیگر بیشتر است. و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده اند؛ و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس مآب و دین فروش زده اند و می زنند. و روحانیون متعهد ما همواره از این بی فرهنگها متنفر و گریزان بوده اند. من به صراحت می گویم ملیگراها اگر بودند، به راحتی در مشکلات و سختیها و تنگناها دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می کردند؛ و برای اینکه خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهانند، همه کاسه های صبر و مقاومت را یکجا می شکستند و به همه میثاقها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می زدند. کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی دانیم. ولی هیهات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آنها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده ها و حسادتهای خود را نمی توانند پنهان سازند آنان را به باد ناسزا گیرند. ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است. که اگر بندبند استخوانهایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله های آتشمان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی کنیم.

علما و روحانیون ان شاءاللّٰه به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خودآشنا هستند ولی از باب تذکر و تأکید عرض می کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می کنند که می توانند اندیشه های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را بشنوند. و اگر بیراهه می روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی

آنان را نادیـده گرفت و فوراً انگِ التقاط و انحراف بر نوشـته هاشان زد و همه را یکباره به وادی تردیـد و شک انداخت. اینها که امروز اینگونه مسائل را عنوان می کنند مسـلماً دلشان برای اسـلام و هدایت مسلمانان می تپد، و الّا داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان گونه ای است که خود فکر می کننـد. به جای پرخاش و کنار زدن آنها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مأیوس نشوید. در غیراین صورت خـدای نـاکرده به دام لیبرالهـا و ملیگراهـا و یـا چپ و منـافقین می افتنـد؛ و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می تـوانیم به آینـده کشـور و آینـده سـازان امیـدوار شویم که به آنـان در مسائـل گونـاگون بهـا دهیم، و از اشـتباهات و خطاهـای کوچـک آنـان بگـذریم، و به همه شـیوه هـا و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صـحیح آنـان می شود احـاطه داشـته باشـیم. فرهنـگ دانشـگاهها و مراکز غیرحـوزه ای به صورتی است که بـا تجربه و لمس واقعیتهـا بیشـتر عـادت کرده است، تـا فرهنگ نظری و فلسـفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیعتر گردد.

نکته دیگر اینکه من اکثر موفقیتهای روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسـلامی در ارزش عملی و زهد آنان می دانم. و امروز هم این ارزش نه تنهـا نبایـد به فراموشـی سپرده شود، که بایـد بیشتر از گذشـته به آن پرداخت. هیـچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست. و هیـچ وسـیله ای هم نمی تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوسـتان نادان یا دشـمنان دانا بخواهنـد با دلسوزیهای بیمورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند؛ و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سـرمایه داری و سـرمایه داران متهم نمایند. در این شـرایط حساس و سرنوشت سازی که روحانیت در مصدر امور کشـور است و خطر سوءاسـتفاده دیگران از منزلت روحـانیون متصـور است، بایـد بشـدت مـواظب حرکـات خـود بود. چه بسـا افرادی از سازمانها و انجمنها و تشکیلات سیاسی و غیر آنها با ظاهری صددرصد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند؛ و حتی علاوه بر تأمین منافع خود، روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند. البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با

تبلیغات دیگران از میدان به در روند حمایت از محرومین و پا برهنه هاست؛ چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده دار این مسئولیت بزرگ بدانیم. و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده ایم.

در خاتمه، از پیشگاه مقدس پروردگار، که الطاف بیکران خود را بر این ملت ارزانی داشته است، تشکر و قدردانی می کنم. و از محضر مقدس بقیهاللّه- ارواحنا فداه- عاجزانه می خواهیم که ما را در مسیر و هدفمان مدد و رهبری فرماید. خداوند متعال به خانواده های شهدا صبر و اجر، و به مجروحین و معلولین شفا عنایت فرماید؛ و اسرا و مفقودین را به وطن خویش باز گرداند. خداوندا، از تو می خواهیم آنچه مصلحت اسلام ومسلمین است را برای ما مقدر فرمایی. انَّکَ قَریبٌ مُجیبٌ. والسلام علیکم و رحمهاللّه وبرکاته.

پنجم ذی حجه ۱۴۰۸/ ۲۹/ ۴/ ۶۷

روح اللّه الموسوی الخمینی

نمایه ها

فهرست آیات

ص: ۲۷۵

حمد

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ آیه ۲، ص ۱۷۶

وَ إِیَّاکَ نَسْتَعِینُ آیه ۵، ص ۱۷۶

هُدًی لِّلْمُتَّقِینَ آیه ۲، ص ۱۸۷

إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّآ إِلَیْهِ رَ جِعُونَ آیه ۱۵۶، ص ۱۲۳

صَدٌّ عَن سَبِیلِ اللَّهِ آیه ۲۱۷، ص ۲۴۹

وَمَکَرُواْ وَمَکَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَیْرُ الْمکِرِینَ آیه ۵۴، ص ۱۶۰

إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّهَ آیه ۹۶، ص ۶۳

وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعًا وَلَا تَفَرَّقُوا آیه ۱۰۳، ص ۲۵، ۲۷، ۵۶

وَمَن یُقتِلْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَیُقْتَلْ أَوْ یَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِیهِ أَجْرًا عَظِیمًا آیه ۷۴، ص ۲۴۴

وَمَن یَخْرُجْ مِن م بَیْتِهِ ی مُهَاجِرًا إِلَی اللَّهِ وَرَسُولِهِ ی ثُمَّ یُدْرِکْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ و عَلَی اللَّهِ آیه ۱۰۰، ص ۱۹۴، ۱۹۵

ص: ۲۷۶

مائده

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَهَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِّلنَّاسِ آیه ۹۷ ص ۷۳

انعام

إِنَّنِى بَرِى ءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ آیه ۱۹ ص ۲۰۰

إِنِّى وَجَّهْتُ وَجْهِىَ لِلَّذِى فَطَرَ السَّمَوَ تِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَآ أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ آیه ۷۹، ص ۱۲۵

اعراف

اَلَسْتُ بِرَبِّكُم آیه ۱۷۲، ص ۱۹۷

انفال

وَلاتَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ ريحُكُمْ آیه ۴۶، ص ۳۷، ۶۶

توبه

وَأَذَ نٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِى ءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُواْ أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِى اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ آیه ۳، ص ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۸۱، ۱۹۷

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَهَ الْحَاجِّ وَعِمَارَهَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْأخِرِ وَجهَدَ فِى سَبِيلِ اللَّهِ لَايَسْتَوُونَ عِندَاللَّهِ وَاللَّهُ لَايَهْدِى الْقَوْمَ الظلِمِينَ آیه ۱۹، ص ۱۳۷، ۲۳۳

قُلْ إِن كَانَ ءَابَآؤُكُمْ وَأَبْنَآؤُكُمْ وَإِخْوَ نُكُمْ وَأَزْوَ جُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَ لٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجرَهٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسكِنُ تَرْضَوْنَهَآ أَحَبَّ إِلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ى وَجِهَادٍ فِى سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّى يَأْتِىَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَايَهْدِى الْقَوْمَ آیه ۲۴، ص الْفسِقِينَ ۱۹۵

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا وَ أَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُواْ حُدُودَ مَآ أَنزَلَ اللَّهُ آیه ۹۷، ص ۶۴

هود

أَلَیسَ الصُّبحُ بِقَریبٍ آیه ۸۱، ص ۱۳۰

فَاسْتَقِمْ کَما امِرْتَ آیه ۱۱۲، ص ۲۲۸

حجر

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّکْرَ وَ إِنَّا لَهُ و لَحفِظُونَ آیه ۹، ص ۱۹۵

نحل

تِبْیان کُلِّ شَیءٍ آیه ۸۹، ص ۱۸۶

اسراء

انَّ الباطِلَ کانَ زَهُوقاً آیه ۸۱، ص ۶۲

حج

وَطَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطَّآئِفِینَ وَ الْقَآئِمِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ آیه ۲۶ ص ۱۲۱

وَ أَذِّن فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا وَ عَلَی کُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِینَ مِن کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ آیه ۲۷، ص ۱۲۱، ۲۴۸

وَ الَّذِینَ هَاجَرُواْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُواْ أَوْ مَاتُواْ لَیَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَیْرُ الرَّ زِقِینَ آیه ۵۸، ص ۲۳۰

نور

اللَّهُ نُورُ السَّموات وَالْأرْضِ آیه ۳۵، ص ۱۰۷، ۱۹۴

لَّاشَرْقِیَّهٍ وَ لَاغَرْبِیَّهٍ آیه ۳۵، ص ۲۵۷

فَلْیَحْذَرِ الَّذِینَ یُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ ی أَن تُصِیبَهُمْ فِتْنَهٌ أَوْیُصِیبَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ آیه ۶۳، ص ۱۹۶

احزاب

لَکُمْ فی رَسُولِ اللَّهِ اسوَهٌ حَسَنَهٌ آیه ۲۱، ص ۳۶

سبا

قُلْ إِنَّمَآ أَعِظُكُم بِوَ حِدَهٍ أَن تَقُومُواْ لِلَّهِ مَثْنَى وَ فُرَ دَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُواْ آیه ۴۶، ص ۳۷، ۲۲۰

محمد

إِن تَنصُرُواْ اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ آیه ۷، ص ۱۳۵، ۱۶۹، ۲۰۴

فتح

لَّقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِن شَآءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ آیه ۲۷، ص ۲۴۷

مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ و أَشِدَّآءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ آیه ۲۹، ص ۸۲، ۱۹۵

حجرات

فَقتِلُواْ الَّتِى تَبْغِى حَتَّى تَفِى ءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ آیه ۹، ص ۵۷

انَّ اكرَمَكُم عِندَ اللَّهِ اتقْيكُم آیه ۱۳، ص ۶۵

حدید

هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْأَخِرُ وَ الظهِرُ وَ الْبَاطِنُ آیه ۳، ص ۱۹۴، ۲۴۵

صف

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقتِلُونَ فِى سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنْيَنٌ مَّرْصُوصٌ آیه ۴، ص ۲۴۴

جمعه

يُزَكّيهِمْ وَ يُعَلّمُهُمُ الْكِتبَ آیه ۲، ص ۱۵۰

ص: ۲۷۹

فهرست احادیث و دعاها

نمایه موضوعی

آمریکا

ص: ۲۹۸

بررسی اتحاد مسلمانان در

طرد دین به ۲۲۱.

دوران رضا شاه

رنج های ۲۳۸.

دوران شاه

مقایسه و جمهوری اسلامی ۱۷۴.

ص: ۳۱۰

اقدام برای ۱۲۰؛ ایثار برای ۱۲۰.

عدالت اجتماعی

عدول از ۲۷۲.

عراق

آغازگر جنگ بودن ۶۷؛ اخراج رژیم از لیست تروریسم ۱۶۰؛ اشغالگری ۶۶؛ بمباران مناطق مسکونی ایران توسط ۱۱۰؛ تجاوزکاری دولت ۵۷؛ تشکل مردم از سوی ایران ۲۱۴؛ تهاجم علیه ایران ۵۷، ۶۶، ۱۰۸؛ جنگ تحمیلی علیه ایران ۴۹؛ حمایت آمریکا از ۱۰۸، ۱۱۵؛ حمایت شوروی از ۱۱۵؛ حمایت فرانسه از ۱۱۵؛ حمایت کشورهای اسلامی از ۵۷؛ حمایت کشورهای

مشکل تراشی

پرهیز از در حج ۲۱۷؛ آمریکا برای ایران ۵۰؛ رژیم پهلوی برای حجاج ۲۰.

مصالح پابرهنه ها

تقدم ۲۱۵.

مصالح زجرکشیده ها

تقدم ۲۱۵.

مصالح عمومی

رعایت در قضاوت ۸۹.

مصالح مستضعفان

تقدم ۲۱۵.

مصالح مسلمانان

تلاش برای ۱۱۳؛ دفاع از ۱۸۲؛

فهرست اشخاص

ص: ۳۴۶

فهرست جای ها

فهرست جای ها

ص: ۳۵۰

فهرست ایام و حوادث

فهرست ایام و حوادث

ص: ۳۵۱

جلد ۲

اشاره

مقدّمه

بسم اللّه الرحمن الرحيم

«مراتب معنوى حج كه سرمايه حيات جاودانه است و انسان را به افق توحيد و تنزيه نزديك مى نمايد، حاصل نخواهد شد مگر آنكه دستورات عبادى حج بطور صحيح و شايسته مو به مو عمل شود».

حضرت امام خمينى قدس سره

حجّ نمايشى پرشكوه، از اوج رهايى انسان موحّد از همه چيز جز او، و عرصه پيكارى فرا راه توسن نفس، و جلوه بى مانندى از عشق و ايثار، و آگاهى و مسؤوليت، در گستره حيات فردى و اجتماعى است. پس حجّ تبلور تمام عيار حقايق و ارزشهاى مكتب اسلام است.

مؤمنان گرچه با اين عبادت الهى، آشنايى ديرينه دارند، و هر سال با حضور شورانگيز از سراسر عالم، زنگار دل، با زلال زمزم توحيد مى زدايند، و با حضرت دوست تجديد ميثاق مى كنند، و گرچه ميراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه هاى حياتبخش حجّ است، امّا هنوز ابعاد بى شمارى از اين فريضه مهمّ، ناشناخته و مهجور مانده است.

پيروزى انقلاب اسلامى، در پرتو انديشه هاى تابناك امام خمينى- رضوان اللّه تعالى عليه- حجّ را نيز همچون ساير معارف و احكام اسلامى، در جايگاه واقعى خويش نشاند، و

سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. امّا هنوز راهی دراز در پیش است، تا فلسفه و ابعاد و آثار و برکات حجّ، شناخته و شناسانده شود، و مؤمن حجّ گزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف کریمه، و مشاعر عظیمه، که محلّ هبوط ملائکه اللّه، و توقّف انبیا و اولیا بود، گام بگذارد.

در راستای تحقق این هدف بزرگ، بعثه مقام معظّم رهبری با الهام از اندیشه های والا و ماندگار امام راحل، احیاگر حجّ ابراهیمی- قدّس سرّه الشّریف- و بهره گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی حضرت آیهاللّه خامنه ای- مدّ ظلّه- با تأسیس معاونت آموزش و پژوهش، تلاش می کند فصل جدیدی فرا راه اندیشمندان مسلمان، و علاقمندان به فرهنگ حجّ، و زائران و راهیان حرمین شریفین بگشاید. از این رو در عرصه تحقیق و تألیف و ترجمه، آثار گوناگون پیرامون حقایق و معارف حجّ، آشنایی با اماکن مقدسه، تاریخ و سرگذشت شخصیتهای بزرگ اسلام، بررسی رویدادها و عرضه خاطرات و بویژه آموزش مسائل و آداب حجّ تلاشهایی را آغاز کرده است.

آنچه اینک پیش روی خواننده قرار دارد برگ سبزی است از این دفتر.

بی گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارساییها خواهد کاست، و در این راه معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظّم رهبری، از همکاری همه علاقمندان استقبال کرده، و دست آنان را به گرمی می فشارد.

از برادر دانشمند جناب آقای مهندس علی رضا برازش و همکاران محترمشان که در تهیّه و تنظیم این اثر ارزشمند ما را یاری دادند، صمیمانه سپاسگذاری می نمایم.

و من اللّه التوفیق و علیه التکلان

معاونت آموزش و پژوهش

بعثه مقام معظم رهبری

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام(۱۴/ ۴/ ۱۳۶۸ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام

اشاره

(۱۴/ ۴/ ۱۳۶۸ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ يا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَ أَخِيهِ وَ لا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ. (۱)

بار الها! تو را سپاس می گویم

بارالها! تو را ثنا می گویم که باب راز و نیاز بنی آدم را با خویش گشودی و دل مشتاقان جمال را به وعده ی رحمت ومغفرت نواختی؛ آلایش شرک را بر بندگان خود زیبنده ندانسته، دامان بنی آدم را از آن پیراستی و توحید و اخلاص را زیب دل و جان مؤمنان خواستی.

بارالها! تو را سپاس می گویم که بر بنده ی برگزیده ات محمّد صلی الله علیه و آله، کتاب و حکمت را و شفای دردهای بنی آدم را نازل فرمودی و راه سعادت را در سخن و عمل او به جهانیان نمودی.

بارالها! بر محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله و همه ی سلسله ی نورانی انبیا و اوصیا و اولیا، گویندگان حق و کوبندگان باطل و شکنندگان بتهای جاهلیت و ناصحان مشفق امت، سلام وصلوات نازل فرما و راه آنان را روزبه روز در چشم خلایق روشنتر، و در دل آنان محبوب تر فرما.

بارالها! بر بنده ی صالح متواضعت امام خمینی قدس سره، که رضای تو را بر رضای دیگران برگزید و در راه اعلای کلمه ی تو و احیای دین تو، رنج های گران بر جان خرید و

۱- یوسف: ۸۷

مجاهـدت در راه ملت ابراهیمی و سـنت محمّـدی صـلی الله علیـه و آلـه را بـه نهـایت رسانـد و در این راه لحظه یی از حرکت وتلاش باز نایستاد، با نام و یاد تو زیست و با امید و عشق تو به ملکوت اعلی پیوست، سلام و رحمت و رضوان فرست، و کلمه ی او را رفعت بخش، و راه او را رونق بخش، و میراث یگانه ی او را در پناه خود حفظ کن، وآرزوها و هدف های او را محقق ساز، و ما را از اخلاف نیک او قرار ده.

بارالها! من در این سـخن، مقصدی جز ابلاغ پیام تو و انجام تکلیفی که بر دوش خود احساس می کنم، ندارم. پروردگارا! سوز سخن حق را در این کلام بگنجان و آن را به گوش و دل مؤمنان و همه ی حق طلبان جهان برسان. همان اخلاص و صفا را که در سخن عبد صالح تو و امام و قائد ما موج می زد، بدان بیامیز وآن را به قبول حَسَن، مقبول فرما ...؛ آمین ربّ العالمین.

بار دیگر روزهای حج فرا می رسد

بار دیگر روزهای حج فرا می رسد و صلای ابراهیمی و أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ، (۱)

فطرت مسلمانان پاکنهاد را به اجابت می خواند وفراق خانه ی خدا، دل مشتاقان را آکنده از درد و رنج می سازد. دست ظلم و عدوانِ بیرون آمده از آستین حکام حجاز، بدین اکتفا نکرده که صدها زایر خانه ی خدا را در حریم امن الهی به خاک و خون کشیده و هزاران کبوتر خونین بال حرم را فقط به جرم برائت از مشرکین و اعلام نفرت از امریکا و اسرائیل و دعوت مسلمین به وحـدت و برادری، تـار و مـار نمایـد؛ بلکه برای انتقام از ملتی که در همه ی صـحنه ها بر قوای اسـتکبار جهانی تاخته و خواب راحت را از چشم غـارتگران و زورگویـان جهـان ربوده است، و برای زدودن اثر چنـد سـال حـج همراه بـا برائت، که به برکت حضور فرزندان انقلاب و مجاهدان راه قرآن و اسـلام، فضای حرمین شریفین و عرفات و مشعر و منی را از ندای توحید خالص و نفی آلهه ی زور و زر آکنـده بود، راه خانه ی خـدا و مأمن خلق را به روی آنان بسـته و زبانها و قلم های اجیر و مزدور را به کمک

۱- حج: ۲۷

رسانه های صهیونیستی و امریکایی برضد آنان به کار انداخته است.

این دومین موسم حجی است که در آن ملت ایران- این فدایی ترین فرزندان اسلام- از طواف بر گرد خانه ی محبوب مصدود شده اند. دولت سعودی با دستاویزکردن بهانه های پوچ، امسال نیز همچون سال قبل، به صَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ پرداخت و خود را مصداق این آیه ی شریفه ساخت: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ الَّذِى جَعَلْناهُ لِلنَّاسِ سَواءً الْعاكِفُ فِيهِ وَ الْبادِ. (۱) حافظه ی تاریخ ما این دشمنیها را فراموش نخواهد کرد.

امام خمینی قدس سره زنده است

اکنون که ملت ایران همزمان با سالگرد فاجعه ی خونین مکه، به مصیبت بزرگ فقدان قائد اکبر و منادی وحدت مسلمین و برافرازنده ی پرچم اسلام و قرآن، بنده ی صالح خدا و ناصح دلسوز امت و فرزند خلف پیغمبر- خمینی کبیر مبتلا شده است، جا دارد که حجاج بیت اللَّه از هر کشور و ملت، طنین نـدای توحیـد و وحـدت را که همه ساله از آن حنجره ی ابراهیمی برمی آمد و فضای خانه ی خدا وسپس فضای جهان اسلام را پُر می کرد و بت های قدرت و مکنت را به لرزه درمی آورد، به گوش جان بشنوند و به دعوت او که حرف دل میلیونها مسلمان تحقیرشده و ستم زده به وسیله ی حکام وابسته و مستکبر بود، پاسخ گویند.

آری، اگرچه یوسف عزیز امت اسلام اکنون در میان ما نیست و جای او که همه ساله در وجود یکایک حاجیان دلباخته و سرازپانشناخته ی ایرانی تجلی می کرد، خالی است، ولی هم اکنون نیز او را در هر دل ذاکر و عارف و در هر جان پُرشور و در هر زبان حقگو و در وجود هر مسلمان غیور و دلسوخته و در هرجا که در آن، سخن از عزت اسلام و وحدت مسلمین و برائت از مشرکین و نفرت از «انداد اللَّه» و اصنام جاهلیت هست، می توان یافت. او زنده است، تا اسلام ناب محمّدی زنده است؛ و او زنده است، تا پرچم

۱- حج: ۲۵

عظمت اسلام و وحدت مسلمین و نفرت از ظالمین برافراشته است.

هنوز نـدای ملکوتی او که می گفت: «حاشـا که خلوص عشق موحـدین، جز به ظهور کامل نفرت از مشـرکین و منافقین میسـر شود»، در فضـای مکه طنین افکن است، و درس فراموش نشـدنی او که می گفت: «کـدام خـانه یی سـزاوارتر از کعبه وخانه ی امن وطهـارتِ نـاس که در آن به هرچه تجاوز و سـتم و اسـتعمار و بردگی و یا دون صـفتی و نامردمی است، عملًا و قولًا پشـت شود؟»، در کتیبه ی ذهن انسان های بیدار منقش است.

هنوز این سؤال هشداردهنـده ی او که: «آیـا بایـد در خـانه هـا نشـست و بـا تحلیل های غلط و اهانت به مقام و منزلت انسانها و القـای روحیه ی ناتوانی و عجز در مسـلمانان، عملًا شـیطان و شـیطان زادگان را تحمل کرد؟»، وجـدان مسـلمانان غیور را برمی انگیزد و پاسخی از سر وارستگی و اخلاص می طلبد. و هنوز این سخن پیامبرگون او، دل و جان مشتاقان را تسخیر می کند که می گفت: «هیهات که امت محمّد صلی الله علیه و آله، سیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان، به مرگ ذلت بار و به اسارت غرب و شـرق تن در دهنـد؛ و هیهات که خمینی در برابر تجاوز دیوسـیرتان و مشـرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خـدا و امت محمّـد صـلی الله علیه و آله و پیروان ابراهیم حنیف، سـاکت وآرام بمانـد و نظاره گر صـحنه های ذلت و حقارت مسـلمانان باشـد. قـدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشـند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند، به راه خود که راه مبـارزه با کفر و ظلم و شـرک و بت پرستی است، ادامه می دهـد». و خـدا را شـکر خمینی بزرگ تنها نمانـد و چنـان که او می گفت و می خـواست: «بسـیجیان جهـان، این پـابرهنه هـای مغضوب دیکتاتورهـا، خواب راحت را از دیـدگان جهانخواران و سرسپردگانشان سلب کردند».

هنوز این نوای شـیرین و امیدبخش، دل مؤمنان را از فروغ حیات روشن می کند و خون امید و نشاط در پیکر امت اسـلامی می دمـد که: «مسـلمانان جهـان و محرومـان سراسـر گیتی، از این برزخ بی انتهـایی که انقلاـب اسـلامی برای همه ی جهـانخواران آفریـده است، احساس غرور وآزادی کنند و آوای آزادی وآزادگی را در حیات و سـرنوشت خویش سـر دهند و بر زخم های خود مرهم گذارند، که دوران بن بست و ناامیدی وتنفس در

منطقه ی کفر بسر آمده است و گلستان ملتها رخ نموده است و امید که همه ی مسلمانان، شکوفه های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گل های محبت و عشق و چشمه سار زلال جوشش اراده ی خویش را نظاره کنند ...».

آری، امام خمینی زنده است، تا امید زنده است؛ و تا حرکت و نشاط هست، و تا جهاد و مبارزه هست، ... امام خمینی وامت فداکارش، از مکه و میقات هم غایب نیستند.

سیلاب اندیشه ی جهاد و شهادت و مقاومت و برائت از مشرکین و محبت به مؤمنین که از قله ی بلند اندیشه ی او جاری است، همه ی دلها و جان های مستعد را فرا می گیرد و به او حضوری معنوی می بخشد. آری، چنان که او خود می گفت: «ما در مکه باشیم یا نباشیم، دل و روحمان با ابراهیم در مکه است. دروازه های مدینهالرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته ی محبتمان با پیامبر، هرگز پاره و سست نمی شود. به سوی کعبه نماز می گزاریم و به سوی کعبه می میریم و خدای را سپاس می گزاریم که در میثاقمان با خدای کعبه، پایدار مانده ایم و منتظر هم نمانده ایم که حاکمان بی شخصیت بعضی کشورهای اسلامی و غیراسلامی، از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه ی تاریخ محرومان و پابرهنگانیم و غیر از خدا کسی را نداریم و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم برنمی داریم ...».

دلهاتان را به او بسپرید

و اکنون که برای دومین بار دست جور و عدوان، راه خانه ی خدا را بر مسلمانان خداجوی ایران بسته و به حساب امریکا و اسرائیل، بر ملتی که برترین پرچم مبارزه با شیطان بزرگ و دولت غاصب دست نشانده اش را برافراشته است، جفا روا داشته و امت داغدار ما را که رخت عزای امام فقید اسلام را بر تن دارد، داغدارتر کرده است، این جانب نکاتی را از باب تذکر به برادران و خواهران حاضر در صحنه ی حج و به همه ی مسلمانان عالم ونیز به ملت بزرگ ایران عرض می کنم:

۱) حال که به نام خدا و به دعوت پیامبر خدا، راهیِ کوی دوست شده و از هر «فجّ عمیق» به حریم بیت اللّه الحرام وفود کرده و احرام حج و هجرت الی اللّه بسته و ابراهیم وار

نغمه ی: إِنِّی ذاهِبٌ إِلی رَبِّی سَیَهْدِینِ (۱)

به زبان فطرت سر داده و زمزمه ی: وَ أَرِنا مَناسِکَنا وَ تُبْ عَلَیْنا (۲)

را به زبان حال و قال مترنم گشته اید، امید است از ثَمَراتُ کُلِّ شَیْ ءٍ که ابراهیم خلیل علیه السلام از خداوند استدعا کرد، شیرین کام شده و چشمتان به شهود منافعی که حضرت ربوبی مژده داده، منور گردد.

به طور حتم، یکی از این منافع آن است که در پرتو مناسک و شعایر آموزنده ی حج، دلهاتان را که خانه ی خدا و امانت اوست، به او بسپرید و از شرک و زَیغ و زنگار تطهیر کنید وپیمان: أَ لَمْ أَعْهَدْ إِلَیْکُمْ یا بَنِی آدَمَ أَنْ لا تَعْبُدُوا الشَّیْطانَ (۳)

را تجدید نمایید و باتمسک به فرمان: فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ، (۴)

به بشارت: وَ الَّذِینَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ یَعْبُدُوها وَ أَنابُوا إِلَی اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْری، (۵)

سرافراز گردید.

حج؛ کانون معارف اسلام و مظهر توحید

حج، کانون معارف اسلام و بیان کننده ی سیاست کلی اسلام برای اداره ی زندگی انسان است. حج، مظهر توحید و نفی و رمی شیطان و تکرار شعار ابراهیم علیه السلام است که گفت: إِنَّنِی بَرِی ءٌ مِمَّا تُشْرِکُونَ؛ (۶) صحنه ی اتحاد عظیم امت اسلامی بر گرد محور توحید وبرائت از مشرکین و نفی و طرد همه ی بتهاست. وبت، هر آن چیزی است که به جای خدا قرار گیرد و ولایت الهی را به ولایت خود تبدیل کند ونیرو واراده ی افراد بشر را در اختیار بگیرد؛ حال چه سنگ و چوب، و چه قدرت های شیطانیِ سلطه گر و جبار، و چه عصبیت های جاهلی و ناحق که: فَما ذا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلالُ. (۷) حج ابراهیمی ومحمّدی صلی الله علیه و آله و حج علوی و حسینی علیهما السلام آن است که در آن توجه به خدا و پناه بردن به حکومت و قدرت او، با پشت کردن به قدرت طواغیت و جباران

۱- صافات: ۹۹

۲- بقره: ۱۲۸

۳- یس: ۶۰

۴- حج: ۳۰

۵- زمر: ۱۷

۶- انعام: ۱۹

۷- یونس: ۳۲

همراه باشد. زمزمه ی مناجات سالار شهیدان و سیّد شباب اهل الجنه در عرفات، چه زیبا این هر دو را در یک سخن می سراید: «الهی أَنْتَ کَهْفِی حِینَ تُعْیِینِی الْمَذَاهِبُ فِی سَعَتِهَا ... وَ أَنْتَ مُؤَیِّدِی بِالنَّصْرِ عَلَی أَعْدَائِی وَ لَوْ لا نَصْرُکَ إِیَّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِینَ ... یَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نِیرَ الْمَذَلَّهِ عَلَی أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ» (۱)

. و خطبه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله در یوم الترویه که در آن نسخ مقررات جاهلیت وتحذیر از فریب شیطان برای وادار کردن بنی آدم به عبادت خود و حکم قاطع به پیوند برادری میان همه ی مسلمین را اعلام فرمود، خط کلی حج را معین می کند.

حج بی برائت، حج نیست

کدامین جان تشنه است که از فیض کوثر محمّدی صلی الله علیه و آله و جوشش زمزم حسینی، این جرعه ها را بنوشد و هنوز در مضمون سیاسی حج دچار تردید و ابهام باشد؟ حج بی برائت، حج بی وحدت، حج بی تحرک وقیام، حجی که از آن تهدید کفر و شرک برنخیزد، حج نیست و روح ومعنای حج را فاقد است.

بت های بزهکار استبداد و استعمار، حکمرانان ازخدا بی خبر و قدرت های سلطه گر جهانی، در گذشته و حال، همواره از حجِ بامضمون سازنده و روشن و الهامبخش، بشدت ترسیده و با آن به مقابله برخاسته اند. آنها تبلیغات دامنه دار و خصمانه یی را به وسیله ی آخوندهای درباری و ریزه خواران سفره ی عشرت خود بر ضد مضمون سیاسی حج به راه انداخته و باهیاهو و جنجال خواسته اند بقبولانند که حج از سیاست جداست و جز عبادتی به مثابه ی عبادات فردی نیست؛ غافل از آن که هر انسانِ اندکی هوشمند هم بوضوح درمی یابد که اگر درس وحدت مسلمین و عظمت امت اسلامی و تعارف برادران جداافتاده و همصدایی صاحبان زبانها و نژادها و ملیتها و مناطق جغرافیایی گوناگون و اعتصام به حبل اللّه با حالت طبیعی در حج منظور نمی بود و فقط عبادت و رابطه ی جداگانه ی انسانها با خدای خود مطلوب بود، آمدن از کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ و پیاده و سواره، آن هم در یک موسم خاص، چه معنی داشت؟ رنج پیمودن این راه، چرا؟ و

۱- مفاتیح الجنان، دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه.

حضـور در مکه وسـپس در عرفـات و مشـعر و منی، آن هم در ایـام معـدودات و روزهـا و ساعـات معین برای همه ی مسـلمین جهان، چرا؟ و طواف گرد یک مرکز واحد و رمی یک نقطه ی واحد، چرا؟

حجی که از پایه های دین به شمار می رود

آری، حـج عبـادت است و ذکر و دعـا و اسـتغفار؛ امـا عبـادتی و ذکر و اسـتغفاری در جهت ایجاد حیات طیبه ی امت اسـلامی ونجات آن از زنجیرها وغل های استعباد و استبداد و خداوندان زر و زور و تزریق روح عزت و عظمت به آن و زدودن کسالت و ملالـت از آن. این است حجی که از پـایه های دین به شـمار رفته و امیرالمؤمنین علی علیه السـلام در نهـج البلاغه آن را عَلَم اسـلام و جهاد هر ناتوان و برطرف کننده ی فقر وتنگدستی و مایه ی تقرب و نزدیکی اهل دین به یکدیگر شمرده است؛ و این است آن حجی که بنـدگان مجاهد خدا همه ساله از ایران با شوق و شور بدان روی می آورند و برائت از امریکا و صهیونیسـم و نفی ولایت اسـتکبار وشعار برای تعمیم ولایت الهی را شرط اصلی آن می شمرند؛ و این است آن حجی که سیلی خوردگانِ از اسـلام وانقلاـب و در رأس آنان امریکای جنایتکار، از آن احساس خطر می کردنـد و اکنون دو سال است حکام آل سـعود برای شـادی و خشـنودی امریکـا و اسـرائیل، مؤمنین را از اقـامه ی آن مـانع می شونـد و زبانهـا و قلم هـای مزدور آخونـدهای نوکرصفت را به نفی آن و محکوم کردن آن وادار می کنند.

حج را به روح و حقیقت آن نزدیک کنید

اینک شـما حاجیان جهان اسـلام؛ شـما که دشـمنان وحدت اسـلامی نخواسته و نگذاشته اند که همراه با برادران ایرانی خود به طواف و سـعی و وقوف و رمی و نماز و زیارت قبر رسول گرامی صـلی الله علیه و آله بپردازیـد، یاد برادران مهجور و مصـدود خود را در آن مراسم زنـده کنیـد و حـج را هرچه بتوانید، به معنی و روح و حقیقت آن نزدیک کنید و بدانید که هر کس حج را از هویت سیاسی آن جدا کند، یا جاهل است و یا مغرض؛ و

خداونـد نخواهـد گـذشت از آنـان که برای رسـیدن به هـدف های ناپاک و حقیر خود، آماده انـد که بزرگترین حربه ی امت اسـلامی در برابر جهان کفر و اسـتکبار را از او بگیرنـد و حج زندگی ساز و شورآفرین را، به عبادتی فردی و سـطحی همراه با سیاحت و تجارت بدل کنند.

تفکیک دین از سیاست؛ یکی از بزرگترین مظاهر شرک

۲) از بزرگترین مظـاهر شـرك در عصـر حاضـر، تفکیـك دنیـا از آخرت، و زنـدگی مادّی از عبادت، و دین از سـیاست است. گویی خـدای دنیا- معاذاللَّه- جباران و زورگویان و چپاولگران و ابرقـدرتها و جنایتکارانند، و استضـعاف و اسـتعباد و اسـتثمار خلایق و علو و اسـتکبار نسبت به بندگان خدا حق مسلّم آنهاست، و همگان باید پیشانی اطاعت بر آستان تفرعن آنها ساییده و در برابر زورگویی و غارتگری و میل و اراده ی بی مهار آنان تسـلیم باشند و اعتراض نکنند؛ چرا که وعاظالسلاطین و نوادگان «بلعم باعورا»، فریاد برخواهند آورد که دخالت در سیاست کردید، و اسلام را چه به سیاست؟!

این، همـان شـرکی است که امروز مسـلمانان بایـد با اعلام برائت، دامن خود و اسـلام را از آن تطهیر کننـد. آنچه جای تأسـف است، این که سالها غفلت مسـلمین و مهجور ماندن قرآن سـبب شد که دست های تحریف بتوانند به نام دین، هر سـخن باطلی را در اذهان جای داده و بـدیهی ترین اصل دین خدا را منکر شوند و شـرك را جامه ی توحید پوشانده و مضـمون آیات قرآن را بی دغدغه انکار کنند، و در حالی که قرآن اقامه ی قسط را هدف از ارسال رسل می داند؛ لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَیِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْکِتابَ وَ الْمِیزانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ، (۱)

و در حالی که با خطاب کُونُوا قَوَّامِینَ بِالْقِسْطِ شُهَداءَ لِلَّهِ، (۲)

همه ی مؤمنین را موظف به تلاش برای اقـامه ی قسـط می کنـد، و در حـالی که آیات کریمه ی قرآن، اعتماد به سـتمگران را ممنوع می سازد و به پیروان خود می فرماید: وَ لا تَرْکَنُوا إِلَی

۱- حدید: ۲۵

۲- نساء: ۱۳۵

الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ، (۱)

و گردن نهادن به ظلم طاغوت را منافی با ایمان می شمرد و می گوید: أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ یَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِما أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ یُرِیدُونَ أَنْ یَتَحاکَمُوا إِلَی الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ یَکْفُرُوا بِهِ، (۲)

و کفر به طاغوت را در کنار ایمان به خدا قرار می دهد؛ یَکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ یُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی، (۳)

و در حالی که نخستین شعار اسلام، توحید، یعنی نفی همه ی قدرت های مادّی و سیاسی و همه ی بت های بی جان و باجان بود، و در حالی که اولین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله پس از هجرت، تشکیل حکومت و اداره ی سیاسی جامعه بود، و یا دلایل و شواهد فراوان دیگری که بر پیوند دین و سیاست حکم می کند، باز کسانی پیدا می شوند که بگویند دین از سیاست جداست، و کسانی هم پیدا شدند که این سخن ضداسلامی را از آنها بپذیرند.

سیاستمدارانی که دایماً دم از جدایی دین و سیاست می زنند و کسانی از مدعیان دینداری که به کمک آنان شتافته و همین سخن را تکرار می کنند، آیا هرگز در آیات قرآن و تاریخ اسلام و احکام شریعت اندیشیده اند؟ آیا فکر کرده اند که اگر دین جدا از سیاست است، پس چرا قرآن همه ی امور سیاسی را، یعنی حکومت را، قانون را، صف بندی های زندگی را، جنگ و صلح را، تعیین دوست و دشمن را و دیگر مظاهر سیاست را، همه و همه را به خدا و دین خدا و اولیای خدا مرتبط می کند؟

آیا در آیه ی یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّی وَ عَدُوَّکُمْ أَوْلِیاءَ (۴)

و آیه ی وَلَا تُطِیعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِینَ الَّذِینَ یُفْسِدُونَ فِی ٱلْأَرْضِ وَلا یُصْلِحُونَ، (۵)

یا آیات معرفی حزب اللَّه و حزب الشیطان، یا آیات ولایت اللَّه، یا آیات حکم به غیر ما انزل اللَّه، اندیشیده و در آن تأمل کرده اند؟

۱- هود: ۱۱۳

۲- نساء: ۶۰

۳- بقره: ۲۵۶

۴- ممتحنه: ۱

۵- شعراء: ۱۵۱ و ۱۵۲

آیا اعمال و رفتار سیاسی و اجتماعی انسانها که بیشترین بخش زندگی آنهاست، بدون جزاست؟ پس وَ وَجَدُوا ما عَمِلُوا حاضِراً (۱)

و وُفِّیَتْ کُلُّ نَفْسٍ ما عَمِلَتْ (۲)

چیست و با کدامین میزان سنجیده می شود؟ آیا می توان گفت اسلام در دنیا به خوب و بد این گونه اعمال کاری ندارد و وظیفه یی مقرر نمی کند؛ ولی در آخرت جزای آن داده می شود؟

آیا جهاد اسلامی که درصدها آیه ی قرآن و حدیث مسلّم، در زمره ی برترین فرایض دینی قرار گرفته و ترک آن مایه ی ذلت و شقاوت دنیا و آخرت شناخته شده، برای به دست آوردن چه چیز و دفاع از کدامین ارزش است؟ آیا حیات طیبه یی که برای تحصیل آن باید جهاد کرد، زندگی در زیر سایه ی شوم ولایت غیرخداست؟ بر خاک مذلت نشستن و حاکمیت جباران و ارزش های غیرالهی را تماشا کردن و تن به ذلت دادن است؟ و اگر چنین نیست و جهاد برای تحصیل حاکمیتِ اللّٰه و خروج از ولایت طاغوت به ولایتِ اللّٰه است، پس چگونه می توان نقش و ارزش سیاست را در دین و در هدف های تعیین شده ی دینی، دست کم یا نادیده گرفت؟

نغمه ی جدایی دین از سیاست، ساخته ی دشمنان است

بدیهی است که نغمه ی شوم جدایی دین از سیاست، ساخته ی دشمنان پلیدی است که از اسلامِ زنده و در صحنه، سیلی خورده و با این ترفند خواسته اند صحنه ی زندگی را از حضور دین فارغ کرده و خود زمام امور دنیای مردم را به دست گیرند و بی دغدغه بر سرنوشت انسانها تسلط یابند. اما تلخ و تأسف انگیز آن است که کسانی به نام دین و در کسوت علمای دین، همین سخن را تکرار کنند و در ترویج آن، سعی و تلاش کنند. این همصداییِ برخی ملبسین به لباس دین با دشمنان پلید و خطرناک، اگرچه در مواردی ناشی از غفلت آنان از اهمیت سیاست و نقش آن در سرنوشت انسانها و در مواردی ناشی از تنبلی و ترس و تن دادن به زندگی آسان است، اما در مواردی هم ناشی از همدستی خطرناک این دین فروشان و نوادگان «بلعم باعورا» با ارباب قدرت و مکنت است، که

۱- کهف: ۴۹

۲- زمر: ۷۰

مسلمانان باید این را بزرگترین خطر، و چنین آخوندهایی را پلیدتر از اربابان سیاسیشان بدانند و از شر آنان به خدا و به همت و آگاهی خود پناه برند.

این وعاظ السلاطین(لعنهم اللّه)، به این هم اکتفا نمی کنند که نغمه ی شوم جدایی دین از سیاست را به زبان دین بیان کنند؛ بلکه برای تحکیم قدرت شیاطین، به مدح و ثنا و تأیید جنایتکاران هم می پردازند. آیا این، دخالت در سیاست و حرام نیست؟

آیا تضعیف اسلام و مسلمین، ایجاد تفرقه، مقابله با انقلاب اسلامی و تبرّی از اولیای خدا و تهمت و بهتان به آنها و انکار آیات خدا- ولو سیاسی هم باشد اشکالی ندارد؛ ولی حمایت از مظلومان و برائت از مشرکان و همنوایی با محرومان و ستمدیدگان و اعتراض به تسلط امریکا و اسرائیل بر کشورهای اسلامی و مخالفت با غارتگری کمپانی های خارجی و محکوم کردن خیانت رؤسا و سلاطین مسلمانْ نام و حمایت از مبارزات مسلمانان واقعی و امثال آن جرم است؟!

محتوای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و اسلام آمریکایی

این جاست که سخن امام فقید ما، آن داعی الی اللّه و فانی فی اللّه آشکار می شود که اسلام را به اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه و آله و اسلام امریکایی تقسیم می کرد. اسلام ناب محمّدی، اسلام عدل و قسط است؛ اسلام عزت و اسلام حمایت از ضعفا و پابرهنگان و محرومان است؛ اسلام دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان است؛ اسلام جهاد با دشمنان و سازش ناپذیری با زورگویان و فتنه گران است؛ اسلام اخلاق و فضیلت و معنویت است.

اسلام امریکایی، چیزی به نام اسلام است که درخدمت منافع قدرت های استکباری و توجیه کننده ی اعمال آنهاست؛ بهانه یی برای انزوای اهل دین و نپرداختن آنان به امور مسلمین و سرنوشت ملت های مسلمان است؛ وسیله یی برای جدا کردن بخش عظیمی از احکام اجتماعی و سیاسی اسلام از مجموعه ی دین و منحصر کردن دین به مسجد است و مسجد نه به عنوان پایگاهی برای رتق و فتق امور مسلمین- چنان که درصدر اسلام بوده است- بلکه به عنوان گوشه یی برای جدا شدن از زندگی و جدا کردن دنیا و آخرت.

اسلام امریکایی، اسلام انسان های بی درد و بی سوزی است که جز به خود و به رفاه حیوانی خود نمی اندیشند؛ خدا و دین را همچون سرمایه ی تجار، وسیله یی برای زراندوزی یا قدرت طلبی می دانند و همه ی آیات و روایاتی را که برخلاف میل و منفعتشان باشد، بی محابا به زاویه ی فراموشی می افکنند و یا وقیحانه تأویل می کنند.

اسلام امریکایی، اسلام سلاطین و رؤسایی است که منافع ملت های محروم و مظلوم خود را در آستانه ی آلهه ی امریکایی و اروپایی قربان می کنند و در مقابل، به حمایت آنان برای ادامه ی حکومت و قدرت ننگین خود چشم می دوزند؛ اسلام سرمایه دارانی است که برای تأمین سود خود، پا بر همه ی فضیلتها و ارزشها می کوبند.

آری، این اسلام امریکایی است که مردم را به دوری از سیاست و فهم و بحث و عمل سیاسی می خواند؛ ولی اسلام ناب محمّدی، سیاست را بخشی از دین و غیرقابل جدایی از آن می داند و همه ی مسلمین را به درک و عمل سیاسی دعوت می کند؛ و این چیزی است که ملت های مسلمان باید همواره از امام فقید خود و زبان گویای اسلام به یاد داشته باشند.

دشمنی جبهه ی شیطان با اسلام

۳) امروز یکی از مسایل مهم جهان اسلام، دشمنیِ کینه توزانه و دیوانه وار جبهه ی شیطان و بخصوص شیطان بزرگ، با اسلام و مفاهیم و عقاید اسلامی است. اگرچه دشمنیِ برنامه ریزی شده و همه جانبه با اسلام، از آغاز پیدایش استعمار سابقه دارد و استعمارگران در سده های اخیر که کشورهای اسلامی را جولانگاه غارت و چپاول و کشتار و تجاوز خود کرده بودند، به اسلام به چشم مانع و سد مستحکمی در برابر فتنه انگیزی های خود نگریسته و آن را آماج حملات سیاسی وفرهنگی شدید قرار دادند و برنامه ی جدایی مسلمین از قرآن و اسلام را با مکرهای شیطانی خود و از جمله با ترویج فساد و ابتذال و فحشا به اجرا گذاشتند، و لیکن از هنگامی که آتشفشان انقلاب اسلامی، خرمن امیدهای آنان را به آتش کشید و فروغ امید را بردل مسلمانان جهان تابانید و حیات دوباره ی اسلام در جهان را نوید داد، قدرت های استکباری همچون گرگ زخم خورده،

به هجومی همه جانبه و سراسیمه و دیوانه وار علیه اسلام دست زدند، که البته دور از انتظار نبود، و به طور حتم سنت های الهی در شکست و فضیحت آنان محقق خواهد شد- ان شاءاللَّه- چنان که قرآن فرموده است: وَ لا يَزالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِما صَنَعُوا قارِعَةٌ؛ (۱) به شرط آن که مؤمنین به اسلام، به وظایف خود در قبال این توطئه ها آشنا باشند و از انجام آن غفلت نورزند.

جمهوری اسلامی، آماج توطئه های طراحی شده علیه اسلام

بدیهی است که آماج اصلی همه ی توطئه هایی که در ده سال گذشته علیه اسلام طراحی شد، جمهوری اسلامی بود، که ام القرای اسلام و پیشاهنگ حرکت جهانی آن محسوب می شود، و در این ده سال ملت ایران انواع ضرباتی را که در واقع به سمت اسلام و نیروی عظیم انقلابی آن هدف گیری شده بود، پذیرا شدند. جنگ تحمیلی هشت ساله، محاصره ی اقتصادی و انواع حملات بی شمار سیاسی و تبلیغاتی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی، درحقیقت با انگیزه ی فشار بر اسلام و دشمنی با آن انجام گرفت و ما افتخار می کنیم که به خاطر گوهر عزیز یکدانه یی که با خود داشتیم- یعنی ایمان به خدا و عمل به اسلام- سالها مورد خشم جنون آمیز و انتقام سبعانه ی قدرت های جهانی قرار گرفته و سپر بلا شدیم. آری، وَ ما نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ. (۲) ولی مبارزه ی قدرت های استکباری با اسلام، به آنچه نسبت به ایران و مردم آن و نظام جمهوری اسلامی اعمال شد، منحصر نماند؛ بلکه دشمنی با اسلام در دایره یی وسیعتر، هم باروش های سیاسی وتبلیغاتی، و هم باروشهای فرهنگی با جدیت دنبال شد.

فشار و سختگیری بر مبارزان و آزادیخواهان و علما و روشنفکران مسلمان در کشورهای اسلامی از سوی رژیم های وابسته به امریکا، و نیز سختگیری نسبت به اقلیت های مسلمان در کشورهای غیراسلامی، نمونه های بارز مبارزه ی سیاسی با اسلام، و نوشتن مقالات و کتب و تهیه ی فیلم های اهانت آمیز نسبت به اسلام و نشر آن در محیطهای اسلامی و

۱- رعد: ۳۱

۲- بروج: ۸

غیراسلامی، نمونه های مبارزه ی فرهنگی بااسلام است. اکنون دولت های استکباری مانند امریکا و انگلیس و امثال آنان، پول های گزافی را در راه این خصومت های جنایت آمیز خرج می کنند و متأسفانه هستند نویسندگان و هنرمندانی که برای منفعت مادّی، قلم و بیان و هنر خود را در معرض معامله گذارده و با سرکوب وجدان هنری و ادبی خود، در خدمت مقاصد شوم صاحبان قدرت قرار می گیرند.

احساس ضعف استکبار در برابر اسلام

نکته ی مهم آن است که این حرکات خصمانه، ناشی از احساس ضعف اردوگاه استکبار در برابر اسلام است. صلابت اسلامی و پایداری ملت مسلمان ایران و فریادهای تندرآسای بت شکن قرن و فضل و نصرت الهی که آن عبد صالح و یارانش را همواره شامل بود، موجب شد که صدور اندیشه ی انقلابی اسلام که دشمن بشدت از آن در هراس بود، از همان راههایی که آنان برای جلوگیری ازصدور انقلاب یا ضربه زدن به آن فراهم کرده بودند، تحقق یابد و مظلومیت ملت ایران و تحمل شداید، موجب اثبات حقانیت این ملت بزرگ و گسترش دامنه ی انقلاب در بسیاری از کشورها شود و به مسلمانان جهان، عزم راسختر و احساس هویت اسلامی بیشتری ببخشد.

امروز ایادی استکبار جهانی در همه جا در برابر اسلام موضع انفعالی دارند و کینه ورزی آنان با اسلام، چه با شیوه های فرهنگی و چه سیاسی با زور و سرنیزه، از روی احساس ضعف و ترس در برابر موج فزاینده ی اسلام است.

این نیز یکی از الطاف الهی است که هر اقدام آنان برای توهین یا ضربه زدن به اسلام، خود به عاملی برای شدت یافتن خشم مسلمانان و راسخ شدن اراده ی آنان در دفاع ازاسلام تبدیل می شود. نمونه ی بارز، ماجرای نوشتن کتاب آیات شیطانی نویسنده ی مرتد و مهدورالدم انگلیسی است که دولت های استکباری با این کار می خواستند اسلام را تضعیف کنند، و خدای متعال برعکس خواسته ی آنان، این کار را موجب آبروریزی آنان قرار داد و با صدور فتوای امام امت بر مهدورالدم بودن نویسنده اش، آهنگ

مسلمین رساتر و انسجام آنان بیشتر شد و همه ی تلاش های دشمن در مبارزه با اسلام- ان شاءاللَّه- به همین گونه نتیجه یی منتهی خواهد شد که: إِنَّ کَیْدَ الشَّیْطانِ کانَ ضَعِیفاً. (۱)

مسلمانان کاملًا حساس و هوشیار باشند

نکته ی دیگر آن است که مسلمانان در همه جای جهان، باید نسبت به اقدامات توطئه آمیز دشمنان برای تضعیف و توهین اسلام، کاملًا حساس و هوشیار باشند؛ مخصوصاً نسبت به توطئه های فرهنگی، از قبیل نوشتن کتابها و ساختن فیلمها و نمایشنامه های ضداسلامی. در این صحنه، سنگرداران اصلی، نویسندگان و هنرمندانی هستند که دلشان برای اسلام می تپد و از حقد و کینه ی دستگاه های استکباری با اسلام و مسلمین باخبرند. تهیه ی مقالات و کتب و آثار هنری در تبیین اسلام و افشای توطئه های دشمن و دفاع از حقوق مسلمانان جهان، وظیفه ی عمومی و بزرگ آنهاست.

البته وظیفه ی عمومی همگان در برابر اهانت به مقدسات اسلامی، روشن و واضح است و حکم امام فقید به واجب القتل بودن نویسنده ی مرتد و پلید آیات شیطانی، تکلیف همه را نسبت به موارد مشابه روشن می سازد. حکم امام امت درباره ی آن نویسنده ی نگون بخت به قوّت خود باقی است و او باید همچنان در انتظار اجرای آن تا لحظه ی مقدر بماند.

مسلمانان از اجتماعات بزرگ، مخصوصاً اجتماع عظیم حج، باید برای اعلام مخالفت و نفرت خود از توطئه های فرهنگی استکبار علیه اسلام و ایستادگی قاطع خود در برابر آن، حداکثر استفاده را بکنند، و مطمئنم همان گونه که مسلمانان غیور در پاسخ به ندای امام امت(اعلی اللَّه کلمته) تاکنون قاطعانه موضعگیری کرده اند، از این پس نیز به همان گونه عمل خواهند کرد.

۱- نساء: ۷۶

در حج باید مسائل جهان اسلام بررسی شود

۴) در حج باید مسایل جهان اسلام بررسی شود. بزرگترین مسأله ی عمومی مسلمین پس از لزوم آمادگی برای دفاع از اسلام و هویت جمعی مسلمین، مسأله ی ملت های زیرستم و مبارزی است که دست طغیان و کفر و استکبار، آنان را مقهور و مظلوم ساخته و سخت ترین شرایط زندگی را برآنان تحمیل کرده است. ملت مظلوم فلسطین، نمونه ی بارزی از این گونه ملتهاست. چهل سال است که این ملت، از خانه و کاشانه ی خود بیرون رانده شده و یا در وطن خویش غریبانه زندگی کرده است. این، زخم خونین و دردناکی بر پیکر امت اسلامی است که با توطئه ی دولت های استعمارگر وضد اسلام و به دست جنایتکار صهیونیستها چهل سال پیش وارد شده و هر روز نمکی بر آن پاشیده شده است. کسان و گروه های زیادی در این مدت به مبارزه برای نجات این ملت دست زده، یا ادعای آن را کرده اند؛ اما هرگز گرهی باز نشده، بلکه گرهها کورتر هم شده است.

علت اصلی این بوده که ملت فلسطین نمی توانسته از خود دفاع کند، یا جهان اسلام از خنثی کردن توطئه ی امریکا و غرب در دفاع از دولت غاصب ناتوان بوده است. علت اصلی ناکامیها، اولًا از یاد بردن هویت اسلامی ملت فلسطین و عدم تکیه بر اسلام و جهاد اسلامی در طول دهها سال گذشته، و ثانیاً خیانت سران کشورهایی از اعراب و حتّی خیانت سران و چهره هایی از فلسطینیان بوده است. و امروز بحمداللّٰه عنصر ایمان و جهاد اسلامی در مبارزات ملت فلسطین در داخل وطن مغصوب زنده شده، و به همین جهت معادله ی قدرت در فلسطین به سود فلسطینیان نسبت به گذشته تغییر کرده است.

جوانان و کودکان و زنان و مردانی که امروز مظلومانه در شهرهای وطن مغصوب با خون خود کوچه ها و خیابانها را رنگین می کنند، و نمازگزارانی که در اجتماعات هفتگی جمعه ی خود، کابوس مرگ را بر سر اسرائیلیان غاصب و مهاجر می کوبند، نور امیدی را بر سراسر فلسطین تابانیده اند که در تمام چهل سال غصب و قبل از آن در روزگار فشار و اختناق انگلیسی، هرگز سرزمین مقدس آن را به خود ندیده بود، و آینده هم متعلق به

همین مؤمنین مصمم و مبارز است.

امروز دیگر روزگار ضعف و انفعال و انتظار ملت فلسطین تمام شده است و اسلام نیروی حقیقی آن ملت برجسته را به وی بازگردانده است. امروز دیگر سران خائن و سازشکار فلسطین فروش فلسطینی که فارغ از رنج شهروندان یا چادرنشینان، به معامله ی سیاسی و تجارت با سرمایه ی فلسطین مشغولند، نمی توانند سرنوشت آن کشور و ملت را رقم بزنند. سرنوشت فلسطین، در مسجدها و نماز جمعه ها و خیابانها و میدان های سراسر زمین های اشغالی است که رقم می خورد، و این از برکات اسلام است.

ملت لبنان نیز که از دو سو زیر فشار صهیونیستها و همدستان فالانژ آنان سالهاست با آتش و خون سروکار دارد، راه خود را یافته و تصمیم خود را بر ضد نظام فاشیستی و قبیله یِ مدرن و مورد تأیید امریکا و فرانسه و انگلیس گرفته است.

مسلمانان مظلوم لبنان، سرنوشتشان با ملت فلسطین گره خورده و رنج همسایگی با متجاوزین افزون طلب صهیونیست را می برند. در این جا نیز ایمان و جهاد است که بن بستها را خواهد شکست.

دنیا ناباورانه شاهد بن بست شکنی در قضیه ی افغانستان بود. مجاهدان افغان، به برکت اسلام و وحدت کلمه، توانستند ارتش بیگانه را بیرون برانند، و اگر باز هم به همین دو عامل تکیه کنند، خواهند توانست حکومت شایسته ی مطلوب خود را در آن کشور تشکیل داده و رژیم وابسته ی کنونی را از جا بکنند. این دو عامل، عیناً علاج همه ی دردها و گرفتاری های فلسطین و لبنان نیز هست.

ما علاج مسأله ی فلسطین را در راه حل های دیکته شده ی ابرقدرتها نمی دانیم؛ علاج زخم فلسطین، فقط قلع غده ی سرطانی حکومت صهیونیستی است، و این کاملًا ممکن است. مسلمانان در حج باید به این مسأله اندیشیده، برای آن متعهد شده و هماهنگ شعار و عمل را در راه آن به کار برند. ملت ایران مانند همیشه خود را در کنار مبارزان فلسطینی می داند و بدون پیروزی در قضیه ی فلسطین، پیروزی خود را ناقص می شمرد.

امام راحل عظیم، از نخستین روزهای شروع مبارزه در ایران، مسأله ی فلسطین را در صدر مطالب خود قرار داد و در طول مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، آن را تعقیب

کرد و پس از ارتحال ملکوتیش نیز با زبان وصیت نامه ی سیاسی، الهی اش با ما و همه ی مسلمانان عالم، درباره ی آن حرف زد. این واجب، تخلف ناپذیر است. شما حاجیان نیز دارای همین وظیفه اید، و اگر همه به وظیفه عمل کنیم، زخم عمیق پیکر اسلام بهبود خواهد یافت- ان شاءاللَّه- و خدا با ماست.

امام خمینی در دل یکایک عاشقانش زنده است

۵) نزدیک به چهل روز است که امت اسلام در سوگ امام و مراد و مقتدای خود در التهاب و سوز و خروش است. نزدیک چهل روز است که امام خمینی، آن بنده ی مطیع خدا، آن دشمن آشتی ناپذیر مستکبران، آن طرفدار و خدمتگزار مستضعفان و محرومان و مظلومان، آن برافرازنده ی پرچم اسلام ناب محمّدی و افشاگر اسلام امریکایی، آن فریادرس مسلمانان جهان، آن مجمع خصال والای اسلامی و آن مسلمان کامل، در میان ما نیست. او به ملکوت اعلی پیوست و ملت انقلابی ایران و دیگر فرزندانش در سراسر جهان را داغدار و ماتمزده کرد؛ اما طنین صدای او که ندای حق و عدل بود، در دل های امتش و در فضای جهان هست و خواهد بود. او نمرده است و نخواهد مرد. برای او که راهرو راه پیامبران بود- همچون خود پیامبران- مرگ جسم به معنای مرگ شخصیت نیست.

او دربانگ تکبیر مبارزان مسلمان، در اراده ی قهرآمیز ملت های زیر ستم، درایمان آگاهانه ی نسل جوان معاصر در دنیای اسلام، در امید روشن مستضعفان و مظلومان، در سوز و حال معنوی مناجاتیان، در حیات دوباره ی معنویت وارزش های اخلاقی درجهان، و در همه ی جلوه های زیبایی که حرکت انقلابی و تاریخ ساز او در دوران معاصر به وجود آورد، و بالاخره در دل یکایک عاشقان و مریدانش زنده است.

دشمنان زخم خورده ی انقلاب، انتظار روز فقدان او را می کشیدند، تا در غیبت آن دیده بان بیدار و نگاهبان نیرومند، به مولود و میراث و تلاش او- یعنی جمهوری اسلامی در ایران و نهضت بیداری مسلمین در جهان- دستبرد زنند وچشم زخم وارد آورند؛ اما بیداری انقلابی و ایمان آگاهانه و وفای عاشقانه ی ملت بزرگ ایران که در تشییع جنازه ی

بی نظیر وعزاداری تاریخی آن بزرگوار و حوادث پس از آن بروز کرد، و نیز پیوند و رابطه ی عمیقی که مسلمانان جهان در آسیا و اروپا و افریقا نسبت به ملت ایران و امام فقید نشان دادند، دشمنان را مأیوس، و تحلیلها و پیش بینی های آنان را افسانه و پندار ساخت.

ملت ایران از امتحان بزرگ الهی روسفید بیرون آمدند

من وظیفه دارم احترام و سپاس عمیق خود را به ملت عظیم الشأن ایران ابراز دارم و به آنان خاضعانه عرض کنم که شما با امتحان بزرگ و تکان دهنده یی مواجه شدید و روسفید و آبرومند از آن بیرون آمدید؛ سلام و رحمت خدا بر شما باد. شما در حیات بابرکت امام، بهترین و صدیقترین یاران برای او بودید و مایه ی سربلندی آن فرزند پیغمبر صلی الله علیه و آله شدید و پس از پرواز ملکوتی او نیز، باشکوهترین وفاداری را نسبت به او و وصیت او نشان دادید؛ خدای بزرگ از شما راضی باد. و نیز وظیفه دارم از همه ی برادران و خواهران مسلمان در سراسر جهان سپاسگزاری کنم، که دل ملت ایران را تسلّا دادند و دشمن را مرعوب کردند و وحدت شکوهمند اسلامی را به نمایش گذاردند؛ روح مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه ی آنان راضی باد.

متأسفانه در دنیای اسلامی، کسانی از سران سردمداران و جیره خواران و عالم نمایان و قلم فروشان نیز بودند که قدر امام را که درهالتاج عزتی بر تارک امت اسلامی بود، نشناختند و با او جفا کردند و برای دلخوشی امریکا و اسرائیل و دیگر دشمنان اسلام، با او درافتادند و برای خاموشی نور وجود او، خفاش گون تلاش کردند؛ يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ. (۱) لعنت خدا و نفرت مسلمین و حسرت ابدی بر آنان که با خلف صدق پیامبر صلی الله علیه و آله آن کردند که ابوجهل و ابولهب و فرعون و قارون و بلعم باعورا و همه ی ائمه ی نار با پیامبران و صدیقان و ائمه ی نور کرده بودند؛ وَ أَتْبَعْناهُمْ فِي هذِهِ الدُّنْيا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ. (۲)

۱- صف: ۸

۲- قصص: ۴۲

راه امام خمینی قدس سره را دنبال می کنیم

ما با خدا پیمان بسته ایم راه امام خمینی قدس سره را که راه اسلام و قرآن و راه عزت مسلمین است، دنبال کنیم. سیاست «نه شرقی و نه غربی»، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از وحدت و حرکت امت بزرگ اسلامی و فایق آمدن بر عوامل اختلاف و دوگانگی مسلمین در سطح جهان، و مجاهدت برای ایجاد مدینه ی فاضله ی اسلامی، و تکیه بر جانبداری از قشرهای محروم و کوخ نشین، و به کار گرفتن همه ی عوامل و امکانات برای بازسازی کشور در سطح داخلی کشور، خطوط اصلی برنامه های ماست. هدف اصلی از این همه، زنده کردن دوباره ی اسلام و بازگشت به ارزشهای قرآن است و ما یک سر مو از این هدف عقب نخواهیم نشست.

چشم انداز آینده، روشن و امیدبخش است

برادران و خواهران، ملت عزیز ایران! اگر دست دشمن امسال نیز شما را از حق مسلّمتان- یعنی زیارت بیت اللّٰه و مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه ی هدای مدفون در بقیع علیهم السلام- محروم ساخت و برگ دیگری بر کارنامه ی سیاه خود افزود، اما چشم انداز آینده به نظر ما روشن و امیدبخش است. ما تاکنون به تکلیف اسلامی خود عمل کرده ایم و بر تبعات آن نیز صبر می کنیم و امیدوارم خداوند لطف خود را بر ما بگستراند و رضای حضرت ولیّ عصر(ارواحنافداه) و دعای آن حضرت را شامل حال ما سازد.

وعده ی خدا به رسولش، ان شاءاللّٰه درباره ی شما فرزندان مخلص امام و یاران فداکار اسلام نیز به تحقق خواهد پیوست، که فرمود: لَقَدْ صَدَقَ اللّٰهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرامَ إِنْ شاءَ اللّٰهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَ مُقَصِّرِينَ لا تَخافُونَ. (۱)
اول ذی الحجهالحرام ۱۴۰۹ هجری

۱- فتح: ۲۷

سیّد علی حسینی خامنه ای

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام(۷/ ۴/ ۱۳۶۹ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام

اشاره

(۷/ ۴/ ۱۳۶۹ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم

دو غم بزرگ و دو مصیبت جانگداز

فرارسیدن ایام حج، همه ساله، همراه با شوق و حنین دل های شیفته و جانهای آرزومندی از سراسر جهان اسلام است که در جوار خانه ی معبود و دیار محبوب، سر بر آستان عشق و تقدیس گذارند و جَبهه ی تعبد و تقرب بر خاك آن مقام بسایند. ایام معلومات را در سایه ی ذکر و نیایش بگذرانند و در پناه رحمت و مغفرت حق بیارمند.

برادران دور افتاده ی خود از چهارگوشه ی عالم را ببینند و شکوه امت اسلامی را درنمونه یی زنده و مجسم، حس کنند.

اما ملت مظلوم و پاکنهاد ما در این ایام، همراه با اشتیاق مخلصانه ی خود به حضور در آن مشهد عظیم جان ها و دل ها و تن ها و تلاشها، دو غم بزرگ و دو مصیبت جانگداز را با همه ی وجود احساس می کند و آن را به خدا و نبیّ مکرم صلی الله علیه و آله و حضرت ولیّ اللَّه الاعظم(ارواحنافداه) شکوه می برد:

اول، غم شهادت فراموش نشدنی کبوتران خونین بال حرم را که سه سال پیش به جرم اعلام برائت از مشرکین، به تیغ کین و حقد حکام سعودی، در حریم امن الهی به خاك و خون کشیده شدند. بندگان پرهیزگار و بااخلاصی که در خانه ی خدا- یعنی خانه ی خودشان- به خاطر خوشایند بیگانگان و دشمنان، به دست بیگانه پرستان و از خدا بی خبران، مظلومانه به شهادت رسیدند و با خون به ناحق ریخته ی خود، داغ ننگی بر

پیشانی حکام ستمگر و خائن حجاز نهادند.

و دوم، درد فراق خانه ی خدا و محرومیت از انجام مناسک حج و ممنوع شدن از حضور در محشر عام مسلمین را که به دست خود فروختگان، بر ایشان تحمیل شده و راه خانه ی خدا به روی آنان مسدود گشته است. این، یکی از عبرت انگیزترین وقایع دوران تحول خیز کنونی است که ملتی از همه به اسلام وفادارتر و از همه در راه خدا فداکارتر، از خانه ی خدا مصدود شود و از انجام فریضه ی اسلامی ممنوع گردد.

آن روی این صفحه ی شگفت انگیز آن است که حرم الهی، برای مستشاران امریکایی و کمپانیداران نفتی امن باشد و برای مسلمانان پاکباز و خانه پرداز، ناامن و کمین صدها خطر. این، از جمله ی نشانه های غریبی است که خبر از وضعی بشدت ناهنجار می دهد و طبعاً در خود، بشارت تحولی و آینده یی بهنجار حمل می کند. فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً. (۱) بوقهای جهانی، همصدا با دروغگویان سعودی، آن روز گفتند که ایرانیان در پاسخ حمله به مسلحین سعودی کشته شده اند و عدد کشتگان آنها این همه نیست و به همان عدد، از نظامیان مکه به هلاکت رسیده اند!

شگفتا! چگونه زایران بی دفاع که سلاحی جز اراده ی قوی و ایمان عمیق و عشق آمیخته به ایثار نداشته اند، می توانستند گاردهای دست آموز سعودی را به قتل برسانند، یا آغازگر حمله به آنها باشند؟ و چگونه می توان در تعداد شهیدان این فاجعه شک کرد؟

آیا حمل بیش از چهارصد پیکر شهید از مکه به ایران، برای اثبات وسعت جنایت کافی نبوده است؟ امروز هم همان بوقها و همان دروغگویان می کوشند که گناه آل سعود را در جلوگیری از حج ایرانیان، کوچک جلوه دهند، یا انکار کنند.

دولت جمهوری اسلامی، برای گشودن راه کعبه ی مقصود، از هیچ تلاشی سر باز نزد و باز هم نخواهد زد؛ اما مدعیان تولیت حرمین شریفین، بر جلوگیری از حضور حاجیانی که حج را به معنی درست آن شناخته و توحید الهی را با برائت از مشرکین همراه کرده اند، اصرار می ورزد.

۱- شرح: ۵ و ۶

غمی از این بزرگتر نیست که مدعیان خدمت به حرمین شریفین و کلیدداران خانه ی خدا، کمربستگان خدمت امریکا باشند و از شعار وحدت مسلمین و برائت از امریکا و صهیونیسم، وحشت کنند!

این وضع، موجب آن است که امروز هم که روز بیداری مسلمانان و طرح شعارهای اساسی اسلام است، حج- این فریضه ی بزرگ امت ساز و دشمن شکن- از مضمون واقعی خود برکنار بماند و قالبی به این عظمت و شکوه، معنایی به تناسب خود نداشته باشد.

توانمندی های حج

حج می تواند روح توحید را در دلها زنده کند، تکه پاره های امت بزرگ اسلامی را به هم وصل کند، عظمت مسلمین را به آنان برگرداند و آنان را از حقارت و احساس ذلتی که بر ایشان تحمیل کرده اند، نجات دهد. حج می تواند دردهای مسلمین را به علاج نزدیک کند و بزرگترین درد آنان را- که سلطه ی فرهنگی و اقتصادی و سیاسی کفر و استکبار است- درمان نماید. حج می تواند دلبستگی های اسارت آفرین را از دلها بشوید و در مقابل، ارتباط با خدا و با بندگان خدا را در فرد و جمع مسلمانان تقویت نماید و همین دلیل است که سیاست های حاکم بر حجاز، از حج واقعی و حامل مضمون الهی و سیاسی بیمناکند و قدرت تحمل آن را ندارند.

ملت مؤمن و مبارز ما، تنها به این جرم از حج محروم می شوند که خواسته اند روح و معنای حج را به آن برگردانند و عبودیت خدا را با اظهار برائت از مشرکین- که خود، حاق معنای عبودیت است- همراه سازند. اما نه حکام حجاز و نه دست های پشت پرده یی که به خاطر منافع استعماری خود، این سیاست های خائنانه را به آنان دیکته می کنند، نخواهند توانست از بازگشت حج به شکل صحیح خود، جلوگیری کنند.

ملتهای اسلامی بیدار شده اند

امروز ملتهای مسلمان بیدار شده و رو به حاکمیت اسلام پیش می روند. امروز شعارهای اسلامی، که تا چندی پیش فقط از حنجره ی ملت پیشرو و پیشاهنگ ما خارج

می شـد، در میـان دیگر ملتهـای مسـلمان نیز گسترش و جـذابیت یافته و از شـرق تا غرب، در همه جای جهان اسـلام، احساس هویت اسلامی را به ملتها برگردانده است.

سیاسـتهای اسـتکباری، تا کی خواهند توانست از سـفر حج جوانان بعضـی کشورهای اسلامی جلوگیری کنند؟ تا کجا خواهند توانست از ورود مسـلمانان آگاه و بیدار کشورهای اسـلامی به مکه و مدینه مانع شوند؟ امروز حماسه ی اسلام در شمال افریقا و در برخی کشورهای دیگر اسـلامی، در حال دگرگون سازی وضعیت سیاسی این مناطق است. آیا خواهند توانست مردم این کشورها را نیز از حج، مصدود وممنوع کنند؟ ما حج و زیارت حرمین شـریفین را حق مسـلّم ملت خود دانسـته و با تمام قوا آن را از آل سعود- که تضییع کنندگان این حق مسلّمند- مطالبه می کنیم و به حول و قوه الهی، آن را از آنان می ستانیم.

جبهه ی کفر و اسـتکبار بدانند که آینده متعلق به اسـلام است و هیچ تدبیری و هیچ قدرتی نخواهد توانست از اقتدار روزافزون اسلام و رواج روزافزون شعارها و ارزشهای اسلامی در جوامع مسلمین، جلوگیری کند.

استکبار، محکوم به عقب نشینی است

ملت عزیز ما نیز بدانند- و می دانند- که عزت و عظمت و شـکوه اسـلام، که با قیام و فداکاری آنان در دوران انقلاب تا امروز به وجـود آمـده، هر روز که می گـذرد، بر عزت و عظمت و اقتـدار آنـان می افزایـد و کیـد دشـمنان در برابر صـبر و مقـاومت شجاعانه ی آنان، قادر به پایداری نیست.

اسـتکبار و ایـادی آن، محکـوم به عقب نشـینی در برابر موج فزاینـده ی اسـلامند، و خون پـاک شـهیدان مکه و دیگر شـهدای انقلاب اسـلامی، راه حرکت و پیشـرفت اسـلام در جهـان را هموار ساخته و پرچم اسـلام را در بسـیاری از نقاط عالم به اهتزاز درآورده است.

توجه به حج ابراهیمی و محمدی

حجاج بیت اللَّه الحرام و برادران و خواهرانی که امسال از سراسر عالم

درخانه ی خدا گرد می آیند، بکوشند تا با طرح مصایب و مشکلات مسلمین و تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی مسلمانان- که شرط اصلی نجات مسلمین از چنگال امپراتوری زر و زور و سلطه ی جهانی است- و نشر معارف اساسی اسلام و تبادل نظر در وظایف بزرگ مسلمین در دوران معاصر، حج را ابراهیمی و محمّدی صلی الله علیه و آله سازند.

شعار محو غده ی سرطانی اسرائیل که از سوی امام عظیم الشأن و قائد کبیر اسلام، امام خمینی قدس سره مطرح شد، علی رغم میل سازشکاران سیاستباز، باید با قوّت و شدت مطرح شود و به صدای عمومی مسلمین در حج تبدیل گردد.

جدایی دین از سیاست که توطئه ی دیرین دشمنان برای منزوی کردن اسلام و قرآن است، باید با شدت محکوم شود و به میدان آمدن دین در همه ی کشورهای اسلامی در مقابله با سیاستهای استعماری و استکباری، باید درس عمومی ملتهای مسلمان شمرده شود.

اگرچه امسال نیز برادران مجاهد و شجاع و ایثارگر شما از ایران، در جمع حاجیان نیستند و ایادی امریکا و اسرائیل، راه آنان به سوی آن کعبه ی آمال را قطع کرده اند، اما دلهای آنان در آن جاست؛ همچنان که شعارها و خواسته ها و سخن دل آنان، بی شک برای یکایک کسانی که به عزت اسلام و مسلمین می اندیشند، مطرح است.

از خداوند متعال، پیروزی اسلام و مسلمین را مسألت نموده و امیدواریم با پایداری و استقامت و بیداری و آگاهی مسلمانان، مخصوصاً علما و متفکران و روشنفکران و نویسندگان و شعرا و هنرمندان در کشورهای اسلامی، و توجه به عظمت وظیفه یی که بر دوش آنان است، دست کفار و مستکبرین از جوامع اسلامی قطع شود و عزت و عظمتی که خداوند برای مؤمنان مقدر فرموده، به جوامع مسلمان برگرداند.

انّه ولیّ التّوفیق

علی حسینی خامنه ای

۵ ذیحجه ی ۱۴۱۰

انتصاب حجّت الاسلام والمسلمین آقای حاج سیداحمد خمینی

حکم انتصاب حجّت الاسلام والمسلمین آقای حاج سیداحمد خمینی به عنوان نماینده محترم ولیّ فقیه و سرپرست حجاج ایرانی

(۱۷/ ۱/ ۱۳۷۰ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

جناب حجّت الاسلام والمسلمین آقای حاج سیداحمد خمینی- دام بقائه-

خدای منّان را شکرگزاریم که بار دیگر با عنایات خود، ملت شریف ایران را مشمول تفضلات خاص فرموده و موانع را از سر راه حج ابراهیمی و حضور در میعاد الهی و مردمی خانه ی مکرم خود برطرف نموده و دلهای مشتاق را با دعوت به وعده گاه ضیافت خود به اهتزاز آورد.

اکنون به فضل الهی و توجّهات ولی اللّه الأعظم(روحی فداه)، ملت ایران در آستانه ی استیفای حق عظیمی است که سه سال به ناروا از او بازداشته شده بود. باید شک نکرد که روح مطهر امام آزادگان و قائد درست اندیشان، آن پایه گذار حج ابراهیمی و ولایت و برائت محمدی صلی الله علیه و آله از توفیق کرامت بار ملت ایران و تلاش و مجاهدتی که به این عزت منتهی شد، شاد و راضی است.

این جانب با تأسی به آن بزرگوار- که جناب عالی را با اعتمادی کم نظیر، از همگنان ممتاز ساخته بود- با اطمینان و اعتماد کامل به دانش و بصیرت و هوشمندی همراه با امانت و صداقت و کارآیی که از آن برخوردار می باشید، شما را به سمت نماینده ی خویش و سرپرست حجاج محترم ایران منصوب می کنم.

این واجب بزرگ که ذکر خداوند و انابه و استغفار در آن، با برائت و بیزاری از مشرکین و نمایش عظمت و وحدت مسلمین توأم و همراه است، امسال در شرایطی انجام می گیرد که مع الاسف بخشی از سرزمین های اسلامی عربستان و عراق، به حضور و

تصرف ایادی شرک و کفر و استکبار آلوده شده و با سوء تدبیر و خباثت بعضی از حکام ممالک اسلامی، اختلافات تازه و برادر کشی های بی سابقه یی در میان مسلمین پدید آمده است. این چیزی است که قلب هر مسلمان غیور و معتقد به عزت اسلام و وحدت مسلمین را جریحه دار می سازد، و حج باید بر دلهای خسته و مجروح مسلمین مرهم نهاده و راه رشد و صلاح را- که همانا اتحاد و همبستگی ملتهای مسلمان و عزم راسخ آنان بر مقابله و مبارزه با اردوگاه استکبار و جهانخواران و غارتگران ثروتهای مادی و معنوی مسلمین است- به آنان نشان دهد.

حضور جناب عالی که یادگار عزیز و گرانقدر امام المجاهدین و خود از شخصیتهای برجسته ی انقلاب اسلامی و دارای مواضع راسخ و روشن در مقابله با توطئه ها و ترفندهای استکباری می باشید، به حجاج کشورهای اسلامی این امکان را خواهد بخشید که سیاست الهی و به حق جمهوری اسلامی را بی واسطه از زبان یکی از برگزیدگان این نظام بشنوند و از رهنمود جمهوری اسلامی در حوادث پیچیده ی دنیای کنونی و منطقه ی اسلامی مطلع شوند.

لازم است جناب عالی کلیه ی دستورات حضرت امام خمینی قدس سره را در احکام صادره به نمایندگان محترم ایشان در حج سالهای گذشته در مدّ نظر داشته و با دقت و تمام امکان به آن عمل نمایید، وبالخصوص مسلمین را به وحدت کلمه و دفاع از اسلام و مبارزه با ائمه ی کفر و سردمداران ظلم و فساد جهانی و متجاوزین به حقوق کشورها و ملتهای ضعیف و دست نشاندگان آنان توصیه کنید و از وقایع ظالمه و خونینی که در فلسطین و عراق و لبنان می گذرد، آنان را آگاه سازید.

همچنین ضروری است که در هر فرصتی، همه ی حجاج، بالخصوص حجاج عزیز ایران را به ذکر و خشوع و تضرع و تقویت علقه های معنوی و رابطه با حضرت باری تعالی و تقدس متذکر فرمایید.

اکنون در آستانه ی فصل مبارک حج، یاد شهیدان مظلوم و کبوتران خونین بال حریم امن الهی- که داغ آنان از دل زدوده نشده و نخواهد شد- دل را می گدازد و اشک بر دیده جاری می سازد. امید است که حج ناتمام آن مظلومان، به لطف خدای عزیز و

قدیر، به کمال و تمام حج همه ی مسلمین بینجامد و خون به ناحق ریخته ی آنان، تقاص همه ی خونهای به ناحق ریخته ی جهان اسلام را در پی داشته باشد.

لازم می دانم از جناب حجّت الاسلام والمسلمین آقای کروبی- رییس محترم مجلس شورای اسلامی- که با توجه به مسؤولیت سنگین خود در کشور، امکان ادای این مسؤولیت را نداشتند، به خاطر زحمات بی دریغ در حج سالهای گذشته تشکر کنم و توفیق جناب عالی و کسانی را که در این امر خطیر همکار و دستیار شما خواهند بود، از خداوند مسألت نمایم.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّه

بیستم ماه رمضان ۱۴۱۱ برابر با هفدهم فروردین ماه ۱۳۷۰

علی حسینی خامنه ای

انتصاب حجّت الاسلام والمسلمین آقای محمدی ری شهری

حکم انتصاب حجّت الاسلام والمسلمین آقای محمّدی ری شهری به عنوان نماینده محترم ولیّ فقیه و سرپرست حجاج ایرانی

(۶/ ۲/ ۱۳۷۰ ه. ش.)

بسم اللّٰه الرحمن الرحیم

جناب حجّت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد محمدی ری شهری- دام بقائه-

بر آشنایان معارف اسلامی پوشیده نیست که فریضه ی حج بیت اللّٰه از جمله ی تکالیف نادری است که در آن ابعاد متعدد و متنوع مربوط به زندگی فردی و سلوک جمعی، به شکلی باشکوه و دارای تأثیر عمیق در تن و جان و اندیشه و نیز در منش و روش آدمی گنجانیده شده و درست گزاردن آن می تواند او را به توفیقات بزرگی در همه ی عرصه های مادّی و معنوی نایل سازد.

در این فریضه ی بزرگ، سیر آفاق با سیر انفس، ذکر و خشوع و انابه و استغفار با سعی و حرکت و وقوف و برائت، اتحاد و رفق و تراحم مؤمنان با هشدار و بیزاری و پرهیز از کافران، «از سراب خود رو بر تافتن» با «در اقیانوس جمع فرو رفتن»، «درد خود را به طبیب القلوب گفتن» با «طبیبانه از درد مسلمین جهان پرسیدن» و خلاصه، سیاست با دیانت و دنیا با آخرت، همسنگ و همعنان گردیده اند. این تنوع و پیچیدگی، همواره ایجاب کرده است که به منظور هرچه بهتر و کاملتر برگزار شدن حج، همه ساله هدایت و زعامتی، خیل حاجیان بیت اللّٰه را سرپرستی کند و به آنان در سیراب گشتن از این سرچشمه ی فیض الهی یاری رساند.

اکنون که حجاج ایرانی به فضل و توفیق الهی و تحت عنایت و به برکت دعای حضرت ولی اللّٰه الاعظم(روحی فداه) بار دیگر با رفع موانع، توفیق آن یافته است که در این میعاد عام مسلمین شرکت کرده، لوای حج ابراهیمی را برافرازد، جناب عالی را

که از چهره های سرافراز جمهوری اسلامی و دارای مواقف افتخار آمیز در طول سالیان گذشته و همواره کارگزاری امین و شجاع و کارآمد برای انقلاب و پیشوای عظیم راحل آن بوده اید، به سمت نماینده ی خود و سرپرست حجاج محترم ایران منصوب می کنم.

انتظار می رود که حجاج محترم، با راهنمایی و ارشاد جناب عالی فرصت یابند به برکت مناسک و شعایر حج، دلهای خود را در زلال ذکر خدا تزکیه و تطهیر کرده، در کنار آن، با مشاهده ی شکوه جماعت مسلمین که از اقطار میهن بزرگ اسلامی به طواف کعبه آمده اند، فکر و ذهن خود را به عظمت اسلام و مسلمین متوجه سازند و قدرتی را که خداوند در ید واحده ی امت اسلامی به ودیعه نهاده است، به چشم ببینند.

غفلت مسلمانان از این نیروی لایزال، همواره موجب آن شده است که دشمنان اسلام و غارتگران ثروتهای مسلمین بتوانند حیله گرانه بر سرنوشت ملتهای اسلامی تسلط یابند و در این مقطع زمان، دست پلید اردوگاه کفر و استکبار و در رأس آن رژیم جبار و عنود امریکا، در سرزمینهای اسلامی با همین وسیله به هر تصرف دلخواه خود دست زده، در جان و مال مسلمین دست تطاول گشوده است.

در حج باید تا سرحد توان و امکان، پیوند برادری با مسلمین دیگر کشورها استحکام یابد و ضمن استفسار از مسایل و حوادث آنان، حقایق مسلّم سیاسی که امروز در فضای جمهوری اسلامی بر اکثر یا همه ی مردم آشکار است، به آنان انتقال یابد و آیه ی کریمه ی ... لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ ... تحقق پذیرد.

مسلمین به اتحاد کلمه ترغیب و از کید دشمنان بر حذر داشته شوند و تجارب ملت انقلابی و فداکار ما برای آنان تشریح گردد.

لازم است همه ی دستورهای حضرت امام خمینی- قدس اللّٰه نفس الزّکیّه- را به نمایندگانشان در احکام صادره ی سرپرستی در سالهای گذشته در مدّ نظر داشته و دقیقاً آنها را به اجرا در آورید؛ و بر مسؤولان حج؛ اعم از مدیران دولتی و روحانیون محترم و رؤسای کاروان ها و همه ی حجاج محترم لازم است که از راهنمایی ها و دستورات

جناب عالی پیروی کنند.

با دعا برای تعالی درجات روح مطهر امام عزیزمان و ارواح طیبه ی شـهدای مظلوم حج و دیگر شهیدان راه حق، شما را به خدا می سپارم و توفیق شما و دیگر حجاج محترم را از خداوند مسألت می کنم.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّه

یازدهم شوال ۱۴۱۱ برابر با ششم اردیبهشت ماه ۱۳۷۰

علی حسینی خامنه ای

سخنرانی در دیدار با حجهالاسلام والمسلمین ری شهری روحانیون و ...(۱/ ۳/ ۱۳۷۰ ه. ش.)

سخنرانی در دیدار با حجهالاسلام والمسلمین ری شهری، روحانیون، مسؤولان و بازرسان کاروانهای حج

اشاره

(۱/ ۳/ ۱۳۷۰ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

حج را مایه ی آبروی اسلام و امام قرار بدهید

من هم از همه ی برادران و خواهرانی که در تدارک اسباب حج امسال زحمت کشیدند، از مسؤولان اجرایی در بخشها و دستگاههای مختلف، مخصوصاً از جناب آقای ری شهری که زحمت کشیدند و این کار بزرگ را تعقیب کردند و وسایل حج امسال این ملت عزیز و عظیم الشأن را فراهم نمودند، صمیمانه تشکر می کنم.

ان شاءاللَّه شکر و سپاس الهی و قبول ذات مقدس پروردگار آن وقتی خواهد شد که این مراسم بزرگ، آن چنانی که مورد رضای اوست و با همان جهتگیری که اسلام برای ما ترسیم کرده و امام عزیزمان تجدید نموده است، انجام بگیرد.

این وظیفه ی همه است که سعی کنند حج را مایه ی آبروی اسلام، و بخصوص برای ما ایرانیها، مایه ی آبروی امام قرار بدهند. همه ی آحاد برادران و خواهران مؤمنی که به حج می روند، جا دارد که حج را یک امر کاملًا شخصی به حساب نیاورند. یک وقت عبادت و واجبی برعهده ی کسی است، می رود انجام می دهد و برمی گردد؛ ولی قضیه فقط این نیست؛ این بخشی از قضیه است.

همه مراقب رفتار خودشان باشند

هرکدام از حاجیان امسال ما که از ایران حج می کنند، جزیی از یک حرکت عظیم و

از یـک کـار بزرگ جهانی و اسـلامی و انقلابی و سیاسـی و عبادی هسـتند؛ بایـد خودشان را جزیی از این مجموعه به حساب بیاورنـد و آن گـونه عمـل کننـد. پس، لازمه ی ایـن احسـاس آن است که همه مراقب رفتـار خودشـان باشـند. در اخلاق، در برخورد با مسلمین سایر کشورها، در چگونگی رفتار، در خانه، در مسـیر، در حرم، در هنگام ادای مناسک- هرجا که هستند- رفتار و اخلاق خود را طوری بکنند که برای اسلام و انقلاب و امام مایه ی آبرو باشد.

همه بایـد این نکات را رعایت کننـد؛ منتها هرچه به طرف مسؤولیت و معرفت بیشتر حرکت می کننـد- که نوبت به امثال شـما برادران و خواهران می رسـد- باید بیشتر رعایت کنند. بعضـی از عاداتی که در بین مردم هست، باید کم بشود و تحت الشـعاع جنبه ی حج قرار بگیرد. نمی گوییم بعضی از خریدها بکلی موقوف بشود، لیکن در حدی باشد که مساسی با حیثیت جامعه ی انقلابی و ملت بزرگ ما پیدا نکند.

امیدواریم که ان شاءاللّه این سـفر مورد توجه و نظر حضـرت ولیّ عصـر(ارواحنافداه) قرار بگیرد. همه ی شـما، چه در آن جا و چه در هنگـام اجرای مناسـک، مشـمول تفضـلات آن بزرگوار باشـید و بهره ببریـد و ان شـاءاللّه با اعمال مقبول الهی مراجعت کنید.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام(۲۶/ ۳/ ۱۳۷۰ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام

اشاره

(۲۶/ ۳/ ۱۳۷۰ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ وَ یَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِی أَیَّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلی ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِیمَهِ الْأَنْعامِ فَکُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْبائِسَ الْفَقِیرَ. (۱)

حج؛ رمز وحدت و عظمت مسلمین

خداوند حکیم عزیز را حمد و سپاس که بر بندگان منت نهاد و آنان را به گردآمدن در خانه ی خود فراخواند و پیامبر بزرگ خود را به سردادن بانگ اذان حج بر گلدسته ی تاریخ مأمور ساخت؛ ساحت خانه را امن و امان کرد و از بتهای جاهلیت پیراست و مطاف مؤمنان و میعاد دورافتادگان و مظهر جماعت و جلوه گاه شوکت و مجمع امت قرار داد؛ بیت اللّه را که سدنه ی کعبه و خدمه ی مطاف و مسعی در عهد جاهلیت اولی، بازار تجارت و دکان ریاست و سیادت خود کرده بودند، از آنِ مردم و منبع بهره و سود آنان دانست و به رغم انحصارطلبان، از راه رسیدگان را با ساکنان دارای حقی برابر ساخت؛ حج را رمز وحدت و عظمت مسلمین و هماهنگی و پیوند میان آنان قرار داد و باطل السحر بسیاری از ابتلائاتی که افراد و جوامع مسلمین بر اثر جداماندگی از اصل و ریشه ی خود به آن دچار می شوند؛ مانند: بیگانه گرایی و خودفراموشی و ترفندپذیری و

۱- حج: ۲۷ و ۲۸

غفلت از خـدا و اسـارت در دست اهـل دنیـا و بـدبینی به برادران و شـنودن سـخن دشـمن دربـاره ی آنان و عـدم حساسیت به سرنوشت امت اسـلامی، بلکه نشـناختن کلیتی به نـام امت اسـلامی، و بی خبری از حوادث دیگر بلاد اسـلامی و ناهشـیاری در برابر نقشه های دشمنان دوباره ی اسلام و مسلمین، و بسی بیماریهای مهلک دیگر که در طول تاریخ اسلام براثر تسلط نااهلان وازخـدا بی خـبران بر زنـدگی سیاسـی وسـرنوشت مسـلمین، همـواره مسـلمانان را تهدیـد کرده و در قرنهـای اخیر، بـا حضـور قدرتهای استعماری بیگانه در منطقه یادست نشاندگان فاسد ودنیاپرستشان، شکلی بحرانی وویرانگر به خود گرفته است.

حج؛ ذخیره یی تمام نشدنی

خدا را سپاس که حج را همچون ذخیره یی تمام نشدنی و چشمه یی همیشه جوشان و چون جویباری زلال و مستمر برای امت خالـده قرارداد که درهرحال آن که بشـناسد و قدردانـد، توان اسـتفاده از آن را خواهد داشت و آن را داروی این بیماری های مهلک خواهـد ساخت. و خـدا را سپاس که بر ملت شایسـته ی ایران رحمت آورد و شوق کعبه ی مقصود را پس از سـرزنش خارهـای مغیلاـن بیابـان طلب، به جام وصـلی که شـیرینی عزت و کامیابی هر دو را داشت، برآورده ساخت؛ حقی را که سالی چند به ناروا از آنان بازداشـته شده بود، کریمانه به آنان برگرداند و جای خالی ملتی را که حج ابراهیمی و محمّدی(صـلّی اللَّه علیهما و آلهما) را جایگزین حج بوجهلی کرده بود، به نیکووجهی پُر کرد؛ دل تفتیده ی مشـتاقان مهجور و مصدود و محصور را بـا جرعه ی وصـال آرامش بخشـید و جـان مبتهـج از انوار معرفت و لـبریز از شوق زیـارت را لبیـک اجـابت گفت؛ بنـدگان مخلص را به لطفی ویژه نواخت و وعده ی نصرت مؤمنان را انجاز کرد و خانه ی خود را جایگاه طائفین و عاکفین قرار داد.

پروردگارا! ...

پروردگـارا! به این حاجیان مشـتاق و سرازپانشـناخته و پس از انتظاری جانگزا به خلوت دوست بار یافته، و به همه ی برادران و خواهرانی که از اقطار عالم به بارگاه عام

رحمت و غفران شتافته اند، نظری به لطف و رأفت بیفکن و دلهاشان را از انوار معرفت و بصیرت روشن فرما و هدایت و کمک خود را شامل حال آنان کن و آنان را به عزمی راسخ بر اصلاح حال امت مسلح ساز و بر دشمنانشان پیروز فرما؛ آمین ربّ العالمین.

پروردگارا! بر ارواح شهدایی که در چهار سال پیش از این، در حریم امن الهی، هدف خصومت و کین قرار گرفته و زن و مرد و پیر وجوان، مظلومانه در عتبه ی خانه ی دوست به خون غلتیدند وکسان و عزیزان چشم انتظار خود را با جنازه های خونین خود از انتظار به درآوردند، رحمت و فضل خود را نازل فرما و ثواب حج تمام را به آنان که در حسرت آن به ملکوت پرواز کردند، عطا کن.

پروردگارا! به امام و قائد راحل ما، آن عبد صالح ممتحن و آن خلف صدق اولیا، آن انسان پرهیزگار و پارسا و هوشیار که رضای تو را می جست و دوستی و دشمنیش به خاطر تو بود و در راه تو از هیچ مشکل هراس نداشت، رحمت و فضل خود را نازل و شامل فرما و از حج حاجیان و عبادت عبادتگران و کوشش تلاشگرانی که مشمول هدایت و راهبری او گشته اند، نصیب وافر به روح پاک او عاید فرما و آرزوی بزرگ او را که همانا قیام حج ابراهیمی و بهره برداری امت اسلامی از این مراسم عظیم الهی است، جامه ی عمل بپوشان.

پروردگارا! برترین صلوات و سلام و تحیت خود را بر منجی بشریت در همه ی اعصار و قرون و برترین پیامبر و برگزیده ات، حضرت محمّدبن عبداللّه صلی الله علیه و آله نازل فرما، که راه راست را به بشر نشان داد و وحی تو را بر آنان فرو خواند و کلیدهای سعادت دنیا و آخرت را در دسترس آنان نهاد و در حیات بابرکتش، سرمشق قرنهای طولانی انسانیت را گنجانید. درود و سلام و تحیت تو بر او و اهل بیت طیب و معصومش، بویژه حضرت بقیّهاللّه الاعظم، مهدی منتظر و حجت خدا بر زمین؛(عجّل اللّه فرجه و ارواحنافداه).

اینک شما برادران و خواهران که از نقاط مختلف جهان در محشر عظیم حج گرد آمده و در هجرت از «من» قومی و نژادی و فرقه یی، به «ما» ی اسلامی و قرآنی پیوسته اید، مناسب است مسایلی را در مدنظر داشته، درباره ی آن با دیگر مسلمین تبادل اندیشه کنید و پس از سفر حج، آن را سررشته ی تأمل و فکر و عمل سازید:

قدرشناسیِ حج بیت اللَّه

۱) اولین مطلب، قدرشناسی واجب بزرگ و پُر رمز و راز حج بیت اللَّه است. حج مظهر توحید، و کعبه خانه ی توحید است. این که در آیات کریمه ی مربوط به حج، بارها از ذکراللَّه سخن رفته، نشانه ی آن است که در این خانه و به برکت آن، باید هر عامل غیرخدا از صحنه ی ذهن و عمل مسلمین زدوده شود و بساط انواع شرک از زندگی آنان برچیده شود. در این محیط، محور و مرکز هر حرکتی خداست و طواف و سعی و رمی و وقوف و دیگر شعائراللَّه حج، هر یک به نحوی نمایش انجذاب به «اللَّه» و طرد و نفی و برائت از «انداداللَّه» است. این است آن «ملت حنیف» ابراهیم علیه السلام؛ بت شکن بزرگ و منادی توحید بر فراز قله ی تاریخ.

شرک همواره به یک گونه نیست، و بت همیشه به شکل هیاکل چوب و سنگ و فلز ظاهر نمی شود. خانه ی خدا و حج باید در همه ی زمانها شرک را در لباس خاص آن زمان، و بت شریک خدا را با جلوه ی مخصوص آن بشناساند و نفی و طرد کند. امروز البته از «لات» و «منات» و «عزّی» خبری نیست، اما به جای آن و خطرناکتر از آن، بتهای زر و زور استکبار و نظامهای جاهلی و استکباری است که همه ی فضای زندگی مسلمین را در کشورهای اسلامی فرا گرفته است.

بتی که بسیاری از مردم جهان و از جمله بسیاری از مسلمین، امروز به جبر و تحمیل، به عبادت و اطاعت از آن وادار می شوند، بت قدرت امریکااست که همه ی شؤون فرهنگی و سیاسی و اقتصادی مسلمین را در قبضه گرفته و ملتها را خواه و ناخواه در جهت منافع و اغراض خود- که نقطه ی مقابل مصالح مسلمین است- حرکت می دهد.

عبادت، همین اطاعت بی چون و چراست که امروز در برابر خواست استکبار و در رأس آن امریکا، بر ملتها تحمیل می شود و آنان با شیوه های گوناگون، به سمت آن سوق داده می شوند.

فرهنگ فساد و فحشا که به وسیله ی دستهای استعماری در میان ملتها ترویج می شود، فرهنگ مصرف زدگی که روزبه روز زندگی ملتهای ما را بیشتر در لجنزار خود

فرو می برد، تا کمپانیهای غربی- که مغز و قلب اردوگاه استکبارند- بیشتر سود ببرند، سلطه ی سیاسی غرب استکباری که پایه های آن به وسیله ی حکومتهای دست نشانده و ضدمردمی کار گذاشته شده است، حضور نظامی که با هر بهانه یی شکل آشکارتری به خود می گیرد، اینها و امثال آن، همه مظاهر همان شرک و بت پرستی است که در ضدیت کامل بانظام توحیدی و حیات توحیدی است که اسلام برای مسلمانان مقرر داشته است.

حج و اجتماع عظیم بر گرد خانه ی توحید، باید آن مظاهر شرک را نفی کند و مسلمانان را از آن برحذر دارد. حج با این مفهوم روشن و جلی است که برترین جایگاه برائت از مشرکین شناخته شده و خدای متعال از زبان خود و نبیّ مکرمش صلی الله علیه و آله، اعلام برائت از مشرکین را به روز حج اکبر موکول ساخته است؛ وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الْأَکْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِی ءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَ رَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَ إِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّکُمْ غَیْرُ مُعْجِزِی اللَّهِ وَ بَشِّرِ الَّذِینَ کَفَرُوا بِعَذابٍ أَلِیمٍ. (۱) فریاد برائت که امروز مسلمان در حج سر می دهد، فریاد برائت از استکبار و ایادی آن است که مع الاسف در کشورهای اسلامی قدرتمندانه اعمال نفوذ می کنند و با تحمیل فرهنگ و سیاست و نظام زندگی شرک آلود بر جوامع اسلامی، پایه های توحید عملی را در زندگی مسلمانان منهدم ساخته و آنان را دچار عبادت غیرخدا کرده اند، و توحید آنان فقط لقلقه ی زبان و نام توحید است و از معنای توحید در زندگی آنان اثری باقی نمانده است.

حج؛ مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان

حج همچنین مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. این که خداوند متعال همه ی مسلمانان و هرکه از ایشان را که بتواند، به نقطه یی خاص و در زمانی خاص فرا می خواند و در اعمال و حرکاتی که مظهر همزیستی و نظم و هماهنگی است، آنان را روزها و شبهایی در کنار یکدیگر مجتمع می سازد، نخستین اثر نمایانش، تزریق احساس وحدت و جماعت در یکایک آنان و نشان دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و

۱- توبه: ۳

سیراب کردن ذهن هر یک تن آنان از احساس عظمت است. با احساس این عظمت است که مسلمان اگر تنها در شکاف کوهی هم زندگی کند، خود را تنها حس نمی کند. با احساس این حقیقت است که مسلمین در هریک از کشورهای اسلامی، شجاعت برخورد با اردوگاه ضدیت با اسلام، یعنی همین سلطه ی سیاسی، اقتصادی دنیای سرمایه سالاری و عوامل و ایادی آن و نیرنگ و فتنه گری آن را می یابند و افسون تحقیر- که اولین سلاح استعمارگران غربی در برابر ملل مورد تهاجمشان بوده و هست- در آنان نمی گیرد. با احساس این عظمت است که دولتهای مسلمان با تکیه به مردم خود، از تکیه به قدرتهای بیگانه خود را بی نیاز حس می کنند و این فاصله ی مصیبت بار میان ملتهای مسلمان با دستگاههای حاکم بر آنان پدید نمی آید. با احساس این وحدت و جماعت است که نیرنگ استعماری دیروز و امروز- یعنی احیای احساسات افراطآمیز ملی گرایی- این فاصله ی وسیع و عمیق میان ملتهای مسلمان را پدید نمی آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و افریقایی و آسیایی، به جای آن که رقیب و معارض هویت واحده ی اسلامی آنها باشد، بخشی از آن و حاکی از سعه ی وجودی آن می گردد؛ و به جای آن که هر قومیتی، وسیله و بهانه ی نفی و تحقیر قومیت های دیگر شود، وسیله یی برای نقل و انتقال خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسلامی می گردد.

حج با مشاهد و مناسک و شعایر خود، باید این روح وحدت و ملایمت و جماعت و عظمت را در مسلمانان همه ی اقطار عالم زنده کند و از شعوب و قبایل مختلفه، امت واحده پدید آورد و آن امت واحده را به وادی امن عبودیت مطلق خداوند هدایت نماید و مقدمات تحقق گفته ی خدای بزرگ را که: إِنَّ هذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً واحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (۱)

فراهم آورد.

تشکیل امت واحده یی که ناصیه ی عبودیت بر درگاه ربوبیت و وحدانیت می ساید، همان آرزوی بزرگ اسلام است و همان است که در سایه ی آن، نیل به همه ی کمالات

۱- انبیاء: ۹۲

فردی و جمعی مسلمین میسر می گردد و همان هدفی است که جهاد اسلامی برای تحقق آن تشریع شده و هر یک از عبادات و فرایض اسلامی، بخشی از آن را زمینه سازی و تأمین می کند.

حج ابراهیمی و محمّدی(صلّی اللّه علیهما و آلهما)، بی گمان یکی از بزرگترین مقدمات و ارکان این دو هدف بزرگ است. بدین جهت در این عرصه ی عظیم، در همان حال که ذکر خدا: فَاذْکُرُوا اللّهَ کَذِکْرِکُمْ آباءَکُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِکْراً (۱)

و اعلام برائت از مشرکان: وَأَذانٌ مِنَ اللّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَی النّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الْأَکْبَرِ أَنَّ اللّهَ بَرِیءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَرَسُولُهُ (۲)

رکن حج محسوب می شود، حساسیت در برابر هر حرکتی که میان برادران- یعنی اجزای این امت واحده- جدایی و دشمنی بیافرینند، نیز در حد اعلاست؛ تا آن جا که حتّی بگومگوی دو برادر مسلمان نیز که در زندگی عادی چندان مهم نمی نماید، در حج ممنوع و حرام است؛ فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِی الْحَجِّ. (۳) آری، همان صحنه که در آن برائت از مشرکان- یعنی دشمنان بنیانی امت واحده ی توحیدی- لازم می شود، جدال با برادران مسلمان- یعنی اجزای بنیانی امت واحده ی توحیدی- ممنوع و حرام می گردد، و بدین گونه پیام وحدت و جماعت در حج، صراحت بیشتری می یابد.

تدبر در رمز و رازهای حج

رازهظا و رمزهای حج، بسی بیش از آن است که در این جا بدان اشاره شد، و تدبر در این رازها- که همه در جهت احیای شخصیت فرد و جامعه ی مسلمان و مبارزه با عوامل نابودی آن است- افقی جدید در برابر حاجی می گشاید و او را به عالمی پُرتلاش و پُرحرکت و تمام نشدنی می کشد. اولین وظیفه ی هر یک از حجاج، تأمل در این راز و رمزها و تبادل نظر و جستجوی سررشته ی کار از این همه است، و نیز تأمل در این که چرا دستها و دستگاههایی سعی می کنند حج را برون از همه ی مفاهیم سیاسی و جمعیش و

۱- بقره: ۲۰۰

۲- توبه: ۳

۳- بقره: ۱۹۷

تنها به عنوان عبادتی یک بعدی که فقط دارای خواص فردی است، مطرح نمایند، و چرا روحانی نمایانِ دین به دنیافروش که نام و شأن دینی آنان حکم می کند که مردم را به این اسرار آشنا و جسم و جان آنان را به سمت هدفهای آن به حرکت درآورند، بعکس، با هرگونه روشنگری دراین باره مخالفت و عناد ورزیده، اصرار بر کتمان حقایق دارند؟ و چرا بارها و بارها در بلندگوهایی اعلام می شود که سیاست در حج نباید دخالت کند؟

مگر اسلام و احکام نورانی آن، برای اداره و هدایت زندگی مادّی و معنوی انسانها نیست؟ و مگر دیانت در اسلام با سیاست آمیخته نیست؟ این از جمله ی دردهای بزرگ عالم اسلام است که تحجر و کوته بینی و دنیاطلبی جمعی، همواره در خدمت غرض ورزی و حسابگری های خباثت آلود جمعی دیگر قرارگیرد و قلمها و زبانهایی که باید در خدمت اسلام و در جهت تبیین حقایق آن به کار می افتاد، ابزاری در دست دشمنان هوشیار و توطئه گر اسلام گردد. این همان مصیبتی است که امام راحل قدس سره بارها به تلخی از آن سخن گفته و نالیده اند، و جای آن است که هوشمندان امت، عامه ی مردم را با آن آشنا ساخته، مرز میان علمای صادق و دین به دنیافروشان مزدور را برای آنان مشخص سازند.

توجه به پیوند امت اسلامی با تاریخ خود

۲) دومین مساله یی که شایسته است بخصوص در این زمان و مکان به آن اندیشیده شود، مسأله ی پیوند امت اسلامی است با تاریخ خود و نیز با سرنوشتی که باید برای خود رقم زند. گذشته ی امت اسلامی چیزی است که استعمار از هنگام ورود به آسیا و افریقا، همت بر مخدوش ساختن و به فراموشی سپردن آن داشته است. تسلط بر ذخایر مادّی و انسانی در کشورهای اسلامی و به دست گرفتن سرنوشت ملتهای مسلمان- که هدف استعمارگران، مستقیم و غیرمستقیم، از اواخر قرن هجدهم میلادی به این طرف بوده- به طور طبیعی ایجاب می کرد که احساس غرور و شخصیت ملل مسلمان شکسته شود و آنها از گذشته ی پُرشکوه کاملًا منقطع شوند و بدین گونه فرهنگ و اخلاق خود را رها کرده، آماده ی پذیرش فرهنگ غرب و تعالیم استعماری شوند. و این حیله، در زمینه ی کاملًا

مساعدی که تسلط حکومتهای فاسد و مستبد در کشورهای اسلامی فراهم آورده بود، کارگر افتاد و سیل فرهنگ مهاجم غربی و همه ی مفاهیمی که استعمار رواج آن را در میان ملل مسلمان برای تأمین سلطه ی سیاسی و اقتصادی خود بر آن ملتها ضروری می شمرد، به راه افتاد و نتیجه آن شد که در طول دویست سال، کشورهای اسلامی یکسره به سفره ی گسترده و بی مانع و رادعی برای غارتگران غربی تبدیل شد و آنان از حاکمیت مستقیم گرفته، تا مالکیت ثروتهای زیرزمینی و تغییر خط یا زبان و حتّی تصرف کامل یک کشور اسلامی مانند فلسطین و تحقیر مقدسات اسلامی و غیره، در این کشورها پیش رفتند و مسلمین را از همه ی برکات استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی- که از جمله ی آن، رشد علمی و فرهنگی است- باز داشتند.

یک نگاه به وضعیت فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و نظامی کشورهای مسلمان امروز و مشاهده ی ضعف روحی و مادّی آن و مذاقه در نظامهای سیاسی و وضع دولتهای اغلب این کشورها که در آن همه چیز حاکی از احساس حقارت و ناتوانی است، روشن می سازد که از مهمترین علتهای این وضع، بیگانگی و بریدگی این کشورها و ملتها از گذشته های تاریخی خود و مجد و عظمتی است که از ورای قرنها می تواند هر انسان ضعیف و نومید را به حرکت و تلاش امیدوارانه سوق دهد. آن مجد و شکوه تاریخی، در آغاز با قیام للّه و جهاد مخلصانه برای خدا و عمل به احکام آزادیبخش و زندگی ساز اسلام و به برکت حرکت مسلمین در صدر اسلام و در غربت روزهای مکه و جهاد دوران مدینه، پایه گذاری شد. مولود مبارکی که «جامعه ی اسلامی» نامیده می شود، به برکت جهاد و مبارزه ی حجاز توانست به جوانی نیرومند و هوشمند بدل شود و سپس در طول قرنها توانست مشعل علم و معرفت و درفش قدرت و سیاست را بر سر جهانیان بگستراند. آن عظمت، از عظمت مبارزه ی مکه و مدینه سرچشمه گرفت.

مکه و مدینه؛ پایگاه وحی و محل نزول برکات الهی

اکنون این جا- مکه و مدینه- پایگاه وحی و محل نزول برکات الهی است بر جماعتی مؤمن و مقاوم، که به برکت ایمان و عمل به آیات الهی، توانستند از خاک

مذلتی که بر آن آرامیده بودند، برخاسته و قد علم کرده و آزادی شایسته ی انسان را برای خود تدارک دیده و پرچم آزادی بشریت و نجات انسان از سلطه ی امپراتوری های زر و زور آن دوران را برافرازند و با نور معرفتی که از قرآن سرچشمه می گرفت، پایگاه عظیم دانش بشری را پدید آورند و خود قرنها بر منبر بلند علم و معرفت بشری قرارگیرند و سخاوتمندانه به همه ی بشریت بیاموزند و گرانبهاترین آثار علمی را طی قرنهای متمادی پدید آورند و سرنوشت جهان بشریت را با علم و سیاست و فرهنگ خود رقم بزنند. اینها همه از برکات تعالیم خالص اسلام و حکومت الهی در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و برهه یی از صدر اسلام بود که علی رغم تسلط و رشد شجره ی خبیثه ی حکومتهای سلطنتی و رجعت از دوران توحیدی، باز تا قرنها ثمرات خود را به مسلمین می چشانید و آنان و همه ی بشریت را کامیاب می کرد. هر وجب از این خاک و این سرزمین، یادآور خاطره یی از دوران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و یاران فداکار و نورانی اوست. در این سرزمین بود که اسلام طلوع کرد و پرچم جهاد برافراشته شد وآزادی بشریت ازهمه ی غل وزنجیرهای جاهلیت رقم خورد.

امروز که ملتهای مسلمان، پس از چند قرن انحطاط و رکود و ذلت، در چهارگوشه ی جهان اسلام، به بیداری و قیام للّه گراییده اند و عطر آزادی و استقلال و بازگشت به اسلام و قرآن، در فضای بسیاری از کشورهای اسلامی منتشر گشته است، بیش از همیشه مسلمانان نیاز دارند که پیوند خود را با آن گذشته ی نورانی و معجزنشان، با دوران قیام للّه و مبارزه ی اسلامی دوران نخستین اسلام مستحکم کنند. خاطرات اسلامی در این سرزمین، برای هر مسلمان متدبر، در حکم داروی شفابخشی است که او را از ضعف و زبونی و یأس و بدبینی نجات می دهد و راه دستیابی به هدفهای اسلام را- که همیشه برای هر انسان برخوردار از عمق و حکمت، هدف زندگی و تلاش است- نشان می دهد.

تدبر در گذشته و پیوند با آینده

در این جا بود که پیامبر عظیم الشأن با یاران مخلص خود، سیزده سال همه ی سختیها را به جان خریدند و مرارتها را تحمل کردند، تا نهال اسلام ریشه دوانید. و در این جا بود

که پس از سالهای مصیبت بار زندگی در شعب ابی طالب، پس از شکنجه ی یارانی چون بلال و عمار و یاسر و سمیّه و عبداللَّه بن مسعود و دیگران، پس از راهپیمایی طولانی و پُرمشقت و بی حاصل رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان قبایل مکه و طائف، بیعت عقبه با اهل یثرب واقع شد و هجرت پُربرکت به مدینهالرسول صلی الله علیه و آله پیش آمد و دولت اسلامی تشکیل شد.

در این جا بود که پیروزی بدر و شکست احد و محنت خندق و آزمایش حدیبیه اتفاق افتاد. این جا بود که اخلاص و جهاد پیروزی آفرید، و مال دوستی و غنیمت طلبی ناکامی آورد. این جا آیه آیه ی قرآن نازل شد و خشت خشت بنای فرهنگ و تمدن و حیات طیبه ی اسلامی، کار گذاشته شد. مسلمان با تدبر در این گذشته و زیستن در لحظه لحظه ی آن، با آینده نیز پیوندی سازنده می یابد، راه زندگی و هدف آن را می شناسد، به خطرات راه پی می برد، فردای این حرکت را بالمعاینه می بیند و خود را برای پیمودن آن آماده می سازد و بر تردید ناشی از احساس ضعف و حقارت و ترس از دشمن فایق می آید؛ و این همه، از برکات حج است.

از آنچه گفتیم، می شود فهمید که چرا استعمارگران دیروز و سردمداران سلطه ی استکبار جهانی امروز، این همه از پیوند فکری و عاطفی مسلمین با گذشته ی خود بیمناک و با آن در ستیزند. آری، این پیوند با گذشته است که حال و آینده را رقم می زند.

ناخشنودی استکبار از بازگشت ملتها به گذشته ی افتخارآمیز خود

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران و اعلام این که ملت ایران درصدد است جامعه یی بر اساس ارزشهای اسلامی بسازد و در آن مقررات اسلامی را تحقق بخشد، موج تبلیغات بوقهای تبلیغاتی شرق و غرب و وابستگانشان، جمهوری اسلامی را به نام بنیادگرا و کهنه پرست و روبه گذشته و عناوینی از این قبیل، بشدت مورد حمله قرار داد و به نام نوگرایی، از این که ایران اسلامی می خواهد پایبند به سنتهای گذشته باشد، انتقاد کرد؛ و این در حالی بود و هست که نظامهای مرتجع و مستبد و پایبند سنتهای پوسیده که هرگز بویی از مفاهیم نوین عالم مانند آزادی و دموکراسی و حقوق بشر استشمام نکرده و در شرق و غرب جهان کم نیستند، هیچگاه به آن نامها مورد

تعرض تبلیغاتی قرار نگرفتند! و عبرت انگیز آن که رادیوهای رژیمهایی که در آن از ابتدایی ترین رسوم نوگرایی سیاسی خبری نیست و چیزی به نام مجلس ملی و انتخابات آزاد و نشریه ی غیردولتی در آن، در حکم افسانه است نیز به کشوری که در آن به حکم اسلام، حکومتی مردمی بر سر کار است و قانون اسلامی در مجلسی مرکب از نمایندگان مردم تصویب و به دست دولتی منتخب مردم اجرا می شود و مردم در حساس ترین مسایل آن دارای حضور فعالند، نام مرتجع دادند و هوشمندان عالم را از تقلید مسخره آمیز خود به خنده انداختند!

آری، استکبار و دارودسته ی خبری و تبلیغاتی و قلمها و بوقهای مزدورش، از این که کشوری در اعماق کهنه پرستی، و ملتی در حال و هوای سنتهای جاهلی خود، سر کند، ولی درهای خزاین مادّی خود را به روی آنان بگشاید و تسلیم فزون خواهی و سلطه طلبی آنان شود و فرهنگ فساد و فحشا و مصرف زدگی و میخوارگی و شهوترانی را از آنان بپذیرد، نه تنها نگران نیستند، بلکه بسی خشنودند! آنان از بازگشت ملتها به گذشته یی که به آنان عزت و عظمت را یادآوری کند، راه جهاد و شهادت را به روی آنان باز کند، کرامت انسانی را به آنان برگرداند، دست سلطه گران را از غارت و چپاول به مال و ناموس آنان قطع کند، آیه ی وَ لَنْ یَجْعَلَ اللَّهُ لِلْکافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلًا (۱)

را به آنان بیاموزد، کریمه ی وَ لِلَّهِ الْعِزَّهُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِینَ (۲)

را بر آنان فرو خواند، خطاب وَما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِینَ (۳)

را به گوش و دل آنان برساند، فرمان إِنِ الْحُکْمُ إِلَّا لِلَّهِ (۴)

را در زندگی آنان اجرا کند و خلاصه، خدا و دین و قرآن را محور زندگی آنان سازد و دست طواغیت مستکبر و مستبد و سلطه طلب را از زندگی آنان قطع کند، از بازگشت به چنین گذشته یی و پیوند با چنین تاریخی، ناخشنود و سراسیمه و بیمناکند و لذا با هر بهایی می خواهند از آن مانع شوند.

۱- نساء: ۱۴۱

۲- منافقون: ۸

۳- نساء: ۷۵

۴- یوسف: ۴۰

از احکام نورانی اسلام دست برندارید

مسلمین، بخصوص جوامعی که نسیم آزادی و قیام للّٰه بر آن وزیده، و بالاخص علما و روشنفکران و پیشگامان آنان، باید مراقب باشند که در این دام نیفتند؛ از عنوان بنیادگرایی نترسند؛ از تهمت ارتجاع و سنت گرایی آشفته نشوند؛ برای راضی کردن دشمنان خبیث و حسابگر، از اصل اسلامی خود، از احکام نورانی اسلام، از تصریح به هدفهای جامعه ی دینی و نظام توحیدی، تبرّی نجویند و به سخن خدا گوش فرا دهند که: وَ لَنْ تَرْضی عَنْکَ الْیَهُودُ وَ لَا النَّصاری حَتَّی تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (۱)

و قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْنا وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ وَ أَنَّ أَکْثَرَکُمْ فاسِقُونَ (۲)

و فَلَعَلَّکَ تارِکٌ بَعْضَ ما یُوحی إِلَیْکَ وَ ضائِقٌ بِهِ صَدْرُکَ أَنْ یَقُولُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَیْهِ کَنْزٌ أَوْ جاءَ مَعَهُ مَلَکٌ (۳)

و وَمانَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ یُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِیزِ الْحَمِیدِ. (۴) در حج، در مدینه و مکه، در احد و منی و حرا، در این سرزمین که قدم مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اصحاب کرامش بر آن نهاده شده و شاهد آن رنجها و دربه دریها و مبارزات و خون دلها بوده و در قدم به قدم سرزمین وحی و جهاد و قرآن و سنت، در آن گذشته ها به تدبر بپردازید؛ خود را با آن پیوند دهید؛ در پرتو آن، راه و جهت را بیابید؛ با تجربه ی آن، نتیجه و سرانجام راه را ببینید؛ و به حول و قوّه ی خدا و با توکل به او و امید به نصرت او و اعتماد به توانایی خود، در آن راه و به سمت آن هدف قدم گذارید؛ وَاللَّهُ مَعَکُمْ وَ لَنْ یَتِرَکُمْ أَعْمالَکُمْ. (۵)

توجه به مسائل مهم و جاری جهان اسلام

۳) موضوع مهم دیگری که حجاج بیت اللّٰه به عنوان بخشی از هدف حج باید به آن

۱- بقره: ۱۲۰

۲- مائده: ۵۹

۳- هود: ۱۲

۴- بروج: ۸

۵- محمّد: ۳۵

بپردازنـد، مسایل مهم و جاری جهان اسـلام است. اگر حـج کنگره ی عظیم سالیانه ی مسـلمانان سراسـر جهان است، بی گمان فوری ترین دسـتور این کنگره، مسایل روز مسـلمانان در هر نقطه از جهان است. این مسایل، در تبلیغات استکباری به گونه یی مطرح می شود که از آن، نه درس و تجربه و امیدی به مسلمین سراسر عالم منتقل شود، و نه اگر در آن حادثه سوء نیت و سوء عمـل اسـتکبار مؤثر بوده، مجرمی رسوا و حقیقتی افشـا گردد، و یا به طور کلی مطرح نمی شود. حـج جایی است که بایـد این خیانت تبلیغاتی افشا، و حقیقت آشکار شود و زمینه ی آگاهی عمومی مسلمانان فراهم آید.

اینک فهرستی از حوادث مهم جهان اسلام را به عرض برادران و خواهران مسلمان می رسانم:

فلسطین؛ مهمترین مسأله ی جهان اسلام

الف: مهمـترین مسـأله ی امروز، مسـأله ی فلسـطین است که در نیم قرن اخیر همواره مهمـترین مسـأله ی جهـان اسـلام و شـاید مهمـترین مسـأله ی بشـریت بـوده است. این جـا سـخن از محنت و آوارگی و مظلومیت یـک ملت است؛ سـخن از غصب یک کشور است؛ سـخن از ایجـاد غـده یی سـرطانی در قلب کشورهـای اسـلامی و در نقطه ی التقای شـرق و غرب جهان اسـلام به یکـدیگر است؛ این جـا سـخن از ظلم مسـتمری است که اکنون دو نسـل پی درپی از ملت مسـلمان فلسـطین را فرا گرفته است. امروزه که قیام خونین اسـلامی متکی به توده های مردم در سرزمین فلسطین، خطر واقعی و جدی را به اشغالگران بی وجدان و بیگـانه از انسـانیت و بی محابـا از جنـایت گوشـزد می کنـد، شـیوه های دشـمن از همیشه پیچیـده تر و هشداردهنـده تر است و مسـلمین در سراسـر جهان بایـد مسأله را از همیشه جدی تر بگیرند و برای آن فکری و کاری بکنند. ... و این است خبر تازه ی امروز.

اکنون اوضاع آشـفته ی جهان اسـلام و وابستگی روزافزون کشورهای منطقه به قدرت بی مهار امریکا، زمینه ی مساعدی برای تهـاجم کینه ورزانه ی دولت غـاصب فراهم سـاخته، که بـا پشـتگرمی به حمـایت شـیطان بزرگ- که حقاً خطرناکترین دشـمن اسلام و مسلمین است- آشکارا مقاصدی را که هرگز هم تلاش زیادی برای پنهان

ساختن آن نمی کرده است، دنبال کند: انتقال یهودیان شوروی که بخشـی از بهای کمکهای غرب به آن ابرقدرت سابق است؛ انتقـال فلاـشه هـای اتیوپی که قرار است خـدمت به صـهیونیست هـای امریکـایی و اروپـایی غـاصب فلسـطین را بکننـد و اخیراً یهودیان هنـد؛ شـهرک سازی در بخشـهای غصب شـده ی اخیر فلسـطین و حتّی احتمالًا در بخش اشـغال شده ی لبنان؛ افزایش تجهیزات نظامی و سلاحهای کشتار جمعی در همان حال که امریکا جنجال تحریم صدور چنین سلاحهایی را به خاورمیانه بلند کرده است؛ حملاـت هوایی روزمره و متنـاوب به جنوب لبنـان و بمبـاران غیرنظامیـان فلسـطینی و لبنـانی؛ سـختگیری روزافزون نسبت به شـهروندان عرب فلسـطینی- یعنی صاحبان آن سـرزمین- و انجام جنایتبارترین و وحشـیانه ترین برخوردهای پلیسی با مردم، و در همان حال در صحنه ی سیاسی، در برابر عقب نشینی روزبه روز دولتهای عربی و ساف و ضعف نشان دادن زبونانه ی برخی از سیاسـتمداران عرب، چهره ی مهـاجم به خـود گرفتن و حتّی فکر تشـکیل کنفرانس بین المللی و یـا منطقه یی، هر یـک را به نوعی رد کردن، و بالاـخره پیشـنهاد تشـکیل دولت فلسـطین در گوشه یی از سـرزمین فلسـطین را که محصول عقب نشینی و ذلت پذیری طرفهای فلسطینی بود، به صراحت و قاطعیت ردکردن. اینها مجموعه یی از سیاستها و اعمال آشکار آدمی ستیزان صـهیونیست است و یقیناً در کنار اینها چندین برابر، فعالیت پنهان در جهت توطئه و ترور و آدم ربایی و جنگ روانی و تبلیغات مسموم و جنایتهای شناخته و ناشناخته یی است که فقط از صهیونیستها و همکاران آنها ساخته و متصور است.

شیطان بزرگ؛ بزرگترین حامی اسرائیل

استکبار جهانی و دولتهای استعمارگر، از آغاز تا امروز، رژیم غاصب اسرائیل را به عنوان اهرم فشاری بر روی دولتهای عربی و سپس اسـلامی منطقـه پدیـد آورده و ذخیره کرده انـد و برآننـد کـه ایـن خنجر مسـموم را همـواره در پهلـوی جهـان اسـلام نگاهدارنـد؛ و امروز شـیطان بزرگ، سررشـته ی این سـگ دست آمـوز را در دست دارد. پس، تعجـبی نیست که نقض مکرر قوانین بین المللی، نقض مداوم حقوق بشر- آن هم به فجیعترین

شکل- تجاوز مکرر به کشورهای همسایه، عملیات تروریستی و آدم ربایی به گونه ی آشکار، تهیه ی روزافزون سلاحهای اتمی و امثال آنها- که هریک در هریک از کشورهای جهان که با امریکا و دیگر دولتهای بزرگ رابطه ی ارباب رعیتی نداشته باشد، حادثه یی عظیم تلقی می شود- از صهیونیست ها قابل قبول باشد و هیچ اعتراض جدی را از سوی شبکه ی استکباری جهان، مخصوصاً شیطان بزرگ برنیانگیزد.

دولت صهیونیست؛ بزرگترین خطر برای جهان اسلام

بدین ترتیب، امروز دولت غاصب صهیونیست، بزرگترین خطر برای حال و آینده ی جهان اسلام است و بر مسلمین است که برای علاج این خطر و رفع ظلمی به این عظمت، درصدد علاج و چاره باشند. متأسفانه رفتار و گفتار اغلب سران کشورهای اسلامی، هیچ اشاره یی را به عزم آنان بر علاج این خطر بزرگ- که چیزی جز محو رژیم صهیونیست نژادپرست نیست- نشان نمی دهد؛ بلکه بعکس، نشانه هایی از گسترش کمپ دیوید و تکمیل خیانت «سادات» نیز در برخی از دولتهای عربی به چشم می خورد؛ و من نمی دانم آیا این دولتها با این رفتار ذلت بار و تسلیم ننگ آور در برابر دشمن عنود مسلمین و اعراب، چه پاسخی برای ملتهای خود و نیز در پیشگاه خداوند آماده کرده اند؟

علاج واقعی این خطر به دست مسلمین است. آنان می توانند با کمکهای حقیقی به مبارزین مسلمان، قیام داخل کشور فلسطین را قویتر و کوبنده تر سازند، و نیز می توانند به طرق گوناگون نگذارند که دولتهای منطقه به پیروی از خواست و تحمیل امریکا، تن به سازش با اسرائیل دهند. اقدامهای فداکارانه و جوانمردانه ی مسلمانان سربلند لبنان، که بارها صهیونیست های قلدر و حامیانشان را در موضع ضعف و انفعال قرار داده، گواه صادقی است بر این که ملتها و جوانان مؤمن قادرند بسیاری از کارهای بزرگ را انجام دهند.

انقلاب اسلامی؛ طلیعه ی پیروزی مسلمانان در سایر نقاط جهان

ب: مسأله ی دیگر، حرکتهای اسلامی در برخی از کشورهای عربی و افریقایی است. این یکی از مژده بخش ترین حوادث جهان اسلام است که ملتی با جوانهایش، با

روشنفکرهایش، با مردم کوچه و بازارش، داعیه ی اجرای احکام اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی داشته و در راه آن حرکت کند. از طلوع انقلاب عظیم اسلامی در ایران و تشکیل جمهوری اسلامی، این انتظار و امید برای دوستان، و این هراس و نگرانی شدید برای اردوگاه استکبار و در رأس آن امریکا وجود داشت که انقلاب اسلامی ایران، طلیعه ی پیروزی های مسلمانان در سایر نقاط جهان اسلام خواهد بود.

برادران و خواهران مسلمان ما در همه جای جهان بدانند که بخش عمده یی از فشار مشترک شرق و غرب بر ایران اسلامی، چه در دوران جنگ تحمیلی و چه قبل و بعد از آن، بدین خیال باطل بود که با شکست جمهوری اسلامی در ایران، تجربه ی حرکت اسلامی در چشم مسلمانان سایر کشورها ناکام جلوه کند و برق امیدی که از پیروزی انقلاب در ایران، دلهای آنان را روشن ساخته بود، نیروی آنان را در این راه مبارک به کار نیفکند. امروز هم تبلیغات وسیع بوقهای استکباری که می خواهد انقلاب اسلامی را در ایران، راکد و متوقف و رسیده به بن بست، و نظام جمهوری اسلامی را رویگردان از خط انقلاب و امام عظیم الشأن آن قدس سره و آشتی جوی با امریکای غدار جلوه دهد، هدفی جز این ندارد. این همان بوقهایی است که در دوران حیات امام راحل قدس سره بارها تهمت رابطه با اسرائیل و خرید تسلیحات از آن و فروش نفت به آن را وقیحانه به ایران اسلامی- که جدّی ترین دشمن رژیم صهیونیستی است- وارد می کردند.

یادآوری چند نکته به ملّتهای اسلامی و رهبران آنها

خدا را شکر که هیچیک از تلاشهای استکباری- چه عملی و چه تبلیغاتی- کارگر نیفتاد و شعله ی امیدی که با پیروزی انقلاب اسلامی و چهره ی مصمم و تسلیم ناپذیر آن، بر دنیای اسلام و جانهای مسلمین پرتو افکنده بود، کار خود را کرد و نتیجه آن است که امروز در تعدادی از کشورهای اسلامی، به صورت حرکتهای عظیم مردمی در طلب حکومت اسلامی مشاهده می شود. لیکن این جانب به عنوان برادری دلسوز و مجرب، وظیفه ی خود می دانم به این ملتها و مخصوصاً به رهبران و هوشمندان و روشنفکران و علمای دینی آنان یادآوری کنم:

اولًا، در این راه که خطرات زیادی از ناحیه ی بی صبری یا بی بصیرتی حرکت را تهدید می کند، بر دو عنصر صبر و بصیرت بیش از همه چیز تأکید بورزید.

ثانیاً، حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی، عبارت است از طغیان بر ارزشهای جاهلی و نظامهای طاغوتی که بشر را به زنجیرکشیده و موجب ظلم و فساد و تبعیض طبقاتی و نژادی و فحشای عمومی و ستم پذیری توده ها و دیگر بدبختیهای ملتها شده و همه چیز را فدای سود بیشتر و حاکمیت ظالمانه ی بیشتر صاحبان زر و زور نموده است. پس، حرکت صحیح اسلامی، صف بندی میان دو نظام ارزشی و مبارزه ی میان دو فرهنگ است: فرهنگ به زنجیر کشیدن بشر، و فرهنگ نجات بشر.

لذا هر حرکت اسلامی باید خود را برای مقاومت همه ی زورمندان عالم آماده کند و غافلگیر نشود.

ثالثاً، دشمن می کوشد با جوسازی و حیله های تبلیغاتی، شما را از نام حکومت اسلامی و نظام اسلامی برحذر دارد، و شاید برخی از ساده دلان به این فکر بیفتند که برای حساس نشدن امریکا و دولتهای غربی، بهتر است که در اظهارات علنی، از نام حکومت اسلامی اجتناب شود. توصیه ی این جانب، اجتناب جدی از این مصلحت اندیشی خلاف مصلحت است. هدف تشکیل نظام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام را، بی هیچ انفعالی به صراحت و به تکرار و در همه ی شرایط بیان کنید و با عدول از نام مقدس اسلام، دشمن را به طمع نیندازید و هدف را مبهم و غبارآلود نسازید.

رابعاً، اسلام وحرکتهای اسلامی همواره از نفاق، بیش از کفر صریح لطمه دیده است. امروز خطر اسلام امریکایی- یعنی آن جا که نام و عنوان اسلام در خدمت طواغیت و در جهت هدفهای امریکا و دیگر مستکبرین است- از خطر ابزارهای نظامی و سیاسی امریکا کمتر نیست و بیشتر است. از علمداران اسلام امریکایی، چه در لباس عالم دین و چه در موضع سیاستمدار برحذر باشید و آنان را در سخن و اشاره و جهت گیریشان متهم کنید و هرگز درصدد جلب کمک آنان نباشید.

خامساً، از تجارب حرکتهای دیگر اسلامی در سایر کشورها و وضع کنونی آنان بی خبر نمانید و علی رغم میل استکبار، با آنان ارتباط بیابید.

و بالاخره سادساً، آیه ی شریفه ی وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا (۱)

را که توصیه ی تمسک به دین و رعایت وحدت کلمه در آن است، همواره به یاد داشته، هر دو توصیه ی آن را نصب العین خود قرار دهید و از کید دشمن در این باب برحذر باشید.

توجه به وضعیت مصیبت بار ملت عراق

ج: یکی دیگر از مسایل کنونی جهان اسلام، مسأله ی عراق و وضع مصیبت بار و گریه آور ملتی است که بر اثر سوء نیت و سوء تدبیر زمامدارانش، علاوه بر اختناق و حکومت پلیسی شدید، و پس از این که از ده سال پیش به این طرف، به جنگ غیرعادلانه با همسایگان خود مجبور گشته و به خاطر تدابیر ابلهانه و جاه طلبانه ی سرانش، هزاران هزار زن و مرد و کودک و پیر و جوانش، در بمبارانها و تخریبها به قتل رسیده، یا داغدیده و یا مجروح و معلول و بی خانمان شده و بخش عظیمی از ثروت ملی و تاریخی اش نابود شده، اکنون از سوی همان زمامدارانی که مسبب همه ی این مصایب بوده اند، به صورت مستقیم تهدید می شود و با بمبارانها و سلاحهای دسته جمعی و شیمیایی، قتل عام و آواره و نومید از زندگی می گردد.

هنگامی که ارتش عراق برای ارضای جاه طلبی و افزونخواهی سران رژیم آن کشور، به کشور کویت حمله و آن را تصرف کرد و بهانه یی نقد به دست امریکا برای حضور بی سابقه ی نظامی و بالطبع نفوذ شوم سیاسی و اقتصادی در منطقه ی خلیج فارس داد و منطقه ی خلیج فارس از هر دو طرف- رژیم عراق و متحدین غربی- به آتش کشیده شد، کسانی از مسلمین غالباً از روی ساده اندیشی خیرخواهانه، و شاید معدودی از سر بدخواهی و حسابگرانه، به جمهوری اسلامی مصرانه پیشنهاد می کردند که به کمک رژیم بعثی عراق شتافته، به سهم خود ابعاد جنگ را گسترده تر سازد. این نظر، البته برخلاف اصول مسلّم اسلام بود که جهاد را فقط در راه گسترش دین خدا، یا دفاع از

۱- آل عمران: ۱۰۳

ملتهای مستضعف و یا دفاع از دولت اسلامی واجب می شمرد؛ و نه در دفاع از رژیمی مهاجم و اشغالگر و قدرت طلب، آن هم با ایدئولوژی حزب بعث که رسماً و علناً منکر و معرض دین و معنویت است، آن هم با سوابق ظلم و فساد و اختناق و نسل کشی که رژیم عراق در آن دارای وضعی استثنایی است، و بالخصوص رژیمی که سابقه ی تسلیم و فرمانپذیریش در برابر قدرتهای سلطه گر را ایرانیان در طول هشت سال جنگی که به خواست استکبار و با سلاح و کمک همه جانبه ی آنان بر نظام اسلامی تحمیل کرد، بخوبی دریافته اند.

آری، اسلام دفاع از چنین رژیمی را جهاد نمی شمرد و آن را جایز نمی داند؛ لیکن این پیشنهادکنندگان بعضاً تحت تأثیر اظهارات ریاکارانه و فرصت طلبانه ی مسؤولان ویرانی عراق، که در برهه یی کوتاه برای جلب نظر ساده لوحان، بدروغ دم از اسلام و مقدسات دینی می زدند و بعضاً با اعتراف به خباثت و فساد و ظلم سران آن رژیم، دفاع از ملت عراق را انگیزه ی خود از این پیشنهاد می دانستند، ما به آنان یادآوری می کردیم که کمک به مردم مظلوم عراق واجب است، اما ورود در جنگ به نفع رژیم عراق و تحکیم سلطه ی آن رژیم، کمک به مردم عراق نیست؛ بلکه کمک به رژیم ضد مردمی عراق و ظلم به مردم عراق است که ده سال است آن رژیم منحوس، جنگی ناخواسته را بر آنان تحمیل کرده است.

اکنون با تسلیم و فرار مفتضحانه ی رژیم و ارتش عراق در برابر امریکا و متحدین غربی و قبول همه ی شرایط مستکبران، آن رژیم توانسته خود را برای مدت نامعلوم دیگری بر سریر حکومتی بی افتخار و قدرتی ذلت آمیز تأمین کند؛ و در این حال، باز مردم عراق- این ملت مظلوم که سالهاست گروگان رژیمی خشن و ظالم و فاسد و شکنجه گرند- باید علاوه بر تاوان جنگی که فقط به هدف افزونخواهی سران رژیم بر آنان تحمیل شده، غرامت شکست و ذلت و عقده های حقارت آن رژیم را نیز بپردازند.

همان رژیم و ارتشی که بیش از صد ساعت نتوانستند با دشمنان خارجی که به داخل خانه ی آنان آمده بودند، بجنگند و از مرگ نترسند، اکنون بیش از صد روز

است که به جـان ملت عراق افتاده، خانه ها را ویران، شـهرها را بمباران، عتبات عالیات را هتک، مردم را از وطن آواره، علما و بزرگان را دسـتگیر و بسـیاری را شـکنجه و ملت را قتل عام می کنند. در شمال، کردها و در جنوب، اعراب را طوری کشتند و زدنـد و دربه در کردند و به عزای عزیزان نشاندند که واقعاً در مورد هیچیک از جنایتکاران شـناخته شده در روزگاران اخیر ما نشنیده و گمان نبرده ایم. با مردم عراق رفتاری کردند که انسانهای باوجدان با حیوانات نمی کنند.

کردهای شـمال عراق بر اثر اخم و تهدیـد امریکا و دولتهای غربی، فعلًا وضع بهتری دارنـد، تا بعـدها چه پیش آید؛ اما شـیعیان جنوب که به دلایل متعـدد، مورد بغض و کینه ی امریکا و متحـدینش می باشـند- و دلیل عمده آن است که داعیه ی اسـلام و تشکیل حکومت اسلامی در آنان هست- همچنان در تهدید دایم و مورد بلا و مصیبت دایم از سوی رژیم ضد دینی و طغیانگر و نسل کش عراقند. این، تصویر ساده یی از وضع عراق است که گفته شد؛ ملتی سـتمدیده و مظلوم و بی پناه با دست خالی در برابر حکومتی بس خشن و بی اعتنـا به همه ی معیارهای اسـلامی و انسانی و بین المللی و بی باک در ریختن خون مردم و ظلم به مردم. ... و صدای یاللمسـلمین آن مردم بلند است. و در همین چند روز، علایم آشکار محاصره و حمله یی خونین به صدها هزار نفر فراریانی مشاهـده شـد که از بیم ارتش، به مرداب های میان بصـره و عماره و ناصـریه پناهنـده شـده اند و زن و مرد و کودک بیمار و- بنا بر خبر- بعضاً وبا زده و دچار بیماریهای واگیر می باشـند. غرب و بخصوص امریکا، جز نقل بعضی خبرها، آن هم کوتاه و بی کشـش، هیـچ کمکی نکرده اند و آنان تنها امیدشان به خداست و به توده های مسـلمان، که البته می توانند حداقل به شکل اعتراض به این اعمال، آنان را یاری دهند.

توسل به روشهای غیر انسانی علیه مردم کشمیر

د: مسأله ی بعدی، وضع مسـلمانان کشـمیر است. دولت هند، با اسـتفاده از اشتغال دنیای اسلام به مسایل حاد ماههای اخیر، که موجب غفلت عمومی از وضع آن برادران جـداافتاده و مظلوم شـده، حـداکثر فشـاری را که توانسـته، بر آن مردم وارد آورده و جان و

مال و حتّی- بنا بر نقل- ناموس آنان را مورد تعرض و تاراج قرار داده است. این جانب اکنون درصدد آن نیستم که در ماهیت مسأله ی کشمیر قضاوتی بکنم- و مطلعین می دانند که این، یکی از زخمهای کهنه یی است که انگلیسی های استعمارگر درهنگام خروج اجباری خود از هند، بر پیکر شبه قاره وارد کرده و به وسیله ی آن از مسلمانان هند بزرگ انتقام گرفتند- سخن ما آن است که دولت هند در برخورد با این مسأله، از ابزارهای خشن ونامناسب استفاده کرده و با اطمینان به این که دولتهای بزرگ و سازمان های مدعی حقوق بشرهیچ دفاع واقعی از مسلمانان نخواهند کرد، به روشهای غیر انسانی متوسل شده است.

ملتهای مسلمان باید بدانند که مسلمان کشمیری از آنان متوقع آن است که از او دفاع کنند، و این وظیفه ی اسلامی و برادرانه ی مسلمین است، و دولت هند اگر تصور کند که می توان آن جمع کثیر از مسلمانان را بدون هیچ عکس العمل از سوی مسلمین جهان، برای همیشه تحت فشار نگهداشت، بی شک در اشتباه است.

در همین جا لازم است درباره ی اقلیتهای مسلمان در برخی از کشورها و از جمله کشورهای اروپایی اشاره شود که فشار وارد بر مسلمانانی که مایلند هویت اسلامی خود را حفظ کنند، افشاگر ماهیت دموکراسی و آزادی یی است که غرب پیوسته از آن دم می زند! حساسیتهایی که بعضی دولتهای اروپایی در برابر ساختن مسجد، یا تشکیل اجتماعات اسلامی، یا رعایت لباس اسلامی و امثال آن نشان می دهند یا در مردم برمی انگیزند، باید مسلمانان را به مواضع واقعی آن دولتها نسبت به اسلام آشنا سازد. اینها از جمله ی مسایل مهمی است که مسلمانان جهان باید درباره ی آن بیندیشند و از آن برای معرفت به وظیفه ی خود در این روزگار بهره گیرند.

دامن زدن به اختلافات فرقه یی؛ ترفند استکبار

ه: یکی از مسایل مهم این روزگار، مسأله ی اختلافات فرقه یی میان مسلمین است.

این البته مسأله ی تازه یی نیست و اختلافات و نزاع و بعضاً زدوخورد بر سر مسایل کلامی و فقهی و فرقه یی، از قرن اول اسلام همواره وجود داشته است؛ لیکن در این باب، سخن تازه آن است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و گسترش فکر آن در سراسر

آفاق اسلامی، یکی از ترفندهای استکبار در مقابله با این موج همه گیر اسلامی این بوده است که از سویی انقلاب اسلامی ایران را یک حرکت شیعی به معنای فرقه یی آن- و نه اسلامی به معنای عام- معرفی کرده، و از سوی دیگر، در ایجاد نفاق و نقار میان شیعه و سنی سعی بلیغ کنند. ما از آغاز با توجه به این مکر شیطانی، همواره اصرار بر وحدت فرق مسلمین داشته و کوشیده ایم این فتنه گری را خنثی کنیم و بحمداللّه با تفضل الهی توفیقات فراوان نیز داشته ایم، که یکی از آخرین آنها، تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است و هم اکنون در سراسر جهان اسلام، علما و روشنفکران و شعرا و نویسندگان و عامه ی مردم از همه ی مذاهب اسلامی، دوشادوش و با یک زبان و یک نفس، از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دفاع می کنند؛ لیکن دشمن با پول و طرح و تبلیغ و خباثت فراوان مجهز است و متأسفانه در نقاطی از جهان کسانی را می یابد که بتواند با تطمیع و اغفال، بر ذهن و زبان آنان تسلط یابد. لذا گاه به گاه در کشوری از یک سیاستمدار، و در کشور دیگری از یک عالم نما یا انقلابی نما شنیده می شود که به تشنیع و ناسزا به شیعیان یا به ملت ایران- که بزرگترین انقلاب معاصر را به وجود آورده و به گونه یی بهت انگیز از آن دفاع کرده اند- زبان می گشاید و قلم می راند. یا در کشور مسلمان پاکستان- که ملت آن، در شمار عزیزترین ملتها برای ما و همیشه در خط دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی ایران بوده و هست- کسانی با دلارهای دشمنان اسلام و وحدت مسلمین، جلسات دایر می کنند و کتاب و مقاله می نویسند، تا شیعه و تشیع اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را به باد حمله بگیرند و به مقدسات اهانت کنند.

ما همه ی اینها را به حساب امریکا و دستیاران و مزدورانش می گذاریم و دامن ملتها و علمای راستین اسلام را از آن پاک می دانیم؛ لیکن این از جمله مسایلی است که باید با هوشیاری مسلمین حل شود و مجال تاخت وتاز به دشمنان اسلام داده نشود.

سلطه ی روزافزون شیطان بزرگ بر ذخایر کشورهای اسلامی

و: آخرین سخن، مسأله ی بسیار مهم سلطه ی روزافزون شیطان بزرگ بر ذخایر کشورهای اسلامی و حضور بیش ازپیش سیاسی و اقتصادی و حتّی نظامی آن در این

کشورهاست. این ابرقدرت ظالم و سلطه طلب، پس از تحولات اخیر جهان که منتهی به فرو ریختن نظامهای الحادی کمونیستی شد و شوروی از موضع رقابت با امریکا فرو افتاد، درصدد است که سراسر جهان و بخصوص مناطق زرخیز اسلامی را به منطقه ی نفوذ بی رقیب خود مبدل سازد و پس از فراغت از- به اصطلاح- جنگ سرد، به جنگ همه جانبه یی با بیداری اسلامی- که مانع مستحکمی در راه این نفوذ است- کمر بسته است.

این حکومت شیطانی، بنا بر مقتضای طبیعت ضد فطری و ضد انسانی خود، از درون دچار معضلات لاینحلی است؛ لیکن به اقتضای همان طبیعت استکباری و جهانخواری، می کوشد که مشکلات خود را به کل جهان منتقل کند و با تسلط بر همه ی مراکز حساس و ثروت خیز عالم، از جمله خاورمیانه و مخصوصاً خلیج فارس، به حیات خود قدرتمندانه تر از پیش ادامه دهد. اگر این رؤیای شوم به تحقق بپیوندد، روزگار سیاهی بر ملتهای این منطقه خواهد گذشت که در گذشته نظیر نداشته است.

رژیم امریکا، اینک از هر وسیله یی برای رسیدن به آن هدف شیطانی استفاده می کند و متأسفانه جهالت و غرور و قدرت طلبی حکام عراق- که زمینه ی آن را هم کمکهای قبلی امریکا و غرب به عراق فراهم کرده بود- اوضاعی را در این منطقه به وجود آورد که عواقب تلخ و دردناک آن را همه کم و بیش می دانند؛ و از جمله تبعات آن، یکی این است که امریکا به تصمیم گیرنده ی اصلی در بخش مهمی از این منطقه مبدل شده و دولتهای منطقه را مرعوب خود ساخته است؛ و این تهدیدی بزرگ برای موجودیت اسلامی، بلکه کیان انسانی در این منطقه و در هر منطقه از جهان که چنین اتفاقی بیفتد، به شمار می آید.

امروز به جز اسلام و انسانهای مؤمن و مصمم، هیچ نقطه ی امید دیگری برای مقابله با این تهدید بزرگ نیست. و خدا را سپاس که امروز خورشید منور اسلام حیاتبخش، دوباره بر دل و جان انسانها تابیدن گرفته و بسیاری ملتهای مسلمان در راه تحقق بخشیدن اسلام در زندگی خود، با عوامل دوری مردم از دین خدا مبارزه را آغاز کرده اند. این، حرکتی فرخنده و امیدبخش است و به توفیق الهی همین است که زنجیر سلطه ی شیطانی

امریکا و هر قدرت طغیانگر دیگر را خواهد گشود و همه را نجات خواهد داد؛ کَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِی. (۱) ملتها و دولتها در قبال روحیه ی گرایش به اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه و آله- اسلامی که سرلوحه اش، قطع نفوذ شیطان بزرگ و بقیه ی شیاطین از زندگی ملتهاست- به یک اندازه مسؤولند. دولتهای اسلامی اگر به کشور و ملت خود علاقه مندند، باید بدانند این آن چیزی است که زندگی و شرف و استقلال ملتها و کشورها و قدرت دولتها را تأمین می کند.

از خداوند متعال، بیداری همه ی مسلمانان عالم و شرف و عزت و رهایی آنان از چنگال استکبار و پیروزی آنان در مصاف دشمنان خدا را مسألت می کنم.

پروردگارا! پرتو قرآن و اسلام را بر دلهای مسلمین مستدام بدار و رحمت و فضل خود را بر آنان نازل کن؛ آنها را تأیید بفرما و دلهاشان را با امید و ایمان مستحکم بدار؛ قلب ولیّ اللَّه الاعظم(ارواحنافداه و عجّل اللَّه فرجه) را از ما شاد و دعایش را در حق ما مستجاب کن؛ حج حاجیان و تلاش تلاشگران راه خودت را به نیکی مقبول فرما؛ دلهای مسلمین را روزبه روز به هم نزدیکتر و عوامل تفرقه را نابود فرما؛ ارواح مطهر شهدای راه حق و جسم و جان آسیب دیدگان این راه را مشمول رحمتت بفرما. پروردگارا! از هر حرکتی که در سراسر جهان برای حاکمیت دین تو انجام می شود، حضرت امام خمینی- آن بنده ی صالح و برگزیده ات- را جزای خیر عنایت کن. آمین ربّ العالمین.

والسّلام علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمهاللَّه

علی الحسینی الخامنه ئی

سوم ذی الحجهالحرام سال ۱۴۱۱ هجری قمری

مصادف با بیست وششم خرداد سال ۱۳۷۰ هجری شمسی

۱- مجادله: ۲۱

بیانات در دیدار با اعضای بعثه ی حج و ...(۲۳/ ۴/ ۱۳۷۰ ه. ش.)

بیانات در دیدار با اعضای بعثه ی حج، به همراه حجهالاسـلام والمسـلمین محمّدی ری شهری، نماینده ی ولّی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی

اشاره

(۲۳/ ۴/ ۱۳۷۰ ه. ش.)

بسم اللَّه الرّحمن الرّحیم

هرچه شد، به تفضل و عنایت حضرت حق بود

در ابتـدا بایـد به نـاتوانی و عجز خودمـان از ادای شـکر حضـرت بـاری تعـالی اعتراف کنیم، که هرچه شـد، به تفضل و عنایت حضـرت حق بود. همینی هم که خـدای متعـال بحمـداللَّه مردان لایق و کارآمـدی را بر اداره ی این مراسم برانگیخت، خود از الطـاف بـاری تعالی بود. واقعاً به مردم ما یک عیـدی داده شـد و دست شـفایی از سوی مرکز غیبی لطف و رحمت، و از طرف ولیّ عصـر(ارواحنافـداه) بر سـر این مردم کشـیده شـد، که بعـد از رحلت امام بزرگوار، واقعاً این مردم سـزاوار بودنـد که چنین لطفی از طرف پروردگار به آنها بشود. گمان من این است که روح مبارک امام هم از آنچه که پیش آمد، خشنود است.

ماهـا می دانیم، برادران دست انـدرکار هم همه می داننـد که ایشـان در سال آخر حیات نورانی و مبارکشان، خیلی به فکر حج بودند و خیلی مایل بودند که این مسأله انجام بشود.

البته مقدر نبود که این کار در حیات آن بزرگوار انجام بشود، ولی بحمداللَّه در این زمان شد؛ خدا را سپاسگزاریم. خودمان را کوچکـتر از آن می دانیم که در این بـاران رحمت الهی، برای خویش کمـترین نفعی قایـل باشـیم. امیـدواریم که خداونـد این زحمات فراوان را از شماها قبول کند و فضل و رحمت خود را همواره بر سر این مردم مستمر و جاری بدارد.

تشکر صمیمانه از خدمتگزاران حج

واجب و لازم است که من به عنوان یک فرد کوچک و خدمتگزار، از برادران عزیزی که در این کار از جان و فکر و وجود خودشان مایه گذاشتند و در این خدمت بزرگ همگانی نقش ایفا کردند، صمیمانه تشکر کنم؛ از برادر عزیزمان جناب آقای ری شهری، تا بقیه ی آقایان علمایی که تشریف دارند، جناب آقای جمارانی، تا برادران حج و زیارت، جناب آقای رضایی، و سایر کسانی که به نحوی دست اندرکار این قضیه بودند؛ هم در بخش اداری و تشکیلاتی و سیاسی و مدیریتی و تدارکاتی- که بخش واضح و بارزی است- و هم در بخش آن ظرافتها و محتواهای بسیار مؤثر- اگرچه در میدان ارزیابی کم نمود است- و نیز آن کسانی که همفکری کردند، آن کسانی که کارهای زحمتدار را انجام دادند- که جناب آقای پورنجاتی به بعضی از آنها اشاره کردند- همچنین کسانی که آن نوشته ها را منتشر کردند، آن عکس مبارک حضرت امام قدس سره را کشیدند- که جناب آقای ری شهری برای من نقل کردند، حدود دوازده روز، و هر روز چندین ساعت، یک نفر در آن فضای بسته خودش را مصروف این معنا می کرد، تا این عکس را زیبا از کار دربیاورد و جلوی چشم مردم رهگذر قرار دهد- کسانی که آن پلاکاردها و تابلوها را درست کردند، آن ماکت قدس را ساختند، و خلاصه این که نوشتند، کشیدند، ساختند، پرداختند، واقعاً میلیونها لحظه ی فعال دست به هم دادند، هزاران فکر صائب و هزاران نیروی مفید در کنار هم قرار گرفتند، تا توانستند این محصول را برای عالم اسلام فراهم کنند. خدا را شکر می کنیم و شماها را سپاس می گوییم.

امیدواریم که هر کدامتان هر مقداری که تلاش داشتید- که خدای متعال به آن اعلم و اعرف است و ما کوچکتر از آن هستیم که بخواهیم در این زمینه ها اظهار اطلاع بکنیم؛ شما خودتان بهتر از ما می دانید- ان شاءاللّٰه خداوند به شما پاداش بدهد و توفیقاتتان را اضافه کند و از شما قبول نماید.

برنامه ریزی باید اصولی و عمومی و کلان باشد

آن چیزی که من مفید می دانم عرض بکنم، این است که حج حادثه یی است که هر سال یک بار اتفاق می افتد؛ اما از آن حوادثی است که می سزد اگر یک سال یک جمع عاقل، عالم، هوشمند و توانا، برای آن چند روز برنامه ریزی و تلاش کنند. بله، من این حرف را که در گزارش آمده بود، قبول دارم که برنامه ریزی خوب، در صحنه ی عمل خودش را نشان می دهد؛ اگرچه هیچ سالی را با سال دیگر نمی شود مقایسه کرد و هر سالی مسایل خودش را دارد. امسال مسایل خاصی بود، شکل خاصی بود و مهره های سیاستهای جهانی، ترکیب خاصی داشتند. شما از این فرصت استفاده کردید و این حضور را به این شکل نشان دادید؛ سال دیگر نمی دانیم که چگونه است. این طور نیست که هر سالی قطعاً بتواند الگوی سال دیگر بشود؛ نه، ممکن است سال بعد حادثه ی کوچک یا بزرگی اتفاق پیدا کند که کل هندسه ی این صحنه و عرصه ی ترسیم شده را عوض کند.

آن وقت این مجموعه، مرکز و شعاع دیگری پیدا خواهد کرد. برنامه ریزی باید اصولی و عمومی و کلان باشد. البته اگر جزییات هم فرض بشود، خوب و لازم است؛ منتها باید با آن حالت بلندنظری باشد، تا انسان بتواند هر شرایطی را به خدمت بگیرد.

باید ببینیم حج از ما چه می طلبد

آنچه که مهم است، این است که ببینیم حج از ماچه می طلبد. ما امروز حکومت اسلامی هستیم؛ ادعای ما این است. ما معتقدیم که حج، جا و میدان ماست. این میدان، باعظمت است. معلوم است که عظمت این میدان، همان یکی، دو میلیون آدمی که آن جا هستند، نیست؛ بلکه کل دنیای اسلام است؛ چون هر کدام به شهرها، کشورها و خانه های خودشان می روند و خبری از حج می برند. پس، شما از اندونزی تا اروپا را زیر پوشش گرفته اید.

مسلمانان همه در حج بودند و شما آن جا حضور داشتید. اگر شما در حج که هستید، بتوانید آن کاری را که وَ تَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ (۱)

ایجاب می کند، انجام بدهید، تمام

۱- حج: ۷۸

دنیای اسلام را زیر پوشش گرفته اید. کاری انجام شده، که با هیچ وسیله ی دیگری آن کار امکان ندارد. یعنی اگر ما روزنامه یی داشته باشیم و بتوانیم آن را درِ خانه ی این تعداد آدم در سراسر دنیا بفرستیم، نمی تواند آن اثری را داشته باشد که حضور این جمع و تشکیل این جماعت و دیدن اشخاص و ابدان شماها برای آنها ممکن است این اثر را بگذارد. این، یک چیز دیگر است؛ بخصوص که منطقه، منطقه ی عجیبی است. آن جا زمینها متبرک است. هر کس وارد مکه و مدینه می شود، به نظر من اول باید خم بشود و آن زمینها را ببوسد. این جا، جاهایی است که کف پای پیامبر، کف پای امیرالمؤمنین، کف پای فاطمه ی زهرا علیها السلام، کف پای سلمان به همین زمینها خورده است. این وادیهای مختلف مکه، این شِعبها، این مراکز گوناگون در مدینه و در مکه، تقدس بسیاری دارد.

اصلًا محوطه، محوطه ی عجیبی است؛ مثل این که از عالم دیگری آورده اند و در این دنیای ما گذاشته اند؛ برای ما این گونه است. از یک طرف، چنین جایگاهی وجود دارد؛ از طرف دیگر، این شمایید که باید وَ تَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ (۱)

باشید. باید از حالا برنامه را بر این اساس بریزید.

این مراسم برائت، مراسم بسیار مهمی است. واقعاً گل سرسبد جماعی حج ما همین مراسم برائت است. هر مجموعه، آرم و شعاری دارند؛ آرم ما هم این است؛ لیکن همه چیز، این نیست. ما باید خودمان را برای پاسخ صحیح و مناسب به هر سؤال احتمالی که بر زبانها بیاید و احیاناً بعضی بر زبانها نیاید، ولی از ما وجود دارد، آماده کنیم و آن پاسخها را به صورت جزوه، کتاب، انسانِ آماده ی به حرف، و تماسهایی که باید گرفته بشود، حاضر کنیم.

فرهنگ و اخلاق و رفتار مردم ما باید برای حجاج دیگر الگو باشد

امسال من داعی بیشتری بر استطلاع از مسایل حج داشتم و زیاد سؤال می کردم.

۱- حج: ۷۸

برای من از معنویت حجاج ایرانی در حج تعریف می شد؛ شاید سالهای دیگر هم همین طور بوده است. برادران نقل می کردند که نیمه شبها عده ی زیادی از ایرانیها در گوشه و کنار مسجدالحرام و یا در عرفات ایستاده بودند و نماز شب می خواندند، یا حال توجه داشتند. اینها خیلی مهم است. من خودم در حج مجموعه یی را دیدم که یک حال معنوی داشتند. وقتی فهمیدم متعلق به کدام کشورند، در احساس و درک من نسبت به مردم آن کشور اثر گذاشت. سالها هم گذشته، اما این قضیه از یادم نمی رود.

ما در حج باید بتوانیم فرهنگ و اخلاق و منش و رفتار مردم خودمان را طوری بکنیم که اینها الگو بشوند و کسانی که نگاه می کنند، یادشان نرود؛ لااقل چیزهای برجسته یی را از ایرانیها بگیرند. این شاید در مواردی، اثرش از آن سوءظن بیشتر باشد.

این قدمی نیست که بگویم برداشته بشود، تا شما بگویید که کار ما نیست؛ نه، همان مقداری که مربوط به حج است، باید انجام بگیرد. بنابراین، از دیدگاه تأثیر بر روی ملتهای مسلمان، این مسأله ی اساسی و مهم وجود دارد.

در ایام حج، تأثیرات زیادی می شود روی ذهنها گذاشت

اما از دید همان صدوبیست هزار نفری هم که خودمان برمی داریم می بریم یک مسأله ی مهم است. صدوبیست، سی هزار، صدوپنجاه هزار، ان شاءاللّه در آینده دویست هزار نفر زن و مرد و پیر و جوان را برای مدت بیست یا بیست وپنج روز، در حساسترین مناطقی که می شود انسان حرفی را مؤثر در ذهنها فرو کند، به ما می سپارند. این، فرصت بسیار استثنایی و خیلی عجیبی است. وقتی که یک مشت آدم را در مدت یک هفته به اردویی می برند، می گوییم برای تأثیرگذاری عجب میدان خوبی است. این اردوی صدوپنجاه هزار نفری را به دست ما سپرده اند و ما داریم آنها را می بریم؛ تأثیرات زیادی می شود روی ذهنها گذاشت. بحمداللّه ما سرمایه های گرانقدری هم داریم؛ آقایان اهل علم، صاحبان فکر، صاحبان زبانها یا روشهای مؤثر. با این دید نگاه کنیم که ما یک عده را به اردو برده ایم و می خواهیم روی اینها اثر بگذاریم، و وقتی که برمی گردند، منقلبشان کرده باشیم؛ که حج هم اصلًا برای منقلب شدن است. حج باید ما را معنوی کند. وقتی برمی گردیم، واقعاً باید معنوی شده باشیم. هر کس برمی گردد،

بایستی کأنه از عالم معنا و از بهشت برگشته باشد. افراد باید چنین حالتی داشته باشند. برای این هم بایستی برنامه ریزی مفصلی بشود. ...

ما باید از همه ی مظاهر و ظواهر و شعایر حج استفاده بکنیم. مثلًا ببینیم در عرفات چه استفاده یی می توان کرد. منظورم صرفاً استفاده ی سیاسی نیست. البته بخشی از آن، استفاده ی سیاسی و انقلابی است و هرچه می شود، باید استفاده کرد. یا مثلًا در منی، یا در خود مکه، یا در مدینه، چه استفاده یی می توان کرد. در بحبوحه ی اعمال حج، چه استفاده هایی می توان کرد. بعد از ایام حج- که یک مقدار فراغت و آرامش هست و احساسات مردم فروکش کرده و دنبال کارهای متفرقه اند- چه استفاده هایی می توان کرد.

یعنی ما باید برای دانه دانه ی اینها برنامه داشته باشیم. نمی گویم که از امسال تا سال آینده این برنامه ها تنظیم بشود؛ اما هدف و جهت باید این باشد.

امام روی نماز جمعه و حج خیلی تکیه می کردند

جمهوری اسلامی حج را شناخت. این، بصیرت امام بود. امام درست در سربندهای اساسی انگشت گذاشته بود. در اسلام خیلی واجب وجود دارد، روزه هم یک واجب اساسی است؛ اما امام روی نماز جمعه و روی حج- یعنی آن بخشهای حساس و سربندهای مهم- خیلی تکیه کرد و دایم از سال اول نسبت به حج حرف داشت و پیام می داد. البته من یادم است که ایشان از قبل هم- یعنی سال ۴۱- به حجاج پیام می دادند. بعد از آن مبارزات اولیه ی مربوط به انجمنهای ایالتی و ولایتی، و بعد از آن که دولت انجمنها را قبول کرد، فاصله یی شد. در این فاصله که بین زمستان تا فروردین بود، حادثه ی مدرسه ی فیضیه واقع شد، که فاصله ی تلخی بود؛ تحرک بود و تلاش بود و خطر، و ما نمی دانستیم که چه کار می خواهد بشود. من یادم است که یک شب به همراه مرحوم آقای شیخ علی حیدری نهاوندی- از شهدای حزب جمهوری اسلامی- و دو نفر دیگر خدمت امام رفتیم، تا پیشنهادهایی که راجع به حج به ذهنمان می رسید، با ایشان در میان بگذاریم. یکی از پیشنهادهای ما این بود که به مناسبت موسم حج، خوب است پیامی از جانب ایشان صادر شود؛ اما ایشان گفتند که من نوشته ام! معلوم شد که ایشان

برای حج اعلامیه نوشته اند و فرستاده اند. یعنی در سال ۴۱ که هنوز اول مبارزات بود و هیچ خبری نبود، ایشان آن مواقع اساسی دین را شناخته بودند و به آن اهمیت می دادند ....

یکی از کارهای اساسی، رفع جدی نقایص

شنیدم که بحمداللّٰه بازرسیها و گزارش گیریهای خوبی هم انجام گرفته است.

بخشهای گوناگون قاعدتاً نواقصی داشتند؛ هیچ کاری بی نقص نیست. یکی از کارهای اساسی که ان شاءاللّٰه بایستی خود جناب آقای ری شهری و برادران همکار ایشان دنبالش بروند، رفع جدی نقایص است. ببینیم در کدام بخش، کجای کار نقیصه وجود داشته است، آن نقیصه را باید برطرف بکنیم؛ هیچ ملاحظه کاری هم نباید انجام بگیرد. در این بخش، این برنامه ریزی شده بود، این مدیریت بود، این نقص را داشت؛ به هر قیمتی که هست، باید این نقص را برطرف بکنیم، تا ان شاءاللّٰه روزبه روز کامل بشود.

من مجدداً روی نوشته و جزوه و کتاب تکیه می کنم. ... باید کتابها و جزوه هایی نوشته بشود، پاسخهایی روشن به سؤالهای مقدر داده بشود؛ هر روز هم سؤالی وجود دارد. بعضی از سؤالها همیشه تکرار می شود؛ لیکن بعضی از سؤالها موسمی و وابسته ی به حوادث جاری است. بایستی این سؤالها با بهترین بیان، با زیباترین ترجمه و با چاپ مناسب آماده شود و در اختیار باشد و ان شاءاللّٰه در آن جا داده بشود.

بار دیگر از جناب آقای ری شهری و بقیه ی برادران عزیز که واقعاً همه زحمت کشیدند و من از مجاری اموری که هست، بی اطلاع نبودم- هم در خلال کار می فهمیدم، هم بعداً برادرانی که آمدند، نقل کردند- می دانم که چه قدر بیدارخوابی، چه قدر زحمت، چه قدر تلاش انجام گرفته، تا آن که این کار به این خوبی بحمداللّٰه ظاهر شد. از همه ی آنها صمیمانه تشکر می کنم و امیدوارم که خدای متعال خودش همه ی شما را مأجور و مثاب و موفق بدارد.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

بیانات در دیدار اعضای برگزار کننده ی «کنگره ی حج»(۱۶/ ۲/ ۱۳۷۱ ه. ش.)

بیانات در دیدار اعضای برگزار کننده ی «کنگره ی حج»

اشاره

(۱۶/ ۲/ ۱۳۷۱ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

همه باید خداوند متعال را شاکر باشیم

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز و مسؤول در این امر عظیم و این تکلیف الهی بزرگ. همه ی ما باید خداوند متعال را شاکر باشیم که بحمداللّه این توفیق را بار دیگر به ملت ما ارزانی فرمود که بتوانند در موسم عظیم حج و در محشر بزرگ مسلمین عالم، در جایگاه مناسب خود قرار بگیرند و قیام و دعوت به حق کنند و قولًا و عملًا، راه را برای مسلمانان عالم، روشن و واضح کنند. این، توفیق بزرگی ست که انقلاب به ما ارزانی داشت. رهبری آن انسان بزرگ زمان ما و آن بقیّه ی اولیای خدا و قدرت معنوی او و عنایات الهی و توجهات ولیّ عصر، ارواحنافداه، این توفیق را به ملت ایران بخشید؛ و بحمداللّه دوباره از سال گذشته، این توفیق به ملت ایران داده شد.

ما نمی توانیم همه ی خصوصیات حج را کشف و بیان کنیم

در باب موضوع حج، مطالب زیادی در طول سالهای پس از پیروزی انقلاب از زبان امام بزرگوار قدس سره، و دیگر صاحبان معرفت شنیده و خوانده ایم. لکن حقیقت این است که حج، از آنچه که گفته ایم و شنیده ایم، باز هم بزرگتر است؛ و ابعاد مختلف این تکلیف و واجب الهی آن چنان است که اگر سالها درباره ی آن فکر و عمل کنیم و بیاموزیم و به

دیگران یاد بدهیم، باز هم بعید است که توانسته باشیم همه ی خصوصیات این واجب بزرگ را کشف و بیان کنیم. ما به قدر توان و ظرفیت خودمان چیزی می فهمیم و چیزی می گوییم و چیزی عمل می کنیم.

خودسازی؛ مقدمه و شرط دیگرسازی و جهان سازی

دو نکته ی اساسی در حج هست، که یکی مربوط به شخص هر زایر و هر حاجی است، و یکی هم مربوط به مجموعه ی مسلمین و سیاست دنیای اسلام و جهتگیری امت اسلامی ست. نکته ی اول، از این جهت حایز اهمیت است که اگر آن نباشد، کار دوّمی هم چندان درست نخواهد انجام گرفت. کار سیاسی و فریاد سیاسی، در دنیا زیاد است. آن فریادی که در دلها اثر می کند، جوامع را عوض می کند، دشمن را حقیقتاً می ترساند و راه را واقعاً روشن می کند، فریادی ست که از روی ایمان و از دلِ با تقوا و از انسان عاملِ صالح ناشی شده باشد؛ همان طور که در انقلاب اسلامی ایران مشاهده شد. پس، خودسازی، مقدمه و شرط اساسی برای دیگرسازی و جهان سازی و ایجاد تحول و پیمودن راههای دشوار است. لذاست که در آیات کریمه ی حج، از ذکراللّٰه و استغفار و بازگشت به خدا، مکرر سخن رفته است.

حج، یک هجرت است

حج، یک هجرت است. هجرت از خود ماست؛ هجرت از منیّت ماست، هجرت از آن زندانی ست که ما را احاطه کرده، و گوهر یکدانه ی بی نظیر انسانی را در وجود ما مخفی و پنهان نگه داشته است. حج، هجرت از خودپرستی هایی ست که از هوا و هوس ناشی می شود؛ هجرت از خودخواهیهایی ست که ما را از خدا دور می کند؛ هجرت از طبقه بندی ها و مرزبندی هایی ست که زندگی انسانها را از هم جدا می کند و فقیر و غنی، شریف و وضیع، بزرگ و کوچک- بر طبق معیارهای عامیانه ی مردمی- را به هم نزدیک می کند و در کنار هم قرار می دهد، و وجه مشترك همه ی انسانها، یعنی عبودیت را در همه زنده می کند.

درحج، عبودیت را در خود تقویت کنیم

اصل، این است. ما، در حج باید سعی کنیم عبودیت را در خودمان تقویت کنیم.

هجرت الی اللّه کنیم. حج را قبول و مقبول درگاه پروردگار قرار بدهیم. چگونه ممکن است حج ما مقبول باشد؟ وقتی که این حج، ما را به خدا نزدیک کند. در روایتی نقل شده است که «اگر می خواهید بدانید آیا حج شما قبول شده است یا نه، ببینید گناهانی را که مرتکب می شدید، بعد از حج کنار گذاشتید یا نه؟ اگر دیدید توفیق این را پیدا کردید که گناهان را کنار بگذارید، کشف کنید که خدای متعال، حج را از شما قبول کرده است، و به خدا نزدیک شده اید.» معیار، اینهاست: از گناه خارج شدن؛ به خدا نزدیک شدن؛ از خودخواهی ها و خودپرستی ها دور شدن؛ مثل قطره ای، در دریای فضل و رحمت الهی خود را غرق کردن. و این، اساسی ترین کارهاست. «علیکم أنفسکم.» خودتان را دریابید.

چیزی که جای ایثار ندارد، این است. آنجا که هرکس در درجه ی اول باید به فکر خودش باشد، اینجاست! نزدیک شدن به خدا؛ توجه پیدا کردن به خدا؛ باور کردن رحمت و فضل خدا؛ به زبان صادقانه با خدا سخن گفتن؛ کنار گذاشتن دنیا و زخارف دنیا و مادیات و ارزشهایی که اطراف ما مثل پیله ی کرم ابریشم می تند تا آن نفس ملکوتی را از بین ببرد و خفه کند. اصل، اینهاست. وقتی که انسان با دلی پاک و روحی تائب با خدای متعال روبه رو شد، آن مراسم عظیم را انجام داد، حقیقتاً به خدا بازگشت، حقیقتاً به خدا هجرت کرد، حقیقتاً در مقابل پروردگار عالم تضرّع کرد، آن وقت ابواب برکات هم باز می شود.

ارتباط امام با خدا؛ یکی از عوامل پیروزی انقلاب

من اعتقاد راسخ دارم، یکی از مهمترین عواملی که موجب شد این انقلاب پیروز بشود و بایستد و مقاومت کند و سختیها را پشت سر بگذارد و دشمن را ناکام سازد، این بود که محور این انقلاب، یعنی آن مرد الهی، آن انسان مؤمن و تقیّ زکیّ واقعی، با خدا در ارتباط روزافزون بود. چنین نبود که از روز اول انقلاب تا روز رحلت، امام در ارتباط با خدا یک طور مشی کرده باشد. خیر! او هر روز در هر برهه ای از برهه های حیات، از

برهه ی قبل بهتر بود؛ باکیفیت تر بود، ودر آن، به خدا نزدیک تر بود. این را انسان به خوبی احساس می کرد؛ و اینها واقعیتهایی ست.

به سمت حیات معنوی حرکت کنیم

چرا می بینیم در گوشه و کنار دنیا، این همه سرمایه گذاری های مردمی، گاهی به هدر می رود، و حضور قوی مردمی نتیجه ی مطلوب نمی دهد؟! چرا می بینیم در مقابل نهیب قدرتهای بزرگ، گروهها و افراد، دل و زهره ی ایستادن پیدا نمی کنند؟ چرا می بینیم هیبت مستکبرین، جای هیبت خدا را در دلها می گیرد؟! چرا به جای اینکه از خدا بترسند، از دشمنان خدا می ترسند و عقب می نشینند و مغلوب می شوند و سرمایه گذاری ها را بر باد می دهند و خونها ضایع می شود؟! برای اینکه معنویت کم است. آنجا که معنویت هست، ارتباط با خدا هست، اتصال هست، نسبت به فضل الهی باور هست، در مقابل خدا تسلیم هست، در پیشگاه پروردگار خضوع و تضرع هست، در آنجا دیگر ضعف و ترسی وجود ندارد. أَلا إِنَّ أَوْلِياءَ اللَّهِ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ. (۱) تأسفی هم وجود ندارد.

وقتی ما برای خدا کار کنیم، اگر به حسب ظاهر پیشرفت کردیم، خشنودیم. اگر پیشرفت هم نکردیم، باز هم خشنودیم. چون برای خدا کار کرده ایم. چون وظیفه مان را انجام داده ایم. چون ادای تکلیف کرده ایم. دیدید امام بزرگوار در تمام این مدت و در قضایای مختلف، هرگز متأسف نبود؛ هرگز ناامید نبود، و هرگز احساس پشیمانی نداشت! چون تکلیف برایش روشن بود و آن را فهمیده بود و برطبق آن عمل کرده بود. هر کس طبق تکلیف عمل کند، خوشحال و سرافراز است؛ بدون تأسف و اندوه است. ما باید خودمان را علاج کنیم. باید متحول بشویم. باید به سمت حیات معنوی اولیای خدا حرکت کنیم.

این، علاج همه ی دردها در دنیا و برای همه است.

حج، فرصت خوبی است که انسان به خدا نزدیک شود

حج، یک فرصت بسیار خوب است که انسان بتواند از دنیا و زخارف دنیا و

۱- یونس: ۶۲

وابستگیها وطبقه بندی ها وخطکشی ها و همه ی آن چیزهایی که او را از معنا دور می کند و به مادیت و خودپرستی نزدیک می کند، جدا شود؛ دور بشود، و به خدا نزدیک شود.

این، یک فرصت است. نه اینکه همه، این کار را می کنند. نه اینکه همه، این توفیق را برای خودشان فراهم می کنند یا از آن استفاده می کنند. ولی باید سعی بکنیم. این، اصل قضیه است؛ که وَ یَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِی أَیَّامٍ مَعْلُوماتٍ. (۱) اسم و یاد خدا را همواره باید در نظر داشته باشیم. از شروع حرکت از وطن تا رسیدن به خانه ی خدا، تا شروع مناسک، تا اثنای آن روزهای حساس و تا پایان کار، دایماً یک چیز به یاد حاجی و زایر خانه ی خدا باید باشد؛ و آن اینکه رضای الهی را کسب کند؛ از گناهان توبه کند؛ از آنچه او را از خدا دور می کند، رو بگرداند و به خدا رو بیاورد. اگر به خدا رو کردیم، خدا راه را باز می کند. «أَنَّ الرَّاحِلَ إِلَیْکَ قَرِیبُ الْمَسَافَهِ.» یک قدم به سمت خدا برداشتن، دل انسان را روشن می کند. به انسان فتوح می بخشد. زنگارها را از جلو بصیرت انسان پاک می کند، و قدم بعدی و ادامه راه را برای انسان راحت تر می کند. این، همان موضوع اساسی در جنبه ی فردی این مسأله است؛ هیچ چیز جای این را نخواهد گرفت.

مسلمان ها باید یکدیگر را بازیابند

نکته دوم در باب مسأله ای ست که به امت اسلام مربوط است. خوب، حج جای تزاور است: تشاور، تزاور، تعاهد. مسلمانها باید یکدیگر را باز بیابند. نه فقط اجسام یکدیگر را، بلکه دلها و فکرهای یکدیگر را. ملتهای گوناگون باید شکل امت اسلامی را در آنجا پیدا کنند، احساس وحدت کنند، مشکلات بین خودشان را برطرف سازند، از مشکلاتِ هم مطلع شوند، و مسائل اساسی امت اسلامی را جستجو کنند. این، آن هدف بسیار مهم حج است ...

برای امت اسلام، منفعتی بالاتر از این نیست. اگر حجّاج بتوانند در این مراسم یا در هر مراسمی در اکناف عالم، میلیاردها تومان پول پیدا کنند، ارزش این را ندارد که بتوانند در حج یک گره از گرههای عمده ی دنیای اسلام و امت اسلامی را باز کنند. امروز گره

۱- حج: ۲۸

چیست؟ امروز گره اساسی در زندگی مسلمانها، تسلط استکبار جهانی است. و برائتی که شما اعلام می کنید، برای این است. یک روز برائت از مشرکینی بود که لات و منات و هبل و عزّی را می پرستیدند، اما امروز برائت از سردمداران کفر جهانی و استکبار جهانی ست. امروز مظهر شرک و کفر، اینها هستند. آن روز اگر برائت از شیطانهایی بود که به شکل بتهای بی جان یا بتهای جاندار کم ارزش و کوچک ظاهر می شدند، امروز برائت از شیطان بزرگ است؛ برائت از امریکاست؛ برائت از قدرت و هیمنه ی شیطانی است؛ برائت از آن بلایی ست که بر همه ی مسلمین عالم و بر غیر مسلمینْ از ملتهای مظلوم و مستضعف نازل شده است؛ یعنی قدرت استکباری عالم. این، مهمترین کاری ست که یک ملت، بخصوص یک ملت مسلمان- اگر بخواهد علاج و چاره جویی کند- باید انجام بدهد و مدّ نظر داشته باشد.

برائت، روح حج است

برائت، حقیقتاً از ارکان حج است؛ بالاتر از ارکان حج است؛ روح حج است؛ معنا و هدف و جهت حج است. خطاست اگر کسی خیال کند که می شود هر یک از ارکان و اعمال حج را با روح حج و جهت کلی آن مقایسه کرد. برائت، این است. امروز شما به صحنه ی عالم نگاه کنید و ببینید در دنیا چه خبر است! البته قوام تخت قدرت مشئوم استکباری، فقط به امریکا و رژیم امریکا نیست. اما مهمترین پایه ی آن، امروز رژیم امریکاست. ملتها اسیر این رژیم اند. ملتها گرفتار این سیاستهایند. ببینید امروز با مسلمین عالم چه می کنند! اگر در هر نقطه از جهان حرکت و تپش نبضی از اسلام یا از مسلمین باشد- حتی بدون جهتگیریهای مترقی اسلامی- با آن مقابله می کنند؛ با آن روبه رو هستند و با آن دشمنی می کنند. مسائل فلسطین اشغالی را ببینید! قریب چهل وچهار- چهل و پنج سال است که سرزمین فلسطین را با این سرکوب وحشیانه، از مسلمین غصب کرده اند. با این همه حرکات ضد بشری که از سوی رژیم غاصب صهیونیستی انجام می گیرد، با این همه گناهان و خلافهای بیّن، که هر انسانی را دچار انزجار می کند، امریکا از پشتیبانی خود از این رژیم دست برنمی دارد. روزبه روز پشتیبانی خودش را از آن بیشتر می کند. این، به

چه معناست؟! کدام تضییع حقوق انسان، از این بالاتر است!؟ آن وقت، امریکاییها ادعای طرفداری از حقوق بشر می کنند؛ درباره ی حقوق بشر سخنرانی می کنند؛ حرف می زنند؛ سیاستگذاری می کنند، و موضعشان را نسبت به رژیمها معین می کنند. فلان رژیم در لیست سیاه آنهاست، چون به قول آنها «مراعات حقوق بشر را نمی کند»! فلان رژیم امروز از لیست سیاه خارج شد! فلان رژیم امروز وارد لیست سیاه شد! اینها، دنیایی را دارند بازی می دهند. افکار عمومی عالم را دارند با این ملعبه به تمسخر می گیرند، و بشریت را استهزا می کنند. برای انسانها بلایی از این بالاتر!؟ درباره ی جمهوری اسلامی حرف می زنند و گاهی در خلال حرفهایشان می گویند که شرط رابطه ی ما با جمهوری اسلامی این است که حقوق بشر را رعایت کند! خیلی فرق است بین آن حرفی که ما می زنیم و آن حرفی که امریکاییها می زنند! ما می گوییم آن کسی که باید برای روابط شرط معین کند، شما نیستید. ملت ایران با شما دشمن است. از شما به سبب گناهان بزرگی که بر دوش رژیمتان است، متنفر است. حالا می گویند که اگر چنین بشود و چنان بشود، ما رابطه برقرار می کنیم! ما رابطه برقرار نمی کنیم! ما تا وقتی که شما این همه در دنیا ظلم می کنید، تا وقتی که از رژیم غاصب اسرائیل حمایت می کنید، تا وقتی رژیمهای فاسد را در دنیا پشتیبانی می کنید، تا وقتی با رژیمهای طرفدار مردم و طرفدار استقلال، دشمنی می کنید، حاضر نیستیم به طرف شما نگاه کنیم. این شما نیستید که شرط معین می کنید!

دولتمردان امریکایی؛ روسیاه ترین سردمداران سیاسی عالم

می گویند «ما طرفدار حقوق بشریم»! ما می گوییم: اصلًا شما حقوق بشر را قبول ندارید. شما معتقد به حقوق بشر نیستید. شما معتقد به حقوق کمپانیها و سرمایه داران بزرگ امریکایی هستید. شما معتقد به منافع نامشروع رژیم امریکا در سراسر دنیا هستید.

شما به حقوق بشر کار ندارید! آن دیروزتان، این امروزتان! این قضایای داخل امریکا و مسأله ی سیاهان! دهها میلیون، شاید پنجاه میلیون یا بیشتر- الآن درست در ذهنم نیست- از سیاهان امریکا از حقوق انسانی محروم اند. در داخل شهرهای امریکا و در زیر سایه ی حکومتی که خود را پرچمدار حقوق بشر می داند و انسانهای عاقل و هوشمند دنیا را به

لبخند تمسخر وادار می کند، این هزاران انسانی که در سی و چند شهر امریکا در همین روزها سربلند کردند و خشم خود را ابراز کردند، به چه کسی اعتراض داشتند جز به شما؟! به سبب تضییع حقوقشان از که شکایت داشتند؟! شما شهروندان خودتان را فقط به این جرم که پوستشان سیاه است، زیر پاهایتان لگدمال می کنید؛ آن وقت دم از حقوق بشر می زنید؟! شما سالهای متمادی در مناطق گوناگون عالم، انسانهای مظلوم را ذبح کردید.

در ویتنام چه کردید! چندصد هزار از نیروهای امریکایی به ویتنام رفتند برای دفاع از یکی از فاسدترین رژیمها. رژیم آن روز ویتنام جنوبی، طرفدار حقوق بشر بود یا یکی از فاسدترین رژیمها بود؟! لشکرکشی کردند و رفتند آنجا. نه فقط مسلّحین مقابل خودشان، بلکه زن و بچه ها را کشتند. چقدر از بچه ها را نابود کردند! چقدر از زنها را نابود کردند! چقدر مزارع و کشاورزان را از بین بردند و کشتند، و گروههایی را در زیر خروارها خاک مدفون کردند! اینها حقوق بشر است؟! در همین ایران، سالهای متمادی از رژیم ظالم، فاجر و خشن پهلوی حمایت کردند. شاه، طرفدار حقوق بشر بود، که با همه ی امکانات از او حمایت می کردید؟! از همین صدام حسین که امروز و از مدتها بیش تا امروز، صفحات مجلات و تبلیغات امریکایی پر است از بیان خشونتهای او، چقدر حمایت کردند؟! به او کمک کردند، به او فناوری دادند، پول دادند، مواد غذایی دادند؛ و در مقابل جنایات بزرگ او، دم نزدند! جلو چشم مردم همه ی دنیا، شهر حلبچه بمباران شد؛ بمباران شیمیایی! زن و مرد و کوچک و بزرگ، در یک لحظه، با بمباران شیمیایی و باران زهری که بر سر آنها فرو ریخت، در میان کوچه ها و خانه ها افتادند و از بین رفتند. امّا اینها، دم نزدند. اینها حقوق بشر بود؟! کدام آدم عاقلی در دنیا به این پرچم حقوق بشری که اینها بلند کرده اند باور دارد!؟ چقدر ساده لوح اند آن دولتهایی که با این شعارها، از حرف خودشان عقب نشینی می کنند و مواضعشان را از دست می دهند! چرا؟ چون تبلیغات امریکایی این طور می گوید! غلط می کند این طور می گوید! اینها خودشان بزرگ ترین مجرمین دنیایند. اینها روسیاه ترین سردمداران سیاسی عالم اند. اینها چه حقی دارند نسبت به این و آن حرف بزنند!؟ حربه ای ساخته اند برای کوبیدن هر دولت و هر حکومتی که آن را قبول نداشته باشند؛ حالا یا حق، یا باطل.

ملتها در مقابل زورگویی ها بایستند

ملت اسلام باید اینها را بداند. ملتها باید در این زمینه تصمیم گیری کنند. ملتها باید در مقابل این زورگویی ها بایستند. دولتها ایستادگی نمی کنند. دولتها نمی توانند ایستادگی کنند. متأسفانه بسیاری از دولتها در دنیا، به خاطر انقطاع از مردم، قدرت ایستادگی ندارند. آنکه باید بایستد؛ آنکه اگر ایستاد هیچ قدرتی نمی تواند با او پنجه پنجه بیندازد، ملتها هستند. ملتها باید بایستند. ملتها این چیزها را در کجا باید بفهمند، جز در حج!؟ پیام برائت، یعنی این. پیام برائت، یک حرکت بزرگ اسلامی ست. شرکت در پیام برائت و در اعلام برائت، یک واجب قطعی و عینی ست. هیچ کس نباید از حضور در این حرکت عظیم انسانی اسلامی- الهی و سیاسی، سر باز بزند. این، روح و معنای حج است. آن جنبه ی جهانی حج؛ آن چیزی که مربوط به سرنوشت امت اسلام است، این است. حج برای این است. اینکه گفتند «در یک روز معیّن و در روزهای معیّن- فِی أَیَّامٍ مَعْلُوماتٍ- در ساعات معیّن و حتّی در جایی معیّن در یک نقطه ی محدود، از تمام اقصی نقاط عالم جمع بشوند»، برای چنین چیزی است. والّا می گفتند «در ایام حج، هر کس در خانه و شهر خود، اجتماعی برقرار کند: ایرانیها در ایران، عراقیها در عراق، حجازیها در حجاز، هندیها در هند، چینیها در چین، اروپاییها در اروپا.» چرا گفتند «همه راه بیفتند»؟- یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ (۱)

-. چرا؟ لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ. (۲) آن منفعت، این است. «منافع لهم» برای همه شان، برای مجموعشان و برای امت اسلام. حج برای این است. آن وقت بعضی آدمهای ساده لوح، سؤال می کنند که «آقا! دلیل برائت چیست؟» توقع دارند که در رساله ی عملیه نوشته باشند «برائت»! همه ی حج، فریادبرائت است. همه ی احکام حج حاکی از وجود چنین جهتگیری ای است. آن کس که نمی فهمد، باید ذهن و فهم خود را تصحیح کند.

۱- حج: ۲۷

۲- حج: ۲۸

پیام عبودیت خدا و کفر به طاغوت را قولًا و عملًا نشان دهید

این است معنای برائت. و من به برادران عزیز- چه شما مسؤولین محترم و چه آحاد حجاج ایرانی- توصیه می کنم: سعی کنند این پیام را، که پیام عبودیت خدا و کفر به طاغوت است، قولًا و عملًا نشان بدهند. رفتار منظم، رفتار صحیح، رفتار مسلمانانه، رفتار حاکی از عبودیت خدا و رفتار همراه با نظم. این جور نباشد که در اعمال حج، بر اثر یک اختلاف فتوای کوچک و کم اهمیت، برادران از هم جدا شوند و هر کس یک جور عمل کند. اینجاباید همه چیز حاکی از وحدت و اتحاد باشد. امام قدس سره توصیه کردند، امر کردند که «در نمازهای جماعت شرکت کنید.» بنده هم عرض می کنم: در نمازهای جماعت در مسجدالحرام، در مسجدالنبی و نیز در مساجد دیگری که مقتضی ست و متعلق به برادران اهل آن مناطق است، شرکت کنید. وحدت را نشان بدهید. یکپارچگی را با عمل خودتان و با نظم و انضباط، بر محور همین دستگاهی که امروز متصدی ست، ندا کنید.

من لازم است از برادر عزیزمان جناب آقای ری شهری، به خاطر حسن اداره ی این امور و این تشکیلات، و همچنین از همه ی شمادست اندرکاران و همه ی برادرانی که از ماهها پیش، بلکه از سال قبل، در ستاد و در دستگاههای گوناگون مشغول انجام امور حج بوده اند و کمک و برنامه ریزی و سیاستگذاری کردند، تشکر کنم. از همه باید تشکر کنم.

عمل به این برنامه ها و برنامه ریزی ها، مستلزم آن است که ملت ایران مظهر این نظم و انضباط باشد. امیدواریم خدای متعال تفضل کند و وجود مقدس ولیّ عصر، ارواحنافداه، لطف و عنایت خود را شامل حال شما کند. ان شاءاللَّه از برکات وجود و حضور آن بزرگوار، در مراسم حج برخوردار باشید؛ و از معنویات آن ولی الهی بهره مند شوید. و ان شاءاللَّه که شما برادران و خواهران مسلمان، بخصوص برادران وخواهران ایرانی، با حج مقبول، با توجه به خدا، با حضور قلب، با دلهای رقیق شده و به خدا نزدیک شده و دلهای پاک شده و گناهان دور ریخته و ثواب و فضیلت کسب شده، از این سفر پربرکت برگردید.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام(۱۳/ ۳/ ۱۳۷۱ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام

اشاره

(۱۳/ ۳/ ۱۳۷۱ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ

والحمدللّه ربّ العالمین والصّلاه والسّلام علی سیّدنا و نبیّنا محمّد و آله الأطیبین الطاهرین قال اللّه الحکیم:

وَ إِذْ قالَ إِبْراهِیمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِناً وَ اجْنُبْنِی وَ بَنِیَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنامَ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ کَثِیراً.

مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِی فَإِنَّهُ مِنِّی وَ مَنْ عَصانِی فَإِنَّکَ غَفُورٌ رَحِیمٌ.

شکری به وسعت دریای رحمت حق

اکنون که موسم حج فرا رسیده و نغمه لبیک بر آمده از دلهای مشتاق، فضای حریم امن الهی را انباشته است و ملتهای مسلمان، از آفاق گسترده ی جهان، به میعاد ذکر و استغفار و قیام و اتحاد شتافته، و برادران مهجور، به یکدیگر رسیده اند، جبهه ی سپاس و خضوع به ساحت خدای عزیز و حکیم سوده، حمدی به عظمت صفات حسنی و شکری به وسعت دریای رحمت حق، نثار حریم حضرت احدیت می کنم، که یکبار دیگر به مسلمین مشتاق، توفیق این فریضه را عطا فرمود، و یکبار دیگر پرچم عزت و عظمت را بر فراز سر مسلمانان در خانه ی امن خود برافراشت و یکبار دیگر حجاج ایرانی را بر این سفره ی رحمت و عظمت نشانید. زبان و قلم از توصیف و تقدیر این نعمت بزرگ، قاصر است، خدا کند که نور معرفت بر دلهای روشن شما حج گزاران بتابد و حقیقت، بی واسطه ی حرف و گفت، در جان مشتاق شما متجلی گردد.

حج؛ نعمتی الهی برای مسلمانان

نکته ی مهمی که این جانب می خواهم به شما برادران و خواهران از هر کشور و ملت که هستید بگویم این است که حج، نعمتی الهی است که بر نسلهای مسلمان ارزانی شده است. قدردانی و شکرگزاری، آن را زیاد می کند و ناسپاسی و قدرناشناسی، آن را از مسلمین می گیرد که این همان عذاب شدید الهی است که: وَ لَئِنْ کَفَرْتُمْ إِنَّ عَذابِی لَشَدِیدٌ.

گرفته شدنِ حج به این نیست که از مسلمانان کسی به حج نرود، بل به این است که مسلمانان از منافع بی شمار آن محروم بمانند و زیاد شدن آن به این نیست که هر سال گروههای بیشتری حج کنند، بل به این است که از منافع آن بهره مند شوند که: لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ. خوب است به درستی بیندیشیم، آیا جهان اسلام توانسته است از منافع حج برخوردار شود؟ و اساساً این منافع چیست؟

منافع حج درست برای مسلمانان

حج درست می تواند تحولی درونی در یکایک مسلمین پدید آورد و روح توحید و ارتباط با خدا و اعتماد به او و رد همه ی بتهای درون و برون وجود آدمی که همان هواها و هوسهای پست کننده و قدرتهای اسیرکننده ی آدمی اند، و نیز احساس قدرت و اعتماد به نفس و رستگاری و فداکاری در آنان پدید آورد، و چنین تحولی است که از هر انسانی، موجودی شکست ناشناس و تهدید و تطمیع ناپذیر می سازد.

و نیز حج درست می تواند از اعضای جدا افتاده ی امت اسلامی، پیکره یی واحد و کارآمد و نیرومند بسازد، آنان را با هم آشنا و از حرفها و دردها و پیشرفتها و نیازهای یکدیگر، آگاهشان کند و تجربه های آنان را متبادل سازد. اگر حج با توجه به این هدفها و نتایج برنامه ریزی می شد، و در این برنامه ریزی دولتها و علما و صاحبنظران و روشنفکران جهان اسلام، همکاری می کردند، ثمرات گرانبهایی نصیب امت اسلامی می گشت که با هیچ دستاورد دیگری در دنیای اسلام قابل مقایسه نبود. به جرأت می توان گفت همین یک تکلیف اسلامی اگر درست و چنانکه شریعت اسلام خواسته است

مورد بهره برداری قرار گیرد، پس از زمانی نه چندان بلند، امت اسلامی را به عزت و قدرتی که در خور آن است خواهد رسانید.

فاصله شکل کنونی حج با وضعیت مطلوب آن

باید با تلخی اذعان کرد که شکل کنونی انجام این فریضه ی الهی، با وضعیت مطلوب آن فاصله ی زیادی دارد. امام راحل عظیم، تلاش مؤثری در این جهت مبذول داشت و تصویر روشنی از حج ابراهیمی، حج عظمت و عزت آفرین، حج سازنده و تحول دهنده، در برابر چشم امت اسلامی قرار داد و همین اندازه تاکنون منشأ برکات فراوانی در جهان اسلام شده است، لیکن با این همه گسترش این اندیشه و این نحوه ی عمل بر همه ی ملتهای مسلمان نیاز به مجاهدت مخلصانه ی علمای دینی و روشن بینی و مساعدت دولتمردان همه ی کشورهای اسلامی دارد، و امید است که این وظیفه ی بسیار اساسی مورد توجه و عمل آنان قرار گیرد.

برآورد موقعیت جهان اسلام

اکنون بجاست که با استفاده از این فضای معطر اخوت و به عنوان ادای بخشی از وظایفی که حج بر دوش ما می نهد، نگاهی به جهان اسلام افکنده و موقعیت آن را با توجه به حوادثی که پس از حج گذشته تا امروز در سراسر جهان پیش آمده، برآورد نماییم و وظایف خود را در این مجموعه باز یابیم.

حوادث یکسال گذشته از جمله ی مجموعه حوادث نادری است که کمتر زمانی به این کوتاهی را در تاریخ به یاد داریم که این همه حوادث بزرگ را در خود جای داده باشد.

در رأس این حوادث، فروپاشی ابرقدرت شرق و نابودی قدرت غول آسایی است که دهها سال، یکی از دو سلطه ی عظیم سیاسی و نظامی و تبلیغاتی جهان، به شمار می رفت. اضمحلال امپراتوری پهناوری با قدرت نظامی افسانه یی و دسترسی به سلاح اتمی و همه گونه وسیله و امکان برای سلطه و نفوذ در دیگران، در محاسبات معمولی و

مادی در شمار کارهای محال است. اما این حادثه اتفاق افتاد و نادرستی محاسبات مادی یکبار دیگر ثابت شد.

گسیخته شدن بلوک شرق، دگرگونی فاحش جغرافیایی سیاسی در اروپا، سر برآوردن ملتها و کشورهایی که سالیان متمادی بزور و غصب، در تصرف بیگانگان یا زیر نفوذ آنان بودند، نیز از جمله ی این حوادث شگفت آور است.

به همین اندازه جالب و هیجان انگیز است پیروزی انقلاب اسلامی در افغانستان و به قدرت رسیدن ملتی که چهارده سال با غُربت و مظلومیت و فقر مادی ولی با ایمان عمیق به اسلام، بار جهادی پر مرارت را بر دوش کشید، و نیز پدید آمدن چند کشور مسلمان مستقل در آسیای میانه با ملت هایی که علیرغم تبلیغات زهرآگین هفتاد ساله ی کمونیستها و علیرغم تلاش پس مانده های آن دوران که هرگز با اسلام آشتی نکرده اند و نخواهند کرد، ندای اسلام سرداده و به مسلمانی خود افتخار می کنند و در پی تحقق بخشیدن به احکام اسلامی هستند و نیز پدید آمدن حداقل دو کشور مسلمان در اروپا یعنی بوسنی و هرزگوین و آلبانی که هم اکنون موجب دغدغه ی دولتهای اروپایی شده است.

و نیز از نوعی دیگر، پیروزی گروههای اسلامی در الجزائر در انتخاباتی آزاد و با روش منطبق بر معیارهای دموکراسی که مایه ی امید و تفاخر همه ی مسلمانان و حاکی از عمق ایمان اسلامی در آن ملت مجاهد و مجرب بود، و در عظمت آن همین بس که قدرتهای ضد اسلامی و مرتجعین منطقه را به یک اندازه مشوش کرد، تا آن جا که با کودتای مزورانه، بر روی آن حرکت اسلامی سرپوش نهادند و فعلًا آن را مهار کرده و به بند کشیده اند، و البته هر روشن بین به وضوح درمی یابد که تا زمان درازی نخواهند توانست به این وضع ادامه دهند.

باری، سال گذشته ی ما سرشار از چنین حوادث کم نظیر و شگفت آور بود، و به جز آن، رشد حرکت های اسلامی و بیداری مسلمین و اصرار آنان بر بازیافتن هویت اسلامی و مبارزه با قدرتهای قُلدر و معارض، در بسیاری از مناطق عالم بخصوص در فلسطین عزیز و برخی کشورهای شمال افریقا و خاورمیانه نیز از ممیزات برجسته ی این سال بود.

وضعیت جدیدی برای اسلام و مسلمین

این حوادث مهم و عبرت انگیز که بسیاری از آنها بی واسطه یا با واسطه از اسلام، متأثر بوده است، برروی هم وضعیت جدیدی را برای اسلام و مسلمین به وجود آورده که وظیفه ی همه ی ملتهای اسلامی است آن وضعیت را درست بشناسند و بدون فوت وقت نسبت به آن، موضعی یکپارچه و متین و منطبق با محاسبه اتخاذ کنند.

این وضعیت جدید دارای دو بخش یا دو عنصر است: اول این که تفکر اسلامی و هویت اسلامی در گستره ی جهان، از شوکت و عزت و نشاط بیشتری برخوردار گشته و اسلام به صورت یکی از برجسته ترین حقایق موجود عالم، در سرتاسر جهان مطرح گردیده است.

و دوم آن که قدرت های مسلط جهان در موضع صریحتری از خصومت نسبت به اسلام و مقاصد اسلامی قرار گرفته اند، و تحقیقاً یکی از فصول اصلی در نظم نوین پیشنهادی امریکا برای جهان پس از سقوط کمونیسم، فصل اسلام زدایی و مقابله ی با رشد روزافزون حرکتهای اسلامی است.

هرکس اظهارات و اقدامات سردمداران رژیم امریکا را درباره ی اسلام، و نهضت های اسلامی معاصر، و کشورها و ملت هایی که دم از گرایش به اسلام می زنند و مدعی یا آرزومند تشکیل نظام اسلامی اند، تعقیب کند از عمق کینه یی تمام نشدنی به اسلام و نظام اسلامی اطلاع می یابد.

در حوادث جاری عالم نیز شواهد متعددی را براین مدعا می توان مشاهده کرد که از جمله ی تلخترین و غم انگیزترین آنها، حوادث جاری در بوسنی و هرزگوین و نیز جنگهای خانگی در قره باغ و منطقه ی عمومی قفقاز است. سرکوب خونین و قساوت آمیز مسلمانان در سارایوو که در قلب اروپای به اصطلاح متمدن جریان دارد به قدری خشن و وحشیانه است که آدمی را به یاد قتل عام های معروف اروپا در قرون وسطی و در جنگهای مذهبی و نژادی این قاره ی جنگ طلب می اندازد، با این تفاوت که امروز صربهای یوگسلاوی سابق، برای کشتار دستجمعی مسلمانان از ابزارهای جنگی مدرن استفاده می کنند! با این حال این دولتها که به بهانه ی حقوق بشر در کار کشورهای

دور دست هم دخالت و اعمال نظر می کننـد در برابر این فجایع دست روی دست گذارده اند. امریکا و کشورهای اروپایی در همین منطقه و نسبت به جمهوریهای دیگر همان کشور سابق، آن جا که پای مسلمانان در میان نبود به طور قاطع از پیش آمدن چنین کشتارهایی جلوگیری کردند. در منطقه ی قفقاز نیز دولتهایی که می توانستند با اعمال فشارهای معمول، مانع از کشتار مسلمانان قره باغ شونـد، نه تنها اقـدامی جـدی نکردنـد و بلکه تلاش میانجی گرانه ی جمهوری اسـلامی را هم آماج توطئه و مخالفت خود ساختند و بی علاقگی خود را به سرنوشت ملت تازه استقلال یافته ی قفقاز، ثابت کردند.

ارتباطات فشـرده ی امریکا و عواملش با دولتهای تازه مسـتقل آسـیای میانه برای ترساندن آنان از گرایش های اسلامی و آنچه آنـان نام بنیادگرایی بر آن می نهنـد موضـعگیری های خصـمانه ی آنان در برابر بیـداری اسـلامی در همه جا و بطور نمونه یی بارز با حرکت سیاسـی پیروزمنـدانه ی مسـلمانان در الجزایر، رفتار حیله گرانه و غـدرآمیز آنان با ملت عراق و افکندن آنان در وضـعیت غم انگیز و مظلومـانه ی کنونی، دشـمنی عنادآمیز آنان با زمامـداران سودان که صـرفاً عکس العمل گرایش اسـلامی آنان است و دهها نمونه ی دیگر در سرتاسـر جهان، مجموعاً شواهـد انکارناپذیری برخصومت علنی امریکا ودیگر سـلطه گران نسبت به اسلام و بیداری اسلامی و بازیافتن هویت اسلامی از سوی مسلمین جهان است.

وظیفه ی مسلمین در برابر موضع عنادآمیز استکبار

ملت های مسـلمان باید به این سؤال پاسخ دهند که وظیفه ی مسـلمین در برابر این موضع عنادآمیز و کینه توزانه چیست؟ شک نیست که قُلـدران عـالم فقـط به احساسـات خصـمانه اکتفـا نمی کننـد، و از همه ی امکانـات مـالی و سیاسـی و تبلیغاتی و اگر بتواننـد، نظامی خود برای اعمال دشـمنی اسـتفاده خواهند کرد، همچنان که تاکنون کرده اند. و ملت ایران در طول سالیان پس از پیروزی انقلاب اسـلامی تا امروز، این دشـمنی ها را تجربه کرده و امت بزرگ اسـلامی شاهد کینه توزی اسـتکبار جهانی با ایران اسلامی یا سایر نمونه های حرکت اسلامی در نقاط دیگر جهان بوده است.

شک نیست که بی تفاوتی ملت های مسلمان در برابر این وضع، دشمن را تشویق می کند و صحنه را هر روز بر مؤمنین به اسلام تنگتر می سازد. مسلمانان باید نشان دهند، که جهان اسلام دارای قدرت برخورد است و می تواند در برابر تجاوز و دشمنی امریکا و هر متجاوز دیگری بایستد، تاکنون همه ی لطمات جبران ناپذیری که به امت اسلامی از سوی استعمارگران دیروز و مستکبران امروز وارد شده، عمدتاً ناشی از ضعف نفس و ضعف روحیه ی دولتها یا ملت ها بوده است. ایستادگی ملت ها، دشمن را به ستوه می آورد و او را در رسیدن به هدفهای متحیرانه اش ناکام می سازد. اگر رهبران و ملت فلسطین، همین شجاعت فداکارانه یی را که امروز انتفاضه ی اسلامی در برابر صهیونیست ها از خود نشان می دهد، در آغاز تشکیل دولت غاصب صهیونیست نشان می دادند، این سرنوشت مرارتبار و زهرآگین برای فلسطین رقم نمی خورد، و اگر امروز سران نهضت های اسلامی و مردم مؤمن، سختی های مبارزه را بر خود هموار کنند بی گمان امت اسلامی، آینده ی شیرینی را به دست خواهد آورد.

استکبار در تعرض خود به مسلمانان حدی نمی شناسد

استکبار در تعرض خود به ملت های مسلمان، حدی نمی شناسد. امروز صهیونیستهای غاصب و امریکا به عنوان حامی همه جانبه ی آنها تا آن جا پیش رفته اند که حتی ملیت فلسطینی را هم انکار می کنند و حقیقتی به نام ملت فلسطین را نمی شناسند. در حالی که ملت فلسطین، ملتی است با ریشه های عمیق تاریخی و پیوندهای انکارناپذیر جغرافیایی، و آن که نه ریشه ی تاریخی دارد و نه رابطه ی جغرافیایی، ملت جعلی و دروغین اسرائیلی است.

در کشورهای اسلامی که مردم با ایمانی ناگسستنی به اسلام وابسته اند- از قبیل جمهوریهای تازه استقلال یافته که علیرغم هفتاد سال تلاش اسلام زدایی کمونیستها، با گرمی و هیجان از حاکمیت اسلامی سخن می گویند- قدرتهای ضداسلامی تا آن جا پیش می روند که از خطر اسلام گرایی در این کشورها سخن می گویند و شیرین ترین دلبستگی های آنان را به عنوان خطر قلمداد می نمایند.

این گستاخی استکبار و عوامل آن، با یک اراده ی عمومی و یک اقدام هماهنگ از سوی ملت ها و آحاد مردم مسلمان باید پاسخ داده شود و شر توطئه های استکبار از سر ملت های مسلمان برطرف شود. کوتاهی دولتهای اسلامی در مبارزه با رژیم غاصب اسرائیل، امریکا را به راه انداختن مذاکرات مستقیم اعراب و اسرائیل تشویق کرد و متأسفانه برخی از سران عرب بی آن که به ابعاد بسیار وسیع این ضربه ی استکباری توجه کنند، تن به این خفت دادند. نتیجه این شد که دولت غاصب اسرائیل به هدف خود یعنی شناخته شدن از سوی کشورهای عرب رسید؛ بدون این که سر سوزنی از مواضع متجاوزانه ی خود عقب نشینی کند.

اکنون صهیونیست ها علاوه بر ترور و آدم ربایی و غصب سرزمینهای فلسطین و لبنان و سرکوب فلسطینیان و کشتارهای جمعی و سایر جنایات هولناک خود در گذشته، به طور روزانه روستاهای جنوب لبنان را با حملات هوایی خود با خاک یکسان می کنند و با اعتماد به این که هرگز فشاری از سوی امریکا و اروپا بر آنان وارد نخواهد شد، خشن ترین جنایات را نسبت به مردم آن منطقه مرتکب می شوند. مذاکرات عربها با اسرائیل حتی نتوانسته از ادامه ی تجاوز و جنایات صهیونیستها جلوگیری کند.

این نمونه یی بود از عقب نشینی هایی که دشمن را طلبکارتر و گستاخ تر می سازد.

قدرت ملتهای مسلمان

این جانب نظر رؤسای کشورهای اسلامی را به قدرت عظیمی که در اختیار آنان است جلب می کنم، و آن قدرت ملت های مسلمان است. با پشتوانه ی این قدرت شکست ناپذیر، دولتهای اسلامی می توانند در برابر ابرقدرت امریکا که امروز جبهه ی ضد اسلامی استکبار را سرپرستی می کند، بایستند و از حق ملتهای خود و نیز از ملتهای مسلمان مظلوم دفاع نمایند. اسلام بهترین تضمین برای اداره ی زندگی یک ملت است و در سایه ی آن، ملتها می توانند طعم آزادی و استقلال کامل را بچشند و از آن بهره مند شوند، و ایمان اسلامی آحاد مردم در کشورهای مسلمان نشین، بهترین پشتوانه برای چنین منظوری است.

انتظار از دولتهای مسلمان آن است که به جای ترس و واهمه از اسلام- که امریکا و دیگر سردمداران استکبار سعی فراوان بر القای چنین ترس و واهمه یی در سران کشورهای اسلامی دارند- به این آیین الهی به چشم نجاتبخش ملتهای خود و به مثابه ی پیوندی میان ملتهای مسلمان یعنی اجزای امت اسلامی نظر کنند و با آن برای خود قدرت و عزت فراهم آورند.

این خود قوی ترین وسیله برای جلب و پشتیبانی ملت ها است، و دولتی که ملت خود را پشت سر داشته باشد می تواند از هیچ تهدیدی نترسد.

بازگشت به اسلام و زندگی در نظام اسلامی

به ملت های اسلامی و آحاد مردم مسلمان نیز عرض می کنم که علاج همه ی دردها و ناکامی های ملل مسلمان، بازگشت به اسلام و زندگی در نظام اسلامی و زیر سایه ی احکام اسلامی است. این آن چیزی است که عزت و قدرت و برخورداری از نعم بزرگ امنیت و رفاه را به مسلمانان برمی گرداند و سرنوشت تلخ و ذلت آمیزی را که طراحان استکبار برای امت مسلمان تدارک دیده اند، از آنان دور می سازد.

تبلیغات استکباری بر ضد اسلام که بخشی از حمله ی صلیبی جدید است، چنین وانمود می کند که اسلام قادر بر سازماندهی زندگی سیاسی و اقتصادی ملتهای مسلمان نیست و ملتهای مسلمان چاره ای جز این ندارند که با معیارها و شکل و محتوای حکومتها و نظام های سرمایه داری غرب زندگی کنند. این یک ترفند و دروغ مزورانه است که برای وابسته کردن کشورهای اسلامی به اردوگاه استکباری غرب و استثمار منابع مادی آن طراحی شده و سالها است تبلیغ می شود. نظام سرمایه داری غرب تا گلو در مشکلات انسانی لاینحل فرو رفته و با وجود ثروت های فراوانی که در اختیار دارد، از استقرار عدالت اجتماعی بکلی ناتوان مانده است. شورش اخیر سیاهان در امریکا نشان داد که نظام امریکا نه فقط نسبت به ملت های آسیا و افریقا و امریکای لاتین، که نسبت به ملت خود نیز با بی عدالتی عمل می کند و در این جا نیز مانند آن جاها، اعتراض را با خشونت و سرکوب پاسخ می دهد. درست است که اردوگاه کمونیزم متلاشی و نابود شد، اما رقیب

آن یعنی اردوگاه سرمایه داری هم با وضع فعلی و بخصوص با غرور و طغیانی که پس از یکه تاز شدن در میدان قدرت، بدان دچار شده ماندنی نیست و دیر یا زود دنیا شاهد سقوط و تلاشی آن نیز خواهد بود.

اسلام قادر است که مسلمانان و همه ی انسانیت را نجات دهد، مشروط بر آن که درست شناخته و سپس درست به آن عمل شود. نظام اسلامی در ایران به فضل الهی مظهر اقتدار و توانایی های اسلام و تجربه یی مجسم برای مسلمانان است. و این در حالی است که از عُمر سیزده ساله ی آن، هشت سالش در جنگی که با برنامه ریزی و کینه توزی استکبار شرق و غرب بر آن تحمیل شده بود، گذشت و پیش از آن و بعد از آن تا امروز هم بی وقفه آماج دشمنی ها و خباثت های اردوگاههای دشمن قرار داشته است.

امام خمینی عظیم(قدس اللّه نفسه الزکیه) ملت ایران را بیدار و مسلح به عزم پولادین و عملِ مخلصانه کرد، و این راه هم اکنون در برابر همه ی ملت ها قرار دارد.

دولتهای اسلامی از آمریکا نترسند

همه ی آنچه از دولتهای مسلمان انتظار می رود، با اراده و خواست ملتهای آنان قابل تحقق است. شما باید از دولت های خود، مقابله با صهیونیزم و استکبار، و دفاع از مسلمانان مظلوم سراسر عالم و یکپارچگی و برادری با ملت ها و کشورهای مسلمان دیگر را طلب کنید و در راه این هدفهای عالی، پشتیبان دلسوز و فداکار آنان باشید.

شما باید به آنان بقبولانید که از امریکا نترسند و در مقابل قُلدری های آن بایستند. و شما باید به آنان تفهیم کنید که اسلام و قرآن تنها راه نجات است و آنان را به حصار مستحکم لااله الااللّه سوق دهید.

و در این وظیفه ی بزرگ، علمای دین، روشنفکران، خطبا، هنرمندان، دانشجویان و جوانان دارای نقش و مسؤولیت سنگین تری می باشند، و زنان نیز مانند مردان و دوشادوش آنان در این وظیفه سهیم اند. این است آنچه دعای ابراهیم خلیل علیه السلام را در حق همه ی شما مستجاب می کند و شما را با پیوند الهی به آن مُنادی بزرگ توحید متصل می سازد. در پایان به حجاج محترم ایرانی توصیه می کنم که از این فرصت ارزشمند برای

تزکیه ی نفس و ارتباط با خدا و توبه و انابه به حضرت حق و تحصیل رستگاری روحی حداکثر استفاده را بکنند، و از دعا و تضرع و تفکر و تصفیه ی روح، لحظه یی غفلت نکنند و نگذارند که خدای نخواسته مظاهر بی ارزش مادی که همه جا نظائر آن را می شود یافت، چشم و دل آنان را به خود جذب کند و این روزها و ساعتهای استثنایی را که مخصوص معنویت و تکمیل نفس و تربیت روح و ارتباط با برادران مسلمان است، به بیهودگی از آنان برباید.

خداوند همه ی شما را مشمول تفضلات الهی و توجهات و ادعیه ی زاکیه ی حضرت ولی عصر(ارواحنافداه) قرار دهد.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّه

علی الحسینی الخامنه ئی

اول ذی حجهالحرام ۱۴۱۲

بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران حج(۸/ ۲/ ۱۳۷۲ ه. ش.)

بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران حج

اشاره

(۸/ ۲/ ۱۳۷۲ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

عمل ما با قصد قربت باشد

اولًا از همه ی آقایان محترم و خواهران گرامی که متحمل زحمات و خدمات این واجب بزرگ وفریضه ی ممتاز اسلامی شده اید وان شاءاللَّه درحج آینده ونزدیک خواهید توانست و توفیق پیدا خواهید کرد که این واجب را به بهترین وجه برگزار کنید و به حجاج محترم خدمت کنید، صمیمانه تشکر می کنم و به شما خوش آمد می گویم وامیدوارم که خدمات شما و زحمات واهتمامی که مسؤولین محترم در امر حج مبذول می کنند مورد توجه حضرت ولی عصر، ارواحناله الفدا، و مقبول درگاه پروردگار عالم باشد.

یک مطلب اساسی وزیر بنایی فردی وجود دارد که به حسب طبع کار، مقدم بر همه مسائل و ضروریات دیگر است؛ و آن، این است: عملی که از ما سر می زند، ان شاءاللَّه باید همراه باشد با قصد قربت و با طلب مرضات الهی. این، پایه ی کار است. همه ی کارها این جور است که با قصد خوب ونیت طاهر و قصد خدایی، بهتر انجام می گیرد؛ حتی کارهای دنیایی محض. لکن کارهایی که طبع عبادی و جنبه ی معنوی دارد، تأثیراتی فراتر از تأثیرات قابل محاسبه ی مادی می گذارد؛ که این حج هم، یکی از اظهر مصادیق این جور کارهاست؛ و به نیت خالص و قصد الهی بیشتر احتیاج دارد.

اگر کار برای خدا و به قصد انجام تکلیف و کسب مرضات الهی شد، خداوند به آن برکت می دهد، اثر می دهد، جذابیت می دهد و دلها را به طرف آن جلب می کند. در این

مورد خاص هم، آنچه که شما از تأثیرات حج دنبال آن هستید، آن را فراهم می کند. شما به این حرکت عظیمی که انجام گرفت- یعنی اصل پیدایش انقلاب، شروع نهضت و مبارزه و کارهایی که در این انقلاب شد، از جمله همین مسأله ی حج که امام راحل عظیم الشأن ما، رضوان اللّه تعالی علیه و قدّس اللّه نفسه الطیبه الزکیه، این کارها را شروع کردند- نگاه کنید درهمه ی این کارها، آن مردالهی و معنوی، نیتش نیت خدایی بود. خدا هم برکت داد. تبدیل حج از یک عمل نیمه تجاریِ نیمه سیاحتیِ تفننی به یک حرکت عظیم اسلامی با ابعاد جهانی، کار کوچکی نبود. این کار، با برنامه ریزیهای سیاسی و دنیایی و این چیزها قابل تحقق نبود. این راخدا کرد؛ و آن هم به خاطر نیت خالص آن مرد بود. ما هم باید این را یاد بگیریم و در کارهایمان نیتها را خدایی کنیم، ان شاءاللّه شما که همین جور هم هستید.

حج؛ ذخیره یی برای دنیای اسلام

مطلب بعدی که از لحاظ تأثیرات اجتماعی و جهانی و بین المللی مهم است، خود این قضیه ی حج است. حج یک ذخیره است برای دنیای اسلام. اگر از این ذخیره خوب استفاده بشود، به دنیای اسلام سود خواهد بخشید. اگر از این ذخیره استفاده نشود، یا اینکه بد مصرف شود و بد استفاده شود، دنیای اسلام- با این همه احتیاجی که دارد- از آن محروم خواهد ماند و یا خدای نکرده احیاناً از آن ضرر هم خواهد برد. ما مردم مسلمانی که در این نقطه از دنیا داریم زندگی می کنیم، اختیار دار امور حج در ابعاد وسیع که نیستیم، ما خودمان و کار خودمان و تأثیرات آن را مالکیم. مابایدحج را به نحوی انجام بدهیم که دنیای اسلام از آن سود ببرد. حج یک مرکزاجتماع است. خدای متعال می توانست برای زیارت خانه ی خودش دوره ی سال را بگذارد. اگر فقط رفتن و دورخانه طواف کردن و حال و توجه پیدا کردن بود، چه لزومی داشت که همه ی مردم دنیا موظف باشند دریک روز، در یک مقطع زمانی، در روزهای مشخصی، این جا را زیارت کنند.

می گفتند که وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ، (۱) که در دوره سال بیایند. هرکس هر وقت می تواند

۱- حج: ۲۷

بیاید حج بکند! این را نگفتند. حج را أَیَّامٍ مَعْلُوماتٍ قرار دادند؛ زمان مشخص قرار دادند. در داخل حج، اجتماعات یک روزه، یک شبه، دو- سه روزه قرار دادند؛ خواستند همه همزمان در آن جا جمع بشوند. این برای چیست؟ برای این است که لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ (۱)

پس این منافعی که مسلمانها در دوران حج باید شاهد باشند و آن را ببینند، منافعی است که با حیثیت تجمع مردم و با این حالت اجتماع ارتباط پیدا می کند. اگر اجتماعی تشکیل بشود که در آن ارتباطی نباشد، هزارها تَن بیایند بی ارتباط با هم، بی تماس باهم و بدون خبرگیری از هم، بدون کمک معنوی به هم، بدون همفکری، مقصود حاصل نشده است. چه معنی دارد که عده ای را یک جا جمع کنند، درحالی که از آن جمع شدن هیچ فایده ای برای آنها متصور نیست؟ چرا نگفتند دوره ی سال را بیایید؟

لابد می خواستند که مسلمانها در این وقت معین در این جا اجتماع کنند، مجتمع بشوند، تا از این اجتماعشان فایده ای ببرند. چه فایده ای از این اجتماع می شود برد؟ دهها فایده! مگر می شود اینها را سر دستی اینها را شمرد؟ اگر به عمق مسأله پی ببرید، دهها فایده ی بزرگ دارد، که همه برای دنیای اسلام لازم وحیاتی است.

حج؛ یک فرصت استثنایی

اگر زمانی لازم باشد از اجتماع حج، استفاده ای بشود که دنیای اسلام به تمام معنا نیازمند آن باشد، آن زمان حالاست. هیچ وقت مسلمانها مثل امروز احتیاج به اجتماع کردن و تماس گرفتن با همدیگر و ارتباط پیداکردن با هم نداشته اند. مدتها بود که مسلمانها خواب بودند، غافل بودند، نوری نبود، برقی نبود؛ بیدار نبودند. نه اینکه گرفتاری نداشتند! گرفتاری بود، اما نه آن قدری مایه ی تنبه و بیداری بشود و آن گرفتاریها را درک کنند و دنبال علاج باشند. آن دوره، که دوران رکود بود، گذشت، امّا اجتماع حج برایشان فایده ای نداشت. یک عده آدم خواب، ملتهای در خواب غفلت نگه داشته

۱- حج: ۲۸

شـده، غافل از وضـعیت خود، به فکر این بودنـد که گلیم خود را از آب حـج بیرون بکشـند و واجبشان راانجام بدهند و بروند. یـک مـدتی چنین بود. امروز هم مسـلمانها، به خـاطر گرفتاریهـایی که برای آنها در همه جای دنیا به وجود آورده انـد، نهایت احتیاج را به همفکری و همکاری دارند. این همکاری وهمفکری امروز ممکن است، لکن در گذشـته ممکن نمی شد. لذا این فرصت، یک فرصت استثنایی است و باید از آن استفاده کرد.

می خواهند مسلمانها را در خواب غفلت نگه دارند

شمـا نگاهی بکنیـد به اکناف عالم، ببینیـد این قـدرتهای سـتمگر با مسـلمانها چه دارنـد می کننـد. اولین نیت آنها این است که مسـلمانها را درخواب غفلت نگه دارنـد و اگرکسـی هست که به مسـلمانها هشـدار می دهد، هر جور می توانند او را از صـحنه خارج کنند. این، بزرگترین همت استکبار وقدرتهاوقلدرهای جهانی است. می خواهندمنذری نباشد؛ منبهی نباشد؛ بیدار کننده ای نباشد؛ و به همین سـبب با جمهوری اسلامی مخالف اند. مخالفت باجمهوری اسلامی به خاطر این تهمتهایی که به دروغ به جمهوری اسلامی می زنند، نیست. اینکه ادعا می کنند در جمهوری اسلامی حقوق بشر رعایت نمی شود- که البته حرف غلط و دروغ و افترای محض است- این به خاطر این نیست که واقعاً آنها به حقوق بشـر اهمیت می دهند، برای بشر ارزشی قائلند. ما تـا مـدتی پیش گمان می کردیم که این غربیها و امریکاییهایی که پرچم حقوق بشـر را به دروغ در دست گرفته انـد برای بشـر آسـیایی و افریقـایی و امریکای لاتین و اینها ارزشـی قائل نیسـتند و ارزش را فقط برای خودشان قائلنـد؛ امّا حالا معلوم شـد که برای هیـچ بشـری ارزش قائل نیسـتند و اگر یک وقت خواسـتها و شـهواتشان اقتضا بکند حاضـرند هرجور انسانی را، مربوط به هرمنطقه ی از عالم که هست، نابود کنند. درهمین چند هفته پیش دیدید در امریکا یک گروه را که عقیده ی انحرافی داشـتند کشـتند. حالاـ عقیـده ی آنهـا برای مـا درست هم روشن نیست. امّا آنها که می گوینـد: «عقیـده اشـکالی نـدارد، همه آزادنـد» درهمان روزها رئیس جمهور و مسؤولین عالی رتبه ی امریکایی ایسـتادند تا برای همجنسبازان حقوقی قائل بشوند. پس داشتن یـک عقیــده ی منحرف و غلـط و باطـل چـه جرمی محسـوب می شـود کـه جمـع شدنــد و اینهـا را نـابود کردنــد و در آتش سوزاندند؟!

روی جمهوری اسلامی فشار می آورند

ما از کسی دفاع نمی کنیم. ما، آن گروهی را که کشته شدند، نمی دانیم چه جور کسانی بودند. امّا می خواهیم این نکته برای همه و از جمله مردم ما روشن بشود- که بحمداللّه روشن هم هست، حتی وسواسیهای داخل جامعه هم، دیگر حالا می دانند- این کسانی که ادعا می کنند که طرفدارحقوق انسانهاهستند، اینها راست نمی گویند، اینها خلاف می گویند، اینها دروغ می گویند. کسانی که این قدر به بشر بی اعتنا هستند، اگر به یک کشوری ایراد گرفتند که در آن جا حقوق بشر نقض می شود، آدم عاقل باید نگاه کند ببیند مقصودشان از این حرفها چیست؟ چه هدفی پشت سر این حرف قراردارد؟ آن هدف معلوم است چیست. اینها نمی خواهند یک جمهوری اسلامی ای باشد، که قیام این جمهوری اسلامی، وجود این جمهوری اسلامی، به این معنی است که مسلمانان در همه جای دنیا می توانند مشابه چنین کشوری را تشکیل بدهند. از این می ترسند! اینها می خواستند که جمهوری اسلامی نابود بشود؛ می خواستند ناکام بشود، می خواستند در راه هدفهایش پیش نرود؛ می خواستند گرفتاریهای بزرگ پیدا کند.

حالاکه می بینند بحمداللّه با همت مردم، دولت و مسؤولین، کشور به طرف سازندگی پیش می رود، به طرف آبادی پیش می رود، مردم یکپارچگی خودشان را در حد اعلا حفظ کرده اند، عزت جهانی کشور روزبه روز رو به افزایش است، حالا که می بینند جمهوری اسلامی مقتدر است، سر بلند است، مستقل است، از کسی ملاحظه نمی کند، به قدرتی اعتنا نمی کند، ناراحتند. از اینکه می بینند چنین نظامی، با حضور خود، ملتهای مسلمان را تشویق می کند که بیدار بشوند و به اسلام خودشان فکرکنند، ناراحتند. بیداری مردم اولین چیزی است که اینها درصدد هستند مانع آن بشوند، لذا فشار می آورند روی جمهوری اسلامی. البته فشار آنها اثری ندارد. اگر قرار بود فشارهای امریکا و امثال امریکا برروی جمهوری اسلامی، برای آنها اثر مطلوب داشته باشد، جمهوری اسلامی- به فضل الهی و به توجهات ولی عصر- این جور پیشرفت نمی کرد.

کید دشمنان به جایی نمی رسد

بودن این ملت، قیام جمهوری اسلامی، عزت جمهوری اسلامی، بزرگترین دلیل و

روشن ترین دلیل بر این است که کید دشمنان به جایی نمی رسد و به کوری چشم آنها، مسلمانها در همه جای دنیا، کم و بیش بیدار شده اند؛ ملتها به خود آمده اند و قدر اسلام را می دانند. با وجود این همه فشاری که بر مسلمانها وارد می کنند، نیروی اسلامی و روح اسلامی، رو به فزونی و ازدیاد است. حالا مثلًا به اصطلاح مذاکرات صلح راه انداخته اند، برای اینکه قیام مسلمانان فلسطین را خاموش کنند! مگر توانستند؟ مگر می توانند؟

اسمش راگذاشته اند «صلح»! این صلح است یاظلم است؟ مخالفت ما با این مذاکراتی که دارد بر سر فلسطین مظلوم انجام می گیرد، به خاطر مخالفت باصلح نیست. ما طرفدار صلحیم، ما منادی صلحیم، ما منادی بالاتر از صلح هستیم. ما می گوییم: بین مسلمین عالم و بین آحادبشر برادری باشد. ما طرفدار برادری هستیم، ما مخالف با صلح نیستیم؛ اما این مذاکراتی که امروز در امریکا در جریان است، مذاکره ی صلح نیست؛ این، مذاکره ی ظلم است. می خواهند یک ظلم راتثبیت کنند؛ می خواهند یک ظلم را قانونی و رسمی کنند.

البته که ما مخالفیم! همه ی جوانمردان عالم باید مخالف باشند. همه مسلمانان باید مخالف باشند و با آن مخالفت بکنند. خانه ی ملت فلسطین را از آنها گرفته اند و یک مشت غاصب را در آن جا، جا داده اند، پشتیبانی کرده اند، و به دست آن غاصبین، صاحبخانه ها را به فجیع ترین شکل سرکوب کرده اند. حالا هم برای اینکه دهان صاحبخانه ها را ببندند و به کلی ادعای آنها را از مایملک خودشان پس بگیرند، می خواهند با دولتهای عرب و اسرائیل بنشینند مذاکره کنند!

امریکا اشتباه می کند

مگر کسی حق دارد از طرف ملت فلسطین چیزی را امضا بکند! مگر کسی حق دارد عوض کسی، خانه ی او را به غاصبی بفروشد! ما امیدواریم این مذاکرات به یک قرار داد امضا شده ای نرسد؛ اما اگر قراردادی هم درست بشود؛ اگر پای آن را دولتهای عربی که حضور پیدا کرده اند امضا بکنند؛ آن امضا ازنظرمردم فلسطین و از نظر مسلمانهای عالم و از نظر ما اعتباری ندارد. امریکا اشتباه می کند؛ امریکا با جمع کردن دولتهای عرب دور یک میز برای چنین مذاکره ی ننگینی، دولتهایی را که در آنجا جمع شده اند، در پیش مردمشان منفورتر می کند. مگر مردم کشورهای عرب حاضرند موافقت کنند که

رؤسایشان برونـدخانه ی ملت فلسـطین رابه دیگران بفروشـند! با این کار فاصـله ی بین این رؤسا- اگر خـدای ناکرده به چنین امضایی برسند- و ملتهایشان بیشتر خواهد شد.

ملتهایشان راخشـمگین تر خواهـدکرد. ملت مصـر را خشـمگین تر خواهـدکرد. آن بیچاره ی مصـری بلندمی شود مثل سائل به کف، می رود به امریکا برای شـکایت کردن ازایران! شـکایت بکنـد پیش آن بیچاره ای که خود او بیشتر از این دلش از ایران پُر است وشکایت دارد! از ایران چرا شکایت می کنی؟! ازاسلام شکایت کن. از ملت مسلمان خودت شکایت کن. آن آقا اگر قرار است از کسی شکایت کند، از ملت مصر باید شکایت کند.

ملت مصـر، ملت مسلمانی است. ملت مصر، دارای سابقه ی در اسلام است. ملت مصر افتخارات بزرگی درراه افکار نو اسلامی و مبـارزات اسـلامی دارد. این ملت، ملت غیـوری است. یقین است که این ملت حاضـر نیست خیـانت سـران خـودش را تحمل کند، و با آنها درگیری پیدا می کند. درگیری مردم مصـر به ماچه ارتباطی دارد؟ ما هر جا مسلمانها بیدار بشوند، خوشحال می شویم. هر جا مسلمانها مشتشان راگره کنند، ما خوشحال می شویم.

هر جامسـلمانها کتک بخورند، ما غمگین می شویم واحساس مسؤولیت می کنیم. اما ما نیستیم که بخواهیم وارد بشویم و ملتی مثل ملت مصـر را متوجه تکالیفشان کنیم. خودشان تکلیفشان را می داننـد. خودشان آگاهنـد چه بایـد بکنند؛ و درست فهمیده اند. درست فهمیده است ملت مصر، درست فهمیده اند جوانهای مصرکه در مقابل آن حکومتی که دارد به آرمان اسلامی و به آرمان فلسـطین و به سـرنوشت کشورهای اسـلامی خیانت می کنـد، ایسـتاده انـد. این به ماارتباطی ندارد. اشـتباه اینها در همین است که قوت اسلام و نیروی اسلام و تأثیر اسلام را نمی توانند بفهمند.

فاجعه آفرینی قدرتها در تاریخ خواهد ماند

امروز شـما ملاحظه کنید در بوسـنی و هرزگوین چه خبر است! این بوسـنی و هرزگوین واقعاً یک تابلو ماندنی است. خیانت و فاجعه آفرینی قدرتهایی که امروز به ظاهر دم از دلسوزی برای مردم بوسـنی می زنند در تاریخ خواهد ماند. مَثَل این امریکاییها و بعضی از اروپاییها که زبانی دلسوزی می کنند، مَثَل دو نفر است که در مقابل هم قرار گرفته باشند. بعد شمشیر یکی را از او بگیرند و شمشیر دیگری را تیز کنند؛ و همین که او

شمشیر را در بدن این مرد غیر مسلح فرو برد و نزدیک است که وارد قلبش بشود، شروع کنند در اطراف او به آه و ناله کردن که «حالا ـ چطور است دعوا را متوقف کنیم؟ چطور است دوا و درمان کنیم؟ چطور است نگذاریم؟» این حرفها، انسانهای هشیار را به خنده ی تمسخرآمیز وادار می کند.

مردم بوسنی بیشتر از یک سال است که زیر فشار هستند. شما می گویید «ما دل می سوزانیم، آذوقه می فرستیم، صربها را محاصره ی اقتصادی می کنیم؟!» اینها همه اش حرف مفت است؛ اینها ادعای دروغ است؛ اینها منافقانه عمل کردن و حرف زدن است.

اگر اینها راست می گفتند ودلشان برای مسلمانها می سوخت، بایستی محموله های سلاح را می بردند به دست آن مسلمانها می دادند. آن مسلمانها احتیاج به نان وغذای کسی ندارند؛ احتیاج به کاروان غذای سازمان ملل ندارند؛ احتیاج به دلسوزی دروغانه ی این و آن ندارند. اگر سلاح داشتند، از خودشان دفاع می کردند. می بینید چه فاجعه ای را همین امریکا و بعضی از کشورهای اروپایی به پشتیبانی از قصابان و ستمگران صرب وکروات دارند انجام می دهند!

شکوه و قدرت اسلام روزبه روز بیشتر خواهد شد

اما این را می خواهم عرض کنم؛ و این یک نکته ی اساسی است: علی رغم همه ی اینها، به فضل پروردگار، پس از چندی شکوه و قدرت اسلام، با پشتیبانی همین مردمی که برای اسلام مقاومت می کنند، در اروپا روزبه روز بیشتر خواهد شد، و خواب همان کسانی که می خواهند اسلام نباشد، بر آشفته خواهدشد. این، قدرت اسلام است؛ این، معنویت اسلام است؛ این، آمادگی مسلمین است؛ این، نیاز جهان اسلام و جامعه ی اسلامی به همفکری و همکاری است واین صحنه ی عظیم حج است و این شما خدمتگزاران که باید حجاج را راهنمایی کنید، هدایت کنید، احکام آنهارابه آنها تعلیم بدهید، آنها را از لحاظ عمل شخصی شان، از لحاظ استفاده ی بهتر از مراسم حج راهنمایی کنید. ان شاءاللّٰه خدای متعال پشتیبان شما باشد و توجهات حضرت ولی عصر، ارواحنا له الفداء، شامل حال شما باشد و حج مقبول و سعی مشکوری داشته باشید.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام(۲۸/ ۲/ ۱۳۷۲ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللّه الحرام

اشاره

(۲۸/ ۲/ ۱۳۷۲ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

الحمـدللّه ربّ العـالمين والصّـلاه على رسوله النّبىّ الأـمين و على آله الميامين و أصـحابه المنتجبين والسّـلام على جميع عباداللّه الصّالحين.

قال اللّه الحكيم: وَ إِذْ بَوَّأْنا لِإِبْراهِيمَ مَكانَ الْبَيْتِ أَنْ لا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً.

وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ.

تجدید بهار ایمان و حیات دینی

بـار دیگر اراده ی نافـذ الهی، مؤمنین را در زادگـاه توحیـد و بارگـاه رحمت و فضل ربوبی و بر گرد کعبه ی دلها و در ساحت قبله ی جانهای مسـلمین عالم گرد آورده و ندای ملکوتی: وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ، بر فواصل طبیعی و تحمیلی برادران مسـلمان فـائق آمـده و انبوه دلهـایی را که با ایمان و عشق و نیاز یکسان می تپنـد، به سوی مرکز توحیـد و وحـدت امت کشانیـده است. سالیان دراز، دست جهل و عناد، سـعی کرده است خانواده ی بزرگ اسلامی را در آن واحد، هم از ریشه ی اعتقادی اش وهم از علقه و پیونـد فیمابین ایمانی اش جـدا کنـد، اما از این سو نیز همه ساله، فریضه ی حـج، درس توحید و وحدت را، در کالبد این خانواده ی کهنسال و ریشه دار تزریق می کند و هر سال شـکوفه های تازه یی، بیش از گذشته، تجدید بهار ایمان و حیات دینی و انس و مودّت اسـلامی را، نویـد می دهـد، و سـاخته هـای دست دشـمن را باطل می سازد. این معجزه ی حـج است که علیرغم وجود درگیریها و منازعاتی که، در آن، حکومتهای مسلمان بارها در برابر یکدیگر

صف آرایی کرده اند، هرگز پیوندهای فکری و عاطفی و ایمانی میان ملتهای مسلمان قطع نشده و تأثیرات متقابل این ملتها همواره رو به افزایش بوده است.

سه ویژگی برجسته ی حج

اگر چه رازها و رمزهای حج بیش از آن است که در گفتاری بتوان آن را گزارش کرد ولی در آن میان، هر چشم رازشناسی، سه ویژگی برجسته را در نگاه اوّل، در آن باز می شناسد: نخست آن که حج، یگانه فریضه یی است که خداوند برای ادای آن همه ی آحاد مسلمین هر آنکس از آنان را، که دارای استطاعت باشد از سراسر عالم و از خلوت خانه ها و عبادتگاهها، به یک نقطه فرا می خواند و در ایّام معلومات، در گونه گون تلاش و حرکت و سکون و قیام و قعود، آنان را به یکدیگر پیوند می زند: ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفاضَ النَّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. دوم آن که در همین کار دستجمعی و علنی، برترین منزل مقصود را ذکر خدا، یعنی کاری قلبی و نفسانی، معرفی می کند: وَ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلى ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعامِ. سوّم آن که در صفحه ی روشن و همه کس شناس آن، تصویری از نمای کلّی زندگی انسان موحّد را عرضه می کند و در عملی رمزی، به مسلمان درس زندگی هدف دار و جهت دار می دهد.

از ورود در میقات و حضور در ساحت احرام و تلبیه و تروک تا طواف، گرد مرکز کعبه و سعی میان صفا و مروه و وقوف در محشر عرفات و مشعروذکر و تضرّع و تعارفی که در آن است، و تا رسیدن به منا و قربانی اش و رمی جمره اش و حلقش و سپس دوباره برگشتن به طواف و سعی، همه و همه درسهای رسا و روشن حرکت جهت دار و دستجمعی و معرفت آمیز مسلمان، در عرصه ی توحید و در مسعای حیات و برگرد محور «اللّه» است.

زندگی در آیینه ی حج؛ یک صیرورت دائمی

زندگی در آیینه ی حجّ، یک سیر دائمی بلکه یک صیرورت دائمی به سوی خدا است، و حج، آن درس همیشه زنده ی عملی و سازنده است که اگر به هوش باشیم راه و

رسم زندگی ما را در صحنه یی عملی و روشن ترسیم می کند. میعادی همگانی، هر سال تشکیل می شود تا مسلمان، در آن محیط وحدت و تفاهم، و در پرتو ذکر الهی، راه و جهت زندگی را بیاموزد، آنگاه به سرزمین خود و به میان کسان خود برگردد، و در سالهای بعد گروههای دیگر و گروههای دیگر بیایند و بروند، بیاموزند و بیندوزند، بگویند و عمل کنند، بشنوند و تدبّر کنند، و در نهایت همه ی امتّ، به آنچه خدا خواسته و دین آموخته، برسند. نظر افکندن به عرصه ی عظیم زندگی امّت اسلامی، فراتر از ابعاد ملتها و نژادها و قوم و قبیله ها، و نظر افکندن به اعماق وجود خود و فراگرفتن راه و جهت و شیوه ی زندگی، چنانکه شایسته ی اوست، و همه در پرتوی از ذکر خدا. این است آن سرچشمه ی معرفتی که هر ساله در حجّ، فیّاض و بی زوال، بر انبوه خلایق گرد آمده در حرم امن خدا سیلان می یابد و کسانی را که ظرف ذهن و دل خود را بگشایند، از این زلال معرفت، سیراب می سازد.

سعی شده حج را فریضه ی فردی قلمداد کنند

در گذشته و امروز، نیز کوششهایی شده است و می شود تا حج را فریضه یی فردی، که در آن هر کس فقط سرگرم عبادت و نیایش خود با خداوند است، قلمداد کنند.

بگذریم از آن غفلت زدگانی که به سفر حج، به چشم سفری سیاحتی و تجارتی نگاه می کنند. حج با برجستگیهایی که در هیچ فریضه ی دیگر اسلامی، مجموعه ی آن را نمی توان یافت، بسی برتر از بینش تنگ نظرانه ی آنان و نگاه بی فروغ و خطابین اینان است. در دوران ما بزرگترین کسی که حج را از پرده ی اوهام بیرون کشید و رازهای آن را در ذهن و نیز در عمل جمع عظیمی از مسلمانان، نمایان ساخت امام راحل کبیر ما بود. او حجّ ابراهیمی را ندا کرد و خلایق را بدان فرا خواند. یکبار دیگر صلای: وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ را به گوش جهانیان رسانید. حجّ ابراهیمی همان حجّ محمّدی است که در آن، حرکت به سمت توحید واتحاد، روح وسرلوحه ی همه ی مراسم وشعائر است؛ حجّی مایه ی برکت و هدایت و ستون اصلی در حیات و قیام امّت واحده، حجّی سرشار از منافع و پربار از ذکر خدا، حجّی که در آن ملتهای مسلمان، وجود امّت فراگیر محمّدی صلی الله علیه و آله و

حضور خود در آن را لمس می کنند و با احساس برادری و نزدیکی ملتها، از احساس ضعف و عجز و خود باختگی رها می شوند. حجّ ابراهیمی، آن است که در آن مسلمین، از تفرقه به جمعیّت حرکت کنند و کعبه را، که بنای یاد بود توحید و رمز برائت و نفرت از شرک و بت پرستی است، با معرفت به معنای رمزی آن طواف کنند و از ظاهر و پیکره ی مناسک به باطن و روح آن برسند و از آن برای زندگی خود و زندگی امت اسلام، توشه برگیرند. اکنون این جانب، با امید به رحمت و هدایت الهی و با دعا برای قبولی و پرباری حجّ شما برادران و خواهران مسلمان از سراسر جهان اسلام، فرصت تدبّر در مناسک حجّ را مغتنم شمرده، مطالبی را که توجه به آن برای همه ی آحاد مسلمان سودمند است، تذکّراً عرض می کنم:

توحید؛ روح اساسی حج

۱- نخستین مطلب در باب توحید است، که روح اساسی حجّ و مضمون بسیاری از اعمال و مناسک آن است. توحید با مفهوم عمیق قرآنی آن، به معنای توجّه و حرکت به سوی اللّه و ردّ و نفی بتها و قدرتهای شیطانی است. خطرناکترین این قدرتها در درون وجود آدمی، نفس امّاره و هواها و هوسهای گمراه کننده و پست کننده است، و در سطح جامعه و جهان، همان قدرتهای استکباری و فتنه انگیز و فساد انگیزند که امروزه بر زندگی مسلمانان چنگ انداخته و با روشهای شیطانی، جسم و روح بسیاری از ملتهای مسلمان را دستخوش سیاستهای خود ساخته اند. مراسم برائت در حجّ، اعلان بیزاری از این قدرتها است. هر چشم روشن و نگاه عبرت آمیزی می تواند در زندگی جوامع مسلمان، نشانه ی سلطه ی قدرتها یا تلاش آنان برای تسلّط بر کشورهای اسلامی را مشاهده کند. در برخی از این کشورها، سیاست و اقتصاد و روابط بین المللی و موضعگیری در برابر حوادث عالم، همسو و تحت تأثیر قدرتهای سلطه گر و در رأس آن امریکا است. رواج فساد و رسمی بودن فحشاء و محرمات شرعی در بسیاری از این کشورها، متأثر از سیاستهای شیطانی آن قدرتها است. وظیفه یی که حج و اعمال و شعائر توحیدی آن بر مسلمان حج گزار لازم می سازد، ابراز برائت و بیزاری از این همه است، و

این اوّلین قدم، در راه تجسّم اراده ی اسلامی در نفی این پدیده های شیطانی و استقرار حاکمیت اسلام و توحید، بر همه ی جوامع اسلامی است.

ایجاد تفرقه میان مسلمین؛ سیاستی استعماری

۲- مطلب بعدی در باب اتحاد و یگانگی مسلمین است که مضمون برجسته ی دیگری از مناسک حجّ است. از آغاز ورود استعمار اروپایی به کشورهای اسلامی، یکی از سیاستهای قطعی استعمارگران، ایجاد تفرقه میان مسلمین بوده است. گاه با حربه ی اختلافات فرقه یی و گاه با ابزار ملی گرایی و قوم گرایی و گاه با غیر اینها. متأسفانه با وجود فریاد مصلحان و منادیان وحدت، این حربه ی دشمن، هنوز تا حدودی بر پیکر امّت اسلامی، ضربه ها و جراحتهایی وارد می سازد. دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی، عرب و عجم، آسیایی و افریقایی، و عمده کردن ناسیونالیسم های عربی، تورانی و فارسی، اگر چه به وسیله ی بیگانگان آغاز شده است اما متأسفانه، امروز به وسیله ی خودی هایی که بر اثر کج فهمی و یا نوکری اجانب، آب به آسیاب دشمن می ریزند، ادامه می یابد. کار این انحراف گاه به آن جا می رسد که برخی از دولتهای مسلمان، با صرف پول تلاش می کنند، میان مذاهب اسلامی یا ملتها و اقوام اسلامی تفرقه ایجاد کنند، و یا بعضی از عالم نمایان صریحاً فتوا به کفر بعضی از فرق اسلامی، که سوابق درخشانشان در تاریخ اسلام واضح است می دهند. ملتهای مسلمان شایسته است انگیزه های خبیث این کارها را شناخته، دست پنهان شیطان بزرگ و ایادی و اذنابش را در پشت سر آن ببینند، و خیانتکاران را افشا کنند.

مبارزه ی قدرتهای استکباری علیه اسلام و مسلمانان

۳- نکته ی مهمّی که شایسته است همه ی مسلمین آن را دانسته و برای مقابله با آن احساس تکلیف کنند، آن است که امروز تقریباً در همه جای جهان، مبارزه ی سرسختانه و توطئه آمیزی از سوی قدرتهای استکباری علیه اسلام و مسلمین در جریان است. اگر چه اصل این مبارزه، تازگی نداشته و نشانه های آن در تاریخ استعمار اروپایی کاملًا

شناخته شـده است، ولی می توان گفت که شیوه هـای متنوّع آن، علنی بودن آن و در مواردی شدیـداً قساوت آمیز بودن آن، تاکنون سابقه نداشته و پدیده ی این روزگار است.

نگاهی به اوضاع کنونی عالم اسـلام، علّت این پدیـده؛ یعنی شـدّت گرفتن و علنی شـدن مبارزه با اسـلام را آشـکار می سازد. علّت، چیزی جز گسترش بیداری مسلمین نیست.

حقیقت آن است که مسـلمین در یکی دو دهه ی اخیر در شرق و غرب جهان اسلام و حتی در کشورهای غیر اسلامی، نهضت حقیقی و عمیقی را شـروع کرده اند، که باید نهضت «تجدید حیات اسـلام» نامیده شود. اینک، این نسل جوان و تحصیلکرده و برخوردار از معارف زمان است، که بعکس توقّع مسـتعمران دیروز و مسـتکبران امروز، نه تنها اسـلام را فراموش نکرده، بلکه با ایمـانی پر شور، که بـا اسـتفاده از پیشـرفت معارف بشـری، بسـی روشن بینانه تر و ژرف تر نیز شـده است، بـدان روی آورده و گمشـده ی خود را در آن می جویـد. قیام جمهوری اسـلامی در ایران و اسـتقرار و ثبات و اقتدار روزافزون آن، اوج قله ی این نهضت جوان و ریشه دار است، که خود در گسترش بیـداری مسـلمانان، بیشترین نقش را ایفـا کرده است. این آن چیزی اسـت که جبهه ی اسـتکبار را که همیشه از تظاهر به مبارزه با عقایـد و مقـدّسات ملتها پرهیز می کرد، وادار می سازد که در مبارزه با اسـلام، علناً و با همه ی روشـهای ممکن، و گاه با قساوت و خشونت وارد میدان شود. در امریکا و کشورهای اروپایی، رؤسا و سیاستمداران متعددی را می توان شناخت که حداقل یکبار در گفته های خود صریحاً رشد و گسترش ایمان اسلامی را خطری بزرگ دانسـته و مبارزه با آن را لازم شـمرده اند. هر چه گرایش عمومی جوانان مسـلمان، به ایمان و عمل اسـلامی گسترده تر شـده، این اظهـارات ناشـی از سراسـیمگی و دشـمنی، واضـح تر گردیـده است و اکنون کـار به جـایی رسـیده که حتی رؤسا و سیاسـتمداران بعضـی از کشورهای اسـلامی نیز، که همیشه عناد خود با اسـلام را در زیر پوششـی از نفاق پنهان می کردنـد، به پیروی از اربابان امریکایی و اروپایی شان علناً و صـریحاً از خطر اسلام دم می زنند! و ایمان مقدّس مردمی را که بر آنان فرمان می رانند، برای خود خطر می شـمرند. مبارزه با بیداری اسـلامی در سـطح جهان، شکلهای گوناگون دارد: در الجزایر، اکثریت قاطع مردم در انتخاباتی آزاد و کاملًا دموکراتیک به حاکمیت جبهه ی اسلامی رأی می دهند، کودتایی خشن،

انتخابات را باطل و منتخبین را زندانی و محکوم و مردم را سرکوب می کند، و آنگاه قدرتهای مستکبر- امریکا و اروپا- نفس راحت کشیده بطور کامل پشت سر کودتاگران قرار می گیرند و دست پنهان خود در آن را افشا می کنند. در سودان گروه های اسلامی با پشتیبانی قاطع ملت به حکومت می رسند، و آنگاه غرب انواع تحریکات خود را شروع می کند و از داخل و خارج مرزهاشان آنان را بطور دائم تهدید می کند. در فلسطین و لبنان، فلسطینیان مسلمان از سوی صهیونیستهای غاصب به وحشیانه ترین وجهی سرکوب و شکنجه می شوند، آنگاه امریکا، آن آدم کشان ددصفت و شکنجه گر را کمک و آن مظلومان مسلمان یا مدافعان لبنانی آنان را به تروریسم متهم می کند. در جنوب عراق، بخش عظیمی از ملّت عراق، که مبارزه با رژیم بعثی را، با انگیزه ها و شعارهای اسلامی در پیش گرفته اند، از سوی آن رژیم مورد وحشیانه ترین حملات قرار می گیرند، و امریکا و غرب، که انگیزه ی خود برای برخورد قدرتمندانه با صدّام را در قضایای دیگر، آشکارا نشان داده اند، این جا با سکوتی رضایت آمیز و تشویق کننده ظاهر می شوند. در کشمیر و هند، تعصّب کور و جهالتبار هندوها، با استفاده از اغماض و گاه کمک دولت، به ناموس و جان و مقدّسات مسلمین تعرّض می کند و این با خونسردی و لبخند بی تفاوت امریکا و غرب مواجه می شود. در مصر روشنفکرترین نسلهای مسلمان، مورد تعقیب خشن و خشم آلود رژیم فاسد و نالایق آن کشور قرار می گیرند، و حکومت وابسته و حقیر آن کشور بزرگ مورد تشویق و کمک مالی و امنیّتی امریکا قرار می گیرد. در تاجیکستان اکثریت مردم مسلمان و مشتاق زندگی در سایه ی اسلام، به وسیله ی پس مانده های رژیم کمونیستی، بشدّت سرکوب و جمع کثیری از آنان از خانه و کاشانه ی خود آواره می شوند و غرب با همه ی دغدغه اش از بازگشت کمونیستها در شوروی سابق، این حرکت آنان را مغتنم می شمرد و در مقایسه میان اسلام و کمونیزم، آشکارا جانب دشمنان اسلام را می گیرد. در امریکا و اروپا مسلمانان و گروههای اسلامی مورد اهانت و تهمت قرار می گیرند و در مواردی تظاهر به پایبندیهای اسلامی از قبیل حجاب زنان ممنوع می گردد. اهانت علنی به اسلام در قالب حجاب تحریم شده و به وسیله ی نویسنده یی مهدورالدّم مکّرر مورد حمایت علنی سردمداران رژیم های اروپایی قرار

می گیرد و حتی رئیس رژیم بـدنام و بـدسابقه ی انگلیس، بـا آن نویسـنده ی قلم به مزد و بی ارزش ملاقات می کنـد. از اینها همه بدتر، فاجعه ی بی سابقه ی نسل کشـی مسـلمین در بوسـنی است، بیش از یکسال است که صربهای نژادپرست- و اخیراً با همراهی کرواتها- با تکیه بر سلاح و امکانات رژیم صربستان و کمکهای خارجی، زشت ترین و غیر انسانی ترین نوع کشتار و ظلم و قساوت را با مسـلمانان، یعنی صاحبان اصلی بوسنی و هرزگوین انجام می دهند، و غرب و امریکا، نه تنها هیچ کمکی به آنـان نکرده و هیـچ ممانعتی از جنایت صـربها نشان نـداده انـد، بلکه با اسـتفاده از امکانات شورای امنیت از رسـیدن سـلاح به مسـلمانان مظلوم نیز جلوگیری کرده و با اعزام نیروهای سازمان ملل، محاصره ی آنان را کامل کرده اند. مسلمانان، امروز و در آینده بدانند که امریکا و دول بزرگ اروپایی در فاجعه ی بی نظیر بوسـنی، مقصّـِر و مسؤول مسـتقیم اند. در این یکسال مشتی حرف پوچ و وعده ی دروغ تحویل داده امّا از کشـته شدن حتّی یک نفر از هزاران نفر کشـته ی مظلوم آن سـرزمین جلوگیری نکرده، و بالاـتر، از قـدرت دفـاع یـافتن آنـان نیز ممـانعت کرده انـد. این تصویر مجملی از دشـمنی غرب و امریکـا بـا اسـلام و مسلمین در روزگار ما است. نه التماس، نه تسلیم، نه مذاکره و نه هیچیک از راههایی که بعضی ساده لوحانه آن را به مسلمانان پیشنهاد می کنند، گره گشا و مایه ی نجات مسلمین نیست.

تنهـا یـک چیز علاـج است و بس، و آن اتحاد مسـلمانان، پافشاری بر اسـلام و ارزشـها و اصول آن، مقاومت در برابر فشارها و تنـگ کردن عرصـه، در بلنـد مـدت بر دشـمن اسـت. و امروز چشم امیـد دنیـای اسـلام، به جوانـان غیـور و بسـیجی در سراسـر کشورهای اسلامی است، که از کیان اسلام دفاع کنند و نقش تاریخی خود را ایفا نمایند.

استکبار نتوانسته جریان بیداری اسلامی را متوقف کند

۴- نکته ی مهم دیگری که باید مورد تأکید قرار گیرد آن است که استکبار با همه ی تدابیر شیطانی اش و با وجود بکارگیری زور و ترفند سیاسـی و تبلیغات دروغ، نتوانسته و هرگز نخواهد توانست، جریان رو به رشد بیداری اسلامی و نهضت گرایش به اسلام را متوقف سازد. فعالیّت همه جانبه ی سیاسی و امنیّتی و بیش از همه، تبلیغاتی امریکا و دیگر

کشورهـای اسـتکباری و ایـادی منطقه یی آنـان بر ضـدّ نهضت اسـلامی در کشورهای مختلف و از جمله بر ضـدّ نظام مقـدّس جمهوری اسلامی در ایران، در سالهای اخیر، بی سابقه و بسیار وسیع بوده است. و در این میان رژیم صهیونیستی همچون زائده ی امریکـا در منطقه، در منتهـای رذالت و خبـاثتی که از آن انتظـار می رود، ایفـای نقش کرده است. محاسـبات مـادّی عـادی، حکم می کرد که بایـد بر اثر این تلاش همه جانبه یی که مسـتکبرانه و از سـر خشم و عناد ترتیب می یابد، نهضت اسـلامی در کشورهای اسـلامی ضـعیف یا ریشه کن شود. ولی درست بعکس، همه شاهدند که این نهضت به مرور وسـیعتر و عمیقتر شده است. اکنون کشورهای اسـلامی متعدّدی را می توان نشان کرد که اگر انتخاباتی نظیر آنچه دو سال قبل در الجزائر اتفاق افتاد، در آن برگزار شود احزاب یا فعّالان اسـلامی، اکثریت آراء مردم در آن کشورها را به خود جلب خواهنـد کرد، و این در حالی است که در بیشتر این کشورهـا فعـالیّت گروههـای اسـلامی و حتی تظـاهرات سیاسـی و تبلیغاتی اسـلامگراها، ممنوع است. در همین سالها است که در داخل سـرزمینهای غصب شـده ی فلسـطین مبارزات مردم، با شـعارهای اسـلامی و با مرکزیّت مساجد، عرصه را بر صهیونیسـتها تنـگ کرده است، و در همین سالهـا است که گروههـای مبـارز اسـلامی در لبنـان، حتی در انتخابـات پارلمانی و نیز در موقعیّتهای مردمی به توفیق چشم گیری دست یافته اند. و در همین دوره ی زمانی است که جمهوری اسلامی ایران، که کسانی ساده لوحانه انتظار داشـتند یا به بن بست برسد و یا از اصول و آرمانهای خود چشم بپوشد، با سرعتی بیش از توقّع و در عین پافشاری بر اصول انقلابی خود به پیش رفته است.

این جانب به برادران و خواهران مسـلمان در همه جای جهان اسـلام، عرض می کنم که ترفند بزرگ دشمن، نومید کردن و به آینده بدبین کردن شما است. و همین کافی است که هیچ مسلمان روشن بینی نومیدی را به دل راه ندهد. هیچ چیز به ما اجازه ی نومید شدن نمی دهد، اگر دشمن قادر بر نابودی این حرکت الهی بود، باید لااقل می توانست از رشد آن جلوگیری کند، و همه می بینیـد که نتوانسـته است. سـنّتهای الهی و واقعیتهـای خارجی خبر از آینـده ی روشن نهضت نوین اسـلامی می دهنـد و قرآن بارها می فرماید: وَالْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ.

تبلیغات مدرن؛ کارآمدترین حربه ی استکبار

۵- تبلیغات مدرن و دارای پوشش جهانی، بی شک کارآمدترین حربه ی استکبار است. امروز تعداد رسانه های صوتی و تصویری و مطبوعاتی یی که بیشترین تلاش خود را وقف دشمنی با اسلام کرده اند، بسیار زیاد و همچنان رو به افزایش است. کارشناسانی مزدور، فقط سرگرم ساختن و پرداختن مطلب و خبر و تحلیل، برای گمراه کردن ذهن مستمعان خود و معرفی نادرست و ترسیم زشت از نهضت اسلامی و شخصیتهای بزرگ اسلامی اند، و جمهوری اسلامی در سالهای پس از پیروزی انقلاب تا امروز بی وقفه و روزافزون با چنین تبلیغات خصمانه یی مواجه بوده است. باید گفت که این ترفند نیز در مقابل حرکت اسلامی اصیل و نشأت گرفته از فطرت و نیاز، توفیق زیادی نداشته و مقصود دشمن را برنیاورده است. گسترش موج دعوت انقلابی امام راحل عظیم الشأن در سراسر دنیای اسلام و حضور فکر و نام و رهنمود و عکس و نشان آن بزرگوار در شرق و غرب عالم، با وجود آنهمه تبلیغ دروغ و سخن ناحق که به نیّت مخدوش کردن سیمای ملکوتی آن وارث پیامبران، گفته و پخش شده است، روشنترین دلیل این مدّعا است. با این همه باید اذعان کرد که عامل مهم در حفظ سلامت و سداد فکر ملّتهای مسلمان، روشنگریهای علما و روشنفکران و نویسندگان و هنرمندان و جوانان فعّال و آگاه است. و همه بخصوص علمای متعهّد دین در این مورد وظیفه یی بزرگ بر عهده دارند. دشمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همواره تا امروز سیاهه یی از اتهامات را متوجه ایران اسلامی کرده است. می بینیم که همان تهمتها امروزه به همه ی نهضتهای اسلامی در هر جای دنیا که باشند نیز زده می شود. تهمت تعصّب و جمود فکری که از آن، با عنوان «بنیادگرایی» نام می برند، تهمت تروریسم، تهمت بی اعتنایی به حقوق بشر، تهمت ضدیّت با دموکراسی، تهمت بی اعتنایی به حقوق زنان، تهمت ضدیّت با صلح و طرفداری از جنگ. اندکی انصاف، هر کسی را به دروغ بودن این تهمتها و بی شرمی وارد کنندگانش آگاه می سازد. ایران اسلامی در حالی متهم به مخالفت با دموکراسی می شود که از پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی تا ۱۴ ماه پس از آن، دو همه پرسی عمومی، که در یکی از آنها مردم ایران، جمهوری اسلامی را به عنوان نظام سیاسی کشور

برگزیدند، و در دیگری به قانون اساسی رأی دادند، و سه انتخابات که در آنها به ترتیب:

اعضای مجلس خبرگان برای نوشتن قانون اساسی، رئیس جمهور، و نمایندگان در مجلس شورای اسلامی معین شدند، در آن برگزار شده، و تا امروز همواره انتخابات آزاد، با شرکت پرشور مردم برای تعیین رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، در موعد قانونی خود انجام گرفته است. تهمت به تروریسم را، کسانی به ایران اسلامی می زنند، که خود از دولت تروریست صهیونیستی بیشترین پشتیبانی را کرده و گروههای تروریست ضدّ انقلاب ایرانی را در زیر چتر حمایت خود قرار می دهند و حقوق بگیران آنان صدها بار در داخل ایران اسلامی بمب گذاری کرده و هزاران نفر از مردم عادی و عناصر انقلابی و مرد و زن و کودک بیگناه را به قتل رسانده اند. ضدیّت با صلح را کسانی به جمهوری اسلامی نسبت می دهند که جنگی هشت ساله را با تشویق رژیم بعثی عراق و به دست او بر ایران تحمیل کردند و در همه ی آن مدّت، انواع کمکها را به آن رژیم که به خاطر حمله به ایران اسلامی، رژیم محبوب آنان به شمار می رفت مبذول داشته اند. تضییع حقوق زنان، تهمت از سوی کسانی است که شأن والای زن ایرانی را که با حفظ حجاب و حدّ شرعی، در برترین فعالیّتهای کشور شرکت می ورزد، نمی پسندند و ابتذال حاکم بر روابط زن و مرد و بهره کشی ناجوانمردانه از زن در جوامع غربی را، نسخه ی مطلوب در حیات اجتماعی زن می شمرند. تهمت نقض حقوق بشر را رژیم هایی متوجه ایران می سازند که خود قلم های بزرگ و حیرت انگیز پایمال کردن حقوق انسانها را مرتکب شده یا زمینه سازی کرده اند. آیا در دنیای جدید، هرگز حقوق بشر، آنچنان که امروز در بوسنی پایمال می شود، نقض شده است؟ آیا نقض حقوق یک ملت مانند ملت فلسطین نقض حقوق بشر نیست؟ آیا راندن دستجمعی بیش از چهار صد نفر از شهروندان فلسطینی، به بیرون از خانه و میهن خود، در برابر چشم دنیای باصطلاح طرفدار حقوق بشر، قابل اغماض است؟ آیا سرنگون کردن هواپیمای مسافری ایران به وسیله ی امریکا برفراز خلیج فارس، یا بی عدالتی نسبت به سیاهان در امریکا، یا حمایت از کودتاگران در الجزائر، یا حمایت از رژیم فاسد مصر، یا زنده سوزانیدن دستجمعی عدّه یی در امریکا و امثال آن، شکستن حریم انسانیّت و نقض حقوق آن نیست؟ آیا دولتهایی که این گونه

بی محابا حقوق بشر را پایمال می کننـد یا پایمال کنندگان را با نگاهی خونسرد و بی تفاوت بلکه رضایتمندانه و تشویق آمیز تماشا می کننـد، حقیقتاً از این که بنا به ادّعای آنان در ایران اسـلامی، حقوق بشر نقض شود ناراحتنـد؟! حقیقت آن است که خود تهمت زننـدگان و از جمله سـردمداران کنونی امریکـا که اخیراً بر سـر این حربه ی تبلیغـاتی زنگ زده و قـدیمی، جنجال تازه یی به راه انداخته اند، به خوبی می دانند که سـخن به گزاف می رانند، آنچه آنان از جمهوری اسـلامی نمی پسـندند اینها نیست، چیزهای دیگری است که مصـلحت سیاسـی به آنان اجازه نمی دهد آن را صریحاً اعلام کنند، اگر چه بررسی اظهارات نظریه پردازان و نویسندگانشان مقصود آنان را آشـکار می سازد. در نظام جمهوری اسلامی چیزهایی که امریکا و هر مستکبر دیگری را خشمگین می سازد اینها است:

اوّل- جدا نبودن دین از سـیاست و پایه ی اسـلامی جمهوری اسلامی. دوّم- استقلال سیاسی این نظام، به معنای تسلیم ناپذیری اش در برابر زورگوییهای معمول ابرقدرتها.

سـوم- اعلام راه حلّ مشـخص جمهـوری اسـلامی دربـاره ی مسـأله ی فلسـطین، کـه عبـارت اسـت از انحلال رژیـم غاصـب صهیونیسـتی و تشـکیل دولت فلسـطینی، متشـکل از خود فلسـطینیان و همزیستی مسـلمانان و مسـیحیان و یهودیـان در فلسـطین. چهارم- حمایت معنوی و سیاسی از همه ی نهضتهای اسلامی و تقبیح فشار بر مسلمانان در هر جای عالم.

پنجم- دفـاع از حیـثیت اسـلام و قرآن و پیـامبر اعظم صـلی الله علیه و آله و دیگر انبیـای الهی و مقـابله بـا تـوطئه ی رواج دادن اهـانت به این مقـدسات، نظیر آنچه در بـاب نویسـنده ی مهدورالـدّم آیات شیطانی دیـده شـد. شـشم- تلاش برای اتحاد امّت اسـلامی و همکاری سیاسـی و اقتصادی دولتها و کشورهای اسـلامی و حرکت در جهت تثبیت اقتدار ملتهای مسـلمان در قالب «امّت بزرگ اسـلامی». هفتم- ردّ و نفی فرهنـگ تحمیلی غرب، که دولتهای غربی با تنگ نظری و تعصّب، برآننـد که همه ی ملّتهای عالم را به پذیرش آن وادار سازند، و اصـرار بر احیای فرهنگ اسـلامی در کشورهای مسـلمان. هشتم- مبارزه با فساد و بی بنـدوباری جنسـی، کـه بعضـی از دولتهـای غربی بخصـوص امریکـا و انگلیس اخیراً انحرافی تریـن شـکل آن را بی شـرمانه رسـمیّت داده یـا در راه آننـد، و از دهها سال پیش برای ورود اشـکال گوناگون این فساد به کشورهای اسـلامی برنامه ریزی و تلاش می کنند.

اینها است آنچه موجب دشمنی کینه آلود امریکا و همپالگی هایش، با جمهوری اسلامی است. بدیهی است که اگر آنان، صریحاً علت دشمنی خود را بیان کرده، این فهرست را برملا کنند، به دست خود بر اعتبار جمهوری اسلامی در چشم ملتهای مسلمانی که همه دلبسته ی این اصول اند، خواهند افزود. بدین جهت است که آنان در تبلیغات خود، از سویی ایران اسلامی را به تروریسم و امثال آن متّهم می کنند و از سوی دیگر با تحلیل های دروغین و خبرهای ساختگی چنین وانمود می سازند که گویا جمهوری اسلامی از اصول خود دست برداشته و به خواست دشمن تسلیم شده است! این هر دو سخن، دروغ و ناشی از طبیعت خدعه گر استکبار است. اصول جمهوری اسلامی که همان راه امام و مبانی مسلّم اسلام است، به رغم دشمن، در ایران اسلامی، معتبر و مبنای زندگی سیاسی و اجتماعی ما است و دولت و ملّت ایران، زندگی در سایه ی اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه و آله را که با فداکاری و بذل عزیزترین جانها به دست آمده، در هیچ شرایطی از دست نخواهند داد و اصول امام خمینی قدس سره و در رأس آن اصل عدم انفکاک دین از سیاست و مقاومت در برابر فشار مادّیگری مدرن، برای منزوی کردن اسلام و قرآن، اصول همیشه زنده ی جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.

از فرصت حج حداکثر استفاده را بکنید

۶- در پایان، به حجّاج عزیز، توصیه می کنم از فرصت حجّ، حداکثر استفاده را برای کسب آشنایی با برادران مسلمان خود بکنند و اوضاع جهان اسلام را از زبان و رفتار مسلمانان به دست آورند، تجربه ها، آرزوها، دستآوردها و تواناییها را با هم مبادله کنند و حجّ خود را به حجّ مورد نظر اسلام هر چه نزدیکتر سازند. به برادران و خواهران عزیز ایرانی نیز توصیه می کنم که با زبان و عمل، مبلّغان و پیام رسانان انقلاب پرشکوه و کشور بزرگ و ملّت قهرمان خود، به برادران کشورهای دیگر باشند. جوار کوتاه مدت خانه ی خدا و حرم پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و مواقف با ارزش حجّ و سرزمین پرخاطره ی حجاز را، برای زنده کردن دل با یاد خدا و تحکیم پیوند معنوی خود با رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و عترت طیّبه ی آن بزرگوار علیهم السلام و بخصوص توجّه و توسّل به حضرت ولی اللَّه الاعظم که بی شک فیض

حضور مقدّسش در مراسم حج شامل دلهای با معرفت است، و انس با قرآن و تدبّر در آیات بیّنات آن و دعا و تضرّع و توسّل که مایه ی تقرّب به خدا است، مغتنم بشمرند و از آن بهره ببرند و برای رفع گرفتاریهای مسلمین و قوّت و عزّت روزافزون اسلام و جمهوری اسلامی دعا کنند و علوّ درجات روح مطّهر امام راحل و ارواح طیّبه ی شهدای اسلام را از خداوند مسألت نمایند.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّه

۲۴ ذی القعده ۱۴۱۳ برابر با ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۲

علی الحسینی الخامنه ئی

بیانات در دیدار مسؤولان و دست اندرکاران حج(۳۱/ ۱/ ۱۳۷۳ ه. ش.)

بیانات در دیدار مسؤولان و دست اندرکاران حج

اشاره

(۳۱/ ۱/ ۱۳۷۳ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

از دست اندرکاران حج تشکر می کنم

برادران و خواهرانِ خدمتگزار و عزیزا! خیلی خوش آمدید. امیدواریم خداوند متعال، این خدمات ارزشمند را که متوجه به یکی از مهمترین وظایف مسلمین است، مورد قبول قرار دهد و به شما کمک کند و به تلاشهای شما برکت بخشد تا بتوانید ان شاءاللَّه به بهترین وجهی این فریضه ی عظیم عالی قدر را اقامه و احیای نمایید. وظیفه ی خود می دانم که از همه ی دست اندرکاران حج، به خصوص کسانی که در طول سال، ساعات متوالی وقت صرف می کنند تا به انجام صحیح این فریضه کمک شود، سپاسگزاری و تشکر کنم. این کارهایی که در راه آموختن به مردم و تشویق و تحریض آنها بر حجِّ صحیح و تهیه ی مقدمات آن انجام می شود، واقعاً ارزشمند است. بنده بالاخص از جناب آقای ری شهری(حفظه اللَّه و ابقاه) که حقیقتاً این کار را به وجه زیبا و نیکویی پیش بردند و ادامه دادند، سپاسگزارم.

حج؛ واجب بی نظیر

واجبِ حجّ، حقیقتاً یک واجب بی نظیر است؛ چنان که اگر ما در همه تعالیم اسلامی غور کنیم، شبیه آن را نخواهیم یافت. حج، وضع مخصوصی دارد و جنبه ی معنوی در آن فوق العاده است. مثلًا یک نوبت نماز را که شما ملاحظه کنید، چند دقیقه ذکر خداست؛

اما حج از آغاز پرداختن به اعمال مربوطه که طی چند روز انجام می گیرد؛ چه در داخل خانه ی خدا، در مسعای شریف، در عرفات، در مشعر، در منی، در اعمال گوناگون، در طوافهای مختلف، در نشست و برخاستها و در افاضه ی از نقطه ای به نقطه ی دیگر، همه اش ذکر خداست. این از جنبه ی معنوی، که معلوم می کند ذکر الهی در حج، یک قلم بسیار درشت است. از طرف دیگر، جنبه ی دنیایی و مربوط به زندگیِ حج هم بی نظیر است. یعنی واجبی است که فقط مربوط به یک فرد یا یک ملت نیست، بلکه مربوط به همه ی دنیای اسلام است. خدای متعال، نقطه ای را معین فرموده و در زمانی معلوم- ایّام معلومات- همه ی مسلمانها را به آن نقطه ی دعوت کرده است. آیا می شد که همه ی مسلمانان، نه یکپارچه که در گروههای مجزّا و نه در ایامی معلوم که در طول سال، در این نقطه جمع شوند؟ این نکته از حج باید مورد اهتمام بیشتری قرار گیرد که خدای متعال فقط اراده نفرمود که همه در مکه و منی و مشعر و عرفات، جمع شوند؛ چون اگر حرکت مردم به این مناطق، اصل قضایا بود، می شد همه را در طول یک سال در آن جا جمع کنند.

این که خدای متعال امر به تجمّع همه ی مسلمانان در این نقطه، آن هم در یک مجموعه از روزها داده است، برای چیست؟ نکته ی اساسی و مهم، همین است. بدیهی است تجمّعی با این کیفیت به خاطر آن است که آحاد مردم مسلمان، خود را در کنار یکدیگر بیابند؛ یعنی احساس وحدت و جماعت کنند و در بعدی وسیعتر، احساس عظمت ناشی از اجتماعِ ملتها و شعوب، بر همه حاکم گردد. اگر این احساس، مورد توجه نبود، لزومی نداشت که ایام معلومات و معدودات در حج، مقرّر شود.

تصمیم گیری درباره ی سرنوشت امت اسلامی

و اما این که امت اسلام- هر ملتی از ملتهای مسلمان- کسانی از خودشان را در یک روز به یک نقطه می فرستند تاآنها باهم اجتماع کنند، این اجتماع برای چیست؟ اینها نکات و دقایقی است که به تعبیر امام صادق علیه السلام: «یُعْرَفُ هَذَا وَ أَشْبَاهُهُ مِنْ کِتَابِ اللَّهِ»؛ باید هرمسلمانی از مفاهیم قرآنی واسلامی، بداند. خدای متعال از همه ی ملل مسلمان، جماعتی را دعوت می کند و به آنها می گوید بیایید در این ایام معلوم، دور هم و با هم باشید.

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفاضَ النَّاسُ؛ (۱) همه با هم حرکت کنید. همه با هم افاضه کنید و همه با هم به طواف بپردازید. این اجتماع همگانی برای چیست؟ مسلمانان نقاط مختلف دنیا، در یک نقطه گرد هم بیایند که چه کنند؟ دور هم جمع شوند و در سکوت به صورت همدیگر نگاه کنند و بعد از چند روز هم به اوطان خود برگردند؟! چرا دور هم جمع می شوند؟ جمع شوند تا اختلافات خود را با هم مطرح کنند؟ این جمع شدن به چه معنی است؟ جواب این است که جمع شدن افرادی از همه ی ملتها در یک نقطه؛ آن هم یک نقطه ی مقدس، فقط می تواند یک فایده و یک معنا داشته باشد و آن فایده و معنا این است که دور هم جمع شوند تادرباره ی سرنوشت امت اسلامی، تصمیم گیری کنند و در این مجمع، به حیث امت، یک قدم خوب برداشته شود و کاری سازنده و مثبت صورت گیرد.

این کار سازنده و مثبت به چه کیفیتی می تواند باشد؟ به این کیفیت که یک وقت است ملتهای اسلامی آن قدر پیشرفته اند- امیدواریم آن روز برسد- که وقتی در حج جمع شدند، در خلال این کنگره ی عظیم مردمی، از برگزیدگان ملتها، مجلسِ مفصّلِ چند هزار نفره ای تشکیل گردد واین مجلس، مصوّباتی داشته باشد و آن مصوّبات در همان کنگره ی عظیم به تصویب آحاد حجاجِ آمده از کشورها برسد و بعد برای اجرا به دولتها و ملتها ابلاغ گردد. این بهترین کار است که متأسفانه امروز عملی نیست؛ زیرا ملتها هنوز در این زمینه، آن قدر پیش نرفته اند؛ به خصوص که دولتها هم به آنها کمکی نمی کنند. اما تا وقتی که چنان تصمیم گیریِ عملی در موسم حج، امکان ندارد، کار واجب در آن جا چیست؟

این است که ملتها به هر نحوکه بتوانند، نسبت به مصالح دنیای اسلام دلبستگی نشان دهند و ضمن تأکید بر وحدت بین خود، به اظهار برائت از دشمنان دنیای اسلام بپردازند. این کمترین کاری است که می شود در حجّی که اسلام معین کرده است، انجام داد و متوقّع بود.

برائت، روح حج است

برائت را ما از بیرون نیاورده ایم وارد حج کنیم؛ جزو حج، روح حج و معنای واقعی اجتماع عظیم حج است. بعضی اشخاص دوست می دارند که در مطبوعات و در

۱- بقره: ۱۹۹

اظهارات و نیش زدنهای خود در اطراف دنیا، مرتب بگویند شما حج را سیاسی کردید! حج را سیاسی کردید یعنی چه؟ اگر منظور این است که ما یک مفهوم سیاسی را در حج داخل کردیم، باید گفت حج، هیچگاه عاری از مفهوم سیاسی نبوده است. اگر کسی مفهوم سیاسی را در حج نبیند، باید دعا کرد که خدا او را شفا دهد تا بتواند ببیند! کسی که با اسلام و آیات حج در قرآن آشناست و هم از این طریق به اهمیت وحدت پی برده است، چطور ممکن است نفهمد این اجتماع عظیم برای مقاصد و مفاهیم عالی سیاسی و الهی- سیاسی است که مربوط به همه ی مسلمین و برای وحدت و برای حل مشکلات دنیای اسلام و برای اجتماعِ دلها و نزدیک شدن آنها به یکدیگر است؟ اگر مراد این است که حج وسیله ای برای پیشبرد سیاستهای ظالمانه ی قدرتهای بزرگ نشود، درست است و ما قبول داریم. کسانی که به نحوی با حج ارتباط دارند، نباید این فریضه ی الهی و این واجب مورد عشق و محبت مسلمین را با سیاستهای جهانی مصالحه کنند. ما این را قبول نداریم.

هر کس حج را به این معنا سیاسی کند، نسبت به حج خیانت کرده است. اما مسائل دنیای اسلام، مسائل مهمی است. این مسائل، کجا باید مطرح شود؟ مسلمین جز در مراسم حج، در کجا می توانند صدای واحد خود را در اعتراض به این همه نامردمی که در سرتاسر دنیا نسبت به آنها صورت می گیرد، به گوش دنیا و سیاستهای خائن برسانند؟

امروز در اروپا با مسلمین چه می کنند؟

ببینید امروز در اروپا با مسلمین چه می کنند! قضایای بوسنی و به خصوص قضایای هفته ی اخیر گوراژده واقعاً گریه آور است. انسان نمی تواند هیچ توصیفی برای اهمیّت و عظمت این فاجعه پیدا کند! هر چه در کلام بگوییم، کوچکتر از آن واقعیت است.

سردمداران استکبار جهانی در دنیا، نشسته اند و به قربانی ای که در مقابلشان است می نگرند و منتظرند ببینند کار این قربانی چه وقت تمام می شود! این قربانی هم مسلمین یو گسلاوی سابقند. جرمشان چیست؟ مسلمان بودن. این دیگر موضوعی نیست که ما بگوییم. من این واقعیت را سه سال پیش در پیام حج نوشتم و عنوان کردم. اگر چه آن روز انکار می کردند، اما امروز خودِ بلندگوهای استکباری می گویند که چون اینها مسلمانند

نبایـد کمکشـان کرد! مجبور شدنـد اعتراف کننـد که جرم مردم بوسـنی مسـلمانی است! چون در دل اروپا، یک ملت مسـلمان سربرکرده است، اسـتکبار به خشم آمـده است. نمی گوییم یک حکومت اسـلامی؛ چرا که اگر قرار بود بوسـنی حکومتی پیـدا کند، معلوم نبود یک حکومت صد در صد اسـلامیِ به آن شـکل باشد. بالاخره مردم این سرزمین نزدیک به پنجاه سال زیر بار حکومت کمونیستی بودنـد. قبـل از آن هم سالهـای متمـادی زیر بـار حکومت فاسـد حکـام عثمانی یا امثال آنها و یا بعضـی از دولتهـای فاسـد اروپـایی و امپراتوریهای اروپایی مثل اتریش و بقیه ی کشورها بوده انـد. اینها که نمی توانسـتند یک شـبه یک حکومت اسـلامی و قرآنی به وجود آورند. این امر متوقّع نبود. آن چه که اسـتکبارِ مسـلط بر دنیا را نسـبت به مسلمین مظلومین بوسـنی و هرزگوین، این طور خشـمگین کرده است، وجود کشوری در اروپاست که ملت آن مسلمانند. آنها نمی توانند چنین ملتی را تحمل کننـد. این وضع مسـلمین در دنیاست. آن وقت سازمانهای بین المللی و بدتر و زشت تر از همه، سازمان ملل، در این قضیه بدترین امتحانها را دادند.

ننگِ حاکم بر نظام نوین دنیا

بنـده عرض می کنم دبیر کلی که امروز در رأس تشـکیلات سازمـان ملـل است، بدانـد چنـان سابقه ی بـدی برای خود در بین مسـلمین ایجاد کرد که دیگر به هیچ قیمتی این سابقه اصـلاح نخواهد شد. مسلمانهای دنیا می بینند که در بوسنی چه اتفاق می افتد. لذا در برهه ای گفتند به ما اجازه بدهید برویم به آنها کمک کنیم؛ چرا که به طرف مقابل مسـلمانهای بوسـنی کمک می شود. گفتنـد نمی شود. گفتنـد اجازه بدهیـد تسـلیحات برایشان بفرستیم. گفتند نمی شود. ظاهر حرف هم این است که به هیچ طرف، تسـلیحات نمی دهیم. امـا یک طرفِ نزاع تمام امکانات تسـلیحاتی دولت سابق یوگسـلاوی را در اختیار دارد؛ امکانات همان دولتی را که سالهای متمادی از عراق پشتیبانی تسـلیحاتی می کرد و تانک و دیگر سلاحها برایش می فرستاد. امروز، آن همه امکانـات در اختیار صـربهاست. یک طرف هم دست خالی است؛ مردم بی پناه یک شـهر. زن و بچه ای که در یک شـهر زندگی می کنند. معنای این حرف که می گویند به هیچیک از طرفین درگیری،

اسلحه نـداديم چيست؟ در مقابل افكار دنيا، تقلّب مى كننـد و مى گويند به هيچ طرف كمک نمى كنيم! يک طرف مسـلح و يک طرف غير مسـلح، به جان هم افتادند. شـما به جاى اين كه يا سلاح را از دستِ مسلح بگيريد، يا سلاح به دست غير مسلح بدهيـد، به كنـارى ايسـتاده ايـد و مى گوييـد به هيـچ طرف كمک نمى كنيم! اين حرف، معنايى جز اين نـدارد كه شـما منتظر نشسته ايد تا ببينيد طرف غير مسـلح بيچاره، چه وقت بر خاک مى افتد! معنايش اين است ديگر. واقعاً هم منتظرند كه چه وقت مسلمانها از پا بيفتند. گفتند سربازان سازمان ملل را مى فرستيم. ملتهاى اسلامى گفتند اجازه بدهيد ما هم جزو سربازان سازمان ملـل برويم آن جـا و حائل شويم. گفتنـد نمى شود. نه فقط از جمهورى اسـلامى كه تقريباً از هيـچ كشور مسـلمانى نگذاشـتند نيروى حائل به آن جا فرستاده شود! اين يعنى چه؟ يعنى به سربازهايى كه آن جا مى فرستند، بايد بگويند وقتى رفتيد، به صربها كمک كنيد! به مسـلمان كه نمى توانند اين را بگويند؛ لذا نمى گذارند مسلمان برود. امروز چنين ننگى بر نظام نوينى كه اينها مى خواهند در دنيا به وجود آورند، حاكم است. آن رفتار امريكاييها، آن وعده هاى دروغشان نسبت به مسأله مسلمانان بوسنى و هرزگوين، آن مطلقـاً كمـک نكردنشـان و آن هم رفتار سازمانهاى بين المللى و بعض دولتهاى اروپايى و انگليس و ديگران. خوب، يـک مشت مسـلمان در آن جا مظلوم واقع شـده انـد و منتظرنـد كه چه وقت قتل عام شونـد! مسـلمانها در اين مورد چه كنند؟ آيا راهى غير از حج وجود دارد؟

حضور ملتها، قدرتهاى استكبارى را مى لرزاند

آن عاملى كه قدرتهاى استكبارى را مى لرزاند، سوادالنّاس يعنى توده ى مردم است.

والّا چنـد دولت در فلاـن كنفرانس كه در فلاـن گوشه ى دنيا برگزار مى شود، بنشـينند و قطعنامه اى هم صادر كننـد، اهميتى نمى دهند. صد قطعنامه هم صادر كنند بى نتيجه است.

مگر عليه صهيونيسـتهاى غاصب، تا كنون چنـدين قطعنامه صادر نشـده است؟ يعنى هيچ، يعنى باد هوا! قطعنامه فايده اى ندارد. آن عاملى كه قـدرتهاى اسـتكبارى را به معناى واقعى مى ترسانـد و متوقف مى كند، حضور آحاد ملتهاست. كجا بهتر از حج؟ دو ميليون مسلمان

از همه ی کشورهای اسلامی در آن جا جمع می شوند. از هر کدامشان بپرسی احساس شما نسبت به گوراژده چیست؟ خواهد گفت دلم می خواهد به گوراژده بروم و از مسلمانهای مظلوم گوراژده دفاع کنم. حیف نیست که ما این جماعت را از دست بدهیم؟ حیف نیست اجتماعی به این خوبی که این همه می تواند برکت داشته باشد و جان این همه مسلمان را نجات دهد از دست برود؟ آن وقت، این سیاسی کردن حج است؟ به جمهوری اسلامی اعتراض می کنند که چرا حج را سیاسی کردید؟ این است معنایش؟ برائت یعنی این.

برائت یعنی مردم در آن جا جمع شوند و علیه دژخیمهایی که با کراوات و لباس اتو کشیده و ادکلن زده می آیند و مثل وحشی ترینِ وحشیها، انسانها را می کشند و نیز علیه کسانی که از اینها حمایت می کنند و نیز علیه کسانی که به نفع اینها در مجامع جهانی تصمیم می گیرند، فریاد سردهند. این معنایش برائت است. می شود که حج خالی از این باشد؟ آیا حجِّ خالی از برائت، حج است؟ کسانی که با قرآن و اسلام آشنا هستند، جواب بدهند.

منصفانه هم جواب بدهند. معنای آن حرف امام که فرمود حج بی برائت حج نیست، یعنی این. برائت جزو حج و تنیده در ذات حجّ است.

حضور معنادار مسلمانها در حج

حضور مسلمانها در حج باید یک حضور معنی دار باشد؛ والّا اگر فقط جنبه ی معنوی و ذکر خدا منظور بود، انسان می توانست در خانه ی خودش بنشیند و ذکر خدا کند! دیگر یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ (۱)

لازم نبود. اگر اجتماع معنا نداشت، دیگر ایام معلومات لازم نبود. می گفتند هر کس در هر وقت از سال توانست به مکه برود. مگر نمی شد؟ این که گفتند یک جا جمع شوید، برای همین مسائل است. برای این است که ذکر خدا هم دستجمعی گفته شود. اعتصام به حبل پروردگار هم دستجمعی صورت گیرد. می فرماید: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً، و نه فرادا. مسأله این است.

۱- حج: ۲۷

در انجام تکلیف، منتظر دیگران نشویم

البته این که دیگران در حج چه می کنند، به ما ربطی ندارد. ما باید آن چه را که وظیفه مان است در حج انجام دهیم و به فضل پروردگار، انجام هم می دهیم. این که نسبت به ملتهای مظلوم، دیگران چه می کنند، به ما مربوط نیست. البته مربوط به ما نیست، به این معناست که اگر دیگران به ملتهای مظلوم کمک نکردند، ما متوقف نمی شویم. چرا؛ تلاش هم می کنیم. کما این که به فضل الهی، دولت و مسؤولین تلاش کردند تا شاید بتوانند ملتهای دیگر را نیز برای کمک به مظلومین بوسنی ترغیب کنند. اگر ترغیب شدند، چه بهتر و اگر هم نشدند، ما به کمکهای خودمان ادامه می دهیم. بحمداللّه تا امروز دستگاههای مختلف جمهوری اسلامی و آحاد مردم در قضیه بوسنی و هرزگوین، سنگِ کم به ترازو نگذاشتند؛ خوب به میدان آمدند و باز هم باید به میدان بیایند. امروز هم باید هلال احمر، هر کاری می تواند انجام دهد تا شاید امکان این را بیابد که به مظلومین محاصره شده از لحاظ غذا و لوازم زندگی کمک برساند. آحاد جوانهای مؤمنِ مسلّح از سپاه و ارتش و بسیج باید اعلام آمادگی کنند تا هر لحظه که گفتند برای رفتن به آن جا مانعی وجود ندارد و وقتی که راه باز شد، بتوانند بروند. انقلاب و امام این را به ما یاد دادند. یاد دادند که در انجام تکلیف، منتظر دیگران نشویم. لا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ. (۱) وقتی که شما می توانید پا در رکابِ وظیفه باشید، باشید؛ ولو ملتهای دیگر نباشند؛ ولو دولتهای دیگر اجازه ندهند. دولت و ملت ایران، به فضل الهی در راه انجام وظیفه ی اسلامی، پیشگام باشند؛ حال آن وظیفه ی اسلامی هر چه که می خواهد باشد.

اعمال سیاستهای استکباری در بوسنی

البته بنده امروز راجع به فجایع یوگسلاوی سابق، عرض کردم. فقط هم آن نیست.

در همین نزدیکی خودمان، آن چه که با مسلمینِ منطقه ای از جمهوری آذربایجان در قره باغ می شود مثل همان فجایع است. آن چه که با مسلمانان تاجیکستان می شود نیز مانند

۱- مائده: ۱۰۵

همان است. آن چه که با مسلمانان کشمیر می شود، آن هم دست کمی از آن فجایع ندارد.

البته هیچکدام به عظمت فجایع بوسنی نیست. آن جا دشمن، دشمن محلی نیست. در مناطقی که اسم بردم، دشمن محلی است. در بوسنی- در قلب اروپا- سیاستهای استکباری اعمال می شود؛ زیرا آن جا برایشان مهمتر است. اصل این است که باید آن چه را تکلیف است، بدون خوف و واهمه از احدی انجام داد. ملت ایران رشته های ترس از قدرتها را برید تا توانست مستقیم و راست بایستد و راست قامتی او برای ملتهای دیگر درس شود. می بینید که جوانها امروز در دنیا به نام اسلام شعار می دهند.

وحدت خود را حفظ کنید

از اول انقلاب، پانزده سال گذشته است، از رحلت امام قدس سره قریب پنج سال گذشته است. همه خیال می کردند که هر چه از مبدأ دور شویم؛ به خصوص بعد از رحلت امام بزرگوار(قدّس اللّه نفسه)، دیگر شور و شوق ملتهای مسلمان نسبت به ایران و انقلاب اسلامی تمام می شود. اما می بینید که این شور و شوق، روزبه روز بیشتر شده و به موازات آن روزبه روز برای استکبار جهانی، مشکل جدّی تر شده است. این کارِ خداست، کار ما نیست. این اراده ی الهی است. منتها ملت ایران به کمک خدا و توفیقات الهی، زمینه ی این تفضل الهی را با گذشت خود، با فداکاری خود، با تلاش خود، با خون دادن خود، با ابراز عقیده ی خود و با حفظ وحدت خود فراهم کرد. وحدت را حفظ کنید. دشمن، بسیار خواستار آن است که منادی وحدت را در خانه ی خودش دچار اختلاف و تفرّق کند. همه این را همیشه به یاد داشته باشند. گروههای مختلف، مذاهب مختلف، شهرهای مختلف و آدمهای مختلف، این را بدانند. دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی، خیلی دوست دارند بگویند این هم جمهوری اسلامی که همه اش دم از وحدت می زد؛ ببینید در خانه ی خودش دچار اختلاف و تفرقه است. دلشان می خواهد چنین وضعی را پیش بیاورند. به فضل پروردگار، تا امروز نتوانستند و به هدایت و کمک الهی و بیداری و هشیاریِ شما ملت عزیز، بعد از این هم نخواهند توانست. امیدواریم که خداوند این حجّ مقبول را از شما و آحاد موفّقی که ان شاءاللّه امسال به حج مشرف خواهند شد، بپذیرد.

ان شاءاللَّه زحمات همه را قبول کند و توفیق دهد که حجّ خوبی برگزار گردد. کسانی که به حج می روند قدر حج را بدانند.

زیارت مکه را فدای بازارگردی نکنید

من این یک کلمه را نیز فعلًا عرض کنم تا اگر تفصیلی داشت، بعداً راجع به آن بیشتر بگوییم. کسانی که به مکه می روند، مکه را فدای بازارگردی و دکان گردی نکنند.

مکه بالاتر از این حرفهاست. می توانند بعداً یک سفر هم برای تجارت بروند و هر جا می خواهند بگردند. اما در حج، این ایام معلومات را برای خودشان و برای زیارت و توجه و تذکر نگه دارند و آن را فدای کارهای بی ارزش نکنند. در نمازهای جماعت شرکت کنید. در اجتماعات شرکت کنید. نماز اول وقت را به جماعت، در حرمهای عالی مقام حتماً درک کنید. بگذارید حضور شما، حضور مؤمنانه و پرهیزگارانه ای باشد که از ملت ایران انتظار می رود. پروردگار عالم، ان شاءاللَّه همه ی شما را موفق بدارد و مشمول ادعیه ی زاکیه ی ولیّ عصر(ارواحنا فداه) باشید.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ

ص: ۱۴۰

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام(۲۵/ ۲/ ۱۳۷۳ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام

اشاره

(۲۵/ ۲/ ۱۳۷۳ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ الحمدللَّه ربّ العالمین و صلّی اللَّه علی رسوله الکریم الأمین و علی آله المیامین وأصحابه المخلصین والسّلام علینا و علی عباداللَّه الصّالحین وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ.

گستردگی مصالح و منافع فریضه ی حج

ذی حجهالحرام با ذخیره ی ابدی اش برای امّت اسلامی از راه رسیده است. خدا را سپاس، بر این هدیه ی تمام نشدنی و سرچشمه ی همیشه جوشان که مسلمانان جهان به قدر همت و معرفت خود، می توانند هر ساله از آن بهره مند گردند و توشه بردارند.

گستردگی و تنوع مصالح و منافعی که دست علم و حکمت الهی در فریضه ی حج گنجانده، به قدری است که در هیچ فریضه ی دیگر اسلامی شبیه آن دیده نمی شود، از ذکر و حضور معنوی و خویشتن یابی انسان مسلمان در خلوت خود با خدا و شستشوی دل از زنگارهای گناه و غفلت، تا احساس حضور فرد در جمع و احساس وحدت هر مسلمان با همه ی امت اسلامی و احساس اقتدار ناشی از عظمت جماعت مسلمین. و از تلاش هر فرد برای شفا یافتن از زخم ها و بیماری های معنوی یعنی گناهان، تا کنجکاوی و تلاش برای شناختن و درمان کردن دردها و جراحتهای عمیق پیکره ی امّت، و همدردی با ملتهای مسلمان، یعنی اندامهای این پیکره ی عظیم، همه و همه در حج و در کالبد اعمال و مناسک گوناگون آن گنجانیده شده است.

اعمال حج، شعائر است

قرآن اعمال حج را «شعائر» می نامد. این بدان معنی است که اینها فقط عملی فردی و برای ادای تکلیفی شخصی نیست، بلکه نشانه یی است تا برانگیزاننده ی شعور و معرفت انسان به چیزی باشد که این عمل، علامت و نشانه ی آن است. در ورای این نشانه ها، توحید قرار دارد یعنی نفی همه ی قدرتهایی که به نحوی جسم و جان آدمی را در قبضه ی اقتدار خویش گرفته اند، و اثبات حاکمیت مطلق الهی بر همه ی وجود و به عبارت روشن و آشنا: حاکمیت نظام اسلامی و مقررات اسلامی بر زندگی فردی و اجتماعیِ مسلمین. در خلال آیات حج، قرآن همه را به برائت از بتهای مشرکین فرا می خواند فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ. این بتها ممکن است یک روز همان بتهای آویخته بر کعبه باشد، اما بی شک امروز و همیشه، همان قدرتهایی است که حاکمیت بر نظام زندگی آدمی را بناحق در دست گرفته اند و امروز واضحتر از همه- قدرت استکبار و قدرت شیطانی امریکا و قدرت فرهنگ غرب و فساد و ابتذالی است که بر کشورها و ملتهای مسلمان تحمیل می کنند. البته عالم نمایان وابسته و مزدور حکومتهای پوشالی اصرار خواهند کرد که خیر، بتها همان منات و لات و هبل اند. همانها که در روز فتح مکه زیر پای سپاهیان پیروزمند پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله خرد و نابود شدند! مقصودِ این آخوند السّطنه ها آن است که حج را به زعم خود از هرگونه مضمون سیاسی، تهی سازند! غافل از آن که همین اجتماع میلیونی مسلمانان از هر گوشه ی جهان، در یک نقطه، در یک زمان، خود دارای بزرگترین مضمون سیاسی است. این نمایش امت اسلامی است که در آن اختلافات نژادی و زبانی و جغرافیایی و تاریخی همه رنگ باخته و از همه، یک «کلّ» پدید آمده است. آنان و اربابانشان برای این که مسلمین از این واحد بزرگ چیزی نفهمند و فردها احساس «جمع» نکنند، همه گونه دروغ و فریب و سخن باطل به میان آورده اند و می آورند تا عرصه را بر دعوت کنندگان به وحدت و منادیان برائت از سردمداران شرک، تنگ کنند.

جمهوری اسلامی ایران بر پیروی از قرآن و اسلام پا می فشارد

ایران اسلامی خواسته است اگر نه بیشتر، کمترین کاری را که با مضمون حج مناسب است انجام دهد، و آن دعوت مسلمین به اتحاد، و کسب خبرهـای راستِ ملتهـا از یکـدیگر، و ابراز نفرت و بیزاری از سـردمداران شـرک و فسـاد است، هر کس با این هدفهای ارزشمند و والا مقابله کند هر چه بگوید ناحق گفته است: که قرآن درباره ی آن می فرماید: وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ. قول زور، سـخن باطل کسانی است که بدِ جمهوری اسـلامی را می گویند، زیرا: جمهوری اسـلامی حاکمیت دولت صـهیونیست بر فلسـطین اسلامی را رد می کند و سازش چند فرد فاسد و مطرود با غاصبان را فاقد ارزش می شمارد، دخالت مالکانه ی امریکا بر کشورهـای عربی را محکوم می کنـد، خیـانت بعضـی از سـران اسـلامی به ملتهـای مسـلمان خود را برای خوشامـد امریکا و صهیونیسـتها، زشت می دارد، مسلمانان را به شناختن قدرت عظیم خود که امروز هیچ ابرقدرتی تاب مقابله با آن ندارد، فرا می خوانـد، معرفت اسـلامی و مقررات شـریعت را قادر بر اداره ی کشورهای اسـلامی می داند، فرهنگ تحمیلی غرب را که مظهر آن برهنگی و مستی و بی ایمانی است، برای کشورهای اسلامی زیانبخش می شمارد، و کوته سخن، بر پیروی از قرآن و اسلام پـای می فشـارد. امروز هر یـک از کشورهای اسـلامی که آشـکارا همین سـخن را بگویـد و همین مواضع را اتخاذ کنـد، یعنی اسرائیل غاصب را نفی کند، دخالتهای قلدرانه ی امریکا را نفی کند، میگساری و بی بند و باری و فساد جنسی و آمیختگی زن و مرد را نفی کنـد، خیـانت سازشـکاران با صهیونیسـتها را نفی کنـد، مسـلمانان را به وحـدت و مقاومت در برابر ابرقـدرتها فرا بخوانـد، احکام اسـلامی را در حکومت و اقتصاد و سـیاست و غیره عملی کنـد، همین تبلیغاتی که امروز بر ضـدّ ایران اسـلامی همه جا می پراکنند، بر ضدّ آن کشور و سـران آن عیناً همه ی این تهمتها و دشنامها و نارواها را خواهند گفت و خبرگزاریهای اسـتکباری و صـهیونیستی و رادیوهـای امریکـا و انگلیس و پیروان آنهـا همین بـددهنی و یاوه پردازیها را درباره ی آن خواهند کرد. این است قول زور که خداونـد آن را همتـای شـرک و در کنـار آن آورده است. شـگفتا که وعاظالسـلاطین نیز در بعض مناطق جهان در این کار حرام و ضدّ اسلامی، مقلد تبلیغاتچی های امریکا و

صهیونیست اند! البته تسلیم مطلق آنان در برابر حکّام جائر که متأسفانه سرنوشت روحانیون بعضی کشورهای مسلمان است، جایی برای تعجب نمی گذارد! اینک حجّ، نعمت بزرگ خدا در برابر شما است، باید آحاد مسلمین و امّت اسلامی از آن سود ببرند و چنانکه فرموده است: جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرامَ قِياماً لِلنَّاسِ. از آن برای اقامه و صلاح دین و دنیای خود بهره گیرند.

امروز دین و دنیای مسلمانان در خطر است

امروز دین مسلمانان به وسیله ی تهاجم فرهنگی دشمن و ترویج فساد و ظلم و بی ایمانی و بی بندوباری در میان جوامع اسلامی که غالباً با ابتکار قدرتهای ضدّ اسلامی و به کمک تبلیغات و رسانه های آنان و غیر آنان انجام می گیرد در خطر است، و دنیای آنان به وسیله ی سلطه ی روز افزون استکبار بر امور کشورهای اسلامی و فشار و دشمنی مضاعف بر هر دولت یا گروهی که بخواهد افکار را به سوی حاکمیّت واقعی اسلام و استقلال و اقتدار ملتهای مسلمان متوجه کند. و البته جلودار این تهاجم همه جانبه به اسلام، شیطان بزرگ یعنی دولت ایالات متحده ی امریکا است. هر چشم دقیقی می تواند دست یا اراده ی آن دولت ضدّ اسلام را در پشت سرِ مصائبی که بر اسلام و مسلمین وارد می شود، ببیند. در فلسطین اشغالی عمده ترین عامل خیره سری و گستاخی صهیونیستها و مهمترین عامل به سازش کشانیدن بیشتر دولتهای عرب در برابر زیاده طلبی در برابر اسرائیل، امریکا است. بدون پشتیبانی امریکا دولتهای مرتجع منطقه که به سرسپردگی در برابر امریکا شناخته شده اند، تبدیل به مدافع دولت غاصب و مدّعی فلسطینیانِ ضدّ سازش نمی شد و آنهایی که باید طبق وظیفه ی اسلامی خود، با اسرائیل مقابله کنند، لباس مقابله با مخالفان اسرائیل را نمی پوشیدند. و بدون حمایت بی قید و شرط امریکا، دولت غاصب نمی توانست فاجعه ی عظیمی مانند کشتار حرم شریف ابراهیمی علیه السلام را پدید آورده و آن چنان بی دغدغه خود را از عواقب آن بر کنار دارد. شبیه این مطلب در مورد مسلمانان بوسنی و هرزگوین نیز صادق است. قتل عام تاریخی مردم گوراژده و سارایوو، به وسیله ی صربها که حقیقتاً در شمار لکّه های ننگ بشریت در دوران معاصر

است، مسؤولیت سنگینی بر دوش قدرتهای مسلّط جهان و بیش از همه امریکاست. اگر دخالت و سیاستگذاری آنان نمی بود، مسلمانان بوسنی در برابر صربهای مسلّح و مجّهز، از دریافت کمکهای تسلیحاتی ممنوع و محروم نمی شدند و ملّتی دست بسته و محاصره شده، قربانی مهاجمینی خونخوار و گستاخ و تشویق شده، قرار نمی گرفت. دردآور آن است که امریکا و ناتو پس از این زمینه سازی بیرحمانه برای قتل عام مسلمانان بوسنی، و پس از این که سازمان ملل و دبیر کلّ آن را کاملًا در جهت همین سیاست به کار انداخته اند، و پس از نشان دادن علائم رضایت خود از قلع و قمع مسلمانان به دست صربها، و پس از گذشت چند هفته از حمله ی سبعانه ی مهاجمین به زن و کودک و پیر و جوان مسلمان، و کشته شدن هزاران بیگناه و پدید آمدن محنتی بدان عظمت برای مردم شهر گوراژده. پس از این همه، با تهدید صربها به بمباران هوایی، شکنجه را متوقف می کنند و آنگاه این را به حساب انساندوستی و صلح دوستی و بیطرفی خود می گذارند! آیا اگر جلّادی پس از ساعتها و روزها، شکنجه ی شخصی را موقوف کند می تواند مدعی انساندوستی خود شود و ادامه ندادن شکنجه را دلیل بیاورد؟! همین موضع ظاهراً بیطرف ولی عملًا خصمانه نسبت به مسلمین، در همه ی قضایایی که در آن مسلمانان مظلوم، یک طرف قضیه و مورد ستم و فشار دشمنان خود هستند، نیز از امریکا و همدستان اروپایی اش مانند انگلیس دیده می شود. که نمونه ی آن، قضایای گریه آور کشمیر و محنت شدید مسلمانان قره باغ و تاجیکستان است. هر جا دولت یا جمعیّتی شعار اسلام می دهند و برای حاکمیت اسلام تلاش می کنند، بطور بی قید و شرط مورد اهانت و تهمت و سختگیری و دشمنیِ خباثت آمیز امریکا قرار می گیرند، مثال واضح، دولت سودان، نهضت اسلامی الجزائر، حزب اللّه لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین، مسلمانان مصر و امثال آنهایند. در همه ی این موارد، عناصر استکبار جهانی و بیش از همه امریکا، رفتاری همراه با تعصّب و شبیه رفتارهای قبیله یی جوامع قبائلی از خود بروز می دهند. ماجرای دشمنی های کینه توزانه و همراه با خشم و بی انصافی از سوی امریکا نسبت به ایران اسلامی و البته به فضل و اراده ی الهی، غالباً بی اثر هم خود داستان جداگانه یی دارد که بسیاری در سطح جهان از آن باخبرند.

حج؛ فریضه یی سیاسی

اکنون آیا امت بزرگ اسلامی و رؤسا و سیاستمداران و روشنفکران و علمای دینیِ آن، نسبت به این وضع دردناک مسلمانان در سراسر جهان، هیچ مسؤولیتی ندارند؟ آنان که به صدق فرموده ی پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله که فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ لا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِم»، عقیده دارند آیا برای بروز دادن این اهتمام، جایی بهتر از حجّ بیت اللّه و زمانی مناسبتر از ایّام معلومات سراغ دارند؟ یقیناً بی دلیل نبوده است که پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله برای اعلام برائت از مشرکین که یک عمل کاملًا سیاسی و در چهار چوب سیاست کلّی نظام و دولت اسلامیِ اوّل بود ایّام حجّ را انتخاب فرمود و دستور الهی و قرآنی، اعلام کرد که: وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ بَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذابٍ أَلِيم. آری، حج فریضه یی است که مهمترین گرفتاریهای سیاسی امت اسلامی در آن و با آن قابل حلّ است. بدین معنی، حج، فریضه یی سیاسی است و طبیعت و خصوصیات آن، این را به روشنی نشان می دهد. کسانی که این را انکار و بر ضدّ آن تبلیغات می کنند در واقع با حلّ آن گرفتاریها مخالف اند. بطور خلاصه، حج، فریضه ی امت، فریضه ی وحدت، فریضه ی اقتدار مسلمین، فریضه ی اصلاح فرد و جمع و در یک کلمه: فریضه ی دنیا و آخرت است. آنان که نمی خواهند مضمون سیاسی حج را بپذیرند، در واقع اسلام را دور از سیاست، و دین را از سیاست جدا می خواهند، شعار جدایی دین از سیاست از همان چیزی است که دشمنان حاکمیت اسلام بر جوامع اسلامی، دهها سال است آن را مطرح کرده اند و امروز که حکومتی بر اساس دین مقدس اسلام در ایران پدید آمده و شوق روز افزون به تشکیل حکومت اسلامی همه ی جهان اسلام را فرا گرفته است، آن شعار را سراسیمه تر و خشن تر از همیشه مطرح می کنند، و هرجا مقدّمات تحقّق این هدف فراهم شده باشد، اگر بتوانند با خشونت و جدیتی تمام بر ضد آن وارد میدان می شوند. حاکمیت اسلام، متضمّنِ مقابله با دخالت مستکبران در کشورهای اسلامی و نیز مستلزم کوتاه شدن دست وابستگان به این قدرتها و بندگانِ شیطانِ نفس و شیطان استکبار، از اداره ی این کشورهاست. پس طبیعی است که استکبار

و وابستگانش و شیطانها و پیروانشان، از آن ناراضی و خشمگین باشند. و به همان اندازه باید مؤمنان به خدا و روز جزا و معتقدان راستین اسلام از آن استقبال و در راه آن مجاهدت کنند.

چند توصیه به حجاج بیت اللّه الحرام

اینک که از همه جای جهان، سعادتمندانی توفیق آن یافته اند که ایام معلومات و حجّ خانه ی خدا را درک کنند این جانب با ابتهال و تضرّع، از خداوند متعال می خواهم که حجّ آنان را مقبول و مأجور و آنان و همه ی امت اسلامی را از منافع آن برخوردار فرماید، و ضمناً برادران و خواهران را به اموری چند توصیه می کنم:

۱- این فرصت را برای خودسازی و انابه و تضرّع، مغتنم بشمارید و توشه یی معنوی برای همه ی عمر خود از آن برگیرید.

۲- رفع گرفتاریهای بزرگ مسلمین را از خداوند متعال بخواهید و بارها و بارها این خواسته را در دعا و مناجات خود بگنجانید.

۳- از هر فرصتی برای آشنا شدن با مسلمین کشورهای دیگر و نقاط مثبت و منفی زندگی جاری آنان استفاده کنید. و مسلمانان غیر ایرانی بخصوص حقایق و قضایای ایران اسلامی را از زبان برادران ایرانی خود بشنوند و درست و نادرستِ تبلیغات جهانی را کشف کنند. همچنین امروز و همیشه تلاش کنند تعالیم امام عظیم الشأن راحل حضرت امام خمینی(قدس نفسه الشریفه) را درباره ی مسائل مسلمین فرا گیرند و آن مصلح بزرگ تاریخ اسلام را بهتر و از نزدیک بشناسند.

۴- هر اطّلاع و معرفت درستی از وضع امت اسلامی یا خصوص کشور خود را که در اختیار دارید، به مسلمین کشورهای دیگر منتقل کنید.

۵- در گفتگو با برادران مسلمان خود از هر جای جهان اسلام، مسأله ی «امت اسلامی» و نگرش یکپارچه به جهان اسلام را مورد توجّه قرار دهید. اندیشه ی خود و دیگران را از چهارچوب مرزهای جغرافیایی، نژادی، عقایدی، حزبی و امثال آن فراتر ببرید و به اسلام و مسلمانان بیندیشید.

۶- اقتدار خداداده ی بیش از یک میلیارد مسلمان و دهها کشور اسلامی با این همه ثروت مادّی و معنوی و با میراث عظیمی از فرهنگ و تمدن و دین و اخلاق را همواره به یاد مخاطبان خود بیاورید.

۷- افسانه ی قدرت لایزال غرب و خصوص امریکا را که استکبار همواره سعی کرده است آن را چندین برابر بزرگ کرده و بی وقفه به ذهن مسلمانان القا کند، بشکنید. به یاد خود و دیگران بیاورید که قدرتِ ظاهراً تسخیرناپذیر کمونیسم، در همین نزدیکیها در برابر چشم همین نسل، شکست و فرو ریخت و از آن هیچ باقی نماند. قدرتهای بزرگنمای کنونی و از جمله قدرت امریکا هم ممکن است به همان آسانی، نیست و نابود شوند.

۸- مسؤولیت علمای دین و روشنفکران کشورهای مسلمان را که بسی بزرگ و سنگین است همواره به یاد خود آنان و دیگران بیاورید.

۹- وظیفه ی رؤسای کشورهای اسلامی را در قبال امت اسلامی و ایجاد وحدت مسلمین و دوری از قدرتهای استکباری و گرایش و تکیه به ملتهای خود و ایجاد حسن رابطه میان مردم و حکّام را به عنوان «النَّصِیحَهُ لِأَئِمَّهِ الْمُسْلِمِینَ» به آنان یادآور شوید و اصلاح این امر را از خداوند متعال بخواهید.

۱۰- همواره به یاد داشته باشید که مسؤولیت رؤسا، به معنای رفع مسؤولیت از آحاد ملت نیست و آنان در همه ی این هدفهای بزرگ می توانند نقش تعیین کننده یی ایفا کنند.

امید است به فضل الهی و با توجهات حضرت ولی اللّه الاعظم(اروحنا فداه و عجّل اللّه فرجه)، حج مقبول نصیب حجاج محترم، و تفضّلات و رحمت واسعه ی الهی شامل حال امت اسلامی و آحاد مسلمین بشود.

والسّلام علی جمیع عباداللّه الصالحین

چهارم ذیحجه الحرام ۱۴۱۴ برابر با ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۳

علی الحسینی الخامنه ئی

بیانات در دیدار اعضای شورای بعثه ی حجّ مقام معظم رهبری(۱۰/ ۳/ ۱۳۷۳ ه. ش.)

بیانات دردیدار اعضای شورای بعثه ی حجّ مقام معظم رهبری

اشاره

(۱۰/ ۳/ ۱۳۷۳ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

تفضّل الهی در برگزاری مراسم حج

اولّا: خیلی خدا را شاکریم که امسال هم این حرکت عظیم- حجّ بیت اللّه الحرام- با حضور دهها هزار مردم مؤمنِ مخلصِ کشورمان و به هدایت جناب آقای ری شهری و آقایان محترم، علما و برادران عزیز انجام گرفت. روزی که گفته شد حجّاج می آیند، بنده ضمن این که خدا را شکر کردم که بحمداللّه امسال هم حجّمان به خوبی انجام گرفت، در قلبم احساس مسرّتی همراه با شکرانه ی الهی و احساس افتخار داشتم. واقعاً تفضّل الهی است که ما هر سال می توانیم فریضه ی الهی حج را به این خوبی، با این شکوه و به این پرمغزی انجام دهیم و این نیست مگر لطف الهی و زحماتِ شما آقایان که این زحمات، خیلی خیلی ارزشمند است و هر کدام در جای خود، دارای اجر الهی است. البته ما که قابل نیستیم و تشکرمان اهمیتی ندارد. با این حال واقعاً از یکایک همه ی شما آقایان متشکریم.

حج؛ یک کار استراتژیک و اساسی

ثانیاً: حج یک کار استراتژیک و اساسی برای ماست. صرفاً این نیست که برویم آن را به عنوان یک فریضه انجام دهیم و برگردیم و در واقع از سر واکنیم. نه؛ حج یک فرصت و یک میدان است و به این چشم باید به آن نگاه کنیم. مثل این است که یک نفر

را پشت تریبونی ببرند و بگویند اینک این تریبون و این هم شما. نمی شود گفت که حج، فریضه ای از سر وا کردنی است؛ آن را از سر وا کنیم و برگردیم. خیر؛ حج فرصتی است که جلوی شما گذاشته شده و بایستی از پیش، خودتان را آماده کنید تا بهترین و موجزترین و پرمغزترین و رساترین سخن را از آن چه که در ذهن دارید، در چنین فرصتی فوراً بگویید و بیایید. برای ما حج این است. اگر چنان دایره را بر ما تنگ کنند که هر سال بیش از هزار نفر هم نتوانیم به حج بفرستیم، علی رغم دشمن و به کوری چشم او، از این فرصت حداکثر استفاده را خواهیم کرد. مبادا خیال کنند وقتی دیدیم مثلًا محدود شد، خواهیم گفت دیگر حج چه حجّی؟ خیر؛ حج مال ماست و فرصتی است در اختیار ما و در اختیار انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و این ملت عظیم که این همه هم حرف دارد و بایستی بتواند آن جا بزند. با این دید که نگاه می کنیم، از همین امروز که آقایان بحمداللَّه برگشتید، بایستی بعثه مثل هر سال- هر سال هم همین طور بوده، اما به دلیلی که عرض خواهم کرد، امروز مهمتر است- شروع به تدوین برنامه ی سال آینده بر فروض مختلف کند. آن هم با رعایت این نکته که چه کنیم تا بلیغتر و پرمضمونتر و مؤثرتر، کار خودمان را در سال آینده در حج انجام دهیم.

برائت، واجب سیاسی است

نکته ی بعد این است که مسأله ی برائت، البته یک امر واجب در حج است. منظور ما این نیست که برائت از واجباتی است که اگر کسی عمداً ترک کرد، حجش باطل شود. نه؛ اهل معرفت می فهمند که مراد از وجوب آن چیست. قطعاً واجب است به این بیانی که عرض می کنیم. امانه مثل بقیه ی واجبات حج، ماندوقوف درعرفات یادرمشعرویا طواف.

نه؛ نوع دیگری از وجوب است که آن نوع دیگر، گاهی اوقات اهمیتش بیشتر از واجبات این سبکیِ غیرِ سیاسی می شود. برائت، واجب سیاسی است. یعنی چه؟ یعنی خدای متعال حج را برای اعلام حضور مؤمنین در حج- لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ، (۱) قِياماً لِلنَّاسِ (۲)

-

۱- حج: ۲۸

۲- مائده: ۹۷

و بقیه ی جهاتی که در آن است، معین کرده است. عده ای در طول سالیان دراز، بر اثر غفلت و نادانی و یا اغراض و مطامع، نگذاشتند حجْ چنان که باید انجام گیرد، برگزار شود.

ما اکنون می خواهیم حج را به نقطه و مرکز اصلی خودش برگردانیم. آیا این کار واجب است یا واجب نیست؟ آیا کسی می تواند بگوید شرعاً گذاشتن حج در جایگاه حقیقی خودش واجب نیست؟ می شود کسی بگوید این مستحب است؟ می شود کسی بگوید که این اجتناب پذیر است؟ کسی که می تواند اندکی در این راه کاری بکند، می شود بگوید که من این کار را نمی کنم؟ یا نه، این جزو واضحات است. حج باید در جای خود قرار گیرد. باید همچنانی که خدای متعال خواسته و مقرر کرده است، اجرا و اعمال شود. امروز ما می توانیم این کار را بکنیم. چگونه؟ به کیفیّتِ برائت. به کیفیّتِ ایجاد بعثه و تشکیلاتی که امروز هست. به شکلِ حضور متعرّض در حج. یعنی با همه چیز کار داشتن، نه منفعل، نه گریزان از برخورد؛ بلکه به شکل آماده ی برخورد. منتها منظورمان بر خورد خشن و خصمانه و خونین نیست، بلکه برخورد جهادی در مقام تبلیغ و بیان است. ما می توانیم این کارها را انجام دهیم. آیا انجام ندهیم؟ می شود کسی بگوید که می توان انجام نداد؟

می شود کسی بگوید برائت چیست که به آن چسبیدید؟ ممکن است بعضی چنین حرفی بزنند. اما کسی که خدا را قبول دارد، اراده ی الهی را در حج می داند. آیه ای که در آن قیاماً للناس آمده است، ناظر به همین معناست. آیا کسی می تواند آن را قبول داشته باشد ولی در عین حال بگوید ما نمی خواهیم شما کاری کنید که حج «قیاماً للناس» باشد؟

می شود چنین چیزی گفت؟ مثل این است که کسی بگوید چه لزومی دارد حکومت اسلامی تشکیل بدهیم؟!

از حکومت اسلامی غفلت شده بود

از حکومت اسلامی نیز مثل حج نبوی، غفلت شده بود. احکام الهی هم از مرکز و محور خودش قرنها دور بود. این همه حکّام آمدند، این همه سلاطین آمدند، این همه سیاسیّون در این کشور آمدند، این همه فتوحات در این کشور کردند؛ اما بدون محوریت دین خدا و بدون محوریت شریعت. اینها درست بود؟ کسی اگر بتواند شریعت را در

محور خودش قرار دهد، آیا پیش خدای متعال عذری دارد که در این راه قدمی بر ندارد؟ این همان حرفی است که امام، تمام وجود خودشان، آن وجود ذی قیمت را، در این راه مصرف کردند. این که ایشان خطاب به بعضی از حوزه ها فریاد می زدند: ساکت! می فرمودند: ای فلان جایی ساکت! ای فلان کسها ساکت! برای همین بود. این که امام می گفتند امروز تقیّه حرام و اظهار حقایق، واجب است، برای همین بود. پانزده سال زحمت و تلاش و خونِ دل و خون و شکنجه و شلّاق و سیلی و مرارت، برای این بود که حکومت اسلامی در مقرّ خودش و شریعت اسلامی در جای خودش قرار گیرد و اگر همه ی دنیای اسلام از شریعت سیراب نمی شود، لااقل بخشی از دنیای اسلام و جامعه ای، ازاین شریعت سیراب گردد و قوانین و مقررات زندگی در آن جامعه، برخاسته از شریعت باشد. امام در این مدت این همه تلاش و این همه کار کردند. همه ی مؤمنین، همه ی مجاهدین، همه ی شهدا، همه ی علمای واقعاً علاقه مند وهمه ی شما نیز دراین کار و تلاش شرکت داشتید تا پیروز شد. آنهایی هم که قبلًا در این زمینه، خیلی تلاش نمی کردند، بعد از پیروزی امیدوار شدند و بنای کار بیشتر را گذاشتند. آیا می شود کسی بگوید این کجای دین نوشته شده است؟ یا بگوید کجای توضیح المسائل نوشته شده که بعد از نماز و روزه و فلان، یکی از واجبات هم اقامه ی دین خداست؟ این توضیح المسائل می خواهد؟ این، بیان فرعی فقهی می خواهد؟ این، لازم است با مسأله ای که می گوید دستمان را دو بار با آب بشوییم پاک می شود یا یک بار کافی است و نظیر چنین مسائل و احکامی مقایسه شود؟ این، اصلًا قابل مقایسه با آنهاست؟ البته از آن واجباتی هم هست که اگر کسی ترک کند، تعزیر و حدّی در شرع برایش مقرّر نشده تا بگوید به ترک کننده این قدر حد بزنند و یا به عنوان فسقِ مبانِ واضحی ذکر نشده است؛ اگر چه تشخیصها مختلف است. پس این، یک واجب سیاسی است؛ همان طور که برائت یک واجب سیاسی است.

حج بی برائت، حج نیست

مسأله ی برائت واقامه ی حجّ اسلامی واقامه ی حجّ نبوی واقامه حجّی براساس قِیاماً لِلنَّاسِ و مَنافِعُ لَهُمْ، درست مثل همین است. امام، برای این تلاش می کردند؛ والّا ایشان

آدمی نبودنـد که بخواهنـد مسأله و موضوعی را که از دین نیست، به دین اضافه کنند و یا مسأله ای را که از دین هست از دین کم نماینـد. ایشـان آدمی بودنـد که مو را از ماست می کشـیدند. امام، آدمی دقیق بودنـد. اگر همه ی دنیا مقابل امام جمع می شدند و موضوعی را که مورد پسـندشان بود- همه از آن خوشـشان می آمد، همه دوستش می داشتند و حتی جوانها برایش به به می گفتنـد- مطرح می کردنـد و می گفتنـد این را بگوییم از دین است؛ اگر ایشـان آن موضوع را از دین نمی دانسـتند، می گفتنـد نـه. امـام آدمی نبودنـد کـه بخواهنـد راجـع به موضـوعی که به دین برمی گردد، بـا کسـی معـامله و سـازش کننـد و یا رودربایستی داشـته باشـند. صـریح می گفتند که برائت جزو حجّ است. برائت واجب حجّ است. حجّ بی برائت حج نیست. اینها تعبیرات امام است. جایگاه برائت در حج این است.

اجرای احکام الهی، موکول به قدرت شرعی است

البته «لقائـل ان یقـول»؛ ممکن است گفته شود اگر این طور است، پس چرا تعطیلش کردیـد؟ جواب این است که خودِ حـج را هم یک وقت مانع می شوند. صدٍّ عن سبیل اللَّه می کنند و حج، تعطیل می شود. در ابواب فقهیه، حجِّ مسدود داریم. کسی که مسـدود است چه کار کند؟ امسال نشد، سال دیگر بکند. اگر فلان وقتش سدی انجام گرفت، علاج شـرعی اش چیست؟ وقتی نشـد، انسـان نمی کنـد دیگر. همه ی احکـام الهی، موکول به قـدرت و توانـایی است. قـدرت هم قـدرت عقلی نیست، قـدرت شرعی است. وقتی انسان می بیند دماء مسلمین در خطر است و مشکلات فراوان و صعوبات زیاد بر سر راه است و تکلیف بر او غیر قابـل تحمـل می شود، می گویـد فعلًا این کـار انجـام نگیرد. امسال نتوانستیم برائت را انجام دهیم، به فضل پروردگار سال دیگر انجام خواهیم داد. اگر سال دیگر هم نتوانستیم انجام دهیم، سال بعدش انجام می دهیم. اگر ده سال نتوانستیم، پنجاه سال بعـدش انجـام می دهیم. مسـأله که شوخی بردار نیست. این طور نیست که کسـی خیـال کنـد بالاخره برائت هم یک چنـد سال انجام شـد؛ ناشـی از شـلوغی انقلاب بود و همه چیز کم کم به حال اوّل بر می گردد. خیر. مثل این است که بگوییم چنـد سال حکومت اسلامی بود، دین خدا بود، مجلس شورای اسلامی بود، ولی بعد همه چیز به شکل اول برگردد.

پادشاهی بیاوریم، دولت غیراسلامی بیاوریم. مگر ممکن است؟ ما وارد راه جدیدی شدیم. آن، برگشت است. آن، رجعت است.

روی راهکارهای نو و ناپیموده فکر کنید

و اما نکته ی آخر. برادرانی که یک حجّ مفید را طراحی می کنند، ببینند اگر قرار شد ما در حجِّ سال آینده باز هم نتوانیم برائت را به شکلی که تا پارسال معمولمان بوده انجام دهیم، چه باید بکنیم؟ ممکن است دیگر. ممکن است پیش بیاید. ممکن است خدای نکرده، العیاذ باللّه، سال آینده عرفات را آب بگیرد و نتوانیم وقوفِ عرفات کنیم. چنین فرضی ممکن است. ممکن است پیش بیاید دیگر. به هرحال راهی دارد. علاجی دارد.

به هرحال اگر سال آینده نتوانستیم برائت را انجام دهیم، چه کار کنیم که آن کار، بهترین باشد، برای این که حج «قیاماً للناس» شود. حج، حجّ نبوی و علوی شود. راجع به این مسأله باید فکر کنیم. همه ی راههای نو و ناپیموده و ابتکاری و ممکن را فکر کنید. با دقت برنامه ریزی کنید و همه ی مقدماتش را از همین امروز فراهم نمایید. اگر بناست، کاری انجام گیرد، کتابی برود، نوشته ای برود، کسی برود؛ این کارها را انجام دهید تا سال آینده حج ما به صورت بهترین حج انجام گیرد.

ما کمک و وعده ی خدا را باور داریم

ان شاءاللّه که خداوند متعال به شما کمک خواهد کرد. ما حقیقتاً سخن خدا و وعده ی خدا را قبول و باور داریم. این که می فرماید: وَالَّذِینَ جاهَدُوا فِینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا، (۱) این که می فرماید: إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِینَ، (۲) این که می فرماید: «هر کس با خدا باشد، خدا با اوست»؛ وَمَنْ جاهَدَ فَإِنَّما یُجاهِدُ لِنَفْسِهِ (۳)

همه ی اینها را قبول داریم. ما کمک الهی را قبول داریم. واقعاً اعتقاد داریم اگر جایی از طرف خدا کمک نمی شود، به خاطر عیب و

۱- عنکبوت: ۶۹

۲- عنکبوت: ۶۹

۳- عنکبوت: ۶

اشکالی است که در کار ما وجود دارد. بنابراین خدای متعال، ان شاءاللّه کمک خواهد کرد. روزبه روز، حجّ بهتر و کاملتر خواهد شد و ان شاءاللّه جمعیت بیشتری را به حج خواهیم فرستاد. ان شاءاللّه در سال آینده صدوبیست، سی هزار نفر بفرستیم و بتوانیم یک حج، آن چنان که دلخواه بندگان خوبِ خداست، داشته باشیم. ان شاءاللّه بعد از حجّ سال آینده، باز هم شما برادران عزیز را زیارت کنیم و همین طور سرشار از افتخار و سرور، کارها انجام گیرد.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللّه

بیانات در دیدار با کارگزاران حج(۱۶/ ۱/ ۱۳۷۴ ه. ش.)

بیانات در دیدار با کارگزاران حج

اشاره

(۱۶/ ۱/ ۱۳۷۴ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

خداوند، خدمت شما را قبول کند

اولًا بایـد از همه ی برادران و خواهران عزیز تشکر کنم که یک بار دیگر این فرصت را برای بنـده فراهم آوردیـد که در جمع محترم کارگزاران فریضه ی عظیم حج بتوانم راجع به این واجب الهی مطالبی را در میان بگذارم و عرض کنم. همچنین باید از زحمـات شـما عزیزان، بخصوص مسؤولین محـترم در اجرای هر چه بهتر این واجب الهی و پر کردن این خلاء تشـکر کنم و از خـدای متعـال بخـواهم که شـما را منظـور نظر حضـرت بقیهـاللَّه الاـعظم و مشـمول ادعیه زاکیه ی آن بزرگوار قرار بدهـد و به بهترین وجهی از شما این خدمت را قبول کند.

توجه به مسائل معنوی در حج

دو نکته مهم در باب حج وجود دارد که همیشـگی و فراموش نشدنی است. یکی مسأله ی معنویت در حج است. در خلال این واجب، از اول تـا آخر یـک روحی وجـود دارد که آن روح عبـارتست از تـوجّه و اخلاـص به ذات مقـدس احـدیّت و اظهـار عبودیت در مقابـل پروردگـار. در فرائض و واجبـات دیگر، به این حجم و کیفیت، این ویژگی را نمی شود مشاهـده کرد؛ اگر چه قوام هر واجب و عبادتی، به توجّه و ذکر حضـرت پروردگار جلّ و علی است. وقتی انسانها به مرکز اقامه ی فریضه ی الهی حج، جذب می شوند از

محدوده ی زندگی مادی، خارج و به فضایی کاملًا معنوی وارد می شوند. در این فضای معنوی، انسان بطور حقیقی شستشویی می کنـد و برمی گردد. فرض بر این است که اگر انسان، یک بار در مـدت عمر خویش چنین شسـتشویی بکنـد، برای او کافی است؛ چون حج یک بار واجب شده است و واجبات بر اساس نیازها و حاجت بشـر است. اگر ما برای سـیر تکامل و عروج الی اللّه به بیش از هفـده رکعت نماز در روز احتیاج داشتیم، خدای متعال آن را واجب می کرد. حداقل واجب آن چیزی است که برای ما به صورت حکم واجب درآمده است. حج، برای هر کسـی که بتواند؛ «من اسـتطاع»- که نباید خیال کرد «من اسـتطاع» واجب را محدود می کند، نه این واجب را توسعه می دهد- بدون اسـتثنا، یک بار در عمر واجب است و اگر کسـی نتوانست، خوب نمی توانـد، بر او چیزی واجب نیست، چون قـدرت وجود نـدارد. پس یـک بار، رفتن در آن مخزن و چشـمه ی جوشان معنویت برای شستشو و پاکیزه شدن، کافی است. البته اگر بیشتر بشود، بهتر و بیشتر شستشو خواهدشداماّحداقل لازم همان یک باراست. ببینیـد چه قـدر جنبه ی معنویت حـج بایـد قوی باشـد. اینها نکاتی است که ما بایـد واجب را از این دریچه ها درست بشناسیم و بفهمیم. اگر ما دیدیم که حج جنبه ی مادی و ظاهرسازی و دوری از معنویت پیدا کرد و در سفر حج رفتارهایی که برای خودمان انتخاب می کنیم یا بر ما تحمیل می کنند، ضد معنویت است، باید بدانیم از فلسـفه ی حج دور افتاده ایم. کسانی که حـج و ایام حج را، به میزان زیادی صـرف چیزها و کارهایی می کنند که در جهت مقابل معنویت، غرق شدن در مادیّت و دوری از خـداست، در حقیقت، بـدون اینکه خودشان بداننـد، دارنـد از آن سـرمایه ای که خـدای متعال در حـج به آنها هـدیه کرده است، کم می کنند. آنها خیال می کنند چیزی به دست می آورند، در حالی که دارند چیزی از دست می دهند و با غرق شـدن در مادیات، هـدیه ی معنوی را ناقص می کننـد. حـج اول با «لبیک» یعنی پاسخ گویی و اجابت دعوت الهی، شـروع می شود. تمـام مناسـک و کارهـای حـج از قبیـل: حـالت احرام، لبـاس و محرّمات احرام، طواف، سـعی، نماز ووقوفین، هرکـدام به نحوی، گوشه ای از وجود ما را به معنویت و به خـدای متعال جـذب می کند. این مجموعه ی مرکب در واقع چشـمه ی زلالی است که باید خود را در آن، شستشو بدهیم. مراقب باشید که حج، این جهت را از دست ندهد.

حاجی را به روح و معنویت حج نزدیک کنید

در دوران گذشته- البته در زمانی که سردمدار امور حج کسانی بودند که معنویات را بو و لمس نکرده بودند- توقعی نبود. آنجا البته کسانی بودند، خودشان اهل معنا، توجه و تذکر بودند و خود را به نحوی تأمین می کردند، اما دستگاهی وجود نداشت که آنها را به سمت معنویت حرکت بدهد. امروز وضع فرق می کند. امروز کسانی که متصدّی حج اند، اهل معنویت تذکر و انس باخدا هستند. طعم معنویت را می فهمند و شیرینی انس با خدا و ذکر خدا را درک می کنند. فرق می کند وقتی که مسؤولین حج، این جور افرادی باشند، یا افرادی که اصلًا نمی فهمند حج چیست. نمی دانند فرق بین یک مسافرت معمولیِ گردشی با حج عظیم الهی چیست. خیال می کنند این هم یک مسافرتی است که آدم برای سفر و گردش می رود و برمی گردد. امروز شما مسؤولین حجّ اید. اهل معنویت متصدی امور حجّ اند. من از همه ی آقایان محترم، مسؤولین، برادران و خواهران و هر کسی که به نحوی با حاجی ای ارتباط دارد، خواهش می کنم که یکی از کارها و کوششهایشان این باشد که این حاجی را به روح و معنویت حج، نزدیک کنند و مردم را با تأثیراتی که حج، منهای مسائل اجتماعی، برای تکامل فرد انسانی دارد؛ از قبیل اینکه فرد را کامل و پاك می کند، پالایش، تزکیه و مزیّن به زینت معنویت می کند، سرمایه ای به او می دهد، مشت او را پر می کند و برمی گرداند، آشنا کنند. همه اش هم با بیان و گفتن نیست بلکه با عمل، حضور، توجّه و با رفتار، بایستی مردم را به معنویت سوق داد. اگر این بشود، نکته ی دوم حج هم که نکته ای فراموش نشدنی و یکی از اهّم نکات در باب حج است، آسانتر خواهد شد.

توجه به مسائل اجتماعی حج

نکته ی دوم، همان نکته ی اجتماعی است. خدای متعال این واجب را به نحوی انجام داده است که مسلمانها، چشم در چشم یکدیگر واقع بشوند. اگر حج نبود، یک فرد مسلمان ممکن بود تا آخر عمر بسیاری از این ملیّتها را، نه تنها نبیند، بلکه اسم آنها را هم نشنود. حج، ملتها، رسوم، زبانهای مختلف و افراد ناآشنا که اگر دوتایشان در نقطه ای،

روزهای متمادی با هم باشند، معلوم نیست یک ذره با یکدیگر انس پیدا بکنند، را در یک نقطه جمع می کند و به همه آنها عمل، ذکر، عشق و هدف واحد می بخشد که دنبال یک هدف بروند. خوب توقع چیست؟ توقع این است که دستاورد واحدی پیدا بکنند.

آن دستاورد واحد چیست؟ آن چیزی که به همه ی ملتها ارتباط پیدا می کند، نه به یک ملت واحد، فضلًا از شخص واحد، آن چیست؟ آن عبارت است از چیزی که بین ملتها است، که همان اسلام است. بین ملتهای صاحب نژادهای مختلف؛ که همه مسلمانند، آنچه مشترک است چیست؟ آن، آرمانها، آرزوها، اهداف و عشقهای اسلامی است که اسلام برای آنها معین کرده است. پس حج می خواهد این را تأمین بکند. چرا این نکته ی واضح را بعضی نمی فهمند و باید برایشان تشریح کرد؟ بعضی با وجود تشریح کردن هم نمی فهمند و شقاوت را به حد اعلی رسانده، با این امر واضح و حق صریح، مبارزه هم می کنند. شرقی، غربی، سیاه، سفید و صاحب لغات گوناگون که اینجا جمع شده اند، چند روز عمل واحد انجام می دهند، در یک نقطه عبادت می کنند، می خوابند و می نشینند.

این کارها برای یک امر فرا ملّیتی و فراشخصیتی است والّا ممکن بود این اعمال را هر کسی در مسجد جامع شهر خودش هم انجام بدهد. چرا مردم را به یک نطقه ی خاص کشاندند؟ برای اینکه با هم باشند و با هم بودن را حس کنند و آن چیزی که فراتر از مجموعه های ملّی است، یعنی مسلمان بودن و وحدت اسلامی را به اینها بفهمانند. آن، همان چیزی است که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی از روز اول دارد روی آن تأکید می کند و می گوید آقا حج، برای آشنایی مسلمانان، اتحاد و تأمین منافع مشترک مسلمانان و احتراز از دشمنان مشترک؛ یعنی برائت از مشرکین است. اینجا چون مرکز اسلام است و لُب، روح و حقیقت اسلام توحید است و خانه ی خدا، مرکز اقامه و مظهر و نماد و رمز توحید است، لذا شعار، شعار توحیدی است و برائت هم برائت از شرک است. این امر واضحی است. حالا- می گویند آقا توی کتاب مسأله، کجا نوشته اند برائت از مشرکین جزء واجبات حج است؟ خوب کجا نوشته اند که حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است و اگر کسی این را منکر باشد، اسلام را نفهمیده است؟ یک چیزهایی هست که نوشتن ندارد. هر جایی که شما به اثری از دین نگاه کنید، این را به وضوح می بینید. البته انسان

باید بصیرت، فهم، معرفت و قدرت درک داشته باشد. کیست که توحید، شعار معنویت و وحدت مسلمین را در حج ببیند و نفهمد که این اجتماع عظیم برای این است که اسلام و توحید به رخ کفر کشیده بشود؟ برخلاف آنچه امروز دشمنان می خواهند، در حج، توحید در مقابل شرک سینه سپر می کند.

دشمنان، با عزت اسلام مخالفند

ببینید امریکا با چه فضاحتی با جمهوری اسلامی دشمنی می کند! این دشمنی برای چیست آقا؟ برای این است که نمی خواهد کلمه ی حق، معنویت و اسلام در جایی سینه سپر کند و خودش را نشان بدهد. اگر جمهوری اسلامی شعارهای اسلامی مانند نماز، دعا، عبادت و قرآن و از این حرفهایی که ما می زنیم را می گفت، امّا در مقابل استکبار سینه سپر نمی کرد و هر چه آنها می گفتند، می گفت بله چشم، هر چه شما بفرمایید، به جان شما، هیچ کاری با آن نداشتند. اینها که با ذلت اسلام مخالف نیستند. اگر اسلام، العیاذباللّه ذلیل باشد، اینها مخالفتی با آن ندارند. اینها با عزت اسلام مخالفند. اگر در جایی، کشوری بود، پرچم اسلام و لااله الّااللّه هم داشت، شعار اسلام هم داد، امّا در مقابل استکبار جهانی ذلیل بود، استکبار مگر دیوانه است با او بجنگد یا با او مخالفت کند؟

اسلامی که در مقابل امریکا به خاک می افتد، برای امریکا ضرری ندارد؛ چرا باید با او مبارزه کنند؟ خوب نوکر خودشان است. پول و کمک هم بخواهند، از او می گیرند و حرف خود را هم به او تحمیل می کنند. این جور اسلامی که دشمن ندارد. آنها، اسلامی را نمی پسندند که سینه سپر می کند، داعیه دارد و مردم را به خود دعوت می کند. پیغمبر اسلام خودش را در مکّه حبس نکرد. اگر پیامبر خودش را در مکّه یا در خانه حبس می کرد، دعوت نمی کرد و متعرض کسی نبود، کسی به او کاری نداشت. اسلام عزیز است. عزّت اسلامی که سینه سپر می کند؛ می ایستد، سرش را بالا می گیرد، زیر بار دشمن نمی رود، بلکه بارها و بارها استکبار را ذلیل می کند و بینی او را به خاک می مالد، باید تثبیت شود. همچنان که جمهوری اسلامی، علی رغم بدبینها، ضعیف النفسها، منفی بافها وکوته نظرها، که می گفتند آقا نمی شود، نکنید، بترسید، و به کمک همین مردم و با عنایت

الهی و رهبری آن مرد موحد- که حقیقتاً آن امام بزرگوار موحّد بود و توحید در سراسر وجود او جریان داشت. همه ی وجود او خدا، عظمت و عزت الهی را قبول داشت- توانست دشمن را ذلیل بکند و خودش عزیز باشد.

با ملت ما، به خاطر آرمانهایش دشمنی می کنند

از این جمهوری اسلامی ناراحتند؛ بدشان می آید، می خواهند بکوبندش. تهمت هم می زنند. شعار هم می دهند. خلاف و دروغ هم می گویند، ظلم هم می کنند. می بینید که همه ی آنچه که می گویند ظلم است. توطئه هم می کنند. در داخل هم، انگشت مفسد گندیده ی خودشان را وارد کشور می کنند. اینجا و آنجا را از لحاظ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، دچار مشکل هم می کنند. خرابکاری می کنند و جلو بازسازی ملت را می گیرند. ساختن، سخت است امّا ویران کردن آسان است. امروز دولت دارد می سازد و بازسازی می کند. یک ساختمان را خشت باید روی خشت گذاشت تا بالا برود، امّا با یک ماده ی منفجره راحت می شود آن را منفجر کرد. جلوی این کارِ مشکل را می گیرند.

مزاحمت ایجاد می کنند. خباثت می کنند. برای چه؟ برای اینکه می بینند اینجا یک ملتی هست که با دعوت و با شعارهای اسلامی، کمر بسته است به اینکه زندگی، دنیا و آخرت خود را بسازد، آباد کند و می خواهد زیر بار دشمن هم نرود؛ این است که با این ملّت دشمنی می کنند. به همین دلیل با شعار توحید در حج هم دشمن اند.

حج را با ویژگیهای آن بشناسید

عزیزان من، حج را با این دو خاصّه بشناسید؛ خاصه ی تأثیر شخصی، فردی و معنوی، ایجاد یک انقلابی در هر دل، این هزاران دلی که از اینجا احرام می بندند و به خانه خدا، به میعاد و میقات الهی می روند تا منقلب، الهی و معنوی بشوند و برگردند. دلها از خانه ی خودشان احرام می بندند. دلهای ذاکر و خاشع، در واقع قبل از میقات دلها مُحرم اند. این، یک ویژگی بود. [که این قابل اغماض نیست. و دومی هم معنا و مفهوم جمعی، اسلامی(این قسمت در نوار نیست)]، امتی و فراملیتی مربوط به امت اسلام و

عبارت است از اثبات عزت توحید، نفی شرک، برائت از شرک و مشرکین و داعیان الی الشرک و مخالفان توحید، به هر شکل و به گونه ای که بتوانند. مثل خود حج که؛ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، متوقف بر استطاعت است.

دلهای آشنا، خود را با کانون معنویت مرتبط کنند

البته دلهای مؤمن پیروان آل محمّد صلی الله علیه و آله در آن سرزمینها دنبال یادگارهای عزیز خودشان هم می گردند. دنبال یاد ائمه مظلوم خودشان که آنجا، پایگاه اشعاع و نورانیت و درس آنها بوده است. ائمه در طول دویست و پنجاه سال امامت شیعه، در آن شهرها و توی همان کوچه، خیابانها و خانه ها، در همان سرزمین، در همان بقاع متبرکه، نشستند اسلام را به مردم تشنه، مشتاق و با معرفت تعلیم و تدریس کردند و یاد، ذکر، آثار، قبور مطهره و یادگارهای آنها آنجا است. امروز هم بازمانده ی عزیز و دردانه ی قیمتی این عالِم وجود در روی زمین در ایام حج در همان جا است. سیّد و مولای آفرینش و محبوب دلهای مشتاقان، در عرفات، منی، مشعر الحرام و طواف آن جا است. دلهای آشنا سراغ بگیرند و خودشان را با کانون معنویت مرتبط کنند.

پروردگارا! به محمّد و آل محمّد دلهای ما را با منابع نور و معنویت و حقیقت آشنا کن. دلهای ما را با خودت مرتبط کن. ما را از اولیائت جدا مفرما. پروردگارا به محمّد و آل محمّد حج را از امت اسلام قبول کن. حج را برای امت اسلام مبارک کن. کارگزاران حج عظیم اسلامی را مورد رحمت و برکات خودت قرار بده!

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام(۱۴/ ۲/ ۱۳۷۴ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام

اشاره

(۱۴/ ۲/ ۱۳۷۴ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ و الحمـدللَّه رّب العـالمين والصّـلاه والسّـلام على خيرخلقه محمـد المصـطفى وآله الطـاهرين وَأَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلى کُلِّ ضامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (۱)

موسم حج، چون بهار طبیعت فرا می رسد

چون بهـار طبیعت، که همواره در میعاد همیشـگی خود، لبریز از نشاط زنـدگی فرا می رسـد، موسم حـج، نوبهار جان و دل، و فصـل رویش و پیـدایش روح زنـدگی توحیـدی در دل هر مسـلمانی که خود را به میقـات رسانـده باشـد، همه سـاله در موعد خدایی و همیشـگی باز می گردد تاچون چشـمه سار مبارکی رشـحات حیات طیّبه ی اسـلامی را بر سراسـر جهان اسـلام بپاشد وکسانی راکه توفیق یافته اند که تن به این سرچشـمه ی مبارک بزنند، از غبار و کدورت گناه و شـرک و ماده گرایی و میل به پستی و بدکرداری، پاک کند و در آنان اگر اهل توجّه وتذکر باشند، مایه ی صلاح وفلاح یک عمر را ذخیره سازد.

اکنون بیش ازچهارده قرن است که ندای ابراهیم خلیل ازحلقوم محمّدمصـطفی صـلی الله علیه و آله، همه ساله میهمانان بیت را در این موسم به پایگاه معنویت و وحـدت می کشانـد تا گرد مرکز توحیـد، همراه با آن جریان ابدی عروج، طواف کنند، و در پشت مقام ابراهیم به سمت

۱- حج: ۲۷

کعبه ی محمدی صلی الله علیه و آله، نماز گزارند، و میان صفا و مروه، سعی ابدی مؤمن از منشأ صفا را مجسّم سازند. و معرفت به حقارت خویش و عظمت و عزت حق تعالی را در عرفات، و زمزمه ی ذکر و انس و عشق به حضرت احدیت و درک نور تابان آن بی همتارا در صحرای ظلمانی وجود خود در مشعر بیاموزند، و در منی شیطان بزرگ و شیطانهای دیگر را هدف رمی خود سازند، و به نشانه ی قربانی کردن هواها و تمایلات منحرف ساز، ذبیحه یی قربانی کنند- و این همه را در حال احرام که حریم جان و دل حاجی در برابر میوه های ممنوع این بهشت است و در کنار دیگر مسلمانان از هرجا و هر نژاد و باهر رتبه ی مادی یا معنوی و دارای هر زبان و فرهنگ به جای آورند و آنگاه به نشان زدودن همه ی چرکها و پلیدی هایی که در فضای آلوده ی زندگی مادّی برجان و دل آنان نشسته است، حلق وتقصیر کنند وسپس بار دیگر با طراوتی که از زدودن گناه و تجلّی معرفت و محبت خداوند، در جان و دل آنان پدید آمده است، به خانه ی خدا برگردند وطواف ونماز و سعی را این بار در آفاقی برتر از پیش به جای آورند و با ذخیره یی سرشار از توحید ومعنویت و صفا، و عزمی راسخ در مبارزه با شیطانها، و قدرتی فائق بر نفس خویشتن، آماده ی برگشتن به دیار خود و پراکندن عطر حج در اقطار گیتی باشند.

حج، یکپارچگی امت اسلامی را تأمین می کند

حکمت بدیع اسلام، این آزمایش شگفت آور و پر از رمز و راز را چنان ترتیب داده است که همین یک واجب بتواند در همه ی قرون و اعصار، و با هراندازه گسترشی که دامنه ی اسلام در شرق و غرب گیتی به دست آورده است، یکپارچگی و اتصال اجزاء این پیکر عظیم را تأمین کند ... همه در یکجا و همیشه در یک فصل، ... چه آن هنگام که سفر کعبه ی مشتاقان بیت از برخی نقاط عالم یکسال به طول می انجامید و چه امروز که دشمنان امت اسلامی برای پوشش تبلیغات زهرآگین خود به سراسر کره ی زمین به بیش از یکساعت نیازندارند، همیشه اجزاء این پیکر عظیم و پراکنده، به این مرکز وحدت و قدرت که برای آنان کانون صفا و برادری و معنویت و توحید و معرفت واطلاع است نیاز داشته اند .. و اسلام اگر از حج خالی می بود رکنی اصلی و جزیی جوهری را فاقد بود.

دو عنصر اصلی حج

حج در جوهر و ذات خود دارای دو عنصر اصلی است: تقرب به خدا در اندیشه و عمل، و اجتناب از طاغوت و شیطان با جسم و جان .. همه ی اعمال و تروک حج، برای این دو و در جهت آن و تأمین ابزارها و مقدمات آن است،، و این در حقیقت خلاصه یی از اسلام و همه ی دعوتهای الهی نیز هست که: وَ لَقَدْ بَعَثْنا فِی کُلِّ أُمَّهٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (۱)

در آیات حج تعبیرات: حُنَفاءَ لِلَّهِ غَیْرَ مُشْرِکِینَ بِهِ، (۲) یا فَإِلهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا ...، (۳) یا: فَإِذا قَضَیْتُمْ مَناسِکَکُمْ فَاذْکُرُوا اللَّهَ کَذِکْرِکُمْ آباءَکُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِکْراً (۴)

وامثال آن ناظر به همین دو عنصر اصلی است.

تقرّب به خدا، ذکر ونماز وتسلیم واحرام وبه خود وخدا اندیشیدن وسعی و صفا را می طلبد ودرنهایت زاد وتوشه ی تقوا را درکوله بار حاجی می گذارد: وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَیْرَ الزَّادِ التَّقْوی وَ اتَّقُونِ یا أُولِی الْأَلْبابِ. (۵) و اجتناب ازشیطان وطاغوت، دل کندن ازشهوات و هوسهای خوارکننده وکمک گرفتن ازنیروی صبر واراده ی خود ونیز نیروی عظیم امت اسلامی را لازم دارد که همانادرحرکت دستجمعی وهمراهی وهمدلی و همگامی و هم زبانی همگان در طواف وسعی، و وقوف در عرفات و مشعر ومنی، وهدف گرفتن دستجمعی جمرات شیطان و رمی از همه جا و همه سو به آن و ابراز برائت عمومی از آن، حاصل می شود و درنهایت، گره خوردن دستها و دلها وعزم های مسلمین از همه جای امت اسلامی به یکدیگر واحساس قدرت وامنیت در سایه ی وحدت را پدید می آورد که: وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثابَهً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً. (۶)

۱- نحل: ۳۶

۲- حج: ۳۱

۳- حج: ۳۴

۴- بقره: ۲۰

۵- بقره: ۷

۶- بقره: ۱۲۵

اگر حج، چنانکه قرآن خواسته وپیامبر صلی الله علیه و آله فرموده وعمل کرده، به جای آورده شود و چنانکه فرموده: «خُذُوا عَنِّی مَناسِکَکُمْ»، مناسک آن از عمل او گرفته شود، تأمین کننده ی کمال فرد و عزت امت است.

هرکس باچنین حجّی مخالفت کند وحج را جدا ازاین خطوط و نشانهای اصلی آن بخواهد، باکمال جویی فرد مسلم و عزت امت اسلامی مخالفت کرده است.

مبارزه ی استکبار با اسلام و مسلمین

امروز استکبار جهانی باپرچمداری امریکا و با طرّاحی صهیونیسم به مبارزه یی آشکار با اسلام ومسلمین سرگرم اند. این البته دنباله ی خصومتهای دیرین دشمنان اسلام است، لیکن با شیوه های تازه و انگیزه های تازه وابزارهای تازه. وامت اسلامی از چنین کانون مقاومت ونیرو و وحدتی برخوردار است. آیا سزاوار است که مسلمین از حج برای مقابله بادشمن ستیزه جو و تفرقه ساز و توطئه گر بهره نگیرند وخود را بیدفاع در برابر دشمن قراردهند؟

حجّ درست وکامل، می تواند بوسیله ی نزدیک کردن دلها و تبادل آگاهیها و افشای توطئه ها، خطرناکترین توطئه های دشمن علیه اسلام ومسلمین را خنثی کند. امروز دشمن اسلام یعنی سردمداران استکبار وصهیونیسم، تفرقه افکنی میان مسلمین و غوغاگری در عرصه ی تبلیغات را برضدّ هرکشور ودولت وجمعیّتی که ازبیداری اسلامی وحاکمیت قرآن دم زند وداعیه ی عزّت مسلمین را داشته باشد، مهمترین کار خود می داند. زیرااگر بتواند بخش های فعّال و پرتحرک از امت اسلامی را از دیگربخش های این امت جداکند، مطمئن خواهد شد که دربرابرخودپیکر عظیم و یکپارچه ی امت را نخواهد دید، ونقشه های خباثت آلودش در باره ی امت اسلامی را بی دردسر پیش خواهد برد.

این روزها مردم دنیا، شاهد حجم انبوه و متراکم وسطح وسیع تبلیغات بوقهای استکباری بر ضد جمهوری اسلامی ایرانند. این همان سیاست است که البته به فضل الهی تاامروز ناکام مانده ولی باهمه ی توان استکبار، دنبال می شود.

مهمترین انگیزه ی دشمنی با ایران اسلامی

مهمترین انگیزه ی دشمنی بـا ایران اسـلامی از دوران حیات امام راحل قـدس سـره تاکنون، آن است که دراین کشور، همه ی سیاست ها با معیارهای اسلامی، محک زده شده و انتخاب یا مردود می شود. همه ی موضعگیریهای سیاسی براساس دستورات اسلام، شکل می گیرد.

سازش دولتها با صـهیونیسم مردوداعلام می شود، چون این به معنی آوارگی همیشـگی ملت فلسـطین واشـغال همیشگی کشور فلسطین بوسیله ی دشمن است.

ازملت های فلسـطین و بوسـنی وتاجیک وافغان و کشـمیر و چچن وآذربایجان و الجزائر ودیگر ملتهای مظلوم مسـلمان حمایت می کنـد، چون قرآن صـریحاً حمایت ازمستضـعفان را لازم شـمرده است: وَ ما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هـذِهِ الْقَرْیَهِ الظَّالِمِ أَهْلُها وَاجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیّاً وَاجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ نَصِیراً (۱)

باسـلطه ی امریکـا ونفوذ و دخالت آن درکشورهای اسـلامی و همه ی کشورهای مظلوم مخالفت می کنـد، چون قرآن فرموده است: ... لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّی وَ عَدُوَّکُمْ أَوْلِیاءَ تُلْقُونَ إِلَیْهِمْ بِالْمَوَدَّهِ (۲)

درکشورخود احکـام اسـلامی را منشأ وملاک قانونگـذاری قرارداده است، چون عزت واسـتقلال و رفاه وکمال مادّی و معنوی برای یک ملت را درعمل به احکام اسلامی می داند ..

اینهاهمه موجب آن شده است که سـردمداران جبهه ی اسـتکبار با دلّالی و خنّاسـی توطئه گران صـهیونیست، ایران اسـلامی را دشمن شماره یک خود بدانند وبقدر وسع خود باآن دشمنی کنند.

شور و شوق در سراسر امت اسلامی

نکتـه ی مهـم آن اسـت که امروز درسراسـر امت اسـلامی شوروشـوق به این هـدفها و موضـعگیریها همه جـا را فراگرفته است، دربسیاری از کشورهای اسلامی، جوانان

۱- نساء: ۷۵

۲- ممتحنه: ۱

وقشرهای برگزیده و زبده ترین و پاکترین عناصر از علمای دین واساتید مجامع علمی و هنرمندان وشعرا و نویسندگان وحتی بسیاری از کارکنان دولتی وقشرهای میانه ی مردم، دل و حتی زبان وقلم خود را به این هدفها سپرده اند. باسازش عربی- اسرائیلی مخالف اند، با تسلّط روز افزون امریکا بر دولتهاشان مخالف اند، بابی تفاوتی دولتهادربرابر قضایای اسلامی در اروپا و آسیا و افریقا مخالف اند .. استکباراینهمه را نتیجه ی پیروزی اسلام درایران، و اقتدار روزافزون ایران اسلامی می داند، و ازاینرو حقد وکینه یی دیوانه وار نسبت به جمهوری اسلامی را در دل می پروراند.

این یکی از مهمترین انگیزه های کسانی نیز هست که با حج ابراهیمی وحجّ معنی دار و جهت دار مخالف اند. زیرا تدبّر درحجّ، عامل معجزه آسایی درگسترش این اندیشه درمیان همه ی مسلمانان است، بعلاوه چهارراه عظیمی برای تبادل اطلاعات ملتها از شرق وغرب وشمال وجنوب جهان اسلام است.

توصیه به مسلمانان حاضر در مراسم حج

من به همه ی برادران وخواهران مسلمان که درمحشر عظیم حج گردآمده اند متواضعانه توصیه می کنم که درحج تدبر کنند وآن دونکته ی اصلی را یعنی دل سپردن به خدا و نزدیک کردن خود به ذات مقدس الهی دراندیشه وعمل با عبودیت خالص وحقیقی ازیکسو واجتناب وبرحذر بودن از شیطانها ودشمنان راه وجهت الهی ازسوی دیگر، برای خود تأمین کنند وباروحی مجهّز به تقوا و دلی سرشار از اعتماد به خدا و روحی لبریز از امید به آینده ی امت اسلامی وتصمیمی راسخ درپیگیری هدف های اسلام و به قصد حاکمیت یافتن معارف وقوانین و فرهنگ اسلامی برجوامع مسلمان، به دیار خود بازگردند.

قدرت پوشالی دشمن نباید چشمها را خیره کند

قدرت پوشالی دشمن، نباید چشم ها را خیره سازد. آنان از تفرق و ضعف روحیه ی مسلمین استفاده می کنند و قدرتی دروغین برای خود در برابر چشم ساده اندیشان

می نمایانند. استکبار در همه ی صحنه هایی که مسلمانان به راستی در برابر زورگویی آنان ایستاده اند شکست خورده یا در مقاصد خود ناکام گردیده است. نگاهی به ایران اسلامی که به حول وقوه ی الهی درمواجهه باحجم عظیم وافسانه یی خصومتهای امریکا و همدستانش در طول شانزده سال گذشته پیروز بیرون آمده و امروز از همیشه مقتدرتر، موفق تر، بانشاطتر وامیدوارتراست، ثابت کننده ی این مدّعا است. امروز امریکا که پرچمدار استکبار در مبارزه اش با حرکت بیداری اسلامی است نه تنها دراین مبارزه ی ناعادلانه، سرشکسته و ناموفق است که خود در درون خود نیز از لحاظ اقتصادی و امنیتی وسیاسی با مشکلات بزرگ و لاینحل روبه رو است. کمااین که درتلاشهای ابرقدرتانه ی خود هم که به گمان باطل سردمداران خام و مغرور امریکا، ازحقوق ابرقدرتی آنان است! طعم تلخ شکستهای پیاپی را چشیده است وان شاءاللّه درآینده هم خواهد چشید. نگاهی به وضع فلسطین و خواب خوش ولی تعبیرنشده ی حلّ مسأله فلسطین که اکنون به گره ی دشواری بدل شده است، یا به شرق افریقا و خروج مفتضحانه و منفورانه ی نیروهای امریکا ازسومالی، یا به اروپا ونقش خنثی وبی خاصیت امریکا در قضایای بالکان، یا به تلاش دریوزه گون و بی پاسخ امریکا در چهارگوشه ی دنیا برای قطع روابط تجاری همه ی کشورها با ایران، یا به تکاپوی زشت و نفرت انگیز امریکا برای متهم کردن ایران در حوادثی همچون حادثه ی آرژانتین سرانجام رسوایی آنان با روشن شدن حقایق، وقضایای دیگر ومتعددی از این قبیل اثبات می کند که قدرت فائقه ی ادّعایی استکبار، مانند بسیاری از مدّعاهای آنان چون طرفداری ازحقوق انسان وامثال آن، سخنی پوچ است.

مسلمانان درصورت عزم وایستادگی ومعرفت، از استکبار قوی ترند. نیروهای استکبار درعرصه ی مسائل انسانی به ضعف های مفرط وبی علاج، دچارند وهیچ جمعیّت ودولت و بخصوص ملّت دارای تصمیم راسخ واندیشه ی روشن- چه رسد به امت بزرگ اسلامی- نباید ازآنان بیمی به دل راه دهد.

در پایان بار دیگر همگان را به تدبّر در یکایک اعمال و شعائر حج و نیز به استمداد از قدرت لا یزال الهی و تمسک به حبل اللّه دعوت می کنم و

امیدوارم کسانی که دل در گرو استضائه از انوار الهی حج دارند، مورد تأئیدات و تفضلات الهی قرار گرفته و مشمول ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیّه اللَّه الاعظم(ارواحنا فداه و عجّل اللَّه فرجه) گردند و با حج مقبول و دعای مستجاب و ذخیره ی ارزشمند معنوی به دیار خود باز گردند.

والسّلام علیکم ورحمهاللَّه

چهارم ذیحجهالحرام ۱۴۱۵ برابر با چهاردهم اردیبهشت ۱۳۷۴

علی الحسینی الخامنه ئی

بیانات در دیدار با آقای ری شهری و اعضای بعثه ی حج(۳۰/ ۲/ ۱۳۷۴ ه. ش.)

بیانات در دیدار با آقای ری شهری و اعضای بعثه ی حج

اشاره

(۳۰/ ۲/ ۱۳۷۴ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

زبان ما از شکر نعمتهای پرورگار قاصر است

اولًا باید عرض کنم که زبانهای ما از ذکر، و دلهای ما از فکر و احصاء قلبی و شکر نعم پروردگار قاصر است. این کار عظیمی که امسال به همّت شما آقایان انجام گرفت، این حجِ مقبول و عزیز، همراه باعظمت، عزت، شوکت اسلام، مسلمین و جمهوری اسلامی، نعمت پروردگار بود. القای این افکار به اذهان شریفه ی آقایان، قوّت و عزم دادن و قاطعیت بخشیدن به شما در اجرای این کارهای دشوار و خطرناک، لطف الهی است. ما همین طور از دور این الطاف الهی را نگاه می کردیم تا آنجایی که می توانستیم احصاء می کردیم، می دیدیم که واقعاً وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لا تُحْصُوها الطاف خداوند قابل شمارش نیست. انسان نمی تواند واقعاً شکر بگزارد، جز اینکه به قصور، کوتاهی، ضعف، انکسار و حقارت خودمان در مقابل عظمت این نعمت های پروردگار اعتراف کنیم و بگوییم: «مَا بِنَا مِنْ نِعْمَهٍ فَمِنْکَ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ». امیدواریم که خدای متعال نعمتش را بر این امت عزیز، مردم خوب و شما برادران فعال، فداکار و زحمتکش مستدام بدارد.

ان شاءاللَّه هر سال، همیشه و در همه ی میدانها این توفیقات را به ملت ایران ارزانی بدارد.

قبول الهی؛ بزرگترین پاداش شما

در مرتبه ی دوم، حقیقتاً خیلی دشوار است که انسان بتواند از شما آقایان؛ جناب

آقای ری شهری با این همه تلاشها و فعالیت و حسن نظر نسبت به مسأله و تصمیم گیری بجا وبموقع و همچنین همه ی آقایانی که در این کار به نحوی از انحاء چه در تصمیم گیری و تمهید مقدمات، چه در عمل و اجرا با ایشان همکاری داشتند، سپاسگزاری کند. از بس که این زحمات شما باارزش و بزرگ است، انسان احساس می کند که نمی شود واقعاً به آسانی از شما تشکر کرد. اجمالًا عرض می کنیم که خیلی متشکریم. خداوند ان شاءاللّه به شما اجر بدهد و از شما این زحمات را قبول بکند. قبول الهی بزرگترین پاداش شماست.

طبیعتِ بعضی از اعمال، نشان می دهد که مقبول پروردگار هم هست. الآن جناب آقای ری شهری برای من نقل می کردند که بعضی می آیند و اظهار علاقه می کنند، استفسار می کنند که برائت کی است؟ یا در محل رمی یا در جاهای دیگر از امریکا اظهار برائت می کنند. این صدای برائت، یک روز غریب بود. یک وقتی آن سالهای اول انقلاب حتّی گاهی اوقات کسانی که از کشور ما نبودند، می دیدند که مسلمانهای مؤمن و انقلابی اظهار برائت می کنند، به آنها می گفتند که چه خبر است دیگر، مثلًا اظهار ناهماهنگی هم می کردند. بنده هم خودم این را در یک سفر که سال اول انقلاب چند روزی مشرّف شدم، در مواردی مشاهده کردم، بعد هم از دیگران می شنیدم. دأب امام رضوان اللّه علیه این بود که وقتی انسان حرف حق را می زند، باید پایش بایستد. والّا صرف انداختن حرف حق در فضا و رهاکردن و رفتن کافی نیست. باید پای این بذر بنشینید تا سبز بشود.

خود آن بزرگوار پای دانه، دانه ی بذرها نشست تا این جور شجره ی طیبه ای را که أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ به وجود آورد. خودش ذره، ذره کارها را دنبال کرد.

خوب، طبعاً آثار و نتایج تاریخ این استقامت، دنبال گیری و دؤوب در این عمل را خدای متعال می بخشد. الحمدللّه.

باید نواقص را برطرف کنیم

البته همان طور که فرمودند نقصها زیاد است. بعضی از نقصها را ما می دانیم و بعضیها را نمی دانیم. باید حتّی بگردیم نواقصی را که هست پیدا کنیم و روزبه روز آن نواقص را برطرف کنیم. خوب، اینکه شما می فرمایید، دشمنها دارند علیه شیعه

تبلیغات می کنند، روشن شد که مطلب چیست. دشمن با عکس العمل و حساسیتش نسبت به یک بخش از کار ما، خودش را لو می دهد و نشان می دهد که بخش مؤثر در کار ما کجاست. پس معلوم شد که آن چیزی که دشمن از آن می ترسد، تفکر و دید شیعی و انقلابی است. به همین خاطر می خواهد آن را در ذهنها مشوّش و مغشوش کند تا بگوید کسانی که این کارها را می کنند، آدمهای بی ریشه ای هستند. پس آن نقطه، نقطه ی حساسی است. ما بایستی به آنجا به عنوان نقطه ی حساس، توجه مضاعف بکنیم.

طبیعت انقلاب، حمله است

امام قدس سره می گفتند: «هر وقت دشمن یک حساسیتی نشان می دهد(این را هم به زبان مکرراً گفتند، هم عملشان این جوری بود) ما باید از حساسیت دشمن بفهمیم که باید روی چه چیزی حساسیت داشته باشیم». چیزی را که او خیلی از آن بدش بیاید، ما خیلی به آن احتیاج داریم. ما هم همین کار را می کنیم. الحمدللّٰه بیان ما که از آنها ناقص تر، حجّتمان ضعیف تر و توانایی مان کمتر که نیست. ما هم می توانیم. آنها دارند عکس العملی کار می کنند. در حقیقت ماشروع کردیم. انقلاب شروع کرده. همه در مقابل انقلاب مدافع اند. انقلاب که لزومی ندارد از خودش دفاع کند. انقلاب باید حمله کند.

طبیعت انقلاب حمله است. حالا این حمله را ادامه بدهید. خیلی خوب، حالا بعد از این راجع به عقاید شیعه به بهترین بیان، به ابلغ وجه و زیباترین شکل، کار درست انجام دهید.

کارهای کوچکِ در دسترس و جزوه های چند صفحه ای را به تیراژ میلیون، در اختیار افراد قرار بدهید. لازم است که ما این جوری، میلیونی حرکت بکنیم. ... این یک نکته.

حج را باید به اهدافش نزدیک کرد

نکته بعد به نظر من این است که حج را باید به طرف اهدافش نزدیک کرد. یکی از بزرگترین هنرهای امام قدس سره این بود. امام حج را به طرف مواضع اصلی خودش بردند. ما باید نگاه کنیم ببینیم کجای حج از آن حجِّ نبوی و ولوی فاصله گرفته، آن جا را فشار بگذاریم و نزدیک کنیم. اعمال حج عبارتند از: قضیه ی برائت، مسأله ی وحدت

اسلامی، مسأله ی اشاره به افکار عالی اسلامی و تبلیغ و توجیه آن، مسأله ی زهد و ریاضت. حج، برای زهد و ریاضت است. آدم وقتی در روایات و اعمال حج نگاه می کند، می بیند اصلًا برای این است که انسان برود آنجا ریاضت بکشد. اصلًا حج جای خوشگذرانی نیست. حالا اگر کسی می خواهد خوشگذرانی کند یک جور دیگر سفر کند، یک زیارتی هم بکند. حج جایی نیست که انسان متنعم بشود و راحت برود و بیاید.

آنجا باید مُغبرّالوجه و مغبرّالشَّعر باشد. آفتاب روی انسان را بسوزاند و موهایش را ژولیده کند. لباس زیبا و عطر نداشته باشد. از بوی متعفن اجتناب نکنند بلکه از بوی طیّب اجتناب بکنند. در حج همه ی وسایل فشار و ریاضت الهی برای یک مدّت محدود و کوتاه فراهم است. مجموع اعمال حج سه، چهار روز بیشتر نیست. در این مدّت انسان باید یاد بگیرد که چه کار بکند. نمی شود فرض کنیم که لباس، مرکب و رفتار انسان تجملاتی نباشد، اما خوراکش، یک خوراک اشرافی درجه یک باشد. این باور کردنی نیست. اصلًا ظاهراً مثل تناقض صدر و ذیل با هم نمی سازند. ...

حج را به سمت ریاضت انتخابی ببرید

به نظر من یک مقداری حج را به سمت یک ریاضت انتخابی ببرید. یک وقت است که حجاج را بدون نان، آب، هتل و سرپناه رها می کنیم. این خیلی بد است. یک وقت هم برنامه ریزی می کنید که حالا یک مقدار در عسرت و ریاضت زندگی کنید. به خودمان هم می گوییم، به آنها هم می گوییم، اول هم خودمان در ریاضت زندگی می کنیم. اولین کسی که مرتاضانه زندگی می کند، خود ما خواهیم بود و بعد مردم هم یاد می گیرند و عادت می کنند. ان شاءاللَّه به این سمت نزدیک بشوید. ان شاءاللَّه امیدواریم آن نفس شریف امام قدس سره و ادعیه ی زاکیه حضرت بقیهاللَّه همچنان پشتوانه ی کار باشد. دخالت دست قدرت پروردگار که همان عنایات ولی اللَّه الاعظم ارواحنا فداه است، در همه ی قضایا بخصوص در قضیه ی حج که به احتمال قریب به یقین خود آن بزرگوار هم آنجا حضور دارند و از نزدیک شاهد و ناظرند، از اوضح واضحات است. اذان شد و دیگر وقت نماز است. ان شاءاللَّه که آقایان موفق و مؤید باشید.

بیانات در دیدار با امیر الحاج و سرپرست حجاج ایرانی و مسؤولان بعثه و جمعی از دست اندرکاران سازمان حج و زیارت

اشاره

(۱۵/ ۱/ ۱۳۷۵ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيْمْ

حج، برای امت اسلامی عید است

آقایان عزیز و برادران فعال در یکی از مهمترین امور مسایل اسلام و نظام جمهوری اسلامی! خیلی خوش آمدید. امیدواریم که خداونـد، این تلاش و مجاهـدت را از شـما قبول بفرماید و به آنچه که رضای او در آن است، هدایت و کمک کند و عافیت و فضل خودش را، در همه ی احوال شامل حال شما قرار بدهد.

این موسم، به خاطر نزدیکی زمان حـج، همه ساله موسم شادمانی ملت ماست. حـج، برای امت اسـلامی عیـد است و حادثه یی می باشد که از اول تا آخر آن، معنا و مضـمون عید و خیرات و برکات در آن است. همچنان که در آیه ی مبارکه ی: لِيَشْهَدُوا مَنـافِعَ لَهُـمْ آمـده اسـت، در این سـفر و عبـادت و اعمـال پیچیـده و مرکب و پرمعنـا، منـافع مـادّی و معنـوی برای امت اسـلام- بخصوص برای حجاج- منـدرج و متضـمن شـده است. لذا وقتی نزدیک به این مراسم می شویم، همه ی مردم- چه آن کسانی که به این معنـا توجه دارنـد و چه آنهـایی که عازم سـفرند و چه کسانی که مسافر دارنـد و چه آنهایی که با برکات حـج آشـنا هستند- حقیقتاً احساس شادمانی می کنند.

شکر نعمت فرایض الهی

من هم از خدای متعال شاکرم، به خاطر این که این فریضه را بر ما قرار داد. اولین

شکری که بایـد بکنیم، شـکر فرض این فریضه است. حکیم عزیز علیم، مصالـح مـا را ملاحظه فرمود و درست بر طبق نیاز و در چـارچوب اسـتعداد و توانایی ما، این فریضه را بر ما قرار داد. یکی از شـکرهایی که ما همیشه بایـد بکنیم، شـکر نعمت فرایض الهی است.

باید این واجبات الهی را شکر بکنیم. نباید شکر این نعمت بزرگ- از جمله حج- مغفولٌ عنه بماند.

همچنین بایـد شـکرگزاری کنیم که بحمـداللّه در جمهوری اسـلامی و به برکت این نظام، خیلی از چیزهای فوت شده ی ما در قبـل از انقلاب، به مـا برگشت. «حـج» هم در این نظـام به ما برگشت. نمی گوییم کسانی که قبل از انقلاب به مکه می رفتنـد، حج نمی کردند.

آن وقت هم مؤمنین و صـلحا و مخلصانی بودنـد که به حـج می رفتند و بهره ی خود را از آن می بردند. حجِ افراد بود؛ اما حجِ جامعه ی اسـلامی و امت نبود و اسـتفاده ی جمعی از آن نمی شد. هر کسی به قدر همت و ظرفیت خود- اگر کاسه ی گدایی را پیش برده بود- چیزی می گرفت و بر می گشت. بعضـیها هم دست خالی بر می گشتند. امروز مسأله، مسأله ی خود آن حج کننـدگان و حـج گزارنـدگان نیست؛ مسـأله ی امت است که اسـتفاده می کنـد. مثل این مورد، خیلی چیزهای دیگر هم وجود دارد.

هزار ماهی که در آن لیلهالقدر نیست

فرمود: لَیْلَهُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَـهْرٍ لیس فیها لیلهالقدر. هزار ماهی که در آن لیلهالقدر نیست. مسلّم در هزار ماه متوالی، دهها لیلهالقدر هست؛ اما آن لیلهالقدر نیست.

لیلهالقـدری که در آن امـام نیست و و تَنَزَّلُ الْمَلائِکَهُ وَ الرُّوحُ نیست یا اگر تنزّل ملائکه هست، مردم از او اسـتفاده نمی کننـد؛ این چه لیلهالقـدری است؟ لیلهالقـدر برای کسـانی است که آن را دارنـد. در زمـان حکـومت بنی امیه، لیلهالقـدری برای مردم وجود ندارد و کسـی از آن اسـتفاده نمی کند. خود امام و خواصـش، از آن استفاده می کنند. این، غیر از آن لیلهالقدری است که امت اسلام از آن استفاده کنند.

ما واقعاً لیلهالقـدر نـداشتیم. ما جماعت و جهاد و حـج و امر به معروف و نهی از منکر و خیلی چیزهای دیگر هم نـداشتیم. تنها مسأله ی ولایت عملی و فعلی و مجسم و مجسد

در حیات اجتماعی و زندگی نبود که نداشتیم؛ خیلی چیزهای دیگر بود که از برکات ولایت است- مثل حج- ولی آن را نداشتیم. حج هم از برکات ولایت و برای ولایت است و به خاطر آن است که تحکیم عمود دین بشود. حج، خیلی فواید و برکات دارد که بحمداللّه امروز زمینه فراهم است. این، شکر الهی را لازم دارد. باید شکر کرد و بزرگترین شکر هم همین است که از این فرصت استفاده بشود و هیچ کس کمترین امکانی را فروگذار نکند و ضایع و مهمل نگذارد.

از دست اندرکاران حج تشکر می کنم

ما باید حقیقتاً از آقایان محترم و از شخص جناب آقای ری شهری هم تشکر کنیم.

من به سهم خود، به عنوان یک خدمتگزار کوچک، واقعاً متشکرم. مجموعه یی که برای حج فراهم شده است، متشکل از علما و مجتهدان و فضلا و بزرگان و مسؤولان کارآمد در کشور و کارآمدان و مجرّبان و فعالان عرصه ی سیاسی و اداری کشور می باشد. ایشان، بحمداللّه یکی از بهترین مجموعه ها را در این خصوص فراهم کرده اند. این هم جای سپاسگزاری از ایشان و از یکایک همه ی شما آقایان عزیز است که امیدواریم روز به روز کاملتر بشود.

نمی توانیم ادعا کنیم حج ما کامل است

البته، ما ادعا نمی کنیم حجی که بجا می آوریم، حج کاملی است. نه، کمال چیزی نیست که به عقل و تصور ما بگنجد. شما حجی را که وجود مقدس ولیّ اللّه الاعظم(سلام اللّه علیه و ارواحنافداه) در آن حضور دارد و خودش حج می کند و مردم پروانه وار گرد او می گردند و از اشاعه ی بیاناتش، جانها و روحها و ذرّه ذرّه ی وجود استفاده می کنند، در نظر بگیرید که واقعاً کامل است. ببینید ما چه قدر با آن حج فاصله داریم. ما هم به قدر توان، بایستی بال و پری بزنیم و حرکت و تلاشی بکنیم. البته، باید روز به روز چیزهایی را که در اختیار ماست، تکمیل کنیم.

برائت، جزو حج است

این مسأله ی برائت که اشاره شد، حقیقتاً جزو حج است و لازم نیست که در روایات جزو فروع حج آمده باشد. چیزهایی وجود دارد که معنای حج و روح و مضمون حقیقی یک عبادت و عمل و فریضه ی الهی است و نمی شود این را از آن منفک کرد. اهمیت این، از یکایک فرایض بیشتر است. هر یک از این فرایض، چنانچه فوت شد، ممکن است به نحوی آن را جبران کرد یا مثلًا اضطراری آن را بجا آورد؛ اما آنچه روح یک عبادت محسوب می شود، قابل تفکیک از آن نیست.

حج؛ مظهر توحید الهی

بنابراین، در مسأله ی برائت و این که حج باید مظهر توحید باشد، تردیدی نیست.

حج مظهر توحید الهی است. توحید دو جزء دارد که یک جزئش برائت است؛ برائت از «اندادالّله» و کفار و از عبده ی اوثان و اصنام. در این، تردیدی نیست. اوثان و اصنام هم، که فقط «لات» و «عزّی» و «هبل» نیستند. سران استکبار و طاغوت و کفر و فتنه انگیزان عالم، بزرگترین بتهای زمانند. کفر به اینها که اوجب از کفر به بتهای بی جان و بی روح و بی توان است. در این که شکی نیست. بنابراین، امروز برائت از استکبار و صهیونیسم و کفر و الحاد جهانی و برنامه های اینها و فعالیتی که علیه اسلام و مسلمین می کنند، جزو مسایل مسلم حج است.

ما مظهر این کار را در اجتماع خودمان دانستیم. این اجتماع را هم بر پا خواهیم کرد.

اگر روزی عقل ما به مظهری اوفی و اظهر و ابلغ از این رسید، این را رها خواهیم کرد و آن را خواهیم گرفت؛ لیکن چنین چیزی نداریم. ما امروز هر چه نگاه می کنیم، می بینیم که مظهر این برائت، همین تجمع و دور هم گرد آمدن و سخن برائت را بر زبان آوردن است. ...

بالاخره ما این اجتماع را تشکیل می دهیم. این، قابل تفکیک نیست. نهایتاً باید این مُظهر و مَظهر آن واجب و آن روح اصلی عبادت، به نحوی حصول تحقق پیدا کند؛ هر طور هر چه که باشد. «المیسور لایدرک بالمعسور». آنچه که ممکن است، ما آن را بجا

می آوریـم. آنچـه که برای مـا حکمش بـاقی است، آن را عـوض قرار می دهیم از آنچه که حکمش به خـاطر اضـطرار بقیه ی موانع، زایل شده است. بنابراین، نباید تردید کرد. ...

نمی شود برائت نداشته باشیم

مطلقاً این حرف قابـل قبول نیست که آنها فکر کننـد روزی فرا خواهـد رسـید که ما برائت نداشـته باشـیم. نه، نمی شود که ما برائت نداشته باشیم. می شود طواف نداشته باشیم؟ این که گفتیم به یک معنا از طواف هم بالاتر است. بنابراین، این تشکیلات هست و البته مـا به درایت و عقـل و کاردانی و حکمت جناب آن ری شـهری و همکاران محترم و عزیزشان و آن مجموعه یی که آن جـا هسـتند و تصـمیم گیری می کننـد و آنچه را که به هر شـکلی مناسب بود، انجام خواهنـد داد، مطمئنیم؛ لیکن به هر حال باید این کار انجام بگیرد.

در حج، چه کاری باید از ما صادر شود؟

عزیزان من! آنچه که ما بایـد در حـج بیان کنیم، خیلی مهم است. چه چیزی بایـد از ما صادر بشود؟ این، به نظر من جای خیلی بررسی و تأمل دارد. من می دانم که برادران در بعثه و مسؤولان محترم حج، از سال قبل که از سفر مبارک حج برگشتند، برای این مسایل مشغول برنامه ریزیند و یقیناً ذهن و فکرشان، به جاهای خوبی منتهی شده است که حتماً ارزشمند می باشد و آثار و برکاتی دارد. حالا آنچه که به ذهن قاصر من هم می رسد، اجمالًا در این جا مطرح می کنم، برای این که معلوم باشد.

حاکمیت اسلام و قرآن در ایران

امروز، حقیقـتی در عـالم واقع و خـارج تحقـق پیـدا کرده است که بعـد از صـدر اسـلام تـا امروز، نظیر و شـبیهی نـدارد و آن، حاکمیت اسـلام و قرآن و حکومت علم و تقوا و فضایل اسـلامی است. این، شوخی ندارد. شما نگاه کنید ببینید، بزرگانی مثل «علامه ی حلی» که پادشاه مغول را به طمع هدایت و بعد به خاطر آن خُشاشه یی که از هدایت در وجود او

پیدا شده بود و آن نور ضعیفی که تابیده بود، چه خود کُشانی می کردند و اسم پادشاه مغولی را در مقدمه ی کتاب می آورد. یا حکومت صفویها که البته آنها به ایران و اسلام و تشیع، خیلی خدمت کردند. حالا یک عده عادت کرده اند که تا از هر جا حرف شروع می شود؛ منتهی به این کنند که به صفویه بدگویی نمایند. صفویه حق حیات به گردن ما دارند. شما این را بدانید. اگر آنها مردمان فاسقی بودند، بین خودشان و خدا، به نتیجه ی آن خواهند رسید و اگر مردمان بدی بودند، خدا با آنها هر کاری می خواهد بکند، بکند؛ لیکن آنها برای ما مفید بودند. اگر آنها نبودند، معلوم نبود من و شما امروز چه فکر می کردیم و از اسلام چه می فهمیدیم. بنابراین، صفویه انصافاً کار خیلی بزرگی را در این کشور انجام دادند. «جزاهم اللّٰه عن الاسلام و اهله خیرالجزاء».

لیکن اگر شما به واقعیت زندگی صفویه خوب نگاه کنید و شخصیتهای صفویان را با یک حکومت و حاکم حق اسلامی مقایسه کنید، خواهید دید که زمین تا آسمان، با آن فاصله دارند. بهترینشان که «شاه طهماسب اول» است، شما ببینید که با یک عالم دین چقدر تفاوت دارد. چه قدر فاصله است بین آن کسی که امر و نهی و حکم دست اوست و آن کسی که باید باشد و شرطش علم و آگاهی از دین و عدالت و تعبد است.

خیلی فاصله دارند؛ در عین حال شما ببینید که علمای بزرگ آن روز، با آنها و تبعه شان چه کردند.

«شیخ بهایی»، آدمی به آن عظمت که به نظر من، با الفاظ قابل بیان نیست، یا کسی مثل میرداماد یا مثل علامه ی مجلسی، یا کسی مثل صاحب ذخیره محقق سبزواری و دیگران و یا حتی مثل محقق ثانی و محقق کرکی، ببینید که اینها به خاطر همان رقیقه یی از حقیقت که در وجود آنها و در حکومتشان بود، برای سلاطین صفویه چه کردند.

حکومت آنها را با حکومت اسلامی در امروز که مُرّ حقیقت و لبّ قرآن و احکام الهی در حد فهم و استنباط امروز فقها و علمای ماست، مقایسه کنید. ما که البته به صفحه ی غیب نظری نداریم و آشنا با غیب هم که نیستیم. امروز، همانی که طرق استنباط احکام الهی است، اجرا و بیان می شود. ببینید وجود چنین چیزی چه قدر در دنیا اهمیت دارد. این، بالاترین چیز است.

همه چیز تحت الشعاع حفظ نظام است

این که امام قدس سره فرمودند: همه چیز تحت الشعاع حفظ نظام است، این به خاطر همین است والّا شما خیال نکنید که امام انسانی بود که آن گوشه نشسته بود و ضعفهای نظام را نمی دید و احیاناً خلافهایی که انجام می شد و کوتاهیها و بدکرداریها و بددلیهایی که صورت می گرفت، از اینها غافل بود. خیر، او بیشتر از خیلی ها هم می دانست. در عین حال، حفظ آن نظام را با همان طور آدمها، اوجب واجبات دانست و بر این زندگی و حکومت کرد و بر همین، خدا را ملاقات نمود و بلاشک بر همان طریق، از پروردگار عالم ثواب الهی و اجزل ثوابها را گرفت.

نظام اسلام، خود را در دنیا نشان داده است

این نظام، شوخی نیست. این نظام و حقیقت درخشان، مثل الماس درخشانی است که لازم نیست از آن تعریف کنند. الماس، درخشندگی دارد. کسی هم که اسم الماس را نشنیده است، اگر در بیابان یک تکه الماس پیدا کرد، آن را با یک تکه سنگ خارا فرق می گذارد، ولو نمی داند که اصلًا الماس چیست و قیمتش چه قدر است. اگر به او بگویند یکی را بردار، بلاشک الماس را برخواهد داشت و او را نگه خواهد داشت. الماس این گونه است و درخشندگی دارد. به همین خاطر است که شما می بینید در افریقا و امریکای لا-تین و اروپا و آسیا، در زیر سایه ی سنگین و شوم حکومت استکبار و حتی در خود ایالات متحده ی امریکا، عده یی نسبت به امام و این نظام، عاشقانه حرکت کرده اند و حرف زده اند و نوشته اند و خطر قبول کرده اند و زندان رفته اند و تا امروز هم کارشان همچنان بر این اساس باقی است. این، برای چیست؟ برای این است که آن حقیقت درخشنده یی که در این جا تحقق پیدا کرده است، خودش را در دنیا نشان می دهد؛ با این که این همه هم علیه آن حرف زده اند و هنوز هم حرف می زنند.

شما بایستی حج را به جمیع اجزا و خصوصیاتش، حاکی از این نظام قرار بدهید.

این، آن پیام اصلی است. کار اصلی این است. حالا- ببینید چه طوری می شود این کار را کرد. البته، شما قطعاً برنامه ریزی کرده اید. باید رفتار اشخاص و حجاج و رفتار مسؤولان

با مردم و نیز عبادت و سیاست، همه حکایت از معنویت و رشد و پیشرفتگی و ترقی خواهی و اهداف عالیه ی نظام بکند.

به دنیای اسلام احتیاج دارند

امروز، دنیا بخصوص به نهایت دنیای اسلام احتیاج دارد. الآن شما ببینید اسرائیل یک حکومت غاصب قطعی است و واقعاً «لاریب فیه» است. معنای «ریب»، شک قائم به نفوس اشخاص نیست؛ یعنی هیچ حرف وسوسه یی و هیچ غباری در اطرافش نیست.

امروز، غاصب بودن اسرائیل این گونه است. واقعاً هیچ کس نمی تواند هیچ مستمسکی ذکر بکند که از آن بشود استفاده کرد که اسرائیل غاصب نیست. افراد و دولتهایی هستند که می گویند اسرائیل غاصب است؛ اما آمده یک کشور مثلًا خراب شده ی لم یزرعی را آباد کند! آنها حالا دارند زندگی می کنند، آنها مترقی و اروپایند و فرهنگ غربی دارند؛ بگذارید بمانند! والّا کسی ادعا نمی کند که اینها عن حق به این جا آمده اند.

در حقیقت، صهیونیستهای امریکا و انگلیس و فرانسه و اروپا و شرق و غرب دنیا به این جا آمده اند و زندگی می کنند. به هر حال، آنها غاصبند. یک حکومت غاصب، با کسانی که خودشان را مغضوب عنهم می دانستند و سالهای متمادی کسی حق نداشت اسم فلسطین را بیاورد و می گفتند قضیه ی ماست! کارش به این جا رسیده است که حالا به کشورهایشان می رود و از او استقبال می کنند و آغوش باز می نمایند و او را بغل می گیرند و با هم عکس بر می دارند و افتخار هم می کنند که این قدر بدند! خیلی انحطاط لازم است که این عمل صورت گیرد. البته، این انحطاطِ دولتهاست، انحطاطِ ملتها نیست؛ اما ملتها به منشأ الهامی احتیاج دارند تا بفهمند و بدانند که چه دارد اتفاق می افتد.

بزرگترین غصه ی دنیای اسلام

خلیج فارس- یعنی در واقع مرکز حیات اقتصادی دنیای اسلام- چنین وضعی دارد.

این زایده ی جهان اسلام و این انگل و غده ی بدخیم، به این اکتفا نکرد که یک تکه زمین را بگیرد و تصرف بکند؛ حالا مشغول شده است که خودش را به شریانهای اصلی حیات

اقتصادی در دنیای اسلام بچسباند و این مادّه ی حیاتی را بمکد. راهش هم این است که با اینها ارتباط برقرار کند و تماس اقتصادی بگیرد و کارهای اقتصادی انجام دهد.

یکی از سران خود باخته ی مزدور عرب در چند ماه قبل از این، همین حقیقت را بیان کرد و گفت: در صلح با اسرائیل، مادامی که این مسأله ی اقتصادی با اسرائیل حل نشود، نقشی بر روی کاغذ است و ارزشی ندارد. راست هم گفت. اصل قضیه این است که اسرائیل، منابع اقتصادی را بمکد. او در این فکر است و دارد قدمهای اولیه را بر می دارد و موفق هم شده است. این اقدام، برای دنیای اسلام عزا و مایه ی غم است. این، بزرگترین غصه برای دنیای اسلام است. مسلمین می فهمند که چه دارد می گذرد و چه دارد اتفاق می افتد؟ آیا می دانند که با فشار امریکا و حکام خود فروخته ی مزدور آن و با پشتوانه قرار دادن علم و صنعت و پیشرفت و تکنولوژی و ثروت برای یک هدف سیاسی این قدر پست و ننگین و لئیمانه، چه اتفاقی دارد در دنیای اسلام می افتد.

حج؛ گنج پایان ناپذیر

مسلمین باید این واقعیات را بدانند. اینها را از کجا بدانند؟ یکی از طرق و منافذ و منابر ما «حج» است. باید برنامه ریزی بشود. البته هوشیاری و ظرافت لازم است. چگونه عمل کردن، در موفق شدن خیلی نقش دارد. غرض، «حج» این طور چیزی است. به نظر من، «حج» گنجی لایفنی است. تمام مشکلات دنیای اسلام، از طریق حج قابل رفع است.

اعتقاد من این است که هم مشکلات سیاسی و هم مشکلات معنوی و انسانی و هم حتی مشکلات اقتصادی دنیای اسلام، به برکت حج قابل حل است. آن روزی که در دنیای اسلام، چند دولتِ حقیقتاً مؤمن به اسلام و حج وجود داشته باشد، می توان از طریق حج، حتی مشکلات اقتصادی دنیای اسلام را هم برطرف کرد.

ما به سمت فرج حرکت می کنیم

ما باید امروز این زمینه را نگه داریم. البته، حالا چنین امکانی نیست؛ اما نباید بگذاریم این زمینه از دست برود. باید این زمینه را نگه داریم. این حالت ترغب و انتظار

را بایـد حفظ کنیم. تا ان شاءاللّه لَعَلَّ اللّهَ یُحْـدِثُ بَعْدَ ذلِکَ أَمْراً. مسـلّماً خدای متعال فرج را پیش روی ما قرار داده است. ما به سمت فرج حرکت می کنیم؛ در این که تردیدی نیست.

هر قدمی که ما بر می داریم و هر نفسـی که این ملت می کشد، نفسـی به سـمت رسـیدن به فرج است. انتظار و عاقبت و فرجام کار ما، فرج است. ما به سـمت فرج حرکت می کنیم؛ پس بایستی با شوق و امیـد بیشتری حرکت نماییم. به هر حال، هر کاری که در این زمینه بکنید، با ایمان و ثبات و اطمینان به این که خدای متعال اثر خواهد داد، یک حسنه و ثواب بزرگ است.

ان شاءاللّه خدای متعال، شـما را مأجور و مثاب خواهد داشت. امیدواریم که خداوند این زحمات را از شما قبول بفرماید و حج مقبولی برایتان مقـدر فرموده باشـد. خداونـد برای همه ی کسانی که آرزومنـد این سـفر هسـتند، تسـهیل و تیسـیر فراهم کند تا بروند آنها هم زیارت کنند. ان شاءاللّه شما هم بتوانید بیشترین بهره را از این سفر معنوی بگیرید و با دست پر برگردید.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُه

پیام به مناسبت برگزاری کنگره عظیم عبادی سیاسی حج(۴/ ۲/ ۱۳۷۵ ه. ش.)

پیام به مناسبت برگزاری کنگره عظیم عبادی سیاسی حج

اشاره

(۴/ ۲/ ۱۳۷۵ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ والحمدللَّه ربّ العالمین و صلّی اللَّه علی سید الأوّلین و الآخرین محمّد المصطفی و آله المیامین و السّلام علی بقیهاللَّه فی الأرضین.

وجود دو گونه تهدید در محیطهای اسلامی

حج، سرچشمه ی جوشان تقوی و معنویت و خیر و برکت، همه ساله تا ابد، فیضان خود را بر جهان اسلام و بر یکایک مسلمانانِ موفق جاری می سازد تا هر کس و هر مجموعه، به اندازه ی ظرفیت و قابلیت خود از آن بهره بگیرد.

حجاج بیت اللَّه الحرام، تنها بهره مندان از این سرچشمه ی فیاض نیستند. اگر این فریضه ی عظیم به درستی شناخته و عمل شود ملتها و آحاد مسلمان در همه جای جهان، مشمول برکات آن خواهند شد.

افراد و مجموعه های بشری همواره از دو سو آسیب می بینند، اول از درون خود که منشأ آن ضعفهای بشری و هوسهای مهار گسیخته و تردیدها و بی ایمانی ها و خصلتهای منهدم کننده است، و دوم از دشمنان بیرونی که بر اثر طغیان و افزون طلبی و تجاوز و ددمنشی، محیط زندگی را بر انسانها و ملتها تنگ و فشار آلود می سازند و با جنگ و ظلم و تحمیل و زورگویی، بلای جان آنان می شوند.

محیط اسلامی- چه افراد و چه ملتها- همواره در معرض این دو گونه تهدید قرار

داشته و امروز بیش از همیشه قرار دارد. ترویج متعمدانه ی فساد در کشورهای اسلامی و تحمیل فرهنگ غربی که از سوی برخی رژیم های وابسته نیز به آن کمک می شود و از رفتار فردی تا شکل شهرسازی و محیط عمومی زندگی و مطبوعات و غیره را در بر می گیرد، از یکسو و فشارهای نظامی و سیاسی و اقتصادی بر بعض ملتهای مسلمان و کشتارهای لبنان و فلسطین و بوسنی و کشمیر و چچنستان و افغانستان و غیره از سوی دیگر، شاهد بارز وجود این دو گونه تهدید در محیطهای اسلامی است.

حج، آن شط همیشه جاری و آن عطیه ی بی زوال الهی است که مسلمانان تا ابد می توانند غبار رنج و مرارت و آلودگی و بیماری خود را در آن بسترند، و به کمک این ذخیره ی ابدی، هر دو نوع آسیب پذیر را در همه ی زمانها از خود دور سازند.

راه مقابله با تهدیدات

در حج، عنصر تقوا و ذکر و حضور و خشوع و توجه به حق متعال، متکفل مقابله با تهدید اول است و عنصر تجمع و وحدت و احساس عظمت و قدرت در امت بزرگ اسلامی که حج مظهر آن است، عهده دار مقابله با تهدید دوم.

هر چه این دو جنبه در حج تقویت شود، مصونیت و مقاومت افراد و جامعه های اسلامی در مقابل آن دو گونه تهدید، بیشتر خواهد شد. و هر گاه یکی از این دو جنبه یا هر دو، ضعیف یا منتفی گردد، به همان نسبت امت اسلامی- چه افرادش و چه ملتها و کشورهایش- آسیب پذیرتر می گردند.

در متون شرع مقدس اسلام و در نص قرآن کریم، به هر دو جنبه ی حج تصریح شده و برای چشم های بینا و دلهای با انصاف، جای تردید گذاشته نشده است. در کنار فرمان: فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آباءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْراً، دستور: وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِى ءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ (۱)

آمده، و هماهنگ با کریمه ی حکمت آمیز: لَنْ يَنالَ اللَّهَ لُحُومُها وَ لا دِماؤُها وَ لكِنْ يَنالُهُ التَّقْوى مِنْكُمْ كَذلِكَ

۱- توبه: ۳

سَخَّرَها لَکُمْ لِتُکَبِّرُوا اللَّهَ عَلی ما هَداکُمْ وَ بَشِّرِ الْمُحْسِنِینَ (۱)

آهنگ امید بخش: لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ نازل گردیده است.

هر توصیه و تبلیغ و کوشش برای کمرنگ کردن یا کنار گذاشتن هر یک از این دو جنبه، مقابله با آیات و فرامین قرآن کریم است.

هیچ خسارتی برای امت اسلامی، سنگین تر از آن نیست که تعالیم و رهنمودهای اسلام که ذخیره های حیاتی ابدی برای مسلمانان و همه ی بشریت است، دستخوش غفلت و جهالت رهبران دینی و سیاسی آنان گردد و مجال بهره مندی مردم از آن، سلب شود.

حج یکی از این ذخیره های ابدی است، و بر همه ی مسلمین واجب است که آن را بهتر شناخته و بیشتر مورد بهره برداری امت اسلامی قرار دهند.

جهان اسلام دچار مشکلات بزرگی است

امروز جهان اسلام دچار مشکلات بزرگ و تهدید کننده یی است که اگر مسلمانان با نیروی ایمان و مجاهدت و توکل و با همتهای بلند و چشمهای باز و استفاده از ذخائری که خداوند در این دین حنیف قرار داده است، این مشکلات را بر طرف نسازند دشمنان مستکبر اسلام که به سلاح قدرت سیاسی و نظامی و تکنولوژی مسلح اند، هر روز دائره ی مشکلات را تنگتر خواهند کرد و آزادی و نجات را برای ملتهای اسلامی باز هم دهها سال بلکه قرنها به عقب خواهند انداخت و شاید برخی ملتها را بکلی استحاله کرده، خصوصیت اسلامی آنان را با تحمیل و ترویج نیمه ی فاسد و مفسد فرهنگ غربی، بتدریج نابود خواهند ساخت.

تبلیغات دروغین، بسیاری از حقایق را واژگون می سازد

امروزه- پس از قیام جمهوری اسلامی در کشور ایران و شکوفا شدن نهضت بیداری اسلامی در بسیاری از کشورهای اسلامی- پرده از روی بسیاری از حقایق تلخ و

۱- حج: ۳۷

شیرین برداشت شده و افراد زیادی در سراسر جهان اسلام قادر بر تحلیل حوادث و فهم واقعیات اند. ولی باید قبول کرد که دست جادویی تبلیغ رادیو و تلویزیون و مطبوعات که در سطح جهان، عمدتاً از آستین صهیونیستها و همکاران غربی شان و احیاناً مزدوران ظاهراً مسلمان دولتهای مستکبر، خارج می شود، بسیاری از حقایق روشن را واژگونه می سازد. لذا بجاست که فهرست مجملی از مشکلات و نیز امکانات دنیای اسلام آورده شود:

استفاده از امکانات امت اسلامی

در بخش امکانات باید از جمعیت یک میلیارد و چند صد میلیونی مسلمین آغاز کرد که بیش از پنجاه دولت، و سرزمین گسترده یی در میانه ی اقیانوس آرام و اقیانوس اطلس را در اختیار دارند. در میان این جمعیت عظیم، ملتهایی که معروف به هوش سرشارند. و تمدنهایی که دارای سابقه ی چند هزار سال است، و شخصیتهای بارز علمی و سیاسی وجود دارند. این مجموعه که نامش امت اسلامی است دارای فرهنگی غنی با میراثی زخار و همراه با شکوفایی و درخشندگی استثنایی است و در عین تنوع و گوناگونی گسترده، از وحدت و هم آهنگی شگفت آوری بهره مند است که از احاطه و نفوذ اسلام و توحید خاص و خالص آن در همه ی اجزاء و ارکان و زوایایش، پدید آمده است. این ملتهای برادر و همدل که از نژادهای سیاه و سفید و زرد تشکیل شده و به دهها زبان سخن می گویند، همه خود را اجزاء برابر امت بزرگ اسلامی می دانند و به آن افتخار می کنند و همه روزه به یک مرکز رو کرده با یک زبان خدا را نیایش کرده، از یک کتاب آسمانی درس و الهام می گیرند. و آن کتاب آسمانی متضمن تبیین همه ی حقایق و مشتمل بر دستور همه ی نیازها و تکالیف آنهاست: وَ نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيْ ءٍ وَ هُدىً وَ رَحْمَةً وَ بُشْرى لِلْمُسْلِمِينَ (۱)

منطقه ی جغرافیایی این مجموعه ی بشری، یکی از غنی ترین- اگر نگوییم غنی ترین- سرزمینهای جهان از لحاظ منابع طبیعی است،

۱- نحل: ۸۹

و بطور ویژه منابع نفت آن پشتیبان تمامی چرخ و تمـدن ماشـینی امروز جهان است، یعنی اگر این مجموعه برای چنـد ماه نفت خود را به روی مشتریـان ببنـدد، بیشترین بخش جهـان و از جمله کشورهایی که دولتهای آنان از قرنها و هم اکنون، سرنوشـت ملتهای مسلمان را بازیچه ی آزمندی و زورگویی خود کرده اند، در تاریکی و سرما و واماندگی غرق خواهند شد.

بجز اینهـا، فهرست امکانات امت اسـلامی، مشـتمل بر صـدها عنوان و سـرفصل برجسـته ی انسانی، فرهنگی، مادی و اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که هر کسی با ژرف بینی و بازنگری می تواند از آن آگاه شود.

فهرست مشکلات بزرگ امت اسلامی

اکنون به مشـکلات بزرگ این مجموعه ی عظیم- یعنی امت اسـلامی- نظر بیفکنیم؛ مشکلاتی که موجب شده است این واحد پر اسـتعداد، نتواند از آنهمه امکانات استثنایی و کارساز بهره ببرد و در نتیجه ملتها و کشورهای اسلامی از قافله ی دانش بشری عقب؛ و از ثروت عظیم مـادی خود بی بهره؛ و در مسـابقه ی بزرگ فرهنگی جهـان، مقهور فرهنگهـای بیگـانه؛ و در عرصه ی سیاست بین المللی، تابع دیگران؛ و از لحاظ نظامی غالباً در معرض تجاوز و سرکوب قدرتهای استکباری، بوده باشد.

این مشـکلات که بیشـتر بر اثر کوتـاهی و غفلت یـا بـد کرداری و خیـانت از درون امت اسـلامی، پدیـد آمـده است، فهرسـت طولانی یی را تشکیل می دهد، که به عنوان ردیفهای اول آن می توان اینها را بر شمرد:

- اختلافات فرقه یی که بیشتر به وسیله ی علمای سوء و نویسندگان مزدور ترویج و تشدید می شود.

- اختلافات قومی و ملی ناشی از ملی گراییِ افراطی که بیشتر به دست روشنفکران وابسته دامن زده می شود.

- تسلیم در برابر قدرتهای مداخله گر که برخی کشورها را به اقمار قدرتهای بزرگ بدل ساخته است.

- تسلیم در برابر فرهنگ فاسد غرب و حتی ترویج آن با انگیزه های سیاسی یا عقیدتی.

- بی اعتقادی و بی اعتنایی برخی از دولتها به مردم خود و اراده و عقیده و نیازهای آنان، و خودکامگی در برابر آنان.

- مرعوب بودن بسیاری از شخصیتهای سیاسی و فرهنگی دنیای اسلام از قدرتهای مسلط جهان و امروز مشخصاً از امریکا.

- حضور دولت غاصب صهیونیستی در قلب منطقه ی اسلامی که خود عامل بسیاری از مشکلات دیگر است.

- ترویج جدایی دین از سیاست و معرفی اسلام به عنوان یک تجربه ی فردی که هیچ کاری به مسائل زندگی از قبیل: حکومت و سیاست و اقتصاد و غیره ندارد.

اینها و دهها مشکل بزرگ و اساسی دیگر که غالباً با وجود ریشه های تاریخی، در صورتی که رهبران سیاسی و دینی از خود اخلاص و همت و آزادگی نشان می دادند قابل علاج می بود، منشأ گرفتاریهای کنونی جهان اسلام شده و در پی خود، فقر و جهل و تبعیض و فرو دستی سیاسی و عقب ماندگی و جنگ و ویرانی و خرافه و تعصب به ارمغان آورده است.

حج، ناکامی های امت اسلامی را درمان می کند

سخن آن است که حج اگر درست و کما فرض اللّه اقامه شود قادر است همچون دارویی شفابخش، همه ی این بیماریهای اصلی و علتهای ناکامی را درمان کند. این کار یکباره اتفاق نمی افتد، ولی در طول سالهای دراز، اجتماع میلیونی برادران و خواهران از چهار گوشه ی جهان اسلام در یک نقطه، آنهم در عرصه ی اعمالی هماهنگ و پر معنی، و در زیر لوای با عظمت توحید، و همراه با تجدید خاطره های صدر اسلام و یاد آوری بدر و احد، و زیارت مسجدی که نغمه ی روح بخش آیات قرآن از حنجره ی مبارک رسول اللّه صلی الله علیه و آله هنوز از در و دیوار آن به گوش می رسد، و نوای پر قدرت اللّه اکبر مجاهدان صدر اسلام در آن موج می زند، و در فضایی لبریز از ذکر و حضور و مناجات

خـدای عزّوجلّ، که انسانها را از نفس ضـعیف و خود خواه و کـج انـدیش جـدا کرده، به معدن مجد وعظمت و قدرت ربوبی متصل می سازد سرچشـمه ی شفابخشی است که دلها را قوی، وهمتها را بلند، واراده ها را استوار، و جانها را سرشار از اعتماد، و دیدها را وسیع، و آرمانها را نزدیک، و برادران را متحد، و شیطان را خوار، و کید او را ضعیف می سازد.

آری، حـج درست و کامل، حـج توحیـدی، حجی که منبع عشق به خـدا و مؤمنین و برائت از شـیطانها و بتها و مشـرکین باشد، رشـد همه ی مشـکلات امت اسـلامی را ابتـدا متوقف و سـپس آن را مرتفع می سازد و منشأ عزت اسـلام و شـکوفایی زندگی مسلمین و استقلال و آزادی کشورهای اسلامی از شر اجانب می شود.

حج، در صدر اقدامات بین المللی جمهوری اسلامی

بر پـایه ی همین درک درست از اهمیت حـج بود که پس از پیروزی انقلاـب کبیر اسـلامی در ایران، مسأله ی حـج در صـدر اقدامات بین المللی حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفت و دولت کریمه، جنبه ی سیاستُ اللهی این فریضه را که مظهر عزت و قدرت حضرت حق است با جنبه ی عبادتُ اللهی آن که جلوه گاه غفران و رحمت ربوبی است، به هم آمیخته، حج امروز را به حـج صـدر اسـلام نزدیک ساخت، و به عنوان نمادی از این همه، مراسم برائت از مشـرکین را در حج، بار دیگر زنده کرد و تاکنون با وجود همه ی سـختگیری های سیاسـی و شـدت عملهای ناشـی از انگیزه های غیر اسـلامی، این وظیفه ی اسـلامی را دنبال کرده است.

جمهوری اسـلامی به عنوان نظامی که علیرغم تبلیغات و تلاشـهای ضد اسـلامی صد سال اخیر، حیات و پویایی و قدرت اسلام را در اداره ی جوامع عظیم بشـری، ثـابت کرده است، به حـج نه همچـون وسـیله یی برای خـود، بلکه همچـون عرصه یی برای بیداری مسلمین و دمیدن روح تقوا و ایمان به اجرای شریعت اسلام و عزت و استقلال مسلمانان جهان، نظر افکنده است.

آنـان که تحرک و جـامعیت حـج را نفی و رد می کننـد، در واقع عزت و اسـتقلال مسـلمانان و نجـات آنـان از پنجه ی خونین استکبار و صهیونیسم را رد می کنند. هر گونه

فتوی و نظریه ی دینی در این باره، حکم به غیر ما انزل اللّه است که به گمان زیاد، از روی جهل به حقایق جهان و محیط و نداشتن چشم باز و بصیرت لازم در امور مسلمین صادر می شود.

از دست دادن فرصت حج، خسارتی جبران ناپذیر

امروز هر کس وضع دشوار ملتهای مسلمان و تسلط دولت جبار ایالات متحده بر آنان را بداند، هر کس از جنایات صهیونیستها و توطئه های پنهان آنان علیه کشورهای مسلمان آگاه باشد، هر کس از پیشرفت این غده ی بدخیم سرطانی در ارکان اقتصادی و سیاسی دولتهای منطقه احساس خطر کند، هر کس وضع تیره ی ملت فلسطین را ببیند که در اردوگاههای غربت، رنج می برند و خانه و کاشانه ی خود را در تصرف جلادان خویش می بینند، هر کس از وضع جنوب لبنان و منطقه ی اشغالی آن به دست صهیونیستها و مناطق دائماً در معرض تهاجم آن با خبر باشد، هر کس فاجعه آفرینی اخیر در لبنان را شنیده باشد که صهیونیستها با پشتیبانی دولت امریکا اکنون دوازده روز است که یکسره از هوا و زمین و دریا بیش از نیمی از این کشور را بمباران می کنند و کودکان و زنان و مردم غیر نظامی را قتل عام می کنند؛ هر کس از بوسنی و افغانستان و کشمیر و تاجیکستان و چچنستان مطلع باشد، هر کس توطئه های پی در پی و اقدامات خصمانه ی امریکای طغیانگر و صهیونیسم ضد بشر را بر ضد جمهوری اسلامی که امروز مظهر حاکمیت قرآن و اسلام است، بداند، آری هر کس این حقایق را دانسته و از غیرت اسلامی و احساس وظیفه ی دینی برخوردار باشد، تردید نخواهد کرد که از دست دادن ذخیره ی عظیم حج و ضایع کردن این پشتوانه ی مستحکم الهی برای اسلام و مسلمین، خسارتی بی جبران و گناهی بی غفران است.

ضعف کنونی دولتهای مسلمان

ضعف کنونی دولتهای مسلمان، و تفرقه ی مصیبت بار کشورهای اسلامی، واقعیاتی نیستند که بشود کتمان یا انکار کرد. امروز جهان عرب به دست خود، خود را در شرائطی

قرار داده است که متأسفانه قادر نیست حتی برای یک روز پای در میدان جنگ با دشمن غاصب سرزمینهایش بگذارد و از ملت لبنان که قربانی جنایت دولت غاصب صهیونیست است دفاع کند. امروز در حالی که ابزارهای جنگ هوایی و دفاع هوایی با قیمتهای افسانه یی از کارخانجات غربی در انبارهای این کشورها انباشته شده، هواپیماهای صهیونیستهای خونخوار آزادانه خانه و کاشانه ی مردم عرب را بر سر آنان ویران می کنند و هیچیک از این دولتها نمی توانند راه آن را ببندند. این حقایق تلخ به اضافه ی نفوذ سیاسی قدرتهای استکباری در بسیاری از این کشورها؛ و هجوم بدون مانعی که برای تسخیر فرهنگی کامل آن کشورها می شود و مصائب فراوان و هشدار دهنده ی دیگر، برای هر وجدان پاک و عقل سالمی کافی است تا تشخیص دهد که کشورها و ملتهای اسلامی و مجموعه ی نمونه برداشته ی آن که اینک در گرد کعبه ی شریف و در مواقف متبرک سرزمین وحی حضور دارند، بیش از همیشه به معنی و روح حج و به ذخیره های انباشته ی آن نیازمندند و حتم است که از آن بهره بردارند. این است سخن ما و این است داعیه ی ما درباره ی حج و درباره ی دیگر شعائر نجاتبخش اسلامی.

اتهامات واهی به جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی به خاطر همین موضع استوار و شجاعانه در دفاع از اسلام و احکام اسلامی، از آغاز تاکنون مورد خشم و انزجار قدرتهای استکباری و در رأس آنان شیطان بزرگ امریکا قرار داشته و دارد.

آنها جمهوری اسلامی را به توسعه طلبی و جنگ طلبی و صدور ناامنی متهم می کنند تا در برابر افکار عمومی مردم جهان و مسلمین، دلیلی برای کین توزی و دشمنی خباثت آمیز خود تراشیده باشند. رادیوهای مزدور آنان و مطبوعاتی که با سرمایه های صهیونیستها یا دست نشاندگان امریکا و صهیونیسم در همه جا از جمله در کشورهای اسلامی منتشر می شود، بی وقفه تهمتها و شایعه ها و تحلیلها و خبرهای دروغ و غرض آلود را بر ضد جمهوری اسلامی منتشر می کنند، تا مدّ نفوذ معنوی انقلاب اسلامی و قداست و محبوبیت نام امام راحل ما(قدس اللّه نفسه) را بشکنند و متوقف کنند. آنها با

مدرن ترین روش های تبلیغی نامردانه می کوشند با لجن پراکنی بر ضد جمهوری اسلامی، طرفدارانش در دنیای اسلام را از آن رویگردان کنند و حائلی از دروغ و تهمت میان ایران سربلند اسلامی و دیگر کشورهای اسلامی که آنان از تکرار تجربه ی ایران در آنها می هراسند پدید آورند. رسواترین تروریستهای عالم یعنی سران حکومت غاصب صهیونیست و حامیان بد سرشت آنان در دولت امریکا، ایران اسلامی را به تروریسم متهم می کنند. سردمداران امریکا و اسرائیل به هر بهانه یا بی بهانه، انگشت اشاره ی تهمت آمیز خود را به سوی جمهوری اسلامی نشانه می روند و در هر چند کلمه ی سیاسی خود یک بار، نام مقدس و عزیز و درخشان ایران اسلامی نشانه می روند و در هر چند کلمه ی سیاسی خود یک بار، نام مقدس و عزیز و درخشان ایران اسلامی را با خشم و نفرت بر زبان می آورند.

جمهوری اسلامی، با قدرت و عزت پیش می رود

این مایه ی افتخار ما است که بد سیرتان و روسیاهان مشهور عالم از ما متنفر باشند.

ما نیز از آنان و کردارهای زشت و دستهای آلوده ی آنان متنفر و بیزاریم. خدا و رسولش هم از آنان متنفر و بیزارند. أَنَّ اللَّهَ بَرِی ءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَ رَسُولُهُ (۱)

امروز جمهوری اسلامی به فضل الهی و به رغم دشمنی و کارشکنی بدخواهان، با قدرت و عزت و با اراده و عزم استوار به پیش می رود. کشوری با ثبات، سازندگی و آبادانی یی روز افزون، مدیریتی محبوب و محشور با مردم، حضور و عزتی بسزا در جهان، ایمانی پرشور به اسلام، جوانانی زنده و با نشاط و رها از گرفتاریهای غم انگیز جوانان بسیاری از کشورها، مردمی هوشمند و شجاع و آماده ی دفاع از اسلام و ایران، معنویتی دامن گستر در کنار زندگی یی رو به توسعه و رشد، و بالاخره وحدت کلمه یی کم نظیر و مثال زدنی.

و بحمداللَّه چنین است که حجم انبوه تبلیغ دشمن بر ضد ما، نشانه ی عظمت و اقتدار روز افزون ملت و کشور ماست.

۱- توبه: ۳

حجاج، فرصت این ایام را مغتنم بشمارند

در پایان، همه ی حجاج عزیز را به اغتنام فرصت این ایام بزرگ فراخوانـده، همگان را به تدبر در حج و توشه برداری معنوی و روحی برای بقیه ی عمر دعوت می کنم. از آقایان روحانیون محترم می خواهم که این مضامین را در جمع کاروانهای ایرانی و غیر ایرانی به گونه های مناسب مطرح فرمایند و دلها و جانها را به معنویت حج و نیز به مضمون سیاسی آن متوجه سازند.

از خداونـد متعـال عزت اسـلام و مسـلمین و اسـتقلال واقعی کشورهـای اسـلامی و رهـایی آنـان از نفـوذ سیاسـی و اقتصـادی مسـتکبران عـالم را مسـألت می کنم و بقـای مجـد و عظمت ایران اسـلامی را در زیر سایه ی الطاف و عنایات ویژه ی حضـرت بقیهاللّه الاعظم(روحی فداه) از حضرت احدیت طلب می نمایم.

والسّلام علی جمیع اخوانناالمؤمنین

علی الحسینی الخامنه ئی

چهارم ذی الحجه ۱۴۱۶ هجری قمری

برابر با چهارم اردیبهشت ۱۳۷۵ هجری شمسی

بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت(۲۰/ ۲/ ۱۳۷۵ ه. ش.)

بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت

اشاره

(۲۰/ ۲/ ۱۳۷۵ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيْمْ

مژده یی بس شیرین

خدا را سپاسگزاریم که بحمداللّه، یک سال دیگر هم به ما عمر داد تا ببینیم عناصر برگزیده ی نظام اسلامی و کسانی که در واقع در یک جبهه ی خطر، کار بزرگی را با همه ی توان و تلاش، در این موسم خاص انجام می دهند، مجدداً پیروزمندانه برگشتند و زیارتشان می کنیم. همیشه بعد از سفر حج، زیارت آقای ری شهری برای ما یک واقعه ی شیرین، مثل سپیده و طلوع فجر است. وقتی خبردار می شوم که ایشان از سفر حج برگشته اند، برایم مژده ای بس شیرین است و هنگامی هم که به این جا می آیند، فرصت دیدار، شیرین تر است، چرا که می بینم بحمداللّه سفر پرمشقت و پرفایده ای را پشت سرگذاشته اند. البته فایده، منحصر نیست به آنچه که برادران عزیزمان انجام می دهند و حس می کنند که انجام داده اند؛ بلکه فایده ی بزرگ، مربوط می شود به دنیای اسلام و تأثیراتی که دهها هزار مسلمان ایرانی، با حرکات خودشان، با کار خودشان، با انواع شیوه هایی که هست و با طبقات مختلفی که دارند، از عالمشان، از جاهلشان، از کارکنشان، از مترجمشان، از جوانشان، از عکاسشان و از قاریشان می گذارند.

حضور ما در حج، کار خودش را می کند

مجموع این کارها، مسأله ی پیچیده ای است که هیچ ذهنی، اگر بخواهد ابتدائاً

به وجود بیاورد، نمی توانـد چنین امری را تـدبیر کند. به برکت اسـلام و به برکت همین فریضه ی حج است که خدا این فایده ی بزرگ را به مـا داده است. تـأثیراتی که این مجموعه بر روی ذهنیت حجـاج و دنیـای اسـلام می گـذارد، قابل انـدازه گیری نیست و در قالب گزارش که شـما بخواهید به ما بدهید، نمی گنجد؛ چرا که اصـلًا نمی شود به میزان و مقیاس سـنجید. اما بنده به روشـنی و وضوح مشاهده می کنم و می دانم که تأثیراتش خیلی زیاد است و روز به روز هم این تأثیرات بیشتر خواهد شد و دشـمن چه بخواهـد، چه نخواهـد، حضور مـا در حـج- حضور مؤمنین بـاللَّه- و تلاشـهایی که بحمـداللَّه انجـام می گیرد، کـار خودش را می کنـد و علی رغم دشـمنان و کفار، در ذهن مردمی که آنها نمی خواهند متأثر به این مسائل بشوند، تأثیرات لازم را خواهـد گـذاشت. به هر حال، بنـده از آقایان خیلی تشـکر می کنم. از شـخص جناب آقای ری شـهری که حقیقتاً خدمات و تلاشهایشان خیلی ارزنده است و نیز از آقایان علمایی که تشریف دارند تشکر می کنم.

حضور ارزشمند روحانیون در بعثه

همـانطور که آقـای امینی فرمودنـد، من واقعـاً می دانم حضور یکی مثل جناب آقای کریمی در حـج و در عمره، با این مایه ی بحمداللَّه غزیر (۱) علمی که در ایشان و بعضی برادران دیگر هست و آمادگیشان برای این که هر سؤالی را جواب بدهند و هر جهالتی را برطرف کنند، چقدر ارزشـمند است! واقعاً که چقدر ارزشـمند است! اگر انسان بخواهد اینها را احصاء کند، اصلًا به حساب در نمی آیـد. اگر این آقایان آن جا حاضـر نباشـند و زحمت نکشـند، ممکن است مسأله ای که یک جاهل، جوابش را نمی دانـد، مشـکل آفرین و مسأله ساز باشـد. ایشان را زیاد زیارت می کنیم. از سـفرهای ایشان، بنـده با خبرم ولی از سـفرهای دیگر آقایان مطلع نیسـتم. لابـد آنها هم زیاد سـفر می کنند و چقدر هم این کار، پرزحمت است. رفتن کسـی مثل ایشان و این آقایـان در آن جـا و حضورشـان در بعثه، یـا در مسـجدالحرام، یـا در مسـجدالنبی و در معرض اسـتفاده ی کسانی که دنبال این مسائلند، که

۱- غزیر: فراوان، بسیار.

اگر یکی از این مسائل را کسی ندانـد، گـاهی حجش باطل است، گاهی کفاراتی به گردنش می آیـد، گاهی حیرتی برایش پیـدا می شود که از همه ی اینها بالاتر است؛ آن گاه راحت پیدا کردن عالم و آگاه و عارفی که حقیقت برایش روشن است و جواب مسائل را به راحتی در معرض دید او می گذارد؛ واقعاً خیلی ارزشـمند است. همین طور حضور آقایان و برادران عزیزی که در زمینه های مختلف، خدمت می کنند، دارای ارزش است.

کار تبلیغی– فرهنگی دشوار است

جنـاب آقـای ری شـهری یـک کلمه می گوینـد، تحتش کارهـاست! بنـده چون خودم مختصـری اهـل همین کارهـای تبلیغی– فرهنگی هسـتم و انـدکی آگـاهی دارم، می دانم که اینهـا یـک کلمه گفتنش آسـان است: «جزوه تهیه شـد». خوب، این جزوه چطور تهیه می شود؟ چگونه تـدوین می شود؟ به چه نحو تکثیر می شود؟ یـا مثلًا مترجم این گونه گفت، یا فلان کار فرهنگی این طوری شـد، و ... اینها گفتنش آسان است ولی انجامش واقعاً خیلی دشوار است. من از یکایک آقایان تشـکر می کنم. اگر چه من کسـی نیسـتم که تشـکر کنم؛ چون این کـار، مـالِ من نیست، کارِ من نیست. این کارِ خـداست و کار خودتان است که انجام می دهیـد. بنابراین خدا باید از همه ی شـما آقایان و از کسانی که در پشت جبهه بیشتر بوده اند و کار و تلاش کرده اند، تشکر کند. ما نیز به هر حال به عنوان وظیفه، لازم می دانیم که از شما تشکر کنیم. کارتان خیلی کار ارزشمندی است.

تشکر از بخش اجرایی حج

همـانطور که آقـای ری شـهری گفتنـد: «فرامـوش نکنیم»، مـا هم داشت فراموشـمان می شـد تـا از بخش اجرایی که مربـوط به وزارت ارشاد و آقای رضایی است، یادی بکنیم.

انصافاً بخش اجرایی، بخش مظلومی است، چون قالب کلّی کار است دیگر. قالب کلی کار را هم آدم نمی فهمد که موارد ریز و درشتِ کمی و کیفی اش چگونه انجام می پذیرد.

طبیعی است کـه دائم در چرخش اسـت. این بخش هم خیلی بـا عظمت است. تشـکیلات عظیمی است بـا کـاری واقعاً خیلی گسترده و بزرگ. لازم است جناب آقای میرسلیم هم از

قول ما از برادرانی که این جا حضور ندارند و بعضـی شاید در ایران نیستند، تشکر و قدردانی کند. به هر حال هم در این زمینه ها و هم در زمینه های محتوایی، واقعاً تلاشهای دولت- وزارت خارجه و بقیه ی بخشها- خیلی ارزشمند است. ...

امیدواریم خداوند مجموعه ی شما را کمک کند. بنده مجدداً از همه ی آقایان تشکر می کنم. ان شاءاللّه که روزبه روز بهتر و موفقتر باشید.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

ص: ۱۹۹

بیانات در دیدار کارگزاران و مسؤولان حج(۱۶/ ۱۲/ ۱۳۷۵ ه. ش.)

بیانات در دیدار کارگزاران و مسؤولان حج

اشاره

(۱۶/ ۱۲/ ۱۳۷۵ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

همه ی منافع در حج لحاظ شده است

اولًا: به شما برادران و خواهران محترم، خوشامد عرض می کنم و از زحمات ارزشمندتان در تدارک حج برای ملت مؤمن و خدا دوست و حقیقت طلب ایران، صمیمانه سپاسگزارم.

ثانیاً: همه ی مسلمین باید به خاطر فریضه ی حج، شکرگزارِ پروردگار باشند. فریضه ی حج با این وضعی که در اسلام مقرر شده است- که همه ی مذاهب اسلامی هم، تقریباً در کیفیت آن متّفق القول و متّحد الرأی هستند- یک گنجینه ی عظیم، یک ذخیره ی تمام نشدنی ویک سرچشمه ی همیشه فیاض برای مسلمین است. درحج، هم دنیابرای مسلمانان است و هم آخرت. هم تربیت فردی و تهذیب نفسانی است و هم تربیت اجتماعی و سیاسی. علاوه بر این، احساس اخوت هست، احساس وحدت و یگانگی هست، نظم و ترتیب هست، نشان دادن عظمت اسلام به غیرمسلمین وتقویت ورحیه ی مسلمین به خاطر مشاهده ی عظمت اسلامی هم هست. نهایتاً این که، حج مجمعی برای متحد کردن آراء و دلها در زمینه های گوناگون است. همه چیز در این مجموعه ملاحظه شده است.

آن جا که قرآن کریم به منافع اشاره می کند و می فرماید: لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ، (۱)

۱- حج: ۲۸

مقصودش فقطمنفعت معنوی نیست، فقط مسأله ی شخصی نیست، فقط جنبه ی روحی و روانی یا جنبه ی عبادی نیست و یا فقط جنبه ی دنیایی و تجارت نیست؛ بلکه همه چیز است. سیاست است، اقتصاد است، معنویت است، روحیه ی فردی است، روحیه ی جمعی است و اقتدار جهانی است. همه چیز در این واجب الهی قرارداده شده است. لذا شما ملاحظه می کنید امیرالمؤمنین علیه السلام از جمله وظایف مهمی که در مجموعه ی اسلام در کنار قرآن لحاظ می کند، یکی هم حج است. می فرماید: «اللَّهَ اللَّهَ فِی بَیْتِ رَبِّکُمْ» (۱)

؛ همان طور که می فرماید: «اللَّهَ اللَّهَ فِی الْقُرْآنِ» (۲)

. یک رهبر دلسوز و دین شناس که هنگام وفات خود مایل است حرفی بزند که در طول تاریخ، دنیای اسلام از آن استفاده کند، طبعاً بر روی قرآن تکیه می کند، چون قرآن محور اصلی این دین مقدس است. لذا در کنار «اللَّهَ اللَّهَ فِی الْقُرْآنِ»، «بَیْتِ رَبِّکُمْ» را نیز عنوان می کند. پیداست که تأثیر حج و اجتماع عظیم و شگفت آور و بی نظیر آن، تأثیری ژرف و عمیق و ماندگار است. بنابراین همه ی مسلمانان باید به خاطر این نعمت موهوب، از خدای متعال سپاسگزار باشند و شکر این نعمت بگویند.

شکر نعمت، عمل هم لازم دارد

البته شکر نعمت، فقط به زبان یا به زبان و دل نیست. شکر، عمل هم لازم دارد. عمل شاکرانه این است که انسان با نعمت خدای متعال به گونه ای رفتار کند که او اراده فرموده است. اگر با این نعمت، طبق اراده ی الهی رفتار شد، باقی می ماند، و الّا زایل می گردد.

بحمداللّه و المنّه، مسلمین در طول تاریخ، از جهت جنبه ی ظاهری، حج را حفظ کرده اند.

لذا این نعمت برای آنها باقی و ماندگار است. لکن از جنبه ی قدرشناسیِ معنوی، شکر

۱- نهج البلاغه/ وصیتنامه ی امام علی علیه السلام.
۲- همان مدرک.

کاملی نسبت به این نعمت انجام نگرفته است. بنابراین برکتِ این جنبه از واجب عظیم، از بیشتر مسلمانان سلب شده و لذاست که از حج، استفاده نمی کنند.

دنیای اسلام مورد تهاجم است

امروز دنیای اسلام مورد تهاجم است. در هر جا که منافع استکبار جهانی، اندک معارضه ای با روش و حرف و حضور اسلامی در یک کشور اسلامی یا غیر اسلامی دارد، به شدت علیه مسلمین نقشه کشی و فعالیت می کند. این فعالیت یا به شکل جنگ است، یا به شکل مسلط کردن سیاسیون وابسته ی فاسد است، یا به شکل فشارهای گوناگون امنیتی و سیاسی است و یا به شکل فشارهای تبلیغاتی و اقتصادی و غیره است. استکبار با همه ی دنیای اسلام، رفتار خصمانه دارد. البته در کشور ما، با اسلام در جمهوری اسلامی، با مردم مسلمان و جامعه ی اسلامی، رفتارش خشن تر و همه جانبه تر است که عللش هم معلوم است. علی ایّ حال اگر به دقت نگاه کنید، خواهید دید که استکبار در همه جای دنیای اسلام، هر جا بتواند چنگی می زند و دندانی نشان می دهد.

استکبار با فکر اسلامی برخورد می کند

استکبار، علاوه بر اینها، با فکر اسلامی هم- که به شکل مدرنش، جدید است- برخورد می کند. در واقع دنیای استکبار، امروز با استعانت عوامل صهیونیست یا دوستان صهیونیستها، هر چه بتواند، علیه فکر اسلامی و دنیای اسلام به فعالیت می پردازد. آنها به زبان می گویند ما با اسلام دشمنی نداریم و با مسلمانان مخالف نیستیم. اما تاکنون چه کسی توانسته است به انسانهای بدسابقه و دروغگو، به صرف قول، اعتماد پیدا کند؟ قولی که با عمل یکی نیست، قولی که به طور واضح در عمل نقض می شود، اعتباری ندارد. آنها در مصاحبه های خود عنوان می کنند که با اسلام و مسلمین، مخالفتی نداریم. پس مخالفت چیست؟ امروز هر کس به صحنه ی تبلیغات جهان و برخوردهای استکبار، صهیونیستها، عوامل رسانه های جمعی امریکایی و امثال آن نگاه کند، خواهد دید که یکی از خطوط اصلی تلاش آنها، ضدیّت و معارضه با اسلام است. برای ما به شکل واضحی اثبات شده است و دلایل روشن و متقنی وجوددارد که آنها هر طور بتوانند با اصل اسلام، مخالفت می کنند.

ایجاد تفرقه و اختلاف توسط استکبار

در زمینه ی انواع مخالفت، یک بخش از اعمال خصومت، ایجاد تفرقه و اختلاف است که استکبار بر روی آن به شدت تکیه دارد. به هرجای دنیا که بنگرید، عامل تفرقه ای مشغول فعالیت است. هنگامی که به کاوش می پردازید، متوجه می شوید که این عامل تفرقه با یک یا ده واسطه، به ایادی خبیث استکبار منتهی می شود. تفرقه بین قومیتها، تفرقه بین ملتها و تفرقه بین مذاهب از طرف استکبار در همه جای دنیا رواج دارد. امروز استکبار کار را به جایی رسانده است که با پول و تشویق و تدبیر و نقشه ریزی خود و ایادی اش، بعضی از مسلمین در جاهایی بعضی دیگر از همکیشان خود را تکفیر می کنند و آنها را کافر می دانند. اصلًا تحریک تعصّبها یکی از رؤوس برنامه ی آنها در مخالفت با اسلام است. دیگر از این بالاتر چه مخالفتی وجود دارد؟ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی آمد و یکی از اولین پیامهای این انقلاب و امام بزرگوار این انقلاب، وحدت بین مسلمین بود؛ آن هم وحدت عاطفی، نه وحدت دینی. یکی شیعه است، یکی سنّی است و یکی شش امامی است؛ هر کس مذهب خودش را داشته باشد. در بین شیعه، فِرَق مختلفی وجوددارد؛ همانگونه که در بین اهل سنّت، فِرَق مختلفی دیده می شود.

مسأله ای نیست. اما از لحاظ سیاسی و عاطفی، همه با هم در مقابل دشمن، متّفق و یکدل باشند. دشمن می خواهد فِرَق مختلف مسلمان را با هم دچار اختلاف و تفرقه کند.

می خواهد بأس اینها را بین خودشان قراردهد. نیّت دشمن این است که نیروهای فِرَق مسلمان صرف معارضه ی درونی بین خودشان شود. به خواسته ی دشمن، نبایدتن در داد.

وحدت؛ یکی از پیامهای بزرگ انقلاب

وحدت بین مسلمین یکی از پیامهای بزرگ انقلاب بود که انصافاً بسیار موفق شد.

امام بزرگوار در این میدان، یکی از درخشانترین موفقیتها را به دست آورد. اما دشمنان به مرور به توطئه و وسوسه و خنّاسی پرداختند. آنها هنوز هم کاری می کنند که دلهای فِرَق مسلمان را نسبت به همدیگر پر از کینه کنند. امروز هر کس که موجب جدایی دلهای

مسلمانان و فِرَق اسلامی از یکدیگر شود، در حالی که در مقابل دشمنان دین و دشمنان اسلام و دشمنان قرآن، احتیاج به وحدت و همدلی دارند، به همان اندازه ی تلاش خود، نسبت به اسلام و مسلمین خیانت آشکار کرده است. این را همه باید بفهمند.

مسؤولیت حج چیست؟

در چنین حالتی که دشمن، با اسلام به مخالفت پرداخته و به خصوص روی تفرقه بین مسلمین، سرمایه گذاری می کند، مسؤولیت حج چیست؟ ببینید حج در چنین شرایطی چقدر می تواند معنی دار، رسا، پرسود، دست رد کوبنده به تمام ترفندهای دشمن و خنثی کننده ی نقشه های استکبار و صهیونیست باشد. حج، این گونه است. چرا بعضی نمی خواهند از این نعمت الهی، آن چنانی که خدا اراده کرده است، استفاده شود؟! چرا نمی خواهند دلها به هم نزدیک شود، ذهنها روشن گردد، دشمنان اسلام معرفی شوند و مسلمین نسبت به دشمنان اسلام ابراز نفرت و انزجار کنند و از آنها بیزاری و برائت جویند؟ چرا؟ حج فرصت عظیم و بزرگ و ذی قیمتی است که استفاده از آن صرفاً به نفع یک گروه مسلمان یا یک ملت خاص هم نیست. فایده اش برای همه ی مسلمانان است و به همه برمی گردد و همه از آن سود می برند. دشمن وقتی می خواهد علیه ما فعالیت کند، مگر ملاحظه ی ما را می کند که بدمان نیاید؟

چرا ما باید ملاحظه ی دشمن را بکنیم که بدش نیاید؟ استکبار وقتی می خواهد ما رابه جان یکدیگر بیندازد، وقتی می خواهد اسلام را خرافی و زشت جلوه دهد، مگر ملاحظه ی خوش آمدن و بدآمدن مسلمانان را می کند؟ ما وقتی که می خواهیم بگوییم استکبار دشمن اسلام و مسلمین است، چرا باید ملاحظه ی او را بکنیم؟! یکی از بی نهایت افتخارات امام بزرگوار ما، مسأله ی حج و احیای حج ابراهیمی و اسلامی است.

افتخار مردم مسلمان ما نیز چنین حجی است.

عزت اسلامی را حفظ کنید

شما خدمتگزار چنین حجّی هستید، پس قدر آن را بدانید. مردمی که به حج مشرف

می شونـد، قدر این نعمت بزرگ را بدانند و عزت اسـلامی؛ عزت ناشـی از برافراشـتن پرچم اسـلام در ایران اسـلامی را، حفظ کننـد. مبـادا رفتـار حاجی ایرانی به گونه ای باشـد که عزت این نظام و انقلاب و شـکوه و عظمتی که به اسـلام در این جا داده شده است، خدای نکرده اندکی مخدوش شود. بعضـی اشـخاص ملاحظه نمی کنند. بعضـی اشـخاص مسائل شخصی خودشان را، روح مصـرفی خودشان را و موارد گوناگونی از این قبیل را برمصالح یک ملت، بر آبروی یک کشور، بر آبروی اسلام و بر آبروی پرچم برافراشته ی جمهوری اسلامی ترجیح می دهند. این رویّه خوب نیست، مصلحت نیست. همه باید ملاحظه و توجه کنند. حُجّاج عزیز ما در بین خودشان به افرادی که می بینند ملاحظه ی مصالح اسلام و انقلاب را نمی کنند، تذکردهند. چنین تذکری مسلماً مصداق نهی از منکر است. البته خدای متعال، تفضّلات خود را بر کسانی که در راه او و برای او کار می کنند و بـه عبـادت و تلاـش می پردازنــد، قطعاً و بلاشـک نـازل خواهــد فرمـود. ایـن امیــدواری وجـوددارد کـه وجـود مقـدّسِ ولیّ عصـر(ارواحنافداه) در این محشـر عظیم مردمی- حج- حضور خود و تفضّلات خود را بر دلهای مستعد و روحهای آماده، نازل فرمایـد و از این دریای رحمت و لطف، هر کسـی بتواند انواع مختلف بهره را ببرد. پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، حج را بر همه ی مسلمین و مسلمات در سراسر عالم مبارک گردان. به ملت عزیز ما هم، حج را مبارک کن.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج(۲۱/ ۱/ ۱۳۷۶ ه. ش.)

پیام به مناسبت برگزاری مراسم حج

اشاره

(۲۱/ ۱/ ۱۳۷۶ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ الحمدللَّه رب العالمين والصّلاه والسّلام على سيدنا محمّد و آله الطاهرين. قال اللَّه الحكيم: وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثابَهً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهِدْنا إِلى إِبْراهِيمَ وَ إِسْماعِيلَ أَنْ طَهِّرا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ

روزهای عید و میعاد

این روزها بار دیگر خانه ی خدا میزبان خیل عظیم دلهای پر شور و شوقی است که از سراسر جهان در آن کعبه ی امید گرد آمده اند؛ میلیونهایی که در سایه ی عبودیت خالص حضرت احدیت، احساس وحدت و جمعیت می کنند؛ چشمهایی که با گلاب اشک خود، قدمگاه پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله و اولیاء خدا علیهم السلام و مجاهدان و بزرگان اسلام را شستشو می دهند؛ جانهایی که در پرتو معنویت بیت اللَّه الحرام و حریم تربت مصطفوی صلی الله علیه و آله، نورانیت و صفا می یابند؛ دستهای به دعا برافراشته یی که قافله ی نیاز و حاجت را روانه ی درگاه بی نیاز می کنند؛ دردمندانی که بر در سرای طبیب، علاج دردهای مزمن جهان اسلام را می جویند و در آن، همدردانی از هر نژاد و زبان و رنگ و از هر گوشه ی عالم می یابند؛ ضعیفان تنها مانده یی که در آن جا احساس قدرت و عظمت می کنند. این روزها بار دیگر پیکره ی عظیم امت اسلام، نمایی از ابهت و شکوه خود را در برابر چشم کسانی که دچار غفلت از آنند، می گذارد؛ دوستان را امیدوار و دشمنان را

بیمناک می سازد. ابر رحمت و حکمت بر تشنگان می بارد، دلهای افسرده یی را طراوت می بخشد، و مغزهای راکدی را به شکفتن و اندیشیدن وا می دارد.

آری، این روزها برای جهان اسلام و امت اسلامی روزهای عید و روزهای میعاد است و بجاست که مسلمین در همه جای گیتی و به ویژه حجاج بیت اللّٰه الحرام، ساعتها و لحظه های آن را برای تعبد و تعقل، مغتنم بشمارند و آنان که به فرصت گرانبهای حج و زیارت دست یافته اند، با دستانی پر از رحمت و حکمت الهی، و با تصمیم و اراده یی تازه برای آینده ی خود و امت اسلامی، به دیار خویش باز گردند.

جنبه ی فردی و اجتماعی حج

در میان فرایض دینی، حج بزرگترین فریضه یی است که در آن هر دو جنبه ی فردی و اجتماعی به شکلی نمایان، گنجانیده شده است.

در جنبه ی فردی، هدف، تزکیه و رسیدن به صفا و نورانیت و پیراستگی از زخارف بی ارزش مادی و فراغت با خویشتن معنوی و انس با خدای متعال و ذکر و تضرع و توسل به حضرت حق است، تا آدمی به عبودیت- که صراط مستقیم الهی به سوی کمال است- راه یابد و در آن گام بردارد.

در این بخش، تنوع فرصتها و آزمایشگاهها به حدی است که هر گاه کسی با توجه و تدبر از آن عبور کند، بی گمان دستاوردی گرانبها خواهد داشت؛ فرصت احرام و تلبیه، فرصت طواف و نماز، فرصت سعی و هروله، فرصت وقوف در عرفات و مشعر، فرصت رمی و قربانی و فرصت ذکراللّٰه که همچون فضای سرشار از روح و حیات، در همه ی این مراحل، گسترده شده است. مجموعه ی این فرصتها می تواند برای هر فرد، دوره ی کوتاهی از ریاضت شرعی و تمرین زهد و سِلم و حلم و برخی خلقیات پسندیده ی دیگر نیز باشد.

در جنبه ی اجتماعی، حج در میان همه ی فرایض اسلامی بی همتا است؛ زیرا مظهری از قدرت و عزت و اتحاد امت اسلامی است. هیچ فریضه ی دیگری بدین سان به آحاد مسلمان، درباره ی مسایل امت اسلامی و جهان اسلام، درس و عبرت نمی آموزد و

آنان را در روحیه و واقعیت، به قدرت و عزت و وحدت نزدیک نمی کند. تعطیل این بخش از حج، بستن سرچشمه یی از خیرات به روی مسلمین است که از هیچ رهگذر دیگری نمی توانند بدان دست یابند.

قدرت ملی؛ کلید همه ی کامیابی ها

قدرت ملی برای جوامع بشری، کلید همه ی کامیابیها و وسیله ی لازم برای رسیدن افراد جامعه به حیات طیبه است. مقصود از قدرت ملی آن است که جامعه و کشور، از اخلاق، علم، ثروت، نظام سیاسی کارآمد و عزم و اراده ی عمومی برخوردار باشد.

درست است که جوامع قدرتمند، اگر فاقد هدایت و نظارت و اجرای عدالت باشند، همان ثروت و علم، آنان را به طغیان خواهد کشانید و اخلاق و اراده ی آنان را زایل کرده، مسیر آنان را به سمت انحطاط رقم خواهد زد- همان طور که امروز در کشورهایی همچون امریکا و غیره، نشانه های آن دیده می شود- ولی فقدان آن تواناییها و اقتدارها، بلای انحطاط اخلاقی و سیاسی را بسی سریعتر بر جان کشورها می اندازد و دنیا و آخرت و علم و اخلاق و همه چیز را از ملتها می ستاند. از آن روست که تعالیم سیاسی و اجتماعی اسلام، همه در جهت آن است که ملل اسلامی به اقتدار و سیادت علمی و اخلاقی و سیاسی و روحی و مادی دست یابند. و امروز همه ی رهبران هوشیار ملتهای جهان در صددند که از هر امکان و ذخیره یی که می تواند آنان را قدرتمند کند، بهره گیرند.

امت اسلامی؛ فاقد عزت و قدرت بین المللی

امت بزرگ اسلامی با وجود عِدّه و عُده ی خود، فاقد عزت و قدرت در سطح بین المللی است؛ چگونه باید عزت و قدرت شایسته ی خود را به دست آورد؟ همه ی آحاد مسلمان، بخصوص زمامداران و مسؤولان کشورهای اسلامی و علما و روشنفکران و شخصیتهای مسلمان، باید همواره این سؤال را در ذهن و زبان خود داشته و به دنبال پاسخ آن باشند.

امروز بیشترین منابع نفت که بی اغراق به منزله ی خون برای تمدن کنونی جهان

است، در کشورهـای اسـلامی است. حسـاسترین منـاطق سوق الجیشـی عـالم، در اختیار مسـلمانان است. بخش عظیمی از منابع زیرزمینی که برای بنـای امروز و فردای جهـان مورد نیـاز ضـروری است، در این کشورها است. یک پنجم همه ی جمعیت دنیا متعلق به آنـان است. بزرگترین بازار مصـرف مصـنوعات کشورهایی که خود را بر مسـلمانان تحمیل کرده انـد، در دست آنان است. فرهنـگ غنی و ریشه دار و علوم و معـارف آنـان، اولین گامهای عروج به اوج دانش کنونی جهان را به غربیها آموخته و حق حیات به گردن دانش و تمدن غرب دارند. با این همه، مسـلمانان، امروز در سطح جهان، در روند عمومی سیاست جهانی، در تصـمیم گیریهای بزرگ عالم و در تعیین نظام همبسـتگی جهانی، هیچ نقشـی ندارند؛ و از این بالاتر، بسیاری از کشورهای اسـلامی در سـیاست ملی خود، دنباله رو و محکوم یکی از چنـد دولت مسـتکبر و زورگوی جهانند؛ دولتهاشان دست نشانده و ضعیف النفس، ملتهاشـان دچـار اختنـاق یـا بی خبری، و علما و روشـنفکرانشان دسـتخوش ترس و تغافل و عشق به راحتی ... و نتیجه آن شـده است که سـرمایه های آنان بر باد می رود؛ جایگاه سیاسـی آنان به اشاره ی دولتهای مسـتکبر تعیین می شود؛ و عِـدّه و عُـده ی آنـان به حسـاب نمی آیـد؛ و امت بزرگ اسـلامی که امروز بایـد از همه ی موجودی خود برای کسب عزت و اقتـداری که مسـتحق آن است، برخوردار شود، بـدین گونه از بخش عظیمی از عِـدّه و عُـده ی خود محروم می مانـد و دشـمن اسلام و مسلمین، از آن به زیان اسلام و مسلمین استفاده می کند.

وضع کنونی جهان اسـلام و حوادث محنت باری که در هر گوشه ی آن، زنـدگی را بر میلیونهای اسـلامی تلـخ و دشوار کرده است، فـاجعه ی بی نظیر فلسـطین مغصوب، محنت تـاریخی مسـلمانان بالکـان، اوضاع کشـمیر و افغانسـتان، اوضاع انفجار آمیز خلیج فارس، وضع اقلیتهای مسلمان در برخی از کشورهای اروپایی، همه و همه شواهد گویای این حقیقت تلخند.

جبهه ی خودی نتوانسته از همه ی امکانات خود استفاده کند

جهان اسلام در همین هفته های اخیر شاهد آن بود که دولت ایالات متحده دو بار

پیاپی، رأی شورای امنیت سازمان ملل را بر محکومیت رژیم صهیونیستی برای ویران سازی خانه های مسلمانان بخش شرقی بیت المقدس، وتو کرد؛ و این همان امریکاست که بخش عظیمی از ثروت و قدرت خود را از موجودی کشورهای عربی مسلمان کسب می کند و دولتهای بسیاری از این کشورها، صریحاً دوستی و احترام و ثروت خود را، بلکه بخشهایی از خاک خود را تقدیم آن کرده اند. چرا امریکا در مقابل این دوستیهای قولی و عملی، حتی یک بار هم حاضر نیست در مسأله ی فلسطین، میل و خواست آنان را رعایت کند. بی شک هیچ دولتمرد عرب و مسلمان نمی تواند در برابر تجاوزهای اخیر رژیم صهیونیست که یاد آور و دنباله ی جنایات پنجاه ساله ی آن رژیم است، و حتی مخالف قرارهایی است که به نام صلح در سالهای اخیر بسته شده است، بی تفاوت باشد و از آن خشمگین نشود، ولی چرا دوستی و وفاداری دیرین دولتمردان عرب با امریکا، کمترین تأثیری در روند روزافزون حمایت امریکا از رژیم غاصب نمی گذارد؟ درست است که دولت کنونی امریکا بیش از اسلاف خود به صهیونیستها سرسپردگی نشان می دهد؛ ولی کِی و کجا اتفاق افتاده است که دولتهای متعاقب امریکا، دوستان عرب خود را با برادران صهیونیستِ خود برابر بشمارند و یک بار هم که شده، غاصبان صهیونیست را از خود ناراضی کنند؟

در این باب، سخنان گریه آور بسیار است و حدیث غفلت و احیاناً خیانت خودیها و استکبار و خباثت بیگانگان و دشمنان، چیزی نیست که در این گفتار مختصر بگنجد؛ آنچه این جانب می گویم، آن است که جفای دشمن به خاطر آن است که جبهه ی خودی نخواسته است از همه ی نیرو و امکان خود استفاده کند و عِده و عُده ی خود را به مصاف دشمن بیاورد.

امت بزرگ اسلامی؛ بزرگترین پشتوانه ی جهان اسلام

بزرگترین پشتوانه ی جهان اسلام، امت بزرگ اسلامی است؛ یعنی ملتهای مسلمان که وحدت و اتفاق و تفاهم آنها و غریو رعد آسای اعتراض آنها و قدرت اندیشه و بازوی کار و ثروت طبیعی و خداداده ی آنها، می تواند دل هر دولت مستکبر را آب، و

گوش او را کر، و پشت او را خم کند.

حج، مظهری و نمونه یی از این پشتوانه ی عظیم و تمام ناشدنی و غیر قابل شکست را در برابر چشم ما می گذارد.

این جاست که معنای حقیقی فریاد برائت در حج آشکار می گردد؛ و چنین است که غریو دستجمعی مسلمانان در برائت از مشرکین، در حج روح می دمد و مضمون می بخشد.

آیا اکنون هیچ مسلمانی می تواند در این سخن حکیمانه شک کند که «حج بی برائت، حج نیست»؟

ملتهای مسلمان بدانند که اگر با هم باشند، دست خدا با آنها است و دست خدا مقتدرتر از هر پدیده ی قدرتمند در عالم وجود است. و دولتهای مسلمان بدانند که ملتهای آنان، قویترین پشتیبان در مقابله با بیگانگان پر توقع و متجاوز و غارتگر و بیرحمند. اگر ملتها به صحنه راه داده شوند، اگر به ملتها اعتماد شود، اگر با ملتها صادقانه عمل شود، دولتها آن چنان اقتداری خواهند یافت که نه در میدان نبرد لازم است از دشمنی بترسند، و نه در عرصه ی بنای کشور و زندگی عمومی لازم است به بیگانه یی احساس نیاز کنند.

امروز دولت و ملت ایران به برکت همین یگانگی است که با توکل به خدا در برابر زورگوییهای امریکا ایستاده اند و تهدیدهای مکرر او آنان را تکان نمی دهد و چنان احساس قدرت می کنند که با تکیه بر حقانیت خود و با وجود فشارهایی که به وسیله ی ایادی استکبار، از همه طرف بر آنان وارد می آید، آینده را درخشان و راه خود را روشن و دلهای خود را سرشار از امید و اطمینان می یابند.

میعاد بزرگ حج را مغتنم بشمارید

برادران و خواهران عزیز در همه جای جهان! میعاد بزرگ حج را مغتنم بشمارید؛ آشنایی و الفت میان خود را در آن تحکیم بخشید؛ از سرنوشت یکدیگر با خبر شوید؛ از تجربه های یکدیگر درس بگیرید؛ راز ایستادگی و ثبات جمهوری اسلامی و ملت بزرگ

ایران را از آنان بشنوید.

در حج به صدای بلند اعلام اتحاد کنید؛ به صدای بلند بیزاری خود را از جبهه ی استکبار و ظلم و نفاق فریاد کنید؛ علما و روشنفکران و شخصیتهای سیاسی و علمی خود را به تبادل نظر با یکدیگر فراخوانید؛ حمایت عمومی خود را از ملت مظلوم فلسطین و طلبکاری خود را نسبت به مسأله ی فلسطین، به گوش دشمن برسانید.

تجربه ی ذی قیمت ایران برای دولتها و ملتهای مسلمان

برخلاف تبلیغات مغرضانه ی دشمنان، ملت ایران حج را جایگاه رفیعی برای رشد آگاهی امت اسلام می شمارد و از حضور خود به نفع همه ی جهان اسلام- و نه فقط منافع خود- بهره می طلبد. ملت ایران حامل تجربه ی گرانقیمتی برای همه ی کشورهای اسلامی است. این ملت عظیم الشأن توانسته است به برکت حاکمیت اسلام، در همه ی عرصه ها به موفقیتهای بزرگ دست یابد؛ استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را که در دوران طاغوت یکسره از دست رفته بود، به دست آورد و حفظ کند؛ عظمت و شوکت اسلام را در مواجهه با قضایای جهانی نشان دهد؛ از مرزهای خود در برابر تهاجم چندین ساله یی که با فکر و سلاح و پول دشمنان اسلام به راه افتاده بود، به طور کامل دفاع کند؛ پس از جنگ هشت ساله، کشور را بازسازی کند و معجزه ی انقلاب را در نوسازی زیربنایی کشور نشان دهد؛ در مجموعه ی جهانی، جایگاهی عزیز و رفیع به دست آورد؛ دولتهای مردمی و منتخب خود را یکی پس از دیگری در کشور بر سر کار آورد؛ کاروان علم و تحقیق و پیشرفت صنعتی و کشاورزی را به راه اندازد و گامهای بلندی در راه توسعه ی کشور بر دارد؛ در سیاست جهانی، صریحاً از مواضع حقی که بدان مؤمن است، دفاع کند؛ مسأله ی فلسطین را در صدر مسائل جهان اسلام دانسته و علی رغم امریکا و صهیونیزم که خواسته اند این مسأله به فراموشی سپرده شود، به طور مداوم آن را در همه جا و همه وقت مطرح سازد؛ به مردم مظلوم بوسنی کمکهای مؤثر برساند؛ در همه ی قضایای محنت بار ملل اسلامی، دست یاری به سوی آنان دراز کند و با وجود فشارهای روز افزون استکبار و تهدیدهای مداوم امریکا، با صلابت و قدرت، در این راهها به جلو رود. این تجربه ی

ذیقیمتی برای همه ی دولتها و ملتهای مسلمان است.

این جانب با صدق و خلوص، دست دوستی به طرف همه ی دولتهای مسلمان دراز می کنم و به آنان برای همکاری و همفکری در راه رفع هموم دنیای اسلام خوش آمد می گویم و به همه ی ملتهای مسلمان متواضعانه عرض می کنم که قدر خود و قدر اسلام و احکام نورانی قرآن را بدانند.

بازگشت به اسلام؛ درس بزرگ امام خمینی قدس سره

درس بزرگ امام راحل عظیم الشأن ما قدس سره، بازگشت به خود، بازگشت به اسلام و شناختن قدر خود و قدر ذخایر معنوی بی شمار خود بود. ملت ایران با عمل به این درس، در راه سعادت قدم نهاد و در آن، مراحل متعددی را طی کرد و همچنان در آن راه پویاست. راه ملتهای دیگر نیز به سعادت، چیزی جز این نیست.

اگر چنین شود، دولت غاصب صهیونیست، توان مقاومت در برابر قدرت امت اسلامی را نخواهد داشت و ایالات متحده بیش از این جرأت بازی با سرنوشت ملت فلسطین و استهزای دولتهای عرب را نخواهد یافت.

اگر چنین شود، دولتهای عرب خود را مجبور نخواهند پنداشت که بر خلاف حق و برخلاف واقع، ملت فلسطین را نادیده بگیرند و مسأله ی فلسطین را به دست فراموشی بسپرند و با ایجاد رابطه ی سیاسی و اقتصادی با رژیم غاصب و متجاوز، صهیونیستها را به میان جوامع عربی راه دهند و بدین آسانی حصاری را که می تواند رژیم صهیونیست را به مرور خفه کند، از گرد او برچینند.

ما شک نداریم که در آینده ی نه چندان دور، عاقبت ملت فلسطین در سایه ی فداکاری خود و آگاهی دنیای اسلام، به حق مغصوب خود دست خواهد یافت و بیگانه ی متجاوز و ستمگر را از خانه ی خود بیرون خواهد افکند؛ ولی تصمیم و اراده ی دولتها و ملتهای مسلمان به فضل الهی خواهد توانست این آینده را تسریع کند و از محنتهای آن بکاهد.

در خاتمه، همه ی حجاج عزیز را به اغتنام فرصت گرانبهای حج برای خودسازی

شخصـی و آینـده سازی اجتماعی دعوت می کنم و امیدوارم همه ی مسـلمانان جهان، بخصوص ملتهایی را که گرفتار حوادث تلخ و شدتهای زندگی اند، به دعای خیر یاد کنند و این حقیر را هم از دعای خیر فراموش نکنند. «والسّلام اللَّه علی بقیهاللَّه فی أرضه و عجّل اللَّه تعالی فرجه».

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

علی الحسینی الخامنه ئی

دوم ذیحجهالحرام ۱۴۱۷ برابر با بیست ویکم فروردین ماه ۱۳۷۶

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران مراسم حج(۸/ ۲/ ۱۳۷۶ ه. ش.)

بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران مراسم حج

اشاره

(۸/ ۲/ ۱۳۷۶ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

سپاسگزاری از پروردگار متعال

من هم تشکر می کنم؛ اولًا از پروردگار متعال سپاسگزاری می کنم که بحمداللَّه امسال هم دل ملت ایران را با یک حج باشکوه و موفق و سرشار از افتخار، شاد کرد. هر سفر که کاروان حجاج، مشرّف می شوند و برمی گردند، فضایی از احساس اعتزاز به اسلام و به جمهوری اسلامی در کشور به وجود می آید؛ بحمداللَّه امسال هم این فضا بود- شاید از جهاتی بهتر و بیشتر از سالهای قبل- از جناب عالی (۱) و از همه ی آقایان محترمی هم که تشریف دارند، و از کسانی که در این جلسه نیستند و هر کدام به نحوی دست اندرکار برگزاری این حرکت عظیم بودند، به سهم خودم صمیمانه تشکر می کنم.

خداوند ان شاءاللَّه شما و همه ی آقایان عزیز را موفق و محفوظ بدارد؛ ان شاءاللَّه بتوانید سالهای متمادی این برنامه ی بزرگ را با همین روند و همین جهت و ان شاءاللَّه خیلی بهتر اجرا کنید.

حج؛ یکی از آیات لطف الهی به ایران

به نظر من یکی از آیات لطف الهی به ایران، همین حج است؛ چون همچنان که در طول زمان- چه نسبت به اصل اسلام، از طرف دشمنان اسلام، و چه نسبت به مذهب

۱- خطاب به آقای ری شهری.

اهـل بیت و پیروان اهـل بیت، از طرف دشـمنان این جریـان- فشارهایی وجود داشـته است که حیات و اصل موجودیت آنها را تهدید می کرده، امروز هم علیه هر اظهار وجود و هر نشانه ی حضوری از جمهوری اسـلامی، دشـمنهای فراوانی هسـتند که به طور دایم مشغول تعامل و تهاجم اند.

و همچنـان که خـدای متعـال در طول تاریـخ، جریـان حق را از لابلای این همه ماجراها- یعنی اسـلام را و مـذهب اهل بیت و پیروان اهـل بیت را از میان موانعش- به سـلامت عبور داده و روزبه روز هم آنها را تقویت کرده است، بحمـدالله نظام مقـدس اسـلامی و این ملت مـؤمن را هم همین گـونه از لابلای همه ی این موانع و مشـکلات، بـا دست قـدرت خود، جوری که برای اهلش قابل پیش بینی نیست و بسیار فوق انتظار آنهاست، عبور داده و می دهد و آنها را به سمتی هدایت می کند که برای آنها به عنوان هدف متکامل و متعالی مفروض است؛ و آنها را دارد پیش می برد و حرکت می دهد.

باید ایمان و تسلیم ما در برابر خدا بیشتر شود

تعجب من از این نیست که خـدای متعـال، ملت ایران و جمهـوری اسـلامی را حمـایت می کنـد؛ چـون خودش فرموده: إِنَّ اللَّهَ یُـدافِعُ عَنِ الَّذِینَ آمَنُـوا. از این صـریحتر چه می خواهیـد؛ اینهـا که الَّذِینَ آمَنُـوا هسـتند دیگر. اگر کسـی در هر چیز جمهـوری اسلامی و مردم مسلمان ایران شک کند، در ایمانشان که نمی تواند شک بکند، چرا خدای متعال إِنَّ اللَّهَ یُدافِعُ عَنِ الَّذِینَ آمَنُوا را- این وعده ی صـریح واضح روشن را- در این جا تحقق نبخشد؟ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِیلًا؛ آیا چه کسی می تواند صادقتر از خدای متعال وعده بدهد؟! پس باید حمایت بکند؛ این تعجب ندارد.

تعجب از کسانی است که این اعتماد را ندارند! تعجب از کسانی است که این خوش بینی و امید را در دلهای خودشان، به زور از بین می برنـد! من می بینم که متأسـفانه کسانی واقعاً با تشبّث به بهانه های واهی، این امیـد را که امیـد حقی و امیـد صـدقی است، کأنه می خواهند با دست خودشان در دلهایشان از بین ببرند! چرا؟

این راه خدا و وعده ی خداست؛ باید همین طور بشود. اگر این گونه نمی شد، جای

تحلیل و توجیه و استدلال و دفاع بود- که بگوییم خدا فرموده است دفاع می کند، حالا چرا دفاع نمی کند- اما خدا فرموده است که دفاع می کند، دارد هم دفاع می کند. این دیگر تأملی ندارد، باید هم بکند؛ یعنی کسی که طلبکار نیست، تکلیف هم برای خدا معین نمی کنیم، خودش فرموده است، طبیعت امر این است دیگر، غیر از آنچه که فرموده، چیزی نیست. قالُوا هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ما زادَهُمْ إِلَّا إِيماناً وَ تَسْلِيماً.

از هر حجی، از هر حادثه و هر قضیه یی که در تاریخ جمهوری اسلامی پیش می آید- که بحمداللَّه همه ی آنها هم در جهت حقانیت جمهوری اسلامی تمام می شود- باید ایمان و تسلیم ما در مقابل خدای متعال، بیشتر بشود؛ وعده ی خدا همین است، خدا هم درست فرمود، صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ.

حج؛ مظهر حمایت الهی از جمهوری اسلامی

علی ایّ حال بحمداللَّه حج، مظهر حمایت الهی از نظام جمهوری اسلامی است. این برائت هم واقعاً یکی از برکات بزرگ حج است؛ اگر حج نبود، کجا می خواست برائتِ دسته جمعیِ مسلمین انجام بگیرد؟! من تعجب می کنم، کجا جای این بود که این آهنگِ برخاسته ی از دلهای امت اسلامی که بالاخره وجود دارد- این غریوی است که دلهای مسلمین، انباشته ی از آن است- ظهور پیدا می کرد؟! غیر از حج، واقعاً جایی وجود ندارد.

اگر چه به نام اسلام، اجتماعات و مجتمع هایی هست، اما هیچ کدام از آنها حج نیست که مرکز همه ی مردم- مثابةً للناس- محل اجتماع و رجوع آحاد مردم و آحاد ناس باشد. خدای متعال حج را این گونه قرار داده است. برائت، مربوط به حج است و یکی از آن احکام حکیمانه ی اسلام که ما هم می فهمیم و عقل به حکمتش می رسد، همین است؛ که خدای متعال این را در حج قرار داده است.

بحمداللَّه امسال هم برائت شما به طور مضاعف انجام گرفت؛ هم شما برائت را انجام دادید، هم دیگران انجام دادند. عیبی هم ندارد، ما می خواهیم برائت در حج انجام بگیرد؛ مضاعف هم انجام بگیرد، چه بهتر. دیگران هم انجام بدهند، ما خوشحالیم.

بحمداللّه انجام شد، خیلی خوب و مایه ی عزت اسلام بود. ما هم امیدواریم که ان شاءاللّه خدای متعال از شما به احسن وجه، قبول کند. حقیقتاً زحمات آقایان مشکور است؛ من صمیمانه تشکر می کنم.

آن شکوه و عظمت اسلامی که حج ما دارد، بحمداللّه آن رسایی و بلاغی که حج ما دارد، بر اثر جنبه های معنوی است، والا جنبه های مادی و ظاهری و تشریفات، کمترین اثر را دارد- اگر نگوییم بعضی اوقات، جنبه ی تعویق و مانع و عایق هم دارد.

به هرحال از زحمات جناب عالی و آقایان مجتهدین، علما، بزرگان و زحمت کشان این راه، حقیقتاً صمیمانه تشکر می کنم. خداوند ان شاءاللّه به همه ی شماها اجر بدهد.

همچنین از همه ی کارکنان سازمان حج، آقایانی که در آن جا مشغول هستند، صمیمانه تشکر می کنم؛ این تشکر ما را به آقایان هم ابلاغ بفرمایید. ان شاءاللّه خدای متعال از آنها شکرگزار باشد و قلب مقدس ولی عصر از آنها راضی باشد.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام(۱۲/ ۱/ ۱۳۷۷ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام

اشاره

(۱۲/ ۱/ ۱۳۷۷ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ الحمدللَّه ربّ العالمین والصّلاه والسّلام علی البشیر النذیر والسّراج المنیر سیّدنا ابی القاسم المصطفی محمّد و علی آله الأطیبین الطاهرین و علی الخیره من أصحابه المنتجبین

موسم حج؛ مژده ی بزرگترین دیدار سالیانه ی مسلمانان

موسم حج با مژده ی بزرگترین دیدار سالیانه ی مسلمانان، از راه رسیده است، و بجاست اگر صدها هزار دل مشتاق که در این موسم، مجال بهره مندی از فیض لقاء خواهند داشت، پیوسته در جوش و شور و هیجان آماده سازی خویش باشند، و میلیونها مسلمان آرزومند که امسال در فهرست بهره مندان نهاده نشده اند، به یاد لحظه لحظه ی ایّام سعادتمندان و دعا برای خود و آنان، دل و ذهن خویش را رنگین و معطر سازند، و همه ی مسلمانان صاحبدل به گونه یی در ایام حج، با حج و شعائر و آیات جلال و جمال آن سپری کنند.

مراسم حج در هر سال، یک حادثه ی بزرگ است که رواست اگر در آن ایام معلومات، مرکز اصلیِ فکر و توجه و اندیشه و احساس مردم در سراسر جهان اسلام باشد؛ و هرکس بسته به جایگاه روحی و فکری و سیاسیش، به نوعی بدان بیندیشد و با آن بسر برد. و بدیهی است که بهره مندان از فیض حج، در مرکز این تکلیف و توقعند؛ و چون جسم و جان و اندیشه و تلاش آنان آمیخته به حج و برکات و آثار آن است، شایسته است

که بیشترین بهره ی معنوی و روحی و فردی و اجتماعی را از آن به دست آورند، و ان شاءاللّٰه چنین خواهد بود.

معرفت؛ نخستین هدیه ی حج

اگرچه برکات حج، همه ی جنبه های حیات بشری را فرا می گیرد و این باران رحمت بی دریغ، از خلوت دل و اندیشه ی آدمی تا عرصه ی سیاست و اجتماع و قدرت ملّی مسلمانان و تعاون میان ملتهای مسلمان را، بارور و سرزنده و برخوردار از شور زندگی می سازد، لیکن شاید بتوان گفت که کلید این همه، «معرفت» است؛ و نخستین هدیه ی حج به کسی که مایل است چشم خود را به حقایق بگشاید و از نیروی خداداده ی «فهم پدیده ها» بهره بگیرد، همان معرفت و شناخت منحصر بفردی است که عادتاً جز در حج، در اختیار خیل عظیم مسلمانان قرار نمی گیرد، و هیچ پدیده ی دینی دیگری نمی تواند مجموعه ی شناختهایی را که در مراسم حج، قابل وصول است، یکجا در اختیار امت اسلامی قرار دهد.

این معرفت، عبارت است از مجموعه یی از شناختها که از جمله ی آنهاست:

شناخت خود به عنوان یک فرد

شناخت خود به عنوان یک فرد، شناخت خود به عنوان جزیی از مجموعه ی عظیم امت اسلامی، شناختِ نمونه و نمایی از آن امت واحده، شناخت عظمت و رحمت خدا، و شناخت دشمن.

شناخت خود به عنوان یک فرد، به معنی تأمل در وجود خویش و شناخت ضعفها و تواناییهای آن است.

آن جا که تعیّنات مادی و تشخّص به مال و مقام و نژاد و عنوان و زیور و لباس، رنگ می بازد و آدمی جدا از آن مایه های تمایز، در کنار صدها هزار انسان دیگر به طواف و سعی و نماز و افاضه و وقوف می رود، و فقیر و غنی، و حاکم و محکوم، و تحصیل کرده و امّی، و سیاه و سفید، همه با یک لباس و در یک جایگاه، رو به سوی خدا می کنند و دست

نیاز به سوی او می گشایند و خود را در برابر مرکز جمال و عظمت و قدرت و رحمت می یابند، هر انسان با تدبّری می تواند ضعف و تهیدستی خود را در برابر خدا، و علوّ و اقتدار و عزت خود را در اتصال به خدا، بخوبی بشناسد، توهّم باطل و غرورانگیز درباره ی هستی ضعیف خود را به دور افکند، و شیشه ی کبر و خودپسندی را، که مایه ی زشت ترین خُلقیات و رفتارهای او است، به خاک بکوبد، و از سوی دیگر حلاوت ارتباط با معدن عظمت و به او پیوستن و از بتهای درونی خویش گسستن را بیازماید و بچشد.

این شناخت اساسی که جوهر همه ی عبادات و مضمون همه ی مناجاتها و راز و نیازهای اولیای خداست، آدمی را صیقل و صفا می بخشد و او را برای دیگر شناختها، مستعد و بر پیمودن همه ی راههای کمال، توانا می سازد. در زندگی عادی، گرفتاریهای دنیوی و سرگرمی افراطی به تکاپوی مادّی و درگیریها و جدالهای تمام نشدنی در زندگی روزمرّه ی انسانها، دل را غافل و مشغول می سازد و او را از این معرفت روشن بازداشته، دچار تار عنکبوت توهّم و گمانهای باطل می سازد و دل را به تکدّر و تیرگی می کشاند؛ و حج علاج قاطع این گرفتاری است.

شناخت خود به عنوان جزیی از مجموعه ی امت اسلامی

شناخت خود به عنوان جزیی از مجموعه ی امت اسلامی، به معنی نگرش به مجموعه ی حاجیان و به همه ی ملتها و سرزمینهایی است که مردم خود را به طواف خانه ی خدا فرستاده اند. نگرش به کلّ حجاج و در آئینه ی این جمع متراکم، نگرش به امت بزرگ اسلامی است که امروزه از دهها ملت و صدها میلیون انسان در سراسر جهان تشکیل شده، و از مهمترین امکانات مادی و معنوی برای حیات و رفاه اجتماعی برخوردار است و همه ی بشریت و تمدن صنعتی با همه ی حجم مادّیش، به آن و منابع عظیم آن و بازارهای رایج آن و میراث فرهنگی و علمی آن، محتاج و از آن بهره مندند.

شناخت خود به مثابه ی جزیی از این واقعیت عظیم، حجگزار را با پیوندی عاطفی و واقعی با برادران و خویشاوندانش متصل می کند؛ و افسون جدایی را که سالهاست

دستهای استعمار دیروز و استکبار امروز، به نام نژاد و زبان و مذهب و ملی گرایی می دمند، باطل می سازد.

سردمداران جهانِ طبقاتی، یعنی سیاستمدارانی که همّت گماشته اند جهان را همیشه در دو قطب قوی و ضعیف، یا مستکبر و مستضعف نگهدارند، و مرکز قدرت را به زیان ملتهای مستضعف، میان خود تقسیم کنند، از دو قرن پیش تا امروز، از وحدت امت اسلامی بیمناک بوده و بر سر راه آن مانع تراشیده اند! همان کسانی که در دهه ی حاضر، با قتل عام مسلمانان بالکان، یا تبعیض و بی عدالتی نسبت به اقلیتهای مسلمان اروپا، یا بی تفاوت ماندن در برابر اینها، عزم مسیحی کردن یکسره ی اروپا را آشکار ساختند، از یکپارچه شدن دنیای اسلام با عنوانهای اهانت آمیز یاد کردند و در تبلیغ و عمل، از آن جلوگیری نمودند.

تقویت این احساس در فرد، که وی عضوی از پیکر بزرگ امت است و هدایت درست آن، باید بتواند بر همه ی آن ترفندهای تفرقه ساز، غلبه کند؛ و ضمن این که هویت ملّی و فرقه یی را در بخشهای گوناگون امت اسلامی پاس می دارد، از فوایدی که در یکدلی و اتحاد است، همه ی این مجموعه ی بزرگ را بهره مند سازد و عزّت و اقتدار و خیر کثیری را که در یکپارچگی امت اسلامی نهفته است، شامل همه ی اجزا و اعضای آن کند.

طواف و سعی و نمازهای جماعت و همه ی حرکات و سکنات دستجمعی در حج، این درس را به حجگزار می رساند و آن را در اعماق وجود او نفوذ می دهد.

شناخت نمونه و نمایی از امت واحده

شناخت نمونه و نمایی از آن امّت واحده، به معنی گامی عملی در راه تحقق آن آرزوی بزرگ- یعنی اتحاد اسلامی- و در نهایت سر برکشیدن قدرت واحده ی اسلامی در میدان سیاست جهانی است. دیدن توده های عظیم حجگزار از نقاط گوناگون عالم، و با زبانها و رنگها و نژادهای گوناگون، افق دید مسلمان را گسترش می دهد و از مرزهای شخصی و قومی و ملّی فراتر می برد، و وظیفه ی اسلامیِ رفتار برادرانه، وی را با آنان به

تعارف و همزبانی و همدلی می کشاند، خبرهای اختصاصی ملتها را به سراسر جهان اسلام می بَرَد و توطئه ی تبلیغاتی دشمن را که همیشه، و امروز بیش از هر زمان، دست اندرکار قلب حقیقت و دروغ سازی و شایعه پراکنی است، خنثی می کند و فاصله های مکانی و زبانی و پنداری را از میان برمی دارد. با تبیین موفقیت یک ملت، در دل ملتهای دیگر، امید می دمد و با تشریح تجربه ی یک کشور، کشوری دیگر را مجرّب می سازد. احساس انزوا و تنهایی را از افراد و ملتها می زداید و ابّهت دشمن را در چشم آنان می شکند، مصیبتهای بزرگ یک کشور را برای دیگران شرح می دهد و آنان را به فکر علاج آن می افکند.

توقف حجگزاران در موسم حج در یک نقطه، و بخصوص وقوف در عرفات و مشعر و مَبیت در منی، همگی، زمینه های مستعد این شناختِ کارساز و کارآمدند.

شناخت عظمت و رحمت خداوند در حج

شناخت عظمت و رحمت خداوند در حج، به معنی تأمل در پایه گذاری این خانه است که درعین حال، هم خانه ی خداست و هم خانه ی مردم؛ إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّهَ مُبَارَکًا وَ هُدًی لِّلْعلَمِینَ. (۱) هم جایی است که انسان نیازمند، بدان روی می کند و هم نقطه یی است که عظمت آیین الهی در آن جلوه گر می شود. آمیزه یی از شکوه و عظمت و صفا و سادگی، یادگاری از نخستین ندای توحید، و جایگاهی برای تحقق وحدت کلمه. هم نشاندار جای پای مجاهدان صدر اسلام، که غریبانه در آن مبارزه کردند و مظلومانه از آن هجرت نمودند و فاتحانه و مقتدرانه بدان بازگشتند و آن را از نشانه های جاهلیت عرب پیراستند؛ و هم معطّر به نَفَس نیایشگران و جای سجده ی متعبدان و دست نیاز ثناگویان. هم مَطلَع خورشید اسلام در آغاز و هم مشرق طلوع مهدی موعود در انجام. هم پناهگاه دلهای رمیده و هم امید بخش جانهای به ستوه آمده!

۱- آل عمران: ۹۶

تشریع فریضه ی حج و ترتیب مناسک آن، هم نشانه ی عظمت است و هم آیت رحمت. با این شناخت است که دلها به مشاهده ی کعبه ی شریف در مسجدالحرام منقلب می شود و بیراهه ها به صراط مستقیم می پیوندد و انسانها دگرگونه می شوند.

شناخت دشمن

شناخت دشمن، محصول همه ی آن شناختها و متمم و مکمّل آنهاست. بدون آن، دل و ذهن مسلمان، مخزنی بی حصار است که از دستبرد راهزن و خائن و غارتگر، مصون نیست. در خودِ اعمال حج، رَمی جمرات، نماد دشمن شناسی و دشمن ستیزی است؛ و پیامبر مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله، اذان برائت را در حج سر داد و آیات برائت را از حنجره ی امیر مؤمنان علیه السلام در مراسم حج تلاوت فرمود. اگر جهان اسلام و امت اسلامی، روزی از وجود دشمنان جرّار فارغ گردد و چنین چیزی ممکن شود، برائت نیز بی فلسفه خواهد بود. ولی با وجود دشمنها و ستیزه گریهای کنونی، غفلت از دشمن و بی مبالاتی به برائت، خطایی بزرگ و پُرخسارت است.

اگر آن شناختهای پیشین به دست آید، دشمن جهان اسلام نیز شناخته می شود. هر پدیده، یا شخص، یا حکومتی و نظامی که مسلمانان را از هویت اسلامیشان بیگانه کند، یا به تفرّق و پراکندگی بکشاند، یا به کسب عزت و عظمت اسلامی بی اعتنا، یا از آن مأیوس سازد، کاری دشمنانه می کند؛ و اگر خود، دشمن نیست، سرانگشت دشمن است!

یاد و نشان دشمن نباید مورد غفلت قرار گیرد

شیطان درقرآن، تعبیری ازنیروهای شرآفرین و فساد آفرین و انحطاطآفرین است که در صف مقابل انبیا قرار می گیرد؛ وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَياطِينَ الْانسِ وَالْجِنِّ. (۱) و در سراسر قرآن، یاد و نشان شیطان تکرار شده و در تمام طول مدت نزول وحی، از آن نام برده شده است. این بدان معناست که یاد و نشان دشمن، هرگز نباید مورد

۱- انعام: ۱۱۲

غفلت جوامع مسلمان قرار گیرد.

امروز بیشترین تلاش شیطان که همان جبهه ی سیاسی استکبار است، مصروف آن می شود که مسلمانان را از آینده ی خود، نومید و به ذخیره ی گرانبهای فرهنگ و دانش خود، بی اعتنا سازد. هر پدیده یی که به مسلمانان جهان، امید ببخشد و آنان را به فکر بنای آینده بر پایه ی اسلام بیفکند، در چشم استکبار، بشدت منفور و مبغوض است. دشمنی شیطان بزرگ با ایران اسلامی، از آن است که تشکیل جمهوری اسلامی و اداره ی کشوری پهناور، با جمعیتی انبوه و با ثروت مادی و معنوی بی پایان، به مسلمانان، نوید عزت و عظمت اسلامی می دهد و فروغ امید را در دلهای آنان زنده می کند.

نشانه های امید در رفتار ملتهای مسلمان

در نوزده سالی که از تشکیل جمهوری اسلامی در ایران گذشته است، همه ی جهان، نشانه های امید را در رفتار ملتهای مسلمان دیده اند و می بینند و هرچه گردونه ی زمان، به پیش رفته و تدابیر دنیای استکبار در برابر این موج بلند و دنباله دار، بیشتر شکست خورده، این امید بیشتر شده است.

بیداری فلسطینیان و آغاز مجاهدتهای آزادی طلبانه ی آنان با شعارهای اسلامی در برابر صهیونیستهای غاصب، بیداری ملتهای مسلمان در اروپا و تشکیل کشور مسلمان بوسنی- با وجود فاجعه ی خونباری که به دست، یا با سکوت رضایت آمیز اروپاییان برای آنان پیش آمد- به حکومت رسیدن معتقدانِ به حاکمیت اسلام در ترکیه و الجزایر، از راههای معمول دموکراسی غربی- که البته در هر دو مورد، با کودتا و دخالت قدرتهای نامشروع و خصومت دشمنان جهانیِ قدرت اسلام، موفقیت آنان نیمه کاره ماند- تشکیل حکومت بر پایه ی مبانی اسلامی در سودان- که با وجود کارشکنیهای خارجی، بحمداللّه همچنان در راه اقتدار اسلامی به پیش می رود- زنده شدن شعارهای اسلامی در بسیاری از کشورهای مسلمان- که سالهای متمادی این شعارها در آن فراموش شده بود- و مثالهای متعدد دیگر، همه و همه، نشانه های تأثیر عمیق و روزافزون ولادت جمهوری اسلامی در ایران، بر سراسر جهان اسلام و امت اسلامی است.

دشمنی استکبار با ایران، بغض آلودتر شده است

دشـمنی اسـتکبار، به همین نسـبت با ایران اسـلامی، روزبه روز سخت تر و بغض آلودتر شده است! پس از شکست توطئه های پیاپی نظامی و اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی، استکبار جبهه ی تازه یی گشوده که تاکنون نیز بر ضدّ ایران اسلامی فعال است.

این جبهه، یـک جبهه ی جنـگ تبلیغـاتی است؛ و هـدف آن، متهم کردن ملت و دولت ایران و بر اثر آن، خاموش کردن فروغ امیـد در دل ملتهـای مسـلمان است! در این جنـگ تبلیغاتی، این طور وانمود می شود که ملت ایران، از حرکت عظیم انقلاب و شعارهای آن و از حاکمیت اسلام و قرآن، پشیمان شده و مسؤولان کشور، به اسلام و انقلاب پشت کرده اند! و به عنوان شاهد و نمونه، ادعـا می شود که دولت ایران، در صـدد ایجـاد روابـط دوسـتانه بـا دولت امریکـا است! انکـار مکرر این ادعا از سوی مسؤولان کشور و تأکید همیشـگی آنان بر عشق و پایبندی به اسلام و انقلاب و خط امام راحل قدس سره مانع از آن نیست که دسـتگاههای تبلیغاتی و حتی مسؤولان سیاسـی استکبار و بخصوص رژیم مسـتکبر امریکا، ادعای خود را با زبانها و شـیوه های گونـاگون، تکرار کننـد و آن را در تفسـیرها و خبرهـا و گزارشـهای جهـانی، مخصوصاً در سـطح جهان اسـلام، بیش از پیش، تکرار نمایند!

شناخت دشمن در حج، به معنی شناخت این روشها و انگیزه های آن، و برائت در حج، به معنی افشای توطئه ی دشمن و اعلام بیزاری از آن است.

ملت ایران حیات دوباره ی خود را بازیافته است

ملت و دولت ایران، بـا انقلاب عظیم خـود که به رهـبری امـام خمینی عظیم الشـأن قـدس سـره و ادامه ی خطّ و راه او، پرچم عظمـت اسـلام و ایران را برافراشـت، عزت و اسـتقلال ملّی خـود و حیـات دوبـاره ی تـاریخی خـود را بازیـافته است. به برکت انقلاب اسـلامی، ملت ایران از فساد روزافزون و انحطاط علمی و اخلاقی و اسـتبداد سیاسی و وابستگی به امریکا نجات یافت و نشاط زنـدگی و سازندگی را دوباره به دست آورد. از حاکمیت مهره های نوکر مآب و بی کفایت و غیرامین و فاسق و بدکار و مستبد و ظالم، خلاص شد و حکومتی مردمی و مدیرانی دلسوز و کاردان و مؤمن و امین یافت. سرنوشت کشور و

منابع ملّی وثروتهای خداداده اش را، که به وسیله ی بیگانگان غارت می شد، خود به دست گرفت. نیروی ابتکار و سازندگی را که بر اثر ضعف و فساد پادشاهان خائن و وابسته، سالها به خمودگی و رکود کشیده شده بود، در خود زنده کرد و در همه ی میدانهای علمی و عملی، به جبران دو قرن عقب افتادگی، گامهای بلند برداشت و برای آینده نیز همت بلند و عزم قاطع و فکر روشن را با تجربه ی دوران نوزده ساله، چراغ راه ساخته است.

اسلام و انقلاب اسلامی و امام کبیر آن، حق حیات، بر گردن ایرانی و ایران دارند، و ملت و دولت ما این حقیقت را از یاد نخواهد برد و این راه روشن و صراط مستقیم را از دست نخواهد داد.

خصومتهای رژیم امریکا با ایران و ایرانی

رژیم امریکا از اولین سالهایی که در نیم قرن پیش در صحنه ی سیاسی ایران قدم نهاد، به ایران و ایرانی جفا و خیانت کرد، از رژیم فاسد و ضدمردمی پهلوی حمایت کرد، دولتهای وابسته و ضعیف و نوکرمآب را بر سر کار آورد، اراده ی خود را بر ملت ما تحمیل و منابع ملی را غارت کرد، ثروت عظیمی از این ملت را از طریق معاملات خسارتبار نفت و سلاح، ربود، نیروهای مسلّح ایران را در قبضه ی خود گرفت، دستگاه ضدّ امنیتی شاه و شکنجه گران آن را آموزش داد، موجب اختلاف میان ملت ایران و بسیاری از ملتهای مسلمان، از جمله اعراب شد، فساد و فحشا را در ایران ترویج کرد، با رژیم شاه در سرکوب نهضت اسلامی در مقاطع گوناگون، همکاری و آن را راهنمایی کرد!

و پس از آن که علی رغم مجموعه ی آن جبهه ی ظلمت و کفر و طغیان، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، از نخستین روزهای تشکیل جمهوری اسلامی، انواع دشمنیها و کارشکنیها و تهاجمها و توطئه ها را بر ضد ایران و ملت انقلابی آن، به کار بست! از کمک فعال به رژیم عراق در جنگ هشت ساله، تا فعالیت برای محاصره ی اقتصادی کامل ایران، تا کمک به عناصر خائن و فراری، تا تبلیغات دایمی در همه ی دستگاههای تبلیغی مربوط به خود، تا آتش بیاری در اختلافات منطقه یی، و سعی وافر برای ایجاد

اختلاف میان ایران و همسایگانش، تا تلاشهای براندازی و تروریستی به وسیله ی مزدبگیران سازمان سیا، تا فعّالیت شدید برای جلوگیری از انعقاد قراردادهای اقتصادی میان ایران و کشورهای گوناگون جهان، تا دهها حرکت موذیانه و تهدیدآمیز دیگر در همه ی جبهه ها و همه ی زمینه های ممکن!

این فهرست کوتاهی از طومار بلند خصومتهای رژیم امریکا با ایران و ایرانی است.

و البته همه می دانند و خود سردمداران رژیم امریکا بیش از همه بتلخی می دانند که رژیم امریکا در اغلب این زمینه ها شکست خورده و ناکام مانده و در انزوا قرار گرفته است! و ملت ایران به کمک الهی و به برکت اقتدار و عزتی که از اسلام و انقلاب به دست آورده، در بیشتر این موارد توانسته طعم زهرآگین شکست و ناکامی را به دشمن خود بچشاند.

با توجه به این حقایق روشن، چگونه ممکن است که ملت و دولت ایران، به سوی دشمنی که هنوز هم با دلی پرکینه و کامی تلخ از شکستهای پی درپی، درصدد ضربه زدن به ایران و ایرانی است، دست دوستی دراز کند و فریب لبخند زهرآگین دشمن را که همین امروز هم با خنجری زهرآلود، در دست وی همراه است، بخورد؟!

پایبندی به اصول عزت، حکمت و مصلحت

جمهوری اسلامی ثابت کرده است که در پی تشنّج آفرینی در روابط خود با کشورها نیست، و به روابطی برابر که با سه اصل عزت و حکمت و مصلحت، در سیاست خارجی منطبق باشد، علاقمند و پایبند است؛ و ثابت کرده است که در این روابط، منافع مادی و معنویِ کشور و رعایت مصلحت و عزت ملت عظیم الشأن ایران و صیانت از آرامش و سِلم در فضای سیاسی جهان، شاخص و راهنمای اصلی اوست.

روابط ما با همسایگان و با دیگر کشورهای جهان- از جمله با کشورهای اروپا- دلیلی گویا و روشن است، و تلاش همیشگی ما برای گفتگوهای برادرانه با کشورهای مسلمان- که بحمداللَّه هم اکنون شاهد نتایج شیرین تعدادی از آنها هستیم- در برابر چشم مردم جهان است؛ لیکن در کنار این همه، شناخت دشمن و هشیاری و سرسختی در برابر آن را نیز دستورالعمل همیشگی خود ساخته و به اغوای شیاطین، فریب نخورده است، و

ان شاءاللَّه از این پس نیز نخواهد خورد.

و دشـمن صـهیونیست را که دولتی غاصب و اشغالگر در سرزمین اسلامی فلسطین برپا کرده، هرگز به رسمیت نخواهد شناخت و اعتقـاد خـود به لزوم محـو آن دولت اشـغالگر و تشـکیل دولـتی از مردم خـود کشور فلسـطین را، هرگز پنهـان نخواهـد کرد. همچنین امریکا را که شیطان بزرگ و رأس فتنه ی استکبار است، تا وقتی به روشهای کنونی خود پایبند است، دشمن خود به حساب خواهد آورد و دست دوستی به سوی او دراز نخواهد کرد.

چند توصیه به حجاج بیت اللَّه الحرام

برادران و خواهران عزیز از سراسـر جهان اسـلام و حجّاج عزیز ایرانی! با اسـتعانت از خدای بزرگ، بکوشید تا معرفت را که از بزرگترین دسـتاوردهای حج است، در همان گستره یی که تبیین شد، به دست آورید و با شـناختهای تازه یی در زمینه های یاد شـده، به کشور خود بازگردیـد و آن را دسـتمایه ی تلاش و حرکت خود برای آینده بسازید. در این موسم، بخصوص، محنت مسـلمانان کوزوو را که دنباله ی سرگذشت خونبار مناطق بالکان و تجربه ی دیگری از نوع تجربه بوسنی و هرزگوین است، با یکـدیگر بازگو کنیـد. برای پیروزی و نجات آن مردم مظلوم، دعا و در راه کمک به آنها اقـدام کنید. همچنین برای مسـلمانان دیگر منـاطق محنت زده ی اسـلامی، چـاره جویی و دعا کنیـد و اصـلاح امور مسـلمانان را از قـدرت و رحمت مطلقه ی الهی، مطالبه نمایید.

امیـد است همگی با حـج مقبول و دستی پُر از دسـتاوردهای معنوی و اخلاقی و سیاسـی، به خانه های خود برگردیـد. والسّـلام علی بقیهاللَّه فی أرضه و عجّل اللَّه فرجه.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

علی الحسینی الخامنه ئی

سوم ذیحجهالحرام ۱۴۱۸ برابر با دوازدهم فروردین ماه ۱۳۷۷

بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت(۳۱/ ۱/ ۱۳۷۷ ه. ش.)

بیانات در دیدار اعضای بعثه و سازمان حج و زیارت

اشاره

(۳۱/ ۱/ ۱۳۷۷ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

حجِ امسال از جهات مختلف، موفق بود

امیدواریم خداوند این زحمات و خدمات شما آقایان عزیز را به شرف قبول خودش مشرف کند و توفیقات خود را بر شما زیاد کند، تا بتوانید باز هم این خدمت ارزنده را به مردم خوب و عزیز ما تقدیم کنید. من به سهم خودم از جناب آقای ری شهری و بقیه آقایانی که هر کدام به نحوی در این کار دسته جمعی و خدمت بزرگ همکاری داشته اند، صمیمانه تشکر می کنم. بحمداللَّه همان طور که در خبرها و نشانه های گوناگون می شد مشاهده کرد، حج امسال از جهات مختلف خیلی خوب و موفق بود. هم توانستید حجاج بیشتری ببرید، هم توانستید بی دغدغه آنها را حج بدهید، هم توانستید دعای کمیل را که یکی از بهترین وسایل جلب رحمت الهی است در موسم حج برگزار کنید. قُلْ ما يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبِّى لَوْ لا دُعاؤُكُمْ نفس تشکیل این مراسم و آن سوز و گداز و آن توجه و عشق و نیازی که مردم ما در آن منطقه ی بخصوص ابراز می کنند، یقیناً در جلب رحمت الهی تأثیر دارد؛ و نفوس مسلمین هم به خاطر همین است که به شما جلب می شود. چون اشاره ی الهی است. والّا اگر خذلان الهی باشد- که خدای متعال نیاورد آن روزی را که ما از طرف پروردگار، به شومی اعمال خودمان دچار خذلان بشویم- در آن صورت دعای کمیل هم فایده ای نخواهد بخشید و آن هم، مردم را دفع می کند. حالا چون مظهر رحمت الهی است مردم را به مجموعه ی شما و نظام جمهوری اسلامی و

حرفهای ما متوجه می کند. همچنین توانستید ماجرای بسیار مهم و پرارزش و پرمعنا و اساسی «برائت» را امسال هم به راه بیندازید و این مراسم با ارزش را اقامه کنید. ...

از اصول اسلامی به هیچ قیمتی نگذرید

الحمدللّه امسال دیدید که خدای متعال درِ دیگری را باز کرد که اصلًا تصورش را هم نمی کردند. یک برائت خیلی خوب اعلای درجه ی یکی تقریباً در عرفات راه انداختید، که مردم آمدند و استفاده کردند؛ و پیام خودتان را به دنیا رساندید. واقعاً اینها برای ما درس است! از پایه ها، از اصول، از آنکه شناختید که مال ماست نباید به هیچ قیمتی بگذرید. حالا یک وقت انسان می تواند، می کند؛ یک وقت نتوانست، نمی کند دیگر. آنکه اشکال ندارد. حکومت، اساسی ترین حکم اسلام است. اصلًا خدای متعال انبیا را نفرستاد مگر برای اینکه در جامعه اقامه ی حکم الهی بکنند. اقامه ی حکومت حق اولین تکلیف همه ی انبیاست. ائمه ی ما سالیان متمادی گذشت، حکومت را به راه نینداختند، چون نمی توانستند. اما نگفتند ما حکومت نداریم. همیشه هم می گفتند:

«حکومت داریم، باید هم بشود.» احکامش را هم می گفتند، حرفهایش را هم می زدند. با مبانی اسلامی و اصول اسلامی، باید این گونه برخورد کرد.

گاهی از بینات الهی غفلت می کنیم

نعمت الهی را هم باید شکر کرد؛ و بدانیم که اینها نصرت خداست. اشکال عمده ی ما این است که از بینات قرآنی گاهی غفلت می کنیم. مثلًا وقتی خدای متعال می فرماید که وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ با «ل» تأکید، با «ن» تأکید ثقیله، دیگر تردید نباید بکنیم که نصرت خدا هست. چرا بعضی در این شک می کنند که آیا نصرت خدا خواهد بود؟ بله، نصرت الهی خواهد بود. اگر جایی نصرت الهی نیست به این دلیل است که ما مقدماتش را فراهم نکرده ایم. اگر مقدمات را فراهم کنیم و پای کار باشیم، نصرت الهی هم خواهد بود. وقتی خدای متعال می فرماید که وَسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ، که آن وقت امام سجاد علیه السلام می فرماید که اگر تو نمی خواستی بدهی، نمی گفتی وَسْئَلُوا اللَّهَ؛ پس این یک برهان

منطقی است؛ برهان عقلانی است. بنابراین در حکم وعده است. پس سؤال مسلماً و بلاشک، اعطا دارد. حالا ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَكُمْ را نمی گویم، چون به نظر بنده آن یک معنای دیگری دارد. لیکن سؤال از فضل الهی، پشت سرش اعطاست. ما موانع اعطا را باید برطرف کنیم تا خدای متعال اعطا کند. آن وقت هر چه می خواهیم از خدا بخواهیم.

ما به اینها توجه نمی کنیم. خدای متعال به ما وعده ی نصرت داده، ما هم می بینیم و مشاهده می کنیم که برای او داریم این حرکات را می کنیم. پس باید مطمئن باشیم که مسلماً نصرت الهی هست و اینها نمونه هایی از نصرت الهی است. ان شاءاللّه بعد از این بیشتر هم خواهد بود. و امیدواریم که هر چه می گذرد وسایل جلب رحمت الهی را بیشتر فراهم بکنیم و بیشتر از آن استفاده کنیم.

توکل، در همه ی امور کارگشاست

توکل به خدای متعال در همه ی امور کارگشاست. در امور کلی و جزئی، اتکال علی اللّه و حرکت به امید خدا با البته اتکا، به معنای بی حرکتی نیست. فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ خدای متعال به پیغمبرش می گوید: «تصمیمت را بگیر و توکل به خدا کن.» نه اینکه تصمیم نگیر، بخواب و به خدا توکل کن که خدا خودش درست کند! معنایش این نیست. با عزم راسخ در کارهای بزرگ به خدا توکل کنید. و پیش بروید. خدای متعال هم کمک خواهد کرد؛ ان شاءاللّه پیش خواهید رفت. امیدواریم که این وضعی که فعلًا از لحاظ سیاسی وجود دارد روزبه روز بهتر بشود. در همان جهات و چهارچوب های مورد تأیید و قبول ما در ارتباطات خارجی که خوب بوده تا الآن و هیچ مشکلی مشاهده نمی کنیم و روش خوبی است، از این بهتر هم می تواند بشود. ان شاءاللّه که روزبه روز بهتر بشود و بتوانید حج بهتری و خدمات بیشتری را با قبول الهی به مردم ارائه بدهید.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

بیانات در دیدار کارگزاران حج(۲۸/ ۱۱/ ۱۳۷۷ ه. ش.)

بیانات در دیدار کارگزاران حج

اشاره

(۲۸/ ۱۱/ ۱۳۷۷ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

باران رحمتی که غبارهای فتنه و شبهه را فرو می نشاند

جمع امروز مجلس ما بحمداللّه یک جمع معنوی و ارزشی به تمام معناست.

کارگزاران فریضه ی عظیم حج، قاریان قرآن، بسیجیان و زنان ومردان مؤمن و انقلابی و مخلص در حرکت در راه خدا، همگی خوش آمدید و امیدواریم مشمول تفضلات الهی باشید.

قبل از هر سخن دیگری لازم می دانم سپاسگزاری و تشکر خودم را از درگاه حضرت حق متعال و بندگان مؤمنش به خاطر حرکت عظیم ملت ایران در روز بیست و دوم بهمن امسال عرض کنم.

بعضی از حوادث، تأثیراتش در افکار دنیا و تصحیح اشتباهات دشمنان و دوستان بیش از آن چیزی است که انسان در وهله ی اول تصور می کند. این راهپیماییهای مردم عزیز ما در مناسبتهای مختلف انقلابی و از همه مهمتر در روز بیست و دوم بهمن، هرسال مثل باران رحمتی است که می بارد و غبارهای فتنه و شبهه را فرو می نشاند. مثل زلال رحمتی است که می جوشد و خس و خاشاکها را از سر راه برمی دارد، چشمها را با حقیقت آشنا می کند.

امسال مردم عزیز ما در تهران، در شهرها، حتی در بخشها و روستاها با حضور خودشان در بیست و دوم بهمن، با اعلاء کلمه ی انقلاب، با احیا و تجلیل ازنام امام

بزرگوار، بـا ابراز نفرت از دشـمنان انقلاـب و اعلاـم وفاداری به مبانی و اصول این انقلاب عظیم یک بار دیگر این فیض و این لطف را برای ملت مـا و مسـلمانان عـالم و نـاظران بین المللی به ارمغـان آوردنـد، و دشـمنان را که بـا تحلیـل هـای واهی برای خودشـان دلخوشـی درست می کننـد، یـک بـار دیگر با حقیقت درخشان نور انقلاب اسـلامی و حیات و عزم ملت ایران آشـنا کردنـد. دسـت رد بـه سـینه ی آنهـا زدنـد و دوسـتان را خوشـحال کردنـد. خـدا را بر ایـن توفیـق، بر ایـن لطـف و بر این فیض سپاسـگزاریم و ملـت جلیـل القـدر و عظیم الشأن ایران را هم سپاسـگزاریم به خـاطر اینکه این گـونه حیـات و عزم و وفـاداری خودشان را عملًا با جسم و جان و حضور خودشان- نه با حرف این و آن- به اثبات رساندند.

دشمن از دشمنی چشم نمی پوشد

یک جمله من عرض کنم. شـما برادران و خواهران عزیز و همه ی ملت ایران توجه کنند. خطاست اگر گمان کنیم که دشمنان انقلاـب بـا پیروزی انقلاـب در اول کـار، بـا پیروزی انقلاـب در جنـگ، با پیروزی انقلاب در صـحنه های مختلف، از مقابله با تـداوم انقلاـب، چشم پوشـیدند؛ خطاست اگر گمان کنیم دشـمن از دشـمنی چشم می پوشـد. حرکت شـما، اقـدام و حضور و هوشیاری شما، ضربه های دشمن را خنثی می کند، این حرکت و این حضور باید تا آن وقتی ادامه پیدا کند که دشمن به کلی مأیوس شود. در این بیست سال گذشـته ملت ایران بارها دشمن را عقب رانده است، اما دشمن گوش خوابانده و منتظر فرصت است.

حضـور جمهوری اسـلامی در این منطقه، در دنیـای اسـلام و در زیر این آسـمان، برای منـافع دشـمنان اسـلام بسیار شـکننده و خطرناک است. چشم دشـمنان اسـلام به این دوخته شـده است که شایـد بتواننـد نقطه ی ضـعفی پیدا کنند. همچنان که چشـم دنیای اسـلام به شـما و جمهوری اسـلامی دوخته شده است، ملتهای مسـلمان و تداوم حرکت اسـلامی و حیات اسـلامی متوجه شماست. امیدها بسته ی به شماست. لذا دشمن توطئه می کند، شاید بتواند این مرکز امید را از مردم مسلمان عالم بگیرد.

سه نوع توطئه در جریان است

سه نوع توطئه در جریان است؛ توطئه ی سیاسی، توطئه ی اقتصادی، توطئه تبلیغاتی.

البته ملت ایران محکم ایستاده است. ملت و دولت در مقابل این توطئه ها ایستاده اند.

توطئه ی سیاسی با سیاسی کاریهایی است که انجام می دهند. با تحریکات و دسیسه چینی هایی است که می کنند، با تشویق و تحریک دشمنان داخلی و خارجی ما در موارد مختلف است، در مقاطع گوناگون این دشمنی سیاسی است. گاهی لبخند مکرآلود نشان می دهند، گاهی چهره ی غضبناک نشان می دهند، گاهی کسانی را که در داخل و خارج وادار به مبارزه ی با اسلام و نظام اسلامی می کنند ...

توطئه ی اقتصادی کمک به فشار اقتصادی علیه جمهوری اسلامی است. البته امروز مشکلات اقتصادی مخصوص ایران نیست؛ مخصوص کشورهای این منطقه هم نیست، امروز وضع اقتصادی در دنیا دچار یک مشکلات و بحرانهایی است، در بعضی از کشورها به شکل بحران هم هست. و لکن دشمن بر روی مناطق خاصی از دنیا متمرکز می شود و بر روی آن کار می کند. ملت ایران هدف توطئه های اقتصادی دشمنان اسلام است و در رأس آنها شیطان بزرگ امریکا قرار دارد. اگر، دولت جمهوری اسلامی برای گشایش اقتصادی مردم فعالیت و تلاشی را شروع کند، تا هرجا بتوانند با آن مخالفت و مقابله می کنند. این توطئه برای فشار آوردن بر اقتصاد کشور، بر ملت ایران، بر پول کشور است.

توطئه ی تبلیغاتی عبارت است از اینکه تبلیغات خودشان را در آن جهتی سازماندهی می کنند که بینات و اصول انقلاب را در ذهنهای مردم سست کنند و مورد تردید و شک و شبهه قرار بدهند. رادیوهای گوناگون، مطبوعات گوناگون، بازتابهای حرفهای آنها به وسیله ی ایادی آنها در داخل، همه در این جهت کار می کنند بلکه اعتقادات مردم را سست کنند.

این توطئه ها را دشمن دارد انجام می دهد. ملت ایران در مقابل توطئه های دشمنان همیشه ایستاده است؛ همیشه قاطعیت نشان داده است. به فضل پروردگار تا

امروز هم در مقابل همه ی توطئه های اساسی دشمنان آن کسی که پیروز شده است ملت ایران بوده است؛ آنچه پیروز شده است انقلاب بوده است؛ آنچه پیشرفت کرده است رسالت انقلاب بوده است؛ دشمن طرفی نبسته است، اما دشمن دارد ادامه می دهد.

پشتوانه ی پیروزی ملت ایران

ملت ایران به چه پشتوانه ای توانست پیروز شود؟ به پشتوانه ی ایمان، هوشیاری، آگاهی، وحدت کلمه و پایبندی خود به راهی که امام بزرگوار به او نشان داده بود. تا امروز هم ملت ایران همچنان که در بیست و دوم بهمن ملاحظه کردید این راه را با استواری و قاطعیت و استقامت تمام دارد طی می کند. دشمن، دشمنی می کند؛ ملت ایران ایستادگی و قاطعیت نشان می دهد. در همه ی مراحل ملت ایران با صبر و بردباری، با پایداری و هوشیاری و با وحدت کلمه توانسته است به پشتوانه ی عظیم ایمان خود بایستد، موانع را از سر راه بردارد، پیش برود و دشمن را ناکام کند. شما توانستید دشمن را به فضل پروردگار ناکام کنید، خدا را شکرگزار باشید. هوشیاری ملت ایران باید ادامه پیدا کند. این چیزهایی که در حقیقت در داخل جامعه ی ما حبل اللّه است- یعنی قرآن، تمسک به ذکر الهی، تمسک به وحدت کلمه و پافشاری بر مواضع اسلامی و قرآنی- باید ادامه پیدا کند و ادامه هم پیدا می کند. مطمئناً ملت ایران این راه را با قاطعیت پیش خواهد برد. این معجزه ی عظیمی که به برکت اسلام و قرآن در این برهه ی از عالم به وجود آمد، پدیده ی کوچکی نیست. خیلی عمق دارد و بسیار ریشه داراست، اراده ی الهی هم بر این قرار گرفته است که در قرنی که همه ی عوامل بر علیه اسلام کار کرده اند، این حجت بالغه ی حق- یعنی حاکمیت اسلام- را حفظ کند، مردم دنیا را به رسالت اسلام معتقد و مذعن کند و نشان دهد که کید دشمن با همه ی کارهایی که می کند، با همه ی امکاناتی که در دسترس دارد، با ثروت و قدرت و اسلحه ی خود، با سیاست و دستگاههای جاسوسی خود در مقابل حرکت اسلام، کید شیطان است و ضعیف است: إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطانِ كانَ ضَعِيفاً. این اراده ی الهی است و باید در این جهت حرکت کرد.

دل ملت با اسلام است

من به شما برادران و خواهران عزیز، به همه ی ملت ایران عرض می کنم این راهی که پیش می روید یعنی راه تمسک به اسلام و قرآن، همان راهی است که ایران را و کشور شما را از تمام مشکلات به فضل پروردگار نجات خواهد داد. این همان راهی است که عزت و آزادی و استقلال کامل و عظمت ملت ایران را در سایه ی اسلام آشکار خواهد کرد. دشمنان که می خواهند با وسوسه ی در عقاید مردم، با ایجاد تشکیک در اصول انقلاب، با ایجاد دودستگی در بین مردم کارهایی بکنند، نخواهند توانست. یک عده تلاش خود را می کنند، زحمت خود را می کشند ولی آبروی خودشان را می برند.

آن کسانی که به نفع جناح دشمن، به نفع مرکزیت استکبار و امریکا، به نفع جبهه ی ضد دین در دنیا و به نفع مستکبرانی که علیه اسلام و برای انتقام از اسلام و مسلمین تلاش می کنند، کار می کنند، اینها طرفی نخواهند بست. دل ملت با اسلام است، جان این ملت متوجه پیام اسلام و ندای اسلام است، متوجه امام بزرگوار است و همه باید تلاش کنند این نعمت بزرگ الهی را در دل و جان خودشان حفظ کنند و هر کسی که مسؤولیتی دارد باید در این جهت تلاش کند.

حج؛ فرصتی گرانبها و بزرگ

من همین جا به شما کارگزاران عزیز حج عرض بکنم حج را مغتنم بشمارید؛ حج خیلی فرصت گرانبها و بزرگی است. حج فرصت خودسازی و بازسازی اخلاقی و معنوی است، فرصت دیدن شوکت اسلام است، عظمت اسلام را ببینید؛ عظمت امت اسلامی را در حج مشاهده کنید. هرچیزی که حاجی را از این عبرت و درس بزرگ باز دارد، مضر و مخل است، و شما کارگزاران حج باید به این نکته توجه کنید و حاجی را به آنچه که باید ببیند، درک کند و به آن بصیرت پیدا کند، هدایت کنید؛ او را کمک کنید. سرگرم شدن به زخارف پوچ، بی ارزش و سرگرمیهای معمولی دنیوی در حج، بلای بزرگی برای حاجی است که پول خود را خرج می کند، عمر خود را مصرف می کند، از جسم و جان خود مایه می گذارد، آن وقت دست خالی برگردد؟! دست خالی برگشتن از حج یعنی توفیق نیافتن

به بازسازی اخلاقی، به عبرت گیری، به بهره مندی معنوی، این دست خالی برگشتن است؛ حیف نیست؟ مگر عمر انسان چقدر است؟ مگر این توفیق چند بار برای انسان دست می دهد؟ روحانیون محترم حج در کاروانها در هر جایی که مراجعینی دارند، مردم را به این معنویت سوق بدهند.

پیام معنوی حج

این توصیه به صرفه جویی هم که ما همیشه بر آن تأکید می کنیم، بحمداللّه گویا مسؤولین محترم حج به آن توجه جدی مبذول کرده اند، این به جنبه ی معنوی حج کمک می کند. حج برای عبادت است، برای معنویت و بصیرت است، برای پیام معنوی و سیاسی اسلام است. بزرگترین پیام سیاسی اسلام وحدت است، وحدت مسلمین، ایستادگی امت اسلامی در مقابل دشمنان اسلام، برائت از کفار و مشرکین، برائت از رأس شرک و کفر و استکبار یعنی امریکا؛ برائت از غده ی سرطانی صهیونیسم و اعلام نفرت و انزجار و بیزاری از او و از هر کسی که به وجود او و حضور او و توسعه او کمک می کند.

اینهاست پیام حج؛ اینهاست معنویت این واجب بزرگ. دلها را، جانها را، ذهنها را به این جهت سوق بدهید؛ چه مسؤولین در مسؤولیتهای مختلف، چه رؤسای کاروانها، چه علمای اعلام و محترمین و روحانیان عزیزی که با کاروانها هستند و چه هر کسی که مسؤولیتی دارد.

حرکت قرآنی در جامعه ی ما رواج دارد

بحمداللّه حرکت قرآنی هم در جامعه ی ما به رغم دشمن رواج دارد. دشمن مایل به رواج فحشا و بی بندوباری و رواج مظاهر فرهنگ مبتذل غربی است، بخشهایی از فرهنگ غربی که در آن سودی متصور است، آنها را ترویج نمی کنند، اما مبتذلات را به اسم هنر، به اسم چیزهایی از این قبیل، رواج می دهند. دشمن این چیزها را دوست دارد.

دشمن رواج قرآن را دوست ندارد. هرجا رواج قرآن هست، رغم عنف دشمن است.

هرجا انس با قرآن هست این توسل به حبل المتین الهی است، قرآن این است. جامعه ی ما

بحمـداللّٰه با توسل و تمسک به ثقلین، یعنی قرآن و عترت توانسـته است از مشـکلات فراوانی عبور کند. تمسک به ثقلین زمینه ی رحمت الهی است. خـدای متعـال رحمت می کنـد بر چنین ملـتی و آثـار رحمت الهی را می بینیـد. اینهـا آثـار رحمت الهی است، قیام دولت اسلامی از آثار رحمت الهی است، تفضلات الهی از آثار رحمت الهی است.

عزت ملت ایران از آثـار رحمت الهی است، شـادابی حرکت اسـلامی در بین جوانهـای مـا از آثار رحمت الهی است. امروز در دنیا جوانها تا گلو غرق در فسادنـد، غرق در بیکارگی و هرزگی و بی بنـد و باری اند. جوان مسـلمان با معنویات انس پیدا می کنـد. اهل نماز و قرآن است، اهل اعتکاف و عبادت است، اهل حج و عمره است، جوانها به سـفر عمره رفته بودند، کسانی که شاهد بودند می گفتند ما به حالت این جوانها غبطه می خوریم.

اینها آثار رحمت الهی است، خود اینها موجبات رحمت الهی است. اینها را قدر بدانید.

به هیاهوی دشمن اعتنا نکنید

به هیاهو و جنجال و قیل و قال و عربده های دشـمن اعتنایی نکنید. شأن دشـمن همین است که یا حمله کند، ضربه بزند؛ یا اگر دید ضـربه ی او کارگر نیست، عربده کشـی و هیاهو و جنجال کند، مؤمنین را مرعوب و افسـرده کند، این کار دشمن است. به اینها اعتنایی نکنید، بحمداللّٰه حرکت ملت ایران به سـمت صـلاح است، متن ملت در خط اسلام و امام در حال حرکت است و به فضل الهی با توجهات حضرت بقیهاللّٰه الاعظم این حرکت ادامه خواهد یافت و خواهید دید که ان شاءاللّٰه دشمن بار دیگر و بارهـای دیگر در مقـابله ی با ملت ایران ناکام و بینی اش به خاک مالیـده خواهـد شـد و ملت ایران به برکت اسـلام و قرآن ان شاءاللّٰه روزبه روز مدارج پیشـرفت و ترقی را طی خواهد کرد. امیدواریم خداوند متعال تفضـلاتش را بر شما مستدام بدارد، ما را در راه خود و در مسـیری که مورد رضای اوست هدایت کند و حرکت ما را مشـمول لطف و رحمت و رضا و قبول خودش قرار بدهد.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام(۲۸/ ۱۲/ ۱۳۷۷ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام

اشاره

(۲۸/ ۱۲/ ۱۳۷۷ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ الحمدللَّه ربّ العالمین والصّلاه والسّلام علی رسوله الأمین الکریم، و علی آله المیامین و صحبه المنتجبین.

روزهای خاطره سازِ حج فرا رسیده است

بار دیگر روزهای خاطره ساز حج فرا رسیده و منادی پروردگار، دلهای پُرشوق و التهابِ مؤمنان را بدان کعبه ی امید فرا خوانده، و از هر سوی جهان گروهی سعادتمند را در پایگاه دعوت ابراهیمی و خاستگاه دین محمدی صلی الله علیه و آله گرد آورده است.

اکنون فرصت مغتنمی است که این نمونه ی منتخب امت بزرگ اسلام، خود را و امت واحده و آئین صلاح و فلاح آن را با نگاهی ژرف بنگرد و حقیقتی را که در حصارهای قومیت و نژاد و زبان، کمتر می توان بدان پرداخت، در گستره ی این میعادگاه جهانی به چشم آورد.

عظمت سرمایه ی امت اسلامی و خطر در کمین آن

در میان واقعیتهای بزرگی که در این تدبر و خودنگری جلوه می کند دو چیز از همه برجسته تر است؛ نخست: غنا و عظمت سرمایه یی که امت اسلامی از آن برخوردار است. و دیگر: سهمگین بودن خطری که درکمین این سرمایه ی بزرگ است.

سرمایه ی بزرگ امت اسلامی، آئین اسلام و معارف رسا و روشن و مقررات متین و

دستور جامع آن برای زندگی انسان است. اسلام با ارائه ی بینشی خردمندانه و عمیق درباره ی جهان و انسان و با توحید ناب و دستورالعمل اخلاقی و معنویِ حکمت آمیز و ارائه ی مقررات و نظامات سیاسی و اجتماعی مستحکم و فراگیر و اعمال و وظائف عبادی وفردی، همه ی آحاد بشر را دعوت می کند تا: هم درون خودرا از زشتیها و ضعفها وپستیها و آلودگیها برهانند و در باطن خود فروغ ایمان، و خلوص، ووارستگی، وصمیمیت، و محبت، و امید، و نشاط را بیفروزند، و هم دنیای خود را از فقر و جهل و ظلم و تبعیض و عقب ماندگی و ایستایی و زورگویی و تحمیل و تحقیر و تحمیق رها سازند.

هم تزکیه ی اخلاقی و هم تلاش جمعی ضروری است

برای فراهم شدن زندگی سعادتمندانه و مطلوب انسان، هم تزکیه ی اخلاقیِ فرد که گوهر او را از زشتی ها و آلودگیها برهاند، و هم حرکت و تلاش جمعی که میدانهای زندگی را بروی او بگشاید و او را در چالشِ ناگزیرش با طبیعت و با نگهبانان رژیم های ستم و استکبار یاری دهد، ضروری و حتمی است.

اسلام با معنا کردن زندگی و هستی و با نشان دادن راه درست آن، انسان را در فراهم آوردن زندگی حقیقتاً سعادتمندانه یاری می دهد و صراط مستقیم الهی را به او معرفی می کند. همه ی احکام و دستورهای اسلامی، و همه ی خطوط اصلی در شیوه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اسلام، و همه ی عبادات و مقررات فردی و جمعی اسلام، اجزاء درهم تنیده ی این نسخه ی زندگی بخش و سعادت آفرین است.

همین مراسم جاودانه یی که حجگزاران در آستانه ی آنند، خود مجموعه ی گویا و پرنکته یی است از ذکر و شور و حال معنوی و درونی، در ضمنِ حرکت و تلاش و هماهنگی سازنده ی جمعی.

حج، در آئینی پُر راز و رمز، و در آمیزه ی شگفت آوری از شُکوه و خاکساری، و اقتدار و فروتنی، و حرکت وَ تلاش درونی و بُرونی، نمادی از مبارزه و جهاد نفسانی و جهانی انسانِ مسلمان، در راه تحقق حیات طیبه ی انسانی را در برابر چشم آدمی می گذارد و حجگزار را به تمرین عملیِ وظائف بزرگ خود وادار می سازد.

جوامع بشری به اسلام و رهنمودهای آن نیازمندند

امروزه جوامع گوناگون بشری، در خلاء معنویت و در سرگردانی و حیرت و گرفتاریهای بزرگ اجتماعی و فردی که بدست زر و زورسالاران جهانی بدان دچار شده اند، به اسلام و رهنمودها و درسهای بزرگ آن نیازمندند، و دعوت اسلامی نه فقط برای ملتهایی که در آتش فقر و استضعاف می سوزند، بلکه به همان اندازه برای مردمی که در مردابهای پوچی و سرگردانی و فقر معنوی در کشورهای ثروتمند و پیشرفته دست و پا می زنند، جذاب و نافذ و امیدبخش است. گرایش روزافزون به اسلام در میان قشرهای جوان و آزرده از پوچیِ دنیای مادی در کشورهای پیشرفته ی غربی، که آمارها و تحقیقها بدان گواهی می دهد، نشانه ی این جذابیت و نفوذ است.

مسلمانان جهان با درست شناختن و براستی قدر دانستن این سرمایه ی بزرگ، قادر خواهند بود که تحولی حقیقی در زندگی خود پدید آورند و کشورهای اسلامی را از ضعف و وابستگی و عقب ماندگی و انحطاطی که امروزه بدان دچارند، نجات بخشند.

اثبات حقانیت نظریه ی سیاسی و اجتماعی اسلام

اگر روزی بر اثر کج فهمیها و غرض ورزیها چنین وانمود می شد که اسلام فقط در محدوده ی مسجد و محراب یا در زندگی فردی و درونیِ انسان به کار می آید و در عرصه ی سیاست واقتصاد ومبارزات اجتماعی و میدانهای بین المللی، ساکت و بی تفاوت است، و اگر روزی نظریه ی جدایی دین از سیاست، همچون دستمایه ی قدرتهای استعماری و سلطه های ظالمانه و حکومتهای استبدادی برای خاموش کردن انگیزه های اصلاح طلبانه ی مسلمانان و نابود ساختن زمینه ی قیامهای اسلامی، به کار می رفت، امروزه با سربرافراشتن جمهوری اسلامی در ایران و فائق آمدن آن بر همه ی توطئه ها و دشمنی های نظامی و سیاسی و اقتصادی، و یکتنه ایستادن آن در برابر جبهه ی وسیع کفر و استکبار و استبداد، و ناکام ساختن امریکا و صهیونیزم و همدستان آنان که با همه ی توان

به نابودی یا انحراف آن کمر بسته بودند، و رشد و اقتدار روزافزون بیست ساله ی آن، همه ی آن کج فهمیها و غرض ورزیها خنثی گشته و نظریه ی سیاسی و اجتماعی اسلام، حقانیّت و درستی خود را در میدان عمل به اثبات رسانده است.

جمهوری اسلامی توانایی های خود را به اثبات رسانده است

جمهوری اسلامی با پیمودن مسیری دشوار که یکسره پوشیده از مانعها و دامهایی بود که سردمداران نظام سلطه ی جهانی و زر و زورمداران بین المللی بر سر راه او نهاده بودند و با پیروز شدن در نبرد نظامی هشت ساله و نبردهای سیاسی و امنیّتی و اقتصادی و تبلیغی بیست ساله، توانسته است قدرت خود را در اداره ی کشور، و بسیج توده های میلیونی، و پیش بینی و مقابله با حوادث بزرگ، و حضور موفّق در چالش های بین المللی به اثبات برساند و توانایی و ابتکار خود را در سازندگی و پیشرفت و ترمیم ویرانیها، آنهم با وجود صف آرائیهای ظالمانه ی جهانی در برابر خود و نداشتن هیچگونه کمک سیاسی و اقتصادی از بیرون، در معرض دید همگان بگذارد. و علاوه بر اینها نهضت بیداری مسلمانان و اقدامهای بزرگ ملل اسلامی را که نشانه ی زنده شدن هویت اسلامی در آنان است تقویت و تسریع کند. امروز به برکت پیروزی اسلام در ایران، در همه جای جهان اسلام موج بیداری اسلامی رو به افزایش و اقتدار است.

اینک این اسلام است که سرافرازتر از همیشه در صحنه ی حیات بشر، حضور و قدرت خود را بر همگان آشکار می سازد و فروغ امید را در دل انسان رنج کشیده ی این عصر بر می افروزد. و این است بزرگترین سرمایه ی امت اسلامی.

ولی در راه بکار گرفتن این سرمایه ی بی زوال، خطرهای بزرگی کمین گرفته است، و بزرگترین این خطرها یکی خطر درونی است و دیگری خطری از بیرون.

خطر درونی و دشمن بیرونی امت اسلامی

خطر درونی که دشمن قدیمی امت اسلامی است همان کج فهمی و جمود و تحجّر، یا خودباختگی و التقاط، یا نومیدی و ضعف نفس، یا تردید و وسوسه ی فکری، و یا

مجموعه یی از اینها و امثال آن است. ملت رشید و پیشرو ایران برهبری امام خمینی عظیم راحل، دشمن درونی را شکست داد و بر آن فائق آمد تا توانست در جبهه های سیاسی و نظامی پیروز شود و نظام جمهوری اسلامی را در کشور خود مستقر و در مدت بیست سال در راه آن مجاهدت کند.

ولی تا دشمن بیرونی در مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی فعال است، خطر سر برآوردن آن دشمن درونی نیز همواره هست و مسؤولان نظام اسلامی در ایران، این را خطری بالقوّه بزرگ و جدّی می شمارند. آنچه ما آن را تهاجم فرهنگی دشمن می نامیم و پیوسته مردم هوشیار خود و بیش از همه جوانان را به مجاهدت در برابر آن فرامی خوانیم، همانا کوشش همه جانبه ی دشمنان ما با استفاده از همه ی ابزارهای تبلیغی و خبری و سیاسی و امنیتی برای برانگیختن همین دشمن درونی است.

دشمنی امریکا با جمهوری اسلامی ایران

حقیقت آن است که امپراتوری بین المللی زر و زور، به سردمداری امریکا، با همه ی توان خود در برابر تأثیر جمهوری اسلامی بر جهان اسلام، به جدّ و جهد مشغول است.

رژیم امریکا و شبکه بین الملل صهیونیزم با مأیوس شدن از مقابله ی نظامی و اقتصادی با ایران اسلامی، اینک بر تلاش تبلیغی و سیاسی خود افزوده اند. هدف از این تلاش، تأثیرگذاری بر فکر و روحیه ی مسلمانان علاقه مند به جمهوری اسلامی در سراسر جهان و نیز بر ذهن و فکر مردم مؤمن ایران است.

آنان در این صددند که جمهوری اسلامی را که امروزه در جهان، مظهر جامعیت اسلام شمرده می شود، در موضع دفاعی قرار داده، ابتکار عمل را در میدان معارضه با دشمنانش از دست او خارج کنند، و برای این مقصود در چهره یی منافقانه و ریاکار، شعارهای مردم پسند مانند: حقوق بشر، آزادی، مبارزه با تروریسم، دفاع از حقوق زن و امثال آن سر می دهند و جمهوری اسلامی را به بی اعتنایی به این شعارها، متهم می سازند.

چهره ی دوگانه رژیم امریکا

رژیم امریکا در حالی از حقوق بشر دم می زند که زشت ترین تصویر از نقض حقوق بشر را در رفتار مستکبرانه اش با ملتهای ضعیف جهان از خود بر جای می گذارد؛ در حالی ادعای مبارزه با تروریسم می کند که خطرناکترین تروریستها را در حمایت خود قرار می دهد؛ در حالی از دموکراسی سخن می گوید که از مستبدترینِ حکومتها در برخی مناطق جهان پشتیبانی می کند؛ در حالی بنام آزادی شعار می دهد که کمترین سخن آزادانه را در افشای ماهیت رژیم صهیونیستی و نقشه های خطرناك و ستمهای روزافزون یهودیان صهیونیست- نه در کشور خود و نه در هر جای دیگر که بتواند- تحمل نمی کند؛ در حالی بنام حقوق زن بر ضدّ جمهوری اسلامی تبلیغ می کند که زن امریکایی در خانواده و در محیط کارش مورد تعدّی و سوءاستفاده و اهانت است؛ در حالی خود را پرچمدار مشارکت مردمی در حکومت می شمارد که هر جا مردم مسلمان حکومتی تشکیل دهند، با همه ی عدّه و عُدّه در مقابل آنان به میدان می آید و از کودتاهای نظامی و توطئه های سیاسی بر ضد آنان با همه ی وجود پشتیبانی می کند.

سیاهه ی جرایم رژیم امریکا

در قضاوت سیاسیِ امریکا، آوارگان فلسطینی و لبنانی که با اشغالگرانِ خانه ی خود مبارزه یی مظلومانه می کنند، تروریست اند؛ ولی تروریستهای صهیونی که مستمراً به روستاها و شهرهای لبنان حمله ی نظامی می کنند و زندانیان فلسطینی را با شیوه های قرون وسطایی شکنجه و آزار می دهند و خانه های فلسطینیان را خراب و بجای آن آبادیهای صهیونیستی احداث می کنند، شایسته ی کمکهای میلیاردی اند! نظامی همچون جمهوری اسلامی که مظهر قویترین پیوند میان مردم و مسؤولان است و قانون اساسی و همه ی ارکان اصلی حاکمیت در آن و اصل نظامِ آن با رأی و اراده و انتخاب مردم تعیین و برگزیده شده اند، غیر دموکراسی است؛ ولی مستبدترین حکومتهای فردی که در طی سالهای متمادی حتی یکبار مردمشان قدرت انتخاب حکومت و حاکم و قانون را نیافته اند، مقبول و خالی از ایراد است! برای جمهوری اسلامی که هرگز به هیچ کشوری

حمله ی نظامی نکرده، داشتن سلاح غیر اتمی هم ناروا است و غصب و توقیف قطعات یدکی و هواپیما و بالگردانهای قبلًا خریداری شده ی آن مجاز است؛ ولی پر کردن منطقه ی خلیج فارس از انواع سلاحها و جنگنده های غیر لازم و تجهیز روز افزون رژیم صهیونیستی به سلاح اتمی بی اشکال، بلکه لازم است! در منطق تبلیغاتی امریکا و شبکه ی تبلیغاتی صهیونیستی، اعدام قاچاقچیان هروئین در ایران، نقض حقوق بشر است؛ ولی ربودن مردم لبنان و بمباران روستاها و تیرباران بی پناهانی که از روستای خود گریخته اند، حتی خدشه یی هم در حقوق بشر نیست! کمک به مسلمانان مظلوم در منطقه ی بالکان برخلاف مقررات بین المللی است؛ ولی راه اندازی کودتای نظامی در کشورها بوسیله ی سازمان سیا و موساد، با مقررات بین المللی مخالف نیست! کمک به دولت عراق در هنگامی که به مردم حلبچه و جبهه های ایران حمله ی شیمیایی می کند، جرم نیست؛ ولی کمک غذایی به ملت عراق که بر اثر محاصره امریکا سالانه پانصدهزار کودک آن تلف می شوند، جرم است!

رژیم امریکا با سیاهه ی جرائمی که فقط گوشه یی از آن گفته شد، مدّعی رهبری جهان و طرفدار جهان تک قطبی به ریاست سران و سیاستمداران کم وزن و گرفتار خویش است و به گمان باطل خود قادر خواهد بود ملت با شرف ایران و سیاستمداران پاکدامن و نظام ریشه دار و مردمیِ آن را در موضع دفاعی قرار دهد.

جمهوری اسلامی، با قدرت و استحکام پیش می رود

برادران مسلمان ما در همه جای جهان بدانند که نظام جمهوری اسلامی با قدرت و استحکام در راه روشنی که اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله ترسیم کرده، به پیش می رود و ایران سرافراز با یکپارچگی مسؤولان کشور و وحدت کلمه ی مردم مؤمن و رشیدش در ادامه ی خط امام خمینی عظیم راحل همه ی توطئه های اقتصادی و سیاسی و امنیتی و غوغاهای تبلیغاتی دشمن را پشت سر گذارده و روزبه روز به هدفهای بزرگ خود نزدیکتر خواهد شد، و همانطور که در این بیست سال بارها با نصرت الهی، دشمن را ناکام ساخته باز هم با ایمان و عمل صالح خود، نصرت و رحمت الهی را شامل حال

خویش خواهد ساخت ان شاءاللّه.

در خـاتمه از همه ی برادران و خواهرانی که از هر نقطه ی جهـان در آن قبله ی دلهـا گرد آمـده انـد تقاضا می کنم که دسـت تضرع برداشته صلاح کار همه ی مسلمانان جهان و نصرت اسلام و مسلمین را از خداوند مسألت نمایند.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّه

علی الحسینی الخامنه ئی

بیست وهشتم اسفندماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت

مصادف با اول ذی الحجه ۱۴۱۹

بیانات در دیدار با کارگزاران حج(۲۶/ ۱۱/ ۱۳۷۸ ه. ش.)

بیانات در دیدار با کارگزاران حج

اشاره

(۲۶/ ۱۱/ ۱۳۷۸ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

حج؛ مظهر معنویت، وحدت و برائت

به همه ی برادران محترم و خواهران گرامی خوش آمـد عرض می کنم و از همه ی شـما دست اندرکاران فریضه ی عظیم حج تشکر می کنم. امیـدوارم خـدای متعـال توفیق بدهـد که امسـال هم مثـل سالهای پیش- بلکه بهتر از سالهای پیش- این واجب بزرگ، در موسم خود، و بـا شـرایط و حـدود خود، ان شـاءاللَّه اقـامه بشود و مردم مـا بتواننـد معنـا و مفهوم الهی و اجتماعی و سیاسی حج را در وجود خودشان حس کنند و آن را در فضای دنیای اسلام مجسم نمایند.

حـج از یک طرف مظهر معنویت است؛ ارتباط با خـدا، آشـنا شدن دل با آیات الهی و نزدیک شدن هرچه بیشتر انسان به خدا؛ از یک طرف مظهر وحدت است؛ یکپارچگی امت اسـلام، برداشـتن دیوارها و حجابها و پُر کردن دره ها و شکافهایی که یا به دست دشمن، یا به وسیله ی تعصبات و اوهام به وجود آمده است، و نیز ایجاد قدمی به سوی امت واحده ی اسلامی است؛ و از طرف دیگر مظهر برائت از دشـمنان خـدا، برائت از مشـرکین و ایادی شـرک و کفر است. اگر ان شاءاللَّه این سه جهت در حج متجسـد و مجسم بشود، حـج فایـده ی خود را بخشـیده است. اول، شـما و حاجی هستیـد که از حج بهره می برید؛ در مرتبه ی دوم، دنیای اسلام و جامعه ی اسلامی و امت اسلامی است که این بهره را می برد.

یکی از خصوصیات حج این است که فضا را معنوی می کند. الآن فضای کشور به برکت نزدیکی ایام حج و با رفتن حجاج، در شرف معنوی تر شدن است. وقتی حجاج برمی گردند، باز باری از معنویت با خود می آورند؛ یعنی سوغات روحیه و معنویت. هر وقت سخن از حج است، معنویت پراکنده می شود؛ باید این طور باشد.

فضای کشور؛ مشحون از معنویت

من امروز به مناسبت این که کشور و ملت ما بحمداللّه بعد از بیست و دوم بهمن و آن آزمایش بزرگ الهی، و قبل از انتخابات قرار دارند، لازم است این را عرض بکنم که فضای معنوی برای همه چیز یک کشور مفید است؛ فقط مسأله ی گرایش به آخرت و معنویات نیست. فضای معنوی، حتّی برای اداره ی دنیای یک کشور هم مفید است و این به برکت انقلاب در کشور ما به وجود آمد و امروز فضای کشور ما تا حدود زیادی مشحون از معنویت است. لذا شما می بینید وقتی که جای حضور مردم می رسد، توده های مردم چه طور با روحیه و با شادابی، قدم در میدان می گذارند. چه چیزی انگیزه ی مردم است؛ جز همان عامل معنوی؟ من همین جا لازم می دانم از ملت عزیزمان به خاطر شکوهی که در بیست و دوم بهمن امسال آفریدند، تشکر کنم؛ اینها خیلی مهم است.

در همان حالی که تمام مراکز تبلیغاتی دشمن با تمام قوا سعی می کنند مردم را با گذشته ی خودشان و با انقلابشان بیگانه کنند، از امامشان جدا کنند، یاد امام را به فراموشی بسپارند و سعی کنند به خیال خودشان ارزشهای جدیدی را خلق کنند و میان مردم بیندازند، وقتی بیست و دوم بهمن می رسد، شما می بینید که در تهران و شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک و حتّی در نقاط دوردست و بسیاری از روستاها، مردم بیرون می آیند؛ نه کسی از آنها دعوتی می کند، و نه یک عامل مادی وجود دارد؛ اما مردم می آیند؛ این همان عامل معنوی است.

دشمنان ما دچار تناقض اند

من عرض بکنم که طراحان و کمین گرفتگانی که منتظرند از ملت ایران نشانه یی

بروز کند که آنها امیدوار بشوند که مردم با انقلاب میانه یی ندارند و از انقلاب جدا شده اند- که واقعاً کمین هم گرفته اند- اینها دچار تناقضند! از یک طرف بعضی از اظهارات و بعضی از تیترهای روزنامه ها را نگاه می کنند، که نشانه ی این است که همه ی معنویات در این کشور از بین رفته است؛ دیگر از انقلاب و از امام خبری نیست و همه چیز به دست فراموشی سپرده است؛ اینها خوشحال می شوند و خیال می کنند که همین طور است؛ اما بعد نوبت حضور مردم که می رسد- مثل روز بیست و دوم بهمن- ناگهان با سیل عظیم مردمی، با شعار اسلام، با شعار انقلاب، با یاد امام، با بزرگداشت خاطره های پُرشکوه گذشته مواجه می شوند! اینها دچار تناقضند و نمی دانند که چه بکنند؛ لذا در طراحیهایشان دائماً در حال رفت و برگشت و ترددند!

ملت ایران توانسته است با قدرت خود، دشمن خود را گیج کند. به اظهاراتشان نگاه نکنید؛ اظهاراتی که گاهی از روی اقتدار حرفی می زنند که ممکن است بعضیها را مرعوب بکند؛ اما حقیقت قضیه غیر از این است؛ ملت زنده است؛ ملت مؤمن است؛ دلها با اسلام است؛ دلها با امام است. تا امروز هیچ قدرتی نتوانسته است دلهای مردم را از محبت امام و یاد امام و تعظیم و تجلیل شهدا، شهادت و ارزشهای انقلاب خالی کند.

انتخابات هم همین طور است من لازم می دانم به این مناسبت، راجع به انتخابات، دو، سه جمله یی عرض کنم.

انتخابات؛ مظهر حضور مردم و اقتدار ملی

انتخابات، فقط یک پدیده ی سیاسی نیست؛ انتخابات، مظهر حضور مردم، مظهر احقاق حق، مظهر توانایی و اقتدار ملی برای یک کشور است. امروز در دنیا- چه در کشور ما و چه در هر جای دیگر دنیا- روی این حساب می شود که چند درصد از کسانی که می توانستند رأی بدهند، در یک انتخابات شرکت کردند و رأی دادند. از نظر مردم دنیا و تحلیل گران و سیاستگذاران عالم، آن نظامی مستحکم است که تعداد بیشتری از مردمش در هنگام انتخابات پای صندوقها بیایند و رأی بدهند؛ این نشانه ی استحکام یک نظام است؛ که بحمداللّه ما این را در انتخاباتهای گوناگونی که در این سالهای متوالی

داشته ایم، همیشه نشان داده ایم و مردم حضور قوی یی داشته اند.

هم حق و هم تکلیف مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به دست خودشان معین کنند؛ زیرا که کشور متعلق به مردم است. مردم باید بیایند و با انتخاب صحیح و آزادانه، قانونگذارانشان را در قوه ی مقننه معین کنند؛ مجریان خودشان را با ترتیبی که در قانون معین شده است، معین کنند؛ این حق مردم است و متعلق به آنهاست؛ اما تکلیف هم هست. این طور نیست که یکی بگوید من نمی خواهم از این حقم استفاده کنم؛ نه، سرنوشت نظام بسته ی به احقاق و استنقاذ این حق است؛ این تکلیف است؛ باید همه شرکت کنند. نظام جمهوری اسلامی توانسته است این حق را در اختیار مردم بگذارد؛ اما در گذشته ما این حق را نداشتیم. در نظامهای گذشته، مردم از استفاده از چنین حقی محروم بودند؛ نظام جمهوری اسلامی این را داده است؛ باید مردم بروند و استنقاذ کنند.

گاهی یک رأی هم مؤثر است

گاهی یک رأی هم مؤثر است؛ هیچکس نگوید رأی منِ تنها چه تأثیری دارد.

گاهی یک رأی یا چند رأی، در سرنوشت یک کشور اثر می گذارد. شما می توانید با رأی دادن خودتان، آن شخص مؤمن صالح را به مجلس بفرستید. آن کسی که به مجلس رفت، در هنگامه ی حساس- آن جایی که رأی یک نماینده می تواند سرنوشت کشور یا یک قشر، یا سرنوشت اقتصاد را معین کند- رأی او کارساز خواهد بود؛ لذا هیچ وقت کسی نگوید که رأی من چه تأثیری دارد. مهم این است که در روز انتخابات، ان شاءاللّه همه ی مردم- زن و مرد، پیر و جوان، و هرکس که از لحاظ قانونی می تواند رأی بدهد- بروند و رأی بدهند و انتخابات را پُرشور و پُررونق بکنند.

هرکس که به نظام اسلامی علاقه دارد، در این انتخابات شرکت خواهد کرد. هرکس که به سربلندی نظام جمهوری اسلامی علاقه ای دارد، در این انتخابات شرکت خواهد کرد. پیش بینی من این است که آن چنان که ما از این ملت بزرگ و آگاه و هوشمند تاکنون دیده ایم، ان شاءاللّه در این انتخابات هم مردم پُرشور و با علاقه شرکت می کنند و حضور

خودشان را اعلام خواهند کرد و در واقع طرفداری خودشان را از اسلام و نظام اسلامی نشان خواهند داد.

برگزاری انتخابات در فضای آرام و صمیمی

نکته ی دوم این است که انتخابات باید در فضای آرام و با صفا انجام بگیرد؛ دور از تشنج و درگیری و فضای نفرت باشد. بدیهی است که در همه جا نامزدهای گوناگونی با آراء و عقاید و سلایق مختلفی هستند و مردم هم نگاه می کنند و ان شاءاللَّه با شناسایی و با تدبر انتخاب می کنند و رأی خواهند داد؛ این کار باید در فضای آرام انجام بگیرد؛ این افتخار ماست. ما چند روز قبل از این، بیست و یکمین سالگرد انقلاب را جشن گرفتیم و چند روز بعد نیز بیست و یکمین انتخابات را در کشورمان برگزار خواهیم کرد؛ این چیز کمی نیست؛ چیز خیلی مهمی است؛ حالا ـ بنشینند دیگران برای ملت ما غصه بخورند که این کشور باید طرف دموکراسی برود! دموکراسی چیست؟ اگر منظور از دموکراسی، همین حضور و دخالت و شرکت و انتخاب مردم است، بفرمایید کجای دنیا چنین چیزی را سراغ دارید؟! آن کسانی که با پول و قدرت سیاسی امریکاییها سالها بر این مملکت حکومت کردند و همه چیز این مملکت را ضایع کردند، آیا یک بار توفیق پیدا کردند که چنین انتخاباتی را در سرتاسر این کشور به وجود بیاورند؟! بیست و یک انتخابات، در بیست و یک سال؛ این شوخی است؟! در تمام این آزمایشهای بیست ویک گانه، فضای این کشور تا امروز این طور بوده است؛ فضای آرام، فضای صمیمی.

تشنج سیاسی برای انتخابات مضر است

البته بعضیها تبلیغ می کنند و حرف می زنند. فضای خشونت سیاسی و تشنج سیاسی و نفرت، به حال انتخابات مضر است؛ یک عده را از عرصه ی حضور در انتخابات بیزار می کند؛ یک عده را دچار تردید می کند؛ دلها را مرده می کند و امیدها را کم می کند. من می بینم متأسفانه بعضیها با اظهارات خود در برخی از این نوشتجاتی که منتشر می شود،

سعی می کننـد فضـای نفرت را بر جـامعه حاکم کننـد؛ این یکی به جناح چپ بـد می گویـد، آن یکی به جناح راست بـد می گویـد؛ اینهـا کجا می رونـد؟! کجا داریـد می رویـد و چه می خواهیـد؟! چیست این تعبیراتی که ساخته انـد و غالباً هم اینها را دشـمن در دهانشان گذاشـته و پرتاب کرده و یک عـده آدم غافل- حالا نمی گوییم مغرض؛ اما بعضـیشان هم قطعاً مغرضـند- همینها را گرفته اند و مرتب لب می جنبانند و این حرفها را تکرار می کنند؟! چپ و راست چیست؟! این ملت، ملت مسـلمان و مؤمن و یکپارچه یی است. این ملت، با هم این انقلاب را به وجود آوردنـد؛ با هم بیست و یک سال این نظام را حفظ کردنـد؛ بـا هـم یـک خطر بزرگ را در طول هشت سـال جنگی که بر مـا تحمیـل شـده بـود، دفع کردنـد؛ بنـابراین ملت باهمنـد؛ این دیوارکشیها چیست؟! یک عده با یک نامی در گوشه یی، یک عده با یک نامی در گوشه ی دیگری، همین طور مردم را تکه تکه می کنند. البته مردم هم نشان داده اند که به این حرفها اعتنایی ندارند؛ این هم معلوم است. مردم راه خودشان را می روند، کار خودشان را می کنند؛ حالا هم آنها بروند و کار خودشان را بکنند.

باید فضا، فضای آرامی باشد. بعضـیها با اصـرار بر این که قرار است خشونت و تشـنج بشود، ذهنها را دچار تشنج می کنند؛ نه، مردم چنین قراری ندارند. من عرض می کنم، این دو، سه روزی که از حالا تا پایان رأی گیری باقی مانده است- که شاید بعد به مرحله ی دوم هم کشـیده شـود- در تمـام این مـدت، مردم عزیز مـا و بخصوص جوانـان، احساساتشـان را کنـترل کننـد و با عقلشان کار کنند؛ با دو چشمِ باز نگاه کنند و انتخاب کنند.

باید بتوانیم جواب خدا را بدهیم

البته سـلایق هم زیـاد است؛ همه گونه سـلیقه وجود دارد؛ تـا حالا هم همین طور بوده است. هرکسـی طبق سـلیقه ی خود عمل کنـد؛ منتها همه توجه کنند که این انتخابی که ما می کنیم، یک جا می بایست جواب آن را بدهیم. این طور نیست که بگوییم حالا ما یا اصلًا انتخاب نمی کنیم، یا انتخاب می کنیم و کسی چه می فهمد! بله، مردم نمی فهمند که ما چه انتخاب کردیم؛ اما خـدای متعال که تشـخیص می دهـد؛ ما باید جواب او را بدهیم. ما باید محاسـبه کنیم، تحقیق کنیم، بررسـی کنیم و معیارها را ملاحظه نماییم، تا بتوانیم به

خداوند پاسخ دهیم. اگر انسان نمی تواند، از اشخاصی که مورد اعتماد هستند، از کسانی که انسان می تواند در مسائل مهم- در مسائلی که باید به خدا جواب داد- به آنها اعتماد کند، اعتماد بکند؛ اشکالی هم ندارد. بنابراین، باید فضا را، فضای آرامی قرار بدهند و همه مراقب باشند.

بگذارید مردم کار خود را بکنند

من به این کسانی که همین طور یک گوشه نشسته اند و فضا را با تشنج سیاسی و با پُر کردن از موهومات و شایعات، خراب می کنند، نصیحت می کنم که دست از جان مردم بردارند؛ بگذارند مردم کار خودشان را بکنند. نتیجه ی انتخابات هم هرچه بشود، همه قبول دارند. کسی از آحاد مردم و از مسؤولان کشور نخواهد گفت چرا نتیجه ی انتخابات این شد، یا این نشد؛ نه، آن آراء مردم است. بحمداللّه در این کشور قانون محکم است و معیار واضح قانون در مقابل چشم همه هست.

خصوصیت یک نماینده ی خوب در مجلس

نکته ی بعدی هم این است که مجلس باید مجلسی باشد که بتواند در مقابل زورگوییها و زیاده خواهیها و مرعوب کردنها و تطمیع کردنهای قدرتمندان جهانی بایستد و مصالح کشور و ملت را محاسبه کند و دنبال آن برود. امام قدس سره بارها اسم مدرّس را می آوردند. مگر خصوصیت مدرّس چه بود؟ از مدرّس عالمتر هم داشتیم. مدرّس خصوصیت عمده اش این بود که هیچ عامل ارعاب و تهدید و تطمیع و فریبگری در او اثر نمی کرد. همان وقتی که علی الظاهر فضا را بر ضد او آن چنان متشنج کرده بودند که علیه اش شعار می دادند، او ایستاد و حرف خودش را زد؛ این خصوصیت یک نماینده ی خوب در مجلس است.

بعضی ها زود مرعوب می شوند

بعضیها زود مرعوب می شوند! من بارها عرض کرده ام که قدرتهای استکباری- یعنی

همین قدرتهای سلطه گر جهانی- که مرتب روی این کشور و آن کشور دست می اندازند و دولتها و ملتها را زیر یوغ خودش می کشانند، عمده ی کارشان از ترساندن می گذرد.

قدرت واقعیشان آن قدر نیست که بر زبان می آورند. بدیهی است این همه که اینها با این انقلاب و با این کشور بدند، اگر قدرت داشتند، تا حالا این انقلاب این طور رشد نمی کرد و این گونه نمی ماند. آیا این خود دلیل نیست که سلطه گران امریکا و صهیونیستهای عالم، آن چنان که ادعا می کنند، قدرت ندارند؟! اینها عمده ی کارشان را از راه تهدید و مرعوب کردن پیش می برند. نماینده باید کسی باشد که مرعوب نشود. چه کسی مرعوب نمی شود؟ آدمی که دلش به خدا متکی باشد. وقتی انسان به خدا متوکل بود، از هیچ کس مرعوب نمی شود؛ یک نمونه ی زنده اش را در زمان خودمان دیدیم- یعنی امام قدس سره- و هزاران نمونه ی دیگر را در میدان جنگ و در میدانهای سیاست ملاحظه کردیم. این جوانان مؤمن و پاکباخته، از خدا ترسیدند؛ از هیچ کس غیر خدا نترسیدند؛ الَّذِينَ قالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إِيماناً وَ قالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ. در گوشه و کنار، افراد و رادیوها و عوامل دشمن مرتب به اینها می گفتند، علیه شمادارند توطئه می کنند؛ بناست ضربه بزنند؛ بناست چنین بکنند؛ بناست چنان بکنند؛ برای این که اینها را بترسانند؛ اما اینها گفتند نه؛ ایمانشان بیشتر شد؛ گفتند حَسْبُنَااللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ؛ خدا ما را کافی است؛ ما به خدا اعتماد داریم و به او اطمینان می کنیم. آن وقت خدای متعال می فرماید: فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ. بله، وقتی کسی به خدا اتکا بکند، این گونه است. آن کسانی که دوران جنگ را دیدند و در آن صحنه ها بودند، می دانند که من چه می گویم. تمام قدرتهای مسلح عالم دست به دست هم دادند، برای این که بتوانند یک وجب از خاک این کشور را بگیرند؛ بتوانند بگویند مرز ایران از این نقطه چند کیلومتر عقب آمد؛ اما نتوانستند. این ملت در مقابلشان ایستاد؛ لذا نتوانستند. خدا کمک می کند و نمی گذارد دشمن غلبه پیدا کند.

مرعوب شدن، صفت خیلی بدی است. حالا یک وقت انسان در خانه ی خودش نشسته است و مرعوب می شود- این یک نفر آدم است- اما یک وقت انسان در مسند

مسؤولیتی نشسته است- در مجلس است، در دولت است- او اگر مرعوب شد، واویلاست! مرعوب شدن او، یعنی از دست دادن بسیاری از امکانات این ملت! نماینده نباید مرعوب بشود.

نماینده نباید مفتون و فریفته شود

از طرف دیگر، نماینده نباید مفتون هم بشود. بعضیها مفتون و فریفته می شوند و دهنشان باز می ماند؛ اینها آدمهای ساده لوحی هستند که راه حلهای خیالیِ اقتصادی یا سیاسی یا امنیتی یی که با آب و تاب تمام و با رنگ و لعاب گوناگون عرضه می شود، آنها را از خود بی خود می کند! سالها تجربه می کنند؛ اما آخرش خود و دیگران را به خاکستر سیاه می نشانند! بنابراین، مفتون هم نباید بشوند؛ بلکه به دنبال راه حل صحیح، راه حل مستقل، راه حل برخاسته ی از شرایط خاص این ملت و این کشور، راه حل ارائه شده ی از سوی اسلام باشند. اسلام در همه ی مسائل، همه ی راه حلها را داده است؛ ما باید خودمان برویم و پیدا کنیم. اگر ما کج می فهمیم، اگر ما بد می فهمیم، اگر ما دنبالش نمی رویم و نمی رسیم، تقصیر اسلام نیست؛ خودمان را باید اصلاح کنیم.

نماینده، طمع ورز نباشد

نماینده، طمع ورز هم نباید باشد. بعضیها دهانشان که به اندک چیزی از طرف دشمن شیرین شد، همه چیز را از دست می دهند! اگر بخواهید نماینده یی مرعوب نشود، مفتون نشود، دچار طمع نشود، سراغ آدم امین و متدین بروید. معروف است که آدمهایی که خودشان هم امین نیستند، وقتی بخواهند مالشان را نگهدارند، دست یک آدم امین می دهند! امانت، یک ارزش است. ممکن است انسان متدین یک وقت اشتباه هم بکند؛ اما وقتی که فهمید اشتباه کرده، برمی گردد؛ این خیلی ارزش است. اینها مثل آن کسانی نیستند که اگر اشتباه می کنند، پا روی لغزشگاه می گذارند و به طرف جهنم می لغزند؛ وقتی هم فهمیدند، سرحرفشان می ایستند که نخیر، همین است؛ و تا آن اعماق می روند! پس، انتخاب نماینده مهم است.

باید درباره ی نماینده تحقیق کرد

البته تبلیغات هست. متأسفانه این روشهای غربی در خیلی از چیزهای زندگی- از جمله در تبلیغات- غالباً به ضرر ملتهاست؛ خودشان هم حالا در آن مراکز به این تبلیغات خیلی اعتنا نمی کنند. در یکی از این انتخاباتهای اخیر کشور امریکا- با این که این همه هم تبلیغات انجام می شود- گفتند سی و چنددرصد از مردم شرکت کردند! خود آنها از این تبلیغات زده شده اند؛ اما حالا- بعضیها همان سوغاتی را به این جا آورده اند و برای پُر کردن چشم مردم، تبلیغات سبک آنها را انجام می دهند! این تبلیغات ارزشی ندارد.

بایستی نگاه کرد، تحقیق کرد، از انسانهای صالح جستجو و پُرس و جو کرد و به یک شخص رسید؛ هرکس بود، دیگر فرقی نمی کند. اگر شما تحقیق کردید، ولو اشتباه هم کرده باشید، خدای متعال اجر خواهد داد؛ خدای متعال مؤاخذه نخواهد کرد. باید تحقیق کرد و این کار را به بهترین وجهی انجام داد؛ این آزمایشِ بزرگ ملت و دولت و دست اندرکاران است.

مردم باید توی دهان دشمنان بزنند

باز همین اخیراً بعضی از این حضرات امریکاییها لحیه جنبانده اند و راجع به انتخابات حرف زده اند. یکی گفته است که ما داریم با دقت نگاه می کنیم و امیدواریم که فلان طور آدمها به مجلس بیایند! مردم باید توی دهان اینها بزنند. آن یکی گفته است که ما مسأله ی ردصلاحیت شدگان را تعقیب می کنیم! مسؤولان کشور خیلی باید چشمشان باز باشد. چه اتفاقی می افتد که یک دشمن- اینهایی که قطعاً دشمن ملت ایران و دشمن مصالح ایرانند و می خواهند سلطه ی خودشان را مجدداً براین کشور مستقر کنند- از این که کسی صلاحیتش رد شده یا نشده، نگران می شوند؟ آیا این نشانه ی آن نیست که آنچه که به عنوان ردصلاحیت در مراکز قانونی انجام می گیرد، آن چیزی است که درست با منافع قدرتمندان و سلطه گران اصطکاک دارد؟ بعضی از کسانی که نمی فهمند چه می گویند و حرفهاشان را ملتفت نیستند، قدری بیشتر باید دقت کنند.

دشمن کمین گرفته است

دشمن دهان را باز کرده است. یک روز این کشور با همه ی امکاناتش در اختیار امریکا و عوامل امریکا بود؛ انقلاب آمد، مسأله را بکلی دگرگون کرد؛ ملت را مستقل کرد، کشور را مستقل کرد، منابع کشور را مستقل کرد؛ اینها کمین گرفته اند و سینه خوابانده اند، تا بلکه بتوانند مجدداً کشور و منافع کشور و موارد حیاتی کشور و این ملت را در کام خودشان بگیرند؛ ملت باید بیدار باشد؛ و بیدار است. به فضل الهی، حضور مردم در این انتخابات و انتخاب خوبی که این مردم خواهند کرد، یک بار دیگر امریکا و مستکبران و مراکز صهیونیستی را- در هر جای دنیا که هستند- ناکام خواهد کرد.

امیدواریم که خداوند متعال شماها را در این کاری که شروع کرده اید- خدمتگزاری به فریضه ی بزرگ حج- موفق بدارد؛ ان شاءاللّه حج شما را حج مقبولی قرار بدهد؛ این زحماتی را که در این راه می کشید، زحمات مقبول و مشکوری قرار بدهد و بتوانید- چه در رفتنتان، چه در آن جا، و چه در بازگشت حجاج- فضای معنوی کشور را هرچه بیشتر رنگین تر کنید.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام(۲۳/ ۱۲/ ۱۳۷۸ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت اللَّه الحرام

اشاره

(۲۳/ ۱۲/ ۱۳۷۸ ه. ش.)

وَإِذْ یَرْفَعُ إِبْراهِیمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ إِسْماعِیلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ

امت اسلامی از حج استفاده ی شایسته را نمی برد

برادران و خواهران مسلمان!

حج گزاران امّت اسلام! سلام علیکم و رحمهاللَّه

روزی که منادی بزرگ توحید ابراهیم و فرزندش اسماعیل قدس سره پایه های کعبه را در میان درهّ ها و کوههای دور افتاده و خشک بنا می نهادند، دوربین ترین چشمهای بشری نیز نمی توانست آینده ی آن را همچون کانون گرم ایمان و امید و قبله ی دلها و جسمها درگمان آورد. امروز کعبه، مرکز معنوی جهان اسلام و بزرگترین مجمع هرساله ی امّت اسلامی است. سرچشمه ی جوشان عشق و امید، و دریای خروشان عظمت و اعتماد، و محل التقا رودهای بزرگ قومیت ها و ملتها است. اخلاص بنیانگذاران و قبول خدای سمیع و علیم، آن بذر را به چنین درخت پربار و شاخه گستری بدل کرده است.

آیا امّت اسلامی از این منبع پرفیض بهره ی شایسته را می برد؟ پاسخ این سؤال، دردناک و تکان دهنده است.

جهان اسلام دچار دردهای مزمنی است

امروز جهان اسلام دچار دردهای مزمنی است. شاید مهمترین آنها این دردهای

دهگانه است: منازعات سیاسی و مذهبی، سست شدن رشته های اخلاق و ایمان، عقب ماندگی علمی و صنعتی، وابستگی سیاسی و اقتصادی، اسراف و اشرافیگری و غرور درکنار فقر وگرسنگی و ذلّت، ضعیف شدن اعتماد به نفس وامید به آینده در سران، منزوی کردن دین و گسستن آن از سیاست و زندگی، بی ابتکاری در آفرینش مفاهیم نو که قرآن منبع بی زوال آن است، تسلیم در برابر تهاجم فرهنگ تحمیلی غرب، و بالاخره: پایمال شدن عزّت ملتهای مسلمان با ذلّت پذیری و طمعکاری برخی سران سیاسی.

این بیماریها که برخی از برخی دیگر و همه در طول زمان اند در خیانت و بی ارادگی و جهالت و استبداد عناصر داخلی یا از دشمنی و شیطنت و ظلم بیگانگان پدید آمده، بزرگترین ضربه ها را بر امّت اسلامی وارد آورده است.

ناکامیهای جهان اسلام، نتیجه ی این بیماریها و تنها راه خوشبختی و کامیابی، نجات از آن ها است.

سیاستمداران و رجال دینیِ امت اسلامی چاره یی نمی اندیشند

امروز ثروتهای طبیعی جهان اسلام به تاراج می رود، ذخیره ی فرهنگی و فکری گرانبهای آن در زیر حجابی از پوشالهای تبلیغاتی مهاجمان فرهنگی عمداً پنهان می ماند، استعدادها و مغزهای جوان آن ربوده می شود، قوای آنان در منازعات نظامی و سیاسی نابود می گردد، بی مبالاتی و ولنگاری اخلاقی و اعتقادی، از راه مدرنترین ابزارهای ارتباطی، همچون گندابی به درون محیط زندگی و درس و ورزش جوانان آن نشت می کند، نفت آنان، روز بروز بر ثروت کمپانیها و خزانه ی مالیات گیرندگان بیگانه می افزاید و بجای صاحبان اصلی، دشمنان آنان را فربه میسازد، در قلب جهان اسلام و در گوشه و کنارهای آن- در آسیا و افریقا و اروپا- تازیانه ی ظلم و خشم کافران بر پیکر میلیونها مسلمان فرود می آید و فلسطین و لبنان در آتش قساوت صهیونیستها می سوزد، ..

و اینهمه درد و رنج، سیاستمداران و رجال دینی و روشنفکران امّت اسلامی را به چاره سازی برنمی انگیزد.

این در حالی است که در همه جا دستمایه های ارزشمند برای پایه گذاری یک وضع نوین و نجاتبخش، هست و ابزار و انگیزه ی لازم برای تحوّل، بوضوح در همه ی کشورهای اسلامی قابل مشاهده است. امروز کمتر کشور اسلامی است که احساس و انگیزه اسلامی در نسل جوان، و پایبندی عمیق ایمانی در بیشتر مردم، و نگرانی از وضع موجود و امید به دورنمای اسلامی، در آن بطور آشکار دیده نشود.

حصار نومیدی بر گرد ملتهای اسلامی

آنچه می تواند از فعال شدن این امکانات مانع شود، در درجه ی اوّل آن است که قدرت سیاسی در داخل کشورها در سمت و سوی این آرزوها و خواست ها نیست و در مواردی حکومتها با ضعف یا وابستگی یا استبداد و مردم ستیزی که دچار آنند قادر بر همراهی و همکاری با آرزوهای بزرگ اسلامی مردم نیستند.

از سوی دیگر عظمت جهان اسلام و قدرت تاثیرگذاری آن بر وقایع جهانی از چشم آنان پوشیده است و در نتیجه هر ملّتی خود را در برابر فشار قدرتهای اسلام ستیز استکباری تنها می بیند و مقابله با هجوم سیاسی و تبلیغاتی و احیاناً نظامی آنان را ناممکن می یابد.

و بالاخره از سوی دیگر تجربه ی عملی و عینی حاکمیت اسلام در عصر کنونی یعنی جمهوری اسلامی ایران در پشت غبار غلیظی از تبلیغات خصمانه پوشیده است و صدها رسانه ی صوتی و تصویری و نوشتاری و هزاران مغز و قلم مزدور هر روز در کار وارونه نشان دادن حقایق آن، درشت کردن ضعفها و ناکامیهای آن و انکار کردن موفقیتها و پیشرفتهای آنند.

اگر مسلمانان قدر حج را بشناسند و از این نقطه ی التقا و مرکز اجتماعِ همه ساله، بدرستی بهره ببرند بخش مهمّی از این حصار نومیدی و تلقین ضعف که بر گرد ملتها کشیده شده است ویران خواهد شد.

موسم حج، می تواند عظمت و تنوع و اقتدار معنوی و انسانیِ دنیای اسلام را هرساله بطور محسوس در برابر چشم مردمی از همه ی کشورهای مسلمان بگذارد و ارتباط و

شناسائی و تبادل نظر را در میان برگزیدگان هر ملت برقرار سازد. در حج همه ی ملتها می توانند خبرهای حقیقی از حال برادران را به دست آورند و حجاب تبلیغات خصمانه ی دشمنان جهان اسلامی را درنوردند، و با بهره گیری از فضای معنوی بیت اللّه الحرام، خود را برای حرکتی هماهنگ و مخلصانه در راهِ بازگشت به حاکمیت اسلام و کسب عزّت و استقلال و تلاش برای تحولی اساسی در کشورهای خود آماده سازند.

حاکمیت اسلام در کشورهای اسلامی؛ یک زایش مبارک و دردآلود

ایجاد حاکمیت اسلام در کشورهای اسلامی، یک زایش مبارک و البته دردآلود است. مرحله ی بعدی که حفاظت از مولود و تغذیه ی مادی و معنوی و مراقبت از رشد و تکامل روز به روز آن است، بسی دشوارتر و مجاهدت برای آن بسیار طولانی تر است.

در ایران اسلامی، این مولود با انواع دشمنی های آشکار و پنهان مواجه شد و بحمداللّه اکنون در دوران استقلال و ثبات و بالندگی است، و البته طوفانهای دشمنی از سوی خبیث ترین مراکز استکباری و ضداسلامی همچنان از همه طرف او را احاطه کرده است. این نهاد دیریاب چون اولین نمونه در جهان معاصر بود و می توانست الگوی دیگر کشورها شود و منافع امریکا و صهیونیسم و دیگر جهانخواران را در سراسر دنیای اسلام تهدید کند، در معرض دشمنی خشم آلود و سراسیمه ی همه ی مراکز قدرت طلب جهان قرار گرفت؛ تحریکات قومی در داخل کشور، اولین حرکت دشمن بود، فعال کردن هسته های متشکل از مزدوران رژیم گذشته و تدارک کودتاهای نظامی و سپس تحریک یک دولت همسایه به تهاجم از مرزی بطول هزار و سیصد کیلومتر قدمهای بعدی بود که هر کدام به تنهایی برای قلع و قمع یک دولت ملّی کافی بود. ولی جمهوری اسلامی فقط حکومتی ملّی نبود، بلکه بنائی متشکل از همه ی آحاد ملّت با ایمانها و انگیزه های ایمانی عمیق بود. جنگ آن همسایه ی خائن هشت سال بطول انجامید و با اینکه تلاش مغرضانه ی امریکا توانست ما را در معرض بددلی و سوء ظن برخی دیگر از همسایگانمان قراردهد و کمکهای بی دریغ آنان را به سمت متجاوز سرازیر کند، در نهایت، جنگ افروز، خسته و تهیدست و شکست خورده از مرزهای ما عقب نشست.

در همه ی مدّت بیست و یک ساله ی عمر جمهوری اسلامی، امپراتوری خبری استکبار یکسره بر ضد ما تبلیغ کرده و برای بسیج افکار عمومی جهان در مقابله با حکومت اسلامی همه گونه سرمایه گذاری کرده است. سیاست خارجی و دستگاه امنیتی امریکا بکمک کلان سرمایه داران صهیونیست هر چه توانسته اند در ایجاد حصار اقتصادی و معارضه با تلاش سیاست خارجی جمهوری اسلامی، کوشش کرده اند. در سراسر جهان دهها گروهک تروریست یا مجموعه های مزدور سیاسی از وطن فروشان خائن، با پول و وعده و پشتیبانی دشمنان در حال عملیات خرابکارانه اند و صدها شهید نامدار و جاودان که محصول جنایتهای حقیرانه ی این مزدورانند، تاریخ انقلاب ما را رونقِ پایداریِ مظلومانه بخشیده اند.

جمهوری اسلامی، همچنان نیرومند و بالنده پیش می رود

کوتاه سخن آنکه بیش از بیست سال است که جبهه ی دشمن ما که در رأس آن امریکا و صهیونیزم است، با همه ی توان و با همه ی تدبیر و با همه ی تلاش خود با مولود مبارک انقلاب یعنی نظام جمهوری اسلامی می جنگد.

علیرغم آنان بیش از بیست سال است که نظام جمهوری اسلامی یک لحظه را برای رشد و بالندگی و ثبات خود از دست نداده و امروز نیرومندتر از همیشه، همان ندای اسلام و وحدت اسلامی و عزّت اسلامی را که مایه ی پریشانی و سراسیمگی دشمنان است با همان قوّت و انگیزه ی آغاز کار سر می دهد.

امروز یازده سال پس از رحلت معمار و بنیانگذار این بنا، امام خمینی عظیم، جمهوری اسلامی به سمت همان هدفی که او ترسیم کرده و از همان راهی که او نشان داده به پیش می رود.

افتخار این ثبات و اقتدار اولًا متعلق به ذات اسلام و تعالیم راهگشا و عزّت بخش آن و ثانیاً متعلق به ملّت ایران است که مؤمنانه در راه اسلام پانهادند و مخلصانه فداکاری کردند و صبورانه از دستاوردهای آن پاسداری نمودند.

بی شک اگر ضعفهای ما مسؤولان نظام جمهوری اسلامی و کوتاهیها و غفلتهای

موجّه یـا ناموجّه ما نمی بود، امروز جمهوری اسـلامی به برکت احکام و معارف نورانی اسـلام فصل بزرگتری از مشـکلات را پشت سر گذاشته و به هدفهای خود نزدیکتر از این شده بود.

دروغ رذالت آمیز استکبار

امروز مانند همیشه ترفند عمده ی تبلیغاتی اسـتکبار آن است که وانمود کند ملت ایران و دولت اسـلامی آن از هدفهای ترسیم شده ی خود روی گردانده است. این دروغ رذالت آمیزی است که هدف آن نومید کردن شـیفتگان حاکمیت اسلام در سراسر جهان و سست کردن همت جوانان در داخل کشور ما است.

در پی همین خدعه ی اسـتکباری است که پس از بیست و یکمین انتخابات سراسـری ما که نمایندگان مجلس شورای اسـلامی را مشخص می کند، سران استکبار از حضور چیزی که بر آن نام دموکراسی می نهند در ایران ابراز شادمانی کردند. برای آنان دشوار است که به وجود مشارکت مردمی در تمام سالهای بعد از انقلاب تا امروز اعتراف کنند.

دشوار است که بپذیرند انتخابات با همین شور و وسعت در چهار سال قبل برای تشکیل دوره ی قبلی مجلس و در سه سال قبل برای تعیین رئیس جمهور اتفاق افتاده است.

آنان بیهوده خود را به اینکه شاید مخالفان حاکمیت اسـلام و دلدادگان تجدید سـلطه ی اسـتکبار بر ایران، به مراکز قدرت راه یابند دلخوش می کنند. این همان بدفهمی و امید پوچی است که امریکا و مزدورانش را بارها در چالش با نیروی عظیم اسـلام و اراده ی پایدار ملت ایران دچار ناکامی کرده است.

ملت ایران راه اسلام را طی خواهد کرد

اینجـانب بـا اتکـال و اعتمـاد به خداونـد عزیز حکیم، و بـا ایمان عمیق و خلل ناپـذیر به احکام نورانی و نجاتبخش اسـلام، و با معرفت کامل به ملت بزرگی که خود از دل آن برآمده و همه ی عمر را در میان آن گذرانیده و با عشق به آن به سالهای آخر عمر

رسیده ام، به دوستان و نیز به دشمنان اطمینان می دهم که این ملّت راه اسلام را تا رسیدن به هدفهای بزرگ خود طی خواهد کرد و به همه نشان خواهد داد که عزّت و رشد و پیشرفت مادی و معنوی و نیل به کرامت والای انسانی فقط در عمل همه جانبه به اسلام و قرآن است.

امریکا نمی تواند امیدوار باشد که دوباره ایران را در چنبره ی تسلط خود درآورد، که جوشش آرمانخواهی و مطالبه ی حاکمیت اسلام را در کشورهای اسلامی فروبنشاند، که فلسطین را بی دغدغه در آغوش صهیونیستهای نژادپرست و سفاک بیفکند، که موج نفرت از خود را که روز بروز در دنیای اسلام رو به گسترش است بخواباند.

اگر این نگرش در میان دولتهای مسلمان عمومیت پیدا کند پرچم عزت اسلام بطور شایسته در جهان برافراشته می شود، حج کانون همبستگی واقعی و منبع لایزال نیروی اسلامی می گردد، ذخائر طبیعی جهان اسلام در خدمت ملتهای مسلمان درمی آید، فرهنگ غنی و حیاتبخش اسلام مجال کمک به بشریت را می یابد.

از خداوند متعال نزدیک شدن آن روز را مسألت می کنم و از همه ی شما حجاج محترم دعا برای فرج مسلمین جهان و کمک الهی به ملّت مبارز ایران را درخواست می نمایم، و حجاج عزیز ایرانی را به کوشش هر چه بیشتر برای کسب فیض معنوی و حفظ متانت و وحدت و شرکت در جماعات و کسب ذخیره روحی و اخلاقی فرامی خوانم.

والسّلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته

سیّدعلی خامنه ای

بیانات در دیدار کارگزاران حج(۱۰/ ۱/ ۱۳۷۹ ه. ش.)

بیانات در دیدار کارگزاران حج

اشاره

(۱۰/ ۱/ ۱۳۷۹ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

ما باید حج را تقدیر و تقویم درست بکنیم

اولًا از خدای متعال مسألت می کنم این زحماتی را که شما آقایان کشیدید، به چشم قبول و کرم به آنها بنگرد و ان شاءاللَّه این زحمات را از همه تان به بهترین وجهی بپذیرد؛ که این خودش بزرگترین پاداش است. بنده هم به سهم خودم- با این که تشکر من در قبال تشکر صاحب کار، قدری ندارد- از زحمات شما برادران عزیز متشکرم؛ چه جناب آقای ری شهری و آن هدایت کلی حج، چه کارهای اجرایی و سازمان حج، چه برادران دیگر، هر کدام در هر بخشی که مشغول خدمات هستید، ان شاءاللَّه موفق باشید.

آنچه مهم است، این است که ما بایستی حج را تقدیر و تقویم درست بکنیم و به اندازه ی ظرفیت حج، چشم امید به منافع حج بدوزیم؛ لِیَشْهَدُوامَنافِعَ لَهُمْ. البته می شود انسان از چیز خیلی با ارزشی، استفاده ی کوچکی ببرد و نداند که این استفاده نسبت به این موجودی، خیلی کم است. ای بسا یک سنگ خیلی قیمتی رادست یک آدم سنگ نشناسی بدهند، آن را سنگِ ترازو کند؛ دست آدم قدرشناسی که دادند، نگاه بکند، ببیند این سنگِ ترازو نیست، بلکه هر قیراط آن میلیونها ارزش دارد و قدر آن را بداند.

بشر، بسیاری از موهبتهای الهی را قدر نمی داند

امروز بشر، متأسفانه دچار این بلیه ی بزرگ است که بسیاری از موهبتهای الهی

را چه در همین عـالم طبیعت و مـاده، چه در عـالم ارزشـهای معنوی، قـدر نمی شـناسد و نمی دانـد که این چقـدر ارزش دارد. فرض کنیـد نفت را از زمین، بیرون بیـاوریم، خیال کنیم که این نفت را آتش کردیم و چنـد کارخانه را به حرکت انـداختیم و استفاده ی از نفت، همین است؛ در حالی که ای بسا، استفاده ی بهینه از این ماده، این نیست.

مـا ذخـایر دنیـا را هم خـالی کردیم، این مـاده را در آوردیم و مصـرف کردیم، نتیجه اش هم حالاـ این زر و زیورهـا و لوکس بازیهای زندگی شده است! ای بسا که از این اسـتفاده ی بیشتری می شد کرد؛ یک روزی بشـر حسرت و تأسف این را خواهد خورد که ما از این ماده، استفاده ی بهینه نکردیم.

نشان قدرشناسی از حج

همه ی تلاش برای این است که ما حج را آن چنان که شایسـته ی حج است، بشناسـیم؛ خوشـبختانه بعد از انقلاب، این کار به میزان زیادی شده است. الآن همین که از طرف نظام، عالمی مثل آقای ری شهری آن جا می رود و هدایت کلی جریان حج را بر عهـده می گیرد، این نشان قدرشناسـی از حـج است. این که دولت اسـلامی خودش را مسؤول می دانـد و مسایل حـج را در مدیریت متمرکز و صحیحی می گنجاند، این قدرشناسی از حج است و منافعی بر این مترتب خواهد شد و الآن می شود؛ لیکن من همه ی تلاـشم، همه ی جـد و جهـدم در مواجهه ی با مسؤولان این واجب بزرگ، این است که ما به آن مقـداری که الآن در برگزاری حـج، مـوفقیت احسـاس می کنیم، اکتفـا نکنیم؛ این همه ی آن چیزی است که بنـده می خـواهم به آقایـان عرض کنم.

برای کشور، برنامه ریزی شده است

خوب، حالا جناب آقای امینی، آن حرف درست را گفتنـد؛ منتها صدا و سـیما گوشه یی از قضـیه است، همه اش صدا و سـیما نیست. حالا صدا و سـیما بهترین برنامه ها را هم بدهد، شـما خیال می کنید این امپراتوری عظیم خبری که با میلیاردها دلار و با صدها

ایستگاه متمرکز دارند کار می کنند، با یک صدا و سیما خنثی می شود؟! برای کشور، برنامه ریزی شده است؛ یعنی الآن برای کشور، هم از لحاظ واقعی در متن کشور برای مقابله ی با انقلاب، هم از لحاظ انعکاس بهینه ی آن برای ساختن و جهت دادن افکار عمومی دنیا- که خیلی مهم است- برنامه ریزی شده است؛ منتها حسن قضیه این است که ما آن اصالت را داریم که وقتی یک نگرانی در این جا به وجود می آید- یا واقعاً، یا تبلیغاً- عده ی زیادی از کشورهای محروم دنیا بدون هیچ قوم و خویشی با ما، مضطرب و نگران می شوند و به شما مراجعه می کنند. البته اینهایی که به شما مراجعه می کنند، شاید یک صدم واقعیت هم نیستند.

تصمیم قاطع بر تحقق اسلام

آنچه که مهم است، این است که ما در حج بایستی به دنیا آن چیزی را منعکس کنیم که لُب و مغز انقلاب، و لُب و مغز هویت ماست. آن چیست؟ آن تصمیم قاطع بر تحقق اسلام است.

خوب، مسلّم ما در این بیست ویک سال، همیشه که در یک حال نبودیم؛ یک وقت در حال شور و شوق بودیم، همه هم این شعار را می دادند؛ یک وقت مضطرب بودیم، یک وقت تنبل بودیم، یک وقت فعال بودیم، یک وقت کار کردیم، یک وقت هم نکردیم. خوب، حالا هم یکی از دوره هاست، اشکالی ندارد؛ حالتی از حالات متعددی است که ممکن است برای پدیده ی مستمری عارض بشود. ملاـک، این نیست که حالاـ در چه حال است؛ ملاـک، این است که آن چیزی که هدف است، چیست و حرکت به کدام سمت است؛ این باید در حج، تحقق پیدا کند.

یعنی در حج، بایستی بدنه ی حج- در درجه اول بدنه ی کارگزاری حج، در درجه ی بعد بدنه ی عمومی حج، یعنی آحاد مردم- همه با رفتار، با گفتار و با عمل خودشان نشان بدهند که یک زُبرالحدیدی در این جا وجود دارد که عازم است حرکت خودش را ادامه بدهد؛ این، امید می بخشد. این بزرگترین پیام اسلام و انقلاب است که باید در همه ی نوشته ها، در همه ی گفته ها، در نشریه ی زائر، در رادیو و تلویزیون ما و در همه چیز

منعکس بشود. بر این باید اصرار باشد.

اگر ان شاءاللَّه این تحقق پیدا بکند، بقیه ی مشکلات و مسایل، چیزی نیست.

امام قدس سره در میان ما زنده است

نگرانی افراد هم به یک معنا نگرانی به جایی است؛ برای خاطر این که آن تبلیغاتی که دارد در دنیا می شود، این را نشان می دهد که بین اینها اختلاف است، دعواست، فلان است، پشیمان شدند، فلان شدند! وقتی ما با روحیه ی باز آن جا رفتیم و بدون هیچ گونه اضطراب، با تسلط بر خودمان گفتیم که شعار ما اسلام است و حرکتمان حرکت امام است، نگرانی آنها مرتفع می شود.

چون الآن هم، امام خمینی قدس سره با اسم خودش از همه ی مجموعه ی انقلاب، در دنیا مطرحتر است؛ یعنی الآن همه ی حرفهایی که ما داریم، همه ی وزن معنوی و فکری که ما داریم یک طرف، امام هم یک طرف، باز امام سنگینتر است! یعنی شخصیت امام و آن چیزی که از امام می شناختند، بر همه ی این کتابهایی که نوشتیم و حرفهایی که زدیم، برتری دارد. ما بگوییم امام، هنوز زنده است. ما باید این را تبلیغ کنیم؛ باید بگوییم امام در میان ما زنده است، ما دنبال امامیم و تحقق امام را در جامعه می خواهیم.

حالا- چهار نفر آدم کج سلیقه، یا بی عقل، یا مغرض، می چسبند به گوشه یی از حرف امام، که فرض بفرمایید بر این، فلان اشکال وارد است! خوب، وارد باشد؛ غیر معصوم کیست که اشکال بر او وارد نباشد؟! بایستی ما آن کلیّت امام را در دنیا بطور قاطع تبلیغ کنیم. بایستی بطور قوی در دنیا حضور امام را در داخل کشورمان اعلام کنیم؛ اشکالات برطرف خواهد شد.

برای سفر حج، معیار و الگو درست کنید

شما نگاه کنید، ببینید ما براساس تفکر اسلامی خودمان، حج را چه می دانیم، برای چه می دانیم و می خواهیم در این سفر، از این موجود و این قالب جسم و روحی که دارد می رود و بر می گردد، چه ساخته بشود؟ و بعد واقعیات کشورمان چیست؛ دولت چقدر

پول دارد و مردم می توانند چقدر پول بدهند؟ زندگی یک حاجی در داخل خانه اش چگونه است؟ غیر از این حاجی، کسانی که نمی توانند هشتصد هزار تومان برای حج تهیه کنند، آنها چگونه زندگی می کنند؟

باید اینها را نگاه کنیم دیگر؛ اینها واقعیات زندگی ماست. نمی شود ما خودمان را در حصاری قرار دهیم و خیال کنیم حج، مال یک عالم دیگر است؛ نه، حج هم مال همین عالم است. براساس اینها مشخص بکنیم. بعد بیاییم بررسی کنیم که در خانه، هرکس مثلًا روزی سه تا چای می خورد، حالا در سفر حج، چرا باید شش تا چای بخورد؟ این سفر حج چه خصوصیتی دارد؟ توجه می کنید؟ یعنی یک معیار و یک الگو درست کنید.

البته این الگو براساس تفکر صحیح باشد و به تصویب آن کسانی که صاحب نظر در این قضایا هستند، برسانید. بعد این را بطور قالب بگویید که من این جوری اداره می کنم.

همه خواهند گفت که خوب، سلیقه اش این است، دیگر چه کار کنیم.

خوب، از زیارت آقایان خیلی خوشحال شدم. ان شاءاللّٰه موفق باشید.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

بیانات در دیدار حجهالاسلام والمسلمین ری شهری(۱۰/ ۱۱/ ۱۳۷۹ ه. ش.)

بیانات در دیدار امیر الحاج و مدیران و اعضای ستاد حج

اشاره

(۱۰/ ۱۱/ ۱۳۷۹ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

کار شما جزو وظایف همیشگیِ حکومتهای اسلامی است

برادران و خواهران عزیز! خیلی خوش آمدید. امیدوارم امسال هم خداوند متعال باران توفیق و هدایت و فضل خود را بر شما و بر همه ی حجاج بیت اللَّه الحرام فرو بریزد و آنچه که محصول تلاش و مجاهدت شما خواهد شد، ان شاءاللَّه برای اسلام و مسلمین نافع باشد.

جنبه ی شخصی و عبادی عمل شما، مثل خودِ حج، یک جنبه ی اصلی است؛ از آن نباید غفلت کرد؛ این با جنبه ی کاری و تشکیلاتی و اجتماعی آن منافاتی هم ندارد؛ کما این که حج مظهر ظهور و تلألؤ سیاستهای بین المللی و جهانی اسلام است؛ در عین حال با این که مجموعه این معنا را می دهد، اما میان هر فردی با خدای خود و با باطن خود، باید ارتباط مستحکمی وجود داشته باشد؛ اگر این نباشد، آن هم به صورت کامل نخواهد بود.

اگر ظواهر سیاسی و اعلام برائت و حضور بین المللی مسلمانان، بر معنویاتی که در درون هر فردی هست، بر قصد قربت، بر حضور و حال و توجه و تضرع و استغاثه ی هر فردی میان خودش و خدا متکی نباشد، آن بنای باعظمت هم بی رونق و بی تأثیر خواهد شد.

همه چیز از باطن ما می جوشد؛ کار شما هم همین طور است؛ یک کار مهم حکومتی است؛ جزو وظایف همیشگی حکومتهای اسلامی است. راه بردن توده های عظیم حاجی در مراسم پُرمعنا و پُربرکت حج، یک وظیفه است؛ چه روحانی کاروان، چه مدیر

کاروان، چه دست اندرکاران و معاونان و خدمتگزاران، چه مسؤولان فرهنگی، چه مسؤولان تشکیلاتی و اداری، چه نمایندگی رهبری، همه و همه سرگرم تحقق بخشیدن به یک وظیفه ی بزرگ حکومت اسلامی هستند. اگر بخواهیم این کار به بهترین وجهی صورت بگیرد، باید از باطن هر یک از افرادی که دست اندرکار این کار عظیم هستند، رشته ی پیوندی با حضرت حق، با باطن این عالم و با حقیقتِ خود حج برقرار بشود. قصد اخلاص در کار، توجه به خدا، استمداد و هدایت خواستن از او، گذاشتن هر کاری به حساب او، تحمل هر رنجی برای او، بیرون آمدنِ از هر شائبه یی جز ادای تکلیف او، شرایط کار است. اگر این طور شد، آنگاه محصول کار نورانی خواهد شد.

حکومت اسلامی می خواهد مردم را از ظلمات به نور ببرد

همه چیز ممکن است نورانی باشد. گاهی انسان عملی را انجام می دهد؛ این عمل نورانی است، گاهی هم ظلمانی است؛ «وَقُوَّتِی نُورَ الْعَمَلِ». گاهی انسان نیت می کند؛ آن نیت نورانی است، گاهی هم ظلمانی است. بنای حکومت اسلامی این است که مردم را از ظلمات به نور ببرد. ظلمات در درون خود ما زمینه دارد؛ در عالم طبیعت هم مایه های ظلمانی فراوان است؛ در کشاکش مسائل جهان و میان مردم هم ظلمتهای فراوانی سر راه قرار می گیرد. اراده ی دین است که انسان را از ظلماتِ خودخواهی، خودپرستی، شهوت، محصور بودن در مسائل شخصی و بی تقوایی در برخورد با هر کس، با هر چیز و با پدیده های عالم، خارج کند و به نور ببرد؛ نور اخلاص، نور صفا، نور تقوا، نور معنویت، نور هدایت و نور همت بلند برای خدا. اگر این طور شد، جامعه نورانی خواهد شد.

نورانیت در باطن جمهوری اسلامی

اعتقاد راسخ بنده این است که یکی از علل بسیار مهم و اساسی اقامه ی بنای جمهوری اسلامی و دوام آن در مقابل مزاحمتها و اذیتها و خباثتهای دایمی صاحبان زر و زور و نوکرها و دست نشانده های آنها، نورانیتی است که در باطن جمهوری اسلامی

وجود دارد؛ هم در باطن مردم، هم در مقررات، هم در باطن مجریانِ بااخلاص و مؤمنی که بحمداللّه هستند و در هر گوشه یی حضور دارند. آن وقتی این موفقیتها کامل خواهد شد که این نورانیت تعمیم پیدا کند؛ مجریان، همه نورانی بشوند؛ کارگزاران دستگاه در هر یک از قوای سه گانه، همه نورانی بشوند؛ ما معممان، همه نورانی بشویم؛ دست اندرکاران کارهای مادی و معنوی این جامعه در دلِ خود نورانیت به وجود بیاورند؛ آنگاه این دستگاه و این بنا و این حرکت عظیم، در همه ی ابعاد موفق خواهد شد.

دین برای اداره ی زندگی انسان است

حج، فرصت خوبی است. عده یی از آن طرف می خواهند جوانب سیاسی حج، جوانب سیاسی دین و احکام دین را بکلی انکار کنند؛ این هم یکی از آن شیطنت ها و بازیهای بسیار رسوای دشمنان دین است که می گویند دین در امور سیاسی نباید دخالت کند! اگر دین در امور سیاسی نباید دخالت کند، چرا پیغمبر حکومت تشکیل داد؟ چرا بعد از پیغمبر خلفای صدر اول به نام دین بر مردم حکومت کردند؟ چرا امیرالمؤمنین با آن همه تلاش، به استحکام و استقرار حکومت تن درداد؟ دین برای اداره ی زندگی انسان است. زندگی انسان، فقط زندگی در پستوی خانه ها نیست. آن کسانی که می خواهند صحنه ی اقتصاد و سیاست و فرهنگ و فعالیت اجتماعی را محل تاخت و تاز اهواء و شهوات و خباثتهای خودشان قرار بدهند و بندگان خدا را بندگان خود کنند، معارضی که می بینند، دین است. واقعاً وقتی دین در هر میدانی حضور داشته باشد، هیچ قدرتی در مقابل آن تاب مقاومت ندارد. آن جایی که شما می بینید اهل دین شکست خوردند، به این خاطر بود که دین را به میدان نیاوردند و لختِ از مفاهیم دینی و عمل دینی و اخلاص دینی وارد میدان شدند. هر جایی که اهل دین با دین به میدان آمدند، بدون تردید پیروزی متعلق به آنهاست؛ این سنت الهی است؛ وَ لَوْ قاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبارَ ثُمَّ لا يَجِدُونَ وَلِيّاً وَ لا نَصِيراً. بعد می فرماید سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا.

عده یی می خواهند ملت ما را از دین جدا کنند

عـده یی برای این که ملت ایران را از پیروزی هایش، از سـرافرازی هایش، ازالگو شدنش در مقابل ملتهای مسـلمان، از عزتش در دنیـا، از ممـانعتش از ورود غارتگران بین المللی به این کشور، و سایر میـدانهای افتخارآمیز دور کننـد، چاره یی ندارنـد جز این که این ملت را از دینش جدا کنند. دین در اقتصاد جامعه، در فرهنگ جامعه، در روابط سیاسی جامعه، در تعامل مسؤولان بـا مردم- همه جـا؛ آن جـایی که عرصه، عرصه ی دین است- حضور دارد. برای این که دین را از همه ی این عرصه ها بیرون کنند، جنجال می کنند که دین را سیاسی نکنید؛ دین اهل سیاست نیست؛ برای حفظ آبروی دین، باید دین را از سیاست دور کرد؛ آبروی دین در این است که برونـد در معابـد و در کنـج خانه ها و در گوشه ی صـندوقخانه ها اسم خـدا را بیاورنـد! این است آبروی دین؟! پس این که می فرماید:

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الـدِّينِ كُلِّهِ یعنی چه؟ خـدای متعال اسـلام را آورده است تا بر جهان بشـریت خیمه بزنـد و مثل خورشـیدی بر تمام ذرات کائنـات بتابـد و آنها را زنـده کنـد؛ جمهوری اسـلامی رسالتش این است و امام بزرگوار هنرش این بود. هنر بزرگ امام بزرگوار این بود که از قلب حوزه های علمیه و از مرکز فقاهت و دین، با صـلاحیت کافی بیرون آمد؛ این را در دنیا فریاد کرد و دل ملتها را تکان داد؛ چون فهمیدند که حقیقت دین این جاست.

در حج، هویت اسلامی را نشان دهید

آن روزی که دین بـا این چهره ی روشن و درخشـان و پُرحماسه و افتخارآمیز در این جا ظهور کرد، آن هنگامی بود که هرجا قالب افسـرده یی به خاطر دوری از دین، راه خود را از دست داده بود، به جان آمد. در منطقه ی فلسـطین و لبنان، آن جایی که مردم سالهـا بود طعم ذلت را به وسـیله ی دشـمن در کام خودشان حس کرده بودنـد، کسانی بودنـد که در عمرِ خودشان هیچ آشـنایی یی با دین نداشـتند؛ اما گفتند ما اسلام را قبول کرده ایم و در مقابل اسلام خاضع شده ایم و در برابر دشمن ایستادگی می کنیم. اسلام، آن اسلامی است که رهبر عظیم الشأنِ بی نظیر جمهوری اسلامی- امام بزرگوار- آن را بر سر دست گرفت و به دنیا معرفی کرد؛ لذا فلسطین دوباره احیا شد.

امروز هم قضیه همین طور است. شما در حج هویت اسلامی را نشان بدهید. اسلام، هم معنویت است، هم سیاست است، هم نورانیت دل است، هم نورانیت عمل است، هم عزت باطنی انسان است به خاطر ایمان، هم عزت و شکوه ظاهری است به خاطر عظمت اجتماع اسلامی و بنای اسلامی و حکومت اسلامی.

ملت ایران به مسلمانان دنیا عزت داده است

شما بدانید، امروز مردم مسلمان در هر کدام از این کشورهای اسلامی یی که زندگی می کنند، آنهایی که احساسات اسلامی و ایمان اسلامی دارند، آن وقتی که چشمشان از دور به بنای جمهوری اسلامی می افتد و این بنای مستحکم و فاخر را مشاهده می کنند، در دلِ خودشان احساس غرور و عزت می کنند؛ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ؛ عزت، متعلق به مؤمنین است. امروز شما به دنیای اسلام عزت داده اید. ملت ایران با برافراشتن پرچم اسلام، به یکایک مسلمانان در دنیا عزت داده است؛ لذا مسلمانان کشورهای دیگر هم می خواهند دنبال این الگو حرکت کنند. استکبار چاره یی ندارد جز این که این پرچم را از دست شما بگیرد؛ جز این که شما را وادار کند بگویید ما پرچم اسلام و عزت اسلام و حرکت اسلامی را نمی خواهیم؛ همین حرفی که امروز بعضیها دانسته و ندانسته، نابخردانه و ابلهانه در گوشه و کنار می زنند و از آنچه که مایه ی عزت اسلام شده است، اظهار پشیمانی می کنند. در حج نگذارید این پرچم از دست شما بیفتد. در مذاکرات خصوصی و در اجتماعات عمومی نشان بدهید که ملت ایران به برکت اسلام، عزیز و سرافراز شده است و این عزت را تا آخرین نفس از دست نخواهد داد.

امیدواریم خداوند متعال به برکت الطاف و فیوضات خود و با ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیهاللّٰه الأعظم(ارواحنافداه)- که علی القاعده ایشان هم در موسم مشرف هستند و در طواف و در وقوف و در بسیاری از جاها نور وجود مبارک آن بزرگوار یقیناً پرتوافکن خواهد شد- دلهای ما و شما را نورانی کند و این حج و این برائت و این حرکت عظیم را مایه ی عزت مسلمانان، بخصوص عزت ملت عزیز ایران قرار بدهد.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

ص: ۲۷۵

پیام به حجاج بیت الحرام(۱۲/ ۱۲/ ۱۳۷۹ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت الحرام

اشاره

(۱۲/ ۱۲/ ۱۳۷۹ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

الحمدللّه ربّ العالمین والصّلاه والسّلام علی سیدنا محمد و آله الطّاهرین

قال اللّه الحکیم: إِنَّ هذِهِ أُمَّتُکُمْ أُمَّهً واحِدَهً وَ أَنَا رَبُّکُمْ فَاعْبُدُونِ

نمایشگاه عظیم حج در پایگاه وحی و نبوت

موسم حج بار دیگر نمایشگاه عظیم خود را در پایگاه وحی و نبوت بر سر پا کرده و صحنه ی شگفت آور و شورانگیزی پدید آورده است. رودهای خروشان ملتهای مسلمان از همه سوی جهان در این اقیانوس فرو می ریزند و همزیستی امت واحده را در زیر لوای توحید مجسم می کنند. احساسات در هم تنیده ی این مجموعه ی بشری، نمایشگر آرزوها و نیازها و دردها و توانائی های امت عظیم اسلامی ست. سرزمینهای حج، اکنون میزبان مردمی از ایران و عراق، از فلسطین و لبنان، از شبه قاره و شمال افریقا، از ترکیه و بوسنی و از سراسر آسیا و اروپاست. این دلهای پراشتیاق، می توانند ترجمان سخن دل امت اسلامی باشند. حج برای همین نزدیکی و صدا به صدا رساندن مسلمانان سراسر جهان است. رشته ای که اینهمه دل را بهم پیوند می دهد؛ همان پیامی است که نخستین بار از این سرزمین، صلا زده شد و طول و عرض جهان و تاریخ را در نوردید:

پیام توحید و وحدت؛ توحیدِ خدا و وحدتِ امت. توحید، نفی خداوندگاری طواغیت و مستکبران و زر و زور سالاران است، و وحدت، مظهر عزت و اقتدار مسلمانان.

حج، فراتر از هر نوشته و گفتاری، این پیام ماندگار را هر ساله در قالب اجتماع عظیم خود،

بازپردازی می کند و به سراسر جهان اسلام می فرستد. هر مسلمانی در هر بخشی از عالم اسلام، در موسم حج، یک بار دیگر بایـد این حقیقت را بشـناسد که شـکوفایی و سـربلندی و کامیـابی همه جـانبه ی کشورهـای اسـلامی تنها در سایه ی این دو به دست خواهد آمد:

توحید با همه ی ابعاد فردی و اجتماعی و سیاسی آن، و وحدت با مفهوم درست و قابل تحقق آن در دنیای امروز.

سخنان تلخ و شیرین در اجتماع عظیم حج

در اجتماع عظیم حج امسال، دهها سـخن تلخ و شـیرین را از دهها کشور اسـلامی می توان دریافت کرد. هر یک از این پیامها، بار وظیفه ای را بر دوش دیگر برادران می گذارد و مجموع آن دورنمایی از واقعیت امت بزرگ اسلامی را در برابر چشم همه قرار می دهد: سـخن ملت عراق که تطاول و سـتم مداخله گران و دیکتاتوری و بی تدبیری زمامداران، رونق زندگی را از آنان گرفته و فلاکت و زبونی را بر آنان تحمیل کرده است.

سخن ملت افغانستان که تعصبها و کوته نگریها، اجر مجاهدات گذشته ی آنان را بر باد داده و ملتی را دستخوش جهالتِ مشتی غافل و عنود ساخته است. سـخن ملت بوسـنی که سیاست اسلام زدایی از سوی امریکائیان و همدستانشان، هویت اسلامی آنان را بـه خطر افکنـده و حـاکمیت ملی آنـان را بتدریـج در معرض نـابودی نهـاده اسـت. سـخن ملت فلسـطین که پرچم پر افتخـار انتفـاضه را بـا پنجه هـای اسـتوار خود بپا داشـته و با خون جوانان خود، شمشـیر ظلم و قساوت صهیونیسـتها را کُنـد کرده است. سخن ملت لبنان که با پایداری پر شـکوه خود، افسانه شـکست ناپذیری غاصـبان کشور فلسطین را به سُخره گرفته و شکستهای فضاحت بار را به آنان چشانیده است. سـخن ملتهای آسـیای میانه و شرق آسیا و افریقا و اقلیتهای اسلامی در اروپا و امریکا که هر یک از رنجها و شادیها و دشواریها و موفقیتهای خود خبر می دهند. و بالاخره سـخن ملت سـرافراز ایران اسلامی که در آن پایـداری، و ایمـانِ بارور، و تجربه های روزبه روز خود در برابر توطئه ها و دشـمنیها، و عزم راسـخ خود در راه تحقق جامعه ی آرمانی اسلام را به گوش مشتاقان و تحسین کنندگان خود می رسانند.

جهان اسلام در حال گذر از مرحله ی حساسی است

امت اسلامی امروز در حال تجربه ی این موفقیتها و ناکامیها است. هم دولتهای مسلمان و هم ملتها در برابر این واقعیّتها، تکالیف بزرگی بر دوش دارند و جهان اسلام در حال گذار از مرحله ی حساسی از تاریخ خویش است. آشنایی با این تکالیف و احساس تعهد در برابر آن می تواند ورق شوربختی و ضعف را از کتاب تاریخ اسلام بگرداند و بار دیگر صفحه ی عزت و عظمت مسلمانان و درخشش مادی و معنوی دنیای اسلام را بگشاید. امروز دنیای غرب که عامل تشدید کننده ی ضعف و عقب ماندگی کشورهای اسلامی بوده است، دستخوش گرفتاریهای بزرگ و حل نشدنی است. فساد مادیگری و نظام سرمایه سالاری بتدریج نفوذ خود در پایه های آن تمدن مادی را آشکار می سازد و بیماریهای مزمنی را که در زیر تشعشع خیره کننده ی صنعت و سرمایه پنهان مانده بود، بتدریج بر ملا می کند و نزدیکی بحران را به آنان خبر می دهد. دنیای اسلام، نسیم بیداری اسلامی را بر چهره ملتهب و رنج کشیده ی خود حس می کند و نشانه های آن را در جابجای جهان اسلام، بویژه در ایران مجاهد و سربلند و نیز در فلسطین و لبنان به چشم می بیند. فروغ امید، دلهای جوانان را در همه جا روشن کرده و طلسم تحقیر و تحکّم غرب، دَرهَم شکسته است. این فرصت، آسان به دست نیامده و هزاران جان گرامی در راه آن ایثار شده است. از این پس نیز راه، دراز و دشوار، لیکن مطمئن و بی چون و چرا است. در حال حاضر، ملت فلسطین سهم بزرگی در گشودن و پیمودن این راه بر دوش گرفته است، و همه باید به آن ملت مظلوم و شجاع و بیدار کمک کنند. دیگر ملتها و دولتها می توانند در یاری رساندن به ملت قهرمان فلسطین، سهم خود را در پیمودن این راه بر عهده گیرند.

سلاح روانی؛ مهمترین سلاح استکبار

دشمن مستکبر که بیداری امت اسلامی، تهدید کننده ی مطامع و منافع نامشروع اوست، مهمترین سلاحی که در برابر این موج فزاینده در دست دارد، سلاح روانی است:

نومیدسازی، تحقیر هویت، به رخ کشیدن قدرت و تمکّن مادی خویش. امروز و در

آینـده هزاران ابزار تبلیغی به کار افتاده و خواهـد افتاد که مسـلمانان را از آینده ی درخشان نومید و یا به آینده یی که منطبق با نیّات پلید خود آنان است ترغیب کنند. این جنگ فرهنگی و روانی از آغاز دوران اسـتعمار تاکنون، کاری ترین ابزار غرب در سلطه گری اش برکشورهـای اسـلامی بوده است. آماج این تیر زهرآلود، نخست نخبگان و روشـنفکران و سـپس توده ی مردم انـد. مبـارزه با این ترفنـد جز با رویگردانی از فرهنگ تحکّم آمیز و تحمیلی غرب ممکن نیست. فرهنگ غربی بایـد بوسـیله ی نخبگان و روشـنفکران، پالایش شود. عناصـر مفیـد آن جـذب، و اجزاء زیانبار و مخرّب و فسادانگیز آن از ذهن و عمل جامعه های اسـلامی طرد شود. معیار در این پالایش بزرگ، حکمیّت فرهنگ اسلامی و اندیشه های بارور و راهگشا و هدایتگر قرآن و سـنت است. این یـک فصـل اساسـی از مبـارزه ی همه جـانبه و خوش عاقبتی است که علمای دینی و روشـنفکران و نخبگان سیاسـی در سراسـر جهـان اسـلام بر عهـده دارنـد. باميـد آنکه حـج امسال بتوانـد عزم همگان را در پیمودن این راه پر برکت و پرافتخار، راسخ و جازم کند.

از خداونـد متعال توفیق حج مقبول و بهره مندی از فیوضات و برکات این عرصه ی بی نظیر، برای همه حجّاج مسألت می کنم، و بر حضـرت بقیه اللَّه الأـعظم ارواحنا فـداه و عجل اللَّه فرجه که گمان حضور مبارکش در این مراسم سالیانه می رود، به قـدر گستره ی فضل و رحمت واسعه ی الهی، درود می فرستم و دعای مستجابش را در حق همگان آرزو می کنم.

وَ السَّلامُ عَلَیهِ وَ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

علی الحسینی الخامنه ئی

ششم ذی الحجه ۱۴۲۱

۱۲/ ۱۲/ ۱۳۷۹

بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسؤولان(۳/ ۱۱/ ۱۳۸۰ ه. ش.)

بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسؤولان برگزارکننده ی مراسم دهه ی فجر

اشاره

(۳/ ۱۱/ ۱۳۸۰ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

خدمت به مردم، نعمت بزرگی است

بـه همه ی حضـار محـترم خـوش آمـد عرض می کنم؛ هم دوسـتان و عزیزانی که در مسائـل مربـوط به واجبِ بسـیار مهم حج مشـغول خدمتگزاری هسـتند، و هم دوسـتان و عزیزانی که دست اندرکار برگزاری مراسم بسـیار مهم و حساس دهه ی مبارک فجر هسـتند، و هم به همه ی برادران و خواهرانی که تشـریف دارنـد؛ بخصوص کسانی که تحمل زحمت کردنـد و از راههای دور به این مجلس آمدند.

همه ی بخشـهای فعـالیت برای بهتر اداره شـدن مسائـل مردم و کشور، دارای اهمیت است. هر کس در هر جـایی به خـدمت به نظام و کشور و مردم اشـتغال دارد، باید مباهات کند و توفیق و کمک الهی را بطلبد و به معنای حقیقی کلمه شـکرگزار نعمت بزرگ الهی باشد که امروز با برافراشته شدن پرچم اسلام، خدای متعال بر مردم این کشور منت گذاشته و این نعمتها را به آنها بخشیده است. خدمت کردن به مردم، حقیقتاً نعمت بزرگی است.

حج؛ حامل معنویت، وحدت و معرفت

مسأله ی حـج از این جهت یک مسأله ی حساس و مهم و باعظمت است که کمک می کند تا مردم بتوانند از این واجب عظیم الهی به معنای حقیقی کلمه استفاده کنند. از

ظرفیت عظیمی که حج برای مردم دارد- که خدای متعال می فرماید: لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ- آنها را برخوردار کنید؛ خدمت در این راه، حقیقتاً باارزش است. اگر حج، آن طوری که طبیعتِ این واجب اقتضا می کند، تحقق پیدا کند، بسیاری از مشکلات مسلمانها حل خواهد شد. حج، حامل معنویت و وحدت و آگاهی و معرفت است؛ اینها برای ملتهای اسلامی چیز کمی نیست.

نتایج تفرق دنیای اسلام

امروز شما ببینید از تفرق دنیای اسلام و همدل نبودن دست اندرکاران کشورهای اسلامی، بخشی از دنیای اسلام چه می کشد. امروز فلسطین با سبعانه ترین روشها لگدکوب می شود و مردم فلسطین در سخت ترین روزهای ممکن برای یک ملت، دارند روزگار می گذرانند. دنیای اسلام با همه ی امکاناتی که دارد، با وجود میل و علاقه یی که بسیاری از مردم جهان اسلام برای کمک دارند، عملًا کمکی به این قضیه نمی شود؛ این خیلی دردناک است. با نصیحت نمی شود رژیم صهیونیستی را وادار کرد تا ظلم نکند؛ پنجاه سال است که این ظلم ادامه دارد و این روزها به اوج خود رسیده است. جوانها و نوجوانها و زنها و فرزندها و خانه ها و خانواده ها در کوچه ها و خیابانها با تانکها و اسلحه های مرگبار روبه رو شوند و بی هیچ ملاحظه یی این طور سرکوب شوند؛ اینها چیز کمی است؟! آن هم نه یک روز و پنج روز و یک ماه؛ بیش از یک سال است این وضعیت کم و بیش ادامه دارد.

استفاده از حج برای بهبود وضعیت مسلمانان

حج می تواند دنیای اسلام را متوجه مسؤولیت سنگین خود کند. حج می تواند این معرفت را به ملتهای اسلامی بدهد که حضور در صحنه و داشتن موضع قاطع در این قضیه، با منافع خود آنها پیوستگی دارد. بعضی خیال می کنند حمایت از مردم فلسطین، خارج از منافع ملی کشورهاست؛ این اشتباه خیلی بزرگی است. وقتی یک ملت مسلمان به ملتهای دیگر متکی نباشد و از طرف آنها حمایت نشود، این گونه راحت در معرض

تطاول دشمن قرار می گیرد. اگر دنیای اسلام متحد بود، یک ملت این طور مظلوم نمی شد. این قضیه ممکن است برای ملتهای مسلمان دیگر هم پیش بیاید؛ کمااین که دیدید در مواردی برای ملتها پیش آمده است. همبستگی اسلامی، برای دشمنان جهان اسلام و دشمنان ملتهای این منطقه و غارتگران بین المللی، کار را مشکل می کند و اجازه نمی دهد آنها طبق میل خود، هرطور خواستند و انتخاب کردند و مصلحت دیدند، به یک کشور و ملت اسلامی تعرض کنند. پس حمایت عمومی دنیای اسلام از ملت فلسطین، در حقیقت حمایت دنیای اسلام از یک یک کشورهای مسلمان است؛ این ضامن و حامل منفعت همه ی آنهاست؛ این چیز کمی نیست. حج، این معرفت و وحدت و عزم و تصمیم را به آنها می دهد. بنابراین مسأله ی حج و استفاده ی از همه ی ظرفیتهای این واجب عظیم الهی، برای بهبود حال مسلمین جهان و همه ی کشورهای اسلامی، بسیار مهم است. هرچه بتوان در این زمینه، کار و تلاش و خدمت کرد، باارزش است.

مردم دهه ی فجر را قدر می دانند

مسأله ی دهه ی فجر هم همین طور است. بحمداللَّه آحاد مردم در طول این بیست ودو سه سال، در همه ی سالها و در همه ی نواحی کشور نشان دادند و ثابت کردند که به دهه ی فجر به عنوان یادبود روزهای عظیم انقلاب دلبستگی دارند. مردم دهه ی فجر را قدر می دانند. کسانی هم که موجب می شوند حرکت و حضور و ابراز احساسات مردم ممکن و آسان شود- که همین ستادهای بسیار فعال و مفید دهه ی فجر هستند- کارشان بسیار باارزش است.

دهه ی فجر برای کشور ما یک فرصت تاریخی بود و ملت ما را از یک حصار بسیار خطرناک خارج کرد. تا وقتی یک ملت در حصار استبدادِ یک حکومت وابسته و فاسد و ضد مردم و ضد فرهنگ و دین قرار دارد، هیچ چیز زیبا و مطلوبی که زندگی آنها را از لحاظ مادی و معنوی اعتلا ببخشد و پیش ببرد، نمی تواند در بین آنها پا بگیرد. در آن چنان رژیمی، همه جا، پای بیگانه و منافع چپاولگران و اهانت به دین و فرهنگ و هویت ملی و تضعیف کشور پیدا بود؛ و این طبیعتِ آن رژیمهاست. انقلاب، ملت ایران

را از آن حصار خارج کرد و میدان و فرصت داد تا ملت بتواند در فضای آزاد، با اتکای به خود، با قدردانی از استعدادهای درونی خود و با به کارگیری همه ی آحاد مردم در میدانهای عظیم کشور، خود را نشان دهد. البته نمی توانیم ادعا کنیم از همه ی فرصتهایی که انقلاب به ما داد، توانستیم درست استفاده کنیم؛ اما می توانیم ادعا کنیم که انقلاب برای کشور ما یک فرصت تاریخیِ بی نظیر به وجود آورد و این فرصت همچنان در اختیار ملت ایران است.

دشمن سعی می کند دهه ی فجر را از یاد مردم ببرد

دشمنان ملت ایران و هویت ملی و پیشرفت این کشور می خواهند ملت ایران را از این فضای مستعد بالندگی و رشد خارج کنند و باز هم استیلای بیگانگان را بر این کشور برگردانند. یادبود دهه ی فجر، خود مانع بزرگی در راه تحقق این هدف است. سعی می کنند انقلاب را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه ی فجر، انقلاب را به یاد مردم می آورد. سعی می کنند امام را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه ی فجر، تجسم اراده و عظمت امام بزرگوار ماست.

البته شما برادران و خواهرانی که مسؤول این ستادها هستید، باید با دادن آگاهیهای لازم و انجام فعالیتهای فرهنگیِ ضروری، مردم را به بهترین وجه از دهه ی فجر بهره مند کنید. امروز موج سیاسی فرهنگیِ دشمنان بشریت- که البته دشمنان اسلام و بخصوص ملتهای مستقل هم هستند- به صورت خیلی وسیع در همه جای دنیا گسترده شده است؛ مخصوص کشور ما هم نیست. آن ملتی می تواند روی پای خود بایستد و خود را از کمند تسلط مراکز استکباری نجات دهد که بتواند در مقابل این امواج بایستد و با آنها مقابله کند.

وقتی ملت، بیدار و هشیار و متحد باشد و معرفت و آگاهی لازم را کسب کرده باشد؛ وقتی مسؤولان در خدمت منافع مردم باشند و خالصانه و مخلصانه و مجدانه و پیگیر، به دنبال این باشند که اهداف عالیه ی این انقلاب و نظام را برآورده کنند و مردم را از این هدفها برخوردار کنند؛ آنگاه هیچ دشمنی نمی تواند مقاصد شوم خود را در این کشور

پیاده کند. مسؤولانی با جدیت و صداقت مشغول خدمتگزاری هستند؛ مردم هم به معنای حقیقی کلمه در راه اسلام و انقلاب ایستاده اند. ایمان و استقامت و آگاهی مردم، حقیقتاً مثال زدنی است.

مبارزه ی با فساد؛ یک جهاد واقعی

البته دستهایی هم سعی می کنند نگذارند. این که ما اصرار می کنیم باید با فساد و سوء استفاده ی مالی و اقتصادی با جدیت برخورد شود، به خاطر همین است؛ چون اگر دستهای سودجو بتوانند فساد اقتصادی را در میان مسؤولان رایج کنند، ضربه یی به آن کشور می خورد که با هیچ چیز جبران نمی شود. لذا عرض کرده ایم، باز هم تکرار می کنیم:

مبارزه ی با فساد، یک جهاد واقعی و البته کار بسیار دشواری است. اگر این جهاد بزرگ بخواهد موفق شود و پیش برود- که ان شاءاللّه به فضل الهی و به پشتیبانی شما مردم، این کار خواهد شد- یک شرط مهم و اصلی آن این است که همه ی مسؤولان کشور با یکدیگر همدل و شریک باشند. البته رؤسای قوا بحمداللّه در این کار همکاری و همدلی می کنند؛ اما در همه ی سطوح، مسؤولان کشور و قوای سه گانه باید در این راه با یکدیگر همکاری کنند و عزم جدی نشان دهند.

هر کدام از قوا در این زمینه سهمی دارند و باید نقش خود را ایفا کنند. در میان مسؤولان- چه در دولت، چه در قوه ی قضاییه و چه در مجلس- هیچ کس نمی تواند نسبت به این کار بزرگ، که برای سرنوشت کشور و ملت و نظام اسلامی تعیین کننده است، خود را کنار بکشد و شانه از این کار خالی کند؛ همه باید در این زمینه فعال باشند.

در مبارزه ی با فساد، تبعیض قائل نشوید

لازم است در این خصوص هیچ تبعیضی وجود نداشته باشد. دستگاههایی که با فساد مبارزه می کنند، نباید بگویند فساد در فلان جا بد است؛ اما در جای دیگر- اگر باشد- به آن بدی نیست. فساد، فساد است؛ در هرکس فساد وجود داشته باشد، باید با او مبارزه کنند. کسانی که با فساد مبارزه می کنند، باید قاطعانه و بدون مجامله مبارزه کنند و در حق

فاسد و مفسد، مُرّ قانون را اعمال کنند. من به شخص یا پرونده یا موضوع خاصی نظر ندارم؛ برای من اشخاص مطرح نیستند؛ این کار باید به نحو صحیح و قاطع انجام بگیرد و دنبال شود.

کسی که وسوسه می شود وارد میدان فساد مالی شود، باید بداند دردسر این کار زیاد است؛ بفهمد مردم و مسؤولان کشور با این قضیه برخورد می کنند؛ این یکی از شرایط بسیار مهم است.

مواظب باشید فساد به وجود نیاید

از جمله ی چیزهایی که در این مبارزه ی وسیع حتماً باید مورد توجه قرار گیرد، این است که تنها با کسی که فساد کرده و فسادی که تحقق پیدا کرده است، برخورد نشود؛ مواظب باشند فساد به وجود نیاید. بنده به مسؤولان دستگاههای اجرایی و قضایی تأکید کرده ام، بگردند ببینند جاهایی که گلوگاه فساد است، کجاست؛ آن جا را تحت نظارت قرار دهند؛ نگذارند از اول فسادی به وجود بیاید.

البته مواظب باشند تمایلات و احساسات و بازیهای سیاسی و خطی و جناحی و غیره- که دشمنان از این که این چیزها در بین مسؤولان ما رواج پیدا کند، خوشحال می شوند- به میان نیاید؛ جلوی حق را نگیرد و مانِع دیدن و نظر کردن و فهمیدن چشمها نشود؛ بلکه باید بی نظرانه و برای خدا عمل شود. اگر این طور شد، به مملکت سود خواهد رسید.

فساد کمتر، سرمایه گذاری بیشتر

بعضی می گویند مبارزه ی با فاسد و مفسد موجب می شود در کشور سرمایه گذاریهای مالی صورت نگیرد؛ این حرف، غلط و از لحاظ علمی رد شده است.

کسانی که متخصص این کارها هستند و دانش این کارها را دارند، می دانند و می گویند اگر در یک کشور فساد وجود داشته باشد، نسبت سرمایه گذاری در آن کشور پایین می آید؛ اینها ثابت شده است. هر چه فساد بیشتر باشد، نسبت سرمایه گذاری کمتر می شود؛ اما هر

چه فساد کمتر باشد، نسبت سرمایه گذاری رشد پیدا می کند. من خواهش می کنم کسانی که به این مسائل آگاهند، بیایند اینها را برای افکار عمومی تشریح و بیان کنند تا عده یی نتوانند با جنجالی کردن مسائل، این حرکت عظیم را تحت الشعاع قرار دهند.

من شک ندارم، کسانی که نمی خواهند این کشور به سامان اسلامی خود برسد، سعی می کنند جلوی این حرکت را بگیرند. البته مسؤولان ما خوشبختانه قاطع و عازم و جازمند؛ اما ممکن است آن افراد، گرفتاری و جنجال درست کنند.

می خواهند مبارزه ی با فساد را تحت الشعاع قرار دهند

این نکته را هم به همه ی ملت عزیزمان عرض کنم: مواظب و مراقب باشید؛ مبادا با ایجاد یک جنجال در گوشه یی، این حرکت عظیم را تحت الشعاع قرار دهند و به دست فراموشی بسپارند؛ اینها هوشیاری ملت عزیز ما را می طلبد. البته مسؤولان هم باید مواظب باشند و بهانه ها را از دست دشمنان بگیرند. اگر مشکلاتی در بعضی از قشرها وجود دارد، تا آن جایی که امکانات مملکت اجازه می دهد، این مشکلات را برطرف کنند و نگذارند دشمنان بهانه به دست آورند و جلوی حرکت مبارزه ی با فساد را بگیرند.

در سالهای گذشته، شعار مبارزه ی با فساد، مکرر مطرح شد؛ در جلسات، به برخی مسؤولان تأکید شد؛ در محافل عمومی، برای مردم بیان شد؛ اما با همین گونه جنجالها و مغلطه کاریها نگذاشتند پیش برود. مسؤولان عالیِ کشور به کسانی که زندگی آنها در لجنزار فساد و رشدشان با فساد است، نباید اجازه دهند با بهانه های گوناگون، جلوی این کار بزرگ را بگیرند.

هماهنگی بین مسؤولان برای مبارزه ی با فساد

در درجه ی اول، وحدت و هماهنگی و همدلی بین مسؤولان قوا مطرح است.

قوه ی مجریه، قوه ی قضاییه، قوه ی مقننه، نمایندگان محترم مجلس، وزرای محترم، قضات محترم؛ همه ی اینها کارگزاران نظام اسلامی و کارگزاران حضرت بقیهاللّه(ارواحنافداه) و در واقع خدمتگزاران این مردمند. همه خود را خدمتگزار مردم

بداننـد. امروز مردم از مبارزه ی با فساد خرسـند می شوند و آن را مطالبه می کنند. هر کس به مردم علاقه دارد، هر که از زبان مردم حرف می زند و برای آنها کار می کند، باید در این مبارزه پیشقدم باشد.

با فساد مبارزه شود، نه با بی گناه

البته همه ی دست اندرکاران هم باید سعی کنند که در این زمینه، ظلم و ناروایی به وجود نیاید. با فساد و فاسد و مفسد مبارزه کنند، نه با بی گناه؛ این هم باید مراقبت شود.

تبعیض هم نبایـد باشـد- همان طور که عرض کردیم- با یک چشم به افراد نگاه کننـد. اگر این طور شد- که به لطف و فضـل الهی ان شـاءاللّٰه همین طور هم هست و خواهـد بود- آنگاه الطاف الهی شامل حال خواهـد شـد و خـدای متعال کمک خواهد کرد تا این حرکت پیش برود و ان شاءاللّٰه در همه ی بخشها مسؤولان بتوانند به وظایف خود بدرستی عمل کنند.

از خداونـد متعـال می خواهیم که الطـاف خود را بر این ملت عزیز نـازل کنـد و ان شـاءاللّٰه این ایـام- این ماه مبارک و ماه ذی حجه و دهه ی مبـارک فجر- را روزهـا و ماههـای لطف و مرحمت و برکات خود برای ملت و کشور قرار دهـد و قلب مقـدس حضرت ولی عصر را از ما راضی و خشنود و دعای آن بزرگوار را شامل حال ما کند.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه

پیام به حجاج بیت الحرام(۱/ ۱۲/ ۱۳۸۰ ه. ش.)

پیام به حجاج بیت الحرام

اشاره

(۱/ ۱۲/ ۱۳۸۰ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

والحمـدللَّه ربّ العالمین والصّلاه والسّلام علی سـیدالبریّه محمد وآله الطاهرین وعلی صحبهالمخلصـین و السّلام علی عباداللَّه الصالحین. قال اللَّه تعالی: إِنَّ هذِهِ أُمَّتُکُمْ أُمَّهً واحِدَهً وَ أَنَا رَبُّکُمْ فَاعْبُدُونِ.

حج؛ آرزوی دینداران، بهشت ذاکران و فرصت صالحان

حج که آرزوی دینداران و بهشت ذاکران و فرصت صالحان است، بار دیگر فرارسیده است. از سراسر جهان امسال نیز جمعی به این میهمانی عمومی راه یافته اند.

غرقه شـدن در فضـای نورانی عبـادت و خشوع و یادآوری خاطرات صـدر اسـلام و جسـتجو از نشانه های فلاح و عزت که این قطعه از زمین را در آسـمانهای دور دست تاریخ، چون خورشـیدی تابنـاک نشـان میدهـد، نخستین بهره های دل و ذهنِ مسافر تشنه و هوشیار است.

در اینجـا تار و پود تعلّقات و آلودگیها و غفلتها، همراه با لباس و زیور جسـمانی، هرچنـد بطور موقّت از آدمی جـدا می شود و سپید جامه ی احرام، صـفا و پاکی و یکرنگی را بر جسـمها و دلها چیره میسازد. راه برای دیدن و شنیدن و فهمیدنی که مایه ی رسـتگاری ابـدی است گشوده میگردد؛ جوانه هـای صـلاح و معرفت و برادری اسـلامی، سـرسبز میشود، و دست هـدایت الهی نمایان میگردد.

اینجا اردوگاه بزرگ امت اسـلامی، است؛ جایگاه تمرین خـدائی و مردمی شـدن، از «خود» های دروغین و شـرک آلود بیرون جستن، و به «خود» حقیقی و ا لهی پیوستن. اینجا

جایگاه برائت از دیو و دَد و شیطان و پیوستن به جنود رحمان است. جایگاه تجدید عهدِ:

ان لا تعبدواالشیطان و پاسخ به: ان اللَّه بریٌ من المشرکین و رسولُه است. اینجا محلّ تجلی امت واحده ی اسلامی و مظهر عزّت معنوی و قدرت بشری مسلمانان است.

این ویژگیها در روزگار ما که تقابل حق و باطل و نیروهای خیر و شر، در مرحله ی خطیر و حسّاسی است، معنای بارزتری یافته است.

ندای رحمت پیامبر، رساتر از همیشه به گوش می رسد

امروز ندای پیامبر رحمت، رساتر از همیشه به گوش میرسد، و دعوت اسلام که دعوت به عدالت و آزادگی و رستگاری است، با طَنین بیشتری شنیده میشود. پاره های شب سیاه استکبار و ظلم و خودکامگی از سوئی و جهل و خرافه و فریب ازسوی دیگر، بشر را بیش از گذشته، نیازمندِ نور رستگاری و تشنه ی عدل و صلح و برادری کرده است.

امروز ندای ملکوتی: تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الّا نعبد الّااللَّه .. که ردِّ خداوندان زور و زر و صف آرائی در برابر ستم و ستمگر است، گوش و دل اسیران و ستمدیدگان را بیش از همیشه مینوازد، و مژده ی: انّ اللَّه علی نصرهم لقدیر، به آنان دلگرمی و امید می بخشد.

نخستین مخاطب این الهام خدائی ملتهای مسلمانند. بیداری اسلامی، شرق و غربِ جهان اسلام را به جنب و جوش آورده و احساس هویّت و شخصیّت را در آنان باز آفریده است. پرچم عزت و اقتدار اسلامی در ایران به اهتزاز در آمده؛ ملت مظلوم فلسطین با تمسک به شعار اسلام، افقهای صهیونیزم را به یأس و ناکامی انباشته؛ جوانان در کشورهای اسلامی به میدان مطالبات آرمانی پانهاده و در برابر تجاوزگران و مستکبران عالم تهدیدی بزرگ آفریده اند.

آشکار شدن چهره ی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله

امروز به رغم تهمتها و تحریفهائی که به وسیله ی مراکز تبلیغی صهیونیستی و استکباری، سیل آسا به سوی اسلام و منادیان شجاع و فداکارش جاری است، تفکر

اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله چهره ی خود را برای مردم جهان بتدریج آشکار ساخته است.

بتدریج همه در مییابند که اسلام دین عدل و آزادی و رستگاری است، دین خرد و اندیشه و دانش است. اسلام، دینِ زندگی است، امّا زندگی تهی از شرف و آزادگی و عزت را مرگ میشمارد. دینِ عقلانیت است، اما با نفسانیتی که خود را عقلانیت مینمایانـد و دستمایه ی همان کسانی است که پیامبران خدا را مجنون میخواندند، مبارزه میکند. دین اتحاد و برادری و صلح جهانی است، اما اتحاد ظالم با مظلوم و فشردن دست جلاد بر سر جنازه ی شهیدان عدالت را خیانت میشمرد. دینِ واقع بینی و حسابگری است، اما توجیه ستمهای جهانی بنام واقع بینی را گناه میداند. دین احکام جاودانه است، اما جمود و قشری گری را نمی پذیرد. دین اجتهاد و نواندیشی است، اما بدعتگذاری و التقاط را رد میکند. دین گذشت و اغماض است، اما ظلم پذیری و ذلت را مُجاز نمیداند. دین تمدن و علم و آبادانی است، اما علمی را که وسیله ی بردگی و کشتار ملتها و تمدنی را که دستاویز تحقیر انسانها باشد، جهل و وحشیگری میشمرد. دین جهاد است، اما جنگ بی منطق و قدرت طلبانه را جهاد نمی نامد. دین عزت و قدرت و حاکمیت است، اما این را دستمایه ی توجیه وسائل ناشرافتمند نمی سازد.

اسلام، پاسدار حُرمَت و حقوق انسانها است، تضمین کننده اخلاق و فضیلت است، منادی آرامش و امنیت است. زشت ترین دروغ و نا جوانمردانه ترین تهمت را کسانی مرتکب میشوند که اسلام را در مقابله با حقوق بشر و مدنیت و امنیت قلمداد کرده و این را وسیله ئی برای توجیه قدرت طلبی ظالمانه ی خود بر علیه ملتهای مسلمان قرار میدهند.

امت اسلام در تیررس انواع تهدیدها و اهانتهاست

ملتهای مسلمان! علمای دین! روشنفکران، جوانان و غیرتمندان جهان اسلام!

امت اسلام اینک در تیر رس انواع تهدیدها و اهانتها است، استکبارِ عنان گسیخته به سردمداری رژیم امریکا و دلّالی و آتش افروزی رژیم صهیونیستی، از تجزیه و گسست ملتهای اسلامی بیشترین سوءاستفاده را میبرد. قیام خونین ملت فلسطین و پرچم پر افتخار انتفاضه، طرّاحان سیاسی استکبار را خشمگین و سراسیمه کرده و آنان را به

اعمال گستاخانه و قدرت نمایی دیوانه وار وسوسه می کند. حوادث شهریور ماه نیویورک بهانه ی زورگویی های روزافزون کاخ سفید و جنایتهای بی سابقه ی دولت صهیونیست در فلسطین شده است. پس از عملیات فاجعه باری که آمریکا در افغانستان به بار آورد، چهره ی نظامی و خشن دولت ایالات متحده، روز بروز بیش از گذشته فضای جهانی را به ناامنی و جنگ و کشتار تهدید می کند. مبارزه با تروریسم و دفاع از صلح در خاورمیانه به بهانه هایی برای خشونت طلبی و زورگویی امریکا و پوششی برای سلطه طلبی و دست اندازی به منافع و منابع حیاتی ملتها تبدیل شده اند.

شوخی زشت و طعنه زنی به حقیقت

شوخی زشتی است که بانی بیشترین ترورها، و به راه اندازنده ی بیشترین کودتاها، و تولید کننده ی مهلکترین سلاحها، و پشتیبانی کننده ی خطرناکترین تروریستها، مدّعی رهبری مبارزه ی بحقّ جهانی با تروریسم باشد. و طعنه زنیِ وقیحانه یی به حقیقت است که کشتار زن و مرد و کودک فلسطینی و خراب کردن خانه ی فلسطینیان بر سرشان و بیرون راندن آنان از میهن آباء و اجدادیشان، طرفداری و دفاع از صلح نام گیرد.

ایران اسلامی ازسوی سردمداران کاخ سفید به اخلال در روند صلح خاورمیانه متصف میگردد. غافل از اینکه تجاوز ناعادلانه به حقوق ملت فلسطین و غصب سرزمین آنان که بدروغ، صلح نام گرفته است برای ناکامی و بی سرانجامیِ خود، محتاج اخلال کسی و دولتی نیست. این روند ظالمانه به خودیِ خود، محکوم به زوال و ناکامی است، و بیداری غیورانه و فداکارانه ی امروز ملت فلسطین از نشانه های حتمی آن است.

مجاهدت عظیم و مبارک ملت ایران

ایران اسلامی پرچم اسلامِ عزّتمند و و روشن بین و رستگار کننده و آزادیبخش را با تهدید زورگویانه ی مستکبران از دست فرو نمی نهد. ایران اسلامی تروریسم را دشمن سعادت بشر می داند و بهای گزافی را در مبارزه با تروریستهای دست پرورده ی امریکا و اسرائیل پرداخته است. ایران اسلامی تسلیم زور و تهدید و مرعوب چهره ی عبوس

استکبار نمی شود. ملت و دولت ایران مواضع شجاعانه و مستقل و خردمندانه ی خود را که درس ماندگار امام خمینی عظیم است، قدر میدانند و از آن دفاع می کنند. راهپیمایی پر صلابت و سراسری ملت ایران در ۲۲ بهمن امسال پاسخ هوشمندانه یی بود به یاوه سرایانی که به گمان باطل خود خواستند میان مردم و نظام اسلامی یا میان ارکان اصلی نظام، جدایی و فاصله را القا و یا تبلیغ کنند. ملت و دولت ایران تهدیدها و جنگ افروزیهای امریکا را که حاکی از تجاوزطلبی و وحشیگری است محکوم می کنند و منطق ضعیف و رویکرد خشونت طلبی آن رژیم را نشانه ی ضعفها و گسست های اساسی و عمیق در بنیان نظام ظالمانه ی استکباری می دانند.

ملت و دولت ایران، ملتهای برادر را به اتحاد فرا میخوانند و دست برادری به سوی آنان دراز می کنند؛ علما و روشنفکران و سیاستمداران و دنیای اسلام درس وحدت و استقامت و معرفت را برای ملتهای خود تکرار کنند و جوانان بالنده ی این نسل را برای رویارویی با حوادث بزرگ و به دوش گرفتن بار امانتی سنگین و شالوده ریزی امت متحد و یکپارچه ی اسلام آماده سازند.

حج، نقطه ی آغاز و منبع لایزالی برای این مجاهدت عظیم و مبارک است.

از خداوند متعال می خواهم که همه ی شما را با ذخیره یی سرشار از معنویت و معرفت به میهن های خود بازگرداند و دعای حضرت ولیّ اللّه الاعظم را شامل حال امت اسلامی فرماید. وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّه

سیدعلی خامنه ای

بیانات در دیدار کارگزاران مراسم حج(۲۵/ ۱۰/ ۱۳۸۱ ه. ش.)

بیانات در دیدار کارگزاران مراسم حج

اشاره

(۲۵/ ۱۰/ ۱۳۸۱ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

ایام حج؛ اوج کرامت و عظمت

اولًا خوش آمد عرض می کنم. ثانیاً ولادت با سعادت حضرت امام اباالحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام را- که به برکت وجود قبر مطهر آن بزرگوار در سرزمین ما، حضور معنوی ایشان در سرتاسر کشور و در دل آحاد مردم ما آشکار است- تبریک عرض می کنم. امام هشتم علیه السلام ولی نعمت معنوی و فکری و مادی ملت ماست. امیدوارم به برکت این ولادت عظیم و شریف و به برکت وجود آن بزرگوار و معنویت ساطع از قبّه ی مطهر ایشان، خداوند شما را که خدمتگزاران میهمانان و زایران بیت اللّه هستید، مشمول الطاف الهی قرار دهد و دلهای شما را به نور هدایت الهی منور کند!

حرمت ماه های ذیقعدهالحرام و ذیحجّهالحرام و محرم الحرام، به معنای عظمت این ماه ها و احترام بزرگی است که این روزها و شبها و ساعات در تکوین و اراده ی الهی دارد. ایام حج، اوج این کرامت و عظمت است؛ و حضور حجاج در مناسک و در مرکز توحید دنیای اسلام- یعنی مکه ی مکرمه- از بزرگترین برکات ماه های حرام است.

بی جهت نبود که اسلام در میان احکامی که قبل از اسلام بین مردم رایج بود، حرمت ماه های حرام را تقریر فرمود. این طور نبود که فقط پیغمبر اکرم با عرب جاهلیِ آن روزگار مماشات کرده باشد، که چون آنها حرام دانسته اند، اسلام هم اینها را حرام بداند؛ نه، این به معنای آن است که چهار ماه حرام- «مِنْها أَرْبَعَةٌ حُرُم»- حقیقتاً امتیازی دارند؛ کما این که

در طول سال، روزها، شبها، هفته ها و دهه های مشخصی امتیازاتی دارند. این ماه ها امتیاز دارند و همه ی ما باید قدردانی کنیم؛ بخصوص حجاج بیت اللّه الحرام؛ کسانی که امسال به این سعادت عظمی فائز خواهند شد و همچنین شما که خدمتگزاران آنها هستید، باید این ایام را به عنوان مقدمه ی تشرف به آن سعادت عظمی مغتنم بشمارید. امیدواریم خداوند متعال توجهات و هدایات ویژه ی خود را شامل همه ی شما بفرماید و ان شاءاللّه دلهای شما را منور کند.

حج؛ یک واجب استثنایی

حقیقت این است که حج یک واجب استثنایی و یک مراسم عجیب و پُر رمز و راز است. اگرچه در باب حج بسیار گفته اند و همه گفته اند و مطالب شیوا و زیبایی هم بیان کرده اند، اما مسأله ی حج خیلی عمیق تر از چیزی است که ما تا امروز فهمیده ایم. حج، یک حرکت عبادی خالصِ عمیق- خضوع، خشوع، ذکر، عبادت، تضرع و توسل- و با حالت اجتماع است. در کنار هم قرار دادن این دو چیز، مسأله را خیلی پُرمعنا می کند.

اگرچه در اسلام عبادات اجتماعی، مثل نماز جماعت و نماز جمعه و نماز عید وجود دارد، اما این اجتماع عظیم و این مرکزیت دادن به ذکر و توحید و کشاندن همه ی مسلمانها از آفاق عالم اسلامی به یک نقطه ی واحد، خیلی معنا دارد. این که همه ی ملت مسلمان و امت اسلامی با وجود اختلاف لهجه ها و نژادها و عادات و سنن و سلایق و اختلاف مذاهب موظفند در یک نقطه جمع بشوند و اعمال ویژه یی را با هم انجام بدهند و این اعمال هم صرفاً عبادت و تضرع و ذکر و توجه است، خیلی پُرمعناست. معلوم می شود بنا بر نظر اسلام و دید اسلامی، اتحاد دلها و جانها فقط در میدان سیاست و در جهاد نیست؛ حتّی رفتن به درِ خانه ی خدا و کنار هم قرار گرفتن دلها و با هم بودن تن ها و جانها نیز دارای اهمیت است. لذا ملاحظه بفرمایید در قرآن کریم می فرماید: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً. اعتصام به حبل اللّه، تنها تنها فایده یی ندارد؛ «جمیعاً» مهم است. با هم اعتصام به حبل اللّه کنید؛ با هم به نقطه ی اطمینان بخش تعلیم و تربیت و هدایت الهی چنگ بزنید. با هم بودن مهم است؛ دلها با هم، جانها با هم، فکرها با هم، تن ها در کنار

هم. طوافی که می کنید- این حرکت دایره وار بر گرد یک مرکز- نماد حرکت مسلمانان بر گرد محور توحید است. همه ی کارها و اقدامات و همتهای ما باید بر گرد محور وحدانیت الهی و توجه به ذات اقدس ربوبی باشد. این درس، مربوط به همه ی زندگی است. کسانی که می خواهند احکام اسلامی را به کنج خانه ها و عبادتگاه ها و دلها منحصر کنند و فعالیت عرصه ی اجتماع را از دین عاری کنند، به این نکات اسلامی توجه ندارند. سعی بین صفا و مروه یی هم که همه ی آحاد مسلمان باید آن را طی کنند، همین طور است. سعی، حرکت با همت، با شدت، با توجه، با اراده و حرکت آگاهانه است و همه باید با هم حرکت کنند؛ بروند، و بیایند. اجتماع عظیم در عرفات و مشعر و منا هم همین طور است.

این کارهای دسته جمعی عظیم که نظیر آن را در هیچ مذهب و مکتبی و در هیچیک از احکام دیگر اسلامی نمی شود پیدا کرد، نشاندهنده ی عظمت این واجب است. این جا یک ذخیره ی الهی گذاشته شده است که هرکس توفیق پیدا می کند دستی به سمت این ذخیره دراز کند، باید حداکثر استفاده را بکند.

از فرصت حج، همه باید استفاده کنند

هرچه می توانید، در ایام حج از این ذخیره استفاده کنید. این اوقات، هم روزها و زمان، متبرک است و هم مکان، متبرک است. هم از لحاظ زمان، در اوج حرمت ماه های حرام قرار دارد؛ هم از لحاظ مکان، در نقطه ی اعلای مناطق متبرک- که خانه ی خدا و مرکز توحید و توجه نفوس همه ی مسلمانها در همه ی شبانه روزهاست- قرار دارد.

حاجی در آن جا باید رابطه ی خود را با خدا قوی و مستحکم کند؛ با قرآن انس پیدا کند و تضرع و ذکر و حضور را وظیفه ی دایمی خود بداند. انسان گاهی خیلی متأسف می شود که بعضی به آن جا بروند و دنبال کالاهایی بگردند که این کالاها را همه جا می شود پیدا کرد. بعضی، عمر و پول و آبرو و وقت عزیزشان را صرف می کنند تا به بازارهای گوناگون بروند و این کالاها را بیاورند؛ اینها کالاهای معمولی زندگی است و همه جا وجود دارد.

در آن جا کالایی هست که در هیچ جای دیگر نیست: کالای رضای الهی، زیارت خانه ی خدا، زیارت قبر مطهر پیغمبر؛ این کجا دیگر پیدا می شود؟ این مکان و این زمان را دیگر

کجا می شود پیدا کرد؟ از این فرصت باید همه استفاده کنند. شما که میزبانان و میهمانداران و خدمتگزاران حجاج هستید، این نکات را باید دایم به یکایک آنها یادآور شوید. زلال معنویت و هدایت به وسیله ی این مجموعه های مؤمن و علاقه مند، باید دایماً به سوی دلهای تشنه ی حجاج روانه شود. خیلی از این فرصتها در اختیارات امت اسلامی هست که اگر از آنها استفاده بشود، امت اسلامی همان چیزی خواهد بود که قرآن برای او خواسته است: فَلا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَی السَّلْمِ وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ یا وَلا تَهِنُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ؛ شما برترین هستید. البته نه برترین به خاطر نژاد، نه برترین به خاطر این که با خدا خویشاوندی یی دارید- هیچ کس از آحاد آفرینش، نسبت ویژه یی با خدا ندارد- اما شما برترین هستید، به خاطر انتساب به مکتبی که می تواند بشریت را در عصر حیرتش نجات بدهد؛ می تواند در طول قرون، مشعل هدایت را به دست انسانها بدهد و آنها را خوشبخت کند و به نقطه ی امن و امان و تکامل برساند؛ این امتیاز شماست. بقیه ی ادیان، مقدمه ی ورود این دین در معرض اندیشه ی بشریت بود- «انتم الاعلون»- به خاطر این که این ایمان در اختیار شماست؛ از این باید استفاده کنید.

قرآن انسان را هدایت می کند

همین ایمان است که می تواند قدرتهای شیاطین و فراعنه را خرد کند و در هم بشکند؛ همچنان که شکست. روزهای ظهور اسلام، چه کسی خیال می کرد جمع معدود مظلوم کم قوّتی در یک گوشه ی مکه، به برکت این آیات الهی بتوانند بزرگترین تمدن زمان خود را به وجود بیاورند و مدنیت بشری را ارتقاء و رشد بدهند و این قلمرو عظیم و این رمعه ی وسیع را به وجود بیاورند و این طور در عمود زمان، با عزت و افتخار باقی بمانند؟ عده یی خیال می کردند بزودی همه چیز از بین خواهد رفت؛ الظَّانِّینَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ؛ خیال می کردند پیغمبر در هر یک از حوادثی که برایش پیش آمد، موفقیتی به دست نخواهد آورد؛ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ یَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَ الْمُؤْمِنُونَ إِلی أَهْلِیهِمْ أَبَداً.

وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَکُنْتُمْ قَوْماً بُوراً؛ آنهایی که به خدای متعال سوءظن دارند، آنهایی که اهمیت و ارزش گوهر گرانبهای دین را نمی دانند، همان «قوما بورا» هستند؛

ما مسلمانها نباید به آن جا برسیم. قرآن می تواند انسان را هدایت کند؛ از انسانِ لَفِی خُسْرٍ برساند به انسانی که إِنَّکَ کادِحٌ إِلى رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقِیهِ؛ به سوی خدا حرکت و صیرورت پیدا کند و با او ملاقات نماید. این حج، مظهر این قرآن است.

ایمان خالصانه ی مؤمنین طول تاریخ اسلام، از این قرآن ناشی شده است؛ این را باید قدر دانست.

امروز دنیای اسلام دارد ضربه می خورد

مثل همه ی ذخایر دیگر ما، این ذخیره هم مورد تهاجم است. اینهایی که می بینید در مراسم حج دنبال اختلاف افکنی، فتنه انگیزی و ترویج افکار موهوم و خرافی و متحجر خود هستند، همان سرانگشتهای دانسته یا نادانسته یی هستند که دارند این ذخیره را نابود می کنند و از بین می برند. کسانی که نمی گذارند شوکت و شکوه و عزت و عظمت این وحدت به چشم امت بزرگ اسلامی منعکس شود و بازتاب پیدا کند، جزو کسانی هستند که دارند این ذخیره را نابود و ضایع می کنند. کسانی که نمی گذارند وحدت و شکوه عظیم امت اسلامی- آن هم در راه خدا، نه عظمت به عنوان تفاخر، نه عظمت به عنوان استعمار و تحقیر دیگر ملتها، نه عظمت به عنوان جنگ افروزی علیه ضعفای عالم؛ بلکه عظمت در جهت ارزشهای الهی و در راه توحید- به دنیای اسلام منعکس شود، به بشریت ظلم می کنند. امروز دنیای اسلام براثر نادیده گرفتن این ذخیره ی عظیم الهی دارد ضربه می خورد. شما ببینید مستکبران و فراعنه ی عالم، امروز در منطقه ی خاورمیانه با مسلمانها و کسانی که این گوهر عظیم را در بغل خود دارند- که متأسفانه درست استفاده نمی کنند- چه می کنند. ببینید با ملت فلسطین چه می کنند. ببینید برای عراق چه نقشه هایی دارند می ریزند. ببینید برای تصرف منابع مادی و معنوی و ثروتهای این منطقه چه خوابهای خوشی دیده اند. امت اسلام می تواند جلوی اینها بایستد و این حرکات سبعانه را خنثی کند؛ به شرط این که به ریسمان مستحکم و عروهالوثقای الهی توجه کند. شرط دشواری است، اما ممکن است. همه ی آرمانها- از جمله این آرمان- با گفتن و شنیدن و فهمیدن و پای فشردن تحقق پیدا می کند.

مسائل جهانی را با معیار اسلام می سنجیم

یک روز بود که در کشورهای عربی و میان ملتهای مسلمان هیچ نامی از عظمت و شوکت اسلام نبود؛ اما امروز به برکت پای فشاری ملت ایران بر روی آرمان اسلام و فداکاری و قبول مجاهدت، وجود دارد. ملت ایران به نفع امت اسلامی بار سنگینی را بر دوش گرفت. البته بزرگترین بهره را خود ملت ایران و مجاهدان فی سبیل اللّه می برند؛ اما دنیای اسلام هم از مجاهدت آنها بهره مند می شوند. نظام مقدس جمهوری اسلامی که خود را زیر پرچم برافراشته ی اسلام قرار داده است، به همه ی موازین اسلام پایبند است.

ما همه ی مسائل جهانی را با معیار اسلام می سنجیم؛ و این دقیق ترین معیار و بهترین ملاک مصلحت است. نباید خیال کرد چون ما از دید اسلامی به حوادث نگاه می کنیم، نمی توانیم حوادث را تحلیل کنیم یا در حوادث، راهبردِ درست پیدا کنیم؛ بعکس، اسلام به دست ما مشعلی می دهد که جلوی راهمان را ببینیم.

کدام زندگی راحت؟

کسانی که در مقابل زورگویی امریکا و سبعیت و وحشیگری بی نظیر صهیونیستها خود را باخته اند، تسلیم شده اند و حتّی به آنها کمک کرده اند، به خاطر این که ملاحظه ی اسلام را نکرده اند، به این بلیه ی بزرگ دچار شده اند؛ نه دنیاشان درست شد و نه توانستند برای خود شرف و عزت انسانی درست کنند؛ پیش خدای متعال هم مؤاخذند. دولتها و کشورهایی که حاضر نشدند از مظلومیت ملت فلسطین دم بزنند و به طور جدی از آن ملت مظلوم دفاع کنند و الآن هم حاضر نیستند در مقابل زیاده خواهی و زیاده خواری امریکا در این منطقه انتقاد بکنند و جلوی او بایستند، دنیای آنها هم دنیای خوبی نیست.

ساده لوحی است اگر خیال کنیم اینها چهار قدم با امریکا راه می آیند، اما عوضش راحت زندگی می کنند. کدام زندگی راحت؟! تجربه های حول و حوش ما، در دنیای اسلام، پُر از ناکامی کسانی است که نوکر و معاون و همراه شیطان شدند. اینها تا وقتی برای آنها و سرمایه داران و شرکتهایی که پشتوانه ی آن سیاستها هستند، مفیدند، از اینها استفاده

می کنند؛ بعد مثل سنگ استنجای شیطان- به قول مولوی- آنها را دور می اندازند. این تجربه ی موجود ماست.

از ذخیره ی حج استفاده کنید

اسلام به امت اسلامی و حکام اسلامی عزت و قدرت و شجاعت می بخشد تا بتوانند اقدام کنند، بفهمند و راهشان را ببینند. حج فرصت بزرگی است که این حقایق و حقایق فراوانی از این قبیل- که به برکت معرفت اسلامی و هدایت اسلامی در اختیار ما ملت مسلمان ایران است- در اختیار افکار عمومی مردم دنیا گذاشته شود و آنها بیدار شوند. خیلی از دلهای دنیای اسلام بیدارند؛ باید احساس کنند که در سرتاسر جهان اسلام، فکرِ آنها طرفدار دارد تا جرأت و شهامت و شجاعت لازم را پیدا کنند. همه ی اینها در سایه ی معنویت حج است؛ از معنویت حج و بهره برداری از مفاهیم عالی ادعیه و زیارات و آیات کریمه ی قرآن غفلت نکنید. هرچه می توانید، از این ذخیره ی عظمی استفاده کنید. ان شاءاللّه با دست پُر از این سفر برگردید.

از خدای متعال می خواهیم به همه ی شما برادران و خواهران عزیز که در خدمت حجاج هستید و بخصوص مسؤولان محترم این کار بزرگ که حقاً و انصافاً زحمات زیادی می کشند و مشکلات بزرگی را متحمل می شوند و آنها را حل می کنند، توفیق دهد. همچنین از بقیه ی دوستانی که از دارالحدیث و دانشکده ی مربوط به این کار، در این جا تشریف دارند، تشکر می کنیم. امیدوارم همه ی شما مشمول رحمت و لطف و هدایت الهی باشید و ان شاءاللّه بتوانید در این ایام متبرک و در این سفر متبرک بیشترین بهره را از سوی پروردگار متعال به دست بیاورید.

وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه

ص: ۲۹۹

پیام به حجّاج بیت اللَّه الحرام(۱۸/ ۱۱/ ۱۳۸۱ ه. ش.)

پیام به حجّاج بیت اللَّه الحرام

اشاره

(۱۸/ ۱۱/ ۱۳۸۱ ه. ش.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمْ

گردهمایی میلیونی مسلمانان در حج، پدیده ای بی نظیر و شگفت انگیز است. همه ملت های مسلمان از همه جای جهان و از همه قشرهای اجتماعی، در این چند روز در خانه خدا، زادگاه اسلام و پیامبر عظیم الشأن آن گرد می آیند و آیین های پر رمز و راز حج را برپا می دارند. در این شعائر پرشکوه و پرمعنی، پیوند دل ها با خدای بزرگ، پیوند دل ها با یکدیگر، حرکت بر محور توحید، سعی و تلاش همگانی، رمی شیطان و برائت از طاغوت، ذکر و تضرّع و خشوع در برابر خدا، و احساس عزت و عظمت در پرتو اسلام، همه در عمل و بگونه ای نمادین به ملت های مسلمان، آموزش داده می شود؛ و مهربانی و همزیستی با برادران و استحکام و سرسختی با دشمنان، و رها شدن از پیرایه های خودپرستی و پیوستن به دریای عزت و عظمت الهی در قالب مناسک حج تجسّم می یابد.

حج، نِماد امت اسلامی

حج، نِماد امت اسلامی و آموزنده نوع رفتاری است که این امت بزرگ برای تأمین سعادت خود باید در پیش گیرد. می توان حج را در حرکت هدفمند و آگاهانه و متنوّعِ همگان در جهتی واحد خلاصه کرد. تار و پود این حرکت، یاد خدا و همدلی بندگان خدا است، و هدف آن ایجاد پایگاه مستحکم معنوی برای زندگی سعادتمندانه انسان:

جَعَلَ اللَّهُ الْکَعْبَهَ الْبَیْتَ الْحَرامَ قِیاماً لِلنَّاسِ وَ الشَّهْرَ الْحَرامَ وَ الْهَدْیَ وَ الْقَلائِدَ.

امت اسلامی اکنون برابر الگوی حج، به حرکت بزرگ و هدفداری در زندگی واقعی خود نیازمند است و همه، چه دولت ها و چه ملّت های مسلمان، در این مسؤولیّت سهیمند.

اسارت سیاسی و اقتصادی

کشورهای اسلامی در یک قرن اخیر ضایعات جبران ناپذیری را تحمّل کرده اند.

موج استعمار و کشورگشایی غربیان، بیشترین آسیب را به ملت های مسلمان زد که ثروت ها و منابع مادی شان، آنان را آماج تهاجم های همه جانبه دول استعمارگر ساخته بود. حاصل این دست اندازی ها برای مسلمانان، اسارت سیاسی و اقتصادی و عقب افتادگی علمی و مادی بود، و برای استعمارگران، بهره مندی از منابع مادی و انسانی مسلمین و افزودن بر ثروت و قدرت خود از راه غصب و ظلم و جنگ افروزی و خشونت.

پس از گذشت سال های متمادی ملت های مسلمان به خود آمدند و نهضت بیداری مسلمانان و پرچم های حق طلبی و آزادیخواهی در سراسر جهان اسلام، افق های نوید بخشی را در برابر آنان گشود و در نهایت، پیروزی اسلام در ایران و برپا شدن نظام جمهوری اسلامی، آغاز دوران نوینی را برای جهان اسلام اعلام کرد.

بدیهی است که کانون های زر و زور جهان به آسانی تسلیم حق نمی شوند و ملت های مسلمان، راهی دراز و دشوار ولی مبارک و خوش عاقبت در پیش رو دارند.

روندگان این راه اگر استقامت بورزند خود و نسل های پس از خود را از ذلت عقب ماندگی و اسارت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی رها خواهند ساخت و طعم گوارای زندگی در سایه اسلام را خواهند چشید.

این راه، راه مجاهدت علمی، مجاهدت سیاسی و دفاع قدرتمندانه از حقِّ روشن است. در این میدان، مسلمانان مدافع شرف و عزت و حقوق پایمال شده خویشند.

انصاف و وجدان بشری، قاضی آگاه و بی گذشتی است که این مجاهدت مظلومانه را تایید می کند و سنت الهی، پیروزی حتمی آنان را نوید می دهد: أُذِنَ لِلَّذِینَ یُقاتَلُونَ

بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. استکبار جهانی یعنی شبکه در هم تنیده کارتل های نفتی و اسلحه سازی و صهیونیسم جهانی و دولت های وابسته به آنان، با خطری که از سوی بیداری امت اسلامی احساس می کنند، با تلاشی سراسیمه در حال تهاجم اند. مظهر این تهاجم که دارای ابعاد سیاسی و تبلیغی و نظامی و تروریستی است، امروز در رفتار و گفتار خشونت بار و صریح نظامیان حاکم بر ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به وضوح دیده می شود: فلسطین مظلوم و خونین، روزانه در معرض قساوت آمیزترین برخوردهای رژیم غاصب است. ملت فلسطین همه مصیبت ها را از قتل و غارت و تخریب و شکنجه و تحقیر و اهانت، فقط به این جُرم تحمل می کند که جرأت یافته تا حق پایمال شده ی خود را پس از نیم قرن به طور جدّی مطالبه کند.

ملت عراق، نعره های تهدید به جنگ را به این دلیل دریافت می دارد که رژیم امریکا برای تسلط بر جریان حیاتی نفت و غارت باقی مانده ی منابع نفتی این منطقه و حضور مؤثر در کنار مرزهای فلسطین و ایران و سوریّه و عربستان سعودی، لازم می داند در عراق استقرار یابد و سرنوشت آن کشور و بر اثر آن، سرنوشت همه کشورهای خاورمیانه را در چنگ خود بگیرد.

ملت افغانستان فقط به این دلیل در یکسال و چند ماه گذشته بمب ها و سلاح های کشتار جمعی امریکا و انگلیس و نیز دخالت و حضور اهانت بار و اشغالگرانه آنان را بر جسم و جان خود لمس کرده که دولت امریکا منافع نامشروع خود را اینگونه تعریف کرده است.

طمع ورزی شبکه های استعماری

طمع ورزی این شبکه استکباری و ضدبشریت، حد و مرز نمی شناسد. اگر در نیم قرن قبلی، امریکا خود را صاحب اختیار کشورهای آمریکای لاتین می خواست، در نیم قرن کنونی خود را سلطان و دیکتاتور بی قید و شرط همه کشورهای منطقه اسلامی می خواهد. هدف گیری ها و برنامه ریزی های بین المللی و پرضایعه امریکا، همه ناظر به این مدّعای متکبرانه و در عین حال احمقانه است.

شک نیست که امریکا و متحدانش ناکام خواهند شد و دنیا یکبار دیگر شاهد

سقوط یک امپراتوری قدرتمند ولی مَست خواهد بود، همچنانکه هم در افغانستان و هم در فلسطین، محاسبات مستانه آنان غلط از آب درآمد. ولی اگر امت اسلامی- چه دولت ها و چه ملت ها- به موقع و خردمندانه و شجاعانه تصمیم نگیرند، بار دیگر خسارت های سنگین و دیرجبرانی خواهند داشت.

تحرکات دیوانه وار

امریکا در دور تازه ی تحرکات دیوانه وار خود، که پس از حادثه بشدّت مشکوک ۲۰ شهریور آغاز شده، دست به یک حمله تبلیغاتی نیز زده است: یعنی پرچم دموکراسی و تروریزم ستیزی را بر سر نیزه کرده و برای ملت های اسلامی در مذمّت سلاح کشتارجمعی و سلاح شیمیایی داد سخن می دهد. آیا نمی اندیشد که ممکن است مسلمانان بپرسند: اینها را چه دولت ها و شرکت هایی در اختیار رژیم بعث عراق قرار دادند؟ پس نوزده هزار بمب شیمیایی را که ادعا می کنید رژیم بعثی عراق در انبار داشته و چون سیزده هزار آنها را بر سر ایرانی ها ریخته پس شش هزار آن باید موجود باشد و شما به این دلیل حمله آینده خود به کشور عراق را توجیه می کنید، این تعداد سلاح و وسیله شیمیایی از کجا به دست رژیم عراق رسید؟ آیا کسی جز شما و هم پیمانانتان شریک جرم در این فاجعه تاریخی است؟

حامی تروریزم

آیا نمی اندیشد که ادعای مبارزه با تروریزم و متهم کردن گروهی مجهول و نامشخص نمی تواند ملت های مسلمان را که پشتیبانی امریکا را از وحشی ترین تروریست جهان یعنی رژیم اسرائیل می بینند، فریب دهد؟ امریکا با این تحرک تبلیغاتی پرهزینه و دیوانه وار، اکنون در چشم ملت های مسلمان، مظهر دروغ و دغلبازی و حیله گری است.

امریکای متکبّر و مستکبر در فلسطین و افغانستان به هدف های خود نرسیده است و آن هزینه گزاف مادی و معنوی جز خسران نداشته است، و از این پس نیز بر همین گونه خواهد گذشت، ان شاءاللّه.

قبضه کردن اوپک

در عراق نیز ادعا می کند هدفش حذف صدّام و رژیم بعثی است، و البته دروغ می گوید و هدف واقعی اش قبضه کردن اوپک و بلعیدن نفت منطقه و حمایت نزدیکتر از رژیم صهیونیستی و توطئه گری نزدیکتر بر ضد ایران اسلامی و سوریه و سعودی است.

قدر مسلم آن است که اگر امریکا بر عراق چه با جنگ و چه بی جنگ سلطه پیدا کند، اولین قربانی این اشغال خصمانه، ملت عراق و شرف و غیرت و ناموس و ثروت آن ملت تاریخی است. و اگر آن ملت و کشورهای مجاور آن بهوش باشند به این هدف ها هم نخواهد رسید ان شاءاللّه.

سرچشمه ی مقاومت ملتها

استکبار می داند که سرچشمه مقاومت ملت ها و دولت های مسلمان، اسلام و تعالیم رهایی بخش آن است. از این رو جنگ روانی گسترده ای را بر ضد اسلام و مسلمانان آغاز کرده است. پس از حادثه ۲۰ شهریور که قرائن بی شماری انگشت اتهام را به سوی شبکه های پنهان و نفوذِ صهیونیست دراز می کرد، با شتابزدگی نام مسلمانان و اسلام را در ستون اتهام گنجاندند و شب و روز تکرار کردند. جمعی مسلمان را نیز از امریکا و افغانستان و نقاطی دیگر اسیر کرده به زندان ها و شکنجه های مخوف سپردند. نه هرگز اتهام این افراد ثابت شد و نه متهمان نام و نشان دار به چنگ امریکائیان افتادند. اما جنگ روانی بر ضد مسلمین و اسلام متوقف نشد و گویا به این زودی ها هم نخواهد شد.

دین آزادی و عدالت

اسلام دین آزادی و عدالت و حق جویی است. مردم سالاری حقیقی همان مردمسالاری دینی است که با پشتوانه ایمان و مسؤولیت دینی مطرح می شود و همانطور که در ایران اسلامی مشهود است بسیار مطمئن تر و صادقانه تر و مردمی تر از دموکراسی امثال امریکا عمل می کند. دموکراسی که امریکایی ها ادعا می کنند به مردم کشورهای

اسلامی و عربی خواهند داد به اندازه ی گلوله و بمب و موشکشان خسارتبار است. دشمن حتی اگر دانه خرمایی هم به ما بدهد نمی توان مطمئن بود که آن را انباشته از زهری کشنده نکرده باشد. امت اسلامی در افریقا و خاورمیانه و غرب آسیا این را بارها و حتی در همین سال های اخیر آزموده اند.

امت اسلامی در چنین اوضاع حساس و خطیری بیش از همیشه به درس گیری از الگوی حج نیاز دارد: حرکت و نهضتی هدفمند و آگاهانه، و متنوع، و همگانی، در سمت هدف های قرآنی و بر صراط مستقیم اسلام .. قال تعالی: الَّذِینَ آمَنُوا یُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ الَّذِینَ کَفَرُوا یُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ الطَّاغُوتِ فَقاتِلُوا أَوْلِیاءَ الشَّیْطانِ إِنَّ کَیْدَ الشَّیْطانِ کانَ ضَعِیفاً، و قال تعالی: قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ اسْتَعِینُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ یُورِثُها مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ. وَ صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِیّ الْعَظِیم.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّه

السیدعلی الحسینی الخامنه ئی

۵ ذی حجه ۱۴۲۳/ ۱۸/ ۱۱/ ۱۳۸۱

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹